سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران
تاسیس ۱۳۶۹
گنجینه کتب

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه مجلس جمهوری اسلامی ایران
تاسیس ۱۳۱۶
گنجینه کتب خطی

هذا کتاب زاد المعاد فی ...

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السعادة فی الآخرة
والاولی و[illegible] علی سید الوری محمد وعترته ائمة الهدی
بعد میگوید خاطی محمد باقر بن محمد تقی عفی الله عن جرائمهما
[illegible] ح ارواح ضمایر صافیه برادران ایمانی و اخلای
روحانی مینگارد که چون مقدس ایزدی تعا[illegible]
هدایت گمگشتگان بوادی جهالت [illegible]
وصلوة و دعا و عبادات که اشرف [illegible] سعادت
مقرر گردانیده و از حضرات [illegible] ائمه هدی ادعیه
و اعمال [illegible] منقول [illegible] که [illegible] ازانها
و این خادم اخبار ائمه [illegible] را در کتاب بحار
الانوار ایراد نموده ام و اکثر خلق را با عبادات و اشتغال با
[illegible] ل دنیویه وغیرها تحصیل آنها و عمل بجمیع آنها میسر
نیست خواستم منتخبی از اعمال سال و فضائل ایام و لیالی شریفه
و اعمال آنها که باسانید صحیحه و معتبره وارد شده است در

رساله

رساله ارشاد نمایم که عامه خلق از برکات آن محروم نبا
شند و شاید این بنده عاصی را بدعای مغفرت یاد نمایند
و سعی کردانیدم از ارشاد المعاد عصمنا الله [illegible] یهدنا
و ایاهم الی سبیل الرشاد و چون اتمام این رساله و
و انجام این عجاله در زمان دولت عدالت نمو و اوان
سلطنت سعادت اثر اعلی حضرت سید سلاطین زمان
و سرور خواتین دوران شهزاده اورنگ [illegible] نقاوه
احفاد سید المرسلین اب و رونق گلستان مصطفوی چشم
و چراغ دودمان مرتضوی سلطان جم خدم و خاقان [illegible]
[illegible] سلطنت نژادی که تیغ ابدارش برای [illegible] سرهای کفار
[illegible] دار و ار و حسام اتش بارش برای خرمن
[illegible] مصد [illegible] وسل علیهما شواظ
من نار [illegible] شان در استان رفیع
البنیانش با کتساب [illegible] صوفیان
صفوت نشان [illegible] دولت ابد توامان
[illegible] اغصان سدرة المنتهی هم داستان هر که
[illegible] شید چون بید بر خود بلرزید و
هر که [illegible] نفاق در بر کشید صورت مرگ خود را
در آن دیده از جبین قهرش عقده گشای گرههای

کار بنسکان کشاد کی کف دریا نوالش سحاب مزارع طمع
پژمرده کان موسس قواعد ملت و دین مروج شریعت
ابای طاهرین حیاض ساخت درگاه خلایق پناهش از
تقبیل شفاه سلاطین زمان لبریز و خواقین دوران در
صرح ممرد عزت و جلالش برزبان بندای قد مسنا الضر
ایها العزیز اعنی لسلطان الاعظم والخاقان الاعدل
الاکرم ملجاء الاکاسرة وملاذ القیاصرة محیی مراسم
الشریعة الغراء ومشید قواعد الملة البیضاء السلطان
بن السلطان وخاقان بن الخاقان الشاه سلطان الحسین
الموسوی الحسینی الصفوی بهادرخان لازالت رایات
دولته مرفوعة ورایات اعدائه مقموعة مبشر گردید که
ان بارگاه خلایق مسند گاه گرداید امید که مقبول طبع اشرف
گردد وان عالیحضرت از فوایدان منتفع گردند بمحمد واله
الطاهرین والله الموفق والمعین وان مشتملست بر چهار
باب وخاتمه **باب اول** در فضایل واعمال ماه مبارک رجب
است وان مشتمل است بر پنج فصل **فصل اول** در بیان فضیلت
اینماه و عبادت انست بدانکه این ماه وماه شعبان وماه
رمضان بهترین ماههای سالند واز حضرت رسالت
پناه منقولست که هرکه حرمت ماه رجب وشعبان را بدارند

و وصل نماید روزهٔ افطار را بروزهٔ ماه مبارک رمضان این ماهها
ماههای مبارک در روز قیامت گواهان او باشند نزد حق
و در آن روز منادی از افق اعلی ندا کند که ای رجب و شعبان
و ماه رمضان چگونه بود است عمل این در شما ها و طلب
او از برای خدا همراه این ماهها گویند که این بنده نوشته کرد
در ماهها یاری بر طاعت ترا و استمداد فضل و رحمت از تو
نمود و سعی بسیار در طلب خوشنودی تو کرد و تا توانست الحاح
در تحصیل محبت تو نمود پس گواهی دهند ملائکه که موکلند
بر این ماهها که ما یافتیم این بنده را مکرر طلب کند عطا
و خوشنودی تو و امیدوار رحمت و آمرزش تو بود و آنچه را
نهی کرده بودی ترک کرد و آنچه از او طلبیده بودی اطاعت
نمود و روزهٔ کامل از برای تو داشت و شکم و فرج و گوش
و چشم و سایر جوارح او را از آنچه بر او حرام کرده بودی اجتناب
کردند و روزها را با تشنگی بشب رسانید و در شب ها
خود را بتعب انداخت برای بندگی و تصدق بفقرا و مساکین
بسیار داد و احسان بسیار نسبت به بندگان تو نمود و با
اینها ماهها مصاحبت نیکو کرد و چون از اینها جدا شد وداع
نیکو کرد و بعد از رفتن اینها از محرمات تو نکردید و
نیکو بنده بود این بنده پس حقتعالی فرماید که بر بیدار این بنده

را ببوی بهشت واستقبال کنند واو را ملائکه خدا بنجهها
دکرامتها واو را بر شتران واسبان نور سوار کنند وببرند ببوی
نعمتی که هرکز زوال ندارد وخانه که ویران نمی شود وسرائی
که جوانانش پیر نمیشوند وشادی وخوشحالی آن زوال ندارد
وهرکز ایشان را تعب نمی باشد واز عذاب ایمن میکردند و
مشقت حساب از برای ایشان نیست وایضا از انحضرت
منقولست که ماه رجب ماه بزرک خداست وماهی در
حرمت وفضیلت بان نمیرسد وقتال با کافران در این ماه
حرامست ورجب ماه خداست وشعبان ماه منست
وماه رمضان ماه امت منست کسی که یک روز از ماه رجب
روزه دارد مستوجب خوشنودی بزرک خدا کردد وغضب
الهی از او دور کردد ودری از درهای جهنم بر روی
او بسته کردد وبسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقولست
که هر که یک روز از ماه رجب روزه بدارد اتش جهنم
یکساله راه از او دور کردد وهر که سه روز از آن روزه
دارد بهشت از برای او واجب کردد وایضا فرمود که رجب
نام نهریست در بهشت از شیر سفیدتر واز عسل شیرین
تر هر که یک روز از رجب روزه دارد البته از ان نهر
بیاشامد وبسند معتبر از حضرت صادق منقولست که

حضرت

حضرت رسول فرموده ماه رجب ماه استغفار امت من است
پس بسیار در اینماه طلب آمرزش کنند که خدا آمرزنده و
مهربانست و رجب را اصب میگویند زیرا که رحمت خدا
در اینماه بر امت من بسیار ریخته میشود پس بسیار بگویند
أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ و بسند معتبر از حضرت صادق
[illegible] منقولست که هر که سه روز
از ماه رجب را روزه بدارد هر روز ثواب روزه یکساله برای
او بنویسند و هر که هفت روز از آن روزه بدارد هفت
در جهنم بر روی او بسته گردد و هر که هشت روز از آن
روزه بدارد هشت در بهشت بر روی او گشوده گردد
و هر که پانزده روز از آن روزه بدارد خدا او را حساب
آسان کند و هر که جمیع ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی
خوشنودی خود را برای او بنویسد و هر که خدا خو
شنودی خود را برای او بنویسد هرگز او را عذاب
نکند و ابن بابویه ره بسند معتبر از سالم روایت کرده
است که گفت رفتم بخدمت حضرت صادق در اواخر ماه
رجب که چند روز از آن ماه مانده بود چون نظر مبارک
آنحضرت بر من افتاد پرسید که آیا روزه گرفته در اینماه
گفتم نه و الله ای فرزند رسول خدا فرمود که آنقدر ثواب

از تو فوت شده است که قدر آنرا بغیر از خدا کسی نمیداند
بدرستی که اینماه میست که خدا از این ماههای دیکر فضیلة
داده است و حرمت آنرا عظیم کردانیده است و برای روزه
داشتن آن کرامی داشتن را بر خود واجب کردانیده است
پس کفتم یا بن رسول الله اکر در باقی مانده این ماه روزه بدارم
ایا بعضی از ثواب روزه داران فایز میکردم فرمود که ای
سالم هرکه یک روز از آخر اینماه را روزه بدارد خدا اورا
ایمن کرداند از شدت سکرات موت و از هول بعد از مرک
و از عذاب قبر و هرکه دو روز از آخر اینماه روزه بدارد ایمن
کرداند از ترس بزرک روز قیامت از شدتها و هولهای آن روز
و برات بیزاری از آتش جهنم را باو عطا کنند و ایضا از
حضرت امیر المؤمنین روایت کرده است که هرکه یک روز
از اول ماه رجب یا از وسط یا از آخر آن روزه بدارد کناهان
کذشته اش آمرزیده شود و هرکه سه روز از اول یا میان
یا آخر ماه رجب را روزه بدارد کناهان کذشته و آینده اش
آمرزیده کردد و هرکه یکشب از شبهای آنرا احیا کند حق تعالی
اورا از آتش جهنم آزاد کرداند و قبول کند شفاعت اورا
در هفتاد مرد کناهکار و هرکه در اینماه تصدقی از برای
خدا بکند خداوند غفار در بهشت نعمتی چند باو عطا

کرچشم

که چشمی ندیده باشد و گوشی نشنیده باشد و بر خاطر کسی خطور
نکرده باشد و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده
است که چون روز قیامت شود منادی از میان عرش ندا
کند که کجایند رجبیون پس گروهی برخیزند که نور روی ایشان
جمیع محشر را روشن کرده اند و تاج پادشاهی بر سر ایشان باشد
که مکلل باشد تاج ایشان بمروارید و یاقوت و با هر یک
از ایشان هزار ملک بوده باشد از جانب راست و هزار
ملک از جانب چپ همه او را گویند که گوارا باد ترا کرامت
حق تعالی ای بنده خدا پس خداوند عز و جل ندا کند بشارت باد
ای بندگان و کنیزان من بعزت و جلال خودم سوگند یاد
کنم که شما را در مأوای نیکو ساکن گردانم و عطاهای شما را
بزرگ گردانم و عطا کنم بشما از بهشت غرفها که نهرها در زیر
آنها جاری باشد و همیشه در آن غرفها باشید و نیکو مزد است
مزد کارگذاران از برای من بی آنکه بر شما واجب گردانم روزه
داشتید از برای من در ماهی که حرمت آنرا عظیم گردانیده
بودم و حق او را واجب ساخته بودم ای ملائکه من بندگان و
کنیزان مرا داخل بهشت گردانید پس حضرت فرمود که این همه
ثوابها برای کیست که چیزی از ماه مبارک رجب را روزه دارد
اگر چه یک روز باشد از اولش یا میانش و بسند معتبر از حضرت

امام رضا روایت کرده است که روز اول ماه رجب را روزه
بدارد حق تعالی در قیامت از او خوشنود شود و هر که دو روز را
روزه بدارد حق تعالی بغایت از او خوشنود و راضی شود و او را
خوشنود گرداند و هر که سه روز از آن روزه دارد خداوند
کریم از او راضی گردد و خصمان او را از او راضی گرداند در
قیامت و هر که هفت روز از آن روزه بدارد چون بمیرد
درهای هفت آسمان برای روح او گشوده شود تا بملکوت
اعلی برسد و هر که هشت روز از آن روزه بدارد هشت
در بهشت بر روی او گشوده شود و هر که پانزده روز از آن
روزه بدارد هر حاجت که از حق تعالی بطلبد بر آورد مگر
آنکه سؤال او برای گناهی باشد یا متضمن قطع رحم باشد
و هر که تمام ماه را روزه بدارد از گناهان بیرون آید مانند
روزی که از مادر متولد شده باشد و از آتش جهنم آزاد
گرداند و داخل بهشت گردد با برگزیدگان و نیکوکاران
و احادیث در این باب بسیار است و این رساله گنجایش
ذکر آنها ندارد **فصل دویم** در بیان اعمال است که کسی که
از روزه عاجز باشد یا بر او دشوار باشد بعوض آن بعمل
آورد در بعضی از روایات معتبره وارد شده است که یک
روزه مستحبست یک درهم تصدق کند که موافق زرهای

این زمان

زرهای آن زمان ها تقریبا هفتاد دینار بوده باشد و در بعض
دیگر عوض روزه یک مد از گندم یا جو وارد شده است
و احوط در مد صد درم شاهیست و ظاهرا که صد درم
کهنه کافی بوده باشد و در روایتی در خصوص روزه ماه
مبارک رجب یک گرده نان نیز وارد شده است اگر قادر
بر روزه نباشد و حمل کرده اند بر کسی که پریشان باشد و قادر
بر درهم و مد نباشد و ایضا در خصوص روزه ماه رجب
از حضرت رسول (ص) وارد شده است که بعوض روزه اگر
قادر بر آن نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند
تا ثواب روزه سُبْحانَ الإلٰهِ الجَلیلِ سُبْحانَ مَنْ لا
تا بیابد — پاک است خدای بزرگوار پاک است آنکه سزاوار نیست
یَنْبَغی التَّسْبیحُ إلّا لَهُ سُبْحانَ الأعَزِّ الأکْرَمِ سُبْحانَ مَنْ
تنزیه مر برای او پاک است آنکه غالب تر است پاک است آنکه پوشید
لَبِسَ العِزَّ وَهُوَ لَهُ أهْلٌ و در روایات معتبره وارد شده است
بپوشد جامه عزت او را حال آنکه او سزاوار است آن
که هرکه بمنزل برادر مؤمن خود وارد
شود و قصد روزه سنت کرده باشد و او طعامی حاضر
سازد و او را تکلیف کند ثواب افطار کردن زیاده از
ثواب روزه داشتن هفتاد برابر و اگر اظهار نکند
که روزه ام ثوابش بیشتر است و برابر یکساله روزه

است و زن را روزهٔ سنت باشد بی رخصت شوهر
و غلام و کنیز را بی رخصت مالک و فرزند را بی رخصت
پدر و مادر و مهمان را بی رخصت میزبان و میزبان را بی رخصت
مهمان از احادیث ظاهر میشود که خوب نیست و مشهور
میان علما آنست که روزهٔ سنت مملوک بدون اذن
مالک باطلست و همچنین روزهٔ سنت زن بی رخصت
شوهر صحیح نیست و در پدر و مادر مشهور آنست که روزهٔ
سنت فرزند بدون اذن ایشان مکروه است و باطل
نیست و بعضی گفته که بی رخصت پدر باطل است
و احوط آنست که بدون اذن پدر و مادر روزهٔ سنت
ندارد و در روزهٔ سنت مهمان بدون رخصت مهماندار
نیز خلافست و احوط آنست که مهمان و مهماندار هیچ
یک بی رخصت دیگری روزهٔ مستحب ندارند اگرچه
اظهر آنست که مکروهست **فصل سیم** در بیان اعمال ماه
و روزهاست بسند معتبر منقولست که حضرت امام
زین العابدین ع در روز اول ماه رجب این دعا را میخواندند
و علما ذکر کرده اند که در هر روز سنت است خواندن یا من یملک حوائج السائلین
ای آنکه مالک است حاجتهای خواهندگان را
و یعلم ضمیر الصامتین لکل مسئلة منک سمع حاضر

وجواب

وَجَوائِزُ عِنْدَكَ اللّهُمَّ وَمَواعِيدُكَ الصّادِقَةُ وَأَيادِيكَ

وجوایزاست خوبا بر خداوندا وعدهای تو راست و نعمتهای تو

الْفاضِلَةُ وَرَحْمَتُكَ الْواسِعَةُ فَأَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلى

بزرگ و رحمت تو فراگیرنده است پس درمیخواهم از تو اینکه رحمت فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْضِيَ حَوائِجِي لِلدُّنْيا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ

محمد و آل محمد و اینکه برآوری حاجتهای مرا بجهت دنیا و آخرت بدرستی که

عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و بسند معتبر منقولست که حضرت

بر همه چیز توانائی

صادق هر روز ماه رجب این دعا میخواندند

خابَ الْوافِدُونَ عَلى غَيْرِكَ وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلّا لَكَ وَضاعَ

نومید شدند واردشدگان بر غیر تو و زیان کردند خواهش آیندگان مگر از تو و تباه شدند

الْمُلِمُّونَ إِلّا بِكَ وَأَجْدَبَ الْمُنْتَجِعُونَ إِلّا مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَكَ

درخواست کنندگان مگر از تو و قحط زده شدند طالبان معروف مگر از طلب تو معروف

بابُكَ مَفْتُوحٌ لِلرّاغِبِينَ وَخَيْرُكَ مَبْذُولٌ لِلطّالِبِينَ

درگاه تو گشوده است برای خواهشمندان و خیر تو بخشیده شده برای طلب کنندگان

وَفَضْلُكَ مُباحٌ لِلسّائِلِينَ وَنَيْلُكَ مُتاحٌ لِلْآمِلِينَ

و احسان تو حلال کرده برای درخواست کنندگان و عطای تو مهیا شده برای امیدداران

وَرِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصاكَ وَحِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ

و روزی تو پهن گسترده برای آنکه نافرمانی کرد ترا و بردباری تو در پیش است برای

ناواكَ عادَتُكَ الْإِحْسانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ وَسَبِيلُكَ

کسی را که دشمنی کند با تو عادت تو [illegible]

الابقاء على المعتدين اللهم فاهدني هدى المهتدين

مرا ودرحم كردن است بر تجاوز كنندگان خداوندا پس هدايت كن مرا مانند هدايت

وارزقني اجتهاد المجتهدين ولا تجعلني من الغافلين

وروزى كن مرا كوشش كوشش نمايندگان ومگردان مرا از بى خبران

المبعدين واغفر لي يوم الدين وايضا بسند معتبر

[illegible] دور شدگان وبيامرز مرا در روز جزا

منقولست كه محمد ابن

ذكوان بخدمت حضرت صادق عرض كرد كه فداى

تو شوم اين ماه رجبست مرا دعائى تعليم نما كه حق تعالى

مرا بان دعا نفع بخشد حضرت فرمود كه در هر روز

از ماه رجب در صبح وپيشين وبعد از همه نمازها در شب

ودروز اين يا من ارجوه لكل خير وامن سخطه عند

دعا را بخوان

اى آنكه اميد دارم او را براى هر نيكى وايمنى ميجويم از غضب او نزد

كل شر يا من يعطي الكثير بالقليل يا من يعطي من لم

[illegible]

يسئله ومن لم يعرفه تحننا منه ورحمة اعطني

[illegible]

بمسئلتي اياك جميع خير الدنيا وجميع خير الاخرة

بسبب سؤال كردن من از تو همه خير دنيا وهمه خير آخرت

واصرف عني بمسئلتي اياك جميع شر الدنيا وشر

[illegible]

الاخرة

الآخِرَةِ فَاِنَّهُ غَيرُ مَنقُوصٍ مَا اَعطَيتَ وَزِدنِي مِن فَضلِكَ
آخرت را زیرا که بحقیقتی کم نمیگردد آنچه تو عطا فرمائی و زیاده کن از برای من احسان جود

یا کَرِیمُ پس حضرت ریش مبارک خود را بدست چپ گرفتند
ای بزرگوار وانگشت سبابه دست راست خود را بجانب راست
وچپ حرکت میدادند واین دعا را خواندند ودست بر
تا از آب دیده اش محاسن یا ذَا الجَلالِ وَالاِکرامِ یا ذَا النَّعماءِ
مبارکش تر شد ای خداوند بزرگواری وگرامی داشتن ای خداوند
وَالجُودِ یا ذَا المَنِّ وَالطَّولِ حَرِّم شَیبَتِی عَلَی النّارِ وشیخ طوسی
وبخشش ای خداوند عطا واحسان حرام گردان پیری مرا بر آتش بسند معتبر
روایت کرده است که حضرت صادق بمعلی ابن خنیس گفت
که در ماه رجب این دعا را بخوان اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ صَبرَ
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو
الشّاکِرِینَ لَکَ وَعَمَلَ الخائِفِینَ مِنکَ وَیَقِینَ العابِدِینَ لَکَ
شکر گذاران تو را وکردار ترسندگان از تو را ویقین پرستندگان تو را
اَللّهُمَّ اَنتَ العَلِیُّ العَظِیمُ وَاَنَا عَبدُکَ البائِسُ الفَقِیرُ
خداوندا تو بلند مرتبه بزرگ مقداری ومن بنده بدحال محتاج توام
وَاَنتَ الغَنِیُّ الحَمِیدُ وَاَنَا العَبدُ الذَّلِیلُ اَللّهُمَّ صَلِّ
وتو بی نیاز ستوده ومن بنده ذلیل خوار بار خدایا رحمت بفرست
عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَامنُن بِغِناکَ عَلی فَقرِی وَبِحِلمِکَ عَلی
بر محمد وآل محمد وتفضل فرما ببی نیازی خود بر فقر من وبحلم خود بر

وَقُدْرَتِي وَبِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي وَبِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعْفِي يَا قَوِيُّ

و بحلم خود بر نادانی من و بتوانائی خود بر ناتوانی من ای توانا

يَا عَزِيزُ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ

ای غالب خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل و وصیهای پسندیده گان

وَاكْفِنِي مَا اَهَمَّنِي مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و دفع کن از من آنچه را که غمگین سازد مرا از امر دنیا و آخرت ای بخشنده ترین بخشندگان

و از روایت سید بن طاوس ره ظاهر میشود که این دعا جامع ترین دعاها است و در همه اوقات میتوان خواند و شیخ طوسی و سید و دیگران بسندهای معتبر از حضرت صاحب الامر روایت کرده اند که سنت است که در هر روز از روزهای ماه مبارک رجب این دعا را بخوانند

اَللَّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم تورا

بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي وَابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ

بحق دو فرزند متولد شده در ماه رجب محمد بن علی دوم و پسر او علی بن

مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ وَاَتَقَرَّبُ بِهِمَا اِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرَبِ يَا مَنْ اِلَيْهِ

محمد برگزیده باشند و نزدیک میجویم بسبب این دو بسوی تو بهترین نزدیکان ای کسیکه بسوی

الْمَعْرُوفُ طُلِبَ وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغِبَ اَسْئَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ

او طلب کرده میشود و در آنچه نزد اوست رغبت کرده میشود سوال میکنم ترا مانند سوال

مُذْنِبٍ قَدْ اَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ وَاَوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ فَطَالَ عَلَى

گناهکار که هلاک کرده است او را گناهانش و بسته است او را عیبهایش پس دراز شد بر

الخطایا

عَلَى الْخَطَايَا ذُنُوبُهُ وَمَنْ لَمْ تَزَلْ بِأَخْطُوبِهِ تَسْئَلُكَ التَّوْبَةَ

بر گناهان کوشش او و از معصیتها امور عظیمه او که درخواهد از تو توبه

وَحُسْنَ الْأَوْبَةِ وَالنُّزُوعَ عَنِ الْحَوْبَةِ وَمِنَ النَّارِ فَكَاكَ رَقَبَتِهِ

و نیکوئی رجوع را و باز ایستادن از گناهان و در آوردن از آتش آزادی گردن

وَالْعَفْوَ عَمَّا فِي رِبْقَتِهِ فَأَنْتَ مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ

و در گذشتن را از آنچه دارد در ربقه خود پس تو ای آقای من بزرگترین آرزوی او و اعتماد اوئی

اَللّٰهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ وَوَسَائِلِكَ

خداوندا و سؤال میکنم ترا بسؤالهای بلند پایه تو و وسیلهای

الْمُنِيفَةِ أَنْ تَتَغَمَّدَنِي فِي هٰذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ

رفعت تو ای آنکه بپوشانی مرا در این ماه برحمتی از خود واگیرنده

وَنِعْمَةٍ وَازِعَةٍ وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا قَانِعَةٍ إِلَى نُزُولِ الْحَافِرَةِ

و نعمتی باز دارنده و نفسی که آنچه باشد بآنچه روزی کرده تو او را قانع و خشنود تا فرود آمدن در قبر

وَمَحَلِّ الْآخِرَةِ وَمَا هِيَ إِلَيْهِ صَائِرَةٌ واز حضرت رسول

و رسیدن آخرت و آنچه نفس بسوی آن رونده است منقولست که در

جمیع ماه رجب هر بامداد و پیشین أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

هفتاد مرتبه بگوید طلب آمرزش میکنم از خدا و رجوع میکنم بسوی او

پس دستها را بسوی آسمان اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ

بردارد و بگوید خداوندا بیامرز مرا و بمن توبه را بگردان

واین استغفار در جمیع سال سنتست و هزار مرتبه

سورهٔ قل هو الله احد در جمیع ماه خواندن ثواب بسیار دارد
وارد شده است اگر خواهد در یک روز بخواند و اگر خواهد
در هر روز قدری بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده
باشد و ایضاً منقولست که هر کس هزار مرتبه لا اله الا الله
در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود و حق
شهری در بهشت برای وی بنا کند و در هر شب از شبهای
ماه رجب هزار مرتبه لا اله الا الله وارد شده است صد
مرتبه این استغفار نیز منقولست و در جمیع ماه اگر چهار
صد مرتبه بخواند اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَحْدَهُ
فضیلت بسیار دارد [illegible]
لَا شَرِیکَ لَهُ وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ و از حضرت امیر المؤمنین منقولست
که حضرت رسول فرمود که هر که [illegible]
شب یا روز ماه رجب و شعبان و رمضان سه مرتبه سورهٔ
حمد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و سه مرتبه
بگو سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَکْبَرُ وَ لَا
[illegible]
حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ و سه مرتبه اَللّٰهُمَّ صَلِّ
[illegible] بگوید [illegible]

علی محمد

عَلَیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و سه مرتبه اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
بر محمد و آل محمد بکوید خداوندا بیامرز مؤمنان گروه مرد و زنان گروه
و چهار صد اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ بکوید گناهانش را
طلب آمرزش میکنم خدا را و رجوع میکنم بسوی او
مرتبه خدا بیامرزد و اگر
چه بعدد قطرهای باران و برگ درختان و کف دریاها
باشد و در روز عید حق تعالی او را ندا کند که براستی تو
دوست مائی و بهر حرف نور اشفاعتی میدهم در برادران و
خواهران مؤمن تو و حضرت فرمود که اگر در عمری کار این را
بعمل آورد حقتعالی بهر حرف هفتاد هزار حسنه باو عطا
کند که هر حسنه از جمیع کوههای دنیا سنگین تر باشد
و هفتصد حاجت او را برآورد و هفتصد حاجت او را در وقت
بیرون آمدن از قبر و محل آزاد در وقت پرواز کردن نامهای
اعمال و نزد سنجیدن اعمال در میزان و نزد صراط برآورد
او را در سایهٔ عرش خود جای دهد و حساب کند او را حساب
آسان و هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند تا داخل
بهشت شود و باو عطا کند چیزی ندیده باشد و گوشی نشنیده
باشد فصل چهارم در بیان فضایل و اعمال شب و روز اول ماه
تا روز پانزدهم در شب اول ماه غسل سنت است و منقول است
که هر که در شب اول ماه رجب و شب پانزدهم و شب

آخر ماه غسل کند از گناهان بیرون آید مانند روزی که از
مادر متولد شده و در وقت دیدن ماه دعای صحیفهٔ
کامله را بخواند که بهترین دعاها است و هفت مرتبه
سورهٔ حمد را بخواند تا از درد چشم ایمن گردد و در هر ماهی از
سنتها است و منقولست که چون اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنَا
ماه رجب را ببینید بگوئید خداوندا طالع گردان این ماه را بر ما
بِالْاَمْنِ وَالْاِیْمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ رَبِّی وَرَبُّکَ اللّٰهُ
با ایمنی و ایمان و سلامتی و اسلام پروردگار من و پروردگار تو خدا
عَزَّ وَجَلَّ و در شب اول و روز اول زیارت حضرت امام حسین
فضیلت بسیار دارد و در حدیث معتبر وارد شده است
که هر که در اول رجب آنحضرت را زیارت کند بهشت او را
واجب شود البته و احیای شب اول سنت است و از
حضرت صادق منقولست که تا توانی محافظت نما
بر احیای شب عید ماه رمضان و شب عید قربان و شب
اول محرم و شب عاشورا و شب اول رجب و شب نیمه
شعبان و در این دعا و نماز و تلاوت قرآن بسیار بکن و بسند
معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که در شب اول
رجب بعد از نماز اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِاَنَّکَ مَلِیکٌ
عشا این دعا را بخوان خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو بسبب آنکه تو پادشاهی

وانك

وَاَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرٌ وَاَنَّكَ تَعْلَمُ مَا تَشَاءُ مِنْ اَمْرِي يَكُنْ اَللّٰهُمَّ

بتحقیق که تو بر همه چیز توانائی و بتحقیق تو میدانی آنچه خواهی آن را از امر من خداوندا

اِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ

من رو آورده ام بسوی تو بوسیله پیغمبر تو پیغمبر رحمت رحمتهای تو بر او و بر آل او

وَاٰلِهِ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ اِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَى اللّٰهِ رَبِّي وَرَبِّكَ

ای محمد ای فرستاده خدا بدرستی که من رو آورده ام بسوی خدا پروردگار من و پروردگار تو

لِيُنْجِحَ بِكَ طَلِبَتِي اَللّٰهُمَّ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَبِالْاَئِمَّةِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِهِ اَنْجِحْ

تا اگر برآورد حاجت مرا بار خدایا بحرمت پیغمبر تو محمد و بحرمت امامان از اهل بیت او

طَلِبَتِي پس حاجت خود را طلب نماید و بیست رکعت

برآور حاجت مرا

نماز نیز وارد شده است هر دو رکعت

بیک سلام و در هر رکعت حمد و یک مرتبه سوره قل هو الله احد

بخواند تا از بلاهای دنیا و عذاب آخرت ایمن گردد و شیخ

و دیگران بسند معتبر روایت کرده اند که حضرت امام

موسی در شب اول ماه رجب بعد از آنکه از نماز شب

فارغ میشدند این دعا را لَكَ الْمَحْمَدَةُ اِنْ اَطَعْتُكَ

در سجده می خواندند

مر تراست ستودن اگر فرمان برداری کنم

وَلَكَ الْحُجَّةُ اِنْ عَصَيْتُكَ لَا صُنْعَ لِي وَلَا لِغَيْرِي فِي

و مر تراست حجت اگر نافرمانی کنم نیست کاری مرا و نه غیر مرا در

اِحْسَانٍ اِلَّا بِكَ يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا مُكَوِّنَ كُلِّ

نیکوکاری مگر بتو ای موجود پیش از هر چیز و ای پدید آورنده هر

شيءٍ إنّك على كلِّ شيءٍ قديرٌ اللّهمّ إنّي أعوذُ بكَ من الذِّلّةِ
چیز بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از خواری

عندَ الموتِ ومن شرِّ المرجعِ في القبورِ ومن النّدامةِ
نزد مردن و از بدی بازگشت در قبرها و از پشیمانی

يومَ الآزفةِ فأسألُكَ أن تُصلّيَ على محمّدٍ وآلهِ وأن تجعلَ
در روز رستخیز پس درخواهم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل او و اینکه

عيشي عيشةً نقيّةً وميتتي ميتةً سويّةً ومنقلبي
زندگانی مرا زندگانی پاکیزه و مردن مرا مردن درست و بازگشتن مرا بازگشت

منقلباً كريماً غيرَ مُخزٍ ولا فاضحٍ اللّهمّ صلِّ على محمّدٍ وآلهِ
نیکو نباشد خوار کننده و نه رسوا کننده خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او

الأئمّةِ ينابيعِ الحكمةِ وأولي النّعمةِ ومعادنِ العصمةِ
که پیشوایانند چشمه های دانش و صاحبان نعمت و معدنهای عصمت او

واعصمني بهم من كلِّ سوءٍ ولا تأخذني على غِرّةٍ ولا
و نگاه دار مرا بسبب ایشان از هر بدی و فرو مگیر مرا بر غفلت و نه

غِرّةٍ ولا على غفلةٍ ولا تجعلْ عواقبَ أعمالي حسرةً وارضَ
بر غفلت و مگردان عاقبت های عملهای مرا افسوس و خشنود

عنّي فإنّ مغفرتَكَ للظّالمينَ وأنا من الظّالمينَ اللّهمّ
باش از من زیرا که بتحقیق آمرزش تو برای ستمکاران است و من از ستمکارانم خداوندا

اغفر لي ما لا يضرُّكَ وأعطني ما لا ينقصُكَ فإنّكَ
بیامرز مرا آنچه زیان نمیرساند ترا و عطا کن مرا آنچه کم نمیکند ترا بدرستیکه تو

الوسيع رحمته البديع حكمته واعطني السعة والدعة
ای توانا فراگیرنده رحمت او ای پدید آورنده دانش او و بده بخشش مرا گشایش و آسایش
والامن والصحة والبخوع والقنوع والشكر والمعافاة
و ایمنی و تندرستی و فروتنی و قناعت و سپاس گزاری و عافیت
والتقوى والصبر والصدق عليك وعلى اوليائك
و پرهیزکاری و شکیبائی و راست گوئی بر تو و بر دوستان تو
واليسر والشكر واعمم بذلك يا رب اهلي وولدي
و توانگری و سپاس گزاری و فراگیر گردان به این عطا ای پروردگار من اهل مرا و فرزندان مرا
واخواني فيك ومن احببت واحبني وولدت وولد
و برادران مرا در راه تو و آن را که دوست دارم من و آنکه دوست دارد مرا و آن را
لدني من المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات
که زاییده ام و آنکه زاینده مرا از مردان مسلم و زنان مسلمه و گروندگان و زنان گرونده
يا رب العالمين وايضا بسند معتبر منقولست كه ما
ای پروردگار جهانیان
است كه بعد از سلام گفتن از نماز
وتر چنانكه نشسته است الحمد لله الذي لا تنفد خزائنه
اين دعا را بخواند
سپاس مر خدای را که به پایان نمیرسد خزانهای او
ولا يخاف امنه رب ان ارتكبت المعاصي فذلك ثقة
و نمی ترسد امان یافته او پروردگار من اگر مرتکب شوم گناهان را پس آن بجهت اعتماد
بكرمك انك تقبل التوبة عن عبادك وتعفو عن
بکرم تست بدرستیکه تو می پذیری توبه را از بندگان خود و در میگذری از

عن سيئاتهم وتغفر الزلل فانك مجيب لداعيك ومنه
از بديهای ايشان و محو ميکنی لغزش را و بدرستيکه تو اجابت کننده خواننده خودی
قريب فانا تائب اليك من الخطايا وراغب اليك في توفير
نزديکی پس من رجوع کننده بسوی تو از گناهان و رغبت نموده ام بسوی تو در وافر گردانيدن
حظي من العطايا يا خالق البرايا يا منقذي من كل شديدة
بهره ام از بخششها ای بوجود آورنده خلايق ای رهاننده من از هر سختی
يا مجيري من كل محذور وفر علي السرور واكفني شر
ای پناه دهنده من از هر ترسيده شده تمام گردان بر من شاديها را و دفع کن از من بدی
عواقب الامور فانك انت الله على نعمائك وجزيل عطائك
عاقبت های کارها را زيرا که بتحقيق توئی خدا بر نعمت خود و عطای وافر خود
مشكور ولكل خير مذخور وايضا از حضرت امام علي نقي
شکر کرده شده و برای هر نيکی ذخيره گاه
منقولست كه بعد از نماز
وتر اين دعا را يا نور النور يا مدبر الامور يا مجري البحور
نيز بخوانند
ای نور همه نورها ای تدبير کننده در کارها ای روان سازنده دريا
يا باعث من في القبور يا كهفي حين تعييني المذاهب
ای برانگيزنده هر که در قبرها باشد ای پناه من هنگامی که درمانده سازد مرا راهها و
كنزي حين تعجزني المكاسب ومونسي حين تجفوني الاباعد
گنج من هنگاميکه عاجز سازد مرا کسبها و انيس من هنگاميکه ستم کنند مرا دوران
وتملني الاقارب ومن هي مجالسته اوليائه ومرافقه
ملول شوند از من خويشان ... همنشينی ... يارانش

اجابة

اجتنائه في دياجيه وساقي نمو أغصانه من نمير حياضه وزارع فيء

دستان خود در بستانهای خود و آب دهنده نمو شاخهای درختش ...

مجاوريه من ورطة الذنوب إلى ربوة التقريب ومبدي

دارای بندگی بندگان ... از ورطهٔ گناهان بسوی بلندی تقرب ...

بولايته عزة العطايا من ذلة الخطايا أسألك يا مولاي

برای ... بخششها از خواری گناهان سؤال میکنم از تو ای آقای من

بالفجر والليالي العشر والشفع والوتر والليل إذا

بحرمت صبح و شبهای ده گانه و بحرمت شفع و وتر و شب

يسر وبما جرى به قلم الأقلام بغير كف ولا إبهام وبما

به ... و بحرمت آنچه روان شده بآن قلم همه قلمها بی ...

العظام وبحجتك على جميع الأنام عليهم منك أفضل

بزرگ و بحرمت حجتهای تو بر جمیع آدمیان بر ایشان باد از تو بهترین

السلام وبما استحفظتهم من أسمائك الكرام أن تصلي

درود و بحرمت آنچه امر کردی ... آنها را از نامهای گرامی تو ... رحمت کنی

عليهم وترحمنا في شهرنا هذا وما بعده من الشهور و

بر ایشان و رحم کنی بر ما در ماه ما این ماه و آنچه پس از آنست از ماهها و

الأيام وأن تبلغنا شهر الصيام في عامنا هذا وفي

روزها و اینکه برسانی ما را بماه روزه در سال ما این سال و در

كل عام يا ذا الجلال والإكرام والمنن الجسام وعلى محمد

هر سال ای صاحب بزرگی و بزرگواری و صاحب نعمتهای بزرگ و بر محمد

وَآلِهِ مِنّا اَفضَلُ السَّلامِ واعمال وادعیه اینشب تبنا

والی اوایل از ماه رجب در روزها

وروزه در روز اول فضیلت
بسیار دارد واز حضرت امام محمد باقر منقولست که در روز
اول ماه رجب حضرت نوح بکشتی سوار شد وامر کرد جمیع انس
وجن را که با او در کشتی بودند که روزه بدارند وهر که اینروز
روزه بدارد آتش جهنم یکساله راه ازاو دور گردد واز حضرت
امام رضا منقولست که هر که روزه بدارد روز اول ماه رجب
را ازبرای رغبت در ثواب خدا بهشت او را واجب شود و
هر که یک روز از وسط اینماه روزه بدارد حق تعالی شفاعت
او را قبول نماید در مانند ربیعه ومضر که دو قبیله عظیم اند
از قبایل عرب وهر که یک از آخر این ماه روزه بدارد حق تعالی
او را از پادشاهان بهشت گرداند قبول کند شفاعت او را
در پدر ومادر و دختر و پسر و برادر و خواهر وعمو وعمه وخالو
وخاله وجمیع همسایگان واشنایان وهر چند مستوجب
جهنم شده باشند وشیخ طوسی ودیگران از سلمان فارسی
روایت کرده اند که گفت در آخر روز جمادی الثانی در
خدمت حضرت رسالت پناه حضرت فرمود که ای سلمان تو
ما اهل بیتی پس فرمود که هر مرد مؤمنی یا زن مؤمنه که در
ماه رجب سی رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یک مرتبه

سورهٔ حمد و سه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و سه مرتبه
سورهٔ قل یا ایها الکافرون بخواند البته حقتعالی محو کند
از نامهٔ اعمال او هر گناهی که در کودکی و بزرگی کرده باشد
و خدا عطا کند باو ثواب کسیرا که تمام آن ماه را روزه
گرفته باشد و تا سال آینده حقتعالی اورا از نماز گذار
ندگان نویسند و در هر روز از آن ماه ثواب شهیدی از
شهیدان جنگ بدر برای او باسمان برند و هر روزی که
در آن ماه روزه بدارد عبادت یکساله در نامهٔ عمل او
بنویسند و هزار درجه در بهشت از برای او بلند کنند
و اگر تمام ماه را روزه بدارد حقتعالی اورا از آتش جهنم
نجات بدهد و بهشت را برای او واجب گرداند ای سلمان
جبرئیل این ماه را برای من آورد و گفت یا محمد این علامت
میان شما و منافقان است زیرا که منافقان این نماز را نمی
کنند گفتم یا رسول الله چگونه این نماز را بکنم و در چه
وقت بجا آورم فرمود که در روز اول ماه رجب ده رکعت
نماز بجای میآوری هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
یکمرتبه سورهٔ حمد و سه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و
سه مرتبه سورهٔ قل یا ایها الکافرون [illegible] بعد از
هر سلام دست بسوی آسمان بلند کن و بگو لا اله الا

اللّٰه وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت

خدا در حالتی که یگانه است نیست شریکی برای او مر او راست پادشاهی مر او راست ستایش زنده میکند و میمیراند

وهو حيّ لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم

و او زنده است که نمیرد بدست اوست همه نیکی و او بر همه چیز توانا است خدایا

لا مانع لما اعطيت ولا معطي لما منعت ولا ينفع ذا الجدّ

باز دارنده نیست مر آنچه را که بخشش کردی تو و نه بخشنده مر آنچه را که باز داشتی تو و سود نبخشد خداوند

منك الجدّ پس دستها را بروی خود میکشی و در روز سیم

ز تو بخت او ماه یعنی پانزدهم ده رکعت بهمان نحو بجا می آوری

و بعد از هر سلام دستها را لا اله الا الله وحده لا

بسوی آسمان بر میداری و بگو نیست سزاوار پرستش مگر خدا در حالی که یگانه است

شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو

شریکی برای او مر او راست پادشاهی مر او راست ستایش زنده میسازد و میمیراند و او

حيّ لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير الهاً

زنده است که نمیرد و بدست اوست بهتری ها بر همه چیزی قادر و توانا است پرستش

واحداً احداً فرداً صمداً لم يتخذ صاحبةً ولا ولداً

خدای را یگانه یکتا و تنها بی نیاز که فرا نگرفته هیچ زنی و نه فرزندی

پس دستها را بر روی خود میکشی و در روز آخر ماه

پانزده رکعت نماز بهمان نحو میکنی و لا اله الا الله

بعد از سلام دست بر میداری و بگو نیست سزاوار پرستش مگر خدا

وحده

وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ

حال آنکه یکتا است نیست شریکی برای او مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش زنده میسازد و میمیراند و او

حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللّهُ

زنده ایست که نمیمیرد و بدست اوست هر نیکی داد و بر هر چیز توانا است و رحمت فرستد

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ

بر محمد و آل پاکان او و نیست گردیدن و نه قوت مگر بخدای برتر

الْعَظِيمِ پس دستها را بر روی بمال و حاجت خود را بطلب
بزرگ مرتبه که البته بر آورده است و حقتعالی میان تو و جهنم
هفت خندق قرار میدهد که عرض هر خندقی بقدر ما بین زمین
و آسمان بوده باشد و بعدد هر رکعتی ثواب هزار هزار رکعت
در نامه اعمال تو مینویسند و برات بیزاری از جهنم و گذشتن بر
صراط برای تو مینویسند و منقولست که هر که در روز جمعه
ماه رجب صد مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند حقتعالی
در قیامت باو نوری عطا کند که با آن نور داخل بهشت گردد و
در حدیث معتبر وارد شده است که حضرت امام محمد باقر در روز
جمعه اول ماه رجب متولد شد و موجب زیادتی شرف این
روز گردید و در روایتی وارد شده است که ولادت حضرت
امام علی نقی در روز دوم ماه رجب شده و بروایت دیگر در
روز سیم ماه رجب واقع شد و بروایت ابرهیم بن هاشم وفات

انحضرة در روز سیم واقع شده و ابن عباس گفته است که و
لادة انحضرة در پنجم این ماه واقع شده است و ولادة امام جعفر
تقی در دهم این ماه شده است و بعضی از روایات در فضیلة
خصوص تم وارد شده است و در فضیلت ایام البیض ما
رجب احادیث معتبره وارد شده است یعنی سیزدهم و چهارده
و پانزدهم و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق منقول است
که حقتعالی فضیلت سه ماه را باین امت داده که با احدی
از امتهای گذشته نداده است ماه رجب و ماه شعبان
و ماه رمضان و سه شب باین امت داده است که با امتهای
دیگر نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب
پانزدهم و سه سوره باین امت داده است که مثل آنها با
امتهای پیش نداده است سوره یس و سوره تبارک الذی
بیده الملک و سوره قل هو الله احد پس هر که جمع کند میان این
سه فضیلت جمیع فضایل این امت را جمع کرده خواهد
بود پرسیدند که چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم
هر یک از این سه ماه دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت
بعد از سوره حمد این سه سوره را بخواند و در شب چهاردهم
چهار رکعت نماز بگذارد بدو سلام و در هر رکعت بعد از
حمد این سه سوره را بخواند و در شب پانزدهم شش رکعت بجا

بجا آورد به سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره
را بخواند تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد و جمیع گناهانش
آمرزیده شود بغیر از شرک بخدا و از حضرت صادق منقولست
که ایام البیض ماه رجب را روزه دارد حق تعالی بهر روزی
عبادت یکساله و روزه یکساله برای او بنویسد و در قیامت او را
در محل ایمنان باز دارد که هیچ بیم و خوف نداشته باشد و
مشهور میان علما آنست که ولادت باسعادت حضرت امیر المؤمنین
در میان کعبه معظمه در روز سیزدهم ماه رجب بود دوازده سال
قبل از مبعوث شدن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و علی
ابن ابرهیم گفته است که ولادت حضرت امام علی نقی نیز در روز
سیزدهم ماه رجب بود در سال دویست و چهارده از هجرت و شب
پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل در آن سنت است و احیا
آن بعبادت فضیلت بسیار دارد و از حضرت رسول ص و آله منقولست
که در شب نیمه رجب حقتعالی امر می کند ملائکه را که هر گناهی
که در دیوان اعمال مؤمنان باشد محو کنند و ایضاً از آن حضرت
منقولست که هر که روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم رجب را
روزه بدارد و در شبهای آنها مشغول عبادت باشد از دنیا نرود
مگر با توبه نصوح و بهر روز که روزه داشته هفتاد گناه کبیره
او آمرزیده و هفتاد حاجت او برآورده شود در وقتی که از قبر بیرون

می آید و نزد میزان و نزد صراط و چنان باشد که هفتاد هزار فرزندان
اسمعیل آزاد کرده باشد و شفاعت او را قبول کنند در هفتاد هزار نفر
از اهل بیت و خویشان او که مستحق جهنم شده باشند و حق تعالی
بنا کند از برای او در جنات فردوس هفتاد هزار شهر و در هر شهری
هفتاد هزار قصر بوده باشد و در هر قصری هفتاد هزار حوریه
باشد و هر حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد و شیخ طوسی
ره بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که در شب
نصف رجب دوازده رکعت نماز می آوری یعنی بشش سلام با
حمد و هر سوره که خواهی و چون فارغ شوی از سوره حمد و قل
اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیه
الکرسی را چهار مرتبه بخوانی سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ
پاک است خدا و ستایش مر خدای راست و نیست
پس چهار مرتبه می گوئی
اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکبَرُ پس گو اَللهُ اَللهُ رَبّی لا اُشرِکُ بِه شَیئاً
پرستش کرده [illegible] خدا خدا بزرگوار است [illegible] شریک [illegible]
میگوئی
وَما شاءَ اللهُ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِالله و در شب و روز زیارت حضرت
[illegible] خدا می شود و نیست [illegible] مگر بخدا
امام حسین سنت مؤکد است
و بسند صحیح از ابن ابی نصر منقولست که از حضرت امام علی
رضا سؤال کرد که زیارت حضرت امام حسین در کدام وقت بهتر است
فرمود که نیمه رجب و نیمه شعبان و در روز پانزدهم نماز سلمان

را باید

را باید کرد بکیفیتی که گذشت و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که حضرت امیرالمؤمنین در این روز چهار رکعت نماز کرد و دستهای خود را گشود و این دعا را خواند پس فرمود که هر که بشدتی و غمی مبتلا گردد و این دعا را بخواند البته کرب و شدت او زایل گردد و این چهار رکعت را بدو سلام میکند و هر سوره که خواهد میخواند

اَللّٰهُمَّ یا مُذِلَّ

ای خداوند ای خوار کننده

كُلِّ جَبّارٍ وَ مُعِزَّ الْمُؤْمِنينَ اَنْتَ كَهْفي حينَ تُعْيِيني الْمَذاهِبُ وَ اَنْتَ

هر ستمکار و عزیز کننده گرویدگان تو پناه منی هنگامی که عاجز گرداند مرا راهها و تو

بارِئُ خَلْقي رَحْمَةً بي وَ قَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقي غَنِيّاً وَ لَوْلا رَحْمَتُكَ

پدید آورنده خلقت مرا از راه مهربانی بمن و حال آنکه بتحقیق بودی از آفرینش من بی نیاز و اگر نبود مهربانی تو

لَكُنْتُ مِنَ الْهالِكينَ وَ اَنْتَ مُؤَيِّدي بِالنَّصْرِ عَلىٰ اَعْدائي وَ

هر آینه بودم از هالکان و تو قوت دهنده مرا بیاری دادن بر دشمنان خود و

لَوْلا نَصْرُكَ اِيّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضوحينَ يا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ

اگر نبود یاری دادن تو مرا هر آینه بودم از رسوا شدگان ای فرستنده رحمت

مِنْ مَعادِنِها وَ مُنْشِئَ الْبَرَكَةِ مِنْ مَواضِعِها يا مَنْ خَصَّ بِالشُّمُوخِ

از معدنهای آن و پدید آورنده برکت از جاهای آن ای آنکه مخصوص ساخته بلندی

وَ الرِّفْعَةِ فَاَوْلِياؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزونَ يا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلوكُ

و رفعت پس دوستان او بعزت او عزیزند ای آنکه گذاشتند برای او پادشاهان

نيرَ الْمَذَلَّةِ عَلىٰ اَعْناقِها فَهُمْ مِنْ سَطَواتِهِ خائِفونَ اَسْئَلُكَ

بار خواری را بر گردنهای خود پس ایشان از صولتهای او ترسانند سؤال میکنم

بِمَكْنُونِيَّتِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ كِبْرِيَائِكَ وَاَسْئَلُكَ بِكِبْرِيَائِكَ

بمکنونیت تو که بیرون آورده آن را از بزرگواری خود و درخواهم از تو به بزرگواری تو

وَاَسْئَلُكَ بِكِبْرِيَائِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ عِزَّتِكَ وَاَسْئَلُكَ

که بیرون آورده آن را از عزت خود و درخواهم از تو

بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ

بعزت تو که مستولی گردیدی بآن بر عرش خود پس آفریدی بآن همه خلق خود را

فَهُمْ لَكَ مُذْعِنُونَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ پس حاجات

پس ایشان برای تو جمیع منقادند اینکه رحمت بفرستی بر محمد و خاندانش خود را از

حق تعالی طلب نماید و بدانکه عمده اعمال نصف رجب دعای ام داود است که ابن بابویه و شیخ طوسی و سید ابن طاوس ره بسندهای معتبر روایت کرده اند و برای آمدن حاجات و کشف کربات و دفع ظلم ظالمان مجرب است و مجمل روایتش آنست که فاطمه مادر داود بن الحسن پسرزاده حسن مجتبی دایه حضرت امام جعفر صادق بود و بشیر داود آنحضرت را شیر داده بود چون محمد بن عبد الله بن الحسن در مدینه خروج کرد و منصور دوانیقی لشکر فرستاد و او را کشتند و ابرهیم برادر محمد را نیز شهید کردند و عبد الله بن الحسن و جمیع حسنی را با غل و زنجیر از مدینه بعراق بردند داود نیز در میان ایشان بود ام داود گفت چون مدتی از حبس فرزندم گذشت

عمل ام داود

و از او خبر

و از او خبری بمن نمیرسید پیوسته دعا و تضرع میکردم و از
صلحا و نیکان و برادران مؤمن التماس دعا مینمودم و ایشان
تقصیر نمیکردند و مطلقا اثر استجابت نمی یافتم و گاهی خبر بمن
میرسید که داود را کشتند و گاهی میگفتند که او را پسران
عم او در زیر عماده گذاشتند و روز بروز مصیبت من زیاده و
عظیم تر میشد و اندوه من بیشتر میشد تا آنکه از غم گداختم و
پیر شدم و از ملاقات او ناامید گردیدم تا آنکه روزی شنیدم
که بحضرت صادق علیه السلام عارض شده است بعیادة الحضرة رفتم
چون احوال گرفتم و دعا کردم و خواستم برگردم حضرت فرمود
که از داود چه خبر داری و من مهر او را با حضرت داده بودم
چون نام داود را گرفتم گریستم و گفتم فدای تو شوم داود کجاست
او در عراق محبوس است و من از ملاقات او قطع امید کرده
و از شما التماس میکنم که او را دعا کنید او برادر رضاعی
شما است حضرت فرمود که چرا غافلی از دعای استفتاح
و دعای اجابت و نجاح و آن دعائیست که درهای آسمان
برای آن گشوده میشود و ملائکه استقبال می کنند خواننده
آنرا و بشارة میدهند او را باجابت و آن دعائیست که از
مجیب الدعوات محجوب نمیگردد و خوانندۀ آنرا ثوابی نیست
بغیر از بهشت ام داود گفت ای فرزند طاهرین و راست گویان

چگونه است آن دعا حضرت فرمود ای مادر داود ماه محرم
یعنی ماه رجب نزدیک شده است و آن ماهی است مبارک
و حرمت آن عظیم است و دعاها در آن مستجابست چون
این ماه در آید سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم از آنکه ایام
البیض اند روزه بدار پس حضرت کیفیت آن عمل را تعلیم او
نمود و فرمود که این دعا را حفظ کن و بهمه کس تعلیم مکن
که میترسم که بدست کسی افتد که از برای باطلی و نا
مشروع این دعا را بخواند بدرستی که این دعای بسیار
شریفست و مشتملست بر اسم اعظم خدا که هر که این
دعا را بخواند البته بر آورده میشود و اگر درهای آسمان و زمین
بسته شود و یا دریاها حایل باشند میان تو و حاجت
تو چون این دعا را بخوانی البته حق تعالی آسان میگرداند
خواه مرد خواه زن و اگر جن و انس همه دشمن فرزند
تو باشند خداوند تعالی در کفایت شر ایشان میکند و زبان
ایشان را می بندد و ایشان را منقاد فرزند تو میگرداند ام
داود گفت که حضرت این دعا را برای من نوشت و بخانه
بر گشتم و چون ماه رجب داخل شد آنچه حضرت فرموده
بود بعمل آوردم و در شب شانزدهم نماز شام و خفتن
را ادا کردم و از روزه افطار نمودم و قدری عبادت
کردم

کردم و بخواب رفتم و در خواب دیدم جمیع ملائکه و پیغمبران
و شهدا و عبّاد را که من بر ایشان صلوات فرستاده
بودم و حضرت رسول صلعم مرا خطاب کرد که ای مادر داود
بشارت باد ترا که اینجماعت که می‌بینی همه برادران و یاوران
و شفیعان تواند و از برای تو طلب آمرزش می کنند
بشارت میدهند ترا بآنکه حاجت ترا برآورده است پس بشارت
باد ترا بآمرزش خدا و خوشنودی خدا و خدا ترا جزای
جزای خیر دهد و شاد باش که حقتعالی فرزند ترا حفظ
میکند و بتو بر میگرداند انشاء الله تعالی ام داود گفت که
از خواب بیدار شدم و بعد از آن بقدر زمانی که سواری
روی از عراق بمدینه آید داود بنزد من آمد و گفت ای
مادر من در عراق در زندان بسیار تنگی و در سنگینی بند
و زنجیر بودم و نا امید بودم از خلاص شدن چون شب نصف
رجب شد در خواب دیدم که بلندیهای زمین پست شد
و ترا دیدم که بر روی حصیر نماز خود نماز نشسته بودی و
بر دور تو مردانی چند بودند که سرهای ایشان در آسمان بود
و پاهای ایشان در زمین و تسبیح و تنزیه خدا میکردند
پس یکی از ایشان که از همه خوش روتر و خوشبوتر بود و جامه‌های
بسیار پاکیزه در بر داشت و گمان کردم که حضرت رسالت پناه

جد منست خطاب کرد با من که بشارت باد ترا ای فرزند عجوزه
صالحه که حق تعالی دعای مادر ترا در حق تو مستجاب کرد
چون بیدار شدم رسولان منصور دوانیقی بدر زندان رسیدند
بطلب من آمده بودند و در میان شب مرا نزد او بردند پس
امر کرد که زنجیرها را از من برداشتند و ده هزار درهم که زیاده
از هزار تومان بوده باشد بحساب آن زمان بمن عطا کرد و فرمود
که مرا بر شتر رهواری سوار کنند و بنهایت سرعت بمدینه
بیاورند اما داود گفت که من داود را بخدمت حضرت صادق
بردم حضرت فرمود که سبب خلاص تو آن بود که منصور حضرت
امیر المؤمنین را در خواب دید و فرمود که رها کن فرزند مرا اگر
نکنی ترا در این آتش میاندازم چون نظر کرد دریای آتشی در
زیر پای خود دید پس از دهشت بیدار شد و از کرده خود پشیمان
گردید و ترا رها کرد و اما کیفیت این عمل شریف ام داود گفت حضرت
صادق ع فرمود که در ماه مبارک رجب روز سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم را روزه بدار و چون روز پانزدهم در وقت زوال غسل
بکن و بروایت دیگر نزدیک بزوال غسل بکن و چون زوال
معلوم شود پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش و بخانه خلوتی
برو و سعی کن که کسی نزد تو نیاید که ترا مشغول گرداند
و با تو سخن بگوید و هشت رکعت نافله زوال را بعمل آور

و رکوع

و رکوع و سجود آنها را خوب بعمل آور پس نماز ظهر را با آداب و
شرایط بعمل آور و بعد از نماز فریضهٔ ظهر دو رکعت نماز بکن بهر
سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو یا وضح و آیج الطار
پس هشت رکعت نافلهٔ عصر را با آداب بجای می آوری و در
بعضی از روایات وارد شده است که در هر رکعت از نافلهٔ عصر
بعد از حمد سه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و یک مرتبه سورهٔ انا
اعطیناک الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و آداب بجا آور
و در روایتی وارد شده است که بر روی حصیر یا کرهٔ بنشین
پس صد مرتبه سورهٔ حمد و صد مرتبه سورهٔ قل هو الله احد
و ده مرتبه آیة الکرسی بخوان پس هر یک از این سورها را ده
مرتبه بخوان سورهٔ انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس
و الصافات و حم سجده و حم عسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا
و اذا وقعت الواقعه و تبارک الذی بیده الملک و ن و
القلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن و اگر نتوانی این سورها را
از روی مصحف درست بخوانی بعوض همه هزار مرتبه سورهٔ
قل هو الله احد را بخوان و شیخ مفید ره گفته است که اگر
ندانی یا نتوانی این سورهای مخصوص را بخوانی صد مرتبه سورهٔ
حمد و ده مرتبه آیة الکرسی و هزار مرتبه قل هو الله احد بخوان
و این احوط است و در روایتی دیگر وارد شده است که بعد

ازحمد صد مر سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله

بته بگویند : پاکست خدا و ستایش مر خدای را و نیست سزاوار پرستش مگر خدا

اکبر وبعد ازان ایه . اللهم صل علی محمد و آل محمد وایة

بزرگ است الکرسی صد مرتبه خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد ایه

الکرسی را نیز درست نتواند خواند صد مرتبه سوره جحد

وهزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند پس دعا را

بخواند وایة الکرسی با هشتاد ان بسم الله الرحمن الرحیم

است که تا ام فیها خالدون بنام خداوند بخشنده مهربان

صدق الله العظیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم

راست گوی است خدا بزرگ و نیست سزاوار پرستش مگر او زنده پاینده

ذو الجلال والاکرام الرحمن الرحیم الحلیم الکریم الذی

خداوند بزرگواری و گرامی داشتن بخشنده مهربان بردبار بزرگوار آنکه نیست

لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر العلیم الخبیر شهد الله

مانند او هیچ چیز و او است شنونده بینای دانای آگاه گواهی داد خدا

انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط

که بتحقیق نیست سزاوار پرستش مگر او و فرشتگان و صاحبان دانش ایستاده

ان الدین عند الله الاسلام

لا اله الا هو العزیز الحکیم وبلغت رسله الکرام و

[illegible]

انا علی ذلک من الشاهدین اللهم لک الحمد ولک الحمد

[illegible]

ولک

وَلَكَ الْعِزُّ وَلَكَ الْفَخْرُ وَلَكَ الْقَهْرُ وَلَكَ النِّعْمَةُ وَلَكَ الْعَظَمَةُ

و مر تراست ارجمندی و مر تراست بزرگواری و مر تراست غلبه و مر تراست نعمت و مر تراست بزرگی

وَلَكَ الرَّحْمَةُ وَلَكَ الْمَهَابَةُ وَلَكَ السُّلْطَانُ وَلَكَ الْبَهَاءُ

و مر تراست بخشش و مر تراست ترسیدن سبکان و مر تراست پادشاهی و مر تراست بلندی

وَلَكَ الْامْتِنَانُ وَلَكَ التَّسْبِيحُ وَلَكَ التَّقْدِيسُ وَلَكَ

و مر تراست انعام و مر تراست تسبیح و مر تراست تنزیه و مر تراست

التَّهْلِيلُ وَلَكَ التَّكْبِيرُ وَلَكَ مَا يُرَى وَلَكَ مَا فَوْقَ السَّمَاءِ

تهلیل و مر تراست تکبیر و مر تراست آنچه دیده شود و مر تراست آنچه بالای آسمانها

الْعُلَى وَلَكَ مَا تَحْتَ الثَّرَى وَلَكَ الْأَرَضُونَ السُّفْلَى

بلند است و مر تراست آنچه در خاک است و مر تراست زمینهای پست

وَلَكَ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى وَلَكَ مَا تَرْضَى بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ

و مر تراست آن جهان و این جهان و مر تراست آنچه به پسندی از ثنا و ستودن

وَالْحَمْدِ وَالشُّكْرِ وَالنَّعْمَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَبْرَئِيلَ

و ستایش و سپاس گزاری و نعمت خداوندا رحمت بفرست بر جبرئیل

أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ وَالْقَوِيِّ عَلَى أَمْرِكَ وَالْمُطَاعِ فِي

معتمد تو بر پیغام تو و توانا بر فرمان تو و اطاعت کرده شده در

سَمَاوَاتِكَ وَمَحَالِّ كَرَامَاتِكَ الْمُتَحَمِّلِ لِكَلِمَاتِكَ النَّاصِرِ لِأَ

آسمانهای تو و جاهای نوازشهای تو بردارنده مر کلمهای تو یاری دهنده

نْبِيَائِكَ الْمُدَمِّرِ لِأَعْدَائِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مِيكَائِيلَ مَلَكِ

مر پیغمبران تو را هلاک سازنده مر دشمنان تو خداوندا رحمت بفرست بر میکائیل

رحمتك والمخلوق لرحمتك والمستغفر المعين لاهل

رحمت تو وآفریده شده از راه مهربانی تو وطلب کننده آمرزش مددکننده مر اهل

طاعتك اللهم صل على اسرافيل حامل عرشك و

طاعت ترا خداوندا رحمت بفرست بر اسرافیل بردارنده عرش تو و

صاحب الصور المنتظر لامرك والوجل المشفق من

خداوند صور انتظار دارنده مر فرمان ترا و ترسان بیمناک از

خيفتك اللهم صل على عزرائيل قابض ارواح

ترس تو خداوندا رحمت بفرست بر عزرائیل قبض کننده جانهای

جميع خلقك اللهم صل حملة العرش الطاهرين

همه خلق تو خداوندا رحمت بفرست بر حاملان عرش پاکیزگان

وعلى ملائكة الذكر اهل التأمين على دعاء المؤ

و بر فرشتگان ذکر گوینده گان آمین اند بر دعای گروندگان

وعلى السفرة الكرام البررة الطيبين وعلى ملائكة

و بر نویسنده گان بزرگواران نیکوکاران پاکیزگان و بر فرشتگان بزرگوار

الكرام الكاتبين وعلى ملائكة الجنان وخزنة

بزرگواران نویسندگان و بر فرشتگان بهشت و خازنان دوزخ

النيران وملك الموت والاعوان ياذا الجلال و

و ملک موت و مددکاران او ای خداوند بزرگواری

الاكرام اللهم صل على ابينا آدم بديع فطرتك الذي

گرامی داشتن خداوندا رحمت بفرست بر پدر ما آدم نو پیدا کرده آفرینش تو آنکه

اكرمته

اَكْرَمْتَهُ لِسُجُودِ مَلٰٓئِكَتِكَ وَاَبَحْتَهُ جَنَّتَكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

گرامی داشتی او را بسجدهٔ فرشتگان خود و حلال کردی برای او بهشت خود را خداوندا رحمت بفرست بر

اُمِّنَا حَوَّآءَ الْمُطَهَّرَةِ مِنَ الرِّجْسِ الْمُصَفَّاةِ مِنَ الدَّنَسِ الْمُفَضَّلَةِ

مادر ما حوا آن پاکیزه از هر پلیدی پاکیزه شده از هر چرک [illegible] داده شده

مِنَ الْاِنْسِ الْمُتَرَدِّدَةِ بَيْنَ مَحَالِّ الْقُدْسِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى هَابِيلَ

از گروه آدمیان آمد و شد کننده در میان جاهای پاکیزه خداوندا رحمت بفرست بر هابیل

وَشِيثَ وَاِدْرِيسَ وَنُوحٍ وَهُودٍ وَصَالِحٍ وَاِبْرٰهِيمَ وَاِسْمٰعِيلَ

و شیث و ادریس و نوح و هود و صالح و ابراهیم و اسمعیل

وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَيُوسُفَ وَالْاَسْبَاطِ وَلُوطٍ وَشُعَيْبٍ وَ

و اسحق و یعقوب و یوسف و اسباط و لوط و شعیب و

اَيُّوبَ وَمُوسٰى وَهٰرُونَ وَيُوشَعَ وَمِيشَا وَالْخِضْرِ وَذِي الْقَرْنَيْنِ

ایوب و موسی و هرون و یوشع و میشا و خضر و ذی القرنین

وَيُونُسَ وَاِلْيَاسَ وَالْيَسَعَ وَذِي الْكِفْلِ وَطَالُوتَ وَدَاوُدَ

و یونس و الیاس و یسع و طالوت و داود

وَسُلَيْمٰنَ وَزَكَرِيَّا وَشَعْيَا وَيَحْيٰى وَتُورَخَ وَمَتّٰى وَاِرْمِيَا

و سلیمان و زکریا و شعیا و یحیی و تورخ و متی و ارمیا

وَحَيْقُوقَ وَدَانِيَالَ وَعُزَيْرٍ وَعِيسٰى وَشَمْعُونَ وَجِرْجِيسَ

و حیقوق و دانیال و عزیر و عیسی و شمعون و جرجیس

وَالْحَوَارِيِّينَ وَالْاَتْبَاعِ وَخَالِدٍ وَحَنْظَلَةَ وَلُقْمٰنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

و یاوران و پیروان ایشان و خالد و حنظله و لقمان خداوندا رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

محمد وآل محمد و ترحم کن محمد وآل محمد را و برکت ده بر محمد وآل محمد

كَمَا صَلَّيْتَ وَرَحِمْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى اِبْرٰهِيمَ وَآلِ اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ

چنانکه رحمت فرستادی و ترحم نمودی و برکت دادی بر ابراهیم وآل ابراهیم بدرستی که تو

حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَوْصِيَاءِ وَالسُّعَدَاءِ وَ

ستوده بزرگواری خداوندا رحمت بفرست بر وصیهای پیغمبران و گواهان و

الشُّهَدَاءِ وَاَئِمَّةِ الْهُدٰى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَبْدَالِ وَ

نیک بختان و پیشوایان هدایت خداوندا رحمت بفرست بر ابدال و

الْاَوْتَادِ وَالسُّيَّاحِ وَالْعُبَّادِ وَالْمُخْلِصِينَ وَالزُّهَّادِ وَاَهْلِ

اوتاد و درویشان و عبادت کنندگان و خالص کنندگان و بی رغبتان و اهل

الْجِدِّ وَالْاِجْتِهَادِ وَاخْصُصْ مُحَمَّداً وَاَهْلَ بَيْتِهِ بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ

سعی و کوشش و مخصوص گردان محمد و خانواده او را به بهترین رحمتهای تو

وَاَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ مِنِّي تَحِيَّةً وَسَلَاماً

و وافرترین نوازشهای خود و برسان به روح او و بقالب او از من درود و سلام

وَزِدْهُ فَضْلاً وَشَرَفاً وَكَرَماً حَتّٰى تُبَلِّغَهُ اَعْلَى دَرَجَاتِ اَهْلِ

و افزون کن بخشش و بلندی قدر و بزرگواری او را تا آنکه برسانی او را به بلندترین درجات اهل

الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْاَفَاضِلِ الْمُقَرَّبِينَ اَللّٰهُمَّ

شرف از پیغمبران و فرستادگان و دانایان نزدیک شدگان خداوندا

وَصَلِّ عَلَى مَنْ سَمَّيْتُ وَلَمْ اُسَمِّ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَاَنْبِيَائِكَ

و رحمت بفرست بر هر که نام بردم و آنکه نام نبردم از فرشتگان تو و پیغمبران تو

ورسلك

وَرُسُلِكَ وَاَهْلِ طاعَتِكَ وَاَوْصِلْ صَلَواتي اِلَيْهِمْ وَاِلى

و رسولان تو و فرمان برداران تو و برسان درودهای مرا بسوی ایشان و بسوی

اَرْواحِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ اِخْواني فيكَ وَاَعْواني عَلى دُعائِكَ

ارواح ایشان و بگردان ایشان را برادران من در راه تو و مددکاران من بر خواندن تو

اَللّهُمَّ اِنّي اَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلَيْكَ وَبِكَرَمِكَ اِلى كَرَمِكَ وَ

بار خدایا بدرستی که من شفاعت میجویم بتو بسوی تو و به بزرگواری تو بسوی بزرگواری تو

بِجُودِكَ اِلى جُودِكَ وَبِرَحْمَتِكَ اِلى رَحْمَتِكَ وَبِاَهْلِ طاعَتِكَ

ببخشش تو بسوی بخشش تو و برحمت تو بسوی رحمت تو و باهل طاعت تو بسوی

اِلَيْكَ وَاَسْئَلُكَ اَللّهُمَّ بِكُلِّ ما سَئَلَكَ بِهِ اَحَدٌ مِنْهُمْ

بسوی تو و درمیخواهم از تو بار خدایا بهرچه درخواست کرده از تو بآن یکی از ایشان

مِنْ مَسْئَلَةٍ شَريفَةٍ غَيْرِ مَرْدُودَةٍ وَبِما دَعَوْكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ

از سؤال بزرگی که رد نباشد و بآنچه خوانده شده و بآنچه خوانده اند ترا بآن از دعای

مُجابَةٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ يا اَللّهُ يا رَحْمنُ يا رَحيمُ يا حَليمُ يا كَريمُ يا

مستجاب شده و بی بهره نشده از قبول ای خدا ای بخشنده ای مهربان ای بردبار ای بزرگوار

عَظيمُ يا جَليلُ يا مُنيلُ يا جَميلُ يا كَفيلُ يا وَكيلُ يا مُقيلُ

بزرگ برتر ای بزرگوار ای بخشنده ای نیکو ای ضامن ای نگهدارنده کارها ای

يا مُجيرُ يا خَبيرُ يا مُنيرُ يا مُبيرُ يا مَنيعُ يا مُديلُ يا مُحيلُ يا

ای پناه دهنده ای آگاه ای روشن سازنده ای هلاک کننده ای ارجمند ای دولت دهنده

كَبيرُ يا قَديرُ يا بَصيرُ يا شَكُورُ يا طاهِرُ يا قاهِرُ

ای بزرگوار ای توانا ای بینا ای جزا دهنده ای پاک ای غالب

یا ظاهر یا باطن یا ساتر یا محیط یا مقتدر یا حفیظ یا متجبر

ای هویدا ای پنهان ای پوشنده ای فراگیرنده ای توانا ای نگاه دارنده ای بی‌نهایت بزرگوار

یا قریب یا ودود یا حمید یا مجید یا مبدئ یا معید یا

ای نزدیک ای دوست ای ستوده ای بزرگوار ای پدید آورنده اول بار ای باز گرداننده

شهید یا محسن یا مجمل یا منعم یا مفضل یا قابض یا باسط

دانا ای احسان کننده ای نیکوکار ای نعمت بخش ای بخشنده ای گیرنده ای گسترنده

یا هادی یا مرسل یا مرشد یا مسدد یا معطی یا مانع

ای راهنما ای فرستنده ای راه نما ای توفیق دهنده ای بخشنده ای بازدارنده

یا دافع یا رافع یا باقی یا واقی یا خلاق یا وهاب یا تواب

ای دور سازنده ای بلند نماینده ای برقرار ای حفظ کننده ای بسیار پدید آورنده ای بسیار بخشنده

یا فتاح یا نفاح یا مرتاح یا من بیده کل مفتاح یا

ای گشاینده ای بخشاینده ای بخشنده ای که بدست اوست هر کلیدی ای

نفاع یا رؤوف یا عطوف یا کافی یا شافی یا معافی یا

سودبخش ای مهربان ای مهربان ای کارگذار ای شفا دهنده ای دفع کننده

مکافی یا وفی یا مهیمن یا عزیز یا جبار یا متکبر یا سلام

ای جزا دهنده ای وفا کننده ای دانا ای ارجمند ای کار فرمای بقهر ای بی‌نهایت بزرگوار

یا مؤمن یا احد یا صمد یا مدبر یا فرد یا وتر یا قدوس یا

ای امان دهنده ای یگانه ای پناه نیازمندان ای هویدا ای تدبیر کننده ای یکتا ای بی‌همتا

ناصر یا مونس یا باعث یا وارث یا عالم یا حاکم یا بادی

یاور ای انس بخشنده ای برانگیزنده ای میراث برنده ای دانا ای حکم کننده ای پدید

یا متعالی

یا متعالی یا مصوّر یا مسلّم یا متحبّب یا قائم یا دائم یا علیم یا

ای بلند مرتبه ای نگاره در آرنده ای سلامتی بخش ای دوستی کننده ای پاینده ای همیشه موجود ای دانا

حکیم یا جواد یا باری یا بارّ یا سارّ یا عدل یا فاصل یا دیّان

ای راست کردار ای بخشنده ای آفریننده ای نیکو کار ای شاد کننده ای دادگر ای جدا کننده

یا حنّان یا منّان یا سمیع یا بدیع یا خفیر یا معین یا ناشر

ای بسیار مهربان ای بخشنده ای شنوا ای نو پدید آرنده ای پناه دهنده ای مددکننده ای پراکنده

یا غافر یا قدیم یا مسهّل یا میسّر یا ممیت یا محیی یا نافع یا

ای آمرزنده ای دیرینه ای آسان کننده ای میراننده ای زنده کننده ای سود دهنده ای

رازق یا مقتدر یا مسبّب یا مغیث یا مغنی یا مقنی یا

ای روزی دهنده ای توانا ای سبب سازنده ای فریادرس ای بی نیاز کننده ای بخشنده

خالق یا راصد یا واحد یا حاضر یا جابر یا حافظ یا شدید

آفریننده ای نگهبان ای یگانه ای حاضر ای شکسته بند ای نگهدار ای سخت

یا غیاث یا عائد یا قابض یا مسبّب یا مبین یا طاهر یا مجیب

ای فریادرس ای نفع بخش ای گیرنده ای پیدا کننده حق ای پاک ای اجابت کننده

یا متفضّل یا مستجیب یا عادل یا بصیر یا مؤمّل یا مبدئ

ای بخشنده ای پذیرنده ای دادگر ای بینا ای امید گاه ای آغاز کننده

یا اوّاب یا وافی یا راشد یا ملیک یا ربّ یا مذلّ یا

ای بازگردنده ای وفا کننده ای رهنما ای پادشاه ای پروردگار ای خوار کننده

معزّ یا ماجد یا رازق یا فاضل یا مستجاب یا من علی

ای عزیز کننده ای بزرگوار ای روزی دهنده ای فزون بخش ای اجابت شده ای که

فَاسْتَعلى مَكانَ بِالمَنظَرِ الاعلى يا مَن قَرُبَ فَدَنى وَبَعُدَ فَنأى

پس بلند است پس نیست در دیده‌گاه بلندتر ای آنکه نزدیکست پس نزدیکست و دور است

وَعَلِمَ السِّرَّ وَاَخفى يا مَن اِلَيهِ التَّدبيرُ وَلَهُ المَقاديرُ ويا مَن

و دانسته هر رازی و پنهان‌تر از آن ای آنکه بسوی اوست تدبیر و مر او راست اندازها ای و ای آنکه

العَسيرُ عَلَيهِ سَهلٌ يَسيرٌ وَيا مَن هُوَ عَلى ما يَشاءُ قَديرٌ يا مُرسِلَ

هر دشواری بر او سهل و آسان است و ای آنکه او بر آنچه خواهد تواناست ای فر

الرِّياحِ يا فالِقَ الاِصباحِ يا باعِثَ الاَرواحِ يا ذَا الجودِ

بادها ای شکافنده صبح ای برانگیزنده نفوس ای خداوند بخشش

وَالسَّماحِ يا رادَّ ما قَد فاتَ يا ناشِرَ الاَمواتِ يا جامِعَ

و نوازش ای برگرداننده آنچه بتحقیق فوت شده ای زنده سازنده مردگان ای گر

الشَّتاتِ يا رازِقَ مَن يَشاءُ بِغَيرِ حِسابٍ وَيا فاعِلَ ما يَشاءُ

پراکنده‌ها ای روزی دهنده اگر خواهد بی شمار و ای کننده آنچه خواهد

كَيفَ يَشاءُ يا ذَا الجَلالِ وَالاِكرامِ يا حَيُّ يا قَيّومُ يا حَيُّ حينَ

هر روشی خواهد ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن ای زنده ای پاینده ای زنده

لا حَيَّ يا حَيُّ يا مُحيِيَ المَوتى يا حَيُّ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ بَديعَ

نیست زنده ای زنده ای زنده کننده مردگان ای زنده نیست خدایی مگر تو ای پدید آورنده

السَّمواتِ وَالاَرضِ يا اِلهي وَسَيِّدي صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ

آسمانها و زمین ای خدای من و بزرگ من رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَارحَم مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ وَبارِك عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما

محمد و رحم کن محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانچه

صليت

صليت وباركت وترحمت على ابرهيم وآل ابرهيم انك

رحمت فرستادی و برکت دادی و رحم کردی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه

حميد مجيد وارحم ذلي وفاقتي وفقري وانفرادي و

ستوده بزرگواری و رحم کن خواری مرا و تنگی مرا و احتیاج مرا و تنهایی مرا

وحدتي وخضوعي بين يديك واعتمادي عليك وتضرعي

و بیکسی مرا و فروتنی مرا پیش تو و تکیه مرا بلطف تو و زاری کردن

اليك ادعوك دعاء الخاضع الذليل الخاشع الخائف

بسوی تو میخوانم ترا مانند خواندن فروتنی کننده خوار زاری کننده ترسان

المشفق البائس المهين الحقير الجائع الفقير العائذ

بیمناک محتاج ضعیف ذلیل گرسنه محتاج پناه گیرنده

المستجير المقر بذنبه المستغفر منه المستكين لربه

زنهار جوینده اعتراف دارنده بگناه خود طلب آمرزش نماینده از گناه فروتنی کننده

دعاء من اسلمته ثقته ورفضته احبته وعظمت

دعای کسی که خوار کرده باشد او را ثقه او و ترک نموده باشند او را دوستان او و بزرگ

فجيعته دعاء حرق حزين ضعيف مهين بائس مستكين

مصیبت او مانند دعای سوخته غمگین ناتوان خوار محتاج فقیر

بك مستجير اللهم واسئلك بانك مليك وانك

بتو پناه جوینده خداوندا و درخواست میکنم از تو بسبب آنکه تو صاحب اختیاری

ما تشاء من امر يكون وانك على ما تشاء قدير و اسئلك

بجهت آنکه هر چه خواهی از امر میشود و تو بر هر چه خواهی قادری

بِحُرْمَةِ هٰذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْحَرَامِ وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ

بحرمت این ماه محترم و خانه محترم و بلده محترم

وَالرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَالْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ

و بحرمت رکن کعبه و مقام ابراهیم و جایهای عبادات بزرگ و بحق پیغمبر تو محمد بر او

وَآلِهِ السَّلَامُ يَا مَنْ وَهَبَ لِآدَمَ شَيْثًا وَلِإِبْرٰهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ

بر آل او باد درود ای آنکه بخشنده مر آدم را شیث و مر ابراهیم را اسمعیل و

وَإِسْحٰقَ وَيَا رَادَّ يُوسُفَ عَلٰى يَعْقُوبَ وَيَا مَنْ كَشَفَ

و اسحاق و ای آنکه برگرداننده یوسف را بر یعقوب و ای آنکه زایل کردی

بَعْدَ الْبَلَاءِ ضُرَّ أَيُّوبَ يَا رَادَّ مُوسٰى عَلٰى أُمِّهِ وَيَا زَائِدَ

پس از امتحان بد حالی ایوب را ای برگرداننده موسی بر مادرش و ای زیاد کننده

الْخِضْرِ فِي عِلْمِهِ وَيَا مَنْ وَهَبَ لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ وَلِزَكَرِيَّا

خضر در علمش و ای آنکه بخشنده مر داود را سلیمان و مر زکریا را

يَحْيٰى وَلِمَرْيَمَ عِيسٰى يَا حَافِظَ بِنْتِ شُعَيْبٍ وَيَا كَافِلَ وَلَدِ

یحیی و مریم را عیسی ای نگاه دارنده دختر شعیب و ای کارگزار فرزند

أُمِّ مُوسٰى أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

مادر موسی درخواست میکنم از تو که رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا وَتُجِيرَنِي مِنْ عَذَابِكَ وَتُوجِبَ لِي

بیامرزی برای من گناهان مرا همه آنها را و پناه دهی مرا از عذاب خود و لازم گردانی

رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ وَإِحْسَانَكَ وَغُفْرَانَكَ وَجِنَانَكَ

خوشنودی خود را و امان خود را و احسان خود و آمرزش خود و بهشت خود را

واسئلك

وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَفُكَّ عَنِّي كُلَّ حَلْقَةِ ضِيقٍ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ
و در سختی هم از تو اینکه بگشائی از من هر حلقهٔ تنگی را که باشد در میان من و میان کسی که
يُؤْذِينِي وَتَفْتَحَ لِي كُلَّ بَابٍ وَتُلَيِّنَ لِي كُلَّ صَعْبٍ وَتُسَهِّلَ
اذیت کند مرا و بگشائی برای من هر دری و نرم سازی برای من هر امر سختی و آسان کنی
لِي كُلَّ عَسِيرٍ وَتُخْرِسَ عَنِّي كُلَّ نَاطِقٍ بِشَرٍّ وَتَكُفَّ عَنِّي كُلَّ بَاغٍ
برای من هر دشواری را و گنگ سازی از من هر سخن گوینده به بدی و دور گردانی از من هر ستمگری
وَتَكْبِتَ لِي كُلَّ عَدُوٍّ لِي وَحَاسِدٍ وَتَمْنَعَ مِنِّي كُلَّ ظَالِمٍ
و خوار سازی برای من هر دشمنی مرا و حسد برنده را و باز داری از من هر ستمکاری را
وَتَكْفِيَنِي كُلَّ عَائِقٍ يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ وَلَدِي وَيُحَاوِلُ اَنْ
و دفع کنی از من هر مانعی را که حایل شود میان من و میان فرزندان من و قصد کند اینکه جدائی
يُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَ طَاعَتِكَ وَيُثَبِّطَنِي عَنْ عِبَادَتِكَ يَا مَنْ اَلْجَمَ
افکند میان من و میان طاعت تو و باز دارد مرا از عبادت تو ای آنکه لجام کرد
الْجِنَّ الْمُتَمَرِّدِينَ وَقَهَرَ عُتَاةَ الشَّيَاطِينِ وَاَذَلَّ رِقَابَ الْمُتَجَبِّرِينَ
هر دیو سرکشی را و غلبه کرد بر گردنکشان دیوان را و خوار کرد گردن متکبران را
وَرَدَّ كَيْدَ الْمُتَسَلِّطِينَ عَنِ الْمُسْتَضْعَفِينَ اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ
و برگردانید مکر دست یابندگان را از ضعیفان سؤال میکنم از تو به توانائی تو
عَلَى مَا تَشَاءُ وَتَسْهِيلِكَ لِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ اَنْ تَجْعَلَ
بر آنچه خواهی و آسان نمودن تو مر آنچه را اراده نمائی در هر حالی که اراده کنی اینکه
قَضَاءَ حَاجَتِي فِيمَا تَشَاءُ پس بسجده برو و پهلوی خود را
برآوردن حاجت مرا در آنچه بخواهی

برخاک بگذار اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ فَارْحَمْ

و بگوا خداوندا مر ترا سجده کردم و بتو ایمان آوردم پس رحم کن

ذُلِّي وَفَاقَتِي وَاجْتِهَادِي وَتَضَرُّعِي وَمَسْكَنَتِي وَفَقْرِي

خواری مرا و درویشی مرا و کوشش مرا و زاری مرا و بیچارگی و درویشی مرا

إِلَيْكَ يَا رَبِّ پس حضرت فرمود که سعی کن که آب از دیده ات

بسوی تو ای پروردگار بیرون آید اگرچه بقدر سر مگسی بوده باشد

که آن علامت اجابت دعا است و در روایت دیگر وارد

شده است که در اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ فَارْحَمْ

سجده این دعا بخواند خداوندا برای تو سجده کردم و بتو ایمان آورده ام پس رحم کن

ذُلِّي وَخُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَفَقْرِي وَفَاقَتِي إِلَيْكَ وَارْحَمْ

خواری مرا و فروتنی مرا در پیش تو و درویشی مرا و محتاج بودن مرا بسوی تو و رحم کن

انْفِرَادِي وَخُشُوعِي وَاجْتِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَوَكُّلِي عَلَيْكَ

تنهایی مرا و شکستگی بودن مرا و کوشش مرا در پیش تو و اعتماد مرا بر تو

اَللّٰهُمَّ بِكَ أَسْتَفْتِحُ وَبِكَ أَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ

خداوندا بتو طلب فتح و گشایش میکنم و بتو رستگاری میجویم و بوسیله محمد بنده

وَآلِهِ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ سَهِّلْ لِي كُلَّ حُزُونَةٍ وَذَلِّلْ لِي

و بوسیله آل او روی می آورم بسوی تو خداوندا هموار کن برای من هر ناهمواری را و رام کن برای من

كُلَّ صُعُوبَةٍ وَأَعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ أَكْثَرَ مِمَّا أَرْجُو وَعَافِنِي مِنَ الشَّرِّ

هر دشواری را و ببخش مرا از نیکی بیشتر از آنچه امید دارم و سلامت دار مرا از

مما

وَاصْرِفْ عَنِّی السُّوءَ و بروایت دیگر صد یا قاضی حوائج
و بگردان از من هر بدی را مرتبه در مجلس بگوید ای برآورنده حاجتهای
الطّالبین اِقْضِ حاجَتی بِلُطْفِک یا خَفِیَّ الْأَلْطاف و در روایت
سؤال کنندگان برآور حاجت مرا به مهربانی خود ای آنکه پنهان است لطفهای او معتبره
وارد شده است که مادر داود بحضرت عرض کرد که ای
سید و آقای من این دعا را در غیر ماه رجب میتوان خواند
حضرت فرمود بلی در روز عرفه میتوان خواند و اگر موافق افتد
که روز جمعه باشد صاحبش فارغ نمیشود مگر آنکه خدا او را
بیامرزد و در هر ماه که باشد اگر ایام البیض آن ماه را روزه
بدارد و در روز پانزدهم این دعا را بنحوی که ذکر کردم حاجتش
بر آورده است و در روایت دیگر وارد است که حضرت فرمود
که در روز عرفه و در هر روز که این دعا را بخواند حاجتش بر آورده
میشود مؤلف گوید که از این احادیث ظاهر میشود که در هر
ماه که ایام البیض را یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را
روزه بدارد و در روز پانزدهم این عمل را بجا آورد به مطلوب
فایز میگردد و دور نیست که اگر در روز عرفه و جمعه و سایر
ایام متبرکه نیز این عمل را بدون روزه بعمل آورد خوب باشد
و اگر در غیر اشهر حرم که ذی القعده و ذی الحجه و محرم و ماه
رجب است این دعا را بخواند بجای بِحُرْمَةِ هٰذَا الشَّهْرِ الْحَرام

وهذا ابتدا از دویم است فصل پنجم در بیان فضایل و اعمال نصف اخر ماه رجب است شیخ طوسی و دیگران گفته اند که در روز هیجدهم این ماه ابراهیم پسر رسول از دنیا رفت پس حزن و اندوه و لعن بر اعدا که در این مصیبت شماتت کردند مناسبست خصوصاً عایشه علیها اللعنة و ابن عیاش که یکی از محدثان شیعه است گفته است که حضرت فاطمهٔ زهراء علیها السلام در روز بیست و یکم ماه رجب بعالم قدس ارتحال نموده اگرچه خلاف مشهور است اما لعن بر قاتلان و ظالمان آن جگرگوشهٔ حضرت رسالت که عمدهٔ ایشان عمر بن الخطاب علیه اللعنه است و زیارت آن حضرت اکثار مناسبست بنحوی که مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و شیخ مفید ره گفته است که در بیست و دویم این ماه معویه علیه اللعنه بجهنم واصل شده است و مستحب است که این روز را روزه دارند بشکر این نعمت و در روز بیست و سیم این ماه خارجیان خنجر زهرآلود بر ران مبارک امام حسن مجتبی زدند پس زیارت آن حضرت و لعن بر ظالمان و قاتلان آن حضرت مناسبست و در روز بیست و چهارم این ماه فتح خیبر بدست معجز نمای اسد الله الغالب علی بن ابی طالب جاری شد و مرحب یهودی بر دست آن حضرت کشته شد گفته اند روزه

آن روز بشکر این نعمت و زیارت آنحضرت مستحب است و شیخ رحمه
الله ذکر کرده است که شهادت امام موسی کاظم ع در روز بیست و
پنجم ماه رجب واقع شد امّا احادیث بسیار در فضیلت این روز
و ثواب روزه‌اش وارد شده است و روایتی نقل کرده‌اند از ابن
بابویه و غیر او که حضرت رسول ص در روز بیست و پنجم رجب
مبعوث برسالت شد و این مخالف مشهور و احادیث بسیار
است که بعد از این مذکور خواهد شد امّا در فضیلت روزه
اش شکی نیست چنانچه از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که روزه‌اش کفاره دویست سال گناهست و بسند بسیار
معتبر از حضرت امام رضا ع مرویست که هر که روز بیست و
پنجم ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه او را کفاره هفتاد
سال گناه گرداند و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که
روز بیست و ششم ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه
او را کفاره هشتاد ساله گناه گرداند و روز بیست و
هفتم اینماه از جمله اعیاد عظیم امّت است و روزیست که
حضرت رسول ص و آله در آن روز برسالت بر امت مبعوث
گردید و جبرئیل ع به پیغمبری بر آنحضرت نازل شد و
شبش نیز شب بسیار مبارکیست و بسندهای معتبر
از حضرت امام محمد تقی ع منقولست که در ماه رجب شبی

هست که بهتر است از برای مردم از آنچه آفتاب بر آن می
تابد و آن شب بیست و هفتم این ماه است و در صبح آن
شب حضرت رسول ص و آله برسالت مبعوث شد و کسی که
عبادت کند این شب را مثل اجر شصت سال عبادت خدا باو
عطا میفرماید پرسیدند که عمل این شب چیست فرمود که
چون نماز خفتن کردی بخواب رو و هر گه وقت از شب
که بیدار شوی خواه پیش از نصف شب و خواه بعد از آن
برخیز و دوازده رکعت نماز بکن و بعد از هر دو رکعت
سلام بگو و در هر رکعت بعد از حمد یک سوره از سورهای
کوچک و بعد از آن سوره یس را بخوان و چون از همه فارغ
شوی چنانکه نشسته سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون
و انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة الکرسی و هر یک را
هفت مرتبه بخوان پس این الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا
دعا را بخوان هذا الدعا سپاس مر خدای را که فرا نگرفته فرزند
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ
و نیست برای او شریک در پادشاهی و نیست برای او یاوری از مذلت
وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ عِزِّكَ عَلٰى
و بعظمت یاد کن خدا را عظمت را کردنی خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تو را

اعمال روز مبعث

ارکان

أَرْكانِ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ وَبِاسْمِكَ الأَعْظَمِ

اطراف عرش تو و بحق نهایت رحمتی که است از کتاب تو و بنام تو بزرگترست

الأَعْظَمِ الأَعْظَمِ وَذِكْرِكَ الأَعْلَى الأَعْلَى وَبِكَلِماتِكَ

بزرگترست بزرگتر بزرگتر و بحق ذکر تو بلند ترست بلندتر و بحق تمام کلمها

التّامّاتِ كُلِّها أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ

تمام و کامله همه آن کلمها اگر رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اگر بکنی

بِنا ما أَنْتَ أَهْلُهُ پس هر حاجت که خواهی بطلب که چه

آنچه تو سزاوار آنی

طلبی مستجاب شود مگر آنکه حرامی بطلبی یا
قطع رحمی یا هلاک جمعی از مؤمنان را طلب کنی و روزش را
بدار که از برای تو حساب میشود بروزه یکسال و بسند معتبر
از حضرت موسی ابن جعفر منقولست که در شب بیست و
هفتم رجب هر وقت شب که باشد دوازده رکعت نماز
بجا آورد و در هر رکعت بعد از سوره حمد چهار مرتبه سوره
قل اعوذ برب الناس و برب الفلق و قل هو الله احد بخوان
و چون از دوازده رکعت فارغ شوی در همان مکان چهار
مرتبه لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسُبْحانَ اللهِ
بگو

نیست خداوندی بپرستش مگر خدا و خدا بزرگتر است و ستایش مر خدای راست و

وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيمِ پس هر حاجت که

نیست گردیدنی و نه توانائی مگر بتوفیق خدای بلند قدر بزرگ

بخواهی بطلب

مؤلف گوید که بهتر آنست بنابرین دو روایت که عمل کنی خوبست
فضل واگر هر دو را بکند بهتر است واگر نماز شب نصف
رجب را که پیشتر مذکور شد درانشب بجا آورد خوبست
ودر روایت وارد شده است که درین شب نیز بجا آورند
وشیخ طوسی ره گفته است که غسل درانشب مناسبست
واین دعا نیز وارد شده است اللّهمّ انّی اسئلک بالتجلّی
که درین شب بخوانند
بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بتجلّی
الاعظم فی هذه اللیلة من الشهر المعظّم والمرسل المکرّم
بزرگتر درین شب از این ماه بزرگ کرده شده و پیغمبر گرامی
ان تصلّی علی محمّد وآله وان تغفر لنا ما انت به منّا اعلم
که رحمت فرستی بر محمد وآل او واینکه بیامرزی برای ما آنچه تو بآن از ما داناتری
یا من یعلم ولا یعلم اللّهمّ بارک لنا فی لیلتنا هذه
ای آنکه میداند هر چیز را و هرگز دانسته نشده بار خدایا برکت ده ما را در شب ما این
التی بشرف الرسالة فضّلتها وبکرامتک اجللتها وبا
که بشرف رسالت پیغمبر زیادتی دادی آن را و بکرامت خود بزرگ گردانیدی
لمحلّ الشریف احللتها اللّهمّ فانّا نسئلک بالمبعث
بمرتبه بلندی فرود آوردی آن را بار خدایا پس بتحقیق ما سؤال میکنیم از تو بحق پیغمبر
الشریف والسیّد اللطیف والعنصر العفیف ان تصلّی
وان بزرگ مهربان وان اصل پرهیزکار اینکه رحمت بفرستی
علی محمد

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ أَعْمَالَنَا فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي

بر محمد و آل او و اینکه بگردانی کردارهای ما را در این شب و در

سَائِرِ اللَّيَالِي مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً وَحَسَنَاتِنَا

باقی شبها پذیرفته و گناهان ما را آمرزیده و نیکیهای ما را

مَشْكُورَةً وَسَيِّئَاتِنَا مَسْتُورَةً وَقُلُوبَنَا بِحُسْنِ الْقَوْلِ

جزا داده شده و بدیهای ما را پوشیده و دلهای ما را بسبب نیکوئی گفتار

مَسْرُورَةً وَأَرْزَاقَنَا مِنْ لَدُنْكَ بِالْيُسْرِ مَدْرُورَةً اَللّٰهُمَّ

شادمان و روزیهای ما را از نزد خود بآسانی روان گردانیده شده خدایا

إِنَّكَ تَرَى وَلَا تُرَى وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَأَنَّ إِلَيْكَ

براستی که تو می بینی و دیده نمیشوی و تو در دیدگاه بلندتری و بتحقیق بسوی تست

الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى وَأَنَّ لَكَ الْمَمَاتَ وَالْمَحْيَا وَأَنَّ لَكَ

بازگشتن و منتهی شدن و براستی که برای تواست مردن و زنده شدن و براستی

الْآخِرَةَ وَالْأُولَى اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى

آخرت و دنیا بار خدایا براستی که ما پناه میبریم بتو از اینکه خفیف گردیم

وَأَنْ نَأْتِيَ مَا عَنْهُ تَنْهَى اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ

و خوار شدیم و از اینکه اتیان نمائیم بآنچه از آن منع نموده خداوندا براستی که ما سؤال میکنیم از تو

بِرَحْمَتِكَ وَنَسْتَعِيذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعِذْنَا مِنْهَا بِقُدْرَتِكَ

بهشت را برحمت تو و پناه میجوئیم بتو از آتش پس پناه ده ما را از آن بتوانائی خود

وَنَسْأَلُكَ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ فَارْزُقْنَا بِعِزَّتِكَ وَاجْعَلْ

و سؤال میکنیم ترا از سیاه دیدگان فراخ چشم پس روزی کن ما را بعزت خود

اوسع ارزاقنا عند كبر سننا واحسن اعمالنا عند اقتراب

فراخ گردان روزیهای ما را نزد بزرگی سال ما و نیکو گردان کارهای ما را نزد نزدیک شدن

آجالنا واطل في طاعتك وما يقرب اليك ويحظي عند

اجلهای ما و دراز کن در طاعت خود و آنچه نزدیک گرداند بسوی تو و بهره مند سازد نزد

ويزلف لديك اعمارنا واحسن في جميع احوالنا وامورنا

و نزدیک گرداند نزد تو عمرهای ما را و نیکو گردان در همه حالات و کارهای

معرفتنا ولا تكلنا الى احد من خلقك فيمن علينا و

شناختن ما را و وامگذار ما را بسوی یکی از آفریدگان خود پس منت گذارد بر ما و

تفضل علينا بجميع حوائجنا للدنيا والآخرة وابدا

احسان کن بر ما به همه حاجتهای ما بجهت دنیا و عقبی است و ابتدا کن

بآبائنا وابنائنا وجميع اخواننا المؤمنين في جميع ما

به پدران ما و پسران ما و همه برادران ما که گروندگانند در همه آنچه

سئلناك لانفسنا يا ارحم الراحمين اللهم انا نسئلك

درخواستیم ما از تو بجهت نفسهای خود ای بخشنده ترین بخشندگان بار خدایا

باسمك العظيم وملكك القديم ان تصلي على محمد وآل

بحرمت نام بزرگ تو و پادشاهی دیرینه تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل

محمد وان تغفر لنا الذنب العظيم انه لا يغفر العظيم

محمد و اینکه بیامرزی برای ما گناه بزرگ را بدرستی که نمی آمرزد گناه بزرگ را

الا العظيم اللهم وهذا رجب المكرم الذي اكرمتنا

مگر بزرگ بار خدایا و این ماه رجب است که گرامی داشتی ما را

بِهِ اَوَّلَ اَشْهُرِ الْحُرُمِ اَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْاُمَمِ فَلَكَ الْحَمْدُ

بدان اول ماههای حرام است گرامی گردانیدی ما را بآن از میان امتها پس مر ترا

يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ فَاَسْئَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ

ای خداوند بخشش و بزرگواری پس سؤال میکنیم ترا بحرمت آن و بحرمت نام تو بزرگ بزرگتر

الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي

بزرگتر بزرگوارتر گرامی تر آن نامی که آفریدی آن را پس قرار گرفت در

فِي ظِلِّكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ اِلَى غَيْرِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

در سایه تو پس بیرون نرود بسوی غیر تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد

وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَاَنْ تَجْعَلَنَا مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ

و خاندان او که پاکانند و اینکه بگردانی ما را از عمل کنندگان در آن

بِطَاعَتِكَ وَالْاٰمِلِينَ فِيهِ لِشَفَاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ اهْدِنَا

بطاعت تو و امیدواران در این ماه بشفاعت تو خداوندا هدایت کن ما را

اِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ

بسوی راه راست و بگردان خوابگاه ما را نزد خود بهترین خوابگاهی

فِي ظِلٍّ ظَلِيلٍ وَمُلْكٍ جَزِيلٍ فَاِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

در سایه عظیم و عزت بسیار پس بدرستیکه تو کافی ما را و نیکو کارسازی

اَللّٰهُمَّ اَقْلِبْنَا مُفْلِحِينَ مُنْجِحِينَ غَيْرَ مَغْضُوبٍ عَلَيْنَا

خداوندا برگردان ما را رستگاران فیروزان یا مقبولان نه غضب کرده شده

وَلَا ضَالِّينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ بِعَزَائِمِ

و نه گمراهان برحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان بار خدایا بحق

مَغْفِرَتِكَ وَبِوَاجِبِ رَحْمَتِكَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ وَ
مغفرتهای ثابت تو و رحمت واجب تو سلامتی از هر گناهی و
وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ
غنیمت از هر نیکی و رستگاری به بهشت و خلاصی از دوزخ
اَللّٰهُمَّ دَعَاكَ الدَّاعُونَ وَدَعَوْتُكَ وَسَأَلَكَ
خدایا بخواندند تورا خوانندگان و خواندم من ترا و درخواستند از تو
السَّائِلُونَ وَسَأَلْتُكَ وَطَلَبَ إِلَيْكَ الطَّالِبُونَ وَ
درخواهندگان و درخواستم من از تو و رغبت نمودند بسوی تو طلب کنندگان و
طَلَبْتُ إِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الثِّقَةُ وَالرَّجَاءُ وَإِلَيْكَ
رغبت نمودم من بسوی تو خداوندا تویی اعتماد و امید و بسوی تست
مُنْتَهَى الرَّغْبَةِ وَالدُّعَاءِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
منتهی شدن رغبتها و دعاها بار خدایا پس رحمت بفرست بر محمد و آل
وَاجْعَلِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالنُّورَ فِي بَصَرِي وَالنَّصِيحَةَ
بگردان یقین را در دل و روشنایی را در دیده من و پند را
فِي صَدْرِي وَذِكْرَكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى لِسَانِي وَرِزْقًا
در سینه من و ذکر خود را در شب و روز بر زبان من و روزی
وَاسِعًا غَيْرَ مَمْنُونٍ وَلَا مَحْظُورٍ فَارْزُقْنِي وَبَارِكْ لِي فِيمَا
فراخی را که نباشد منقطع و نه حرام پس روزی کن مرا و برکت ده
رَزَقْتَنِي وَاجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَرَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ
روزی کرده مرا و بگردان بی نیازی مرا در نفس من و رغبت مرا به آنچه نزد توست

برحمتك

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس بسجده رو و بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِى

برحمت خود اى بخشنده ترين بخشندگان ... ستايش مر خداى را

هَدٰينَا لِمَعْرِفَتِهِ وَخَصَّنَا بِوِلَايَتِهِ وَوَفَّقَنَا لِطَاعَتِهِ پس

كه هدايت كرده ما را بشناخت خود و مخصوص گردانيده ما را بدوستى خود و توفيق داده ما را بطاعت خود بگو

شُكْرًا شُكْرًا صد مرتبه پس سر از سجده بردار و بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّى قَصَدْتُكَ

بجهت شكر ... خداوندا بدرستيكه من قصد نمودم

بِحَاجَتِى وَاعْتَمَدْتُ عَلَيْكَ بِمَسْئَلَتِى وَتَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ

بحاجت خود و تكيه كردم بر لطف تو در سؤال خود و رو آورده ام بسوى تو

بِاَئِمَّتِى وَسَادَتِى اَللّٰهُمَّ انْفَعْنَا بِحُبِّهِمْ وَاَوْرِدْنَا مَوْرِدَهُمْ

بپيشوايان خود و بزرگان خود بار خدايا سود بخش ما را بمحبت ايشان و در آور ما را بمورد ايشان

وَارْزُقْنَا مُرَافَقَتَهُمْ وَاَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ فِى زُمْرَتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ

و روزى كن ما را رفاقت ايشان و داخل كن ما را در بهشت در گروه ايشان برحمت خود اى

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و در روز بيست و هفتم غسل سنت

رحم كننده ترين رحم كنندگان

است و روزه اش فضيلت بسيار دارد و بسندهاى معتبر از حضرت صادق منقولست كه روزه اش برابر است با روزه هفتاد ساله و بروايت ديگر شصت سال و ايضا منقولست كه حسن ابن راشد از حضرت صادق سؤال كرد كه آيا غير عيدها مشهور عيدى هست حضرت فرمود بلى شريفترين و فاضلترين

از همه روز بیست که حضرت رسول برسالت مبعوث گردید
است وان بیست وهفتم ماه رجب است باید که روزه
بداری وصلوات بر محمد وال محمد بسیار بفرستی و زیارت
حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین در این روز منقولست
ونماز این روز بطرق مختلفه وارد شده است واکثر
گفته اند که پیش از زوال باید کرد واز اکثر احادیث
ظاهر میشود که در هر وقت روز که بکند خوبست و
بسند معتبر از ریان بن الصلت منقولست که حضرت
امام محمد تقی ع ببغداد تشریف آوردند در روز نصف رجب
و روز بیست و هفتم روزه داشتند و جمیع ملازمان
واصحاب خود را امر فرمودند که در این روز روزه بدارند
ودر هر یک دوازده رکعت نماز بکنند یعنی هر دو
رکعت بیک سلام و هر رکعت را بحمد و هر سوره که خواهند
بخوانند و چون از همه فارغ شوند سوره حمد و قل هو الله
احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک
را چهار مرتبه بخوانند لا اله الا الله والله اکبر وسبحان
پس چهار مرتبه بگویند نیست خدائی مگر خدای و خدا بزرگتر است و پاک
الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
خدا و ستایش مر خدای را و نیست حرکتی و نه توانائی مگر بخداست خدای بلند قدر بزرگ

پس چهار

پس چهارده اللّٰه اللّٰه ربّی لا اشرک به شیئا پس چهارده
مرتبه بگو خدا خدا پروردگار منست انباز نمیگردانم باو چیزی بگو پس بند
لا اشرک بربّی احدا و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر
شریک نمی گردانم به پروردگار خود احدی منقولست که در این روز دوازده
رکعت نماز بجا می آوری و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره
که میسّر شود بخوانی و بعد از هر دو رکعت سلام میگوئی
و این دعا را الحمد لله الّذی لم یتّخذ ولدا و لم یکن له شریک
می خوانی ستایش مر خدای را که فرا نگرفت فرزندی و نیست برای او شریک
فی الملک و لم یکن له ولیّ من الذّلّ و کبّره تکبیرا یا عدّتی
در ملک و پادشاهی و نیست برای او یاوری از ذلّت و بزرگی یاد کن او را بزرگ یاد کردنی ای
فی مدّتی یا صاحبی فی شدّتی یا ولیّی فی نعمتی یا غیاثی فی
در مدت عمر من ای یار من در سختی من ای ولی من در نعمت من ای فریادرس من در
رغبتی یا نجاحی فی حاجتی یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی
خواهش ای پیروزی بخش من در حاجت من ای نگهدارنده من در غیبت من ای نگهبان من در
وحدتی یا انسی فی وحشتی انت السّاتر عورتی فلک الحمد
در تنهائی ای انیس من در حال ترس من توئی پوشاننده عورت من پس مر تراست
و انت المقیل عثرتی فلک الحمد و انت المنعش صرعتی
ستایش و توئی [illegible] از لغزش من پس مر تراست ستایش مر تراست و توئی
فلک الحمد صلّ علی محمّد و آل محمّد و استر عورتی و آمن روعتی
پس ستایش مر تراست رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بپوشان عورت مرا و ایمن گردان ترس مرا

وَاَقِلْنِي عَثْرَتِي وَاصْفَحْ عَنْ جُرْمِي وَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِي فِي اَصْحَابِ

و در گذر از لغزش من و در گذر از گناه من و بگذر از بدیهای من در جایگاه یاران

الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ وچون از نماز

در زمره یاران بهشت وعده کن مرا وعده راستی که اصحاب بهشت را داده شد

و دعا فارغ شوی

سورهٔ حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ

برب الناس و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی

را هر یک هشت مرتبه لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ وَسُبْحَانَ

میگوئی

نیست معبودی بجز خدا و خدا بزرگتر است و پاک است خدا و ستایش

اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ پس هفت مرتبه

می گوئی

مر خدای را و نیست حرکتی و نه توانائی مگر بخدا

اَللهُ اَللهُ رَبِّي وَلَا اُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا پس آنچه خواهی از خدا

خدا خدا پروردگار من است و انباز نمی گیرم با وی چیزی

بطلب و بسند معتبر دیگر

از حضرت موسی بن جعفر منقولست که سنتست این دعا را

در روز مبعث يَا مَنْ اَمَرَ بِالْعَفْوِ وَالتَّجَاوُزِ وَضَمَّنَ نَفْسَهُ

بخوانند

ای آنکه فرمان داده بعفو و درگذشتن و ضامن کرده نفس خود را

الْعَفْوَ وَالتَّجَاوُزَ يَا مَنْ عَفَى وَتَجَاوَزَ اُعْفُ عَنِّي وَتَجَاوَزْ

برای عفو و درگذشتن ای آنکه عفو نموده و درگذشته عفو کن از من و در گذر

يَا كَرِيمُ اَللّٰهُمَّ وَقَدْ اَكْدَى الطَّلَبُ وَاَعْيَتِ الْحِيلَةُ وَالْمَذْ

ای کریم

بار خدایا و بتحقیق بیشک نصیب نکرد طلب و عاجز کرد حیله و چاره

در جستجوی مطالب

وَدَرَسَتِ الْآمالُ وَانْقَطَعَ الرَّجاءُ إِلّا مِنْكَ وَحْدَكَ

و کهنه شد آرزوها و بریده شده امید مگر از تو در حالتی که تنهائی

لا شَرِيكَ لَكَ اللّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً

شریکی برای تو نیست خدایا بدرستی که من می یابم راههای مطلبها را بسوی تو گشاده و جویهای

وَمَناهِلَ الرَّجاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً وَأَبْوابَ الدُّعاءِ لِمَنْ

و آبخورهای امید را نزد تو پر آب و لبریز و درهای خواندن را برای کسی که

دَعاكَ مُفَتَّحَةً وَالْاِسْتِعانَةَ لِمَنِ اسْتَعانَ بِكَ مُباحَةً

بخواند ترا گشوده و یاری جستن را برای کسی که یاری جوید بتو حلال کرده شده

وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِداعِيكَ بِمَوْضِعِ إِجابَةٍ وَلِلصّارِخِ إِلَيْكَ

و میدانم اینکه بتحقیق تو برای خواننده خود در جای اجابتی و برای فریاد کننده بسوی تو در

بِمَرْصَدِ إِغاثَةٍ وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلى جُودِكَ وَالضَّمانِ

در کمینگاه فریادرسی و اینکه بتحقیق در استغاثه کردن بسوی بخشش تو و در ضمان

بِعِدَتِكَ عِوَضاً مِنْ مَنْعِ الْباخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمّا فِي

بوعده تو است عوضی از منع سفلگان و وسعت و بی نیازی از آنچه

أَيْدِي الْمُسْتَأْثِرِينَ وَأَنَّكَ لا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلّا

دستهای آنان است که ... بتحقیق تو پنهان نمی شوی از خلق

أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمالُ دُونَكَ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ أَفْضَلَ

مگر اینکه بپوشد ایشان را کارها پیش از رسیدن بتو و بتحقیق دانسته ام اینکه بهتر

زادِ الرّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمُ إِرادَةٍ وَقَدْ ناجاكَ بِعَزْمِ

توشه کوچ کننده بسوی تو اراده ثابت است و بتحقیق خواند ترا بعزم اراده

الارادة قلبي فاسئلك بكل دعوة دعاك بها راج

اراده ثابت دل من پس سؤال میکنم تورا بهر دعاء که خواننده باشد تورا با آن امیدوار

بلغته امله او صارخ اليك اغثت صرخته او

رسیده بآرزوی او یا باستغاثه خواننده بوی تو رسیده بفریاد او

ملهوف مكروب فرجت عن قلبه او مذنب خاطئ

یا درمانده غمگین و شفقت نموده باشی از دل او یا گنه کار خطا کار

غفرت له او معافا اتممت نعمتك عليه او فقير

درآمرزیده باشی مر او را یا عافیت بخشیده شده تمام کرده باشی نعمت خود را بر او یا محتاج

اهديت غناك اليه ولتلك الدعوة عليك

درفرستاده باشی بی نیازی خود را بوی او و آنکه برای آن دعوت بوده باشد بر تو حقی

حق وعندك منزلة الا صليت على محمد وآله

حقی و نزد تو مرتبه مگر رحمت بفرست بر محمد و آل او

وقضيت حوائجي حوائج الدنيا والآخرة وهذا رجب

و روا کنی حاجتهای اینجهان و آنجهان را و این ماه رجب

المرجب المكرم الذي اكرمتنا به اول اشهر

بزرگ که دارنده اکرامست که گرامی کرده ما را بآن اول ماههای

الحرم واكرمتنا من بين الامم ياذا الجود والكرم فا

حرام است و گرامی داشته ما را از میان امتها ای خداوند بخشش و کرم

نسئلك به وباسمك الاعظم الاعظم الاعظم

پس … از تو بحرمت این … نام … بزرگتر بزرگتر

الاجل

بزرگوارتر

الاجلّ الاكرم الذى خلقته فاستقرّ فى ظلّك فلا

بزرگوار بزرگ گرامی‌تر آن، می گردانیدی آن را پس قرار گرفت در سایهٔ تو پس

يخرج منك الى غيرك ان تصلّى على محمّد واهل بيته

بیرون از تو بسوی غیر تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و خاندان او و

الطاهرين وتجعلنا من العاملين فيه بطاعتك و

پاکان و بگردانی مارا از آنان که عمل کنند درین ماه بطاعت تو و

الآملين فيه لشفاعتك اللّهمّ واهدنا الى سوآء

امید دارنده درین ماه شفاعت ترا بار خدایا و راه نما مارا بسوی راه

السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل فى ظلّ

راست و بگردان آرامگاه مارا نزد خود بهترین آرامگاهی در سایهٔ

ظليل فانّك حسبنا الله ونعم الوكيل والسّلام

عظیم پس بدرستی که تو کافی مارا و بسنده کارگذاری و درود

على عباده المصطفين وصلواته عليهم اجمعين

بر بندگان برگزیدگان و رحمتهای او بر ایشان همه

اللّهمّ وبارك لنا فى يومنا هذا الذى فضّلته

خداوندا برکت ده مارا در روز ما این روز که زیادتی دادهٔ

وبكرامتك جلّلته وبالمنزل العظيم انزلته و

و بکرامات خود بزرگ گردانیده ای آن را و بمرتبه بزرگ فرود آوردهٔ و

صلّ على من فيه الى عبادك ارسلته وبالمحلّ

درود و رحمت بفرست بر کسی که درین روز بسوی بندگان خود فرستادهٔ او را و بجای

الکریم اخلاقه اللهم صلّ علیه صلوة دائمة تکون

کرامی . وزود آورده او را آ خداوندا رحمت بفرست برا و رحمتی همیشه و بعد ببود

لک شکراً ولنا ذخراً واجعل لنا من امرنا یسراً واختم

برای تو شکر و برای ما ذخیره و بگردان برای ما از کار ما آسانی و ختم کن

لنا بالسعادة الی منتهی آجالنا وقد قبلت الیسیر من

برای ما نیک بختی را تا آخر اجلهای ما و حال آنکه بتحقیق پذیرفتی آن اندک

اعمالنا وبلغتنا برحمتک افضل آمالنا انک علی کل شیء

از عملهای ما را و رسانیدی ما را بمهربانی خود بهترین آرزوهای ما بدرستیکه تو بر همه چیز

قدیر وصلی الله علی سیدنا محمد وآله وسلم ولسند

توانائی و رحمت بفرستد بر بهترین ما محمد و آل او و سلام بفرستد معتبر از

حضرت امام رضا منقولست که هر که روز بیست و

هشتم ماه رجب را روزه بدارد کفاره بود شصت ساله گناه او گردد

و هر که روز بیست و نهم را روزه بدارد کفاره صد ساله

گناه او باشد و هر که روز سی ام این ماه را روزه دارد حق تعالی

گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و در روز اول شب

نماز سلمان سنت بنحوی که در اول مذکور شد و اگر

احتمال نقصان ماه باشد در روز بیست و نهم نیز احتیاطا

بکند و در کتب دعوات از برای هر شب اینماه نماز مخصوصی

ذکر کرده اند اما چون سند معتبر بنظر نرسید نخواستم که

ایراد

ابراد میشما بر سبیل اجمال واگر کسی بقصد آنکه مطلق صلوة
خواسته بکند بدینیت شب اول سی رکعت در هر رکعة
بعد از حمد سه مرتبه جحد یعنی قل یا ایها الکافرون و سه
مرتبه توحید یعنی قل هو الله احد شب دوم ده رکعت با
حمد و جحد شب سیم ده رکعت با حمد و پنج مرتبه سوره اذا جاء
نصر الله در هر رکعت شب چهارم صد رکعت در هر دو رکعت
در اول بعد از حمد قل اعوذ برب الفلق و در دوم بعد از
حمد برب الناس شب پنجم شش رکعت در هر رکعت بعد از
حمد بیست و پنج مرتبه توحید شب ششم دو رکعت در
هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه آیة الکرسی شب هفتم
چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد توحید و معوذتین
هر یک سه مرتبه و بعد از نماز ده مرتبه تسبیحات اربع
شب هشتم بیست رکعت در هر رکعت حمد و هر یک از
چهار قل سه مرتبه شب نهم دو رکعت بعد از حمد پنج
مرتبه الهیکم التکاثر یازدهم دوازده رکعت بعد از نماز
مغرب با حمد و سه مرتبه سوره توحید شب دوازدهم
دوازده رکعت با حمد و دوازده مرتبه آیة الکرسی شب
سیزدهم دو رکعت با حمد و آیه آمن الرسول ده مرتبه
شب چهاردهم ده رکعت در هر دو رکعت در رکعت اول

بعد از حمد سوره والعادیات و در دویم سوره الهیکم التکاثر
شب پانزدهم سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سوره
توحید و آیه قل انما انا بشر مثلکم تا آخر سوره شب شانزدهم
شب هفدهم وشانزدهم و هفدهم سی رکعت با حمد و ده
مرتبه سوره توحید در هر رکعت شب نوزدهم دو رکعت
در هر رکعت بعد از حمد سوره توحید و معوذتین هر یک
ده مرتبه شب بیستم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد
پانزده مرتبه توحید و آیة الکرسی بیست و یکم دو رکعت
در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه انا انزلناه شب بیست و دویم
شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه انا اعطیناک
الکوثر و ده مرتبه سوره توحید شب بیست و سیم هشت رکعت
در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و هفت مرتبه قل یا
ایها الکافرون و بعد از فارغ شدن ده مرتبه صلواة
بر محمد و آل محمد بفرستند و ده مرتبه استغفار شب بیست
دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سوره والضحی
شب بیست پنجم چهل رکعت در هر رکعت بعد از حمد
آیه آمن الرسول و سوره توحید یک مرتبه شب بیست ششم
بیست رکعت در میان نماز شام و خفتن و در هر رکعت
بعد حمد آیه آمن الرسول و توحید یک مرتبه شب بیست هفتم

دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد چهل مرتبه توحید
شب بیست نهم بیست و هشتم و بیست و نهم دوازده
رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ اعلی و ده
مرتبه سورهٔ انا انزلناه و بعد از تمام کردن رکعات
صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و صد مرتبه استغفار
شب سی‌ام ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه
توحید و در هر یک از این نمازها ثواب بسیار مذکور است
و بنابر عدم اعتماد بر سند ذکر نکردم و جمیع نوافل که مذ
کور میشود هر دو رکعت به یک سلام است و بعضی که طولی
دارد و میان نماز شام و خفتن واقع شده است و باید
بعد از داخل شدن وقت خفتن واقع شود کردنش
خالی از اشکالی نیست لهذا نماز مشهور شب رغائب را
در این رساله ایراد ننمودم با آنکه از طریق عامه نقل شده
است و معتبر نیست تمام شد عمل ماه رجب بعون الله

باب دوم

باب دوم در بیان فضائل
و اعمال ماه مبارک شعبان و ایام و لیالی آن است و در آن
نیز پنج فصل است فصل اول در بیان فضیلت این ماه
است و ثواب روزه اش بدانکه فضل ماه شعبان زیاده از
ماه رجب است و منسوب است بحضرت سید انبیاء ص چنانچه رجب

اعمال ماه شعبان

از حضرت صادق منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله ماه شعبان را مشاهده مینمود امر میفرمود منادی را که ندا کند در میان مردم که ای اهل مدینه من رسولم از جانب خدا بسوی شما و میفرماید که شعبان ماه منست خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من پس حضرت امیر المؤمنین فرمود که از روزی که ندای منادی را شنیدم روزه شعبان را ترک نکردم و تا زنده ام ترک نخواهم کرد انشاء الله تعالی و فرمود که روزه ماه شعبان و ماه رمضان توبه ایست از جانب خدا برای جمیع گناهان و ایضا منقولست از ام سلمه که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هیچ ماه را تمام روزه نمی داشت مگر ماه شعبان که آنرا وصل میکرد بماه رمضان و ایضا منقولست که از آنحضرت سؤال کردند که کدام روزه از روزهای سنت افضل است فرمود که روزه شعبان برای تعظیم ماه رمضان و از حضرت امام محمد باقر منقولست که حضرت رسول شعبان را روزه میداشت و وصل میکرد بماه رمضان و میفرمود که هر دو ماه خداست و روزه هر دو کفاره گناهان گذشته و آینده است و ایضا از حضرت باقر منقولست که هر که ماه شعبان را روزه بدارد او را پاک کرده اند از هر لغزشی و از قبیحهای معصیت و قسمهای در وقت غضب و از حضرت

رسالت ص و آله منقولست که ماه شعبان ماه عظیم شریف و اینماه منست و حاملان عرش آنرا تعظیم مینمایند و حق و حرمت آنرا میشناسند و آن ماهیست که زیاد می شود در آن روزیهای بندگان از برای ماه رمضان و زینت میکنند در آن بهشت ها را شعبان نام کرده اند برای انکه منشعب و بسیار میگردد در آن روزیهای مؤمنان و حسنه در اینماه مضاعف میگردد هفتاد برابر و گناه در آن پست میگردد و امرزیده می و اعمال خیر در آن مقبول میگردد و خدا وند جبار نظر میکند بسوی روزه داران و عبادت کنندگان اینماه پس مباهات میکند با ایشان با حاملان عرش پس در فضیلت روزه هر روز اینماه انقدر فرمود که ذکرش موجب تطویل کلام است و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که روزه شعبان ذخیره بنده است از برای روزه قیامت و هر بنده که در ماه شعبان روزه بسیار بگیرد حقتعالی امر معیشت او را باصلاح آورد و کفایت کند شر دشمنان او را و کمتر ثوابی که بروزه دار روزی از شعبان میدهند انست که بهشت از برای او واجب گردد و بسند های معتبر از انحضرت منقولست که حضرت رسول ص و آله فرمود که شعبان ماه منست و رمضان ماه خداست پس هر که یک روز از ماه من روزه بدارد

من شفیع او باشم در روز قیامت و هر که دو روز از ماه من روزه بدارد گناهان گذشته او آمرزیده گردد و هر که سه روز از ماه من روزه بدارد او را ندا کنند که عمل را از سر گیر یعنی هیچ گناهی نداری و بسند عالی از حضرة امام رضا منقولست که هر که یک روز شعبان را از برای خدا روزه بدارد داخل بهشت شود و هر که در یک روز از شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند در قیامت در زمرهٔ حضرة رسول صلی الله علیه و آله محشور شود و گرامی داشتن خدا او را واجب گردد هر که در شعبان تصدق بکند اگرچه بقدر نصف دانه خرما باشد خدا بدن او را بر آتش جهنم حرام گرداند و هر که سه روز از آخر شعبان روزه بدارد و وصل کند بماه رمضان خدا ثواب روزهٔ دو ماه متصل در نامهٔ اعمال او بنویسد و ابن بابویه روایت کرده است که از اسامه پرسیدند که کدام ماه را حضرة رسول صلی الله علیه و آله زیاده از ماههای دیگر روزه می گرفت گفت ماه شعبان را و میفرمود که مردم از آن غافلند و اعمال بیست کرد این ماه عملهای بندگان بسوی خدا بالا میبرد و دوست میدارم که عمل من بالا رود در وقتی که روزه باشم و ایضا روایت کرده است که از آنحضرة پرسیدند از روزهٔ رجب فرمود که چرا غافلید از روزهٔ شعبان یعنی

افضل است

افضل است از آن و ایضاً روایت کرده است بسند معتبر
از حضرت خیر البشر که فرمود شعبان ماه منست هر که از
ماه من یک روز روزه دارد بهشت او را واجب شود و هر که
دو روز روزه بدارد در قیامت از رفیقان پیغمبران
و صدیقان باشد و هر که تمام ماه را روزه بدارد و پیوند
کند بماه رمضان توبه او باشد از هر گناه کوچک و بزرگ
هر چند داخل خون حرام شده باشد که او را نفع میدهد
و بسند صحیح از حضرت صادق روایت کرده است که هر که
سه روز از ماه شعبان را روزه دارد بهشت او را واجب
گردد و رسول خدا شفیع او باشد در قیامت و ایضاً بسند
بسیار معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که چون
ماه شعبان داخل میشد حضرت امام زین العابدین اصحاب
خود را جمع مینمود و میفرمود که ای گروه اصحاب من می
دانید این چه ماهیست این ماه شعبانست و حضرت رسول
و اله میفرمود که شعبان ماه منست پس روزه بدارید
در این ماه از برای محبت پیغمبر خود و از برای تقرب بسوی
خداوند خود بحق آن خداوندی که جان علی ابن الحسین
بدست او ست سوگند یاد میکنم که شنیدم از پدرم علی
حسین بن علی که گفت شنیدم از حضرت امیر المؤمنین ص

که هر که روزه دارد شعبان را از برای محبت پیغمبر خدا و از
برای تقرب بخدا خدا او را دوست دارد و نزدیک گرداند
او بکرامت خود در روز قیامت و بهشت واجب گرداند
از برای او و ایضا از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده است که
حضرت رسول ص و آله فرمود که شعبان ماه منست و ماه رمضان
ماه خداست پس هر که ماه مرا روزه بدارد من شفاعت کنم
او را در روز قیامت و هر که روزه بدارد ماه خدا را حق تعالی
مونس او گرداند در وحشت قبر او و او را تنها نگذارد و از قبر
بیرون آید در قیامت با روی سفید نورانی و نامه عمل او را
بدست او دهند و نامه مخلد بودن در بهشت را بدست
چپ او دهند تا آنکه او را نزد عرش الهی حاضر سازند پس
حقتعالی او را ندا کند که ای بنده من او بگوید لبیک ای خداوند
من پس خدا فرماید که روزه داشتی از برای من گوید
بلی آقای من پس خداوند جلیل ندا کند ملائکه را که بگیرید
دست بنده مرا و ببرید نزد پیغمبر من پس بیاورند او را نزد
من من او را بگویم ماه مرا روزه داشتی و بگوید بلی من بگویم با او که
امروز شفاعت تو میکنم پس حقتعالی فرماید که من حقوق
خود را به بنده خود بخشیدم اما حقوق خلق هر که از او
عفو کند من بقدر عوض با و دهم که او راضی شود پس

ابدا لیوم

اورا بگیرم و بیاورم نزد صراط پس بینم که صراط لغزنده
است و میلرزد و پای گناهکاران بر آن بند نمیشود
پس دست اورا بگیرم پس ملکی که موکل است بر صراط
گوید کیست این مرد من گویم این فلان کس از امت من که در دنیا ما
مرا روزه گرفته است بامید شفاعت من و ماه خدا را
روزه داشته است از برای طلب وعده خدا پس اورا از
صراط بگذرانم بعفو خدا تا آنکه اورا به بهشت برسانم
پس رضوان گوید که امروز روزیست که درها برای
امت تو میگشایم و اورا داخل بهشت کنم پس حضرت
امیر المؤمنین ع فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسالت
تا بیاشامید شراب سر بمهر بهشت **فصل دوم** در بیان
اعمال هر روز ماه شعبان است بسند معتبر منقولست
از حضرت امام رضا ع که هر که هفتاد مرتبه در ماه شعبان
استغفار کند گناهانش آمرزیده شود اگرچه بعدد ستاره
های آسمان باشد و در کتاب حسین بن سعید از حضرت
صادق ع منقولست که حضرت رسول ص و آله فرمود که شعبان
ماه منست پس در اینماه بسیار بفرستید صلوات بر من
و بر اهل بیتم و شعبان را ماه شفاعت میگویند زیرا که پیغمبر ص
شما شفاعت میکند کسیرا که در اینماه صلوات بر او و بر آل

در بیان اعمال هر روز
ماه شعبان است

بفرستند و از حضرت صادق منقولست که بهترین دعاها
در ماه شعبان استغفار است و هر که در هر روز از ماه شعبان
استغفار کند هفتاد مرتبه چنان باشد که در ماههای
دیگر هفتاد هزار مرتبه استغفار کرده باشد عرض کردند پرسید
که چگونه بگوییم أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ و بسند
طلب آمرزش میکنم از خدا و در میخواهم از او توبه
فرمود که بگوید معتبر از
حضرت امام محمد منقولست که هر که در هر روز از ماه شعبان هفتاد
مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ بنویسد حق تعالی
طلب آمرزش میکنم از خدا و در میخواهم از او توبه
بگوید برای او برات بیزاری
از آتش جهنم و بگذراند او را از صراط و داخل بهشت
گرداند او را و بسندهای معتبر منقولست که هر که در هر
روز از ماه شعبان هفتاد أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ
طلب آمرزش میکنم از خدائی که نیست سزاوار پرستش بجز او
مرتبه بگوید
الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ حق تعالی او را
بخشنده مهربان زنده پاینده در جوع میکنم بسوی او
در افق مبین جا
دهد و آن فضائیست در پیش عرش و در آن نهرها
جاریست و قدحها در کنار آن نهر است بعدد ستارهها
آسمان و در بعضی از روایات الحی القیوم پیش از الرحمن
الرحیم است و هر دو خوبست و بسند معتبر منقولست که

حضرت

حضرت امام زین العابدین در هر روز از ماه شعبان در وقت
زوال و در شب نیمه آن اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
این صلوات را میخواندند بار خدایا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد
شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلٰئِكَةِ وَمَعْدِنِ
درخت پیغمبری و جایگاه رسالت و محل آمد و شد فرشتگان و کان
الْعِلْمِ وَاَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
دانش و خانواده وحی خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد
الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ فِي اللُّجَجِ الْغَامِرَةِ يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَهَا وَيَغْرَقُ مَنْ
کشتیهای روان در دریاهای فرو گیرنده ایمن است هر که سوار شود غرق شود هر که
تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَاَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ
واگذارد آنها را پیش گیرنده بر ایشان از دین بیرون است و باز پس مانده از ایشان نابود است و ملازمت
لَهُمْ لَاحِقٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصِينِ وَ
ایشان را در پیوسته خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد پناه گاه محکم و
غِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُضْطَرِّينَ وَالْمَسَاكِينِ الْمُسْتَكِينِ وَمَلْجَاِ
فریادرس درمانده درماندگان و مساکین فروتنی کننده و پناهگاه
الْهَارِبِينَ وَمَنْجَا الْخَائِفِينَ وَعِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ اَللّٰهُمَّ
گریزندگان و رستنگاه ترسندگان و نگاه دارنده چنگ در زنندگان
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً تَكُونُ لَهُمْ
رحمت بفرست بر محمد و آل محمد رحمت بسیار پاکیزه که باشد برای ایشان

رِضاً وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَداءً وَقَضاءً بِحَوْلٍ مِنْكَ وَقُوَّةٍ يا

خوشنودی و بحق محمد و آل محمد را رسانیدن و بجا آوردن بقدرت و نیرو از تو ای

رَبَّ الْعالَمينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبينَ الْاَبْرارِ

پروردگار جهانیان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد پاکان نیکان

الْاَخْيارِ الَّذينَ اَوْجَبْتَ لَهُمْ حُقُوقَهُمْ وَفَرَضْتَ طاعَتَهُمْ

برگزیدگان آنانکه واجب کرده برای ایشان حقوق ایشان را و لازم کرده

وَوِلايَتَهُمْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْمُرْ قَلْبي بِطاعَتِكَ

و دوستی ایشان را خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و آباد کن دل مرا بفرمانبرداری

وَلا تُخْزِني بِمَعْصِيَتِكَ وَارْزُقْني مُواساةَ مَنْ قَتَّرْتَ عَلَيْهِ

و خوار مکن مرا بسبب نافرمانی خود و روزی کن مرا همراهی با کسی که تنگ کرده بر او

مِنْ رِزْقِكَ بِما وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ

از روزی خود بآنچه گشاده بر من از فضل خود و پهن کرده بر من از عدالت خود

وَاَحْيَيْتَني تَحْتَ ظِلِّكَ وَهٰذا شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ

و زنده داشته مرا زیر سایه خود و این ماه پیغمبر تست بزرگ فرستادگان

صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَعْبانُ الَّذي حَفَفْتَهُ مِنْكَ

رحمتهای تو بر او و آل او باد شعبان است که فرا گرفته آنرا از لطف خود

بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوانِ الَّذي كانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

برحمت و خوشنودی آن ماهی که بود رسول خدا رحمت فرستد

عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْاَبُ في صِيامِهِ وَقِيامِهِ في لَياليهِ

بر او و آل او که کوشش مینمود در روزه داشتن خود و برپا داشتن خود در شبهای

وايامه

کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران
گنجینه کتب خطی

وَاٰتاهُ خُضُوعاً لَكَ فِى اِكْرامِهِ وَاِعْظامِهِ اِلى مَحَلِّ حِمامِهِ
در روزهای او که فروتنی برای تو در گرامی داشتن آن و بزرگ نمودن آن تا بمردن آنحضرت
اَللّهُمَّ فَاَعِنّا عَلَى الْاِسْتِنانِ بِسُنَّتِهِ فيهِ وَنَيْلِ الشَّفاعَةِ
خداوندا پس یاری کن ما را بر عادت کردن بطریقه او در آن و رسیدن بشفاعت
لَدَيْهِ اَللّهُمَّ فَاجْعَلْهُ لى شَفيعاً مُشَفَّعاً وَطَريقاً اِلَيْكَ
نزد او خداوندا پس بگردان او را برای من شفاعت کننده پذیرفته شفاعت و راهی بسوی تو
مَهْيَعاً وَاجْعَلْنى لَهُ مُتَّبِعاً حَتّى اَلْقاكَ يَوْمَ الْقِيامَةِ عَنّى
گشاده راه و بگردان مرا پیروی کننده او را تا ملاقات کنم ترا در روز قیامت در حالتیکه از من
راضِياً وَعَنْ ذُنُوبى غاضِياً قَدْ اَوْجَبْتَ لى مِنْكَ الرَّحْمَةَ
راضی باشی و از گناهان من درگذرنده و بتحقیق واجب ساخته باشی برای من
وَالرِّضْوانَ وَاَنْزَلْتَنى دارَ الْقَرارِ وَمَحَلَّ الْاَخْيارِ وسید
خوشنودی را و در آورده باشی مرا در سرای بقا و در جای نیکان و ابن طاوس
به سند معتبر از ابن خالویه روایت کرده است که این منا
جات حضرت امیرالمؤمنین و از امامان از فرزندان او
صلوات الله علیهم که در شعبان میخوانده اند
اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل
وَاسْمَعْ دُعائى اِذا دَعَوْتُكَ
مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ نِدائى اِذا نادَيْتُكَ وَاَقْبِلْ عَلَىَّ اِذا ناجَيْتُكَ
محمد و بشنو دعای مرا هرگاه بخوانم ترا و بشنو ندای مرا هرگاه ندا کنم ترا و رو کن بمن هرگاه راز گویم با تو
فَقَدْ هَرَبْتُ اِلَيْكَ وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكيناً لَكَ
پس بتحقیق من گریختم بسوی تو و ایستاده ام در پیش تو

متضرعا اليك راجيا لما لديك ثوابي وتعلم ما في نفسي و

زاری کننده بسوی تو امیدوار آنچه نزد تو است ثواب خود را و میدانی آنچه را که در نفس

تخبر حاجتي وتعرف ضميري ولا يخفى عليك امر منقلبي ومثواي

حاجت مرا و میدانی آنچه را که پنهانست در دل من و پوشیده نیست بر تو حال

وما اريد ان ابدئ به من منطقي واتفوه به من طلبتي و

و آنچه را میخواهم که ابتدا کنم به آن از سخن خود و تلفظ نمایم به آن از حاجت خود

ارجوه لعاقبتي وقد جرت مقاديرك علي يا سيدي فيما

دارم امید آن را بجهة عاقبت خود بتحقیق روان شده اندازهای تو بر من ای آقای من در آنچه

يكون مني الى آخر عمري من سريرتي وعلانيتي وبيدك

از من تا آخر عمر من از نهان من و آشکار من و بدست تو

لا بيد غيرك زيادتي ونقصي ونفعي وضري الهي ان

نه بدست غیر تو است افزونی من و کمی من و نفع من و ضرر من خدای من اگر

حرمتني فمن ذا الذي يرزقني وان خذلتني فمن ذا الذ

ناامید کنی مرا پس کیست آنکه روزی دهد مرا و اگر خوار گذاری مرا پس کیست آنکه یاری کند

ينصرني الهي اعوذ بك من غضبك وحلول سخطك

مرا خدای من پناه میگیرم بتو از خشم تو و فرود آمدن غضب تو

الهي ان كنت غير مستاهل لرحمتك فانت اهل ان

خدای من اگر چه باشم نالایق برای رحمت تو پس تو سزاواری برای آنکه

تجود علي بفضل سعتك الهي كاني بنفسي واقفة بين

بخشش نمائی بر من بزیادتی گشایش خود خدای من گویا من ایستاده ام در پیش

يديك

يَدَيْكَ وَقَدْ أَظَلَّهَا حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ فَقُلْتَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

دو چال که سایه افکنده بر آن نیکوئی اعتماد بر لطف تو پس کردی تو آنچه را که سزاوار

وَتَغَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ إِلٰهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِذٰلِكَ

و پوشیدی مرا بعفو خود خدای من اگر درگذری پس کیست از تو سزاوارتر بآن و اگر

وَإِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُدْنِنِي مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ

بتحقیق نزدیک شده باشد اجل من و نزدیک نگردانیده باشد مرا بتو کردار

جَعَلْتُ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسِيلَتِي إِلٰهِي قَدْ جُرْتُ

پس بتحقیق که گردانیدم اقرار بگناه را بسوی تو وسیله خود خدای من بتحقیق ستم

عَلَى نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا إِلٰهِي

کردم بر نفس خود در نگریستن آن پس وای مر او را اگر نیامرزی او را خدای من

لَمْ يَزَلْ بِرُّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعْ بِرَّكَ عَنِّي فِي مَمَاتِي

همیشه بوده است نیکوئی تو بر من در روزگار زندگانی من پس مبر نیکوئی خود را از من در

إِلٰهِي كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي وَأَنْتَ لَمْ

خدای من چطور نا امید شوم از نیکی نگریستن تو مرا پس از مردن و حال آنکه

تُوَلِّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي إِلٰهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ

تو نکردی نسبت بمن مگر نیکی در زندگانی من خدای من بکن از امر من آنچه

أَهْلُهُ وَعُدْ بِفَضْلِكَ عَلَى مُذْنِبٍ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ إِلٰهِي

سزاوار آنی و مهربانی کن بفضل خود بر گناهکاری که بتحقیق فرو پوشیده او را نادانی

قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَأَنَا أَحْوَجُ إِلَى سَتْرِهَا

بتحقیق پوشیدی بر من گناهان بزرگ در دنیا و منم محتاج ترم بسوی پوشیدن آن

عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْأُخْرَى إِلٰهِي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا

بر من از تو در عقبی خدای من بتحقیق نیکوئی کردی بمن چون ظاهر نکردی آنها

لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ

برای هیچیک از بندگان شایسته خود پس رسوا مکن مرا در روز قیامت

عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ إِلٰهِي جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِي وَعَفْوُكَ أَفْضَلُ

بر سر حاضران خدای من بخشش تو گشاده کرد امید مرا و درگذشتن تو بهتر

إِلٰهِي فَسُرَّنِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضِي فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ إِلٰهِي

خدای من پس شاد گردان مرا بملاقات خود در روزی که حکم میکنی در آن روز میان بندگان خود

اعْتِذَارِي إِلَيْكَ اعْتِذَارُ مَنْ لَمْ يَسْتَغْنِ عَنْ قَبُولِ عُذْرِهِ

عذرخواهی من بسوی تو عذرخواهی کسی است که بی نیاز نباشد از پذیرفتن عذر خود

فَاقْبَلْ عُذْرِي يَا أَكْرَمَ مَنِ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ

پس بپذیر عذر مرا ای بزرگوارترین کسی که عذرخواهی نمایند بسوی او بدکاران

إِلٰهِي لَا تَرُدَّ حَاجَتِي وَلَا تُخَيِّبْ طَمَعِي وَلَا تَقْطَعْ مِنْكَ

خدای من رد مکن حاجت مرا و نا امید مکن طمع مرا و مبر از خود

رَجَائِي وَأَمَلِي إِلٰهِي لَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي إِلٰهِي

امید مرا و آرزوی مرا خدای من اگر میخواستی خواری مرا عافیت نمیدادی مرا خدای من

مَا أَظُنُّكَ تَرُدُّنِي فِي حَاجَةٍ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمُرِي فِي طَلَبِهَا

گمان نمیبرم ترا که رد کنی مرا در حاجتی که فانی کرده‌ام عمر خود را در طلب آن

مِنْكَ إِلٰهِي فَلَكَ الْحَمْدُ أَبَداً أَبَداً دَائِماً سَرْمَداً يَزِيدُ

از تو خدای من پس مر تراست سپاس همیشه همیشه پیوسته بی نهایت بیش گردد

وَلَا

وَلا يَبِيدُ كَما يُحِبُّ وَيَرْضى اِلٰهي اِنْ اَخَذْتَني بِجُرْمي اَخَذْتُكَ

وقطع نرود چنانچه تو دوست داری و پسندی خداوندا اگر فرا گیری مرا بجنایت من فرا گیرم ترا

بِعَفْوِكَ وَاِنْ اَخَذْتَني بِذُنُوبي اَخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَ

بعفو تو و اگر فرا گیری مرا بگناهان من فرا گیرم ترا بآمرزش تو و

اِنْ اَدْخَلْتَنِي النّارَ اَعْلَمْتُ اَهْلَها اَنّي اُحِبُّكَ اِلٰهي

اگر داخل کنی مرا در آتش آگاه گردانم اهل آتش را اینکه بتحقیق دوست میدارم ترا خداوندا

اِنْ كانَ صَغُرَ في جَنْبِ طاعَتِكَ عَمَلي فَقَدْ كَبُرَ

اگر چه باشد خورد باشد در جنب طاعت تو کرداری که دارم پس بتحقیق بزرگ

في جَنْبِ رَجائِكَ اَمَلي اِلٰهي كَيْفَ اَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ

در جنب امید من از تو امید من خداوندا چگونه برگردم از نزد تو

بِالْخَيْبَةِ مَحْرُوماً وَقَدْ كانَ حُسْنُ ظَنّي بِجُودِكَ اَنْ تَقْلِبَني

با نومیدی محروم و حال آنکه بتحقیق بود نیکوئی گمان من ببخشش تو اینکه برگردانی

بِالنَّجاةِ مَرْحُوماً اِلٰهي وَقَدْ اَفْنَيْتُ عُمْري في شِرَّةِ

مرا با رستگاری در حالتی که رحم کرده شده خداوندا و بتحقیق بپایان رسانیدم عمر خود را در نشاط

السَّهْوِ عَنْكَ وَاَبْلَيْتُ شَبابي في سَكْرَةِ التَّباعُدِ

یا حرص بی‌خبری از تو و کهنه ساختم جوانی خود را در مستی دوری

مِنْكَ اِلٰهي فَلَمْ اَسْتَيْقِظْ اَيّامَ اغْتِراري بِكَ وَرُكُوني

از تو خداوندا پس بیدار نشدم در روزهای فریفته شدنم بتو و میل کردنم

اِلى سَبيلِ سَخَطِكَ اِلٰهي وَاَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ

بسوی راه خشم تو خداوندا و منم بنده تو و پسر بنده تو

قائم بين يديك متوسل بكرمك إليك إلهي أنا عبد أتنصل

ایستاده ام نزد تو توسل جوینده ام بکرم تو بسوی تو خدایا من بنده ام عذر

إليك مما كنت أواجهك به من قلة استحيائي من نظرك

میخواهم بسوی تو از آنچه بودم که مواجه میشدم ترا بآن از اندکی شرمم از اطلاع تو

وأطلب العفو منك إذ العفو نعت من كرمك إلهي لم

و سوال میکنم در گذشتن را از تو زیرا که درگذشتن وصف است برای بزرگواری تو خدایا

يكن لي حول فانتقل به عن معصيتك إلا في وقت

مرا توانائی پس بگردم بسبب آن از نافرمانی تو مگر در وقتی

أيقظتني لمحبتك وكما أردت أن أكون كنت فشكرتك

بیدار کردی مرا بجهة دوستی خود که چنانکه میخواستی که باشم گردیدم پس شکر کردم ترا

بإدخالي في كرمك ولتطهير قلبي من أوساخ الغفلة

داخل کردن تو مرا در کرم خود و برای پاک نمودن دل مرا از چرکهای غفلت

عنك إلهي انظر إلي نظر من ناديته فأجابك واستعملته

از تو خدایا نظر کن بسوی من مانند نظر کسی که خواندی او را پس اجابت نمود

بمعونتك فأطاعك يا قريبا لا يبعد عن المغتر به ويا

بیاری خود پس فرمان برداری کرد ترا ای نزدیکی که دور نمیشود از فریفته بخود و ای بخشنده

جوادا لا يبخل عمن رجا ثوابه إلهي هب لي قلبا يدنيه

که بخل نمیکند از کسی که امید داشته باشد ثواب او را خدایا ببخش مرا دلی که

منك شوقه ولسانا يرفع إليك صدقه ونظرا يقربه

نزدیک گرداند او را بتو آرزومندیش و زبانی که بلند شود بسوی تو راستیش و دیدنی که نزدیک گرداند

منك

مِنْكَ حَقَّهُ اِلٰهِي اِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ وَمَنْ لاذَ بِكَ

مرا جز دوستی او خدایا هر که ترا شناخته شد بتو نیست مجهول و اگر پناه آورد

غَيْرُ مَخْذُولٍ وَمَنْ اَقْبَلْتَ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ اِلٰهِي اِنَّ مَنِ انْتَهَجَ بِكَ

بتو خوار گذاشته نشد و هر که روی آوردی تو بر او نیست مغلوب خدایا بتحقیق راه یافت

لَمُسْتَنِيرٌ وَاِنَّ مَنِ اعْتَصَمَ بِكَ لَمُسْتَجِيرٌ وَقَدْ لُذْتُ بِكَ

هر آینه روشنی یافته و بتحقیق کسی که چنگ در زند بتو هر آینه امان جوینده است و بتحقیق

يَا اِلٰهِي فَلا تُخَيِّبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ وَلا تَحْجُبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ

ای خدای من پس ناامید مکن گمان مرا از رحمتت و محجوب مکن مرا از مهربانی

اِلٰهِي اَقِمْنِي فِي اَهْلِ وِلايَتِكَ مُقامَ مَنْ رَجَا الزِّيادَةَ مِنْ

خدایا برپا دار در میان دوستانت خود در جایگاه کسی که امید داشته باشد زیادتی

مَحَبَّتِكَ اِلٰهِي وَاَلْهِمْنِي وَلَهاً بِذِكْرِكَ اِلىٰ ذِكْرِكَ وَاجْعَلْ هِمَّتِي اِلىٰ

دوستی ترا خدایا و دل الهام کن سرگشتگی به یاد تو بسوی یاد تو و بگردان همت مرا

رَوْحِ نَجاحِ اَسْمائِكَ وَمَحَلِّ قُدْسِكَ اِلٰهِي بِكَ عَلَيْكَ

راحت فیروزی نامهای خود و جایگاه قدس خود خدایا به ذات تو قسم میدهم بر تو

اِلّا اَلْحَقْتَنِي بِمَحَلِّ اَهْلِ طاعَتِكَ وَالْمَثْوَى الصّالِحِ

اگر برسانی مرا بجایگاه فرمانبرداران خود و اقامتگاه شایسته

مِنْ مَرْضاتِكَ فَاِنِّي لا اَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعاً وَلا اَمْلِكُ

از خشنودی خود زیرا که بتحقیق من توانا نیستم برای نفس من دفع ضرری را و مالک

لَهَا (نفعا الهي) اَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمُذْنِبُ وَمَمْلُوكُكَ الْمُنِيبُ

برای او نفعی را خدایا من بنده توام آن بنده ناتوان گناهکار و بنده توام آن توبه‌کار

الْمَعِيبِ فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفْتَ عَنْهُ وَجْهَكَ وَحَجَبَهُ

ناپسند پس مگردان مرا از آنکه گردانیده از ایشان روی خود را و منع کرده ایشان را

سَهْوُهُ عَنْ عَفْوِكَ إِلٰهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْاِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ

غفلت ایشان را از عفو تو خدای من ببخش مرا کمال بریدگی بسوی خود

وَأَنِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرِقَ

و روشن گردان دیده‌های دلهای ما را بروشنائی نگریستن آنها بسوی تو تا آنکه بدرند

أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ

دیده‌های دلها حجابهای نور را پس برسد بسوی قرارگاه بزرگواری

أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ إِلٰهِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ

و روانهای ما آویخته بعزت پاکی تو خدای من و بگردان مرا از آنکه خواندی

فَأَجَابَكَ وَلَاحَظْتَهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ فَنَاجَيْتَهُ سِرّاً

پس اجابت نمود ترا و نگریستی باو پس بیهوش شد بجهت بزرگواری تو پس راز گفتی

وَعَمِلَ لَكَ جَهْراً إِلٰهِي لَمْ أُسَلِّطْ عَلَى حُسْنِ ظَنِّي قُنُوطَ

و کار کرد برای تو آشکارا خدای من مسلط نساختم بر نیکوئی گمانم ناامیدی شدت

الْإِيَاسِ وَلَا انْقَطَعَ رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ إِلٰهِي إِنْ

ناامیدی را و بریده نشده امیدم از کرم نیکوی تو خدای من اگر

كَانَتِ الْخَطَايَا قَدْ أَسْقَطَتْنِي لَدَيْكَ فَاصْفَحْ عَنِّي بِحُسْنِ

بوده باشد گناهان به تحقیق انداخته باشد مرا نزد تو پس درگذر از من بسبب

تَوَكُّلِي عَلَيْكَ إِلٰهِي إِنْ حَطَّتْنِي الذُّنُوبُ مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِكَ

اعتماد کردن من بر تو خدای من اگر پست گردانیده مرا گناهان از مهربانی خوب

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

فَقَدْ نَبَّهَنِي الْيَقِينُ اِلٰى كَرَمِ عَطْفِكَ اِلٰهِي اِنْ اَنَامَتْنِي

پس بتحقیق بلند گردانید مرا جزم داشتن بسوی بزرگی لطف تو خدای من اگر خوابانید

الْغَفْلَةُ عَنِ الْاِسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ فَقَدْ نَبَّهَتْنِي

بی خبری از آماده شدن برای ملاقات تو پس بتحقیق بیدار کرد

الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِ آلَائِكَ اِلٰهِي اِنْ دَعَانِي اِلَى النَّارِ عَظِيمُ

شناختن بزرگی نعمتهای تو خدای من اگر بخواند مرا بسوی دوزخ عقاب

عِقَابِكَ فَقَدْ دَعَانِي اِلَى الْجَنَّةِ جَزِيلُ ثَوَابِكَ اِلٰهِي

بزرگ تو پس بتحقیق بخواند مرا بسوی بهشت ثواب فراخ تو خدای

فَلَكَ اَسْئَلُ وَاِلَيْكَ اَبْتَهِلُ وَاَرْغَبُ وَاَسْئَلُكَ

پس ترا سؤال میکنم و بسوی تو دل تضرع بنمایم و رغبت میکنم و از تو خواهش میکنم

اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ

بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی مرا از آنانکه همیشه دارند

ذِكْرَكَ وَلَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ وَلَا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ

یاد ترا و نشکنند پیمان ترا و غافل نشوند از سپاس گذاری

وَلَا يَسْتَخِفُّ بِاَمْرِكَ اِلٰهِي وَاَلْحِقْنِي بِنُورِ عِزِّكَ الْاَبْهَجِ

و سبک نشمارند فرمان ترا خدای من و برسان مرا بروشنائی عزت نیکو

فَاَكُونَ لَكَ عَارِفًا وَعَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا وَمِنْكَ خَائِفًا

پس بوده باشم مر ترا شناسا و از غیر تو میل کننده و از تو ترسان

مُرَاقِبًا يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ

مراقب ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن و رحمت فرستاد خدا بر محمد

رَسُولِهِ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً و این از
فرستاده تو و خاندان او که پاکانند درود و رحمت در دفع آزار و از مناجاتهای
جلیل القدر است و بر مضامین مشتملست و در همه
اوقات که حضور قلبی باشد خواندن ان مناسبست و
از حضرت رسول منقولست که هر که در مجموع ماه شعبان
هزار مرتبه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَلَا نَعْبُدُ اِلَّا اِيَّاهُ مُخْلِصِينَ
بگوید نیست سزاوار پرستش مگر خدا و نمی پرستیم مگر او را در حالتی که خالص کننده ایم
لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ حقتعالی عبادت هزار ساله
برای او دین را و هر چند ناخوش دارند برای او مشرکان در نامه عمل وی بنویسد و گناه
هزار ساله از او محو کند و از قبر بیرون اید با روی نورانی
مانند ماه شب چهارده و او را صدیق بنویسند و بسند معتبر
منقولست که از حضرت صادق سؤال کردند از فضیلت
روزه رجب فرمود چرا غافل گردیده اید از روزه شعبان
راوی گفت یا بن رسول الله چه ثواب دارد کسی که یک روز
از شعبان را روزه دارد گفت والله بهشت ثواب اوست گفت
یا بن رسول الله بهترین اعمال در این ماه چیست فرمود تصدق
کردن و طلب امرزش کردن هر که در این ماه تصدق بکند
حقتعالی او را تربیت میکند چنانکه یکی از شما شتر بچه
خود را تربیت کند تا انکه در قیامت مانند کوه احد

بصاحب

صاحبش برسد **فصل سیم** در فضایل و اعمال ایام مخصوصه
اول ماه شعبان تا ایام البیض بسندهای معتبر منقولست از
حضرت صادق ع که هر که روز اول شعبان روزه دارد بهشت
او را واجب گرداند البته و از حضرت امام رضا ع منقولست
استحباب روزه سه روز اول و سه روز میان و سه روز
آخر ماه و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که رسول خدا
فرمود که در هر پنجشنبه ماه شعبان زینت میکنند آسمانها
پس ملائکه میگویند خداوندا بیامرز روزه داران
این روز را و دعای ایشان را مستجاب گردان و روز سیم ماه شعبان
روز بسیار مبارکیست و موافق مشهور روز ولادت حضرت
امام حسین ع است و از حضرت صاحب الامر فرمانی بیرون آمد که
روز سیم ماه شعبان روز ولادت حضرت امام حسین ع است
پس روزه بدارید اللّهمّ انّی اسئلک بحقّ المولود فی
و این دعا را بخوانید خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بحق آنکه متولد شده در
هذا الیوم الموعود بشهادته قبل استهلاله و ولادته
این روز وعده داده شده بشهادت خود پیش از بهلال خود و ولادت خود
بکته السّماء و من فیها و الارض و من علیها و لمّا یطا
گریست برو آسمان و آنکه در آسمان است و زمین و هر که بر زمین است و حال آنکه هنوز
لابتیها قتیل العبرة و سیّد الاسرة الممدود بالنّصرة یوم
در سنگ آن از شهید دیده بزرگ قوم داده شده و یاری در روز

الْكَرَّةِ الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ وَالشِّفَاءَ

رجعت عوض داده شده از کشته شدن خود بآنکه پیشوایان از فرزندان او باشند و شفا

فِي تُرْبَتِهِ وَالْفَوْزَ مَعَهُ فِي أَوْبَتِهِ وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ عِتْرَتِهِ

در خاک مدفن اوست و رستگارند با دست در وقت باز گشتن او و اوصیا از فرزندان او

بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَغَيْبَتِهِ حَتَّى يُدْرِكُوا الْأَوْتَارَ وَيَثْأَرُوا

پس از ظهور قایم ایشان و غیبت او تا اگر دریابند خونها را و مطالبه کنند

الثَّارَ وَيُرْضُوا الْجَبَّارَ وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارٍ صَلَّى اللّٰهُ

خون را و خوشنود سازند خدای غالب را و بوده باشند بهترین یاوران رحمت کند

عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اللّٰهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ

بر ایشان با آمد و شد شب و روز بار خدایا پس بحق ایشان بسوی تو

أَتَوَسَّلُ وَأَسْأَلُ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ مُسِيءٍ إِلَى نَفْسِهِ مِمَّا

توسل میجویم و درخواست میکنم مانند سؤال کننده گناهان و اعتراف کننده بدکار بسوی خود از آنچه تقصیر

فَرَّطَ فِي يَوْمِهِ وَأَمْسِهِ يَسْأَلُكَ الْعِصْمَةَ إِلَى مَحَلِّ رَمْسِهِ

در این روز خود و در روز گذشته خود و درخواهد از تو عصمت را بسوی جایگاه دفن

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَبَوِّئْنَا

خداوندا رحمت فرست بر محمد و خویشان نزدیک او و برانگیز ما را در گروه او و بده ما را

مَعَهُ دَارَ الْكَرَامَةِ وَمَحَلَّ الْإِقَامَةِ اللّٰهُمَّ وَكَمَا أَكْرَمْتَنَا

با او سرای نوازش را و جایگاه درنگ را خداوندا چنانچه گرامی داشتی

بِمَعْرِفَتِهِ فَأَكْرِمْنَا بِزُلْفَتِهِ وَارْزُقْنَا مُرَافَقَتَهُ وَسَابِقَتَهُ

بشناختن او پس گرامی دار ما را بنزدیکی او و روزی ما کن رفاقت او و پیشی رفتن

ولجعلنا

وَاجْعَلْنا مِمَّنْ يُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ وَيُكْثِرُ الصَّلوةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ
و بگردان ما را از آنانکه گردن نهند برای فرمان او و بسیار کنند رحمت برو نزد ذکر او
وَعَلى جَميعِ اَوْصِيائِهِ اَصْفِيائِهِ الْمَمْدُودينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ
و بر همه وصیهای او و برگزیدگان او کشیده شدگان از لطف تو بعدد
الْاِثْنَيْ عَشَرَ النُّجُومِ الزُّهَرِ وَالْحُجَجِ عَلى جَميعِ الْبَشَرِ وَ اللّهُمَّ
دوازده ستارگان درخشان حجتها بر همه آدمیان خداوندا
هَبْ لَنا فى هذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهِبَةٍ وَاَنْجِحْ لَنا فيهِ كُلَّ طَلِبَةٍ
بخشش ده ما را در این روز بهترین بخششی و برآور حاجات ما در این روز هر بد
كَما وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَعاذَ فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ فَنَحْنُ
چنانچه بخشیدی حسین را به محمد جدش و پناه گرفت فطرس بگهواره او پس ما
عائِذُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ وَنَنْتَظِرُ اَوْبَتَهُ
پناه گیرندگانیم بقبر او پس از او حاضر می شویم قبر او را و انتظار میکشیم رجعت او
آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ وزیارة الحضرة وغسل زیارة در این روز
اجابت کن ای پروردگار جهانیان مستحب است وکیفیت زیارة بعد از
مذکور خواهد شد انشاء الله وشیخ طوسی ره روایتی نقل
کرده است که حضرة امام حسین در روز پنجم اینماه متولد
شده است اگر احتیاطا هر دو روز را حرمت بدارند و
واعمال را در این روز نیز بعمل آورند خصوصا زیارة بهتر وایضا
شیخ بسند معتبر از حضرة صادق ع روایت کرده است که حضرة

امیر المؤمنین در روز هفتم ماه شعبان متولد شده است
اگر چه خلاف مشهور است چنانچه در ماه رجب مذکور
شد اما بر وفق این روایت اگر روزه و زیارة الحضرة و سایر
اعمال خیر در این روز بعمل آورند مناسبست **فصل چهارم**
در اعمال ایام البیض ماه شعبانست اعنی سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم در اعمال ماه رجب مذکور شد که سنتست که
در شب سیزدهم دو رکعت و در شب چهاردهم چهار رکعت
و در شب پانزدهم شش رکعت بجا آورند و در هر رکعت بعد از
حمد سورهٔ یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد
بخوانند و در نماز سنت سورها که از حفظ نتوانند خواند از روی
قرآن میتوان خواند و روزهٔ این سه روز سنتست و فضایل
و اعمال شب پانزدهم زیاده از آنست که در این رساله احصا
توان نمود و اکتفا مینمایم بانچه صحیح تر است از حضرت
امیر المؤمنین منقولست که حضرت رسول صلعم علیه و اله فرمود
که چون شب نصف شود شبش را بعبادة بایستید و روزش
را روزه بدارید بدرستی که از اول تا اخر این شب از جانب
خدای تعالی ندا میرسد که آیا استغفار کنندهٔ هست که طلب
امرزش کند از گناهان خود و ما گناهان او را بیامرزیم
آیا کسی هست که از ما طلب روزی کند تا ما روزی او

فراخ کردانیم وغسل در اینشب سنتست واز حضرة صادق منقولست که روزه بدارید ماه شعبانرا ودر شب نیمه آن غسل کنید که باعث تخفیف گناهان شما باشد ورحمت الهی شمارا دریابد واز جمله اعمال اینشب زیارت حضرة امام حسین است واز حضرة امام زین العابدین منقولست که هرکه خواهد با او مصافحه کنند روح صد وبیست وچهار هزار پیغمبر پس زیارت کند حضرة امام حسین را در شب نصف شعبان زیرا که ملائکه وپیغمبران در اینشب از خدا رخصت مطلبند که بزیارة انحضرة بیایند پس خوشا حال کسی که این بزرگواران با او مصافحه کنند واز جمله ایشانند پنج پیغمبر اولی العزم نوح وابرهیم وموسی وعیسی ومحمد که مبعوث گردیده اند بمشرق ومغرب زمین وجنیان وادمیان واز حضرة صادق منقولست که در شب نیمه شعبان میامرزند جمیع گناهان کسی را که انحضرة را زیارة کند در انشب واقل زیارت انست که ببامی بلندی برآید ونظر کند بجانب راست اسمان وبجانب چپ وبالای سر نظر کند پس بانگشت اشاره کند السلام علیک یا (بجانب راست قبله) وبگوید درود بر تو باد ای

اَباعَبدِاللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یَابنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ

اباعبدالله درود بر تو باد ای فرزند رسول خدا درود بر تو

عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ واگر یکی از زیارات مبسوطه
بر تو باد درحمت خدا و برکتهای او را بعمل آورد بهتر است وآن
اینها این اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ اَلسَّلَامُ
است سلام بر تو ای میراث برنده آدم برگزیده خدا سلام
عَلَیْکَ یَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ
بر تو باد ای میراث برنده برگزیده خدا درود بر تو باد ای میراث
نُوحٍ نَبِیِّ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ اِبْرٰهِیمَ خَلِیلِ اللهِ
پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای میراث برنده ابراهیم دوست خدا
اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ مُوسٰی کَلِیمِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ
سلام بر تو ای میراث برنده هم سخن خدا سلام بر تو باد
یَا وَارِثَ عِیسٰی رُوحِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ
ای میراث برنده عیسی روح خدا سلام بر تو باد ای میراث برنده محمد
حَبِیبِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَلِیِّ اللهِ
دوست خدا سلام بر تو باد ای وارث پادشاه گروندگان دوست خدا
اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰی اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ
سلام بر تو باد ای پسر محمد برگزیده خدا سلام بر تو باد ای پسر
عَلِیٍّ الْمُرْتَضٰی اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ اَلسَّلَامُ
ع پسندیده سلام بر تو باد ای پسر فاطمه زهرا سلام
عَلَیْکَ یَا ابْنَ خَدِیجَةَ الْکُبْرٰی اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ثَارَ اللهِ
بر تو باد ای فرزند خدیجه کبری سلام بر تو باد ای خون خدا

وابن
دو

وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوٰةَ

و فرزند خون خدا و ای خون صاحب خون گواهی میدهم بتحقیق تو برپا داشتی نماز

وَاٰتَيْتَ الزَّكوٰةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ

دادی زکوة را و امر کردی بنیکی و نهی کردی از هر زشتی و

اَطَعْتَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ حَتّٰى اَتٰيكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً

فرمان بردی مر خدا و رسول او را تا آمد ترا مرگ پس لعنت کند خدا گروهی که

قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ يا مَوْلايَ

کشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که شنیدند آن را پس خشنود شدند بآن ای آقای من

يا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْاَصْلابِ الشّامِخَةِ

ای ابا عبدالله گواهی میدهم بتحقیق تو بودی نوری در صلبهای بلند

وَالْاَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاهِلِيَّةُ بِاَنْجاسِها وَلَمْ

و در رحمهای پاک نجس نکرد ترا جاهلیت بنجاستهای خود و نه

تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمّاتِ ثِيابِها وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ دَعائِمِ

پوشانید ترا از جامهای تیره خود و گواهی میدهم اینکه بتحقیق تو از ستونهای

الدِّينِ وَاَرْكانِ الْمُؤْمِنِينَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ

دین و رکنهای گروندگانی و گواهی میدهم اینکه تو امام نیکوکار پرهیزکار

الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهادِي الْمَهْدِيُّ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ

پسندیده پاک راه نمای راه یافته و گواهی میدهم که بتحقیق امامان

مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوىٰ وَاَعْلامُ الْهُدىٰ وَالْعُرْوَةُ

از فرزندان تو کلمه پرهیزکاری و نشانهای هدایت و دست آویز

الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد الله وملائكته
محكم و حجت بند بر اهل دنيا و گواه ميگيرم خدا و فرشتگان او
وانبياءه ورسله انّي بكم مؤمن وبايابكم موقن بشرايع
و پيغمبران او را و رسولان او را كه من بشما تصديق نموده ام و بر رجعت شما يقين دارم
ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وامري لامركم
دين خود را و آخرهاى كردار خود و دل من مر دل شما را صلح است و امر من مر امر شما را
متّبع صلوات الله عليكم وعلى ارواحكم وعلى اجسادكم
پيروى كننده است رحمتهاى خدا بر شما و بر نفوس شما و بر بدنهاى شما
وعلى اجسامكم وعلى شاهدكم وعلى غائبكم وعلى ظاهركم
و بر تنهاى شما و بر حاضر شما و بر پنهان شما و بر ظاهر شما
وعلى باطنكم پس دو ركعت نماز زيارة ميكند واگر نماز
و بر باطن شما پيش از زيارة بكند نيز خوبست اگر از دور
زيارة كند پس قصد زيارة على ابن السلام عليك يابن
الحسين شهيد ع بكند و بگويد سلام بر تو باد اى پسر
رسول الله السلام عليك يابن نبي الله السلام عليك
رسول خدا سلام بر تو باد اى پسر پيغمبر خدا سلام بر تو باد
يابن امير المؤمنين السلام عليك يابن الحسين الشهيد
اى فرزند پادشاه مؤمنان سلام بر تو اى فرزند حسين شهيد
السلام عليك ايها الشهيد ابن الشهيد السلام عليك
سلام بر تو باد اى شهيد فرزند شهيد سلام بر تو

ايها

اَبَا المَظلُومِ وَابنَ المَظلُومِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتكَ وَلَعَنَ الله

ای ستم رسیده و فرزند ستم رسیده لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا

اُمَّةً ظَلَمَتكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَت بِذلِكَ فَرَضِيَت بِهِ

گروهی را که ستم کردند بر تو و لعنت کند خدا گروهی را که شنیدند این پس خشنود شدند بآن

پس قصد زیارت سایر شهداء السَّلامُ عَلَيكُم يا اَولِيا

رضی الله عنهم بکند و بگوید درود بر شما ای یاوران

ءَ اللهِ وَاَحِبّاءَهُ السَّلامُ عَلَيكُم يا اَصفِياءَ اللهِ وَاَوِدّا

خدا و دوستان او و سلام بر شما ای برگزیدگان خدا و دوستداران

السَّلامُ عَلَيكُم يا اَنصارَ دينِ اللهِ السَّلامُ عَلَيكُم يا

سلام بر شما ای یاوران دین خدا سلام بر شما ای یاوران

اَنصارَ رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَيكُم يا اَنصارَ اَميرِ المُؤمِنينَ

یاوران رسول خدا سلام بر تو باد ای یاوران امیر مؤمنان

السَّلامُ عَلَيكُم يا اَنصارَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ العالَمينَ

سلام بر شما ای یاوران فاطمه بزرگ زنان جهانیان

السَّلامُ عَلَيكُم يا اَنصارَ اَبي مُحَمَّدٍ الحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ

سلام بر شما ای یاوران ابی محمد حسن ابن علی پاک

النّاصِحِ السَّلامُ عَلَيكُم يا اَنصارَ اَبي عَبدِاللهِ بِاَبي

نصیحت کننده درود بر شما ای یاوران ابی عبدالله پدر و مادرم

اَنتُم وَاُمّي طِبتُم وَطابَتِ الاَرضُ الَّتي فيها دُفِنتُم وَ

فدای شما باد پاکیزه شدید و پاک است زمینی که در آن مدفون شده‌اید

فنفوز فوزاً عظيماً فيا ليتني كنت معكم فأفوز معكم

و رستگار شده بودیم رستگاری بزرگ پس ای کاش میبودم با شما پس رستگار میشدم با شما فوزی عظیم

و در شب اول و پانزدهم ماه رجب و در سیم و پنجم ماه شعبان
و شبهای ماه مبارک رمضان و شبهای عید و سایر ایام
که زیارة آنحضرت مستحبست بهمین طریق زیارة میتوان
کرد و زیارات مبسوطه و مخصوصه را در کتاب تحفة الزائر
ذکر کردم هرگاه خواهد بآن کتاب رجوع نماید و از جمله زیارات
این شب است که ولادة وافر السعادة حضرة صاحب الامر در این
شب واقع شد و باین سبب سنتست که در این شب این دعا
را بخوانند که بمنزله زیارة آنحضرة است اللهم بحق ليلتنا هذه ومولودها

بار خدایا بحق شب ما این شب و بحق متولد شده در آن

وحجتك وموعودها التي قرنت الى فضلها فضلاً فتمت

و بحق حجت تو و وعده داده شده او آن حجتی که ... بسوی فضل او فضلی بزرگ

كلمتك صدقاً وعدلاً لا مبدل لكلماتك ولا معقب

پس تمام شد کلمهای تو از روی راستی و عدالت نیست تبدیل کننده مر کلمهای ترا و نه بازدارنده

لآياتك نورك المتألق وضياؤك المشرق والعلم النور

مر آیتهای ترا اوست نور درخشنده و روشنائی روشن و نشان روشن

في طخياء الديجور الغائب المستور جل مولده وكرم محتده

در شب تیره تار پنهانست از خلایق پوشیده است از نظر بزرگست ولادت او

والملا

وَالْمَلائِكَةُ شُهُودُهُ وَاللهُ ناصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ اِذا آنَ مِيعادُهُ

و فرشتگان حاضران اویند و خدا یاور او و قوت دهنده او وقت هرگاه

وَالْمَلائِكَةُ اَمْدادُهُ سَيْفُ اللهِ الَّذي لا يَنْبُو وَنُورُهُ

و فرشتگان مددکنندگان اویند شمشیر خداست که هرگز کند نگردد و روشنائی

الَّذي لا يَخْبُو وَذُو الْحِلْمِ الَّذي لا يَصْبُو مَدارُ الدَّهْرِ

که ساکن نگردد و خداوند عقل است که میل نکند بجهل مدار روزگار

وَنَوامِيسُ الْعَصْرِ وَوُلاةُ الْاَمْرِ وَالْمُنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الذِّكْرُ

و ناموس عصر و حاکمان فرمان و آنانکه فرو فرستاده شد بر ایشان ذکر

وَما يَنْزِلُ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَاَصْحابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ تَراجِمَةُ

آنچه فرود می آید در شب قدر و یاران زنده کردن و برانگیختن ترجمه کنندگان

وَحْيِهِ وَوُلاةُ اَمْرِهِ وَنَهْيِهِ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلى خاتِمِهِمْ وَ

وحی او و والیان امر او و نهی اویند بار خدایا پس رحمت بفرست بر خاتم

قائِمِهِمُ الْمَسْتُورِ عَنْ عَوالِمِهِمْ وَاَدْرِكْ بِنا اَيّامَهُ وَ

و قائم ایشان که پنهان است از عالمهای ایشان و دریابان ما را بروزگار

ظُهُورَهُ وَقِيامَهُ وَاجْعَلْنا مِنْ اَنْصارِهِ وَاقْرِنْ ثارَنا

ظهور او و برپا شدن او و بگردان ما را از یاوران او و مقرون کن خون ما

بِثارِهِ وَاكْتُبْنا في اَعْوانِهِ وَخُلَصائِهِ وَاَحْيِنا في

بخون او و بنویس ما را از مددکنندگان او و خالصان او و زنده کردان ما را در

دَوْلَتِهِ ناعِمينَ وَبِصُحْبَتِهِ غانِمينَ وَبِحَقِّهِ قائِمينَ

زمان دولت او در رفاه دارندگان و بصحبت او غنیمت گیرندگان و بحق او

وَمِنَ السُّوءِ سالِمِينَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ
و از بدی سلامتی یا بندگان ای بخشنده ترین بخشندگان و ستایش مر خدا را
الْعالَمِينَ وَصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ
جهانیان و رحمت فرستد خدا بر محمد آخر پیغمبران و فرستادگان
وَعَلى اَهْلِ بَيْتِهِ الصّادِقِينَ وَعِتْرَتِهِ النّاطِقِينَ وَ
و بر خاندان او که راست گویانند و خویشان او که سخن گویانند و
الْعَنْ جَمِيعَ الظّالِمِينَ وَاحْكُمْ بَيْنَنا وَبَيْنَهُمْ يا اَحْكَمَ الْحاكِمِينَ
لعنت بر همه ستمکاران را و حکم میان ما و میان ایشان ای محکم کننده ترین حکم کنندگان
و زید شهید روایت کرده است که پدرم امام زین العابدین
ما ها همه را در شب نیمهٔ شعبان نزد خود جمع میکرد و شب را
سه حصه میکرد در ثلث اول نماز میکرد و در ثلث دوم
دعا میکرد و ما ها آمین میگفتیم بر دعای او و ثلث آخر را
استغفار و طلب آمرزش میکرد و ما نیز استغفار میکردیم
تا صبح طالع میشد یعنی بعد از نماز شب و نمازهای
این شب بسیار است و از جملهٔ آنها چهار رکعت است هر دو
رکعت بیک سلام و سی نفر از اصحاب حضرت صادق این
نماز را از آنحضرت روایت کرده اند و در هر رکعت بعد از
حمد صد مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از نماز این
دعا بخواند اَللّهُمَّ اِنّی اِلَیْکَ فَقیرٌ وَمِنْ عَذابِکَ
خداوندا بدرستیکه من بسوی تو محتاجم و از عذاب تو ترسانم
خائف

خائفٌ وَبِكَ مُستجيرٌ رَبِّ لا تُبَدِّل اسمي وَلا تُغَيِّر جِسمي

در پناه تو می‌گیرم بخشنودی تو از خشم تو در پناه می‌گیرم پروردگار من نامم مگردان و تغییر مده بدنم

رَبِّ لا تُجهِد بَلائي رَبِّ لا تُشمِت بي اَعدائي اَعوذُ بِكَ

پروردگار من بنهایت مرسان بلای مرا پروردگار من شاد مکن بجهت من دشمنان مرا

بِعَفوِكَ مِن عَذابِكَ وَاَعوذُ بِرِضاكَ مِن سَخَطِكَ وَاَعوذُ

بعفو تو از عذاب تو در پناه بخشنودی تو از خشم تو در پناه میگیرم

بِكَ مِنكَ جَلَّ ثَناؤُكَ اَنتَ كَما اَثنَيتَ عَلى نَفسِكَ وَ

بتو از تو بزرگ است ستودن تو چنانی که خود ستوده‌ای بجهت نفس خود را و

فَوقَ ما يَقولُ القائِلونَ مِنكَ و بروایت دیگر با زچهار

بالای آنچه گویند گویندگان در بارهٔ تو رکعت است بدو سلام

و در هر رکعت بعد از حمد دویست و پنجاه مرتبه قل هو الله

احد یا صد مرتبه یا . اَللّٰهُمَّ اِنّي اِلَيكَ فَقيرٌ وَاِنّي مِن

پنجاه مرتبه بخواند خداوندا بدرستیکه من ابی تو محتاجم و بدرستیکه من از

عَذابِكَ خائِفٌ وَبِكَ مُستَجيرٌ رَبِّ لا تُبَدِّل اِسمي وَلا

عذاب تو ترسناکم و بتو پناه جوینده‌ام ای پروردگار من بدل مکن نام مرا و تغییر

تُغَيِّر جِسمي رَبِّ لا تُجهِد بَلائي اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعوذُ

مده بدن مرا پروردگار من بنهایت مرسان بلای مرا خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم

بِعَفوِكَ مِن عُقوبَتِكَ وَاَعوذُ بِرِضاكَ مِن سَخَطِكَ

بعفو تو از عذاب تو و پناه میگیرم بتو بخشنودی از خشم تو

وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لا إِلٰهَ
و پناه میبرم به رحمت تو از عذاب تو و پناه میبرم به تو از تو نیست معبودی بجز تو
إِلَّا أَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا أُحْصِي مِدْحَتَكَ وَلَا الثَّنَاءَ
بزرگ است ثنای تو و نمیتوانم شمرد ستایش را و ستودن ترا
عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ
بر تو چنانکه ستودی خود را و بالای آنچه گویند
الْقَائِلُونَ رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا
گویندگان پروردگارا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بکن با من چنین
وَكَذَا و بجای وافعل بی کذا و کذا حاجات خود را یاد
کند و اگر این نماز را با پنجاه مرتبه قل هو الله احد
بعمل آورد موافق میشود با نماز حضرت امیرالمؤمنین در فضیلت
آن احادیث بسیار است و بسند معتبر از حضرت امام
محمد باقر منقولست که شب نیمه شعبان بهترین شبهاست بعد از
شب قدر و حقتعالی فضل خود را در این شب به بندگان
عطا مینماید و باحسان خود گناهان ایشان را می آمرزد پس سعی
کنید در عبادات در این شب که این شبیست که حقتعالی
بذات مقدس خود یاد کرده است که سائلی را از درگاه خود
رد نکند مگر آنکه معصیتی از خدا طلب نماید و این شب را خدا
برای ما اهل بیت قرار داده است بازاء شب قدر که از برا

معص

پیغمبر ما قرار داده است پس اهتمام نماید در این شب به
دعا و ثنا کردن بر خدا بدرستی که هر که در این شب صد مرتبه
سبحان الله و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا
الله بگوید حق تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و حاجتهای
دنیا و آخرت او را بر آورد خواه طلب نماید و خواه ننماید
راوی پرسید که بهترین دعاها در این شب کدام است فرمود
بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از
حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم سوره قل
هو الله احد بخوان و بعد از سلام سی و سه مرتبه الحمد لله و سی
و چهار مرتبه الله اکبر بگوید و اگر مرتب تسبیح حضرت فاطمه
بخواند ظاهرا خوب باشد یَا مَنْ إِلَیْهِ مَلْجَأُ الْعِبَادِ فِی الْمُهِمَّاتِ
پس این دعا را بخواند ای آنکه بسوی اوست پناه بردن بندگان در مهمات
وَ إِلَیْهِ یَفْزَعُ الْخَلْقُ فِی الْمُلِمَّاتِ یَا عَالِمَ الْجَهْرِ وَ الْخَفِیَّاتِ یَا
و بسوی او استغاثه نمایند آفریدگان در بلاهای که نازل شود ای داننده آشکار و نهانها
لَا یَخْفَی عَلَیْهِ خَوَاطِرُ الْأَوْهَامِ وَ تَصَرُّفُ الْخَطَرَاتِ یَا رَبَّ
پنهان نیست بر او اندیشهای وهمها و گردش خطرات ای پروردگار
الْخَلَائِقِ وَ الْبَرِیَّاتِ یَا مَنْ بِیَدِهِ مَلَکُوتُ الْأَرَضِینَ وَ السَّمَاوَاتِ
خلایق و آفریدگان ای آنکه بدست اوست پادشاهی زمین و آسمانها
أَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَمُتُّ إِلَیْکَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
تویی خداوندی نیست خدای بجز تو آوردم بسوی تو به گفتن لا اله الا انت

فيا لا إله إلا أنت اجعلني في هذه الليلة ممن نظرت
پس ای انکه نیست خدای مگر تو بگردان مرا در این شب از انانکه نظر کنی
إليه فرحمته وسمعت دعاءه فأجبته وعلمت استقالته
بسوی او پس رحم کنی او را و بشنوی دعای او را پس اجابت کنی او را و دانی
فأقلته وتجاوزت عن سالف خطيئته وعظيم جريرته
پس درگذشتی از او و درگذری از خطای گذشته او و گناه بزرگ او پس
فقد استجرت بك من ذنوبي ولجأت إليك في ستر عيوبي
بتحقیق پناه خواسته ام بتو از گناهان خود و پناه آورده ام بسوی تو در پوشیدن عیبها
اللهم فجد علي بكرمك وفضلك واحطط خطاياي
خداوندا پس بخشش کن بر من ببزرگواری خود و بخشش خود و فرو ریز گناهان مرا
بحلمك وعفوك وتغمدني في هذه الليلة بسابغ كرامتك
ببردباری خود و درگذشتن و بپوشان مرا در این شب ببزرگ بخشش کامل
واجعلني فيها من أوليائك الذين اجتبيتهم لطاعتك
و بگردان مرا در این شب از دوستان خود که برگزیدی ایشان را برای
واخترتهم لعبادتك وجعلتهم خالصتك وصفوتك اللهم اجعلني
و برگزیدی ایشان را برای عبادت خود و گردانیدی ایشان را خالص و برگزیده خود خداوندا بگردان
ممن سعد جده من الخير حظه واجعلني ممن سلم فنعم
مرا از انانکه نیک شده بخت ایشان و وافر شده از نیکیها بهره ایشان و بگردان مرا
وفاز فغنم واكفني شر ما أسلفت واعصمني من الازدياد
شدند و فیروزی یافتند ... و دفع کن از من بدی انچه پیش کرده ام

فِي مَعْصِيَتِكَ وَحَبِّبْ إِلَيَّ طَاعَتَكَ وَمَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ وَزَ
در نافرمانی تو و دوست گردان بسوی فرمان برداری خود را و آنچه نزدیک گرداند

لِّفْنِي عِنْدَكَ سَيِّدِي إِلَيْكَ مَلْجَأُ الْهَارِبِ وَمِنْكَ
نزدیک ساز نزد تو ای سید من بسوی تست پناه آوردن هر گریزنده و از تست

مُلْتَمَسُ الطَّالِبِ وَعَلَى كَرَمِكَ يُعَوِّلُ الْمُسْتَقِيلُ التَّائِبُ
جستن هر طلب کننده و بر بزرگواری تو اعتماد میکند طلب عفو نماینده رجوع کننده

أَدَّبْتَ عِبَادَكَ بِالتَّكَرُّمِ وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ وَأَمَرْتَ
ادب آموختی بندگان خود را به بزرگواری و تو بزرگوارترین بزرگوارانی و فرمان

بِالْعَفْوِ عِبَادَكَ وَأَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ فَلَا تَحْرِمْنِي
به درگذشتن بندگان خود را و توئی آمرزنده مهربان خدایا پس محروم مکن مرا

مَا رَجَوْتُ مِنْ كَرَمِكَ وَلَا تُؤْيِسْنِي مِنْ سَابِغِ نِعَمِكَ وَلَا
از آنچه امید داشته ام از بزرگواری تو و نا امید مکن مرا از نعمت های کامل و

تُخَيِّبْنِي مِنْ جَزِيلِ قِسَمِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ لِأَهْلِ
بی بهره مکن از قسمتهای وافر خود که قسمت کرده در این شب برای اهل

طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنِي فِي جُنَّةٍ مِنْ شِرَارِ بَرِيَّتِكَ رَبِّ إِنْ
طاعت خود و بگردان در حفظ از بدان خلق پروردگارا اگر

لَمْ أَكُنْ مِنْ أَهْلِ ذَلِكَ فَأَنْتَ أَهْلُ الْكَرَمِ وَالْعَفْوِ وَ
من از اهل آن پس تو سزاواری و درگذشتن و

الْمَغْفِرَةِ وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ لَا بِمَا أَسْتَحِقُّهُ
آمرزش و بخشش کن بر من آنچه تو سزاواری نه بانچه من سزاوارم

فَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِكَ وَتَحَقَّقَ رَجآئِي لَكَ وَعَلِقَتْ نَفْسِي

پس بتحقیق نیکوست گمان من بتو و ثابت است امید من بسوی تو و درآویخته است نفس من

بِكَرَمِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ اَللّٰهُمَّ

ببزرگواری تو و تو بخشنده ترین بخشندگانی و بزرگوارترین بزرگوارانی بار خدایا

وَاخْصُصْنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَزِيلِ قِسَمِكَ وَأَعُوذُ بِعَفْوِكَ

مخصوص گردان مرا از کرم خود بوافر از قسمتهای خود و پناه ده مرا بعفو

مِنْ عُقُوبَتِكَ وَاغْفِرْ لِيَ الذَّنْبَ الَّذِي يَحْبِسُ عَلَيَّ الْخُلُقَ

از عقوبت خود بیامرز برای من گناهی را که باز میدارد بر من خلق را

وَيُضَيِّقُ عَلَيَّ الرِّزْقَ حَتّٰى أَقُومَ بِصَالِحِ رِضَاكَ وَأَنْعَمَ بِجَزِيلِ

و تنگ میکند بر من روزی را تا آنکه بر پا دارم شایسته خشنودی ترا و متنعم

عَطَآئِكَ وَأَسْعَدَ بِسَابِغِ نَعْمَآئِكَ فَقَدْ لُذْتُ بِحَرَمِكَ

بعطای وافر تو و نیکبخت شوم بنعمت تمام کامل تو پس پناه آورده

وَتَعَرَّضْتُ لِكَرَمِكَ وَاسْتَعَذْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ

در پیش آمدم بزرگواری ترا و پناه جسته‌ام بعفو تو از عقوبت تو

وَبِحِلْمِكَ مِنْ غَضَبِكَ فَجُدْ لِي بِمَا سَأَلْتُكَ وَأَنِلْ مَا

و ببردباری تو از غضب تو پس ببخش مرا آنچه ترا درخواستم و ارزانی

الْتَمَسْتُ مِنْكَ أَسْئَلُكَ بِكَ لَا بِشَيْءٍ أَعْظَمَ مِنْكَ

تو بسبب تو نیست چیزی بزرگتر از تو

پس بسجده میروی و میگوئی یا رب بیست مرتبه یا الله

هفت مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله هفت مرتبه
ما شاء الله لا قوة الا بالله ده مرتبه لا قوة الا بالله
ده مرتبه پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد آنچه خواهد
و حاجت خود را از خدا بطلبد و بخدا سوگند که اگر بعدد
قطرات باران حاجت بطلبی حقتعالی تو را باطها برساند
بکرم و فضل خود و بروایت دیگر بعد از هفت مرتبه
یا الله هفت مرتبه بگوید یا رب محمد و شیخ گفته است
پس الهی تعرض لک فی هذا اللیل المتعرضون
بگو

ای خداوند من درآمدند در این شب خواهش امیدکاران

و قصدک القاصدون و امل فضلک و معروفک

و قصد کنند ترا قصد کنندگان و آرزومند فضل و احسان تو سؤال کنندگان

الطالبون و لک فی هذا اللیل نفحات و جوائز و

و مر تراست در این شب عطیها و دهشها و

عطایا و مواهب تمن بها علی من تشاء من عبادک

بخششها که بخشش میکنی بآنها بر آنکه بخواهی از بندگان خود

و تمنعها من لم تسبق له العنایة منک و ها انا

و باز میداری آنها را از آنکه پیشی نگرفته او را مددی از تو و اینک منم

ذا عبدک الفقیر الیک المؤمل فضلک و معروفک

بنده حقیر توام محتاج بسوی تو امید دارم فضل ترا و احسان ترا

فإن كنت يا مولاي تفضلت في هذه الليلة على

پس اگر بوده باشی ای آقای من بخشش نموده باشی درین شب بر یکی

أحد من خلقك وعدت عليه بعائدة من عطفك

از خلق و نفع رسانیده باشی بر وی بنفعی از مهر و نفع

فصل على محمد وآل محمد الطيبين الطاهرين الفاضلين

پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد پاکان پاکیزگان نیکان

يا رب العالمين وصل على محمد خاتم النبيين وآله الطاهرين

ای پروردگار جهانیان و رحمت بفرست بر محمد آخر پیغمبران و آل او

وسلم تسليما إن الله حميد مجيد اللهم إني أدعوك

و درود فرست درود فرستادنی بدرستی که خدا ستوده بزرگوار است بار خدایا بدرستی که

كما أمرت فاستجب لي كما وعدتنا إنك لا تخلف الميعاد

چنانچه امر کردی پس بپذیر از من چنانکه وعده فرموده بدرستی که تو خلف نمیکنی وعده

مؤلف گوید که این دعا بسیار خوبست و از دعاهای

این شب است اما ظاهراً جزو تعقیب سابق نیست و ابن

بابویه از حضرت امام حسن مجتبی روایت کرده است که

جبرئیل بر حضرت رسول ص نازل شد و گفت یا محمد امت خود را

امر کن که در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند

هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه

سوره قل هو الله احد بخوانند پس بسجده روند و در سجده

بگویند

بگو اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدَ سَوَادِي وَبَيَاضِي يَا عَظِيمَ كُلِّ عَظِيم

بند بار خدا سجده کرد سیاهی من و تن و سفیدی من ای بزرگ هر بزرگ

اِغْفِرْ لِي ذَنْبِيَ الْعَظِيمَ فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُهُ غَيْرُكَ يَا عَظِيمُ پس هر که

بیامرز برای من گناه مرا که بزرگست زیرا که بتحقیق نمی آمرزد او را غیر تو ای بزرگ

استعمال بجا آورد محو کند حقتعالی از او هفتاد و دو هزار گناه را و مثل

آن حسنه در نامه اعمال او بنویسد و محو کند از بد رو مادر

او هفتاد هزار گناه را و نماز دیگر نماز نیست که عامه و خاصه

از حضرت رسول و آله روایت کرده اند که حضرت فرمود که در

شب نیمه شعبان در خواب بودم که جبرئیل بر من نازل شد

و گفت ای محمد آیا بخواب میروی در این شب گفتم این چه

شبست گفت این شب نیمه شعبانست پس برخیز ایند مرا

و برد مرا بسوی قبرستان بقیع و گفت سر بلند کن بسوی آسمان

بدرستی که این شبی است که درهای آسمان در این شب

گشوده میشود یعنی درهای رحمت و درهای خشنودی

خدا و درهای آمرزش گناهان و درهای فضل و احسان

و درگاه توبه و درگاه نعمت و درگاه جود و بخشش و می

آمرزد حقتعالی از بندگان در این شب بعدد موهای

چهارپایان و پشمهای ایشان ای محمد هر که کند این

شب را بگفتن اَللّٰهُ اَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

و نماز کردن و قران خواندن و طلب آمرزش کردن و استغفار
نمودن بهشت در آخرة جای او باشد و گناهان گذشته
او آمرزیده شود ای محمد هر که در این شب صد رکعت نماز
بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر دو رکعت بعد از
حمد ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند و چون از همه فارغ
شود ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه سورهٔ حمد بخواند
و صد مرتبه سبحان الله بگوید حقتعالی صد گناه کبیره هلاک
کننده او را بیامرزد و بعدد هر سوره و تسبیحی قصری در بهشت
باو عطا کند و شفاعت او را قبول کند در صد نفر از اهل
خانهٔ او و خویشان او و شریک گرداند او را در ثواب شهیدان
و ثواب روزه داران این ماه و عبادت کنندگان این ماه را باو
عطا کند بی آنکه از ثواب آنها چیزی کم شود پس احیا کن این شب را
ای محمد و امر کن امت خود را که احیا کنند آنرا و تقرب جویند
بسوی خدا بعبادت آن بدرستی که این شب بسیار شریف است
یا محمد من چون نزد تو می آمدم جمیع ملائکه آسمانها را دیدم که
صف کرده بودند و نزد خدا بعبادت مشغول بودند و بعضی
ایستاده بودند و بعضی در رکوع بودند و بعضی در سجود و بعضی
مشغول بودند بدعا و بعضی در بکر نگیرم و بعضی بتسبیح و
بعضی باستغفار یا محمد بدرستی که حقتعالی در این شب نظر کرد

بسوی

نبوی بند کان می افکند و می امرزد و هر مؤمن و مؤمنه را
که بنماز ایستاده باشد یا نشسته مشغول بتسبیح باشد یا
در رکوع و سجود باشد یا مشغول یاد خدا باشد و این شبی است
که هر که دعا کند البته دعایش مستجاب میشود و هر که
سؤال کند با و عطا کرده میشود و هر که استغفار کند امرزیده
و هر که توبه کند توبه اش مقبول میکردد محروم کسی است
که از خیر اینشب محروم کردد و از حضرة امیر المؤمنین منقولست
که هر که در شب نیمه شعبان صد رکعت نماز بکند با هزار
مرتبه قل هو الله احد یعنی در هر رکعت ده مرتبه بخواند
نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس مرده باشند و نمیرد تا
انکه صد ملك را ببیند که اورا ایمن کردانند از عذاب الهی
سی نفر ایشان بشارت دهند اورا به بهشت و سی نفر از انها
باشند که در دنیا اورا از شر شیطان نکاه میداشته باشند
سی نفر از انها باشند که در شب و روز برای او استغفار
میکردند در ساعات شب و روز و ده نفر که اورا حفظ
میکردند از شر دشمنان و منقولست که حضرة رسول
و اله در اینشب این اَللّٰهُمَّ اقْسِمْ مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُولُ
دعا میخواند بار خدایا قسمت کن برای ما از ترس خود آنچه حایل شود
بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ وَمِنْ طَاعَتِكَ وَمَا تُبَلِّغُنَا بِهِ
میان ما و میان نافرمانی تو و از فرمان برداری تو آنچه برسانی ما را به

وَمِنَ الْیَقِینِ مَا تُهَوِّنُ عَلَیْنَا بِهِ مُصِیبَاتِ الدُّنْیَا اَللّٰهُمَّ

و از یقین آنچه آسان کنی بر ما بسبب آن مصیبتهای دنیا بار خدایا

اَمْتِعْنَا بِاَسْمَاعِنَا وَاَبْصَارِنَا وَقُوَّتِنَا مَا اَحْیَیْتَنَا وَاجْعَلْهُ

بهره ور کن ما را بگوشهای ما و دیدهای ما و توانائی ما مادام که زنده داری

الْوَارِثَ مِنَّا وَاجْعَلْ ثَارَنَا عَلٰی مَنْ ظَلَمَنَا وَانْصُرْنَا عَلٰی

ما را و بگردان آنرا وارث ما و بگردان مطالبه خون ما را بر آنکه ستم کرده ما را و یاری ده

مَنْ عَادَانَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْیَا اَکْبَرَ هَمِّنَا وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا

بر دشمنی کند ما را و مگردان دنیا را بزرگتر اندوه ما و نه منتهای دانش ما

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَیْنَا مَنْ لَا یَرْحَمُنَا بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

و مسلط مگردان بر ما آنرا که رحم نکند ما را برحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان

و این دعا دعاء جامع کاملیست و متضمن جمیع مطالب
دنیا و آخرت است و چون دعای کمیل بن زیاد که
از خواص اصحاب حضرة امیر المؤمنین ع است بهترین
دعاهاست و از دعاهای اینشب است و در اوقات
دیگر نیز میتوان خواند بان جهت در اینجا ایراد مینمایم که در وقت
خواندن متذکر معانی آن باشد تا فایده اش تمام تر و ثواب
بیشتر و عظیمتر باشد بدانکه سید ابن جلیل ابن طاوس
ره در کتاب اقبال روایت کرده است که کمیل بن زیاد گفت
روزی با مولای خود حضرة امیر المؤمنین ع در مسجد بصره

نشسته

نشسته بودم شب نیمهٔ شعبان مذکور شد حضرة فرمود
هر بنده که این شب را بعبادة احیا کند و دعاء حضرت خضر
با در این شب بخواند البته دعای او مستجاب گردد چون
حضرة بمنزل مراجعت نمود شب بخدمت او رفتم و
چون مرا دید پرسید که بچه کار آمدی ای کمیل گفتم
یا امیر المؤمنین بطلب دعای خضر فرمود که بنشین
ای کمیل چون این دعا را حفظ نمائی در هر شب جمعه
یا در هر ماهی یک مرتبه یا در سالی یکمرتبه یا در عمر
یکمرتبه بخوان تا کفایت شر دشمنان از تو بشود و یاری
کرده شوی ای کمیل طول صحبت و خدمت تو موجب
شد که ترا بچنین نعمتی و کرامتی ممتاز و سرافراز کردانیم
پس گفت بنویس دعا بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
را تلقین من نمود ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِی وَسِعَتْ كُلَّ شَیْءٍ
خداوندا بدرستی که سؤال می کنم برحمت تو آن رحمتی که فرا گرفته است هر چیز
وَبِقُوَّتِكَ الَّتِی قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَیْءٍ وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَیْءٍ
و بتوانائی او که قهر کرده بآن بر همه چیز را و فروتن و شکسته شده است برای
وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَیْءٍ وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِی غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَیْءٍ
و خوار و ذلیل شده است برای آن هر چیزی و بجبروت و بزرگواری تو که غالب شدی

وبجبروتك التي غلبت بها كل شيء وبعزتك التي لا يقوم

و بجبروت بزرگواری تو که غالب گردیده بآن هر چیزی را و بعزت تو که در برابر آن نمی ایستد

لها شيء وبعظمتك التي ملأت كل شيء وبسلطانك الذي

هر چیزی و بعظمت و بزرگی تو که پر کرده است هر چیزی را و بپادشاهی تو

علا كل شيء وبوجهك الباقي بعد فناء كل شيء وباسمائك

برتر است هر چیزی را و بذات همیشه تو بعد از برطرف شدن هر چیزی و بنامهای

التي ملأت اركان كل شيء وبعلمك الذي احاط بكل

تو که پر کرده ارکان هر چیزی را و بدانائی تو که فرا گرفته است هر چیزی را

شيء وبنور وجهك الذي اضاء له كل شيء يا نور يا قدوس

و بروشنی ذات تو که روشن شده است برای او هر چیزی ای روشنی ای پاکیزه

يا اول الاولين ويا آخر الآخرين اللهم اغفر لي

ای بیشتر از پیشینیان و ای بعد از پسینیان خداوندا بیامرز برای من

الذنوب التي تهتك العصم اللهم اغفر لي الذنوب

گناهانی را که می درد پرده های عصمت را خداوندا بیامرز برای من گناهانی

التي تنزل النقم اللهم اغفر لي الذنوب التي تغير

که فرود می آورد عذابها را خداوندا بیامرز برای من گناهانی را که تغییر دهد

النعم اللهم اغفر لي الذنوب التي تحبس الدعاء اللهم

نعمتها را خداوندا بیامرز برای من گناهانی را که حبس می کند دعا را خداوندا

اغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء اللهم اغفر لي

بیامرز برای من گناهانی را که فرود می آورد بلا را خداوندا بیامرز برای من

كل ذنب

كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ خَطِيئَةٍ اَخْطَاْتُهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي

هر گناهی را که کرده ام آن را و هر خطائی را بجا آورده ام خداوندا بدرستی

اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَاَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلٰى نَفْسِكَ وَ

من نزدیکی میجویم بسوی تو بیاد کردن تو و شفیع میگردانم ترا بسوی تو و

اَسْئَلُكَ بِجُودِكَ اَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ وَاَنْ تُوزِعَنِي

سوال میکنم از تو ببخشش تو که نزدیک کنی مرا بقرب خود و روزی دهی

شُكْرَكَ وَاَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

برای شکر خود و الهام نمائی مرا ذکر خود خداوندا بدرستی من سوال میکنم از تو

سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ اَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي

سوال کسی که خاضع باشد و اظهار مذلت باشد و با خشوع در گریه باشد برای آنکه

وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا وَفِي جَمِيعِ الْاَحْوَالِ

کنی و بگردانی مرا بقسمت خود که برای من کرده خشنود و قناعت کننده و در تمام احوال

مُتَوَاضِعًا اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ سُؤَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ

تواضع کننده خداوندا سوال میکنم از تو سوال کسی که سخت شده است

فَاقَتُهُ وَاَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ وَعَظُمَ فِيمَا

فقر او و فرود آورده نزد سختیها حاجت خود را و بزرگ شده است در آنچه

عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ اَللّٰهُمَّ عَظُمَ سُلْطَانُكَ وَعَلَا مَكَانُكَ

نزد تست از نعمتها رغبت او خداوندا بزرگست پادشاهی تو و بلند است مکان تو

وَخَفِيَ مَكْرُكَ وَظَهَرَ اَمْرُكَ وَغَلَبَ قَهْرُكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ

و پنهان است مکر تو و هویداست امر تو و غالب است قهر تو و جاریست قدرت

وَلا يُمْكِنُ الْفِرارُ مِنْ حُكُومَتِكَ اَللّٰهُمَّ لا اَجِدُ لِذُنُوبي

و ممکن نیست گریختن از حکومت تو خداوندا نمی یابم برای گناهان خود

غافِراً وَلا لِقَبائِحي ساتِراً وَلا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِيَ الْقَبيحِ

آمرزنده و نه برای قبایح خود پوشنده و نه برای چیزی از عمل قبیح

بِالْحَسَنِ مُبَدِّلاً غَيْرَكَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ وَ

بعمل نیکو بدل کننده غیر تو نیست خدایی مگر تو پاکی بار تسبیح میکنم ترا و

بِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسي وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلي وَسَكَنْتُ اِلٰى

بحمد تو ستم کردم بنفس خود و بسیار جرأت کردم بنادانی خود و آرام گرفتم بیاد

قَديمِ ذِكْرِكَ لي وَمَنِّكَ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ مَوْلايَ كَمْ مِنْ قَبيحٍ

پوشیده یاد کردن تو مرا و احسان تو بر من خداوندا آقای من چه بسیار زشتی

سَتَرْتَهُ وَكَمْ مِنْ فادِحٍ مِنَ الْبَلاءِ اَقَلْتَهُ وَكَمْ مِنْ عِثارٍ

آن را و چه بسیار گران از بلا که برداشتی و چه بسیار لغزشها که نگاه

وَقَيْتَهُ وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ وَكَمْ مِنْ ثَناءٍ جَميلٍ

داشتی از آن و چه بسیار از ناخوش دفع کردی آن را و چه بسیار از ثنای نیکو

لَسْتُ اَهْلاً لَهُ نَشَرْتَهُ اَللّٰهُمَّ عَظُمَ بَلائي وَاَفْرَطَ

نبودم سزاوار آن که پهن کردی آن را خداوندا بزرگ شده بلای من و از حد

بي سُوءُ حالي وَقَصُرَتْ بي اَعْمالي وَقَعَدَتْ بي اَغْلالي

بدی حال من و بازداشت از نجات من کردارهای من و عاجز گردانید مرا بندهای

وَحَبَسَني عَنْ نَفْعي بُعْدُ آمالي وَخَدَعَتْنِي الدُّنْيا

و منع کرد مرا از نفع خود آرزوهای دراز من و فریب داد مرا دنیا

بغرورها

بِزُورِها وَنَفْسى بِخِيانَتِها وَمِطالى يا سَيِّدى فَاَسْأَلُكَ

ابفریب خود فریب داده است مرا نفس من بخیانت خود و بسبب انداختن نفس من ... ای آقای من پس

بِعِزَّتِكَ اَنْ لا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعائى سُوءُ عَمَلى وَفِعالى

سئوال میکنم ترا بعزت تو که منع نکند از تو دعای مرا بدی عملهای من و کردارهای من و

وَلا تَفْضَحْنى بِخَفِىِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرّى وَلا تُعاجِلْنى

رسوا مکن مرا به پنهان آنچه مطلع شده بر آن از رازهای من و زود مگیر مرا

بِالْعُقُوبَةِ عَلى ما عَمِلْتُهُ فى خَلَواتى مِنْ سُوءِ فِعْلى وَاِسائَتى

بعقوبت بر آنچه کرده ام آن را در خلوتهای خود از بدی کردار خود و گناه و دوام

وَدَوامِ تَفْريطى وَجَهالَتى وَكَثْرَةِ شَهَواتى وَغَفْلَتى وَ

تقصیر خود و نادانی و بسیاری شهوتهای خود و غفلت خود و باش و

كُنِ اللّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لى فِى الاَحْوالِ كُلِّها رَؤُفاً وَعَلَىَّ

باش خداوندا بعزت خود برای من در احوال همه آن رحم کننده و بر من

فى جَميعِ الاُمُورِ عَطُوفاً اِلهى وَرَبّى مَنْ لى غَيْرُكَ

در همه امور مهربان ای خداوند من و پروردگار من کیست مرا غیر از تو

اَسْئَلُهُ كَشْفَ ضُرّى وَالنَّظَرَ فى اَمْرى اِلهى وَمَوْلاىَ

که از وی سؤال کنم گشودن بدحالی خود و نظر کردن در کار خود ای خداوند من و مولای من

اَجْرَيْتَ عَلَىَّ حُكْماً اِتَّبَعْتُ فيهِ هَوى نَفْسى وَلَمْ اَحْتَرِسْ

جاری کردی بر من حکمی را که پیروی کردم در آن خواهش نفس خود را و نگاه نداشتم

فيهِ مِنْ تَزْيينِ عَدُوّى فَغَرَّنى بِما اَهْوى وَاَسْعَدَهُ

در آن حکم از زینت دادن دشمن ... فریب داد مرا بآنچه خواهش داشتم و یاری داد

عَلَى الْقَضَاءِ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ
برای قضای خدا پس درگذشتم بانچه جاری شد بر من از قضا

حُدُودِكَ وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوَامِرِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي
از حدهای مرا و مخالفت کردم پاره امرهای ترا پس برای تو حمد گذارم است

جَمِيعِ ذَلِكَ وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ
همه این امرها و نیست حجتی برای من در آنچه جاری شد بر من در آن قضای تو

وَأَلْزَمَنِي حُكْمُكَ وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَ
و لازم گردانید حکم تو و بتحقیق که آمده ام بنزد تو ای خدای من بعد از تقصیر

إِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا
و بسیاری عذر رسیدن بر نفس خود عذرخواهنده و پشیمان شکسته خواهان عفو

مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُقِرًّا مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا لَا أَجِدُ مَفَرًّا
آمرزش توبه کننده اقرار کننده پناه خود تصدیق کننده با اعتراف

مِمَّا كَانَ مِنِّي وَلَا مَفْزَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ
گریزگاهی از آنچه صادر شد از من و نه پناهی که روکنم بسوی آن در کار خود بغیر قبول کردن تو

عُذْرِي وَإِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةٍ مِنْ رَحْمَتِكَ
عذر مرا و داخل کردن تو مرا در گشادگی از رحمت خود

اَللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَفُكَّنِي
خداوندا پس قبول کن عذر مرا و رحم کن شدت بدحالی مرا و رها کن مرا

مِنْ شَدِّ وَثَاقِي يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ جِلْدِي
از بستن بند گرانهای مرا ای پروردگار من رحم کن ضعف بدن مرا و

وَدِقَّةَ
نرمی پوست مرا

وَدَقَّ عَظْمی یا مَنْ بَدَأَ خَلْقی وَذِکْری وَتَرْبِیَتی وَبِرّی

و بار یا استخوان مرا ای کسی که ابتدا کردی آفریدن مرا و یاد کردن مرا و تربیت

وَتَغْذِیَتی هَبْنی لِابْتِداءِ کَرَمِکَ وَسالِفِ بِرِّکَ بی یا اِلهی

و غذا دادن مرا ببخش مرا برای ابتدای کرم خود برای نیکیهای پیش از من بهر ای خدای

وَسَیِّدی وَرَبّی اَتُراکَ مُعَذِّبی بِنارِکَ بَعْدَ تَوْحیدِکَ

و ای سید من پروردگار من آیا می بینی خود را که عذاب کنی مرا باتش خود بعد از اقرار بیگانگی

وَبَعْدَ مَا انْطَوی عَلَیْهِ قَلْبی مِنْ مَعْرِفَتِکَ وَلَهِجَ بِهِ لِسانی

و بعد از آنکه پیچیده شد بر آن دل من از شناخت تو و گویا شده است آن زبان من

مِنْ ذِکْرِکَ وَاعْتَقَدَهُ ضَمیری مِنْ حُبِّکَ وَبَعْدَ صِدْقِ

از یاد تو و محکم کرده است آن را دل من از محبت تو و بعد از راستی

اِعْتِرافی وَدُعائی خاضِعاً لِرُبُوبِیَّتِکَ هَیْهاتَ اَنْتَ

اعتراف من بگناه خود و دعا کردن من بزاری خضوع برای پروردگاری تو دور است تو

اَکْرَمُ مِنْ اَنْ تُضَیِّعَ مَنْ رَبَّیْتَهُ اَوْ تُبْعِدَ مَنْ اَدْنَیْتَهُ اَوْ

کریم تری از آنکه ضایع کنی کسی را که خود تربیت کرده یا دور کنی کسی را که نزدیک کرده

تُشَرِّدَ مَنْ اَوَیْتَهُ اَوْ تُسَلِّمَ اِلَی الْبَلاءِ مَنْ کَفَیْتَهُ وَرَحِمْتَهُ

دور گردانی کسی را که جا داده او را یا بگذاری بسوی بلا کسی را که دفع شر از او کرده و رحم کرده

وَلَیْتَ شِعْری یا سَیِّدی وَاِلهی وَمَوْلایَ اَتُسَلِّطُ النّارَ عَلی وُجُوهٍ

و کاش میدانستم ای بزرگ من و خدای من و مولای من آیا مسلط میکنی آتش بر رویها

خَرَّتْ لِعَظَمَتِکَ ساجِدَةً وَعَلی اَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحیدِکَ

افتاده اند برای عظمت تو سجده کننده گان و بر زبانهایی که گویا شده اند بیگانگی

صادقةً ولشكرك مادحةً وعلى قلوبٍ اعترفت بإ
راستگوه ولشکر تو مدح کنان ودر دلهائی که اعتراف کرده اند بخدائی تو از روی
لهيتك محققةً وعلى ضمائرَ حوت من العلم بك حتى
گردیده تو از روی یقین ودر ضمیرهائی که احاطه کرده اند از دانائی بحق تو تا انکه
صارت خاشعةً وعلى جوارحَ سعت إلى أوطان تعبدك
گردیده اند با خشوع ودر عضوهای چند که سعی نموده بسوی جهتهای عبادت تو
طائعةً وأشارت باستغفارك مذعنةً ما هكذا الظن
بطوع ورغبت واشاره کرده اند بطلب آمرزش تو از روی اذعان نیست چنین گمان
بك ولا أُخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب وأنت
بتو ونه چنین خبر داده اند ما را بفضل تو از تو ای صاحب کرم ای پروردگار وتو
تعلم ضعفي عن قليلٍ من بلاء الدنيا وعقوباتها وما
میدانی ناتوانی مرا از اندکی از بلاهای دنیا وعقوبتهای آن وآنچه
يجري فيها من المكاره على أن ذلك بلاءٌ ومكروهٌ
جاری میشود در آن از مکروهات بر اهل آن با آنکه این بدی دنیا اندکی
قليلٌ مكثه يسيرٌ بقاؤه قصيرٌ مدته فكيف احتمالي
است ماندن آن درنگ است بقای آن کوتاه است مدت آن پس چگونه است
لبلاء الآخرة وجليل وقوع المكاره فيها وهو بلاءٌ
برای آخرت را وبزرگ واقع شدن ناخوشیهائی که در آن میباشد وحال
تطول مدته ويدوم مقامه ولا يخفف عن أهله
[illegible]

لانه

لانّه لا يكون الّا عن غضبك وانتقامك وسخطك
زیرا که آن نمی شد مگر از غضب تو و انتقام گرفتن تو و خشم تو
وهذا ما لا تقوم له السموات والارض يا سيّدي
و چنین امری در برابر آن نمی توانند ایستاد و تاب آوردن آسمانها و زمین ای
فكيف بي وانا عبدك الضعيف الذليل الحقير
پس چگونه من تاب آورم و حال آنکه من بنده توام ناتوان و خوار و بیمقدار
المسكين المستكين يا الهي وربّي وسيّدي و
مسکین تضرع کننده ای خدای من و پروردگار من و بزرگ من و
مولاي لايّ الامور اليك اشكو ولما منها
آقای من برای کدام یک از امور بسوی تو شکایت کنم و برای کدام
اضجّ وابكي لاليم العذاب وشدّته ام لطول
ضجه کنم و گریه کنم آیا برای عذاب دردناک و سختی آن یا برای درازی
البلاء ومدّته فلئن صيّرتني في العقوبات مع اعدائك
بلا و مدت آن پس اگر بگردانی مرا در عقوبتها با دشمنان خود
وجمعت بيني وبين اهل بلائك وفرّقت بيني و
و جمع کنی میان من و میان اهل بلای خود و جدائی اندازی میان من و میان
بين احبّائك واوليائك فهبني يا الهي وسيّدي
دوستان خود و اولیای خود پس گیرم ای خدای من و بزرگ من
ومولاي وربّي صبرت على عذابك فكيف اصبر
و آقای من و پروردگار من صبر کنم بر عذاب تو پس چگونه صبر

عَلَى فِرَاقِكَ وَهَبْنِي صَبَرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ

بر محرومی از نظر تو ... در بیتم که صبر نمایم بر گرمی آتش تو پس چگونه صبر کنم

عَنِ النَّظَرِ اِلَى كَرَامَتِكَ اَمْ كَيْفَ اَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي

بر محرومی از نظر کردن بر گرامی داشتن تو یا چگونه ساکن شوم در آتش و حال آنکه

عَفْوُكَ فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ اُقْسِمُ صَادِقًا

امید دارم عفو تو را پس بعزت تو ای آقای من و صاحب اختیار من قسم میخورم براستی

لَئِنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا لَاَضِجَّنَّ اِلَيْكَ بَيْنَ اَهْلِهَا

که اگر گذاری مرا که سخن گویم هر آینه فریاد کنم بسوی تو از میان اهل جهنم

ضَجِيجَ الْآمِلِينَ وَلَاَصْرُخَنَّ اِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ

خروشیدن امید داران و هر آینه ناله کنم بسوی تو ناله استغاثه کنندگان

وَلَاَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ وَلَاُنَادِيَنَّكَ اَيْنَ

و گریه کنم بر محرومی از رحمت تو گریستن مانند گریستن گم کنندگان و البته فریاد زنم

كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ يَا

و ندا کنم ترا که کجایی ای دوست مؤمنان و کارساز ای نهایت آرزوی عارفان

غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ

فریادرس فریادخواهان ای دوست دلهای راستگویان

وَيَا اِلَهَ الْعَالَمِينَ اَفَتُرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا اِلَهِي وَبِحَمْدِكَ

و ای خدای عالمیان آیا پس میبینی منزهی ای خدای من و به حمد تو

تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ

میشنوی در جهنم صدای بنده مسلمان را که زندانی شده در آن بسبب ...

وذاق

وذاق طعم عذابها بمعصيته وحبس بين اطباقها بجرمه

مزه عذاب جهنم را بنافرمانی خود و بسته گردد میان طبقات جهنم بجرم

وجريرته وهو يضج اليك ضجيج مؤمل لرحمتك ويناديك

و گناه خود و او خروش کند بسوی تو خروش امیدوارنده مر رحمت ترا و ندا کند

بلسان اهل توحيدك ويتوسل اليك بربوبيتك

بزبان اهل یگانه پرستیدن تو و توسل جوید بسوی تو به پروردگاری تو

يا مولاى فكيف يبقى فى العذاب وهو يرجو ما سلف

[illegible]

من حلمك ورأفتك ورحمتك ام كيف تؤلمه النار

[illegible]

وهو يأمل فضلك ورحمتك يحرقه لهيبها وانت

[illegible]

تسمع صوته وترى مكانه ام كيف يشتمل عليه ز

[illegible]

فيرها وانت تعلم ضعفه ام كيف يتغلغل بين

[illegible]

اطباقها وانت تعلم صدقه ام كيف تزجره زبا

[illegible]

نيتها وهو يناديك يا ربه ام كيف يرجو فضلك

[illegible]

فی عتقه منها فترکه فیها هیهات ما ذلک الظن

در آزادی او از آن پس ترک کنی او را در آن هیهات نیست این گمان

بک ولا المعروف من فضلک ولا مشبه لما عاملت

بتو چنین گمان بتو و نه شناخته شده از بخشش تو و نه شبیه است بآنچه معامله کرده‌ای

به الموحدین من برک واحسانک فبالیقین اقطع لولا

با یکتاپرستان از نیکی تو و احسان تو پس بیقین جزم دارم که اگر نبود

ما حکمت به من تعذیب جاحدیک وقضیت به

که حکم کردی بآن از عذاب کردن منکران تو و مقرر گردانیدی بآن

من اخلاد معاندیک لجعلت النار کلها بردا وسلاما

که همیشه بودن معاندان تو هر آینه میگردانیدی آتش را همه سرد و سلامت

وما کانت لاحد فیها مقرا ولا مقاما لکنک تقدست

و نبود در آن احدی را محل قرار و نه جای اقامت و لکن تو مقدس است

اسمآءک اقسمت ان تملأها من الکافرین من الجنة

نامهای تو قسم خورده‌ای که پر کنی آن را از کافران از جنیان

والناس اجمعین وان تخلد فیها المعاندین وانت

و آدمیان همه و دیگر مداری همیشه در جهنم دشمنان را و تو

جل ثناؤک قلت مبتدئا وتطولت بالانعام متکرما

بزرگ است ستایش تو گفته ابتدا کننده و بخشش کرده بنعمت از کرم

افمن کان مؤمنا کمن کان فاسقا لا یستوون الهی

آیا پس کسی که بود مؤمن مانند کسی است که بود فاسق برابر نیستند الهی

دسیدی

وسيدي فاسألك بالقدرة التي قدرتها وبا

[illegible]

لقضية التي حتمتها وحكمتها وغلبت من عليه أجريتها

[illegible]

ان تهب لي في هذه الليلة وفي هذه الساعة

[illegible]

كل جرم أجرمته وكل ذنب أذنبته وكل قبيح أسررته

[illegible]

وكل جهل عملته كتمته أو أعلنته أخفيته أو أظهرته

[illegible]

وكل سيئة أمرت باثباتها الكرام الكاتبين الذين

[illegible]

وكلتهم بحفظ ما يكون مني وجعلتهم شهودا علي

[illegible]

مع جوارحي وكنت أنت الرقيب علي من ورائهم

[illegible]

والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك أخفيته وبفضلك

[illegible]

سترته وان توفر حظي من كل خير تنزله أو إحسان

[illegible]

تفضله او بر تنشره او رزق تبسطه او ذنب تغفره

که تفضل کنی آن را یا خوبی که پهن کنی او را یا روزی که گشایش دهی آن را یا گناهی

او خطاء تستره یا رب یا رب یا رب یا الهی وسیدی

او را یا خطائی که بپوشانی او را ای پروردگار من ای خدای من ای پروردگار من ای آقای من

ومولای ومالک رقی یا من بیده ناصیتی یا

وای مولای من و مالک بندگی من ای آنکه بدست اوست موی پیشانی من ای

علیما بضری ومسکنتی یا خبیرا بفقری وفاقتی

دانا ببدی حال من و بیچارگی من ای دانا بفقر من و بیچارگی من

یا رب یا رب یا رب اسئلک بحقک وقدسک

ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من سؤال میکنم ترا بحق تو و بپاکی ذات تو

واعظم صفاتک واسمائک ان تجعل اوقاتی فی

و بزرگترین صفات تو و نامهای تو اینکه بگردانی اوقات مرا در

اللیل والنهار بذکرک معمورة وبخدمتک

شب و در روز بیاد خود آبادان و بخدمت

موصولة واعمالی عندک مقبولة حتی تکون اعمالی

پیوند شده و کارهای من در نزد تو پسندیده تا بوده باشد کردارهای

واورادی کلها وردا واحدا وحالی فی خدمتک

و وردهای من همه یک ورد و حال من در خدمت تو

سرمدا یا سیدی یا من علیه معولی یا من الیه

همیشه ای آقای من ای آنکه بر اوست اعتماد من ای آنکه بسوی او

شکوت

شَكَوْنا حَوالِي يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ قَوِّ عَلى خِدْمَتِكَ

شکایت نمودم احوال خود را ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار توانا گردان

جَوارِحِي وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوانِحِي وَهَبْ لِيَ

اعضای مرا در خدمت کن بر عزم بند دل مرا و ببخش

الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ وَالدَّوامَ فِي الْاِتِّصالِ بِخِدْمَتِكَ

جد در ترس تو و مداومت در پیوستن در خدمت تو

حَتّى اَسْرَحَ اِلَيْكَ فِي مَيادِينِ السّابِقِينَ وَاُسْرِعَ

روان شوم بسوی تو در میدان های پیش روان و شتاب کنم

اِلَيْكَ فِي مَيادِينِ السّابِقِينَ وَاُسْرِعَ اِلَيْكَ فِي

بسوی تو در پیشی گیرندگان و شتابم بسوی تو در

الْمُبادِرِينَ وَاَشْتاقَ اِلى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتاقِينَ وَ

پیشی گیرندگان و مشتاق گردم بسوی قرب تو در میان مشتاقان

اَدْنُوَ مِنْكَ دُنُوَّ الْمُخْلِصِينَ وَاَخافَكَ مَخافَةَ الْمُوقِنِينَ

و نزدیک شوم نزدیک شدن مخلصان و بترسم از تو ترسیدن یقین داران

وَاَجْتَمِعَ فِي جِوارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ اَللّٰهُمَّ وَمَنْ اَرا

و جمع آیم در همسایه تو با مؤمنان خداوندا و هر کس اراده

دَنِي بِسُوءٍ فَاَرِدْهُ وَمَنْ كادَنِي فَكِدْهُ وَاجْعَلْنِي مِنْ اَحْسَنِ

کرد مرا به بدی پس اراده کن او را و هر کس مکر کند با من پس مکر کن او را و گردان مرا

عِبادِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ وَاَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ وَ

از نیکوترین بندگان تو در بهره نزد تو و نزدیکترین ایشان در منزلت

اَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَاِنَّهُ لَا يُنَالُ ذٰلِكَ اِلَّا
ومخصوص ترين ايشان در قرب نزد تو زيرا كه نتوان رسيد باين مرتبه مگر
بِفَضْلِكَ وَجُدْ لِي بِجُودِكَ وَاعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ
بفضل تو و بخشش كن براى من بجود خود و مهربانى كن بر من ببزرگوارى خود
وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهِجًا
ونگاه دار مرا برحمت خود و بگردان زبان مرا بياد خود گويا
وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتَيَّمًا وَمُنَّ عَلَيَّ بِحُسْنِ اِجَابَتِكَ وَاَقِلْنِي
و دل مرا بدوستى خود بيتاب و منت نه بر من بحسن اجابت خود و در گذر
عَثْرَتِي وَاغْفِرْ زَلَّتِي فَاِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَى عِبَادِكَ
از لغزش من و بيامرز گناه مرا پس بدرستى كه تو حكم كرده بر بندگان خود
بِعِبَادَتِكَ وَاَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْاِجَابَةَ
به پرستيدن خود و امر كردى ايشان را بدعاى خود و ضامن شده براى ايشان اجابت را
فَاِلَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي وَاِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ
پس بسوى تو اى پروردگار من برداشتم روى خود را و بسوى تو اى پروردگار دراز كردم
يَدِي فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مُنَايَ وَلَا
دست خود را پس بعزت تو كه مستجاب كن دعاى مرا و برسان مرا بآرزوى من
تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي وَاكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ
و قطع مكن از فضل خود اميد مرا و دفع كن از من شر جنيان و آدميان
مِنْ اَعْدَائِي يَا سَرِيعَ الرِّضَا اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ اِلَّا
از دشمنان من اى زود خشنود شونده بيامرز كسى را كه مالك نيست مگر دعا را

الدعاء

الدُّعَآءَ فَاِنَّكَ فَعّالٌ لِما تَشاءُ يا مَنِ اسْمُهُ دَوآءٌ وَذِكْرُهُ
بجز دعا پس بدرستی که تو کننده آنچه را خواهی ای آنکه نام او دوای درد و یاد او
شِفاءٌ وَطاعَتُهُ غِنىً اِرْحَمْ مَنْ رَأسُ مالِهِ الرَّجاءُ
شفای بیماریهاست و فرمان بردن او طلب توانگریست رحم کن کسی را که [illegible]
وَسِلاحُهُ الْبُكاءُ يا سابِغَ النِّعَمِ يا دافِعَ النِّقَمِ يا نُورَ
و حربه او گریه است ای تمام کننده نعمتها ای دفع کننده عذابها ای نور
الْمُسْتَوْحِشينَ فِي الظُّلَمِ يا عالِماً لا يُعَلَّمُ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ
وحشت زدگان در تاریکیها ای دانائی که نیاموخته کسی درود فرست بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بي ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَصَلَّى اللهُ عَلى رَسُولِهِ
و آل محمد و بکن با من آنچه تو سزاوار آنی و درود فرستد خدا بر رسول خود
وَالْأَئِمَّةِ الْمَيامينَ مِنْ آلِهِ وَسَلَّمَ تَسْليماً
و امامان صاحب یمن که آل اویند و سلام فرستد سلام [illegible]

فصل پنجم در اعمال بقیه ما

هست از حضرت امام رضا منقولست که هر که سه روز
از آخر ماه شعبان را روزه بدارد و بماه مبارک رمضان
وصل کند حقتعالی ثواب روزه دو ماه متوالی برای او
بنویسد و ابو الصلت هروی روایت کرده است که
در جمعه آخر ماه شعبان بخدمت حضرت امام رضا رفتم
حضرت فرمود که ای ابو الصلت اکثر ماه رفت و این جمعه
آخر آنست پس تدارک و تلافی کن در آنچه از این ماه

ماه مانده است تقصیرها را که در ایام گذشته این ماه
کرده و بر تو باد که رو آوری بر آنچه نافع است برای تو
در آخرت و دعا و استغفار بسیار بکن و تلاوت قرآن مجید
بسیار بکن و توبه کن بسوی حقتعالی از گناهان خود
تا آنکه چون ماه مبارک درآید خالص گردانیده باشی
خود را از برای خدا و مگذار در گردن خود امانت و
حق کسی را مگر آنکه ادا کنی و مگذار در دل خود کینه کسی را
مگر آنکه بیرون کنی و مگذار گناهی را که میکرده مگر آنکه
ترک کنی و از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و آشکار
در امور خود و هر که بر خدا توکل کند بس است او را و
بسیار بخوان در بقیه این ماه این دعا را اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ
تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ بدرستی
بار خدایا اگر نبوده
باشی که آمرزیده باشی در آنچه باقیمانده است از آن
که حقتعالی
در اینماه آزاد میگرداند بندگان را بسیار از آتش جهنم
برای حرمت ماه مبارک رمضان و بسند بسیار معتبر
منقولست که حضرت صادق ع در شب آخر شعبان و شب
اول ماه رمضان اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ
این دعا میخواندند
خداوندا بدرستیکه این ماه با برکت است
الَّذِي اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ هُدًى لِلنَّاسِ
آنچنان که فرستادی در آن قرآن را و گردانیدی آنرا هدایت برای مردمان

وبینات

وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ قَدْ حَضَرَ فَسَلِّمْنَا فِيهِ وَسَلِّمْهُ

در ليلهاى روشن از هدايت و فرق كننده ميان حق و باطل بتحقيق حاضر شده

لَنَا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ يَا مَنْ أَخَذَ الْقَلِيلَ

پس سالم [illegible] و سالم دار او را از ما كه بوده باشد در [illegible]

وَشَكَرَ الْكَثِيرَ اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

و جزا داده [illegible] را از من اندك را اى خدا بدرستيكه من [illegible]

أَنْ تَجْعَلَ لِي إِلَى كُلِّ خَيْرٍ سَبِيلاً وَمِنْ كُلِّ مَا لَا تُحِبُّ مَانِعاً

اينكه بگردانى براى من [illegible] و از هر چه دوست نداری [illegible]

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا مَنْ عَفَا عَنِّي وَعَمَّا خَلَوْتُ بِهِ مِنَ

اى [illegible] اى آنكه درگذشته از من و از آنچه [illegible]

السَّيِّئَاتِ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِارْتِكَابِ الْمَعَاصِي عَفْوَكَ

بديها اى آنكه مؤاخذه نكرد مرا بارتكاب [illegible]

عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا كَرِيمُ إِلٰهِي وَعَظْتَنِي فَلَمْ أَتَّعِظْ وَزَجَرْتَنِي

[illegible] اى [illegible] خدايا پند دادى مرا پس [illegible]

عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ فَمَا عُذْرِي فَاعْفُ عَنِّي يَا

از محرمات خود پس [illegible] پس چيست عذر من پس درگذر [illegible]

كَرِيمُ عَفْوَكَ عَفْوَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

[illegible] اى خدا بدرستيكه من سؤال [illegible]

الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ عَظُمَ

آسايش را نزد مردن [illegible] نزد حساب بزرگ [illegible]

الذنب من عندك فليحسن العفو من عندك يا اهل

گناه از بنده تو پس باید و نیکو باشد درگذشتن از نزد تو ای سزاوار

التقوى و يا اهل المغفرة عفوك عفوك اللهم اني

پرهیزگاری و ای سزاوار آمرزش درگذر درگذشتن خداوندا بدرستیکه

عبدك ابن امتك ضعيف فقير الى رحمتك وانت

بنده توام پسر کنیز توام ناتوانم محتاجم بسوی رحمت تو و تو

منزل الغنى والبركة على العباد قاهر مقتدر احصيت

فرود آورنده بی نیازی و برکتی بر بندگان غالب توانا شمردی

اعمالهم وقسمت ارزاقهم وجعلتهم مختلفة السنتهم

کارهای ایشان را و قسمت کردی روزیهای ایشان را و گردانیدی ایشان را مختلف زبانهای ایشان

والوانهم خلقا من بعد خلق لا يعلم العباد علمك

ورنگهای ایشان [illegible] آفریدنی پس از آفریدنی نمیدانند بندگان دانش ترا

ولا يقدر العباد قدرك وكلنا فقراء الى رحمتك

و طاقت ندارند بندگان قدرت ترا و همه ما محتاجیم بسوی رحمت تو

فلا تصرف عني وجهك واجعلني من صالح خلقك

پس مگردان از من روی خود را و بگردان مرا از شایسته خلق خود

في العمل والامل والقضاء والقدر اللهم ابقني

در کردار و امید و در حکم خود و اندازه کردن خداوندا باقی دار مرا

خير البقاء وافنني خير الفناء على موالاة اوليائك

بهترین باقی [illegible] و بمیران مرا بهترین فنا بر دوستی دوستانت

ومعاداة

وَمُعَادَاةِ اَعْدَائِكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالرَّهْبَةَ

ودشمن داشتن دشمنان تو وخواهشمندی بسوی تو وداشتن از تو ترس

وَالْخُشُوعَ وَالْوَقَارَ وَالتَّسْلِيمَ لَكَ وَالتَّصْدِيقَ

وفروتنی و وقار و گردن نهادن برای تو و باور داشتن

بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعَ سُنَّةِ رَسُولِكَ اَللّٰهُمَّ فِي قَلْبِي

کتاب تو وپیروی نمودن طریقه رسول تو بارخدایا اگر باشد در دل ما

مِنْ شَكٍّ اَوْ رِيبَةٍ اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ بَذَخٍ

از شک یا تهمت یا انکار یا نومیدی یا شادی یا سرکشی

اَوْ بَطَرٍ اَوْ خُيَلَاءٍ اَوْ رِيَاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقَاقٍ اَوْ

طغیان یا کبر یا ریا یا سمعه یا بدبختی

نِفَاقٍ اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ عِصْيَانٍ اَوْ عَظَمَةٍ اَوْ شَيْءٍ

دورویی یا ناسپاسی یا گناه یا نافرمانی یا بزرگی یا چیزی

لَا تُحِبُّ فَاَسْئَلُكَ يَا رَبِّ اَنْ تُبَدِّلَ لِي مَكَانَهُ اِيمَانًا

که دوست نداری پس سؤال میکنم از تو ای پروردگار که بدل نمایی برای من بجای آن ایمان

بِوَعْدِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَرِضًى بِقَضَائِكَ

بوعده تو و وفا کردن به پیمان تو وخشنودی بحکم تو

وَزُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَاَثَرَةً وَطُمَأْنِينَةً

بی رغبتی در دنیا وخواهشمندی درانچه نزد تست و...

وَتَوْبَةً نَصُوحًا اَسْئَلُكَ ذٰلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

وتوبه خالص سؤال میکنم از تو آن مسئلت را پروردگار جهانیان

الهی انت من حلمک تعصی فکانک لم تر و من کرمک

خداوندا تو از بردباری خود عصیان کرده میشوی پس گویا که تو ندیدی و از کرم تو

وجودک تطاع فکانک لم تعص وانا ومن لم یعصک

و بخشش خود اطاعت کرده میشوی پس گویا تو عصیان کرده نشده و من و آنها

سکان ارضک فکن علینا بالفضل جوادا و

ساکنان زمین توییم پس باش بر ما بفضل و عطیه بخشنده و

بالخیر عوادا یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد

بنیکی بازگردنده ای بخشاینده ترین بخشایندگان و رحمت فرستد خداوند بر

وآله صلوة دائمة لا تحصی ولا تعد ولا یقدر

و آل او رحمتی همیشه شمرده نشود و شمرده نشود و اندازه کرده نشود

قدرها غیرک یا ارحم الراحمین واما نمازها

اندازه آن را غیر تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان

مخصوص شبها

که باسانید معتبره وارد شده و علما ذکر کرده اند
شب اول صد رکعت با حمد و توحید یک مرتبه
و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه سورهٔ حمد شب
دویم پنجاه رکعت با حمد و توحید و معوذتین به
یکمرتبه شب سیم دو رکعت بعد از حمد بیست و
پنج مرتبه توحید شب چهارم چهل رکعت در هر رکعت
بعد از حمد بیست مرتبه توحید شب پنجم دو رکعت

در هر رکعت

در هر رکعت بعد از حمد پانصد مرتبه توحید و بعد از
نماز هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند
ششم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه
توحید شب هفتم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد
صد مرتبه توحید شب هشتم دو رکعت در رکعت اول
آیة آمن الرسول تا آخر سوره و پانزده مرتبه توحید
و در رکعت دویم بعد از حمد آیهٔ قل انما انا بشر و پانزده
مرتبه توحید شب نهم چهار رکعت در هر رکعت بعد از
حمد ده مرتبه اذا جاء نصر الله شب دهم چهار رکعت
در هر رکعت بعد از حمد آیة الکرسی یکمرتبه و سوره
انا اعطیناک الکوثر سه مرتبه شب یازدهم هشت رکعت
در هر رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه قل یا
ایها الکافرون شب دوازدهم دوازده رکعت در هر رکعت
بعد از حمد ده مرتبه سوره الهیکم التکاثر شب سیزدهم
دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد سوره و التین
شب چهاردهم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد
پنج مرتبه سوره و العصر شب پانزدهم چهار رکعت در
میان نماز شام و خفتن در هر رکعت بعد از حمد
ده مرتبه توحید و بعد از نماز ده مرتبه یا رب استغفر لنا

و ده مرتبه یا رب ارحمنا و ده مرتبه یا رب تب علینا
و بیست یک مرتبه توحید و ده مرتبه سبحان الله
الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء
قدیر شب شانزدهم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد
یک مرتبه آیة الکرسی و پانزده مرتبه توحید شب
هفدهم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد هفتاد مرتبه
توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار شب هجدهم
ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه توحید
شب نوزدهم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد
پنج مرتبه آیه قل اللهم مالک الملک شب
بیستم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده
مرتبه سوره اذا جاء نصر الله بیست و یکم هشت رکعت
در هر رکعت بعد از حمد یک مرتبه توحید و معوذتین
بیست و دوم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد یک
مرتبه قل یا ایها الکافرون و پانزده مرتبه توحید
بیست و سیم سه رکعت در هر رکعت بعد از حمد
یک مرتبه سوره اذا زلزلت بیست و چهارم دو رکعت در
هر رکعت بعد از حمد یک مرتبه سوره اذا جاء نصر الله
بیست و پنجم ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد

یک مرتبه الهیکم التکاثر بیست ششم دو رکعت در
هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه آیة امن الرسول بیست
هفتم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه
سبح اسم ربک الاعلی بیست هشتم چهار رکعت در هر رکعت
بعد از حمد یک مرتبه توحید و معوذتین بیست نهم
ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد یک مرتبه با توحید
با الهیکم و معوذتین ده مرتبه شب سی ام دو رکعت
در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی
و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد
باب سیم در بیان مجملی از فضائل و اعمال ماه
مبارک رمضان است و در آن هشت فصل است فصل
اول در بیان فضیلت این ماه مبارک است باید
دانست که ماه مبارک رمضان ماه خداوند عالمیان
و شریفترین ماهها ست چنانچه بسند معتبر از حضرت
امام رضا روایت کرده اند که حضرت رسول در آخر ماه
شعبان خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس بدرستی
که رو کرده است بسوی شما ماه با برکت و رحمت و آمرزش
ماهیست که نزد خدا بهترین ماهها ست و روزهایش
بهترین روزها ست و شبهایش بهترین شبها ست و

ساعتهای آن بهترین ساعتهاست و ماهیست که خوانده
اند شما را در آن بسوی ضیافت خدا و گردیده اید در
آن از اهل کرامت خدا نفسهای شما در آن ثواب تسبیح
دارد و خواب شما ثواب عبادت دارد و عملهای شما
در آن مقبولست و دعای شما در آن مستجابست پس
سؤال کنید از پروردگار خود به نیتهای درست و دل
های درست و دلهای پاکیزه از گناهان و صفای ذهنها
که توفیق دهد شما را برای روزه داشتن آن و تلاوت
کردن قرآن در آن بدرستی که شقی و بدعاقبت کسی است
که محروم گردد از آمرزش خدا در این ماه و یاد کنید بگرسنگی
و تشنگی شما در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را
و تصدق کنید بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم نمائید
پیران خود را و رحم کنید کودکان خود را و نوازش نمائید
خویشان خود را و نگاه دارید زبانهای خود را از آنچه
حلال نیست نظر کردن بسوی آن و باز دارید گوشهای
خود را از آنچه حلال نیست شما را شنیدن آن و مهربانی
کنید با یتیمان تا مهربانی کنند بعد از شما با یتیمان شما
و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود و بلند کنید
بسوی خدا دستهای خود را بدعا در اوقات نمازهای خود

زیرا که وقت نمازهای بهترین ساعتهاست نظر می
کند حقتعالی نظر در این اوقات بسوی بندگان خود
و جواب میگوید ایشان را هرگاه او را مناجات کنند و لبیک
میگوید ایشان را هرگاه او را ندا کنند و مستجاب میگرداند
هرگاه او را دعا کنند گروه مردمان بدرستی که جانهای
شما در گرو کردهای شماست پس از گرو بدر آورید بطلب
آمرزش از خدا و پشتهای شما گران بار است از گناهان شما
پس سبک گردانید از بطول دادن سجدها و بدانید که
حقتعالی سوگند یاد کرده است بعزت خود که عذاب نکند نماز
گذارندگان را و سجده کنندگان را و نترساند ایشان را باتش
جهنم در روز قیامت ایها الناس هر که از شما افطار فرماید
روزه دار مؤمنی را در این ماه از برای او خواهد بود ثواب
بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته پس بعضی از
صحابه گفتند یا رسول الله همه ما قدرت این نداریم حضرت
فرمود که بپرهیزید از آتش جهنم بافطار فرمودن روزه دار
اگرچه بنصف دانه خرما باشد اگرچه بیک دانه یا بیک شربت
آب باشد بدرستی که خدا این ثواب میدهد کسیرا که چنین
کند اگر قادر بر زیاده از این نباشد ایها الناس هر که خلق
خود را در این ماه نیکو گرداند بر صراط بگذراند در روزی

که قدمهای بر آن نلغزد و هر که سبک گرداند در این ماه خدمت
کنیز و غلام را حق تعالی در قیامت حساب او را آسان گرداند
و هر که در این ماه شر خود را از مردم باز دارد حق تعالی غضب
خود را در قیامت از او باز دارد و هر که در این ماه یتیم بی
پدر را گرامی دارد خدا او را در قیامت گرامی دارد و هر که
در این ماه صله و احسان کند با خویشان خود خدا وصل کند
او را برحمت خود در روز قیامت و هر که در این ماه قطع احسان
کند از خویشان خود خدای عز و جل در قیامت قطع رحمت
خود از او بکند و هر که نماز سنتی در این ماه بکند حق تعالی
برای او برات بیزاری از آتش جهنم بنویسند و هر که در این ماه
نماز واجبی را ادا کند خدا عطا کند باو ثواب هفتاد نماز
واجب که در ماههای دیگر کرده باشد و هر که در این ماه بسیار
صلوات بفرستد بر من و بر آل من خدا سنگین گرداند ترازوی
عمل او را در روزی که ترازوهای اعمال سبک باشد و
کسیکه یک آیه از قرآن در این ماه بخواند ثواب کسی داشته
باشد که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد ایها الناس
بدرستی که درهای بهشت در این ماه گشاده است پس
سؤال کنید از پروردگار خود که بر روی شما نه بندد
و درهای جهنم در این ماه بسته است از خدا سؤال کنید

که بر شما

کرد بر شما نگشاید و شیاطین را در اینماه غل میکنند پس
سؤال کنید از خدا که هرگز بر شما مسلط نگرداند و ایضا
از حضرت امیر المؤمنین منقولست که خدا از بر سایر ماها
مهها فضیلت داده است مانند فضیلت ما اهل بیت
بر سایر مردم و در این ماه گشوده می شود درهای آسمان
و درهای بهشت و درهای جهنم و در اینماه شنیده می
شود نداهای مؤمنان و مؤمنات و مستجاب میگردد دعاهای
ایشان و رحم میکند گریهای ایشان و در اینماه شبی هست
که در آن شب ملائکه از آسمان بر زمین می آیند و سلام
میکنند بر مردان و زنان روزه دار برخصت پروردگار
خود تا طلوع صبح و آن شب قدر است که حق تعالی مقدر
کرده است در آن شب ولایت و امامت مرا پیش از آنکه
آدم را خلق کند بدو هزار سال و عبادت آن شب بهتر است
از عبادت هزار ماه و روزه روزش بهتر است از
روزه هزار ماه ایها الناس بدرستی که آفتابهای ماه
رمضان و ماههای آن طالع میشوند بر مردان و زنان
روزه دار برحمت و این ماه شما مانند ماههای دیگر
نیست و روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش
بهترین شبهاست و دیوان در اینماه غل کرده و در زندان

اند و زیاد میکند خدا در این ماه روزیهای شما را و عمرها
و مینویسید و مقدر میگرداند در این حاجیان بیت الله را
و در این ماه حقتعالی رو میکند بسوی اهل ایمان با آمرزش
و فیروزی و رحمت و روزی و خوشنودی خداوند جزا
دهنده ای روزه دار پس نظر در کار خود بکن بدرستی که
در این ماه میهمان پروردگار خودی نظر کن و تامل نما
که چگونه خواهی بود در شب خود و در روز خود چگونه
نگاه میداری اعضای خود را و جوارح خود را از معصیتهای
پروردگار خود پس نظر کن که شبها در خواب نباشی و روزها
غافل از یاد خدا نباشی پس بیرون رود ماه و گناهان
تو بر تو باقی مانده باشد پس در هنگامی که روزه داران
مزدهای خود را بگیرند تو از جملهٔ زیانکاران باشی
و در وقتی که مکرامت آقای خود فایز گردانند از جمله
محرومان باشی و در وقتی که سعادتمند گردند بمجاورت
دوستان پروردگار خود تو از رانده شدها باشی
ای روزه دار اگر ترا آقای تو از درگاه خود بر گرداند
بکدام درگاه رو خواهی آورد و اگر محروم گرداند ترا
پروردگار تو کی ترا روزی خواهد داد و اگر ترا
خوار کند کی ترا گرامی خواهد داشت و اگر او ترا

ذلیل

ذلیل کرد اند کی تورا عزیز خواهد کرد و اگر او ترا وا
گذارد کی تورا باز نخواهد کرد و اگر او تورا به بندگی
قبول نکند بندگی کدام خداوند را اختیار خواهی کرد
و اگر او لغزشها و گناهان ترا ببخشد امید بکی خواهی
داشت برای امرزش گناهان خود و اگر حق خود را که
بر تو واجب کردانیده از تو طلب نماید چه جواب خواهی
گفت ای روزه دار تقرب بجو بسوی خدا بتلاوت
کردن کتاب خدا در شبها و روزهای این ماه زیرا که
کتاب خدا شفاعت کننده ایست که شفاعت اورا
قبول میکند و در قیامت شفاعت میکند برای انها
که تلاوت ان کرده اند از پس بالا میروند بر درجات
بهشت بقدر تلاوت ایات قران ای روزه دار بشارت
باد ترا بهر نفسی که در این ماه میکشی ثواب تسبیحی در
نامه عمل تو مینویسند و طاعت تو در این ماه مقبول است
و گناهان تو در این ماه امرزیده است و اوازهای تو
بدعا در این ماه شنیده شد و بمناجات و زاری که
با خدا میگوئی بر تو رحم میکند و بدرستی که شنیدم
از حبیب خود حضرت رسول ص که خداوند عالمیان را
در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان ازاد کردها

از آتش جهنم که عدد ایشان را کسی نمیداند چون شب آخر ماه
میشود در آن شب می‌آمرزد مثل آنچه در جمیع ماه آمرزیده بود
و ایضا فرمود که هر که ماه رمضان را روزه دارد و نفس خود را
از چیزهائی که خدا حرام کرده است نگاه دارد بهشت البته
او را واجب گردد و هر که در این ماه روزه دارد و در هیچ
شب از شبهای آن بر حرام افطار نکند البته داخل بهشت
شود پس حضرت امیر فرمود که شنیدم از سید انبیا که فرمود
که بهترین اوصیاء پیغمبران در بهترین ماهها شهید خواهد
شد گفتم بهترین ماهها کدام است و بهترین اوصیا کیست
فرمود که بهترین ماهها ماه رمضان است و بهترین اوصیا
کیست تو ئی یا علی گفتم یا رسول الله البته این خواهد
شد فرمود بلی بحق پروردگارم سوگند که بر انگیخته میشود
بدبخت ترین امت من جفت پی کننده ناقه صالح و ضربه
بر سر تو خواهد زد که ریش تو از خون سرت خضاب شود پس
مردم شروع بگریه و فغان کردند و حضرت از منبر فرود آمد
ایضا از حضرت رسول منقول است بسندهای معتبر فرمود یا ایها
الناس هر که دریابد ماه رمضان پس روزه دارد روز
آن را و بایستد بنماز و عبادت قدر مقرری از شب آن را و نماز
ها را در اوقات فضیلت بجا آورد و مبادرت کند بنماز جمعه

آن دو ماه

ان و بامداد بنماز عیدان حاضر شود پس در یافته خواهد بود
ثواب شنیدن او و فایز میگردد بجایزها و بخششها ی بزرک خدا
مانند بخششهای بندکان نیست   در بیان حقیقت
روزه و انچه در ان معتبر است بدانکه روزه باز داشتن خود است
از چیزی چند که روزه را می شکند از طلوع صبح تا بر طرف شدن
سرخی از جانب مشرق بنابر مشهور یا پنهان شدن قرص افتاب
یعنی بر طرف شدن شعاع از کوهها و عمارات مرتفعه و قول اول
احوط است با نیت قربت پس باید بداند چیزها را تا نیت
تواند کرد و چون میان علما اختلاف بسیار هست در ابطا
اگر قصد کند ترک همه را از برای رضای خدا ظاهرا کافی باشد
اما ظاهر انست که متیقن باشد وجوب ترک ابطا قصد ترک
ابطا کند بعنوان وجوب و انچه خلافی باشد قصد ترک ابطا
کند احتیاطا و انچه سید عندِه مکروه باشد قصد ترک ابطا
کند استحبابا و اگر قصد ترک جمیع محرمات را ضم کند بهتر است
و اما ابطا که واجبست ترک ابطا کردن   اوّل
خوردن و اشامیدن است و چیزی که خوردن و اشامیدن
ان متعارف و معتاد باشد در ان خلافی نیست که مبطل
صوم است و موجب قضا و کفاره هر دو می شود اگر بعنوان
معتاد بخورد و اگر بغیر معتاد باشد مانند انکه در دماغ

با گوش بچکاند چیزی را و بحلق داخل شود محل خلافست در
خوردن و آشامیدن اشیا مانند سنگ و چوب و خاک و
گیاهها و آب فشرده شده از گیاههای غیر معتاد و اظهر آنست
که اگر بعنوان معتاد باشد اجتناب از آن واجبست و احوط
آنست که اگر بکند قضا و کفاره بعمل آورد (دوم) جماع کردن
در قبل زنست مطلقا خواه انزال بشود و خواه نشود و
فعل آن موجب قضا و کفاره میشود بخلاف جماع در دبر
زن هرگاه انزال شود روزه را باطل میکند و قضا و کفاره
لازم میشود و مشهور آنست که در دبر بدون انزال نیز
مبطل صوم و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل ندا
دانند و اول اقوی است (سیم) باقی ماندن بر جنابت تا
صبح و اشهر و اقوی آنست که مبطل است و موجب قضا
و کفاره است و بعضی مبطل ندانسته اند و بعضی قضا
تنها واجب دانسته اند و احوط آنست که اگر زن حایض
پاک شود پیش از صبح غسل کند و اگر نکند احوط آنست که غسل
کند بعد از صبح و آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند
و اگر جنب را غسل متعذر باشد احوط آنست که تیمم کند
و تیمم را نشکند تا صبح بشود و خواب اول بعد از جنابت
در حالی که نیت غسل کردن داشته باشد و احتمال بیدار

شدن

شدن دهد جایز است مشهور آنست که اگر تا صبح بیدار
نشود قضاء آن روز را بر او واجب نیست و بعضی واجب
دانسته اند و آن احوط است و مشهور آنست که اگر
بخوابد تا صبح و نیت غسل نداشته باشد بر او قضا و
کفاره لازمست و این احوط است اگرچه در دلیلش سخن
هست و مشهور در خواب دویم وجوب قضا است و این
قول قویست بلکه خلافی در آن ظاهر نیست و جمعی
از اصحاب را اعتقاد آنست که در خواب سیم جنب هرگاه
بصبح رسد قضا و کفاره هر دو واجب است و اقوی
عدم وجوب کفاره است و بعضی از متاخرین را اعتقاد
آنست که خواب بعد از بیدار شدن از احتلام حکم خواب
دویم دارد چنانچه والد مرحوم فقیر اختیار نموده و این
و این احوط است بلکه خالی از قوتی نیست و بدانکه
روزهای دیگر غیر ماه مبارک رمضان نیز خلافست
که آیا باید صبح را پاک دریابد یا نه و حق این است که
در قضای ماه رمضان باید صبح جنب نباشد و در غیر
قضا احوط انست که اگر صبح طاهر نباشد و واجب معین
نباشد آن روز را روزه ندارد و قضا نیز نکند و اما اگر
عمدا کرده باشد دور نیست که کفاره در کار نباشد

واگر بعد هذا احوط است و در روزهٔ سنت اگر بر جنابت
عمداً بماند تا صبح و پیش از زوال غسل کند و نیت روزه
کند بگمان فقیر روزه اش صحیح است و در واجب معین اگر
عمداً نیت را ترک کند و پیش از زوال نیت کند مشهور
اینست که روزه اش باطل است و قضا میکند و کفاره واجب
نمیشود و اگر از روی فراموشی نیت را ترک کند تا زوال
نیت میتواند کرد اگرچه قضای ماه رمضان باشد و در
روزهٔ سنت خلافی نیست که اگر در شب نیت نکرده
باشد و مفطری بعمل نیاورده باشد تا اول زوال نیت
میتواند کرد و بعد از زوال خلافست و بعضی گفته اند
تا نزدیک شام نیت میتواند کرد و جمعی از محققین علما
باین قایلند و نزد حقیر اقوی است و بعضی گفته اند که
اگر پیش از زوال نیت کند ثواب روزهٔ تمام دارد و اگر بعد از
زوال نیت کند ثواب روزه بعد از نیت تا شام را می یابد
چهارم
رسانیدن غبار غلیظ است بحلق و بعضی این را موجب
قضا و کفاره است و بعضی قضا تنها و بگمان فقیر مبطل
نیست و احوط این است و رعایت مشهور است و بعضی
از متاخرین ملحق ساخته اند بغبار غلیظ دود غلیظ و بخار
غلیظ را که از آن اجزا منفصل شود چون دود تنور و

بخار

بکار دیگر و اظهر عدم بطلانست و احوط اجتنابست حتی
پنجم از دود تنباکو   استمناست یعنی طلب نزول منی کردن
با حصول آن و موجب قضا و کفاره است و بعضی در این تامل
نموده اند خصوصا وقتی با حلال خود باشد و عادت او انزال
نباشد و احوط بلکه اقوی وجوب قضا و کفاره است مطلقا
و در نظر کردن بزن حلال یا حرام یا صدای او را شنیدن
یا بخیال خود در آوردن هر گاه باعث آمدن منی شود و قصد
انزال نداشته باشد و یا آن معتاد نباشد خلافست و
ششم اظهر عدم وجوب قضا و کفاره است   قی کردن است
عمدا و اکثر موجب قضاء تنها میدانند و بعضی قضا و کفاره
را هر دو واجب میدانند و بعضی هیچ یک را واجب نمی
دانند و مسئله مشکل است و وجوب قضاء تنها خالی
از قوتی نیست و مشهور است که هر گاه قی بی اختیار آید
بر او قضائی نیست و بعضی قضا را واجب دانسته اند
هفتم و این قول ضعیف است   حقنه است و بعضی موجب
قضا و کفاره هر دو دانسته اند و بعضی موجب قضا و کفاره
هر دو دانسته اند و بعضی موجب قضا تنها و بعضی حرام
دانسته اند و موجب هیچ یک ندانسته اند و بعضی حقنه
مایع را موجب قضا دانسته اند و حقنه جامد را مانند

شباف مکروه دانسته اند و بعضی مطلقا مکروه دانسته
اند و بعضی مطلقا مکروه ندانسته اند و این قول اقوی است
و احوط آنست که بدون ضرورت حقنه بمایع نکند و اگر
بکند قضا بکند و اشهر و اقوی آنست که چکانیدن در گوش
موجب فساد صوم نمی شود و سعوط در بینی هرگاه تعدی
بحلق نکند ایضا اقوی آنست که جایز است و بعضی موجب
قضا و کفاره دانسته اند و اگر بحلق رسد احوط اجتناب است

دروغ گفتن بر خدا و رسول صلعم و ائمه هدی است — تنبیه

یا آنکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله خلاف واقع
بگوید بلکه کسیکه اهلیت مسئله گفتن نداشته باشد
مسئله بگوید در حرمت آن شکی نیست و بعضی دروغ
موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی میگویند که موجب
فساد صوم نمی شود و خالی از قوتی نیست و احوط آنست
که اگر بکند قضا و کفاره هر دو بدهد

سر فرو بردن — تنبیه

در آبست و جمعی آنرا موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی
موجب قضاء تنها میدانند و بعضی آنرا حرام میدانند
و موجب هیچ یک نمی دانند و بعضی مکروه می دانند و اظهر
حرمتست و عدم وجوب قضا و کفاره و بعضی گفته اند
که اگر سر را با آب فرو برد تا گردن و بدن بیرون آب باشد

باز حکم او تماسی دارد و این احوط است و بعضی گفته که
فرو بردن مانند سر با دفعهٔ هر چند ثابت و بیرون
باشد باز حکم ارتماس دارد و این احوط است و احوط
انست که در روزهٔ سنت نیز سر باب فرو نبرد و بعضی
بجو بن کرده اند و احوط ترک است بلغم که از سینه
بر اید یا از دماغ فرود اید در فرو بردن او علما را سه
قولست اول جواز ابتلاع انچه بیرون میاید از سینه
ما دام که از دهن منفصل نشود و عدم جواز ان قسم دیگر
جواز ابتلاع هر دو قسم ما دام که بدهن نرسد و
بحرم ابتلاع هر دو هر گاه بدهن برسد جواز کشیدن
از سینه و سر و جواز فرو بردن ما دام که از دهن جدا
نشود جمعی که حکم بفساد کرده اند و بعضی بقضا تنها
قایل شده اند و بعضی بکفاره نیز واجب می دانند
بعضی بکفارهٔ جمع قایل شده اند و گمان فقیر انستکه
هیچیک لازم نمی شود اما احتیاط انست که بعد از انکه
بفضای دهن بیاید فرو نبرد مشهور میان علما
انست که زن روزه دار میان اب ننشیند و بعضی گفته
اند که هر گاه تا کمر در اب بنشیند قضا بر او لازم است
و بعضی کفاره را نیز لازم دانسته اند و اول اظهر است

مسئله

[illegible]

در خاییدن قندران ومصطکی که اثرش باو نرود بعضی
حرام دانسته اند وبعضی موجب قضا دانسته اند و
اظهر جواز است ومشهور میان علماء آنست که اگر که
گمان داشته باشد که شب باقیست بلکه اگر شك
هم داشته باشد جایز است خوردن واشامیدن
تا صبح مشخص شود واگر معلوم شود که صبح بوده است
انوقت که خورده یا اشامیده اگر ملاحظه نکرده باشد
خورده باشد قضا واجبست وکفاره واجب نیست
اگر کسی مضمضه کند جهة وضوی نماز واجب وآب بی
اختیار بحلق فرو رود قضا براو واجب نیست واگر بهر
نماز نافله باشد بعضی گفته که قضا براو واجبست
واگر عبث مضمضه کرده باشد وآب بحلقش رود جمعی
قضا را واجب دانسته اند واین احوط است واظهر
عدم وجوبست مطلقا در روایتی وارد شده است
که بعد از مضمضه سه مرتبه آب دهان را بیندازد و
این احوط است   در سنتها وآداب روزه
است مکروه است روزه دار را بوسیدن زنان ودست
بمیان ایشان مالیدن ودست بازی کردن با ایشان و
اقرب انست که کراهت مخصوص بصورتیست که انها

محرا

محرک شهوة او باشد وخوف وقوع در جماع داشته باشد ومکروهست بچشم کشیدن چیزی که اثر طعمی باشد که بحلق رسد یا در آن مشکی باشد ومشهور رکتاهیت بیرون آوردن خون نیست از بدن که باعث ضعف شود در حجامت احتیاط بیشتر باید کرد وهمچنین داخل شدن حمام که مضعف باشد ومکروهست بوئیدن گلها خصوصا نرگس وبهتر آنست که مشک را نبوید وسایر بوهای خوش مکروه نیست بلکه سنت است واز حضرت صادق منقولست که طیب تحفه صایم است وفرمود که هر روزه داری که در اول روز خود را خوشبو کند عقلش زایل نگردد واشهر واقوی آنست که بوئیدن رایحه غلیظ مفطر نیست وبعضی گفته اند که بوئیدن رایحه غلیظ که بجوف رسد موجب قضا وکفاره می شود واحوط آن است که بوی خوش شاید که بدماغ بالا رود نبوید چنانچه در روایتی وارد شده است ومکروهست که جامه که ملاصق بدنست ترکند ومکروهست زن صایمه را که در آب نشیند چنانچه گذشت واز حضرت صادق ع منقولست که هرگاه روزه داری میباید روزه باشد گوش تو وچشم تو وموی تو وپوست تو وجمیع اعضای

تو یعنی از محرمات بلکه از مکروهات اجتناب کند و فرمود
که باید که روز روزهٔ تو مانند روز افطار تو نباشد و
ایضا از آنحضرت منقولست که فرمود روزه نه همین از خوردن
و آشامیدنست تنها بلکه باید که در روز روزه نگاه دارید
زبان خود را از دروغ و بپوشانید دیدهای خود را از حرام
و با یکدیگر نزاع مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و جدال
مکنید و سوگند دروغ مخورید بلکه سوگند راست نیز و
دشنام مدهید و فحش مگوئید و ستم مکنید و بیخبری مکنید
و دلتنگ مشوید و غافل مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش
باشد از آنچه نباید گفت و صبر کنید و راستگو باشید و دور
کنید از اهل شر و اجتناب کنید از گفتار بد و دروغ و لعن
و خصومت کردن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن
چینی کردن و خود را مشرف بر آخرت دانستن و منتظر
ظهور قائم آل محمد باشد و آرزومند ثوابهای آخرت باشید
و توشهٔ اعمال صالحه را برای سفر آخرت بردارید و بوسیما
باد با آرام دل و آرام تن و خضوع و خشوع و شکستگی
و مذلت مانند بندهٔ که از آقای خود بترسد و ترسان
باشید از عذاب خدا و امیدوار باشید رحمت او را و باید
که باشد ای روزه دار دل تو از عیبها و باطن تو از حیلها

و مکرها

ومکروها و پاکیزه باشد بدن تو از گناهها و بیزاری بجوئی بسوی
خدا از آنچه غیر اوست و در روزه ولایت خود را خالص کردانی
از برای او و خاموش باشی از آنچه حقتعالی ترا از آن نهی کرده در
آشکار و پنهان و بترسی از خداوند قهار و آنچه سزاوار ترسیدن
اوست در پنهان و آشکار و ببخشی روح و بدن خود را بخدای
عز وجل در ایام روزه خود و فارغ کردانی دل خود را از برای
محبت او و یاد او و بدن خود را بکار فرمائی در آنچه خدا
امر کرده است بآن و خوانده است بسوی آن اکر همه اینها
را بعمل آوری آنچه سزاوار روزه داشتن است بعمل آورده
خدا را طاعت کرده و آنچه کم کنی از اینها که بیان کردم از برای
تو بقدر آن از روزه تو کم میشود از فضل آن و ثواب آن
بدرستی که پدرم کفت رسول خدا شنید که زنی در روزه
جاریه خود را دشنام داد آنحضرت طعامی طلبید و آن زن را
کفت بخور زن کفت من روزه ام آنحضرت فرمود چکونه روزه
که جاریه خود را دشنام دادی روزه از خوردن و آشامیدن
تنها نیست بدرستی که حقتعالی روزه را حجابی کردانیده
است از سایر امور قبیحه از کردار بد و کفتار بد چه بسیار
کمند روزه داران و بسیارند کرسنکی کشندکان و حضرت
امیر المؤمنین ع فرمود که چه بسیار روزه داری که او را بهره

نیست از روزه بغیر تشنگی و گرسنگی و چه بسیار عبادت
کنندهٔ که نیست او را بهره از عبادت بغیر تعب ای خوشا خواب
زیرکان که بهتر از بیداری و عبادت احمقانست و خوشا
افطار کردن زیرکان که بهتر از روزه داشتن بیخردانست زیرا
که خواب مقربان چون بنیت صحیح و قلب طاهر واقع میشود
از جملهٔ عبادات ایشانست بلکه ارواح ایشان در عالم قدس
با ارواح ایشان انبیاء و خلص مؤمنان محشور میگردند و بر اسرار
برویای صادقه مطلع میگردند و راهی از راههای قرب ایشان
و افطار خردمندان چون از روی دانائیست و بوجهی که حق
تعالی خواسته افطار مینماید بهتر است از روزه های
احمقان که روزه را دستگاه خودفروشی کرده اند و بریا و عجب
ممزوج میگردانند و بشرایط صوم عمل نمیکنند **فصل چهارم**
در بیان آداب دخول ماه مبارک رمضانست سنت است
طلب هلال ماه رمضان و بعضی واجب دانسته اند و از
حضرت امام جعفر صادق منقولست که چون هلال ماه رمضان
دیدی اشاره بسوی هلال مکن و رو بقبله کن و دستها را
بسوی خدا بلند کن و خطاب کن رَبّی وَرَبُّکَ اللهُ رَبُّ العالَمین
بسوی ماه و بگو
پروردگار من و پروردگار تو حضرت پروردگار جهانیان
اَللّهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنا بِالْاَمْنِ وَالْاِیمانِ وَالسَّلامَةِ وَالْاِسْلامِ
بار خدایا طلوع نما این هلال را بر ما با ایمنی و ایمان و سلامتی و اسلام

والمسارعة

وَالْمُسٰارِعِ اِلٰی مٰا یُحِبُّ وَیَرْضٰی اَللّٰهُمَّ بٰارِکْ لَنٰا فِی شَهْرِنٰا

شتابندهٔ بسوی آنچه دوست داری تو و پسندی خداوندا برکت ده برای ما در ماه

هٰذٰا وَارْزُقْنٰا خَیْرَهُ وَعَوْنَهُ وَاصْرِفْ عَنّٰا ضَرَّهُ وَشَرَّهُ

این و روزی کن ما را نیکوئی آن و مددکاری آن و بگردان از ما بدحالی آن و بدی آن

وَبَلٰاءَهُ وَفِتْنَتَهُ وبهترین دعاها دعای صحیفه کامله

و بلای آن را و آشوب آن را

وابن عقیل رضی الله عنه این دعا را در

وقت رؤیت هلال ماه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی خَلَقَنِی وَ

مبارک رمضان ولجد اشم

سپاس مر خدای را که آفرید مرا و

خَلَقَکَ وَقَدَّرَ مَنٰازِلَکَ وَجَعَلَکَ مَوٰاقِیتَ لِلنّٰاسِ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ

آفرید ترا و تقدیر کرد منزلهای ترا و گردانید ترا نشانهای اوقات برای مردمان خدایا

عَلَیْنٰا اِهْلٰالًا مُبٰارَکًا اَللّٰهُمَّ اَدْخِلْهُ عَلَیْنٰا بِالسَّلٰامَةِ

آن را بر ما ظاهر گردان ظهوری با برکت خداوندا داخل گردان آن را بر ما با سلامتی

وَالْاِسْلٰامِ وَالْیَقِینِ وَالْاِیمٰانِ وَالْبِرِّ وَالتَّقْوٰی لِمٰا تُحِبُّ

و اسلام و یقین و ایمان و نیکی و پرهیزکاری برای آنچه دوست داری

اعمال شب اول

وَتَرْضٰی و در شب اول ماه جماع با حلال خود سنت است

و پسندی

وغسل در شب اول سنت است و از حضرت

صادق منقولست که هر که غسل کند در شب اول ماه

رمضان در نهر جاری وسی کف آب بر سر ریزد تا طهارة

مغوی باشد تا ماه رمضان آینده و در حدیث دیگر فرمود

که هر که در شب اول ماه رمضان غسل کند خارش بدن
باو نرسد در آن سال و ایضا منقولست که چون ماه رمضان
داخل میشد حضرت صادق ع فرزندان خود را وصیت میفرمود
که اهتمام کنید و سعی نمائید در این ماه در عبادت که در
این ماه روزیها قسمت میشود و اجلها و عمرها نوشته
میشود و حاجیان در این ماه مقدر میشوند و در این ماه شبی
هست بهتر از هزار ماه و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که بر شما باد در ماه رمضان باستغفار و دعا بدرستی
که دعا دفع میکند بلا را از شما و استغفار محو میکند گنا
هان شما را و زیارت حضرت امام حسین در شب اول ماه
سنتست و از حضرت صادق ع منقولست که هر که در شب اول
ماه رمضان یا شب میان یا شب آخر زیارت آنحضرت بکند
گناهان او بریزد مانند برگ از درختان از گناه بیرون آید
مانند که از مادر متولد شده است و ثواب حج و عمره خدا
باو عطا کند و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که در شب
اول ماه سوره انا فتحنا در نماز نافله بخواند در آن سال از
بلاها او محفوظ گردد و بروایتی دیگر از آنحضرت منقولست
که هر که در شب اول ماه مبارک دو رکعت نماز بجا آورد
و در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند و سؤال کند

که حق تعالی

حقتعالی او را کفایت شرور بکند خدا او را کفایت کند
از آنچه میترسد در این ماه و حفظ کند او را از آنچه میترسد
و از بیماریها و دردها و نماز را نشسته میتوان کرد و
سوره را از روی قرآن میتوان خواند و اگر در شب اول
نیت روزه تمام ماه را بکند و باز هر شب نیت کند بهتر است
و چنین نیت کند که قصد کند که فردا روزه ماه میدارم واجب قربة
الی الله و در روز اول ماه سنتست که غسل کند در آب
جاری و سی کف آب بر سر بریزد و از حضرت صادق منقولست
که چون در اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها
در تمام سال ایمن باشد و ایضا از آنحضرت منقولست که
هر که در روز اول این ماه کفی از گلاب بر سر بریزد از خواری
و پریشانی نجات یابد و اگر هر روز بکند در آن روز از زبون
بلا ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی ع منقولست
که هر که در اول هر ماه دو رکعت نماز بکند در رکعت اول
بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد بخواند و در رکعت دوم
بعد از حمد سی مرتبه انا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدق
کند بآنچه شود سلامتی آن ماه را خریده است و در روز
اول این دعا اللهم قد حضر شهر رمضان و قد افترضت
سنت خداوندا بتحقیق حاضر شد ماه رمضان و بتحقیق واجب

عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَاَنْزَلْتَ فِيْهِ الْقُرْاٰنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَ
برما روزه داشتن آن را و فرو فرستادی در آن قرآن را در حالتی که راهنمای
بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ اَللّٰهُمَّ اَعِنَّا عَلٰى صِيَامِهِ
و بینهای روشن است از راهنمائی و جدا کننده از حق از باطل خداوندا مدد کن
وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ لَنَا فِيْ يُسْرٍ مِنْكَ وَ
در آن و ابتدا برآر از ما و قبول کن از آن از ما و سالم دار آن را برای ما در توانائی و
عَافِيَةٍ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ وايضا از حضرة صادق منقولست که چون ماه
و عافیت بدرستی که تو بر همه چیز توانائی
مبارک داخل می شد حضرة اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ
رسول این دعا را میخواندند بار خدایا بتحقیق داخل شد ماه
رَمَضَانَ اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِيْ اَنْزَلْتَ
برنشان بار خدایا ای پروردگار ماه رمضان که فرو فرستادی
فِيْهِ الْقُرْاٰنَ وَجَعَلْتَهُ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ
در آن قرآن را و گردانیدی در آن حجتهای روشن از راهنمائی و جدا کننده
اَللّٰهُمَّ فَبَارِكْ لَنَا فِيْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَاَعِنَّا عَلٰى صِيَامِهِ
خداوندا پس برکت ده که تا فزون ماه رمضان و مدد ده ما را بروزه داشتن آن
وَصَلَوٰتِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وايضا بسند معتبر از حضرة صادق منقولست که
و نماز آن و بپذیر آن را از ما
هر که نزد داخل شدن ماه رمضان یعنی روز اول

بالمأثور

یا شب اوّل دو رکعت نماز کند و در رکعت اوّل بعد از
حمد سورهٔ انّا فتحنا بخواند و در رکعت دوم هر سوره که خواهد
بخواند حقتعالی جمیع بدیها را در آن سال از او بگرداند و در
حفظ خدا باشد تا سال آینده و در شب اوّل یا روز اول
دعای صحیفهٔ کامله را بخواند که بهترین دعاهاست و کلینی
و شیخ طوسی و دیگران بسند صحیح روایت کرده اند که حضرت
امام موسی کاظم فرمود که در ماه مبارک رمضان در اوّل
سال یعنی روز اوّل ماه چنانچه علما فهمیده اند این دعا
را بخوان و فرمود که هر که این دعا را از برای حقتعالی او بی
شایبهٔ اغراض فاسده و ریا بخواند در آن سال باو نرسد فتنه
و گمراهی و نه آفتی که ضرر رساند بدین او و حقتعالی او را
حفظ کند از شر آنچه در آن سال اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ
واقع می شود از بلاها منها الدعا بار خدایا بتحقیق سوال میکنم ترا بحق
بِاسْمِکَ الَّذی دانَ لَهُ کُلُّ شَیْءٍ وَبِرَحْمَتِکَ الَّتی وَسِعَتْ
نام تو آن نامی که ذلیل شده برای او هر چیزی و برحمت تو که فرا گرفت
کُلَّ شَیْءٍ وَبِعَظَمَتِکَ الَّتی تَواضَعَ لَها کُلُّ شَیْءٍ وَبِعِزَّتِکَ
هر چیزی را و بعظمت تو که فروتنی نموده برای آن هر چیزی و بعزت تو
الَّتی قَهَرَتْ کُلَّ شَیْءٍ وَبِقُوَّتِکَ الَّتی خَضَعَ لَها کُلُّ شَیْءٍ
که قهر و غلبه نموده هر چیزی را و بتوانائی تو که پستی نموده برای آن هر چیزی

دعای روز اول ماه

وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِي اَحَاطَ

و بجبروت بزرگواری تو که غلبه نموده هر چیزی را و بدانش تو که فرو گرفته است

بِكُلِّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا اَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا بَاقِي

هر چیزی را ای نور ای پاکیزه ای اول پیش از هر چیزی و ای باقی

بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي

پس از هر چیزی ای خدا ای بخشنده رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز برای

الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ

گناهانی را که تغییر میدهد نعمتها را و بیامرز برای من گناهانی که فرود می آورد عذاب

وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ

و بیامرز برای من گناهانی را که میبرد امید را و بیامرز برای من گناهانی

الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ

که زایل میکند پرده را و بیامرز برای من گناهانی را که بشتاب می آورد نیستی

وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ

و بیامرز برای من گناهانی را که در عقب دارد پشیمانی را و بیامرز برای من گناهانی که

الْعِصَمَ وَاَلْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَعَافِنِي

میدرد پرده های عصمت را و بپوشان مرا زره محکم خود که قصد کرده نشود و عافیت بخش

مِنْ شَرِّ مَا اُحَاذِرُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي

از شر آنچه میترسم در شب و روز آینده سال من

هٰذِهِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْاَرَضِينَ السَّبْعِ

این خداوندا ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای هفتگانه

وما فيهن

وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ السَّبْعِ الْمَثَانِي
و آنچه در آنهاست و آنچه در میان آنهاست و ای پروردگار عرش بزرگ و ای پروردگار هفت
وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ إِسْرَافِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَجَبْرَئِيلَ وَرَبَّ
و قرآن بزرگ و ای پروردگار اسرافیل و میکائیل و جبرئیل و پروردگار
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ أَسْأَلُكَ
محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او و بزرگ فرستادگان و آخر پیغمبران
بِكَ وَبِمَا سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ يَا عَظِيمُ أَنْتَ الَّذِي تَمُنُّ بِالْعَظِيمِ
و بحرمت تو آنچه نامیده شده ای به آن ای بزرگ تویی آنکه [illegible]
وَتَدْفَعُ كُلَّ مَحْذُورٍ وَتُعْطِي كُلَّ جَزِيلٍ وَتُضَاعِفُ مِنَ الْحَسَنَاتِ
و دفع میکنی هر ترسی را و عطا میکنی هر بخشش بزرگ را و دو چندان میکنی از نیکیها
بِالْقَلِيلِ وَبِالْكَثِيرِ وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا قَدِيرُ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ
در مقابل عمل کم بسیار و میکنی آنچه میخواهی ای توانا ای خدای بخشنده
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَلْبِسْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي
رحمت فرست بر محمد و خاندان او و بپوشان مرا در آینده سال
هٰذِهِ سِتْرَكَ وَنَضِّرْ وَجْهِي بِنُورِكَ وَأَحِبَّنِي بِمَحَبَّتِكَ وَبَلِّغْنِي
این سال پرده خود و [illegible] روی مرا [illegible] دوست [illegible] خود و برسان مرا
رِضْوَانَكَ وَشَرَفَ كَرَامَتِكَ وَجَسِيمَ عَطِيَّتِكَ وَأَعْطِنِي
[illegible] خشنودی خود و [illegible] خود و عطیه بزرگ خود و عطا کن مرا
مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ وَمِنْ خَيْرِ مَا أَنْتَ مُعْطِيهِ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ
به بهترین آنچه نزد توست و [illegible] بهترین آنکه تو عطا فرمایی آن را به یکی از آدم

وَأَلْبِسْنِي مَعَ ذٰلِكَ عَافِيَتَكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى وَيَا

و بپوشان مرا با وجود آن عافیت خود ای قرارگاه هر شکایت و ای دانا

شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَيَا دَافِعَ مَا تَشَاءُ مِنْ

دانای هر راز و ای دانای هر پنهان و ای زایل کننده آنچه خواهی

بَلِيَّةٍ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّةِ إِبْرٰهِيمَ

از بلای ای گرامی عفو ای نیکو تجاوز بمیران مرا بر ملت ابراهیم

وَفِطْرَتِهِ وَعَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسُنَّتِهِ

و دین او و بر دین محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او و طریقه او

وَعَلَى خَيْرِ الْوَفَاةِ فَتَوَفَّنِي مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ مُعَادِيًا

و بر بهترین مردن پس بمیران مرا حال آنکه دوست دارنده دوستان تو و دشمن دارم

لِأَعْدَائِكَ اللّٰهُمَّ وَجَنِّبْنِي فِي هٰذِهِ السَّنَةِ كُلَّ عَمَلٍ

مر دشمنان ترا خداوندا دور گردان مرا در این سال هر کردار

أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ وَاجْلِبْنِي إِلَى كُلِّ عَمَلٍ

یا گفتار یا فعلی که دور کند مرا از تو و بکشان مرا بسوی هر عمل

أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْكَ فِي هٰذِهِ السَّنَةِ يَا أَرْحَمَ

یا قول یا فعلی که نزدیک گرداند مرا بتو درین سال ای بخشنده‌ترین

الرَّاحِمِينَ وَامْنَعْنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ يَكُونُ مِنِّي أَخَافُ

بخشندگان و باز دار مرا از هر عمل یا قول یا فعلی که باشد از من بترسم

ضَرَرَ عَاقِبَتِهِ وَأَخَافُ مَقْتَكَ إِيَّايَ عَلَيْهِ حِذَارًا أَنْ تَصْرِفَ

ضرر عاقبت آن و بترسم دشمنی تو مرا بر آن بجهت ترس از آنکه بگردانی

وَجْهَكَ

وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي فَأَسْتَوْجِبَ بِهِ نَقْصاً مِنْ حَظِّي عِنْدَكَ

روی لطیف کرمی خود را از من پس مستوجب شوم بسبب آن کم شدن از بهره که مرا نزد تست

يَا رَؤُوفُ يَا رَحِيمُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هٰذِهِ

ای مهربان ای مهربان بار خدایا بگردان مرا در آینده سال من این سال

فِي حِفْظِكَ وَفِي جِوَارِكَ وَفِي كَنَفِكَ وَجَلِّلْنِي سِتْرَ عَافِيَتِكَ

در حفظ خود و در سایه خود و در پناه خود و بپوشان مرا پوشش عافیت خود

وَهَبْ لِي كَرَامَتَكَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلٰهَ غَيْرُكَ

و ببخش مرا بزرگی خود ارجمند است همسایه تو و بزرگ است ستودن تو و نیست معبودی بجز تو

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعاً لِصَالِحِ مَنْ مَضَى مِنْ أَوْلِيَائِكَ

… بگردان مرا پیرو نیکوکار آنکه گذشته است از دوستان تو و

وَأَلْحِقْنِي بِهِمْ وَاجْعَلْنِي مُسَلِّماً لِمَنْ قَالَ بِالصِّدْقِ عَلَيْكَ

در رسان مرا بایشان و بگردان مرا منقاد برای آنکه گوینده است براستی بر تو از

مِنْهُمْ وَأَعُوذُ بِكَ اللّٰهُمَّ أَنْ يُحِيطَ بِي خَطِيئَتِي وَظُلْمِي

ایشان و پناه میبرم بتو … از آنکه فرا گیرد مرا گناه من و ستم من

وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَاتِّبَاعِي لِهَوَايَ وَاشْتِغَالِي بِشَهَوَاتِي

و گزاف کاری من بر نفس خود و پیروی من مر خواهش خود را و مشغول شدن من بخواهشها

فَيَحُولَ ذٰلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ فَأَكُونَ

پس حایل شود آن میان من و میان رحمت تو و خشنودی تو پس گردم

مَنْسِيّاً عِنْدَكَ مُتَعَرِّضاً لِسَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ

فراموش شده نزد تو … خشم تو و عقوبت تو بار خدایا

وَوَفِّقْنِي لِكُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ

توفیق ده مرا برای هر کردار شایسته که خشنود شوی بآن از من و نزدیک گردان

زُلْفَى اللَّهُمَّ كَمَا كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

نزدیکی خداوندا چنانچه دفع کردی از پیغمبر خود محمد رحمت کند خدا بر او و بر آل او

هَوْلَ عَدُوِّهِ وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ وَكَشَفْتَ غَمَّهُ وَصَدَقْتَهُ وَعْدَكَ

ترس دشمن او را و گشودی اندوه او را و زایل کردی غم او را و راست گفتی برای

وَأَنْجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ اللَّهُمَّ فَبِذَلِكَ فَاكْفِنِي هَوْلَ

او وعده خود را و وفا کردی برای او عهد خود را پس بآن دفع کن از من ترس

هَذِهِ السَّنَةِ وَآفَاتِهَا وَأَسْقَامِهَا وَفِتْنَتِهَا وَشُرُورِهَا

این سال را و آفتهای آن را و بیماریهای آن را و فتنهٔ آن را و بدیهای آن را

وَأَحْزَانِهَا وَضِيقِ الْمَعَاشِ فِيهَا وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ

و اندوههای آن را و تنگی معاش را در آن و برسان به رحمت خود مرا به کمال

الْعَافِيَةِ بِتَمَامِ دَوَامِ النِّعَمِ عِنْدِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي

عافیت به تمامی همیشه بودن نعمت نزد من تا آخر مدت عمر من

أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ أَسَاءَ وَظَلَمَ وَاسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ

سؤال میکنم از تو مانند سؤال کسی که بد کرد و ستم نمود و اعتراف نمود

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضَى مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي حَصَرَتْهَا

و درخواست میکنم از تو آنکه بیامرزی برای من آنچه را که گذشته از گناهان آنکه فرا گرفته

حَفَظَتُكَ وَأَحْصَتْهَا كِرَامُ مَلَائِكَتِكَ عَلَيَّ وَأَنْ

فرشتگان نویسنده ...

تغفر

تَعْصِمَنِي اِلٰهِي مِنَ الذُّنُوبِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي اِلىٰ مُنْتَهىٰ

نگاه بداری مرا ای خدای من از گناهان در آنچه باقی مانده از عمر من تا آخر اجل من

اَجَلِي يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ

ای خدا ای بخشنده ای مهربان رحمت بفرست بر محمد و خانواده محمد

وَاٰتِنِي كُلَّ مَا سَئَلْتُكَ وَرَغِبْتُ اِلَيْكَ فِيهِ فَاِنَّكَ اَمَرْتَ

و عطا کن مرا هر آنچه سؤال کردم از تو و رغبت نمودم بسوی تو در آن زیرا که تحقیق

بِالدُّعَاءِ وَتَكَفَّلْتَ لِي بِالْاِجَابَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بر دعا و ضامن شدی برای من اجابت کردن دعای مرا ای بخشنده‌ترین بخشندگان

فصل پنجم در اعمال هر شب و هر روز ماه مبارک رمضان

از حضرت صادق و کاظم منقولست که بعد از هر نماز در ماه مبارک این دعا بخوانند يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ اَنْتَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ

ای بلند مرتبه ای بزرگ ای آمرزنده ای مهربان توئی پروردگار

الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَهٰذَا شَهْرٌ عَظَّمْتَهُ

بزرگ آنچنان که نیست مانند او هیچ چیز و او است شنوای بینا و این ماهیست که بزرگ کردی

وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ عَلَى الشُّهُورِ وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذِي

آنرا و گرامی داشتی آنرا و بلند کردی مرتبه آنرا و زیادتی دادی آنرا بر همه ماهها

فَرَضْتَ صِيَامَهُ عَلَيَّ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي اَنْزَلْتَ

کردی روزه داشتن آنرا بر من و آن ماه رمضان است و فرو فرستادی در او

فِيهِ الْقُرْاٰنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدىٰ وَالْفُرْقَانِ

قرآن را در حالتی که راهنما است ... و معجزه‌ها ...

اعمال هر روز و هر شب

وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ

و گردانیدی در وی شب قدر را و گردانیدی این شب را بهتر از هزار ماه

شَهْرٍ فَيَا ذَا الْمَنِّ وَلَا يُمَنُّ عَلَيْكَ مُنَّ عَلَيَّ بِفَكَاكِ رَقَبَتِي

پس ای خداوند عطا و ای آنکه منت گذاشته نشود بر تو بخشش کن بر من بخلاص گردن من

مِنَ النَّارِ وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

از آتش دوزخ و داخل کن مرا در بهشت برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

واین دعای بسیار خوبست و اقلاً شبی یک مرتبه
خواندن و بسند صحیح منقولست که هر که
در هر شب این ماه مبارک این دعا را بخواند گناه چهل
ساله او آمرزیده شود. اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي

خداوندا ای پروردگار ماه رمضان که در

أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَافْتَرَضْتَ عَلَى عِبَادِكَ فِيهِ

فرستادی در آن قرآن را و واجب ساختی بر بندگان خود در آن

الصِّيَامَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ

روزه داشتن را رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا حج خانهٔ خود

الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَاغْفِرْ لِي تِلْكَ الذُّنُوبَ

محترم در سال من این سال و در هر سال و بیامرز برای من آن گناهان

الْعِظَامَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا رَحْمٰنُ يَا عَلَّامُ وَأَيْضًا

بزرگ را زیرا که بتحقیق نمی آمرزد آن گناهان را غیر تو ای بخشنده ای بسیار دانا

هر شب

هزار مرتبه سورهٔ انّا انزلناه سنّتست خواندن و صد مرتبه
سورهٔ حم دخان اگر میسّر شود و سحور خوردن در سحر هر شب
ماه مبارك مستحبّ است و از حضرة رسول منقولست که ترك
نکند امّت من سحور خوردن را اگرچه بیکدانه خرمای زبون
باشد و ایضًا از آن حضرة منقولست که حقتعالی و ملائکه
صلوات میفرستند بر انها که استغفار میکنند در سحرها
و سحور میخورند پس سحور بخورید اگرچه بیك شربت اب باشد
و بهترین سحورها و پست و خرما و ایضًا فرمود که سحور بخورید
اگرچه بجرعهٔ ابی باشد و خدا صلوات و رحمت میفرستند
بر سحور خورندگان و از حضرة صادق منقولست که هر که
سورهٔ انّا انزلناه در وقت سحور و در وقت افطار بخواند
در ما بین اینها ثواب کسی داشته باشد که در راه
شهید شده باشد و در خون خود غلطیده باشد و گفته
اند که اگر نیّت روزه را بعد از سحور بکند بهتر است و از
اوّل شب تا اخر شب نیّت میتوان کرد و همین که میدانند
و قصد دارد که فردا روزه میگیرد و از برای خدا میگیرد
و از برای خدا میگیرد بس است امّا اداب افطار سنّت
که اوّل نماز شام را بکند و بعد از ان افطار کند مگر انکه
جمعی انتظار برند یا انکه گرسنگی یا تشنگی بر او غالب

باشد و مانع حضور قلب او باشد در نماز که در اینصورت
افطار را مقدم داشتن بهتر است و در وقت افطار
سورهٔ انا انزلناه خواندن سنت است چنانچه دانستی
و از حضرت رسول منقولست که یا عظیم یا عظیم انت
ای بزرگ ای بزرگ تو
هر که در وقت افطار بگوید
الهی لا اله لی غیرک اغفر لی الذنب العظیم
خدای مرا و غیر تو بیامرز برای من گناه بزرگ را
الا العظیم از گناهان بیرون آید مانند روزی که
مگر بزرگ
از مادر متولد شده است و از حضرت
امام حسن منقولست که هر روزه داری را در وقت
افطار دعا مستجاب است باید بسم الله الرحمن الرحیم
در لقمهٔ اول بگوید
بنام خدای بخشنده بسیار مهربان
یا واسع المغفرة اغفر لی و در حدیث دیگر از حضرت
ای فراخ بخشش بیامرز
امام موسی کاظم منقولست
اللهم لک صمت و علی رزقک افطرت و علیک
بار خدایا برای تو روزه داشتم و بر روزی تو روزه گشودم و بر تو توکل کردم
توکلت تا خدا عطا کند بتو ثواب هر کس را که در آن
کار خود را
روز روزه داشته باشد در روایت دیگر منقولست
که حضرت امیر المؤمنین در وقت افطار بدو زانو می

نشستند

نشنند وچون خون را اَللّٰهُمَّ لَکَ صُمنا وَعَلی رِزقِكَ
میکذاشتند می گفتند
بار خدایا برای تو روزه داشتیم و بر روزی تو
اَفطَرنا فَتَقَبَّلهُ مِنّا اِنَّكَ اَنتَ السَّمیعُ العَلیمُ ودر احادیث
روزه گشودیم پس بپذیر آن را از ما بدرستی که تو شنوای دانائی
معتبره وارد
شده است که حضرت رسالت پناه افطار بر خرما وابکرم
یا بر رطب در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت در وقت
افطار ابتدا بحلوا میل میفرمودند واگر نمی یافتند بنبات
یا قند یا خرما افطار میکردند واگر حاضر نبود باب نیم گرم افطار
می کردند و میفرمودند که آب نیم گرم پاک میکند معده و جگر را
میبرد صداع را و بینائی را زیاد می کند و گناهان را می شوید
ورگ و ریشه ها را ساکن میگرداند و صفراء غالب را فرو می نشاند و قطع
میکند بلغم را و اطفاء حراره میکند و صداع را برطرف می کند
وایضاً از حضرت رسول منقولست که هرکه بر خرمای حلال
افطار کند ثواب نمازش چهارصد برابر است وایضاً
از آنحضرت منقولست که افطار کردن باب گناهان دل را می
شوید و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین دوست
میداشت شیر و از حضرت امام رضا منقولست که هرکه
در وقت افطار یک گرده نان تصدق کند بر مسکینی خدا
گناهان او را بیامرزد و ثواب یک بنده آزاد کردن در

نامهٔ عمل او نوشته شود یکی از فرزندان اسمعیل و بهترین
اعمال در روزها و شبهای ماه مبارک رمضان تلاوت قرآنست
و بسیار باید خواند چون در اینماه نازل شده است و در حدیث
است که هر چیزی را بهاریست و بهار قرآن ماه رمضان است
در ماههای دیگر در هر ماهی یکختم سنتست در اینماه اگر هر روز
یکختم تواند کرد خوبست و در حدیث است که بعضی از ائمه
در اینماه چهل ختم زیاد میکردند و اگر هر ختمی ثوابش بروح
مقدس امامی از ائمه و رسول خدا و فاطمه زهراء هدیه کنند
ثوابش مضاعف میگردد و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار
باید فرستاد و استغفار بسیار باید کرد و لا اله الا الله بسیار
باید گفت و تا [illegible] شب و روز را از [illegible] باید کرد و در شبهای
طاق ماه مبارک را [illegible] سنتست خصوص [illegible] اول و یازدهم
و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و در دهه
آخر در شبهای جفت نیز غسل سنتست و در روایتی وارد
شده است که در جمیع ماه در هر شب غسل مستحبست و بسند
معتبر از حضرت صاحب الامر منقولست که شیعیان نوشتند
که در هر شب ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانند که دعای
ماه را ملائکه می شنوند و برای اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَفْتَتِحُ الثَّناءَ
صاحبش استغفار می کنند [illegible]

بمحمد

بحمدك وانت مسدد للصواب بمنّك وايقنت انك انت
بسپاس تو و تو توفیق دهی برای صواب به بخشش خود و باور کردم که بتحقیق تو
ارحم الراحمين في موضع العفو والرحمة واشد المعاقبين
تو بخشنده ترین بخشندگان در جایگاه عفو و رحمت و سخت گیرنده ترین عقوبت کنندگان
في موضع النكال والنقمة واعظم المتجبرين في موضع
در جایگاه عقوبت و عذاب و بزرگ ترین بزرگواران در جایگاه
الكبرياء والعظمة اللهم اذنت لي في دعائك ومسألتك
بزرگواری و عظمت خداوندا دستوری دادی مرا در خواندن خود و در خواستن
فاسمع يا سميع مدحتي واجب يا كريم دعوتي واقل يا غفور
بشنو ای شنونده ثنای مرا و بپذیر ای بزرگوار دعای مرا و درگذر ای آمرزنده
عثرتي فكم يا الهي من كربة قد فرّجتها وهموم قد كشفتها
از لغزش من پس چه بسیار ای خدای من از اندوه که بتحقیق گشودی آن را و غمها که بتحقیق برداشتی
وعثرة قد اقلتها ورحمة قد نشرتها وحلقة بلاء قد
و لغزشی که بتحقیق در گذشتی و رحمت که بتحقیق پهن کردی آن را و حلقه بلا که بتحقیق
فككتها الحمد لله الذي لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن
گشودی آن را سپاس مر خدای را که فرا نگرفته هیچ زنی و نه فرزندی و نیست برای
له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبّره
او هیچ انبازی در پادشاهی و نیست برای او یاوری بجهت ذلت و بزرگ یاد کن
تكبيرا الحمد لله الذي بجميع محامده كلها على جميع نعمه
یاد کردنی سپاس مر خدای را به همه ستایش های او تمام بر همه نعمتهای

كلها الحمد لله الذي لا مضاد له في ملكه ولا منازع

در همه آنها سپاس مر خدای را که نیست خلاف کننده مر او را در پادشاهی او و نه خصومت کننده

في امره الحمد لله الذي لا شريك له في خلقه ولا شبه

برای در امر او سپاس مر خدای را که نیست انبازی برای او در آفرینش او و نه مانندی برای

له في عظمته الحمد لله الفاشي في الخلق امره وحمده الظاهر

او در بزرگی او سپاس مر خدای را که منتشر است در میان خلق فرمان و سپاس او که ظاهر

بالكرم مجده الباسط بالجود يده الذي لا تنقص خزائنه

بزرگوارش بزرگواری او گشاده است به بخشش دست او آن خدای که کم نمی شود خزینهای

ولا يزيده كثرة العطاء الا جودا وكرما انه هو العزيز الوهاب

و زیاد نمی کند او را بسیاری عطا مگر بخشش و بزرگواری بدرستی که اوست غالب بخشنده

اللهم اني اسئلك قليلا من كثير مع حاجة بي اليه

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو اندکی از بسیار با احتیاج من بسوی آن احتیاج

عظيمة وغناك عنه قديم وهو عليك سهل يسير اللهم

بزرگ و بی نیازی تو از وی دیرینه است و آن نزد تو آسان است خداوندا

ان عفوك عن ذنبي وتجاوزك عن خطيئتي وصفحك

بدرستی که عفو تو از گناه و گذشتن تو از خطای من و در گذشتن تو از ظلم

عن ظلمي وسترك على قبيح عملي وحلمك عن كثير جرمي عند

از ظلم من و پوشیدن تو بر کردار زشت من و بردباری از گناه بسیار من نزد

ما كان من خطائي وعمدي اطمعني في ان اسألك

آنچه باشد از خطای من و عمد من بطمع انداخته مرا در اینکه سوال کنم از تو

مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ الَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَرَيْتَنِي

آنچه مستوجب نبودم از آن از تو آنچیزی که روزی کردی مرا از رحمت خود و نمودی مرا

مِنْ قُدْرَتِكَ وَعَرَّفْتَنِي مِنْ إِجَابَتِكَ فَصِرْتُ أَدْعُوكَ آمِنًا

از توانائی خود و شناسانیدی مرا از اجابت خود پس گردیدم که می خوانم ترا ایمنی

وَأَسْأَلُكَ مُسْتَأْنِسًا لَا خَائِفًا وَلَا وَجِلًا مُدِلًّا عَلَيْكَ

و درخواهم از تو انس دارنده نه ترسنده و نه بیمناک نازکننده بر تو

عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ وَلَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي

فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي لِعِلْمِكَ

در آنچه قصد کردم در آن بسوی تو پس اگر دیر کند از من آن بهتر باشد از جهت

بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ فَلَمْ أَرَ مَوْلًى كَرِيمًا أَصْبَرَ عَلَى عَبْدٍ لَئِيمٍ

بعاقبت کارها پس ندیدم آقای بزرگواری صبر کننده بر بنده لئیم

مِنْكَ عَلَيَّ يَا رَبِّ إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأُوَلِّي عَنْكَ وَتَتَحَبَّبُ

از تو بر من ای پروردگار من بتحقیق تو میخوانی مرا پس رو برمیگردانم از تو و دوستی میکنی

إِلَيَّ فَأَتَبَغَّضُ إِلَيْكَ وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ كَأَنَّ

بسوی من پس دشمنی میکنم بسوی تو و دوستی میکنی بسوی من پس قبول نمیکنم از تو گویا

لِيَ التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي وَالْإِحْسَانِ

مرا است منت بر تو پس بازنداشت ترا از رحم بر من و احسان

إِلَيَّ وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَارْحَمْ عَبْدَكَ

بسوی من و بخشش بر من ببخشش خود و بزرگواری خود پس رحم کن بنده

الْجَاهِلَ وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ

نادان خود را و بخشش کن بر او بزیادتی بخشش خود بدرستیکه تو بخشنده بزرگواری

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مالِكِ الْمُلْكِ مُجْرِي الْفُلْكِ مُسَخِّرِ الرِّياحِ فالِقِ
سپاس مر خدای را که خداوند پادشاهی روان کننده کشتیها را رام سازنده بادها
الْاِصْباحِ دَيّانِ الدِّينِ رَبِّ الْعالَمِينَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلى حِلْمِهِ
شکافنده سپیده دم جزا دهنده جزا پروردگار جهانیان است سپاس مر خدای را بر
بَعْدَ عِلْمِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
بردباری او بعد از علم او و سپاس مر خدای را بر عفو او پس از توانائی او و سپاس مر خدای را
عَلى طُولِ اَناتِهِ فِي غَضَبِهِ وَهُوَ قادِرٌ عَلى ما يُرِيدُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ
بر درازی مدارای او در غضب و حال آنکه او توانا است بر آنچه اراده کند سپاس مر خدای را
خالِقِ الْخَلْقِ باسِطِ الرِّزْقِ فالِقِ الْاِصْباحِ ذِي الْجَلالِ
آفریننده خلق فراخ سازنده روزی شکافنده صبح خداوند بزرگواری
وَالْاِكْرامِ وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعامِ الَّذِي بَعُدَ فَلا يُرى وَ
و گرامی داشتن بخشش و نعمت دادن آن که دور است پس دیده نشود
قَرُبَ فَشَهِدَ النَّجْوى تَبارَكَ وَتَعالى الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
نزدیک است پس آگاه است به رازی بزرگ است و برتر است و سپاس مر خدای را
لَيْسَ لَهُ مُنازِعٌ يُعادِلُهُ وَلا شَبِيهٌ يُشاكِلُهُ وَلا ظَهِيرٌ
نیست مر او را نزاع کننده که برابری کند او را و نه مانندی که همتا باشد او را و نه یاوری
يُعاضِدُهُ قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْاَعِزّاءَ وَتَواضَعَ لِعَظَمَتِهِ
که مدد کند او را قهر کرد و غلبه کرد بر عزیزان و فروتنی نموده برای بزرگواری
الْعُظَماءُ فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ ما يَشاءُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُجِيبُنِي
بزرگان پس رسید به قدرت خود به آنچه که خواهد سپاس مر خدای را که

حین

حين اناديه ويستر على كل عورة وانا اعصيه ويعظم

رسیند می دهم او را و میپوشد برای هر زشتی را و حال آنکه من نافرمانی میکنم او را و بزرگ میکند

النعمة علي فلا اجازيه فكم من موهبة هنيئة قد اعطاني

نعمت را بر من پس پاداش نمیدهم او را پس بسا از بخشش گوارا که بتحقیق بخشیده

وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة مونقة قد اراني فاثني

و بلای بزرگ ترسانیده شده بتحقیق دفع نموده از من و شکوفه بهجت آورنده بتحقیق

عليه حامدا واذكره مسبحا الحمد لله الذي لا يهتك

میکنم او را در حال آنکه ستایش کننده ام و یاد میکنم او را در حالی که تنزیه کننده ام سپاس مر خدای را

حجابه ولا يغلق بابه ولا يرد سائله ولا يخيب امله الحمد

پرده او و بسته نمیشود درگاه او و برگردانیده نمیشود خواهنده از او و نا امید نمیگردد امیدوار او

لله الذي يؤمن الخائفين وينجي الصالحين ويرفع المستضعفين

ایمن گرداننده ترسندگان را و میرهاند شایستگان را و بلند میگرداند ناتوانان را

ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف آخرين

و پست میسازد گردنکشان را و هلاک میکند پادشاهان را و جانشین میکند دیگران را

الحمد لله قاصم الجبارين مبير الظالمين مدرك الهاربين

سپاس مر خدای را در هم شکننده جباران هلاک کننده ستمکاران دریابنده گریزندگان

نكال الظالمين صريخ المستصرخين موضع حاجات

عذاب کننده ستمکاران دادرس دادخواهان جای حاجتهای

الطالبين معتمد المؤمنين الحمد لله الذي من خشيته

طلب کنندگان اعتماد شده مؤمنان سپاس مر خدای را که از ترس او

تَرْعَدُ السَّمَآءُ وَسُكَّانُهَا وَتَرْجُفُ الْاَرْضُ وَعُمَّارُهَا

مضطرب است آسمان و قرار گرفتگان او و میلرزد زمین و ساکنان آن

وَتَمُوجُ الْبِحَارُ وَمَنْ يَسْبَحُ فِي غَمَرَاتِهَا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

و آشوب میکند دریاها و اگر شناورند در گردابهای آنها سپاس مر خدای را که

هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا اللّٰهُ الْحَمْدُ

راه نموده ما را باین و نبودیم ما که راه یابیم اگر نمیفرمود راه نموده ما را خدا سپاس

لِلّٰهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يُخْلَقْ وَيَرْزُقُ وَلَمْ يُرْزَقْ وَيُطْعِمُ

مر خدای را که می آفریند و آفریده نشده و روزی میدهد و روزی داده نشده و میخوراند و

وَلَا يُطْعَمُ وَيُمِيتُ الْاَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتٰى وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ

خورانیده نشود و میمیراند زندگان را و زنده میسازد مردگان را و او زنده ایست که نمیمیرد

بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَعَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

بدست اوست همه نیکی و او بر همه چیز توانا است خداوندا رحمت فرست بر محمد بنده

وَرَسُولِكَ وَاَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَخِيَرَتِكَ

و رسول تو و امانت دارنده تو و برگزیده تو و دوست تو و اختیار کرده شده تو

مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ وَمُبَلِّغِ رِسَالَاتِكَ اَفْضَلَ وَ

از خلق و نگاه دارنده راز تو و رساننده پیغامهای تو زیادتر و

اَحْسَنَ وَاَجْمَلَ وَاَكْمَلَ وَاَزْكٰى وَاَنْمٰى وَاَطْيَبَ وَاَطْهَرَ

نیکوتر و بهتر و تمامتر و طاهرتر و افزایش کننده‌تر و پاکیزه‌تر

وَاَسْنٰى وَاَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ

و بلند پایه‌تر و بیشتر از آنچه رحمت فرستادی و برکت دادی و ترحم نمودی

وَسَلَّمْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَاَنْبِيَاۤئِكَ وَرُسُلِكَ

و درود فرستادن بر یکی از بندگان خود و پیغمبران خود و فرستادگان خود

وَصَفْوَتِكَ وَاَهْلِ الْكَرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ

و برگزیدگان خود و آنکه گرامی اند بر تو از خلق تو

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ

خداوندا رحمت بفرست بر علی پادشاه گروندگان و وصی رسول پروردگار

الْعَالَمِينَ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَاَخِي رَسُولِكَ وَحُجَّتِكَ عَلٰى

جهانیان بنده تو و دوست تو و برادر رسول تو و حجت تو بر

خَلْقِكَ وَاٰيَتِكَ الْكُبْرٰى وَالنَّبَاِ الْعَظِيمِ وَصَلِّ عَلٰى

آفریدگان تو و نشانه بزرگتری تو و خبر بزرگ و رحمت بر

الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاۤءِ الْعَالَمِينَ

همیشه راست گوی پاک فاطمه بزرگ زنان عالمیان

وَصَلِّ عَلٰى سِبْطَيِ الرَّحْمَةِ وَاِمَامَيِ الْهُدٰى الْحَسَنِ

و رحمت بفرست بر دو فرزند زاده رحمت و دو پیشوای راه راست حسن

وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَصَلِّ

و حسین دو بزرگ جوانان اهل بهشت و رحمت بفرست

عَلٰى اَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ

بر پیشوایان مسلمانان علی پسر حسین و محمد پسر علی و

جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسٰى

جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی

وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْخَلَفِ
و محمد پسر علی و علی پسر محمد و حسن پسر علی و جانشین
الْهَادِي الْمَهْدِيِّ حُجَجِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَأُمَنَائِكَ فِي
راهنمایان راه یافته حجتهای تو بر بندگان تو و امانت داران
بِلَادِكَ صَلَوٰةً كَثِيرَةً دَائِمَةً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّ
شهرهای تو رحمت بسیار پیوسته خداوندا رحمت بفرست بر
أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ وَحُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ
امر خود بر پا ایستاده امید بسته شده داد خواه انتظار برده شده و فرو گیر او را
الْمُقَرَّبِينَ وَأَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ
نزدیکان فرشتگان و مدد ده او را بروح القدس ای پروردگار جهانیان بار خدایا
اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَىٰ كِتَابِكَ وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ اسْتَخْلِفْهُ
بگردان او را خواننده بسوی کتاب تو و برپا دارنده دین تو خلیفه گردان
فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ
او را در زمین چنانچه خلیفه کردی آنان را که پیش از او بودند تمکین ده برای او دین او را
الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْناً يَعْبُدُكَ
که پسندیدی برای او بدل کن برای او پس از بیم او ایمنی را پرستد ترا
لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئاً اَللّٰهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعْزِزْ بِهِ وَانْصُرْهُ
شرک نیاورد بتو چیزی را خدایا عزیز گردان او را و غالب گردان
وَانْتَصِرْ بِهِ وَانْصُرْهُ نَصْراً عَزِيزاً وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً
و یاری کن او را یاری ارجمندی و بگشا برای او

وَاجْعَل

وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَاناً نَصِيراً اَللّٰهُمَّ اَظْهِرْ بِهِ
و بگردان برای آن نزد خود حجتی یاری کننده خداوندا ظاهر گردان بسبب

دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتّٰى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ
دین خود را و سنت پیغمبر خود را تا آنکه پنهان نگردد چیزی از حق از ترس

اَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَرْغَبُ اِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ
احدی از آفریدگان خداوندا بدرستی که ما خواهشمندیم بسوی تو در دولت گرامی

تُعِزُّ بِهَا الْاِسْلَامَ وَاَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَاَهْلَهُ
که عزیز گردانی بآن اسلام و اهل اسلام را و خوار سازی بسبب آن نفاق و اهل

وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ اِلٰى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ اِلٰى
و بگردانی ما را در آن از خوانندگان بسوی طاعت تو و کشندگان بسوی

سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ
راه خود و روزی کنی ما را بسبب آن کرامت این جهان و آن جهان

اَللّٰهُمَّ مَا عَرَّفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمِّلْنَاهُ وَمَا قَصُرْنَا عَنْهُ
خداوندا آنچه شناسانیدی ما را از حق پس بار کن ما را آن را و آنچه کوتاهی کردیم از آن

فَبَلِّغْنَاهُ اَللّٰهُمَّ الْمُمْ بِهِ شَعَثَنَا وَاشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا
پس برسان ما را بآن خداوندا فراهم آر بسبب او پراکندگی ما را و درهم آور بسبب او شکاف ما را

وَارْتُقْ بِهِ فَتْقَنَا وَكَثِّرْ بِهِ قِلَّتَنَا وَاَعْزِزْ بِهِ ذِلَّتَنَا وَاَغْنِ
و التیام ده شکست ما را و بسیار کن کمی ما را و عزیز ساز بآن خواری ما را و بی نیاز کن

بِهِ عَائِلَنَا وَاقْضِ بِهِ عَنْ مَغْرَمِنَا وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنَا
بآن عیالمند ما را و ادا کن بسبب او از جانب ما قرض ما را و تدارک کن بآن فقر ما را

وَسُدَّ بِهِ خَلَّتَنَا وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا وَبَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنَا وَ

و سد و دور کن به سبب او حاجت ما را و آسان کن به سبب او سختی ما را و سفید کن به سبب او رویهای

فُكَّ بِهِ أَسْرَنَا وَأَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنَا بِهِ مَوَاعِيدَنَا وَاسْتَجِبْ بِهِ

رفع کن به سبب او گرفتاری ما را برآور به سبب او حاجت ما را و روا کن به سبب او وعده‌های ما را و مستجاب کن

دَعْوَتَنَا وَأَعْطِنَا بِهِ سُؤْلَنَا وَبَلِّغْنَا بِهِ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

دعای ما را و عطا کن به سبب او مسئول ما را و برسان ما را به سبب او از دنیا و آخرت

آمَالَنَا وَأَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا يَا خَيْرَ الْمَسْؤُولِينَ وَأَوْسَعَ

به آرزوهای ما و عطا کن ما را بیشتر از رغبت ما ای بهترین سؤال کرده شدگان و فراخ

الْمُعْطِينَ اشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَأَذْهِبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنَا

ترین عطا کنندگان شفا ده به سبب او سینه‌های ما را و ببر به سبب او خشم دلهای ما را

وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي

و راه نمای ما را به سبب او به آنچه اختلاف کرده شده است در آن از امر حق به اذن خود به درستی که تو هدایت می‌کنی

مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَانْصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنَا

آن را که می‌خواهی به سوی راه راست و یاری ده ما را به سبب او بر دشمن خود و دشمن

إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا صَلَوَاتُكَ

ای خدای حق بپذیر دعای ما را خداوندا به درستی که ما شکایت می‌کنیم به سوی تو از نبودن پیغمبر

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ

بر او و بر آل او و غایب بودن صاحب ما و بسیاری دشمن ما و کمی شماره ما و سختی فتنه‌ها

بِنَا وَتَظَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِنَّا

بر ما و برگشتن زمانه بر ما پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و مدد کن ما را

وانجز

عَلَى ذَلِكَ

عَلیٰ ذٰلِکَ بِفَتْحٍ تُعَجِّلُهُ وَبِضُرٍّ تَکْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطانٍ

بر آن به گشایشی که شتاب آوری آن را و بگزندی که رفع نمائی آن را و بیاری که عزیز گردانی

حَقٍّ تُظْهِرُهُ وَرَحْمَةٍ مِنْکَ تُجَلِّلُناها وَعافِیَةٍ مِنْکَ

بحقی که غالب سازی او را و رحمتی از جانب خود که فرو گیری ما را بآن و عافیتی از جانب خود که

تُلْبِسُناها بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ واما دعاهای

بپوشانی ما را بآن ببخشش خود ای بخشنده ترین بخشندگان سحر بسند بسیار

وارد شده است که حضرت امام رضا فرمود که این دعائیست

که حضرت امام محمد باقر در سحرها میخواندند و میفرمودند

که اگر مردم بدانند عظمت این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت

او را هر آینه بشمشیر برای این دعا قتال کنند اگر سوگند یاد

کنم اسم اعظم خدا در این دعا هست راست گفته ام پس

چون این دعا بخوانید و از غیر اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ

اهلش پنهان دارید

بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از

بَهائِکَ بِاَبْهاهُ وَکُلُّ بَهائِکَ بَهِیٌّ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ

روشنائی تو به روشنترین آن و همه روشنیهای تو روشن است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم

بِبَهائِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ جَمالِکَ بِاَجْمَلِهِ

بروشنیهای تو بهمه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از نیکوئی تو به نیکوترین آن

وَکُلُّ جَمالِکَ جَمیلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِجَمالِکَ کُلِّهِ

و همه نیکوئی تو نیکو است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو به نیکوئی تو همه

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ مِنْ جَلالِکَ بِاَجَلِّهِ وَکُلُّ جَلالِکَ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از بزرگواری تو ببزرگوارترین آن و همه بزرگواری

جَلیلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِجَلالِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ
تو بزرگوار است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم به بزرگواری تو ببزرگواری همه خداوندا

اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ عَظَمَتِکَ بِاَعْظَمِها وَکُلُّ عَظَمَتِکَ
بدرستی که من سؤال میکنم ترا از بزرگی تو به بزرگترین آن و همه بزرگی تو

عَظیمَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ بِعَظَمَتِکَ کُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی
بزرگ است خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا به بزرگی تو بهمه بزرگی خداوندا بدرستی

اَسْئَلُکَ مِنْ نُورِکَ بِاَنْوَرِهِ وَکُلُّ نُورِکَ نَیِّرٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی
که من سؤال میکنم ترا از نور تو بروشن‌ترین آن و همه نور تو روشن است خداوندا بدرستی

اَسْئَلُکَ بِنُورِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ رَحْمَتِکَ
که من سؤال میکنم ترا بنور تو همه نوری خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از رحمت تو

بِاَوْسَعِها وَکُلُّ رَحْمَتِکَ واسِعَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ
بفراگیرنده‌ترین آن و همه رحمت تو فراگیرنده است خداوندا بدرستی که سؤال میکنم

بِرَحْمَتِکَ کُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِرَحْمَتِکَ کُلِّها اَللّٰهُمَّ
برحمت تو همه خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا برحمت تو همه خداوندا

اِنّی اَسْأَلُکَ مِنْ کَلِماتِکَ بِاَتَمِّها وَکُلُّ کَلِماتِکَ تامَّةٌ
بدرستی که من سؤال میکنم ترا از کلمه‌های تو به تمام‌ترین آنها و همه کلمات تو تمام است

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِکَلِماتِکَ کُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا به کلمه‌های تو همه آنها خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم

مِنْ کَمالِکَ

مِن كَمالِكَ بِاَكمَلِهِ وَكُلُّ كَمالِكَ كامِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ

از کمال تو بجامع ترین آن و همه کمال از تو کامل است خداوندا بدرستیکه من

بِكَمالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ مِن اَسمائِكَ بِاَكبَرِها

بتمامی تو هر کمال خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از نامهای تو به بزرگترین آنها

وَكُلُّ اَسمائِكَ كَبيرَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ بِاَسمائِكَ

و هر یک از نامهای تو بزرگ است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بنامهای تو

كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ مِن عِزَّتِكَ بِاَعَزِّها وَكُلُّ

همه آنها خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از ارجمندی تو بارجمندترین آن و هر

عِزَّتِكَ عَزيزَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها

ارجمندی تو ارجمند است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بارجمندی تو همه آن

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ مِن مَشِيَّتِكَ بِاَمضاها وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از خواهش تو بگذرنده ترین آن و هر خواهشی از تو

ماضِيَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّها

گذرنده است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بخواهش تو همه

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ مِن قُدرَتِكَ بِالقُدرَةِ الَّتِي

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از توانائی تو بآن توانائی

اسْتَطَلتَ بِها عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ وَكُلُّ قُدرَتِكَ مُستَطيلَةٌ

که دست یافتی بسبب آن بر همه چیز و هر توانائی از تو دست یابنده است

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ بِقُدرَتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بتوانائی تو همه آنها خداوندا بدرستیکه

اَسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِاَنْفَذِهِ وَكُلُّ عِلْمِكَ نافِذٌ اَللّهُمَّ

سؤال میکنم ترا از دانش تو بروانترین آن و همه دانش تو روانست خداوندا

اِنّی اَسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ

بدرستی که من سؤال میکنم ترا بعلم تو همه علمی خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از

قَوْلِكَ بِاَرْضاهُ وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِیٌّ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

گفتار تو به پسندیده ترین آن و همه گفتاری از تو پسندیده خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم

بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ مَسائِلِكَ بِاَ

از تو بگفتار تو همه آن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از سؤالهای تو بد

حَبِّها اِلَیْكَ وَكُلُّ مَسائِلِكَ حَبیبَةٌ اَللّهُمَّ اِنّی

دوست داشته ترین آنها بسوی تو و همه سؤالهای تو دوست داشته است خداوندا بدرستی

اَسْئَلُكَ بِمَسائِلِكَ كُلِّها اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ

که من سؤال میکنم ترا بسؤالهای تو همه آنها خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از

شَرَفِكَ بِاَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَریفٌ اَللّهُمَّ اِنّی

رفعت تو برفیع ترین آن و همه رفعتی از تو رفیع است خداوندا بدرستی که

اَسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ

من سؤال میکنم از تو برفعت تو همه آن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از

سُلْطانِكَ بِاَدْوَمِهِ وَكُلُّ سُلْطانِكَ دائِمٌ اَللّهُمَّ

سلطنت تو بهمیشه ترین آن و همه سلطنتی از تو همیشه است خداوندا

اِنّی اَسْئَلُكَ بِسُلْطانِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

بدرستی که من سؤال میکنم از تو بسلطنت تو همه آن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا

من جلالك

مِنْ مُلْكِكَ بِاَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فاخِرٌ اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

از ملک و شاهی تو به بزرگترین آن و همه ملک تو بزرگست خداوندا بدرستی که من سؤال کنم

بِمُلْكِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ

از تو بشاهی تو همه آن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تورا بشاهی تو همه آن

اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ عُلُوِّكَ بِاَعْلاهُ وَكُلُّ عُلُوِّكَ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از بلندی تو به بلندترین آن و همه بلندی تو

عالٍ اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِعُلُوِّكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّى

بلندست خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تورا به بلندی تو همه بلندی خداوندا بدرستی که

اَسْئَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِاَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ قَدِيمٌ اَللّهُمَّ

سؤال میکنم تورا از احسان تو به دیرینه ترین آن و همه احسان تو دیرینه است خداوندا

اِنّى اَسْئَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ

بدرستی که من سؤال میکنم تورا باحسان تو همه آن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تورا از

آياتِكَ بِاَكْرَمِها وَكُلُّ آياتِكَ كَرِيمَةٌ اَللّهُمَّ اِنّى

نشانهای تو بگرامی ترین آن و همه نشانهای تو گرامی است خداوندا بدرستی که

اَسْئَلُكَ بِآياتِكَ كُلِّها اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِما

سؤال میکنم تورا بنشانهای تو همه آنها خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تورا

اَنْتَ فِيهِ مِنَ الشَّأْنِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ

تو در آن از هر کاری و بزرگواری و سؤال میکنم تورا به هر کاری

وَحْدَهُ وَجَبَرُوتٍ وَحْدَها اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

تنها است و بزرگواری تنها است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تورا

بِما يُجيبُني حينَ اَسْئَلُكَ فَاَجِبْني يا اَللهُ پس هر حاجت که
با آنچه اجابت کنی مرا آنگاه که سؤال کنم از تو پس اجابت کن مرا ای خدا
خواهی از حق تعالی
بطلب که البته برآورده میشود و از جملهٔ ادعیهٔ مشهوره
سحر دعائیست که شیخ طوسی و دیگران از ابوحمزهٔ ثمالی
روایت کرده اند که حضرت امام زین العابدین در شبهای
ماه مبارک رمضان اکثر شب را نماز میکردند و چون سحر می
شد این دعا اِلهي لا تُؤَدِّبْني بِعُقُوبَتِكَ وَلا تَمْكُرْ بي
می خواندند خدایا ادب مکن مرا بعقوبت خود و مکر مکن با من
في حيلَتِكَ مِنْ اَيْنَ لِيَ الْخَيْرُ يا رَبِّ وَلا يُوجَدُ اِلّا مِنْ
در حیلهٔ خود از کجاست مرا نیکی ای پروردگار و یافت نمیشود مگر از نزد تو و از
لِيَ النَّجاةُ وَلا تُسْتَطاعُ اِلّا بِكَ لَا الَّذي اَحْسَنَ اسْتَغْنى
مرا رستگاری و حال آنکه مقدور نیست مگر بلطف تو نه آنکه نیکوکاری کرده بی نیاز است
عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلَا الَّذي اَساءَ وَاجْتَرَءَ عَلَيْكَ
از یاری تو و رحمت تو و نه آنکه بدی کرده و دلیری نموده بر تو
وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ يا رَبِّ انقدر
و خشنود نکرده ترا بیرون رفته از قدرت تو ای پروردگار ای
بگوید
که نفس عَرَفْتُكَ وَاَنْتَ دَلَلْتَني عَلَيْكَ وَدَعَوْتَني
قطع شود بتو شناختم ترا و تو راه نمودی مرا بر خود و خواندی مرا
اِلَيْكَ وَلَوْلا اَنْتَ لَمْ اَدْرِ ما اَنْتَ اَلْحَمْدُ لِلّهِ اَدْعُوهُ
بسوی خود و اگر نبود تو نمیشناختم که چیستی تو حمد مر خدائی را که میخوانم

فیجیبنی

فَيُجِيبُنِي وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئاً حِينَ يَدْعُونِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

پس اجابت می‌کند مرا و اگر چه بطی باشم در زمانی که بخواند مرا و سپاس مر خدا را

الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلاً حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي

که بخواهم از او پس بخشنده است مرا اگر چه بخیل باشم هنگامی که قرض خواهد از من

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أُنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي وَأَخْلُو بِهِ

و سپاس مر خدایی را که بخوانم او را هر گاه خواهم برای حاجت خود و خلوت کنم با او

حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

جائی که خواهم برای راز خود بی شفاعت کننده پس روا کند برای من حاجت مرا و سپاس مر خدایی را

الَّذِي أَدْعُوهُ وَلَا أَدْعُو غَيْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ

که می‌خوانم او را و نمی‌خوانم غیر او را و اگر می‌خواندم غیر او را نمی‌پذیرفت

يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَرْجُوهُ وَلَا أَرْجُو غَيْرَهُ وَلَوْ

برای من دعای مرا و سپاس مر خدایی را که امید دارم او را و امید ندارم غیر او را و اگر

رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي وَكَلَنِي

امید داشتم غیر او را هر آینه خلف کرده بود امید مرا و سپاس مر خدایی را که واگذاشته است

إِلَيْهِ إِلَى النَّاسِ فَيُهِينُونِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي تَحَبَّبَ

مرا به سوی خود ... و وانگذاشت مرا به سوی مردمان که خوار کنند مرا و سپاس مر خدایی را که اظهار دوستی کند

إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَأَنِّي

به سوی من و حال آنکه او بی‌نیاز است از من و سپاس مر خدایی را که بردباری می‌کند از من تا آنکه گویی

لَا ذَنْبَ لِي فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَأَحَقُّ بِحَمْدِي اللّٰهُمَّ

گناهی مرا نیست پس پروردگار من ستوده‌ترین چیزی است نزد من و سزاوارتر است به حمد من بار خدایا

إِنّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَناهِلَ

بدرستی که من می یابم راههای مطلبها را بسوی تو گشاده بود و آبخورهای امید را بسوی تو

الرَّجاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً وَالاِسْتِعانَةَ بِفَضْلِكَ

امید را بسوی تو پر آب و یاری جستن را ببخشش تو

لِمَنْ أَمَّلَكَ مُباحَةً وَأَبْوابَ الدُّعاءِ إِلَيْكَ لِلصّارِخينَ

برای آنکه امید دارد تو را حلال گردیده و درهای دعا را بسوی تو برای استغاثه کنندگان

مَفْتُوحَةً وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرّاجي بِمَوْضِعِ إِجابَةٍ وَلِلْمَلْهُوفِ

گشوده و میدانم که بتحقیق تو برای امیدواران در جای بوده اجابت و برای ستمرسیدگان

بِمَرْصَدِ إِغاثَةٍ وَأَنَّ فِي اللَّهَفِ إِلى جُودِكَ وَالرِّضا

داد خواهی در انتظارگاه فریادرسی و آنکه بتحقیق در استغاثه بسوی بخشش تو و خوشنودی

بِقَضائِكَ عِوَضاً مِنْ مَنْعِ الْباخِلينَ وَمَنْدُوحَةً عَمّا

بحکم تو هست عوض از منع بخیلان و وسعت و بی نیازی از آنچه

فِي أَيْدِي الْمُسْتَأْثِرينَ وَأَنَّ الرّاحِلَ إِلَيْكَ قَريبُ الْمَسافَةِ وَأَنَّكَ

در دستهای آنانکه منفرد شده اند و آنکه بتحقیق کوچ کننده بسوی تو نزدیک است

لا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلاّ أَنْ تَحْجُبَهُمُ الآمالُ دُونَكَ

تو پنهان نیستی از خلق خود مگر آنکه حاجب شود ایشان را آرزوهای پس از رسیدن بتو و بتحقیق

وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلِبَتي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحاجَتي

که آهنگ کرده ام بسوی تو بخواهش خود و رو آورده ام بسوی تو در حاجت خود

وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغاثَتي وَبِدُعائِكَ تَوَسُّلي مِنْ غَيْرِ

و گردانیده ام بتو دادخواهی خود را و بدعای تو دست آویز خود را

استحقاق

اِسْتِحْقاقٍ لِاِسْتِماعِكَ مِنّي وَلَا اسْتيجابٍ لِعَفْوِكَ عَنّي

سزاوار باشم شنیدن تورا از من و نه از مستوجب باشم مر گذشتن تورا از من

بَلْ لِثِقَتي بِكَرَمِكَ وَسُكُوني اِلى صِدْقِ وَعْدِكَ وَ

بلکه بجهة اعتماد من بر بزرگواری تو و آرام گرفتن من بسوی راستی وعده تو و

لَجائي اِلَى الْاِيمانِ بِتَوْحيدِكَ وَيَقيني بِمَعْرِفَتِكَ مِنّي

پناه آوردن من بسوی تصدیق بیگانگی تو و جزم داشتن من بشناختن تورا

اَنْ لا رَبَّ لي غَيْرُكَ وَلا اِلهَ اِلّا اَنْتَ وَحْدَكَ

اینکه نیست پروردگاری برای غیر تو و نیست سزاوار پرستش مگر تو در حالتیکه تنهائی که

لا شَريكَ لَكَ اَللّهُمَّ اَنْتَ الْقائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَ

نیست شریکی برای تو خداوندا تو گوینده و گفتار تو درست و

وَعْدُكَ صِدْقٌ وَاسْئَلُوا اللهَ مِنْ فَضْلِهِ اِنَّ اللهَ

وعده تو درست است که سؤال کنید خدای را از بخشش او بدرستیکه خدا هست

كانَ بِكُمْ رَحيماً وَلَيْسَ مِنْ صِفاتِكَ يا سَيِّدي اَنْ تَاْ

بشما مهربان و نیست از خصلتهای تو ای بزرگ من اینکه امر کنی

مُرَ بِالسُّؤالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَاَنْتَ الْمَنّانُ بِالْعَطايا

بسؤال و باز داری بخشش را و توئی احسان کننده به بخششها

عَلى اَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنِ رَأْفَتِكَ

بر اهل مملکت خود و مهربانی کننده بر ایشان بزیادتی مهربانی

اِلهي رَبَّيْتَني في نِعَمِكَ وَاِحْسانِكَ صَغيراً وَنَوَّهْتَ

خدای من پروردی مرا در نعمتهای خود و احسان در حالتیکه خورد بودم و بلند نمودی

يا سيّدي كبيراً فيا من ربّاني في الدنيا باحسانه وتفضّله

نام مرا در حال بزرگی ای آنکه پرورد مرا در دنیا به نیکوئی خود و بخشش خود

ونعمه واشار لي في الآخرة الى عفوه وكرمه معرفتي

و نعمتهای خود و اشاره کرد مرا در آخرت بسوی در گذشتن خود و بزرگواری خود شناختن من

يا مولاي دليلي عليك وحبّي لك شفيعي اليك و

ای آقای من دلالت کرد مرا بتو دوستی من تو را شفاعت کننده من است بسوی تو

انا واثق من دليلي بدلالتك وساكن من شفيعي الى

و من اعتماد دارم از دلیل بدلالت تو و ساکن دارم از شفیع خود بسوی

شفاعتك ادعوك يا سيّدي بلسان قد اخرسه

شفاعت تو میخوانم تو را ای بزرگ من بزبانی بتحقیق گنگ نموده او را

ذنبه ربّ اناجيك بقلب قد اوبقه جرمه

گناه او پروردگار من راز میگویم تو را بدلی بتحقیق هلاک کرده او را جنایت او

ادعوك يا ربّ راهباً راغباً راجياً خائفاً اذا رأيت

میخوانم تو را ای پروردگار بیمناک خواهشمند امیدوار ترسان هرگاه ببینم

مولاي ذنوبي فزعت واذا رأيت كرمك

ای آقای من گناهان خود را ترسان میشوم و هرگاه ببینم بزرگواری تو را

طمعت فان عفوت فخير راحم وان عذّبت

امیدوار میشوم پس اگر در گذری پس بهترین بخشندگانی و اگر عذاب کنی

فغير ظالم حجّتي يا الله في جرأتي على مسألتك مع

پس نیستی ستمکار ای حجت من ای خدا در دلیری من بر سؤال کردن از تو با

اتيانی

اَنْبَأَنِی مَا تَكَرَّهُ جُودُكَ وَكَرَمُكَ وَعَدَّتِی فِی شِدَّتِی مَعَ

ایشان نمودن من بانچه خوش داری تو بخشش تو و بزرگواری تست و ذخیره من در حال

فَلِلّٰهِ حَیَائِی رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ وَقَدْ رَجَوْتُ اَنْ لَا تَخِیبَ

کی سست شدم من مهربانی تو و رحمت تو رست و بتحقیق امید دارم که نا امید نسازی

بَیْنَ ذَیْنِ وَذَیْنِ مُنْیَتِی فَحَقِّقْ رَجَائِی وَاسْمَعْ دُعَائِی یَا

میانه آن چیز و این چیز آرزوی مرا پس ثابت دار امید مرا و بپذیر دعای مرا

خَیْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَاَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ عَظُمَ یَا سَیِّدِی

ای بهترین کسی که خوانده است او را خواننده و بهترین کسی که امید داشته او را امید داری بزرگ

اَمَلِی وَسَاءَ عَمَلِی فَاَعْطِنِی مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ اَمَلِی وَ

آرزوی من و بدست کردار من پس عطا کن مرا از بخشش خود به اندازه آرزوی من و

لَا تُؤَاخِذْنِی بِاَسْوَءِ عَمَلِی فَاِنَّ كَرَمَكَ یَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ

و مواخذه مکن مرا به بدترین کردار من زیرا که بتحقیق بزرگواری تو بزرگوارتر است از جزا دادن

الْمُذْنِبِیْنَ وَحِلْمَكَ یَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاتِ الْمُقَصِّرِیْنَ وَ

گناهکاران و بردباری تو بزرگست از پاداش دادن تقصیر کنندگان و

اَنَا یَا سَیِّدِی عَائِذٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ اِلَیْكَ

من ای آقای من پناه برنده رحمت تو و بیمناک از تو گریزان تو خواهانم

مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ اَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا

روا کردن آنچه را که وعده فرمودی از درگذشتن از آن کسی که نیکو گمان است

وَمَا اَنَا یَا رَبِّ وَمَا خَطَرِی هَبْنِی بِفَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ

و چیستم من ای پروردگار من و چیست قدر من ببخش مرا ببخشش خود و

عَلَيَّ بِعَفْوِكَ اَيْ رَبِّ جَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ وَاعْفُ عَنْ تَوْبِيخِي

بر در گذشتن ای پروردگار من مرا بپوشان بپوشش از خود و در گذر از سرزنش

بِكَرَمِ وَجْهِكَ فَلَوِ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرُكَ مَا فَعَلْتُهُ

به بزرگواری ذات تو پس اگر آگاه میشد در آن روز بر گناه من غیر تو میکردم آن را

وَلَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَاَجْتَنَبْتُهُ لَا لِاَنَّكَ اَهْوَنُ

و اگر می ترسیدم شتاب یافتن عقوبت را هر آینه دوری میکردم از گناه از جهت آنکه تو خوارترین

النَّاظِرِينَ اِلَيَّ وَاَخَفُّ الْمُطَّلِعِينَ عَلَيَّ بَلْ لِاَنَّكَ يَا رَبِّ

نگرندگانی بسوی من و سبکترین اطلاع دارندگانی بر من نه بلکه بجهت آنکه بتحقیق تو ای

خَيْرُ السَّاتِرِينَ وَاَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ وَاَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ

بهترین پوشندگانی و محکم‌ترین حکم کنندگانی و بزرگوارترین بزرگوارانی

سَتَّارُ الْعُيُوبِ غَفَّارُ الذُّنُوبِ عَلَّامُ الْغُيُوبِ تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ

بسیار پوشنده عیبهائی بسیار آمرزنده گناهانی بسیار دانائی بنهانهائی میپوشانی

وَتُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ

و باز پس میداری عقوبت را ببردباری خود پس مر تراست ستایش بر بردباری تو بعد از

عِلْمِكَ وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَيَحْمِلُنِي وَيُجَرِّئُنِي

علم تو و بر در گذشتن تو پس از توانائی تو و میدارد مرا و دلیر میکند مرا

عَلَى مَعْصِيَتِكَ حِلْمُكَ عَنِّي وَيَدْعُونِي اِلَى قِلَّةِ الْحَيَاءِ

بر نافرمانی تو بردباری تو از من و میخواند مرا بسوی کمی شرم

سِتْرُكَ عَلَيَّ وَيُسْرِعُنِي اِلَى التَّوْبَةِ عَلَى مَحَارِمِكَ

پوشیدن تو بر من و شتاب میآورد مرا بسوی دست یافتن بر آن چیزی

معرفتي

مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَعَظِيمِ عَفْوِكَ

توشناختن من ای آقای من فراخی بخشش تو را و در گذشتن بزرگ تو را

يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ يَا قَابِلَ

ای بردبار ای بزرگوار ای زنده ای پاینده ای آمرزنده گناه ای پذیرنده

التَّوْبِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ أَيْنَ سَتْرُكَ

توبه ای بزرگ بخشش ای دیرینه احسان کجاست پوشیدن

الْجَمِيلُ أَيْنَ عَفْوُكَ الْجَلِيلُ أَيْنَ فَرَجُكَ الْقَرِيبُ

نیکوی کجاست در گذشتن بزرگ تو کجاست گشایش نزدیک تو

أَيْنَ غِيَاثُكَ السَّرِيعُ أَيْنَ رَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ أَيْنَ

کجاست فریادرسی شتابان تو کجاست رحمت فراگیرنده تو کجاست

عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةُ أَيْنَ مَوَاهِبُكَ الْهَنِيئَةُ أَيْنَ

بخششهای تو کجاست بخششهای گوارای تو کجاست کرامتهای

صَنَائِعُكَ السَّنِيَّةُ أَيْنَ فَضْلُكَ الْعَظِيمُ أَيْنَ مَنُّكَ

بلند پایه تو کجاست بخشش بزرگ تو کجاست عطای

الْجَسِيمُ أَيْنَ إِحْسَانُكَ الْقَدِيمُ أَيْنَ كَرَمُكَ يَا كَرِيمُ بِهِ

بزرگ تو کجاست احسان دیرینه تو کجاست بزرگواری تو ای بزرگوار با

وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَنْقِذْنِي وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي

و بحرمت محمد و آل محمد پس رهان مرا و برحمت خود رهایی بخش

يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي

ای احسان نماینده ای نیکو کردار ای نعمت دهنده ای بخشنده نیستم من

النّجاة من عقابك على أعمالنا بل بفضلك علينا

در رستگاری را از عقاب تو بر کردارهای خود بلکه ببخشش تو بر ما

لأنك أهل التقوى وأهل المغفرة تبدي با

زیرا که بحقیقت تو اهل پرهیزکاری و اهل آمرزش چنین نیکوی ابتدا

لإحسان نعما وتعفو عن الذنب كرما فما ندري ما

بخشیدن نعمتها و درگذری از گناه از راه بزرگواری پس نمیدانیم که چه را

نشكر أجميل ما تنشر أم قبيح ما تستر أم عظيم

شکر کنیم آیا بخشش نیکو را که پهن کنی یا بدی زشتی را که میپوشی یا عطای بزرگ

ما أبليت وأوليت أم كثير ما منه نجيت وعا

و عطا فرمودی و بخشش نمودی یا بلاهای بسیار را که از آن رهاندی و عافیت دادی

فيت يا حبيب من تحبب إليك ويا قرة عين من لاذ بك

ای دوست دار آنکه دوستی کند بسوی تو و ای روشنی دیده که پناه برد بتو

وانقطع إليك أنت المحسن ونحن المسيئون فتجا

و ببرید بسوی تو تو نیکوکاری و ماییم بدکردار پس درگذر ای

وز يا رب عن قبيح ما عندنا بجميل ما عندك وأي جهل

پروردگار از زشت آنچه نزد ماست به نیکوی آنچه نزد تست و کدام نادانیست

يا رب لا يسعه جودك وأي زمان أطول من

ای پروردگار که فرا نگیرد آن را بخشش تو و کدام زمان است درازتر از

أناتك وما قدر أعمالنا في جنب نعمك وكيف

زمان مدارای تو و چیست قدر کردارهای ما در جنب نعمتهای تو و چگونه

نستكثر

تَسْتَكْثِرُ أَعْمالاً أُقابِلُ بِها كَرَمَكَ بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى

بسیار می‌شماری کردارهای ما را که مقابل می‌کنیم با آن بزرگواری تو را بلکه چگونه تنگ می‌گردد

الْمُذْنِبِينَ ما وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ

بر گناهکاران آنچه فرا گرفته است ایشان را از بخشش تو ای فراخ آمرزش

يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ فَوَعِزَّتِكَ يا سَيِّدِي لَوِ

ای گشاینده دستها به بخشش پس قسم به عزت تو ای آقای من اگر

انْتَهَرْتَنِي ما بَرِحْتُ مِنْ بابِكَ وَلا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ

منع کنی مرا دور نمی‌شوم از در تو و باز نمی‌ایستم از تملق تو

لِما انْتَهَى إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَأَنْتَ

به جهت آنچه رسیده به من از شناختن بخشش تو و بزرگواری تو و تویی

الْفاعِلُ لِما تَشاءُ تُعَذِّبُ مَنْ تَشاءُ بِما تَشاءُ كَيْفَ

کننده آنچه را می‌خواهی عذاب می‌کنی هر که را می‌خواهی بانچه می‌خواهی به هر نحو که

تَشاءُ وَتَرْحَمُ مَنْ تَشاءُ بِما تَشاءُ وَكَيْفَ تَشاءُ

خواهی و رحم می‌کنی هر که را خواهی با آنچه خواهی و هر گونه خواهی

وَلا تُسْئَلُ عَنْ فِعْلِكَ وَلا تُنازَعُ فِي مُلْكِكَ

و سؤال کرده نمی‌شوی از کار خود و منازعت کرده نمی‌شوی در پادشاهی خود

وَلا تُشارَكُ فِي أَمْرِكَ وَلا تُضادُّ فِي حُكْمِكَ وَلا

و شریک نمی‌شوی در کار خود و دشمنی کرده نمی‌شوی در حکم خود و

يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ لَكَ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ

اعتراض نمی‌کند بر تو هیچکس در تدبیر تو مر تو راست آفرینش و

تبارك الله رب العالمين يا رب هذا مقام من لا

بابرکت است خدا ای پروردگار جهانیان ای پروردگار این جایگاه کسیست

ذ بك واستجار بكرمك واحسانك ونعمك وانت

پناه گرفته بتو و زنهار خواسته به بزرگواری تو و احسان تو و نعمتهای تو و تو

الجواد الذي لا يضيق عفوك ولا ينقص فضلك

بخشنده که تنگ نمی‌شود عفو تو و کم نمی‌شود فضل تو

ولا تقل رحمتك وقد توثقنا منك بالصفح القديم

و اندک نمی‌شود رحمت تو و بتحقیق اعتماد داریم از جانب تو به درگذشتن دیرین

والفضل العظيم والرحمة الواسعة افتراك

و بخشش بزرگ و رحمت فراگیرنده آیا می‌بینی خود را

يا رب تخلف ظنوننا او تخيب آمالنا كلا يا كريم

ای پروردگار که خلف کنی گمانهای ما را یا ناامید کنی آرزوهای ما را حاشا ای کریم

فليس هذا ظننا بك ولا هذا فيك طمعنا يا رب

نیست این گمان ما بتو و نه این است در لطف تو طمع ما ای پروردگار

ان لنا فيك املا طويلا كثيرا ان لنا فيك رجاء

بدرستیکه برای ماست در لطف تو آرزوی دراز بسیار بدرستیکه برای ماست در تو امید

عظيما عصيناك ونحن نرجو ان تستر علينا و

بزرگ نافرمانی کردیم ترا و حال آنکه ما امید داریم که بپوشی بر ما

دعوناك ونحن نرجو ان تستجيب لنا فحقق رجاءنا

بخوانیم ترا و حال آنکه امید داریم که مستجاب کنی برای ما پس ثابت کن امید ما

مولنا

مولينا فقد علمنا ما نستوجب باعمالنا ولكن علمك

ای آقای ما پس بتحقیق میدانیم آنچه را که سزاواریم بسبب کردارهای خود ولیکن دانش تو

فينا وعلمك بانك لا تضرنا عنك حثنا على

درباره ما و دانستن تو بآنکه بتحقیق تو زیان نمیکند ترا از خود برانگیزانید ما را بر خواهش

الرغبة اليك وان كنا غير مستوجبين لرحمتك

بسوی تو و اگر بوده باشیم ناسزاوار بخشش ترا پس سزاوار

فانت اهل ان تجود علينا وعلى المذنبين بفضل

پس سزاواری که بخشش نمائی بر ما و بر گنهکاران بزیادتی

سعتك فامنن علينا بما انت اهله وجد علينا

وسعت پس عطا کن بر ما بآنچه تو سزاوار آنی و بخشش نما بر ما

فانا محتاجون الى نيلك يا غفار بنورك اهتدينا

زیرا که ما محتاجیم بسوی عطای تو ای بسیار آمرزنده بروشنائی تو راه یافتیم

وبفضلك استغنينا وبنعمتك اصبحنا وامسينا

و ببخشش تو بی نیاز شدیم و بنعمت تو صبح کردیم و شام کردیم

ذنوبنا بين يديك نستغفرك اللهم منها ونتوب

گناهان ما در پیش تو است طلب آمرزش میکنیم ترا خداوندا از آنها و توبه میکنیم

اليك تتحبب الينا بالنعم ونعارضك بالذنوب

بسوی تو دوستی میکنی بسوی ما بنعمتها و برابری میکنیم ترا بگناهان

خيرك الينا نازل وشرنا اليك صاعد ولم يزل

خیر تو بسوی ما نازل است و بدی ما بسوی تو بالا رونده است

وَلا يَزالُ مَلَكٌ كَريمٌ يَأتيكَ عَنّا في كُلِّ يَومٍ بِعَمَلٍ

و همواره فرشته بزرگواری می آید بسوی تو از ما در هر روز با کردار زشتی

قَبيحٍ فَلا يَمنَعُكَ ذلِكَ مِن اَن تَحوطَنا بِنِعَمِكَ

پس باز نمیدارد ترا آن از اینکه فرو گیری ما را بنعمتهای خود و بخشش نمائی

وَتَتَفَضَّلَ عَلَينا بِالآلاءِ فَسُبحانَكَ ما اَحلَمَكَ

و بخشش نمائی بر ما بنعمتهای خود پس پاکیست ترا چه بردباری تو

وَاَعظَمَكَ وَاَكرَمَكَ مُبدِئاً وَمُعيداً تَقَدَّسَت

و چه بزرگی تو و چه بزرگواری تو از حالتی که پدید آورنده و بازگرداننده

اَسماؤُكَ وَجَلَّ ثَناؤُكَ وَكَرُمَ صَنائِعُكَ وَفَعالُكَ

نامهای تو و بزرگست ستایش تو و گرامیست عطیههای تو و کارهای تو

اَنتَ اِلهي اَوسَعُ فَضلاً مِن اَن تُقايِسَني بِفِعلي

تو خدای من فراخ تری از روی بخشش از اینکه برابر کنی مرا بکردار من

وَخَطيئَتي فَالعَفوَ العَفوَ العَفوَ سَيِّدي سَيِّدي

و خطای من پس بیامرز مرا در گذر در گذر در گذر ای آقای من آقای من

سَيِّدي اَللّهُمَّ اَشغِلنا بِذِكرِكَ وَاَعِذنا مِن

آقای من بار خدایا مشغول گردان ما را بیاد خود و پناه ده ما را

سَخَطِكَ وَاَجِرنا مِن عَذابِكَ وَارزُقنا مِن مَواهِبِكَ

از غضب خود و امان ده ما را از عذاب خود و روزی گردان ما را از بخششهای خود

وَاَنعِم عَلَينا مِن فَضلِكَ وَارزُقنا حَجَّ بَيتِكَ

و بخشش نما بر ما از فضل خود و روزی گردان ما را حج خانه خود

وزیارة

وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ وَمَغْفِرَتُكَ وَ

زیارت قبر پیغمبر خود · درودهای تو · آمرزش · تو · و

رَحْمَتُكَ وَرِضْوَانُكَ عَلَيْهِ وَاَهْلِ بَيْتِهِ اِنَّكَ

رحمت تو · خشنودی تو · بر او باد · و بر خاندان او · بدرستی

قَرِيبٌ مُجِيبٌ وَارْزُقْنَا عَمَلاً بِطَاعَتِكَ وَتَوَفَّنَا

که تو نزدیکی · اجابت کننده · و روزی کن ما را عملی · کنیم بطاعت خود و بمیران ما را

مِلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ

بر دین خود · و طریقه · پیغمبر خود · رحمت فرستد · خدا بر او · و آل او

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَارْحَمْهُمَا كَمَا

خدایا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و رحمت کن ایشان را چنانچه

رَبَّيَانِي صَغِيرًا وَاجْزِهِمَا بِالْاِحْسَانِ اِحْسَانًا

تربیت کردند مرا در حالی که خرد بودیم و جزا ده ایشان را در مقابل نیکی نیکی

وَبِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ

و در مقابل بدیها آمرزش · خداوندا بیامرز گرویدگان را

وَالْمُؤْمِنَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ تَابِعْ

و زنان گرویده را · زندگان ایشان را و مردگان ایشان را · پی در پی

بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَ

میان ما و میان ایشان به نیکیها · خداوندا بیامرز زنده ما را و

مَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا ذَكَرِنَا وَاُنْثَانَا صَغِيرِنَا

مرده ما را و حاضر ما را و غایب ما را · مرد ما را · و زنان ما را · خورد ما را

وَكَبِيرِنَا وَحُرِّنَا وَمَمْلُوكِنَا كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللهِ

و بزرگ ما را آزاد ما را و بنده ما را دروغ گفتند عدول کنندگان از حق خدا

وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا وَخَسِرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا

و گمراه شدند گمراهی دور و زیان کردند زیان روشنی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَ

خدایا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و ختم کن برای من به نیکی و

اكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَا

کار گذاری کن برای من آنچه مهم گشت مرا از امر دنیای من و آخرت من و مده

تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ

برتری بر من آن را که رحم نکند مرا و بگردان بر من از جانب خود محافظتی

جُنَّةً وَاقِيَةً وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ

که باقی مانده و سلب مکن از من شایسته آنچه بخشش نمودی

بِهِ عَلَيَّ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا

بآن بر من و روزی کن مرا از فضل خود روزی فراخ

حَلَالًا طَيِّبًا اَللّٰهُمَّ احْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ وَ

حلال پاکیزه خداوندا نگهبانی کن مرا به نگهبانی خود و

احْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَاكْلَأْنِي بِكِلَائَتِكَ وَارْزُقْنِي

حفظ کن مرا بحفظ خود و نگاه دار مرا به نگاه داری خود و روزی کن مرا

حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَ

حج خانهٔ محترم خود در سال ما این سال و در هر سال و

زيارة

وزيارة قبر نبيك والائمة عليهم السلام ولا تخلني
و زیارة قبر پیغمبر تو و پیشوایان بر ایشان باد درود و خالی مگردان
يا رب من تلك المشاهد الشريفة والمواقف الكريمة
ای پروردگار من از آن مشاهد شریفه و موقفهای گرامی
اللهم تب علي حتى لا اعصيك والهمني الخير والعمل به
بار خدایا توفیق توبه ده مرا تا نافرمانی نکنم ترا و الهام کن مرا خیر و عمل بآن
وخشيتك بالليل والنهار ابدا ما ابقيتني يا رب
و ترس از خوف خود در شب و روز همیشه مادام که باقی داری مرا ای پروردگار
العالمين اللهم اني كلما قلت قد تهيأت وتعبأت
جهانیان بار خدایا هرگاه هم که بتحقیق مهیا شده و آماده گشتم
وقمت للصلوة بين يديك وناجيتك القيت علي
و ایستادم برای نماز در پیش تو و راز گفتم با تو افکندی بر من
نعاسا اذا انا صليت وسلبتني مناجاتك اذا انا
پینکی را هنگامی که نماز میکنم و برطرف کردی از من راز گفتن با تو را هنگامیکه
ناجيتك ما لي كلما قلت قد صلحت سريرتي وقرب
راز میگویم با تو چیست مرا هرگاه هم که بتحقیق نیک شد اندرون من و نزدیک
من مجالس التوابين مجلسي عرضت لي بلية ازالت قدمي
از مجلس بازگشت کنندگان مجلس من عارض شد مرا بلائیکه لغزانید قدم مرا
وحالت بيني وبين خدمتك سيدي لعلك
و حایل شد میان من و میان خدمت تو ای آقای من شاید که تو از درگاه

بابك طردتني وعن خدمتك نحّيتني او لعلك رأيتني

معرضا عنك فقليتني او لعلك وجدتني في مقام الكاذبين فرفضتني او لعلك رأيتني

در گاه خود رانده ای مرا و از خدمت خود دور کرده ای مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا

مستخفا بحقك فاقصيتني او لعلك رأيتني غير شاكر

سبک شمارنده حق تو را پس دور کرده باشی مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا ناسپاس مر

لنعمائك فحرمتني او لعلك فقدتني من مجالس العلماء

نعمت تو را پس ناامید کرده باشی مرا یا شاید که تو نیافته باشی مرا از مجالس علما

فخذلتني او لعلك رأيتني في الغافلين فمن رحمتك

پس خوار گذاشته باشی مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا در زمره غافلان پس از رحمت خود ناامید

آيستني او لعلك رأيتني آلف مجالس البطالين فبيني و

کرده باشی مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا الفت گیرنده مجالس بیکاران پس میان من

بينهم خليتني او لعلك لم تحب ان تسمع دعائي فباعدتني

و میان ایشان واگذاشته باشی مرا یا شاید که دوست نداشته باشی اینکه بشنوی دعای مرا پس دور کرده باشی

او لعلك بقلة حيائي منك جازيتني

او لعلك بجرمي وجريرتي كافيتني او لعلك فان عفوت

مرا یا شاید که تو به گناه من و خیانت من پاداش داده باشی مرا یا شاید ... پس اگر عفو کنی

يا رب فطال ما عفوت عن المذنبين لان كرمك اي

ای پروردگار من پس دراز است آنچه عفو نمودی از گناهکاران پیش از من زیرا که بتحقیق بزرگواری تو ای

رب يجل عن مجازات المذنبين وحلمك يكبر عن مكافات

پروردگار من بزرگتر است از جزا دادن گناهکاران و بردباری تو بزرگتر است از جزا دادن

المقصرين وانا عائذ بفضلك هارب منك

تقصیر کاران و من پناه برنده ام به بخشش تو گریزانم از تو

اليك

الیک منتجز ما وعدت من الصفح عمن احسن بک

بسوی تو خواهانم آنچه را که وعده دادی که آن در گذشتن است از آنکه نیکو گمان کرده بود

ظنا الهی انت اوسع فضلا واعظم حلما من ان

گمان را خدایا تو فراخ تری از روی فضل و بزرگتری از روی بردباری از آنکه

تقایسنی بعملی او تستزلنی بخطیئتی وما انا یا سیدی

مقایسه کنی مرا بعمل من یا آنکه بلغزانی مرا بگناه من و چیستم من ای آقای من

وما خطری هبنی بفضلک یا سیدی وتصدق

و چیست قدر من ببخش مرا بفضل خود ای آقای من و صدقه کن بر من

علی بعفوک وجللنی بسترک واعف عن توبیخی

به عفو خود و بپوشان مرا به پوشش از خود و در گذر از سرزنش کردن

بکرم وجهک سیدی انا الصغیر الذی ربیته

به بزرگواری ذات خود بزرگ من منم آن خردی که پروردی اورا

وانا الجاهل الذی علمته وانا الضال الذی

و منم آن نادانی که دانا کردی اورا و منم آن گمراهی که

هدیته وانا الوضیع الذی رفعته وانا الخائف

راه نمودی اورا و منم آن پستی که بلند کردی اورا و منم آن ترسان

الذی آمنته وانا الجائع الذی اشبعته

که ایمن کردی اورا و منم آن گرسنه که سیر کردی اورا

والعطشان الذی ارویته والعاری الذی

و تشنه که سیراب نمودی اورا و برهنه که

كسوته والفقير الذي اغنيته والضعيف الذي

پوشیدی اورا و بی‌نیاز کردی آن درویشی که بی‌نیاز کردی اورا و ناتوانی که

قويته والذليل الذي اعززته والسقيم الذي

توانا نمودی اورا و ذلیل و خواری که ارجمند کردی اورا و بیماری که

شفيته والسائل الذي اعطيته والمذنب الذي

شفا بخشیدی اورا و درخواست کننده که عطا فرمودی اورا و گناهکاری که

سترته والخاطئ الذي اقلته وانا القليل الذي

پوشانیدی اورا و خطاکاری که در گذشتی ازاو و منم آن کم که

كثرته والمستضعف الذي نصرته وانا الطريد الذي

بسیار کردی اورا و ضعیف شمرده که یاری داده اورا و منم آن رانده شده که

آويته انا يا رب الذي لم استحيك في الخلاء و

جای دادی اورا منم ای پروردگار آنکه شرم نکردم ترا در خلوت و نترسیدم

في الملاء انا صاحب الدواهي العظمى انا الذي

در حضور مردمان منم صاحب شداید بزرگ منم

على سيده اجترى انا الذي عصيت جبار السماء

بر آقای خود دلیری کردم آنکه نافرمانی کردم بزرگوار آسمان را

انا الذي اعطيت على معاصي الجليل الرشى

منم آنکه بخشش کردم بر گناهان بزرگ رشوه‌ها را

انا الذي حين بشرت بها خرجت اليها اسعى

منم آنکه شتافتم که مژده داده شد بآن بیرون رفتم بسوی آنها

اَنَا الَّذِي اَمْهَلْتَنِي فَمَا ارْعَوَيْتُ وَسَتَرْتَ عَلَيَّ فَمَا

منم آنکه مهلت دادی مرا پشیمان نگشتم و پوشیدی بر من پس

اسْتَحْيَيْتُ وَعَمِلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَدَّيْتُ وَاَسْقَطْتَنِي

شرم نکردم و کار کردم بگناهان پس درگذشتم از حد و افکندی مرا

مِنْ عَيْنِكَ فَمَا بَالَيْتُ فَبِحِلْمِكَ اَمْهَلْتَنِي وَبِسِتْرِكَ

از دیده خود پس باک نکردم پس به بردباری خود مهلت دادی مرا و به پرده پوشی

سَتَرْتَنِي حَتَّى كَاَنَّكَ اَغْفَلْتَنِي وَمِنْ عُقُوبَاتِ

پوشیدی مرا تا گویا تو واگذاشتی مرا و از عقوبات

الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي حَتَّى كَاَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَنِي اِلٰهِي لَمْ

گناهان دور کردی مرا تا گویا تو شرم نمودی از من الهی نافرمانی نکردم

اَعْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَاَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَاحِدٌ

فرمان نکردم ترا ... نافرمانی کردم ترا در حالتی که بوده باشم پروردگاری ترا

وَلَا بِاَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَلَا

و نه فرمان ترا سبک شمارنده و نه عقوبت ترا فرا پیش آینده و نه

لِوَعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ وَلٰكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ وَسَوَّلَتْ

وعید ترا خوار دارنده ولیکن خطائی عارض شد و آراسته است آن را

لِي نَفْسِي وَغَلَبَنِي هَوَايَ وَاَعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي

برای من نفس و غالب شد بر من خواهش من و یاری کرد مرا بر آن بدبختی من

وَغَرَّنِي سِتْرُكَ الْمُرْخَى فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَخَالَفْتُكَ

و فریفت مرا پرده تو که افکنده شده است بر من پس نافرمانی کردم ترا و مخالفت کردم

بجهدي فالان من عذابك من يستنقذني ومن ايدي
بکوشش خود پس حال از عذاب تو که می رهاند مرا و از دستهای
الخصماء غدا من يخلصني وبحبل من اتصل ان انت
دشمنان فردا که خلاصی میدهد مرا و بر ریسمان که در پیوندم اگر تو
قطعت حبلك عني فواسوأتا على ما احصى كتابك
ببری ریسمان خود را از من پس ای وای بد بر آنچه شمرده کتاب تو
من عملي الذي لولا ما ارجو من كرمك وسعة
از کردار من آن کرداری که اگر نبود آنچه امید دارم از بزرگواری تو و فراخی
رحمتك ونهيك اياي عن القنوط لقنطت عندما
بخشش تو و منع تو مرا از ناامیدی هر آینه ناامید می شدم نزد
اتذكرها يا خير من دعاه داع وافضل من رجاه
یاد آوری آنها ای بهترین کسی که خواند او را خواننده و بهترین کسی که امید دارد
راج اللهم بذمة الاسلام اتوسل اليك و
امید داری خداوندا بامان اسلام وسیله میجویم بسوی تو و
بحرمة القرآن اعتمد عليك وبحبي النبي الامي
بحرمت قرآن اعتماد میکنم بر تو و بدوست داشتن من پیغمبر
القرشي الهاشمي العربي التهامي المكي المدني ارجو
قریشی و هاشمی و عربی و تهامی و مکی و مدنی امید
الزلفة لديك فلا توحش استيناس ايماني ولا
نزدیکی را نزد تو پس وحشت مده انس گرفتن ایمان مرا و
تجعل

تجعل ثوابي ثواب من عبد سواك فإنّ قوماً آمنوا

بگردانی پاداش مرا پاداش کسی که پرستید غیر تورا زیرا که تحقیق گروهی گرویدند

بألسنتهم ليحقنوا به دماءهم فأدركوا ما أمّلوا

بزبانهای خود تا اینکه بازدارند بآن خونهای خودرا آنها که کشته شدن پس دریافتند آنچه

وإنّا آمنّا بك بألسنتنا وقلوبنا لتعفو عنّا فأدرك

وبتحقیق گرویدیم بتو بزبانهای خود ودلهای خود تا اینکه درگذری از ما پس برسان ما را

بنا ما أمّلنا وثبّت رجاءك في صدورنا ولا تزغ

بآنچه امید داریم ما وثابت دار امید از خود در دلهای ما و بر مگردان

قلوبنا بعد إذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة إنّك أنت

دلهای ما را پس از آنکه راه نمودی ما را وبخشش ما را از نزد خود بخشش بدرستیکه تو

الوهّاب فوعزّتك لو انتهرتني ما برحت من بابك

بسیار بخشنده پس قسم بعزت تو که اگر منع کنی مرا دور نمیشوم از درگاه تو

ولا كففت عن تملّقك لما أُلهم قلبي من المعرفة

وبازنمی ایستم از درخواستن از تو بجهت آنکه الهام شده در دل من از شناختن

بكرمك وسعة رحمتك إلى من يذهب العبد إلّا

بزرگواری تو وبسیاری بخشش تو بسوی که برود بنده مگر

إلى مولاه وإلى من يلتجئ المخلوق إلّا إلى خالقه

بسوی آقای خود وبسوی که پناه ببرد آفریده مگر بسوی آفریننده کار خود

إلهي لو طوّقتني بالأصفاد ومنعتني سيبك

خدای من اگر به بندی مرا غلها وباز داری از من عطای خودرا

مِنْ بَيْنِ الْاَشْهَادِ وَدَلَلْتَ عَلَى فَضَائِحِي عُيُونَ الْعِبَادِ

از میان حاضران و راه نمودی بر رسوائیهای من دیدهای بندگان را

وَاَمَرْتَ بِي اِلَى النَّارِ وَحُلْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ الْاَبْرَارِ فَمَا

و فرمان دهی مرا بسوی آتش و حایل شوی میان من و میان نیکوکاران پس

قَطَعْتُ رَجَائِي مِنْكَ وَمَا صَرَفْتُ وَجْهَ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ

نبریدم امید خود را از تو و نگردانیدم روی آرزو داشتنم مر عفو را

عَنْكَ وَلَا خَرَجَ حُبُّكَ عَنْ قَلْبِي اَنَا لَا اَنْسَى اَيَادِيَكَ

از تو و بیرون نرفته دوستی تو از دل من فراموش نمیکنم نعمتهای ترا

عِنْدِي وَسِتْرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

که نزد من است و پوشانیدن آن را بر من در سرای دنیا بزرگ من رحمت بفرست بر محمد و آل

وَاَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى

و بیرون کن دوستی دنیا را از دل من و جمع کن میان من و میان مصطفی

وَآلِهِ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

و آل او برگزیده تو از خلق تو و آخر پیغمبران محمد رحمت فرستد خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَانْقُلْنِي اِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ اِلَيْكَ وَاَعِنِّي

بر او و آل او و نقل فرما مرا بسوی مرتبه بازگشت بسوی تو و یاری کن

بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي فَقَدْ اَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْآمَا

مرا بگریستن بر نفس خود پس بتحقیق بپایان رسانیدم با طلبیدن در فردا الوقت

وَالْآمَالِ وَقَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَةَ الْآيِسِينَ مِنْ خَيْرِي فَمَنْ

عمر خود و بتحقیق فرود آمدم در جایگاه ناامیدان از خیر پس کی باشد

اسوء

أَسْوَءَ حَالاً لِأُمَّتِي إِنْ أَنَا نُقِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِهِ

بدتر حال ترا از منست اگر نقل کرده شوم بر مانند این حالم بسوی قبر بیمار استم

أَمْهِلْنِي لَوْ مَدَّنِي أَفْرِشُهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتِي وَمَا لِي

آن را برای خفتن و گسترانیدمی آن را بعمل شایسته بجهت خوابیدن خود و چیست

لَا أَبْكِي وَلَا أَدْرِي إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي وَأَرَى نَجَادَ عَيْنِي

که من گریه نکنم و حال آنکه نمیدانم بسوی چه خواهد بود بازگشت من و می بینم نقش خود را که میفرماید

وَآبَائِي تُخَاذِلُنِي وَقَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ رَأْسِي أَجْنِحَةُ الْمَوْتِ

در روزگار خود را که میو سینه مرا و بتحقیق لرزان شد نزد سر من بالهای مرگ

فَمَا لِي لَا أَبْكِي أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي أَبْكِي

پس چیست مرا که نگریم آنگاه گریم برای بیرون شدن نفس خود گریم بجهت تاریکی قبر خود

لِضِيقِ لَحْدِي أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ إِيَّايَ أَبْكِي

بجهت تنگی لحد خود گریم بجهت سوال کردن منکر و نکیر گریه

لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عُرْيَانًا ذَلِيلاً حَامِلاً ثِقْلِي عَلَى ظَهْرِي

بیرون آمدن از قبر خود برهنه خوار بردارنده بار گران بر پشت خود

مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَأُخْرَى عَنْ شِمَالِي إِذِ الْخَلَائِقُ فِي

یکبار از جانب راست خود و بار دیگر از جانب چپ خود هنگامی که آفریدگان باشند در

شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ

حالی غیر حالت من برای هر مردی از ایشان در آن روز حالیست که کافی

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ

است رویهای گروهی در آن روز نورانی خندان شاد باشند و رویهای گروهی در آن روز

عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ وَذِلَّةٌ سَيِّدِي عَلَيْكَ

برایشان است گرد غم واندوه فرا گیرد ایشان را تیرگی و خواری ای آقای من بر توست

مُعَوَّلِي وَمُعْتَمَدِي وَرَجَائِي وَتَوَكُّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلُّقِي

درویش من و اعتماد من و امید من و واگذاشتن من کار خود را و در رحمت تو است دست زدن من

تُصِيبُ بِهَا مَنْ تَشَاءُ بِرَحْمَتِكَ وَتَهْدِي بِكَرَامَتِكَ مَنْ

میرسانی برحمت خود آن را که خواهی و راه مینمائی به بزرگواری خود آن را که

تُحِبُّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَّيْتَ مِنَ الشِّرْكِ قَلْبِي وَلَكَ

دوست داری پس تراست سپاس بر آنچه پاک کردی از شرک دل مرا و مر تراست

الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي أَفَبِلِسَانِي هَذَا الْكَالِّ أَشْكُرُكَ

سپاس بر گشادن زبان من پس آیا بزبان خود این زبان کند سپاس گذارم ترا

أَمْ بِغَايَةِ جُهْدِي فِي عَمَلِي أُرْضِيكَ وَمَا قَدْرُ لِسَانِي يَا رَبِّ

یا بنهایت کوشش در کردار خود خشنود میسازم ترا و چیست اندازه زبان من ای پروردگار من

فِي جَنْبِ شُكْرِكَ وَمَا قَدْرُ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَإِحْسَانِكَ

در جنب سپاس گذاری تو و چیست قدر کردار من در پهلوی نعمتهای تو و احسان تو

إِلَهِي إِلَّا أَنَّ جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي وَشُكْرَكَ قَبِلَ عَمَلِي

بار خدایا مگر آنکه بخشش تو گشاده امید مرا و سپاس تو پذیرفته کردار مرا

سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي وَمِنْكَ رَهْبَتِي وَإِلَيْكَ

ای آقای من بسوی تو است رغبت من و از تو است ترس من و بسوی تو است

وَقَدْ سَاقَنِي إِلَيْكَ أَمَلِي وَعَلَيْكَ يَا وَاحِدِي عَكَفْتُ

و بتحقیق راند مرا بسوی تو امید من و بر تو ای یگانه من رو آوردم

همتي

هِمَّتِي وَبِمَا عِنْدَكَ انْبَسَطَتْ رَغْبَتِي وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي

همت من و در آنچه نزد توست پهن گردیده رغبت من و در تو راست خالص امید من

وَبِكَ خَوْفِي وَبِكَ أَنِسَتْ مَحَبَّتِي وَإِلَيْكَ أَلْقَيْتُ بِيَدِ

و از تو ترس من و بتو خو گرفته انس دارم دوستی من و بسوی تو افکندم دست خود را

وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي يَا مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ

و بریسمان طاعت تو کشیدم ترس خود را ای آقای من بیاد کردن تو

عَاشَ قَلْبِي وَبِمُنَاجَاتِكَ بَرَّدْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي فَيَا

زنده گردید دل من و براز گفتن تو سرد نمودم گرمی درد ترس را از خود پس ای

مَوْلَايَ وَيَا مُؤَمَّلِي وَيَا مُنْتَهَى سُؤْلِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

آقای من و ای امیدگاه من و ای منتهای خواهش من رحمت بفرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ ذَنْبِيَ الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ

و آل محمد و جدائی افکن میان من و میان گناه من که باز دارنده است از همیشگی

طَاعَتِكَ فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فِيكَ وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ

بطاعت پس جز این نیست سؤال میکنم از تو بجهت کهنه دیرینه امید در تو و رسیدن

إِلَيْكَ وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ

گرسنگی شده بودن تو و طمع داشتن بزرگ از تو آنچه را که واجب کردی آن

مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْأَمْرُ لَكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ

از مهربانی و بخشش است و فرمان مر تراست در حالتی یگانه نیست شریک و همه از

لَكَ وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ وَكُلُّ شَيْءٍ

برای تو و خلق همه ایشان عیال تو و در دست تواند و هر چیزی

خَاضِعٌ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ إِلٰهِي ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ

فروتنی کننده است ای پروردگار عالمیان خدای من رحم کن مرا هرگاه بریده شود

حُجَّتِي وَكَلَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي وَطَاشَ عِنْدَ سُؤَالِكَ

حجت من و کند شود از جواب تو زبان من و سبک شود نزد سؤال کردن تو

إِيَّايَ لُبِّي فَيَا عَظِيمَ رَجَائِي إِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي إِلَيْكَ

عقل من پس ای امید بزرگ من نا امید مکن مرا هرگاه سخت شود احتیاج من بسوی تو

وَلَا تَرُدَّنِي بِجَهْلِي وَلَا تَمْنَعْنِي لِقِلَّةِ صَبْرِي أَعْطِنِي

و بر مگردان مرا بجهت نادانی من و منع مکن مرا بجهت کم بودن شکیبایی من بخشش کن

لِفَقْرِي فَارْحَمْنِي لِضَعْفِي سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعْتَمَدِي

مرا بجهت تنگدستی من و رحم کن مرا بجهت ناتوانی من بزرگ من بر توست اعتماد

وَمُعَوَّلِي وَرَجَائِي وَتَوَكُّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلُّقِي وَبِفِنَائِكَ

و وثوق من و امید من و توکل من و در رحمت توست چسبیدن من و در ... پیشگاه

أَحُطُّ رَحْلِي وَبِجُودِكَ أَقْصِدُ طَلِبَتِي وَبِكَرَمِكَ أَيْ رَبِّ

فرود میآورم بار خود را و بجهت بخشش تو طلب میکنم حاجت خود را و به بزرگواری تو ای پروردگار

أَسْتَفْتِحُ دُعَائِي وَلَدَيْكَ أَرْجُو سَدَّ فَاقَتِي وَبِغِنَاكَ

طلب فتح میکنم دعای خود را و نزد تو امید دارم ... حاجت خود را و به بی نیازی تو

أَجْبُرُ عَيْلَتِي وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي وَإِلَىٰ جُودِكَ

درست میکنم نیازمندی خود را و در زیر سایه عفو توست ایستادن من و بسوی بخشش تو

وَكَرَمِكَ أَرْفَعُ بَصَرِي وَإِلَىٰ مَعْرُوفِكَ أُدِيمُ نَظَرِي

و بزرگواری تو ... چشم خود را و بسوی احسان تو ... نظر خود

فلا تحرقني

فلا تحرقني بالنار وانت موضع املي ولا تسكني الهاوية

پس مسوزان مرا با آتش دوزخ و تو قرارگاه امیدی و ساکن مگردان مرا در دوزخ

فانك قرة عيني يا سيدي ولا تكذب ظني باحسانك

زیرا که بتحقیق تو روشنی دیده منی ای آقای من و غلط مساز گمان مرا باحسان خود

ومعروفك فانك ثقتي ورجائي ولا تحرمني ثوابك

و نیکویی خود زیرا که بتحقیق تو معتمد و امیدگاه منی و نا امید مکن مرا از پاداش

فانك لعارف بفقري الهي ان كان قد دنا

زیرا که بتحقیق تو داننده احتیاج منی خدایا اگر بتحقیق نزدیک

اجلي ولم يقربني منك عملي فقد جعلت الاعتراف

باشد اجل من و نزدیک نگردانیده باشد مرا بتو کردار من پس بتحقیق گردانیدم اقرار

اليك بذنبي وسائل عللي الهي ان عفوت فمن

بسوی تو بگناه خود و وسیلهای عذرهای خود خدای من اگر در گذری پس کیست

اولى منك بالعفو وان عذبت فمن اعدل

سزاوارتر از تو بدر گذشتن و اگر عذاب کنی پس کیست با انصاف‌تر

منك في الحكم ارحم في هذه الدنيا غربتي وعند

از تو در حکم رحم کن در این دنیا بیکسی مرا و نزد

الموت كربتي وفي القبر وحدتي وفي اللحد وحشتي

مردن [illegible]

واذا نشرت للحساب بين يديك ذل موقفي واغفر لي ماخفي

[illegible]

عَلَى الآدَمِيِّينَ مِنْ عَمَلِي وَادِمْ لِي مَا بِهِ سَتَرْتَنِي وَ

برادرمیان. از کرده‌ای من درپوشیده دار برای من آنچه را که بآن بپوشیدی مرا

ارْحَمْنِي صَرِيعاً عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي اَيْدِي اَحِبَّتِي وَ

ورحم کن مرا در حالتی که بیفتم افتاده بر بستر که بگردانند مرا دستهای دوستان

عَلَيَّ مَمْدُوداً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُغَسِّلُنِي صَالِحُ جِيرَتِي وَ

بر من در حالتی که کشیده شده بر جای غسل غسل بدهند مرا همسایگان

تَحَنَّنْ عَلَيَّ مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الاَقْرِبَاءُ اَطْرَافَ جِنَازَتِي

ومهربانی کن بر من در حالتی که برگرداند شوم بتحقیق فرا گیرند خویشان کنارهای جنازه مرا

وَجُدْ عَلَيَّ مَنْقُولاً قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحِيداً فِي حُفْرَتِي

وبخشش کن بر من در حالتی که نقل شوم بتحقیق فرود آیم نزد تو تنها در قبر

وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ اللَّحْدِ الْجَدِيدِ غُرْبَتِي حَتَّى لاَ اَسْتَاْنِسَ

ورحم کن در آن خانه تازه بیکسی مرا تا که انس نگیرم

بِغَيْرِكَ يَا سَيِّدِي فَاِنَّكَ اِنْ وَكَلْتَنِي اِلَى نَفْسِي

بغیر تو ای آقای من پس بتحقیق تو اگر واگذاری مرا بسوی نفس

هَلَكْتُ سَيِّدِي فَبِمَنْ اَسْتَغِيثُ اِنْ لَمْ تُقِلْنِي

هلاک خواهم شد بزرگ پس به که استغاثه کنم اگر در نگذری از

عَثْرَتِي وَاِلَى مَنْ اَفْزَعُ اِنْ فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ

لغزشم و بسوی که استغاثه کنم اگر نیابم یاری تورا

فِي ضَجْعَتِي وَاِلَى مَنْ اَلْتَجِئُ اِنْ لَمْ تُنَفِّسْ كُرْبَتِي

در حالت خوابیدن و بسوی که پناه برم اگر نکنی اندوه مرا

سيدي

سَيِّدِي مَنْ وَمَنْ يَرْحَمُنِي اِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي وَفَضْلَ مَنْ

ای آقای من کیست مرا اگر رحم ننمائی تو مرا و بخشش کیرا

اُؤَمِّلُ اِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي وَاِلَى مَنِ

آرزو کنم اگر نیابم فضل ترا در روز احتیاج خود و بسوی کیست

الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ اِذَا انْقَضَى اَجَلِي سَيِّدِي لَا

گریز از گناهان هرگاه بپایان رسد اجل من ای آقای من

تُعَذِّبْنِي وَاَنَا اَرْجُوكَ اَللّٰهُمَّ حَقِّقْ رَجَائِي وَآمِنْ

عذاب مکن مرا و حال آنکه امید دارم بتو خداوندا درست کن امید مرا و ایمن کن

خَوْفِي فَاِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا اَرْجُو فِيهَا اِلَّا عَفْوَكَ

خوف مرا زیرا که بتحقیق بسیاری گناهان من امید ندارم در باره آنها مگر عفو ترا

سَيِّدِي اَنَا اَسْئَلُكَ مَا لَا اَسْتَحِقُّ وَاَنْتَ اَهْلُ

ای آقای من من می خواهم از تو آنچه را که سزاوار نیستم و تو سزاوار

التَّقْوَى وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَاغْفِرْ لِي وَاَلْبِسْنِي مِنْ

پرهیزکاری و سزاوار آمرزشی پس بیامرز مرا و بپوشان مرا از

نَظَرِكَ ثَوْبًا يُغَطِّي عَلَيَّ الذُّنُوبَ وَالتَّبِعَاتِ وَتَغْفِرُهَا

لطف جامه که بپوشد بر من گناهان و تبعات را و بیامرزی

لِي وَلَا اُطَالَبُ بِهَا اِنَّكَ ذُو مَنٍّ قَدِيمٍ وَصَفْحٍ عَظِيمٍ وَ

آنها را برای من و مطالبه کرده نشوم بآنها بدرستیکه تو صاحب عطای دیرینه و درگذشتن بزرگی و

تَجَاوُزٍ كَرِيمٍ اِلٰهِي اَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ سَيْبَكَ عَلٰى

برگذشتن کریمی ای خدای من تو آنکسی که عطای خود را میریزی بر

عَلى مَن لا يَسْئَلُكَ وَعَلَى الْجاحِدينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ

بر آنکه سؤال نکند و بر آنکه انکار کند پروردگاری ترا

فَكَيْفَ سَيِّدي بِمَنْ سَئَلَكَ وَاَيْقَنَ اَنَّ الْخَلْقَ لَكَ

پس چگونه ای آقای من نسبت بآنکه سؤال کند از تو و یقین دارد که بتحقیق

وَالْاَمْرَ اِلَيْكَ تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ يا رَبَّ الْعالَمينَ

و همه کاری بسوی تو است بزرگی تو و بلندی تو ای پروردگار جهانیان

اِلهي وَسَيِّدي عَبْدُكَ بِبابِكَ اَقامَتْهُ الْخَصاصَةُ

خدای من و بزرگ من بنده تو بدرگاه تو است برپا داشته او را احتیاج

بَيْنَ يَدَيْكَ يَقْرَعُ بابَ اِحْسانِكَ بِدُعائِهِ يَسْتَعْطِفُ

در پیش تو میکوبد در احسان ترا بدعای خود و طلب مهربانی میکند

جَميلَ نَظَرِكَ بِمَكْنُونِ رَجائِهِ فَلا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ

از نگریستن نیکو با میدی پوشیده خود پس بگردان روی بزرگوار خود

عَنّي وَاقْبَلْ مِنّي ما اَقُولُ فَقَدْ دَعَوْتُ بِهذَا الدُّعاءِ

از من و بپذیر از من آنچه میگویم پس بتحقیق خواندم باین دعا

وَاَنَا اَرْجُو اَنْ لا تَرُدَّني مَعْرِفَةً مِنّي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ

و من امید دارم اگر رد نکنی مرا بجهت شناسائی من بمهربانی تو و بخشش تو

اِلهي اَنْتَ الَّذي لا يُحْفيكَ سائِلٌ وَلا يَنْقُصُكَ

خدای من توئی آنکه عاجز نمیکند ترا سؤال کننده و کم نمیکند ترا

نائِلٌ اَنْتَ كَما تَقُولُ وَفَوْقَ ما نَقُولُ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ

عطای تو چنانی که خود میگوئی و بالاتر از آنچه ما میگوئیم خدایا بدرستیکه سؤال میکنم از تو

صَبْراً جَمِيلاً وَفَرَجاً قَرِيباً وَقَوْلاً صَادِقاً وَأَجْراً عَظِيماً

شکیبائی نیکو و گشایش نزدیک و گفتار راست و مزد بزرگ

أَسْئَلُكَ يَا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ

درمیخواهم از تو ای پروردگار من از خیر همه آنچه دانسته ام از آن و آنچه ندانسته ام

أَسْئَلُكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا سَئَلَكَ مِنْهُ عِبَادُكَ

سؤال میکنم تورا خداوندا از بهترین آنچه سؤال کرد ترا از آن بندگان

الصَّالِحُونَ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَأَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى أَعْطِنِي

شایسته تو ای بهترین سؤال کرده شده و بخشنده ترین بخشنده عطا کن مرا

سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَوَالِدَيَّ وَإِخْوَانِي

درخواسته مرا در نفس من و اهل من و فرزندان من و پدر و مادر من و برادران من

وَإِخْوَانِي فِيكَ وَأَرْغِدْ عَيْشِي وَأَظْهِرْ مُرُوَّتِي وَأَصْلِحْ

در راه تو خوش گردان زندگانی مرا و ظاهر ساز مروت مرا و اصلاح کن

جَمِيعَ أَحْوَالِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلْتَ عُمْرَهُ وَحَسَّنْتَ

همه حالهای مرا و بگردان مرا از آنکه دراز کردی عمر او را و نیکو گردانیدی

عَمَلَهُ وَأَتْمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ وَرَضِيتَ عَنْهُ وَ

کردار او را و تمام کردی بر او نعمت خود را و خشنود گشتی از او

أَحْيَيْتَهُ حَيٰوةً طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ وَأَسْبَغِ

زنده داشتی او را زندگانی پاکیزه در همیشه ترین شادی و [illegible]

الْكَرَامَةِ وَأَتَمِّ الْعَيْشِ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ

نوازش و تمام ترین زندگانی بدرستی که تو میکنی آنچه خواهی و نمی کند آنچه خواهد

مَا تَشَاءُ عِزُّكَ اَللّٰهُمَّ وَخُصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ

الخ خواهد عز تو خداوندا و مخصوص گردان مرا از جانب خود بذکر خاص

وَلَا تَجْعَلْ شَيْئًا مِمَّا اَتَقَرَّبُ بِهِ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَاَطْرَافِ

و مگردان هیچ چیزی را از آن چیزهای که نزدیک بجویم بآن در ساعتهای شب و طرفهای

النَّهَارِ رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا اَشَرًا وَلَا بَطَرًا وَاجْعَلْنِي

روز ریا و نه سمعه و نه ... خرمی و نه طغیان و بگردان مرا

لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ

برای خود از فروتنی کنندگان خداوندا عطا کن مرا فراخی در روزی

وَالْاَمْنَ فِي الْوَطَنِ وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَ

و ایمنیت در وطن و روشنی دیده در اهل و مال و

الْوَلَدِ وَالْمُقَامَ فِي نِعَمِكَ عِنْدِي وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ

فرزندان و دراز گردن در نعمتهای تو که نزد من است و صحت در جسد

وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَاسْتَعْمِلْنِي

و توانائی در بدن و سلامتی در دین و بکار دار مرا

بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللّٰهُ

بطاعت خود و طاعت رسول خود محمد و اهل بیت او رحمت فرستد

عَلَيْهِ وَآلِهِ اَبَدًا وَاسْتَعْمِرْنِي وَاجْعَلْنِي مِنْ اَوْفَرِ عِبَادِكَ

برو و آل او همیشه و آباد کرده دار مرا و بگردان مرا از زیادتر بندگان

عِنْدَكَ نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ اَنْزَلْتَهُ وَتُنْزِلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ

نزد تو از روی بهره در هر نیکی که فرو فرستادی او را و فرو فرستی او را در ماه رمضان

فِی لَیلَةِ القَدرِ وَما اَنتَ مُنزِلُهُ فِی کُلِّ سَنَةٍ مِن رَحمَةٍ
در شب قدر و آنچه تو فرود آورنده آن را در هر سال از رحمتی که

تَنشُرُها وَعافِیَةٍ تُلبِسُها وَبَلِیَّةٍ تَدفَعُها وَحَسَناتٍ
پراکنده کنی آن را و عافیتی که بپوشانی آن را و بلائی که دفع کنی آن را و نیکوئیها

تَتَقَبَّلُها وَسَیِّئاتٍ تَتَجاوَزُ عَنها وَارزُقنِی حَجَّ بَیتِکَ
که بپذیری آن را و بدیهائی که درگذری از آنها و روزی کن مرا حج خانه

الحَرامِ فِی عامِنا هٰذا وَفِی کُلِّ عامٍ وَارزُقنِی رِزقاً
محترم خود در این سال و در هر سال و روزی کن مرا روزی

واسِعاً مِن فَضلِکَ الواسِعِ وَاصرِف عَنِّی یا سَیِّدِی
فراخی از بخشش فراگیرنده خود و بگردان از من ای آقای من

الاَسواءَ وَاقضِ عَنِّی الدَّینَ وَالظُّلاماتِ حَتّیٰ لا
بدیها را و ادا کن از من قرض و برگردان ظلمها را تا آزرده نشوم

اَتَاَذّیٰ بِشَیءٍ مِنهُ وَخُذ عَنِّی بِاَسماعِ وَاَبصارِ اَعدائِی
به هیچ چیز و فراگیر از من گوشها و دیدهای دشمنان مرا

وَحُسّادِی وَالباغِینَ عَلَیَّ وَانصُرنِی عَلَیهِم وَاَقِرَّ
و حسودان مرا و ستم کنندگان بر من و یاری ده مرا بر ایشان و روشن کن

عَینِی وَحَقِّق ظَنِّی وَفَرِّح قَلبِی وَاجعَل لِی مِن هَمِّی
دیده مرا و درست کن گمان مرا و گشاده کن دل مرا و بگردان برای من از غم من

وَکَربِی فَرَجاً وَمَخرَجاً وَاجعَل مَن اَرادَنِی بِسُوءٍ مِن
و اندوه من گشایشی و بیرون شدنی و بگردان هر که اراده کند مرا به بدی از

جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمَيَّ وَاكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرَّ

همه خلق خود در زیر قدمهای من و دریغ کن از من بدی شیطان را و از بد

السُّلْطَانِ وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا

پادشاه را و بدیهای کار مرا و پاک گردان مرا از گناهان همه آنها

وَاَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ وَاَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَزَوِّجْنِي برحمتك

و زینهار ده مرا از آتش بعفو خود و درآور مرا در بهشت برحمت خود و زن ده

مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ وَاَلْحِقْنِي بِاَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ

مرا از حور سیاه چشم بفضل خود و برسان مرا بدوستان شایسته خود

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْاَخْيَارِ صَلَوَاتُ

محمد و آل او نیکان پاکیزگان پاکان نیکان درود

اللهِ عَلَيْهِمْ وَعَلَى اَرْوَاحِهِمْ وَاَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَ

های خدا برایشان باد و بر نفسهای ایشان و بدنهای ایشان و رحمت

بَرَكَاتُهُ اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَئِنْ طَالَبْتَنِي

و برکتهای او خداوند من و بزرگ من قسم بعزت تو و بزرگواری تو اگر طلب کنی مرا

بِذُنُوبِي لَاُطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ وَلَئِنْ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ

بگناهانم هر آینه طلب کنم ترا بکرم تو و اگر درآوری مرا در آتش

لَاُخْبِرَنَّ اَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ اِلٰهِي وَسَيِّدِي اِنْ كُنْتَ

هر آینه آگاه کنم اهل آتش را بدوست داشتنم ترا خدای من و آقای من اگر نمی بخشی

لَا تَغْفِرُ اِلَّا لِاَوْلِيَائِكَ وَاَهْلِ طَاعَتِكَ فَاِلَى

مگر دوستان خود را و اهل طاعت خود را پس

مَنْ يَغْفِرُ

مَنْ يَفزَعُ الْمُذْنِبُونَ وَاِنْ كُنْتَ لَاتُكْرِمُ اِلَّا اَهْلَ الْوَفَاءِ

پناه گیرند گناهکاران و اگر بوده باشی گرامی نداری مگر اهل وفا کردن بعهد

بِكَ فَبِمَنْ يَسْتَغِيثُ الْمُسِيئُونَ اِلٰهِي اِنْ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي

تو پس بکه استغاثه نمایند بدکاران خدای من اگر در آوری مرا در آتش پس

ذٰلِكَ سُرُورُ نَبِيِّكَ وَاَنَا وَاللّٰهِ اَعْلَمُ اَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ

در آن شادی پیغمبر تو است و من قسم بخدا که میدانم که بتحقیق شادی پیغمبر تو است

اَحَبُّ اِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدُوِّكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

دوست تر بسوی تو از شادی دشمن تو خداوندا بدرستیکه من در خواهم از تو

اَنْ تَمْلَاَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَخَشْيَةً مِنْكَ وَتَصْدِيقًا

اینکه پر کنی دل مرا از دوستی خود و ترس از خود و باور داشتن کتاب

بِكِتَابِكَ وَاِيمَانًا بِكَ وَفَرَقًا مِنْكَ وَشَوْقًا اِلَيْكَ

خود و گرویدن بخود و بیم نمودن از خود و آرزومندی بسوی خود

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ حَبِّبْ اِلَيَّ لِقَاءَكَ وَاَحْبِبْ

ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن دوست گردان بسوی من ملاقات خود را و دوست دار

لِقَائِي وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَ

ملاقات مرا و بگردان برای من در ملاقات تو راحت بسیار و گشایش و

الْكَرَامَةَ اَللّٰهُمَّ اَلْحِقْنِي بِصَالِحِ مَنْ مَضٰى وَاجْعَلْنِي

بزرگواری بار خدایا ملحق ساز مرا به نیکوکاران که گذشته اند و بگردان مرا

مِنْ صَالِحِ مَنْ بَقِيَ وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ وَاَعِنِّي عَلٰى نَفْسِي

از جمله نیکوکاران که باقی مانده و ببر مرا براه شایستگان و مدد کن مرا

بما تعين به الصالحين على انفسهم واختم على بالحسنى

بآنچه یاری کنی بآن شایستگان را بر نفسهای ایشان و ختم کن کار مرا بنیکوئی

واجعل ثوابي منه الجنة برحمتك يا رب العالمين

و بگردان ثواب مرا از آن بهشت برحمت خود ای پروردگار جهانیان

واعني على صالح ما اعطيتني وثبتني يا رب ولا

و مدد کن مرا بر شایسته آنچه عطا کردی مرا و ثابت دار مرا ای پروردگار و

تردني في سوء استنقذتني منه اللهم اني اسألك

مگردان مرا در ناخوشی که رهانیدی مرا از آن خداوندا بدرستیکه من درخواست میکنم

ايمانا لا اجل له دون لقائك احيني ما احييتني

ایمانی که نباشد نهایتی برای آن پیش از ملاقات تو زنده دار مرا مادام

عليه وتوفني اذا توفيتني عليه وابعثني اذا

بر آن و بمیران مرا بر آن هرگاه بمیرانی مرا بر آن و برانگیز مرا هرگاه

بعثتني عليه وابرء قلبي من الرياء والشك و

برانگیزانی بر آن و صاف کن دل مرا از ریا و شک و

السمعة في دينك حتى تكون عملي خالصا لك

سمعه کردن در دین تو تا آنکه بوده باشد کردار من خالص برای تو

اللهم اعطني بصيرة في دينك وفهما في حكمك

خداوندا بده مرا بینائی در دین خود و دریافتنی در حکم خود

وفقها في علمك وكفلين من رحمتك وورعا

و دانستنی در علم خود و دو نصیب از رحمت خود و پرهیزگاری

يحجزني

يحجزني عن معصيتك وتبيض وجهي بنورك واجعل

باز دارد مرا از نافرمانی تو و سفید کن روی مرا به روشنی خود و بگردان

رغبتي فيما عندك وتوفقني في سبيلك وعلى

رغبت مرا در آنکه نزد توست و توفیق ده مرا در راه خود و بر

ملة رسولك صلى الله عليه وآله اللهم اني

دین فرستاده خود رحمت فرستد خدا بر او و آل او خداوندا به درستی که من

اعوذ بك من الكسل والفقر والفشل والهم والحزن

پناه میگیرم بتو از کاهلی و فقر و اندوه و ناتوانی و از درد دل

والبخل والغفلة والقسوة والذلة والمسكنة

[illegible] و بیخبری و سختی دل و خواری و درویشی

والفاقة وكل بلية والفواحش كلها ما ظهر منها

و حاجتمندی و هر بلائی و هر رسوائی همه آنچه آشکار باشد از آنها

وما بطن واعوذ بك من نفس لا تقنع وبطن لا

و آنچه پنهان باشد و پناه میگیرم بتو از نفسی که قناعت نورزد و شکمی که سیر

تشبع وقلب لا يخشع ودعاء لا يسمع وعمل لا

نگردد و دلی که نترسد و دعائی که شنیده نگردد و کاری که

ينفع وصلوة لا ترفع واعوذ بك يا رب على نفسي

نفع نبخشد و نمازی که بالا نرود و پناه میگیرم بتو ای پروردگار بر نفس خود

وولدي وديني ومالي وعلى جميع ما رزقتني

و فرزندان خود و دین خود و مال خود و بر همه آنچه روزی دادی

مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اَللّٰهُمَّ

از شیطان [illegible] بدرستی که تو شنوای دانا خداوندا

اِنِّي لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ اَحَدٌ وَلَا اَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحَدًا

بدرستی که امان نمیدهد مرا از تو هیچکس و نمی یابم غیر تو [illegible] پناهی

فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ وَلَا تَرُدَّنِي

پس مگردان نفس مرا از چیزی از عذاب خود و برمگردان مرا

بِهَلَكَةٍ وَلَا تَرُدَّنِي بِعَذَابٍ اَلِيمٍ اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي

بهلاکت و برمگردان مرا بعذاب دردناک خداوندا بپذیر از من

وَاَعْلِ ذِكْرِي وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَحُطَّ وِزْرِي وَلَا

و بلند کن ذکر مرا و بلند کن درجه مرا و فروگذار بار گناهم را و

تَذْكُرْنِي بِخَطِيئَتِي وَاجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي

یاد مکن مرا بگناهان و بگردان ثواب نشستن مرا و ثواب گفتارم

وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ وَاَعْطِنِي يَا رَبِّ

و جزای دعای مرا خوشنودی خود و بهشت و ببخش مرا ای پروردگار

جَمِيعَ مَا سَاَلْتُكَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ اِنِّي اِلَيْكَ

همه آنچه را سوال کردم از تو و زیاده کن مرا از بخشش خود بدرستی که من بسوی تو

رَاغِبٌ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَنْزَلْتَ فِي

رغبت کننده ام ای پروردگار جهانیان خداوندا بدرستی که تو فرستادی در

كِتَابِكَ الْعَفْوَ وَاَمَرْتَنَا اَنْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنَا وَقَدْ

کتاب خود عفو را و امر کردی مرا که در گذریم از کسی که ستم کرد ما را و

ظلمنا

ظَلَمْنَا اَنْفُسَنَا فَاعْفُ عَنَّا فَاِنَّكَ اَوْلٰى بِذٰلِكَ
ستم کردیم بر نفوس خود پس درگذر از ما زیرا که بتحقیق تو سزاوارتری دران
وَاَمَرْتَنَا اَنْ لَا نَرُدَّ سَائِلًا عَنْ اَبْوَابِنَا وَقَدْ جِئْتُكَ
و امر کردی ما را اینکه بر نگردانیم درخواهنده را از درهای خود و بتحقیق آمده ام
سَائِلًا فَلَا تَرُدَّنِي اِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي وَاَمَرْتَنَا بِالْ
درخواهنده پس بر مگردان مرا مگر با روا کردن حاجت من و امر کردی ما را
اِحْسَانِ اِلٰى مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُنَا وَنَحْنُ اَرِقَّاؤُكَ
بنیکوئی کردن با کسی که مالک است دستهای ما و ما بندگان توییم
فَاَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَ
پس آزاد کن گردنهای ما را از آتش ای پناه من نزد اندوه من و ای
يَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي اِلَيْكَ فَزِعْتُ وَبِكَ
فریادرس من نزد سختی من بسوی تو پناه آورده ام و بتو استغاثه
اسْتَغَثْتُ وَلُذْتُ لَا اَلُوذُ بِسِوَاكَ وَلَا اَطْلُبُ
نموده ام و پناه آورده ام پناه نمی گیرم بغیر تو و نمی طلبم
الْفَرَجَ اِلَّا مِنْكَ فَاَغِثْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَقْبَلُ
گشایش را مگر از تو پس فریادرسی کن مرا و دور کن اندوه مرا ای که قبول می کنی
الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ
اندک را و درمیگذری از گناه بسیار قبول کن از من اندک را
عَنِّي الْكَثِيرَ اِنَّكَ اَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ اَللّٰهُمَّ
از گناه بسیار من درگذر که تو مهربان آمرزنده خداوندا

إني أسئلك إيماناً تباشر به قلبي ويقيناً صادقاً

بدرستی که من درخواهم از تو ایمانی که بیاشامد آن دل مرا و یقینی راست دار

حتى أعلم أنه لن يصيبني إلا ما كتبت لي ورضّني

تا آنکه بدانم آنکه هرگز نرسد مرا مگر آنکه تقدیر نموده برای من و خشنود سازی مرا

من العيش بما قسمت لي يا أرحم الراحمين

از زندگانی بآنچه قسمت نموده برای من ای بخشاینده‌ترین بخشندگان

مختصر دعاهای این

يا مفزعي عند كربتي ويا غوثي عند شدتي

ای پناه من نزد اندوه من وای فریادرس من نزد سختی من

إليك فزعت وبك استغثت وبك لذت لا

بسوی تو پناه آورده‌ام و بتو استغاثه نموده‌ام و بتو التجا آورده‌ام الهی پناه نبرم

ألوذ بسواك ولا أطلب الفرج إلا منك فأغثني

بغیر تو و طلب نمیکنم گشایش را مگر از تو پس فریاد رس مرا

وفرّج عني يا من يقبل اليسير ويعفو عن الكثير

و گشایش ده از من ای آنکه می‌پذیرد اندک را و در می‌گذرد از بسیار

إنك أنت الغفور الرحيم اللهم إني أسئلك

بدرستی که تو آمرزگار مهربان بار خدایا بدرستی که من درخواهم از تو

إيماناً تباشر به قلبي حتى أعلم أنه لن يصيبني إلا

ایمانی که بیاشامد دل مرا تا آنکه بدانم بتحقیق هرگز نمی‌رسد مرا

ما كتبت لي يا أرحم الراحمين يا عدتي في كربتي

آنچه تقدیر نمودی برای من ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان ای ذخیره من در اندوه من

وصاحبي

وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَيَا غَايَتِي فِي
واى يار من در سختى من واى لذت كننده من در نعمت من واى منتهاى مقصد من
رَغْبَتِي أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي وَالْآمِنُ رَوْعَتِي وَالْمُقِيلُ
در رغبت من توئى پوشنده امر زشت مرا و ايمنى بخشنده خوف مرا و در گذرنده لغزش مرا
عَثْرَتِي فَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَاما دعاها
پس بيامرز براى من گناه اى بخشنده ترين بخشندگان ماه مبارك بسند
معتبر منقولست كه حضرت امام زين العابدين وامام محمد باقر
در هر روز اين ماه مبارك اَللّٰهُمَّ هٰذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي
اين دعا مى خواندند بار خدايا اين ماه رمضانيست كه فرو
أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى
فرستادى در آن قرآن را در حالتى كه هدايت كننده است مردمان را و دلائل هدايت
وَالْفُرْقَانِ وَهٰذَا شَهْرُ الْقِيَامِ وَهٰذَا شَهْرُ الصِّيَامِ وَهٰذَا شَهْرُ الْإِنَابَةِ
و جدا كننده حق از باطل و اين ماه روزه داشتن است و اين ماه بازگشتن است
وَهٰذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ وَهٰذَا شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ
و اين ماه توبه است و اين ماه آمرزش و بخشش است
وَهٰذَا شَهْرُ الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَهٰذَا
و اين ماه آزادى از آتش و رستگارى به بهشت است و اين
شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ اَللّٰهُمَّ
ماهى است كه در آن شب قدر است كه آن بهتر است از هزار ماه خداوندا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِنِّي عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ وَسَلِّمْهُ

بر محمد و آل محمد و مدد کن مرا بر روزه داشتن آن و بر بپا ایستادن در آن

لِي وَسَلِّمْنِي فِيهِ وَأَعِنِّي عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ عَوْنِكَ وَوَفِّقْنِي

و سالم دار آن را برای من و مدد کن مرا بر آن به نیکوترین مدد خود و توفیق ده مرا

فِيهِ لِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَأَوْلِيَائِكَ صَلَوَاتُ

در آن اسباب طاعت خود را و طاعت رسول در دوستان خود رحمتهای خدا بر ایشان باد

اللهِ عَلَيْهِمْ وَفَرِّغْنِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَدُعَائِكَ وَتِلَاوَةِ

و فارغ دار مرا در آن بجهت عبادت خود و خواندن خود و خواندن

كِتَابِكَ وَعَظِّمْ لِي فِيهِ الْبَرَكَةَ وَأَحْسِنْ لِي فِيهِ

کتاب خود و بزرگ گردان برای من در آن برکت را و نیکو گردان برای من در آن

الْعَافِيَةَ وَأَجْزِلْ لِي فِيهِ التَّوْبَةَ وَأَصِحَّ لِي فِيهِ بَدَنِي

عافیت را و بسیار کن برای من در آن توبه را و درست دار برای من در آن بدن مرا

وَأَوْسِعْ فِيهِ رِزْقِي وَاكْفِنِي فِيهِ مَا أَهَمَّنِي وَاسْتَجِبْ

و فراخ کن در آن روزی مرا و کفایت کن مرا در آن آنچه غمگین کرده مرا و قبول کن

فِيهِ دُعَائِي وَبَلِّغْنِي فِيهِ رَجَائِي اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى

در آن دعای مرا و برسان مرا در آن به امید من خداوندا رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَذْهِبْ عَنِّي فِيهِ النُّعَاسَ وَالْكَسَلَ

محمد و آل محمد و ببر از من در آن خواب سبک و کاهلی

وَالسَّأْمَةَ وَالْفَتْرَةَ وَالْقَسْوَةَ وَالْغَفْلَةَ وَالْغِرَّةَ

و ملالت و سستی و غش دل و بیخبری و فریفتگی را

وجنبني

وَجَنِّبْنِي فِيهِ الْأَسْقَامَ وَالْهُمُومَ وَالْأَحْزَانَ وَالْأَعْرَاضَ

دور گردان ازمن در آن علتها و بیماریها و غمها و اندوهها و حوادث

وَالْأَمْرَاضَ وَالْخَطَايَا وَالذُّنُوبَ وَاصْرِفْ عَنِّي فِيهِ

و مرضها و خطاها و گناهان را و بگردان از من در آن

السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ وَالْجَهْدَ وَالْبَلَاءَ وَالتَّعَبَ وَ

بدی و زشتی و مشقت و بلا و رنج و

الْعَنَاءَ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

سختی را بدرستیکه تو اجابت کننده دعاها خداوندا رحمت فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِذْنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَهَمْزِهِ

و آل محمد و پناه ده مرا در آن از دیو رانده شده و طعن او

وَلَمْزِهِ وَنَفْثِهِ وَنَفْخِهِ وَوَسْوَسَتِهِ وَتَثْبِيطِهِ وَكَيْدِهِ

و عیب جوئی او و دمیدن او و وسوسه او و کاهلی کردن او و

وَبَطْشِهِ وَكَيْدِهِ وَمَكْرِهِ وَحَبَائِلِهِ وَخُدَعِهِ وَأَمَانِيِّهِ

و حمله کردن او و حیله او و مکر او و دامهای او و فریبهای او و آرزوهای

وَغُرُورِهِ وَفِتْنَتِهِ وَشَرَكِهِ وَأَحْزَابِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَ

و فریبندگی او و فتنه او و دام او و گروهان او و تابعان او و

أَشْيَاعِهِ وَأَوْلِيَائِهِ وَشُرَكَائِهِ وَجَمِيعِ مَكَائِدِهِ

پیروان او و دوستان او و انبازان او و همه مکرهای او

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا صِيَامَهُ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن ما را روزه

وَقِيامِهِ وَبُلُوغِ الْاَمَلِ فيهِ وَفي تَمامِهِ وَاسْتِكْمالِ

درآن و در بشارت درآن و رسیدن درآن با رزو درآن و در تمامی درآن تمام کردن

ما يُرْضيكَ عَنّي صَبْرًا وَاحْتِسابًا وَايمانًا ثُمَّ تَقَبَّلْ

انچه خوشنود سازد ترا از من از روی شکیبائی و خالص که بیندیش و قبول کنی

ذٰلِكَ مِنّي بِالْاَضْعافِ الْكَثيرَةِ وَالْاَجْرِ الْعَظيمِ يا رَبَّ

آن را ازمن بضعفهای بسیار و مزد بزرگ ای پروردگار

الْعالَمينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي

جهانیان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا

الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ وَالْجِدَّ وَالْاِجْتِهادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشاطَ

حج و عمره و سعی کردن و کوشش کردن و توانائی و خوشی

وَالْاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ وَالْقُرْبَةَ وَالْخَيْرَ

و بازگشت و توبه و توفیق و قربت و خیر

الْمَقْبُولَ وَالرَّهْبَةَ وَالرَّغْبَةَ وَالتَّضَرُّعَ وَالْخُشُوعَ

پذیرفته و ترس و رغبت و زاری کردن و فروتنی

وَالرِّقَّةَ وَالنِّيَّةَ الصّادِقَةَ وَصِدْقَ اللِّسانِ وَ

و رقت و نیت درست و راستی زبان و

الْوَجَلَ مِنْكَ وَالرَّجاءَ لَكَ وَالتَّوَكُّلَ عَلَيْكَ وَ

بیم داشتن از تو و امید داشتن مر ترا و توکل کردن بر تو و

الثِّقَةَ بِكَ وَالْوَرَعَ عَنْ مَحارِمِكَ مَعَ صالِحِ الْقَوْلِ

اعتماد داشتن بتو پرهیزیدن از حرامهای تو با شایسته گفتن

ومقبول

وَمَقْبُولَ السَّعْيِ وَمَرْفُوعَ الْعَمَلِ وَمُسْتَجَابَ الدَّعْوَةِ وَلَا

پذیرفته و عمل بالا برده شده و دعای اجابت کرده شده و مگذار

تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ شَيْءٍ مِنْ ذٰلِكَ بِعَرَضٍ وَلَا مَرَضٍ وَلَا

میان من و میان هیچ چیز از آنچه درخواستم عرض کرده شد و نه بیماری و نه اندوه

وَلَا غَمٍّ وَلَا سُقْمٍ وَلَا غَفْلَةٍ وَلَا نِسْيَانٍ بَلْ بِالتَّعَاهُدِ

و نه غمی و نه بیماری و نه فراموشی را بلکه معاهده

وَالتَّحَفُّظِ لَكَ وَفِيكَ وَالرِّعَايَةِ لِحَقِّكَ وَالْوَفَاءِ

و نگاه داشتن برای تو و در راه تو و رعایت کردن مرحق ترا و وفا نمودن

بِعَهْدِكَ وَوَعْدِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

به پیمان تو و وعده تو برحمت خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لِي فِيهِ أَفْضَلَ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و قسمت کن مرا در آن ماه بهترین

مَا تَقْسِمُهُ لِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَعْطِنِي فِيهِ أَفْضَلَ

آنچه قسمت می کنی بندگان شایسته خود را و بخشش ده مرا در آن بهترین

مَا تُعْطِي أَوْلِيَاءَكَ الْمُقَرَّبِينَ مِنَ الرَّحْمَةِ وَالْعَفْوِ

آنچه بخشش می دهی دوستان نزدیک شده خود را از بخشایش و درگذشتن

وَالْمَغْفِرَةِ وَالتَّحَنُّنِ وَالْإِجَابَةِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ

و آمرزش

الدَّائِمَةِ وَالْعَافِيَةِ وَالْمُعَافَاةِ وَالْعِتْقِ مِنَ النَّارِ

دائم و عافیت دادن و درگذشتن و آمرزش همیشه آزاد کردن از آتش

وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَخَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و رستگاری به بهشت و خیر این جهان و آن جهان بار خدایا رحمت فرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ دُعَائِي فِيهِ إِلَيْكَ

بر محمد و آل محمد و بگردان دعای مرا در آن بسوی خود

وَاصِلًا وَرَحْمَتَكَ وَخَيْرَكَ إِلَيَّ فِيهِ نَازِلًا وَعَمَلِي

رسنده و رحمت خود را و خیر خود را بسوی من در آن فرود آینده و عمل مرا

فِيهِ مَقْبُولًا وَسَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَذَنْبِي فِيهِ

در آن پذیرفته و کوشش مرا در آن افزون شده و گناه مرا در آن

مَغْفُورًا حَتّٰى يَكُونَ نَصِيبِي فِيهِ الْأَكْثَرَ وَحَظِّي

آمرزیده شده تا آنکه بوده باشد نصیب من در آن بزرگتر و بهره من

فِيهِ الْأَوْفَرَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ

در آن تمام تر بار خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و

وَفِّقْنِي فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ عَلٰى أَفْضَلِ حَالٍ تُحِبُّ أَنْ

توفیق ده مرا در آن برای دریافتن شب قدر بر بهترین حالی که دوست

يَكُونَ عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَأَرْضَاهَا لَكَ

میداری که بوده باشد بر آن حال یکی از دوستان تو و پسندیده ترین آن برای تو

ثُمَّ اجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَارْزُقْنِي فِيهَا

پس بگردان آن را برای من بهتر از هزار ماه و روزی کن مرا در آن

أَفْضَلَ مَا رَزَقْتَ أَحَدًا مِمَّنْ بَلَّغْتَهُ إِيَّاهَا وَأَكْرَمْتَهُ

بهتر از آنچه روزی کردی احدی را از آنانکه رسانیدی ایشان را به آن و گرامی داشتی

بها

بِهَا وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عُتَقَائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ وَطُلَقَائِكَ

بآن سبب و بگردان مرا در این ماه از آزاد شدگان خود از دوزخ و رها کردگان خود

مِنَ النَّارِ وَسُعَدَاءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ

از آتش و نیکبختان خلق خود بآمرزش و خشنودی خود

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

ای بخشاینده ترین بخشندگان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وَارْزُقْنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا الْجِدَّ وَالْاِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ

و روزی کن ما را در ماه ما این ماه وسعی و کوشش و توانائی

وَالنَّشَاطَ وَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى اللَّهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَ

و خرمی و آنچه دوست داری و می پسندی خداوندا ای پروردگار سپیده دم

لَيَالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَرَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ

و شبهای ده گانه و شفع و وتر و پروردگار ماه رمضان

وَمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَرَبَّ جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ

و آنچه فرو فرستادی در آن که قرآنست و پروردگار جبرئیل و میکائیل

وَإِسْرَافِيلَ وَجَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَرَبَّ إِبْرَاهِيمَ

و اسرافیل و همه فرشتگان نزدیکان و پروردگار ابراهیم

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبَّ مُوسَى وَعِيسَى

و اسمعیل و اسحق و یعقوب و پروردگار موسی و عیسی

وَجَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

و همه پیغمبران و فرستادگان و پروردگار محمد ختم پیغمبران

صلواتك عليه وعليهم اجمعين واسئلك

رحمتهای تو را و بار در ایشان هم و در می خواهم از تو

بحقهم عليك وبحقك العظيم عليهم لما صليت

بحق ایشان بر تو و بحق بزرگ تو بر ایشان که رحمت کنی

عليه وآله وعليهم اجمعين ونظرت الى نظرة

بر او و آل او و بر ایشان همه و نظر افکنی بسوی من نظری

رحيمة ترضى بها عني رضا لا اسخط على بعده ابدا

برحمت که خشنود شوی بسبب آن از من خشنودی که باشد غضبی از پی آن ابدا

واعطني جميع سؤلي ورغبتي وامنيتي وارادتي

و عطا کن مرا تمام خواهش مرا و خواهش مرا و آرزوی مرا و خواسته مرا

وصرفت عني ما اكره واحذر واخاف على نفسي

و بگردانی از من آنچه ناخوش دارم و میترسم و میترسم بر نفس خود

وما لا اخاف وعن اهلي ومالي واخواني وذريتي

و آنچه نترسم و از خاندان من و مال من و برادران من و فرزندان من

اللهم اليك فررنا من ذنوبنا فآونا تائبين وتب

خداوندا بسوی تو گریختیم از گناهان خود پس جای ده ما را حالی که توبه کنندگانیم

علينا مستغفرين واغفر لنا متعوذين واعذنا

و توبه پذیر بر ما حالی که آمرزش خواهندگانیم و بیامرز ما را حالی که پناه خواهندگانیم و پناه ده ما را حالی که

مستجيرين واجرنا مستسلمين ولا تخذلنا راهبين

پناه گیرندگان و پناه ده ما را حالی که گردن نهادگانیم و خوار مکن ما را

وامنّا

وَاٰمِنَّا رَاغِبِينَ وَشَفِّعْنَا سَائِلِينَ وَاَعْطِنَا اِنَّكَ سَمِيعُ

وایمن گردان ما را اگر چه با هم خواهندگانیم و قبول کن شفاعت ما در حالی که با هم درخواهیم

الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّي وَاَنَا عَبْدُكَ

تو پذیرنده دعائی نزدیک اجابت کننده خداوندا تو پروردگار منی و من بنده توام

وَاَحَقُّ مَنْ سَأَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ وَلَمْ يَسْأَلِ الْعِبَادُ مِثْلَكَ

و سزاوارترین کسی که سؤال کند از او بنده پروردگار او است و سؤال نکرده بندگان

كَرَمًا وَجُودًا يَا مَوْضِعَ شَكْوَى السَّائِلِينَ وَيَا مُنْتَهَى حَاجَةِ

از روی بزرگواری و بخشش ای قرارگاه شکایت درخواهندگان وای منتهی حاجت

الرَّاغِبِينَ وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ

خواهشمندان وای فریادرس فریادرسان وای پذیرنده دعای

الْمُضْطَرِّينَ وَيَا مَلْجَأَ الْهَارِبِينَ وَيَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ

درماندگان وای پناه گریزندگان وای دادرس دادخواهان و

وَيَا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ

وای پروردگار ناتوانان وای رفع کننده اندوه اندوهناکان

وَيَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ وَيَا كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

وای گشاینده غم غمناکان وای رفع کننده اندوه بزرگ

يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلٰى

ای خدا ای بخشنده مهربان ای بخشنده ترین بخشندگان رحمت فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَعُيُوبِي وَاِسَاءَتِي

محمد و آل محمد و بیامرز برای من گناهان مرا و عیبهای مرا و بدی مرا

وَظُلْمِي وَجُرْمِي وَاسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ

دستم نمودن مرا وگناه ودرزیادتی نمودن مرا بر نفس خود وروزی مرا از فضل خود

وَرَحْمَتِكَ فَاِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا غَيْرُكَ وَاعْفُ عَنِّي وَاغْفِرْ لِي

ورحمت خود زیرا که بتحقیق که مالک نیست ونهارا تو ودر گذر از من وبیامرز

كُلَّ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَاعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي

هرانچه گذشته از گناهان ونگاه دار مرا در انچه باقی مانده از عمر من

وَاسْتُرْ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَوَلَدِي وَقَرَابَتِي وَاَهْلِ حُزَانَتِي وَمَنْ

وبپوشان بر من وبر پدر ومادرم وخویشان من واهل غم خواری من واکه

كَانَ مِنِّي بِسَبِيلٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي الدُّنْيَا

بهم باشند از من در راهی از مردان گرویدگان وزنان گرویده در جهان

وَالْاٰخِرَةِ فَاِنَّ ذٰلِكَ كُلَّهُ بِيَدِكَ وَاَنْتَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ

وان جهان زیرا که بتحقیق اینها همه بدست تست وتو نیز ابرنده آمرزشی

فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا سَيِّدِي وَلَا تَرُدَّ دُعَائِي وَلَا تَرُدَّ يَدِي

پس نا امید مکن مرا ای آقای من وبرمگردان دعای مرا وبرمگردان دست مرا

اِلَى نَحْرِي حَتَّى تَفْعَلَ ذٰلِكَ بِي وَتَسْتَجِيبَ لِي جَمِيعَ مَا

بسوی سینه من تا اکه بکنی آن را که درخواستم بمن وبپذیری برای من همه انچه

سَاَلْتُكَ وَتَزِيدَنِي مِنْ فَضْلِكَ فَاِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

سؤال کردم از تو وزیاده کنی مرا از بخشش خود زیرا که بتحقیق که تو بر هر چیزی

قَدِيرٌ وَنَحْنُ اِلَيْكَ رَاغِبُونَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْاَسْمَاءُ

توانائی وما بسوی تو خواهشمند ایم خداوندا مر تراست نامهای نیک

الحسنى

الْحُسْنىٰ وَالْاَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ

نيك و داستانهاى بلند و بزرگوارى و نعمت

اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اِنْ كُنْتَ

سوال ميكنم از تو بحرمت نام تو بنام خداوند بخشنده مهربان اگر بوده باشى

قَضَيْتَ فى هٰذِهِ اللَّيْلَةِ تَنَزُّلَ الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ

حكم كرده باشى دراين شب فرود آمدن فرشتگان و روح

فِيها اَنْ تُصَلِّىَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمى

دران اينكه رحمت فرستى بر محمد و آل محمد و اينكه بگردانى نام مرا

فِى السُّعَداءِ وَرُوحى مَعَ الشُّهَداءِ وَاِحْسانى فى عِلِّيِّينَ

در نيكبختان و نفس مرا با شهيدان و نيكوئى مرا در عليين

وَاِسائَتى مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ بِهِ

و بدى مرا آمرزيده و اينكه ببخشى مرا يقينى كه بياشرى بآن

قَلْبى وَاِيماناً لا يَشُوبُهُ شَكٌّ وَرِضىً بِما قَسَمْتَ

دل مرا و ايمانى كه نيامیزد آن را هيچ شكى و خشنودى بانچه قسمت كردى

لى وَآتِنى فِى الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِى الْآخِرَةِ حَسَنَةً

براى من و بده مرا در دنيا نيكى و در آخرت نيكى

وَقِنى عَذابَ النّارِ وَاِنْ لَمْ تَكُنْ قَضَيْتَ فى هٰذِهِ

و نگاه دار مرا از عذاب آتش و اگر نبوده باشى كه حكم كرده باشى در اين

اللَّيْلَةِ تَنَزُّلَ الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيها فَاَخِّرْنى اِلىٰ

شب فرود آمدن فرشتگان و روح دران پس باز پس دار مرا

إلى ذلك وارزقني فيها ذكرك وشكرك وطاعتك

تا آن شب درروزی کن مرا درآن شب یاد نمودن و سپاس گذاری خود و فرمان برداری

وحسن عبادتك فصل على محمد وآل محمد بافضل

و نیکو پرستیدن خود پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد به بهترین

صلواتك يا ارحم الراحمين يا احد يا صمد يا رب

رحمتهای خود ای بخشنده ترین بخشندگان ای یگانه ای پناه بیاز ای پروردگار

محمد اغضب اليوم لمحمد ولابرار عترته واقتل اعدائهم

محمد و آل محمد غضب کن امروز برای محمد و نیکوکاران عترت او و بکش دشمنان ایشانرا

بددا واحصهم عددا ولا تدع على ظهر الارض

حال آنکه متفرق باشند و در حساب آر ایشان را بشماره و وامگذار بر پشت زمین

منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصحبة يا

از ایشان کسی را و میامرز مر ایشان را هرگز ای نیکوئی صحبت ای

خليفة النبيين انت ارحم الراحمين البدیء

خلیفه پیغمبران تو بخشنده ترین بخشندگان آفریننده

البديع الذي ليس كمثله شيء والدائم غير الغافل

نو بدید آورنده که نیست مانند او چیزی و همیشه مرودان غیر

والحي الذي لا يموت انت كل يوم في شأن انت

و زنده که نمیرد هر روز در کاری

خليفة محمد وناصر محمد ومفضل محمد اسئلك ان

خلیفه محمد و یاور محمد و زیادتی دهنده محمد سؤال می کنم

نصره

تنصر وصي محمد والقائم بالقسط من اوصياء محمد

اینکه یاری کنی وصی محمد و جانشین محمد را که بر پاست بعدل از اوصیاء محمد

صلواتك عليه وعليهم لعطف عليهم نصرك

رحمتهای تو بر او و بر ایشان باد برگردان بر ایشان یاری خود را

يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت صل على

ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو بحق آنکه نیست اله الا انت رحمت فرست

محمد وال محمد واجعلني معهم في الدنيا والاخرة و

محمد و آل محمد و بگردان مرا با ایشان در دنیا و آخرت و

اجعل عاقبة امري الى غفرانك ورحمتك يا

بگردان آخر کار مرا بسوی آمرزش خود و بخشش خود ای

ارحم الراحمين وكذلك نسبت نفسك يا سيدي

بخشنده ترین بخشایندگان و همچنین نامیده ذات خود را ای آقای من

باللطيف بلى انك لطيف فصل على محمد وال محمد

بمهربانی آری بدرستیکه تو مهربانی پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد

والطف بي انك لطيف لما تشاء اللهم صل

و لطف کن با من بدرستیکه تو مهربانی بر آنچه را خواهی خداوندا رحمت فرست

على محمد وال محمد وارزقني الحج والعمرة في عامنا

بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا حج و عمره در سال

هذا وفي كل عام وتطول علي بجميع حوائجي للدنيا

این سال و در هر سال و احسان کن بر من بهمه حاجتهای من که به دنیا ...

بس اَستَغفِرُ اللهَ رَبّي وَاَتوبُ اِلَيهِ اِنَّ رَبّي قَريبٌ مُجيبٌ

بگو طلب آمرزش میکنم از خدا پروردگار خود و رجوع میکنم بسوی او بدرستیکه پروردگار من

اَستَغفِرُ اللهَ رَبّي وَاَتوبُ اِلَيهِ اِنَّ رَبّي رَحيمٌ وَدودٌ

طلب آمرزش میکنم خدا پروردگار خود را و بازگشت میکنم بسوی او بدرستیکه پروردگار من مهربان

اَستَغفِرُ اللهَ رَبّي وَاَتوبُ اِلَيهِ اِنَّهُ كانَ غَفّاراً

طلب آمرزش خدا پروردگار را و رجوع میکنم بسوی او بدرستیکه اوست آمرزگار

اَللّهُمَّ اغفِر لي اِنَّكَ اَنتَ اَرحَمُ الرّاحِمينَ رَبِّ اِنّي

خداوندا بیامرز مرا بدرستیکه تو بخشنده ترین بخشندگانی پروردگارا من

عَمِلتُ سوءً وَظَلَمتُ نَفسي فَاغفِر لي اِنَّهُ لا يَغفِرُ

کردم بدی و ستم کردم بنفس خود پس بیامرز مرا بدرستیکه نمی آمرزد گناهان

الذُّنوبَ اِلّا اَنتَ اَستَغفِرُ اللهَ الَّذي لا اِلهَ اِلّا

هیچ کس را مگر تو طلب آمرزش میکنم خدا را که نیست سزاوار پرستش مگر

هُوَ الحَيُّ القَيّومُ الحَليمُ العَظيمُ العَليمُ الكَريمُ الغَفورُ

او زنده پاینده بردبار بزرگ دانا بزرگوار آمرزنده

لِلذَّنبِ العَظيمِ وَاَتوبُ اِلَيهِ اَستَغفِرُ اللهَ اِنَّ اللهَ

گناه کار بزرگ و رجوع میکنم بسوی او طلب آمرزش میکنم بدرستیکه خدا

كانَ غَفوراً رَحيماً سه مرتبه اَللّهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ اَن

هست آمرزگار مهربان بگو خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو که

تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَللّهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ اَن

رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو

تضع

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی در آنچه حکم میکنی و مقدر میکنی

مِنَ الْأَمْرِ الْعَظِيمِ الْمَحْتُومِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ

از امر بزرگ واجب گردیده در شب قدر از آن حکمی

الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ

که بر گردانیده نشود و بدل کرده نشود اینکه بنویسی مرا از زمره حج کنندگان خانه

الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ

محترم تو که پسندیده شده حج ایشان شکر کرده شده سعی ایشان آمرزیده شده گناهان ایشان

الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ

محو کرده شده از ایشان بدیهای ایشان و اینکه بگردانی در آنچه حکم میکنی و مقدر میکنی

أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَتُوَسِّعَ رِزْقِي وَتُؤَدِّيَ عَنِّي أَمَانَتِي

اینکه دراز کنی عمر مرا و فراخ کنی روزی مرا و ادا کنی از جانب من امانت مرا

وَدَيْنِي آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فَرَجًا وَ

و قرض مرا بپذیر ای پروردگار جهانیان بار خدایا بگردان برای من گشایشی

مَخْرَجًا وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ

و بیرون شدنی و روزی ده مرا از جائی که گمان میبرم و از جائی که گمان نمیبرم

وَاحْرُسْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَرِسُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَرِسُ وَصَلَّى اللهُ

و نگاه دار مرا از جائی که خود را نگاه میدارم و از جائی که نگاه نمیدارم و رحمت فرستد خدا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا وَإِنْ شِئْتَ أَنْ

بر محمد و آل او و درود فرستد درود فرستادنی بسیار

معتبر از حضرت صادق منقولست سبحان الله بارئ
که در هر روز این ماه بخواند شد
پاکیزه خدا پروری
النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج
روح پاکست خدا نگارنده صورت پاکست خدا آفریننده انواع گونه
کلها سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان الله
همه آنها پاکست خدا شق کننده تاریکها در روشنائی پاکست خدا شکافنده دانه و هستها
خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا
آفریننده هر چیز پاکست خدا آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمی
یری سبحان الله مداد کلماته سبحان الله رب
شود پاکست خدا بقدر روشنائی کلمهای او پاکست خدا پروردگار جهان
العالمین سبحان الله السمیع الذی لیس شیء
جهانیان پاکست خدای شنوائی که نیست هیچ چیز
أسمع منه یسمع من فوق عرشه ما تحت سبع
شنواتر از او میشنود از بالای عرش آنچه را در زیر زمینها هفت گانه
ارضین و یسمع ما فی ظلمات البر والبحر و یسمع
و میشنود آنچه را که در تاریکیهای بیابان و دریا و میشنود
الانین والشکوی و یسمع السر والخفی و یسمع
ناله و شکایت را و میشنود هر رازی را و پنهان‌تر از رازها را
وساوس الصدور ولا یصم سمعه صوت
اندیشه‌های سینه‌ها را و کر نمیسازد گوش او را صدا

سبحان الله

سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ
پاک است خدا پدید آورنده ارواحان پاکست خدای که بخشنده صورتهاست پاکست
اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ
خدا آفریننده اصناف مخلوقات همه آنها پاکست خدا پدید آورنده ظلمت
وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ
و نور پاکست خدا شکافنده دانه خرما پاک است
اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا
خدا آفریننده هر چیزی پاک است خدا آفریننده آنکه دیده شود و آنکه
لَا يُرَى سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ
دیده نشود تنزیه میکنم خدا را مثل عدد کلمهای او پاکست خدا پروردگار
الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ الْبَصِيرِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَبْصَرَ
عالمیان پاکست خدای که بینا است که هیچ چیز بیناتر [illegible] از او
مِنْهُ يُبْصِرُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرَضِينَ وَ
می بیند از بالای عرش خود آنچه در زیر هفت زمین و
يَسْمَعُ مَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ
می شنود آنچه را در ظلمتهای بیابان و دریاست در نیابد او را دیدها
وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ لَا تَغْشَى بَصَرَهُ الظُّلْمَةُ وَلَا يُسْتَرُ
و او دقیق [illegible] آگاه نمی پوشد چیزی را از دیده او تاریکی و پوشیده
مِنْهُ بِسِتْرٍ وَلَا يُوَارِي مِنْهُ جِدَارٌ وَلَا يَغِيبُ عَنْهُ
از او بپرده و نمی پوشد از او دیواری و پنهان نیست از او

بَرٌّ وَلا بَحرٌ وَلا يَكِنُّ مِنهُ جَبَلٌ ما في اَصلِهِ وَلا قَلبُ

يا بيابانى ونه دريايى ونهان نميدارد كوهى آنچه را در بيخ اوست ونه دلى آنچه را

ما فيهِ وَلا جَنبٌ ما في قَلبِهِ وَلا يَستَتِرُ مِنهُ صَغيرٌ

كه در درون اوست ونه آنچه را در دل اوست وپوشيده نيست از وى خرد

وَلا كَبيرٌ وَلا يَخفىٰ عَنهُ شَيءٌ فِي الاَرضِ وَلا فِي السَّماءِ

ونه بزرگى وپنهان نيست بر او چيزى در زمين ونه در آسمان

هُوَ الَّذي يُصَوِّرُكُم فِي الاَرحامِ كَيفَ يَشاءُ لا اِلٰهَ اِلّا

اوست آنكه صورت ميكند شما را در رحمها هر روشى كه خواهد نيست خداى الا او

هُوَ العَزيزُ الحَكيمُ پس سه مرتبه سُبحانَ اللّٰهِ بارِئِ النَّسَمِ

او غالب درست كار پاكست خداى پديد آورنده ارواح

سُبحانَ اللّٰهِ خالِقِ الاَزواجِ كُلِّها سُبحانَ اللّٰهِ جاعِلِ

پاكست خداى آفريننده اصناف مخلوقات همه آنها پاكست خداى گرداننده

الظُّلُماتِ وَالنُّورِ سُبحانَ اللّٰهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوىٰ سُبحانَ

ظلمات ونور پاكست خداى شكافنده دانه وخرما پاكست

اللّٰهِ خالِقِ كُلِّ شَيءٍ سُبحانَ اللّٰهِ خالِقِ ما يُرىٰ وَما لا

خداى آفريننده هر چيزى پاكست خداى آفريننده آنچه ديده شود وآنچه ديده نشود

يُرىٰ سُبحانَ اللّٰهِ مِدادَ كَلِماتِهِ سُبحانَ اللّٰهِ رَبِّ العالَمينَ

تنزيه ميكنم خدا را مثل عدد كلمات او پاكست خداى پروردگار عالمها

سُبحانَ اللّٰهِ الَّذي يُنشِئُ السَّحابَ الثِّقالَ وَيُسَبِّحُ

پاكست خداى كه پديد مى آرد ابرهاى گران بار را وتسبيح ميكند

الرَّعدُ

الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ

رعد به پاکی او از ترس او از بیم او می و فرستد صاعقها را

فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَيُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ

پس برساند بآنها کرا خواهد بفرستد بادها را در حالتی که مژده دهنده اند پیش از

رَحْمَتِهِ وَيُرْسِلُ الْمَاءَ مِنَ السَّمَاءِ بِكَلِمَتِهِ وَيُنْبِتُ

رحمت او و بفرستد آبها از آسمان بکلمه خود و می رویاند

النَّبَاتَ بِقُدْرَتِهِ وَيُسْقِطُ الْوَرَقَ بِعِلْمِهِ سُبْحَانَ

گیاه را بتوانائی خود و بریزاند برگ درختان را بعلم خود پاک است

اللَّهِ الَّذِي لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ

خدای که پنهان نیست ازاو مقدار هرچه خوردی در زمین

وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَٰلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي

ونه در آسمان و نیست خوردتر از آن ونه بزرگتر مگر در

كِتَابٍ مُبِينٍ بس سرمنبر سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ

کتاب روشن پاک است خدا بیافریننده جان روح

سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ

پاک است خدای آفریننده صورت پاک است خدای آفریننده جفتها

كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ

همه آنها پاک است خدا خالق تاریکیها و روشنائی را پاک است خدا

فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ

شکافنده دانه [illegible] هستهای خرما پاک است خدا [illegible] کننده هر چیزی را

خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته

آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود پاکست خدا بشماره کلمهای او

سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي

پاکست خدا پروردگار عالمیان پاکست خدایی که

يعلم ما تحمل كل انثى وما تغيض الارحام وما

میداند آنچه بر میدارد در رحم هر زنی و آنچه کم میکند رحمها و آنچه

تزداد وكل شيء عنده بمقدار عالم الغيب و

بیفزاید آنرا رحمها و هر چیزی نزد او باندازه است دانای پنهان

الشهادة الكبير المتعال سواء منكم من اسر

و آشکار است بزرگست بلند مرتبه است یکسانست نزد او کسی از شما که پنهان دارد

القول ومن جهر به ومن هو مستخف بالليل و

سخن را و کسی که آشکار کند آن را و کسی که او پوشیده شده است در شب و

سارب بالنهار له معقبات من بين يديه ومن

رونده است به روز مر او راست فرشتگان که از پیش روی او و از پس او

خلفه يحفظونه من امر الله سبحان الذي يميت

نگاه میدارند او را از امر خدا پاکست خدایی که میراند

الاحياء ويحيي الموتى ويعلم ما تنقص الار

زندگان را و زنده میکند مردگان را و میداند آنچه کم میکند زمین

منهم وتقر في الارحام ما تشاء الى اجل مسمى

از ایشان و قرار میدهد در رحمها آنچه خواهد تا مدت معین

سبحان الله

پس سه مرتبه سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ

پاکست خدا پدید آورنده نسمها روح پاکست خدا

الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ

بخشنده صورت پاکست خدا آفریننده ازواج آفریننده گان همه آنها پاکست

جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَ

آفریننده ظلمتها و نور پاکست خدای شکافنده دانه و هستها

النَّوَى سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ

را پاکست خدای آفریننده هر چیز پاکست خدای آفریننده

مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ

آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود پاکست خدا شماره کلمهای پاکست

اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي

خدا پروردگار جهانیان پاکست خدا خداوند پادشاهی میدهی

الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ

پادشاهی را بانکه خواهی و میگیری پادشاهی را از انکه بخواهی و عزیز

مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى

آن را که بخواهی و خوار میسازی آن را که بخواهی بدست تست خیر بدرستیکه تو

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ

بر همه چیز توانائی در میآوری شب را در روز و در میآوری روز را

فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ

در شب و بیرون می آوری زنده را از مرده و بیرون میآوری مرده را

مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ پس سه مرتبه بگو

از زنده و روزی میدهی آن را که خواهی بی شمار

سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ

پاکست خدای پدید آورنده مردم روح پاکست خدای بخشنده صورت پاکست

اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ

خدا آفریننده انواع جفت همه آنها پاکست خدا آفریننده ظلمتها

وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللهِ

و نور پاکست خدا شق کننده دانه و هستهای خرما پاکست خدا

خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى

آفریننده هر چیز پاکست خدا آفریننده آنچه دیده شود یا نشود

سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

منزه میشمرم خدا را بمقدار کلمهای او پاکست خدا پروردگار جهانیان

سُبْحَانَ اللهِ الَّذِي عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا

پاکست خدایی که نزد اوست کلیدهای خزانهای غیب نمیداند

إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ

آنها را مگر او و میداند آنچه را که در خشکیست و دریاست و نمی افتد برگی

إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا

مگر که میداند آن را و نه دانه که بیفتد در تاریکیهای زمین و نه تر و نه

يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ پس سه مرتبه سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ

خشک مگر در کتاب روشن پاکست خدای پدید آورنده

النسم

الكَرِيم سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ المُصَوِّر سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ

پروردنده پاک است خدای صورت بخش پاک است خدای آفریننده

الأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ

ازواج مخلوقات همه آنها پاک است خدای سازنده تاریکیها و روشنی

سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ

پاک است خدای شکافنده دانه و هسته پاک است خدای آفریننده

مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ

آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود پاک است خدا بمقدار کلمات او پاک است خدا

رَبِّ العَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ الَّذِي لَا يُحْصِي مِدْحَتَهُ

پروردگار جهانیان پاک است خدائی که شمار نکنند ستایش او را

القَائِلُونَ وَلَا يَجْزِي بِآلَائِهِ الشَّاكِرُونَ وَهُوَ كَمَا قَالَ

گویندگان و جزا نتوانند داد بنعمتهای او سپاس گذارندگان و اوست چنانکه گفت

وَفَوْقَ مَا نَقُولُ وَاللهُ سُبْحَانَهُ كَمَا أَثْنَى عَلَى نَفْسِهِ

و بالاتر از آنچه ما میگوئیم و خدا پاک است او چنانکه ثنا گفت بر نفس خود

وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ

و فرا نمیگیرند چیزی از دانشهای او مگر بآنچه خواسته فرا گرفته کرسی

السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضَ وَلَا يَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ العَلِيُّ

آسمانها و زمین را و گران نمیکند او را نگاه داشتن آنها و اوست بلند مرتبه

العَظِيمُ سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ

بزرگ پاک است خدای بدید آورنده مردم

خالِقِ الصُّوَرِ سُبْحانَ اللهِ خالِقِ الْاَزْواجِ كُلِّها

آفریننده صورتها پاکست خدا آفریننده اقسام خلایق همه پاکست

سُبْحانَ اللهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ سُبْحانَ اللهِ

پاکست خدا آفریننده تاریکیها و نور پاکست خدا شکافنده

فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوى سُبْحانَ اللهِ خالِقِ كُلِّ شَيْءٍ

شکافنده دانه و هسته خرما پاکست خدا آفریننده هر چیزی

سُبْحانَ اللهِ خالِقِ ما يُرى وَما لا يُرى سُبْحانَ اللهِ

پاکست خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود پاکست خدا

مِدادَ كَلِماتِهِ سُبْحانَ اللهِ رَبِّ الْعالَمينَ سُبْحانَ اللهِ

شماره کلمهای او پاکست خدا پروردگار جهانیان پاکست خدا

الَّذي يَعْلَمُ ما يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَما يَخْرُجُ مِنْها وَما

که میداند آنچه را که داخل میشود در زمین و آنچه بیرون می‌آید از آن و آنچه

يَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَما يَعْرُجُ فيها عَمّا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ

فرود می‌آید از آسمان و آنچه بالا میرود در آن از آنچه داخل میشود در زمین

وَما يَخْرُجُ مِنْها وَلا يَشْغَلُهُ عِلْمُ شَيْءٍ عَنْ عِلْمِ شَيْءٍ

و آنچه بیرون می‌آید از آن باز نمیدارد او را دانش چیزی از دانش چیزی

وَلا يَشْغَلُهُ خَلْقُ شَيْءٍ عَنْ خَلْقِ شَيْءٍ وَلا حِفْظُ شَيْءٍ

و باز نمیدارد او را آفریدن چیزی از آفریدن چیزی و نه نگاهداشتن چیزی

عَنْ حِفْظِ شَيْءٍ وَلا يُساوِيهِ شَيْءٌ وَلا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ

از نگاهداشتن چیزی و برابر نیست او را چیزی و برابر نمی‌آید او را چیزی

وهو السميع

وهو السميع العليم پس سر رشته سبحان الله بارئ

واوست شنوای دانا پاکست خدای پدید آورنده

النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج

مردم روح پاکست خدای نگارنده پاکست خدای آفریننده جفتها

كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله

همه آنها پاکست خدای آفریننده ظلمتها و روز پاکست خدای شکافنده

فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان

دانه و هستهای خرما پاکست خدای آفریننده هر چیزی پاکست

الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد

خدای آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود تنزیه میکنم خدای را بشماره

كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله فاطر

سخنهای او پاکست خدای پروردگار عالمیان پاکست خدای خلق کننده

السموات والارض جاعل الملئكة رسلا اولي اجنحة

آسمانها و زمین گرداننده فرشتگان رسولان صاحبان بالها

مثنى وثلث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله

دو دو سه سه و چهار چهار می افزاید در آفرینش آنچه خواهد بدرستی که خدا

على كل شيء قدير ما يفتح الله للناس من رحمة فلا

بر هر چیز توانا است آنچه بگشاید خدای برای آدمیان از بخشش پس نیست

ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له من بعده وهو العزيز الحكيم

باز دارنده مران را و آنچه باز دارد پس نیست فرستنده مران را پس از وی و اوست غالب

سه مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ

پاکست خدای پدید آرنده مردمی روح پاکست خدای نگارنده

الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْاَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ

صورت پاکست خدای آفریننده از دو زوج همه اینهاست پاکست

اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ

خدای آفریننده ظلمتها و روز پاکست خدای شکافنده دانه

وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ

و هسته خرما پاکست خدای آفریننده هر چیز پاکست خدای آفریننده

مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ

آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود [illegible] خدای واسطه کلمتهای او

رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ

پروردگار جهانیان پاکست خدای که داند آنچه را در آسمانهاست

وَمَا فِي الْاَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلٰثَةٍ اِلَّا هُوَ

و آنچه در زمین است نباشد از راز گفتن مگر سه تن مگر او

رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ اِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا اَدْنَى

چهارم ایشان است و نه پنج مگر او ششم ایشان است و نه کمتر از

مِنْ ذٰلِكَ وَلَا اَكْثَرَ اِلَّا هُوَ مَعَهُمْ اَيْنَمَا كَانُوا ثُمَّ

و نه بیشتر از آن مگر او با ایشان است هر جا باشند پس

يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اِنَّ اللهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

خبر کند ایشان را بآنچه کردند روز قیامت بدرستی خدای بهر چیز داناست

وایضا

وایضاً مستحبّست که این صلوات را در روز جمعه در تمام سال بخوانند
إنّ الله وملائكته
بدرستی خدا و فرشتگان او

يصلّون على النبيّ يا ايّها الّذين آمنوا صلّوا عليه
درود میفرستند بر پیغمبر ای گروهی که گرویده اند رحمت بفرستید بر او

وسلّموا تسليما لبّيك يا ربّ وسعديك اللّهمّ صلّ
وسلام بفرستید درود فرستادنی میفرستیم برای فرمان تو ای پروردگار بار خدایا رحمت فرست

على محمّد وبارك على محمّد وآل محمّد كما صلّيت وباركت
بر محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانکه رحمت فرستادی و برکت دادی

على ابرهيم وآل ابرهيم انّك حميد مجيد اللّهمّ ارحم
بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستی تو ستوده بزرگواری خداوندا رحم کن

محمّدا وآل محمّد كما رحمت على ابرهيم وآل ابرهيم انّك
محمد و آل محمد را چنانکه رحم نمودی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستی تو

حميد مجيد اللّهمّ سلّم على محمّد وآل محمّد كما سلّمت
ستوده بزرگواری خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد چنانکه درود فرستادی

على نوح في العالمين اللّهمّ امنن على محمّد وآل محمّد
بر نوح در میان عالمیان خداوندا بخشش نما بر محمد و آل محمد

كما مننت على موسى وهرون اللّهمّ صلّ على محمّد
چنانکه بخشش نمودی بر موسی و هرون خداوندا رحمت فرست بر محمد

وآل محمّد كما هديتنا به اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد
و آل محمد چنانکه راه نمودی ما را بوی خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وابعثه مقاما محمودا يغبطه به الاولون والاخرون

ور انگیز اورا در جایگاه ستوده که رشک برند اورا بسبب آن پیشینان و پسینان

على محمد واله السلام كلما طلعت شمس او غربت

بر محمد و آل او باد درود هرگاه برآید آفتاب یا فرو رود

على محمد واله السلام كلما طرفت عين او برقت

بر محمد و آل او باد درود هرگاه برهم زند پلکها را دیده یا بجنبد

على محمد واله السلام كلما طرفة عين او ذرفت على

بر محمد و آل او باد درود هرگاه برهم زند پلکها را دیده یا اشک ریزد بر

محمد واله السلام كلما ذكر السلام على محمد واله

محمد و آل او باد درود هرگاه ذکر کرده شود سلام بر محمد و آل او

كلما سبح الله ملك او قدسه السلام على محمد

هرگاه تسبیح کند خدا را فرشته یا تنزیه کند اورا درود بر محمد

واله في الاولين السلام على محمد واله في الاخرين

و آل او باد در زمره پیشینان درود بر محمد و آل او باد در زمره پسینان

السلام على محمد واله في الدنيا والاخرة السلام

درود باد بر محمد و آل او باد در این جهان و آن جهان درود باد

على محمد واله ورحمة الله وبركاته اللهم رب

بر محمد و آل او باد و رحمت خدا و برکتهای او بار خدایا ای پروردگار

البلد الحرام ورب الركن والمقام ورب الحل و

بلد محترم و پروردگار رکن کعبه و مقام ابراهیم و پروردگار حل و

الحرام

الحرام ابلغ نبيك محمدا وآله عنا السلام اللهم

حرام برسان پیغمبر خود محمد وآل او را از ما درود خدایا

اعط محمدا من البهاء والسرور والنضرة والكرامة

ببخش محمد را از نیکوئی وشادی وتازگی وبزرگواری

والغبطة والوسيلة والمنزلة والمقام والشرف

وخوشحالی ووسیله ومرتبه وجایگاه وشرافت

والرفعة والشفاعة عندك يوم القيامة افضل

وبلندی وشفاعت کردن نزد تو در روز قیامت بهتر

ما تعطي احدا من خلقك واعط محمدا فوق ما تعطي

از آنچه عطا کنی یکی از خلق خود را وعطا کن محمد را بالای آنچه عطا

الخلائق من الخير اضعافا كثيرة لا يحصيها غيرك

کنی آفریدگان را از خیر اضعاف بسیار که شمار نکند آنها را غیر تو

اللهم صل على محمد وآل محمد اطيب واطهر وازكى

خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد پاکیزه تر وطاهر تر وپاکیزه تر

وانمى وافضل ما صليت على احد من الاولين

وافزایش کننده بهتر از آنچه رحمت فرستاده بر یکی از پیشینیان و

والآخرين وعلى احد من خلقك يا ارحم الراحمين

پسینیان وبر یکی از خلق خود ای بخشنده ترین بخشندگان

اللهم صل على محمد وعلي امير المؤمنين ووال من

خداوندا رحمت فرست بر محمد وعلی امیر مؤمنان ودوست دار آن را که

والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من

او را و دشمن دار آن را که دشمن داشته او را و چندان برابر کن عذاب را بر آنکه

شرك في دمه اللهم صل على فاطمة بنت نبيك ومحمد

شریک شد در خون او خداوندا رحمت بفرست بر فاطمه دختر پیغمبر تو محمد

عليه واله السلام والعن من اذى نبيك

بر او و آل او باد درود و دور کن از رحمت خود کسی را که آزرد پیغمبر ترا در

فيها اللهم صل على الحسن والحسين امامي المسلمين

باره خداوندا رحمت فرست بر حسن و حسین دو پیشوای مسلمانان

ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب

و دوست دار آن را که دوست دارد ایشان را و دشمن دار آن را که دشمن دارد ایشان را

على من شرك في دمهما اللهم صل على علي بن

بر آنکه شراکت نمود در خون ایشان خداوندا رحمت فرست بر علی پسر

الحسين امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه

حسین گردن نهندگان و دوست دار آن را و دشمن دار او را و مضاعف

وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل

کن عذاب را بر آنکه ستم کرده خداوندا رحمت بفرست

على محمد بن علي امام المسلمين ووال من والاه

بر محمد پسر علی پیشوای اطاعت نهندگان و دوست دار آن را که دوست دارد او را

وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه

و دشمن دار آن را که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر آنکه ستم کرده

اللهم

اللهم صل على جعفر بن محمد امام المسلمين و

خداوندا رحمت بفرست بر جعفر بن محمد پیشوای اطاعت کنندگان

وال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب

دوست دار این را که دوست دارد اورا و دشمن دار اورا که دشمن دارد اورا و

على من ظلمه اللهم صل على موسى بن جعفر

بر آنکه ستم کرده اورا خداوندا رحمت بفرست بر موسی بن جعفر

امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه

پیشوای مسلمانان و دوست دار آن را که دوست دارد اورا و دشمن دار اورا که دشمن دارد اورا

وضاعف العذاب على من شرك في دمه اللهم

اورا و مضاعف کن عذاب را بر آنکه شراکت نمود در خون او خداوندا

صل على علي بن موسى امام المسلمين ووال من

رحمت بفرست بر علی بن موسی پیشوای مسلمانان و دوست دار آن را

والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على

که دوست دارد اورا و دشمن دار آن را که دشمن دارد اورا و مضاعف کن عذاب را بر

من شرك في دمه اللهم صل على محمد بن علي

آنکه شراکت نمود در خون او خداوندا رحمت فرست بر محمد بن علی

امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه

پیشوای مسلمانان و دوست دار اورا که دوست دارد اورا و دشمن دار آن را

وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل

و مضاعف کن عذاب را بر آنکه ستم کرد اورا خداوندا رحمت فرست

عَلى عَلِيِّ بنِ مُحَمَّدٍ اِمامِ المُسلِمينَ وَوالِ مَن والاهُ وَ
بر علی پسر محمد پیشوای مسلمانان و دوست دار او را که دوست دارد او را
عادِ مَن عاداهُ وَضاعِفِ العَذابَ عَلى مَن ظَلَمَهُ
و دشمن دار او را که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر آنکه ستم کرد او را
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الخَلَفِ مِن بَعدِ اِمامِ المُسلِمينَ
خداوندا رحمت بفرست بر جانشین پس از پیشوای مسلمانان
وَوالِ مَن والاهُ وَعادِ مَن عاداهُ وَعَجِّل فَرَجَهُ
دوست دار او را که دوست دارد او را و دشمن دار او را که دشمن دارد او را و تعجیل کن گشایش او را
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى القاسِمِ وَالطّاهِرِ ابنَي نَبِيِّكَ
خداوندا رحمت بفرست بر قاسم و طاهر دو پسر پیغمبر خود
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى رُقَيَّةَ بِنتِ نَبِيِّكَ وَالعَن
خداوندا رحمت فرست بر رقیه دختر پیغمبر خود و لعنت کن
مَن اَذى نَبِيَّكَ فيها اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى اُمِّ كُلثومٍ
آن را که آزار رسانید پیغمبر ترا در باره او خداوندا رحمت بفرست بر ام کلثوم
بِنتِ نَبِيِّكَ وَالعَن مَن اَذى نَبِيَّكَ فيها
دختر پیغمبر خود و لعنت کن آن را که آزار رسانید پیغمبر ترا در باره او
اَللّٰهُمَّ اخلُف نَبِيَّكَ في اَهلِ بَيتِهِ اَللّٰهُمَّ
خداوندا خلیفه باش پیغمبر خود را در اهل خانه او خداوندا
مَكِّن لَهُم فِي الاَرضِ اَللّٰهُمَّ اجعَلنا مِن عَدَدِهِم
جای ده ایشان را در زمین خداوندا بگردان ما را از شماره ایشان

ومددهم

وَمَدَدِهِمْ وَاَنْصَارِهِمْ عَلَى الْحَقِّ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ

و یاوران ایشان و یاری نمایندگان ایشان بر حق در نهان و در آشکار

اَللّٰهُمَّ اطْلُبْ بِذُحُولِهِمْ وَوِتْرِهِمْ وَدِمَائِهِمْ وَكُفَّ

خداوندا طلب کن کینه‌های ایشان را و خون ایشان را و خونهای ایشان را و باز دار

عَنَّا وَعَنْهُمْ وَعَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ بَأْسَ كُلِّ بَاغٍ

از ما و از ایشان و از هر مرد گرونده و زن گرونده دلیری ستم کننده

وَطَاغٍ وَكُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّكَ اَنْتَ

و از حد در گذرنده و هر جنبنده را که تو گیرنده موی پیش سر او را بدرستی که تو

اَشَدُّ بَأْسًا وَاَشَدُّ تَنْكِيلًا و در اقبال بعد

توانا تر از روی عذاب کشیدن و توانا تر از روی عذاب کشیدن از نسخهای دیگر

دعا از حضرت علی بن الحسین تا حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بجای من ظلمه چنین است که علی من شرک فی دمه و از جمله دعاهای هر روز ماه مبارک دعائیست که سید ابن طاوس فضیلت بسیار از جهة آن روایت کرده و بر مضامین عالیه مشتمل است اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا

خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه

اَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ

امر کردی مرا پس اجابت کن برای من چنانچه وعده نمودی مرا خداوندا

اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِاَبْهَاهُ وَكُلُّ بَهَائِكَ بَهِيٌّ

بدرستی که من سؤال میکنم از تو از روشنیهای تو بروشن‌ترین آن و همه روشنی تو روشن است

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِبَهائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا به بهائی تو همه آن خداوندا بدرستی که من

اَسْئَلُكَ مِنْ جَلالِكَ بِاَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلالِكَ جَلیلٌ

سؤال میکنم ترا از بزرگواری تو بزرگوارترین آن و همه بزرگواری تو بزرگوار است

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِجَلالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بزرگواری تو همه آن خداوندا بدرستی که من

اَسْئَلُكَ مِنْ جَمالِكَ بِاَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمالِكَ جَمیلٌ

سؤال میکنم از تو به نیکوئی تو به نیکوترین آن و همه نیکوئی تو نیکوست

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِجَمالِكَ كُلِّهِ پس سه مرتبه بگویند

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو به نیکوئی تو همه آن

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی

خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس اجابت کن مرا چنانچه وعده کردی مرا

پس بگویند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از بزرگی تو به

عْظَمِها وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظیمَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

بزرگترین آن و همه بزرگی تو بزرگ است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا به بزرگی تو

بِعَظَمَتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِاَنْوَرِهِ

بزرگی تو همه آن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از نور تو به روشنترین آن

وَكُلُّ نُورِكَ نَیِّرٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ

و همه نور تو روشن است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا به نور تو همه آن خداوندا

اِنّی

إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا وَكُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ

بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از رحمت تو بفراگیرنده‌ترین آن و رحمت تو فراگیرنده است

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا پس سه مرتبه بگوید

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا برحمت تو همه آن

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا چنانچه امر کردی مرا پس بپذیر برای من چنانچه وعده دادی مرا

پس بگوید اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمَالِكَ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از صفت کمال تو بکاملترین آن

كَامِلٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي

کامل است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بکمال تو همه آن خداوندا بدرستیکه

أَسْئَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِأَتَمِّهَا وَكُلُّ كَلِمَاتِكَ تَامَّةٌ

سؤال میکنم از تو کلمه‌های تو بتمامترین آنها و هر یک از کلمه‌های تو تمام است

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ إِنِّي

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بکلمه‌های تو هر یک از آنها خداوندا بدرستیکه

أَسْئَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا وَكُلُّ أَسْمَائِكَ

سؤال میکنم ترا از نامهای تو ببزرگترین آنها و هر یک از نامهای تو

كَبِيرَةٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا پس سه

بزرگست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بنامهای تو هر یک از آنها

مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي

خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه فرمان داری مرا پس اجابت کن مرا

كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسئلك من عزتك

پس چنانکه وعده کردی خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از عزت تو

باعزها وكل عزتك عزيزة اللهم اني اسئلك بعزتك

بارجمندترین آن و همه عزت از تو ارجمند است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بعزت

كلها عزتك اللهم اني اسئلك بعزتك كلها اللهم

همه آن ارجمند است خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا بعزت تو همه آن خداوندا

اني اسئلك من مشيتك بامضاها وكل مشيتك

بدرستی که من سؤال میکنم ترا از خواستن تو بگذرنده‌ترین و همه خواستن تو

ماضية اللهم اني اسئلك بمشيتك كلها

گذرنده است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بخواستن تو همه آن

اللهم اني اسئلك اني اسئلك من قدرتك با

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از قدرت تو

لقدرة التي استطلت بها على كل شيء وكل قدرتك

قدرت آنکه استیلا داری با آن بر همه چیز و همه قدرت تو

مستطيلة اللهم اني اسئلك بقدرتك كلها

مستولی است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بقدرت تو همه آن

سه مرتبه اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي

خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن مرا

كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسئلك من علمك

چنانکه وعده نمودی مرا خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از علم تو

بانفذه

بانفذه وکل علمک نافذ اللهم انی اسئلک

برواترین آن و هر علم تو رواست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

بعلمک کله اللهم انی اسئلک بعلمک کله

بعلم تو بر همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بعلم تو بر همه آن

اللهم انی اسئلک من قولک بارضاه وکل

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از گفتار تو پسندیده ترین آن و هر

قولک رضی اللهم انی اسئلک بقولک کله

گفتار تو پسندیده است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بگفتار تو همه آن

اللهم انی اسئلک من مسائلک باحبها الیک

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از مسئلهای تو بدوست داشته ترین آن بسوی تو

وکل مسائلک حبیبة الیک اللهم انی اسئلک

بسوی تو و همه مسئلهای تو دوست داشته شده است بسوی تو خداوندا بدرستیکه من سؤال

من مسائلک باحبها الیک وکل مسائلک

از مسئلهای تو بدوست داشته ترین آنها بسوی تو و همه مسئلهای تو

حبیبة الیک اللهم انی اسئلک بمسائلک

دوست داشته شده است بسوی تو خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بمسئلهای تو

کلها پس سه مرتبه اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب

همه آنها خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن

لی کما وعدتنی پس بگوید اللهم انی اسئلک من شرفک

برای من چنانکه وعده دادی مرا خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از بزرگواری تو

بِأَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَرِيفٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بزرگوارترین آن و همه بزرگواری تو بزرگوار است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا

مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَكُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ اَللّٰهُمَّ

از سلطنت تو همیشه‌ترین آن و همه سلطنت تو همیشه است خداوندا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بدرستی که سؤال میکنم ترا بسلطنت تو همه آن خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا

مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فَاخِرٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي

از ملک و عظمت عظیم‌ترین آن و همه عظمت تو عظیم است خداوندا بدرستی که

أَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ پس سه مرتبه اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ

سؤال میکنم ترا بعظمت همه آن خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا

كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ إِنِّي

چنانچه امر کردی مرا پس اجابت کن برای من چنانچه وعده فرمودی خداوندا بدرستی که من

أَسْأَلُكَ مِنْ عُلُوِّكَ بِأَعْلَاهُ وَكُلُّ عُلُوِّكَ عَالٍ اَللّٰهُمَّ

سؤال میکنم ترا از بلندی تو بلندترین آن و همه بلندی تو بلند است خداوندا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعُلُوِّكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بدرستی که سؤال میکنم ترا به بلندی تو همه آن خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا

مِنْ مَنِّكَ بِأَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ قَدِيمٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي

از انعام تو بدیرینه‌ترین آن و همه انعام که دیرینه است بار خدایا بدرستی که

أَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَا

سؤال میکنم ترا بانعام تو همه آن بار خدایا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از شأن بهای قدرت

ماعندها

بأعجبها وكل آياتك عجيبة اللهم اني اسئلك با

خداوندا درخواست میکنم از تو بشگفت‌ترین آیتهای تو و هر یک از آیتهای تو بشگفت

ياتك كلها سه مرتبه اللهم اني ادعوك كما امرتني

بآیتهای تو همه آن   خداوندا بدرستیکه میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس

فاستجب لي كما وعدتني سه مرتبه اللهم اني اسألك

اجابت کن برای من آنچه وعده نمودی مرا   بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

من فضلك بأفضله وكل فضلك فاضل اللهم

از فضل تو بفضل‌ترین آن و هر یک از فضل تو افزون   خداوندا

اني اسئلك بفضلك كله اللهم اني اسئلك

بدرستیکه من سوال میکنم ترا بفضل تو همه آن   خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

من رزقك بأعمه وكل رزقك عام اللهم اني اسئلك

از روزی تو بعام‌ترین آن و هر روزی تو فراگیرنده است   خداوندا بدرستیکه

برزقك كله اللهم اني اسئلك من عطائك باهنئه

ترا بروزی تو همه آن   خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از بخشش تو بگواراترین

وكل عطائك هنيء اللهم اني اسئلك من خيرك

و هر بخشش تو گوارا است   خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از خیر تو

بأعجله وكل خيرك عاجل اللهم اني اسئلك بخيرك

بشتابنده‌ترین آن و هر خیر تو شتابنده است   خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بخیر تو

كله اللهم اني اسئلك من احسانك باحسنه وكل

همه آن   خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر

احسانك حسن اللهم انى اسئلك باحسانك كله

و احسان تو نیکوست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا باحسان تو همه آن

اللهم انى اسئلك بما تجيبنى حين ادعوك فاجبنى

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بآنچه اجابت میکنی مرا بسبب آن وقتیکه بخوانم ترا پس اجابت کن مرا

يا الله نعم دعوتك يا الله اللهم انى اسئلك بما

ای خداوند بلی خواندم ترا ای خدا خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم بآنچه

انت فيه من الشؤن والجبروت اللهم انى اسئلك

تو در آنی از کارها و بزرگواری خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم

بكل شأن وجبروت اللهم انى اسئلك بشأنك و

بهر کاری و بزرگواری خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بکار تو و

جبروتك كلها اللهم انى اسئلك بما تجيبنى به

بزرگواری تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بآنچه اجابت میکنی مرا بآن

حين اسئلك به فاجبنى يا الله صل على محمد وآل

هنگامیکه سؤال میکنم ترا بآن پس اجابت کن مرا ای خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل

محمد پس هر حاجت که داری اللهم صل على محمد وآل

بطلب پس بگو

محمد خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل

محمد وابعثنى على الايمان بك والتصديق برسولك

محمد و برانگیز مرا بر ایمان بتو و باور داشتن رسول ترا

والولاية لعلى بن ابى طالب والائتمام بالائمة

و دوستی علی ابن ابی طالب علیه السلام و پیروی کردن بامامان از

مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ اَعْدَائِهِمْ فَاِنِّي قَدْ رَضِيتُ بِذٰلِكَ

از خاندان محمد و بیزاری از دشمنان ایشان پس بدرستی من تحقیق که خوشنودم بآن

يَا رَبَّاهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ

ای پروردگار من خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و سؤال میکنم از تو بهترین نیکی را

رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ

خوشنودی ات و بهشت و پناه میبرم بتو از بدترین بدی که غضب است

وَالنَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي مِنْ

و آتش خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و نگاه دار از هر آزار

مُصِيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عُقُوبَةٍ وَمِنْ كُلِّ

هر مصیبت و از هر رنجی و از هر عقوبتی و از هر آشوبی

فِتْنَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ

و از هر بلائی و از هر گزندی و از هر ناخوشی

وَمِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ اَمْرٍ نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

و از هر مصیبتی و از هر کاری که فرود آمده یا فرود آید از آسمان

اِلَى الْاَرْضِ فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ

بسوی زمین در این ساعت و در این شب

وَفِي هٰذِهِ الشَّهْرِ وَفِي هٰذَا السَّنَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و در این ماه و در این سال خداوندا رحمت

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لِي مِنْ كُلِّ سُرُورٍ وَمِنْ كُلِّ

بر محمد و آل محمد و بخش برای من از هر شادی و از هر

بهجة ومن كل استقامة ومن كل فرج ومن كل

هر شکوهی و از هر ایستادگی و از هر گشایش و از هر

عافية ومن كل سلامة ومن كل كرامة ومن كل

عافیت و از هر سلامتی و از هر نوازشی و از هر

رزق واسع حلال طيب ومن كل نعمة ومن كل حسنة

روزی فراخ حلال پاکیزه و از هر نعمت و از هر نیکوئی

نزلت أو تنزل من السماء إلى الأرض في هذه الساعة

فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی زمین در این ساعت و در این

وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر

و در این شب و در این روز و در این ماه

في هذه السنة اللهم إن ذنوبي قد أخلقت وجهي

و در این سال خداوندا اگر بوده باشد گناهان من کهنه کرده باشد

عندك وحالت بيني وبينك أو غيرت حالي عندك

روی مرا نزد تو و حایل شده باشد میان من و میان تو یا تغییر داده باشد

فإني أسألك بنور وجهك الكريم الذي لم يطفأ

حال مرا نزد تو پس بدرستی که سؤال میکنم بنور ذات بزرگوار تو که فرو نشانده نشد

وبوجه حبيبك محمد المصطفى وبوجه وليك

و بجاه دوست تو محمد برگزیده و بجاه دوست تو

علي المرتضى وبحق أوليائك الذين انتجبتهم أن

علی پسندیده و بحق دوستان تو که برگزیدی ایشان را

بفضلك

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ

رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بیامرزی برای من و پدر و مادر من و

مَا وَلَدَا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَمَا تَوَالَدُوا

و آنکه زاینده اند ایشان و برای مردان گرویده و زنان گرویده و آنکه زاییده اند

ذُنُوبَنَا كُلَّهَا صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا وَأَنْ تَخْتِمَ لَنَا بِا

ایشان گناهان ما را همه گناهان را خرد آنها و بزرگ آنها را و آنکه ختم کنی برای

لصَّالِحَاتِ وَأَنْ تَقْضِيَ لَنَا الْحَاجَاتِ وَالْمُهِمَّاتِ

کردارهای نیک و آنکه روا کنی برای ما حاجتها را و کارهای سخت را و بگیرد

وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

از دعا و سؤال را پس بپذیر برای ما بحق محمد

وَآلِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ آمِينَ آمِينَ

و آل او خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد بپذیر بپذیر

مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

آنچه خواسته خدا بشود نیست قدرتی و نه توانائی مگر به خدای

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ

پاک است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه میگویند و درود

عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ پس دستها

بر فرستادگان و ستایش مر خدای را که پروردگار جهانیان بجانب

آسمان بلند کن و مثل ده کردنت را ببوسی دوش

خیب خود و گو نه بکن و اکن یَا اَللهُ یَا لَا اِلٰهَ اِلَّا
بنماید خود را نگر به ما دیگو ای الٰه نیست سزاوار پرستش مگر
اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ عَظِيمٌ بِلَا اِلٰهَ
تو در میخواهم از تو بحق اگر از حق او بزرگ است با الٰه
اِلَّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِبَهَاءِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ
را است سؤال میکنم از تو بنزرگواری لا الٰه الا انت بحکم
بِجَلَالِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
بشکوه لا الٰه الا انت ای الٰه نیست سزاوار پرستش مگر تو
اَسْئَلُكَ بِجَمَالِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا
سؤال میکنم ترا بر خجستگی لا الٰه الا انت ای الٰه نیست خدا مگر
اَنْتَ بِكَمَالِ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِعِزِّ
تو بتمامی لا الٰه الا انت ای الٰه نیست خدائی مگر تو سؤال میکنم بعزت
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ
لا الٰه الا انت ای الٰه نیست خدائی مگر تو سؤال میکنم
بِعَظَمَةِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
ببزرگی لا الٰه الا انت ای الٰه نیست خدائی مگر تو
اَسْئَلُكَ بِقَوْلِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ
سؤال میکنم ترا بوسیله گفتن لا الٰه الا انت ای الٰه نیست
اِلَّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِشَرَفِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
مگر تو سؤال میکنم ترا به بلندی لا الٰه الا انت

يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِعَلاءِ لا اِلٰهَ اِلّا

اى انكه نيست خدائى مگر تو سؤال ميكنم ترا به بلندى لا اله الا

اَنْتَ يا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِلا اِلٰهَ اِلّا

انت اى انكه نيست خدائى مگر تو سؤال ميكنم ترا بلا اله الا

اَنْتَ يا رَبّاهُ يا رَبّاهُ اِنقدر بگويد كه ملك نفس وفا
كند بهمان خالقى كه بوده كرده

انت اى الهى اى پروردگار

كج كرده لبوى دوش چپ اَسْئَلُكَ يا سَيِّدى
كس بگويد يا الله يا رَبّاهُ انقدر سؤال ميكنم ترا اى آقاى من
بگويد كه يكنفس وفا كند پس يا سَيِّداهُ يا مَوْلاهُ يا

اى بزرگ اى آقا اى

غِياثاهُ يا مَلْجاهُ يا مُنْتَهىٰ غايَةِ رَغْبَتاهُ يا اَرْحَمَ

فريادرس اى پناه اى منتهى نهايت خواهش [illegible] بخشاينده‌ترين

الرّاحِمينَ اَسْئَلُكَ فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ شَىْءٌ وَاَسْئَلُكَ

بخشايندگان سؤال ميكنم از تو كه نيست مانند تو هيچ چيز وسؤال ميكنم

بِكُلِّ دَعْوَةٍ مُسْتَجابَةٍ دَعاكَ بِها نَبِىٌّ مُرْسَلٌ اَوْ

بهر دعاى پذيرفته كه خوانده ترا بان پيغمبر مرسل يا

مَلَكٌ مُقَرَّبٌ اَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ اِمْتَحَنْتَ قَلْبَهُ

فرشته مقرب يا بنده گرونده كه ازموده دل او را

لِلْاِيمانِ وَاسْتَجَبْتَ دَعْوَتَهُ مِنْهُ وَاَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ

براى ايمان و پذيرفتى دعاى او را از او و روى مى آورم بتو

مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَاُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي يَا
برسول محمد پیغمبر تو پیغمبر رحمت و پیش میدارم اورا در پیش حاجتهای خود ای
مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي اَتَوَجَّهُ بِكَ
محمد ای رسول خدا فدای تو باد پدر و مادر من روی آوردم بوسیله تو
اِلَى اللّٰهِ وَاِلَى رَبِّكَ وَرَبِّي وَاُقَدِّمُكَ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي
بسوی خدا و بسوی پروردگار تو و پروردگار من و پیش میدارم ترا پیش حاجتهای خود
يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ اَسْئَلُكَ بِكَ فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ
ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار سؤال میکنم ترا بحق تو پس نیست مانند تو
شَيْءٌ وَاَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ وَبِعِتْرَتِهِ
هیچ چیز و روی آوردم بسوی تو بوسیله محمد دوست تو و بوسیله عترت او آنانکه
الْهَادِيَةِ وَاُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَاَسْئَلُكَ
که راه نمایند و پیش میدارم ایشان را پیش حاجتهای خود و سؤال میکنم ترا
بِحَيَاتِكَ الَّتِي لَا تَمُوتُ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي لَا
بحق زندگی تو که زایل نمیگردد و بروشنائی ذات تو که فرو نشیند
يُطْفَاءُ وَبِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ
نشود و بدیده تو که نمی خوابد و سؤال میکنم ترا بحق آنکه
مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ عَظِيمٌ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
از حق اوست بر تو عظیم است آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَبَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَعَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ
محمد پیش هر چیزی و پس از هر چیزی و بشماره هر چیزی و

ودر

وَزِنَةَ كُلِّ شَيْءٍ وَمِلْأَ كُلِّ شَيْءٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

وسنجش هر چیزی و پری هر چیزی خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا

اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُصْطَفٰى وَرَسُولِكَ

اگر رحمت فرستی بر محمد بنده برگزیده تو و رسول

الْمُرْتَضٰى وَاَمِينِكَ الْمُصْطَفٰى وَنَجِيبِكَ دُونَ خَلْقِكَ

پسندیده تو و معتمد برگزیده تو و اختیار کرده شده تو نزد خلق تو

وَحَبِيبِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَجْمَعِينَ الْبَشِيرِ

و دوست تو و اختیار کرده شده از خلق تو همه بشارت دهنده

النَّذِيرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ وَعَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ

مژده دهنده چراغ روشن و بر خاندان او که پاکیزگان

الطَّاهِرِينَ الْمُطَهَّرِينَ الْاَخْيَارِ الْاَبْرَارِ وَعَلٰى

پاکان پاک کرده گان برگزیدگان نیکوکارانند و بر

مَلٰئِكَتِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ

فرشتگان تو که خالص گردانیده ایشان را برای ذات خود

حَجَبْتَهُمْ عَلٰى خَلْقِكَ وَعَلٰى اَنْبِيَائِكَ الَّذِينَ يُنْبِئُونَ

و باز داشتی ایشان را از خلق خود و بر پیغمبران تو که خبر دهند

بِالصِّدْقِ عَنْكَ وَعَلٰى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ

براستی از تو و بر بندگان شایسته تو که داخل کرده

اَدْخَلْتَهُمْ فِي رَحْمَتِكَ مَعَ الْاَئِمَّةِ الْمُهْتَدِينَ

ایشان را در رحمت خود با پیشوایان هدایت یافته

اَلرَّاشِدِينَ الْمُطَهَّرِينَ وَعَلَى جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَ
اِسْرَافِيلَ وَمَلَكِ الْمَوْتِ رِضْوَانَ خَازِنِ الْجَنَّةِ
وَمَالِكٍ خَازِنِ النَّارِ وَرُوحِ الْقُدُسِ وَحَمَلَةِ الْعَرْشِ
وَمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ وَعَلَى الْمَلَكَيْنِ الْحَافِظَيْنِ عَلَى الصَّلٰوةِ
الَّتِي يُحِبُّ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ صَلٰوةً كَثِيرًا طَيِّبَةً مُبَارَكَةً
زَاكِيَةً نَامِيَةً طَاهِرَةً شَرِيفَةً فَاضِلَةً تُبَيِّنُ بِهَا
فَضْلَهُمْ عَلَى الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ
اَنْ تَسْمَعَ صَوْتِي وَتُجِيبَ دَعْوَتِي وَتَغْفِرَ ذُنُوبِي وَ
تُنْجِحَ طَلِبَتِي وَتَقْضِيَ حَاجَاتِي وَتَقْبَلَ قِصَّتِي وَ
تُنْجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَتُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَتُجَاوِزَ عَنْ

حطی

خَطِيئَتِي وَتَصْفَحَ عَنْ ظُلْمِي وَتَعْفُوَ عَنْ جُرْمِي وَتُقْبِلَ

خطای من و درگذری از ستم من و عفو کنی از گناه من و رو آوری

عَلَيَّ وَلَا تُعْرِضَ عَنِّي وَتَرْحَمَنِي وَلَا تُعَذِّبَنِي وَتُعَا

بر من و رو برنگردانی از من و رحم کنی مرا و عذاب نکنی مرا و عافیت دهی

وَلَا تَبْتَلِيَنِي وَتَرْزُقَنِي مِنْ أَطْيَبِ الرِّزْقِ وَأَوْسَعِهِ

و مبتلا نسازی مرا و روزی دهی مرا از پاکیزه‌ترین روزیها و فراخ‌ترین

وَأَهْنَئِهِ وَأَمْرَئِهِ وَأَسْبَغِهِ وَأَكْثَرِهِ وَلَا تَحْرِمَنِي

آن و گواراترین آن و نیکوترین آن و رساترین آن و بیشترین آن

يَا رَبِّ النَّظَرَ إِلَى وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ

ای پروردگار من از نگریستن بسوی ذات بزرگوار تو و رستگاری بهشت

وَالْعِتْقَ مِنَ النَّارِ وَاقْضِ عَنِّي يَا رَبِّ دَيْنِي وَأَمَا

و آزادی از آتش و قضا کن از من ای پروردگار قرض مرا و امانت

وَضَعْ عَنِّي وِزْرِي وَلَا تُحَمِّلْنِي مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ يَا

و بگذار از من بار گناهان و بار مکن مرا آنچه طاقت ندارم آن را ای

مَوْلَايَ وَأَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا

صاحب اختیار من و درآور مرا در هر نیکی که درآوردی در آن محمد

وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَهُمْ مِنْهُ

و آل محمد را و بیرون کن مرا از هر بدی که بیرون آوردی ایشان را

لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي الدُّنْيَا

و جدائی میفکن میانه من و میانه ایشان بقدر بر هم زدن چشم در دنیا

وَالْآخِرَةِ پس سه مرتبه اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِی

و آن جهان   خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانچه امر کرده

فَاسْتَجِبْ لِی كَمَا وَعَدْتَنِی پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُكَ

پس بپذیر دعای مرا چنانچه وعده فرمودی مرا   خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم

قَلِیلًا مِنْ كَثِیرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِی اِلَیْهِ عَظِیمَةٍ وَغِنَاكَ

اندکی از بسیار با نیازمندی من بسوی آن نیازمندی بزرگ و بی نیازی تو

عَنْهُ قَدِیمٌ وَهُوَ عِنْدِی كَثِیرٌ وَهُوَ عَلَیْكَ سَهْلٌ

ازان دیرینه و آن نزد من بسیار است و آن بر تو سهل

یَسِیرٌ فَامْنُنْ بِهِ عَلَیَّ اِنَّكَ عَلَی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اَللّٰهُمَّ

و اندک است پس بخشش کن بان بر من بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی خداوندا

از جمله دعاهای

بِرَحْمَتِكَ فِی الصَّالِحِینَ فَاَدْخِلْنَا وَفِی عِلِّیِّینَ فَارْفَعْنَا

برحمت خود در زمره نیکوکاران پس در آور ما را در علیین پس بلند کن ما را

وَبِكَاْسٍ مِنْ مَعِینٍ مِنْ عَیْنٍ سَلْسَبِیلٍ فَاسْقِنَا وَمِنَ

و بجامی از شراب جاری از چشمه سلسبیل بیاشام ده ما را و از

الْحُورِ الْعِینِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَمِنَ الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِینَ

حوریان فراخ چشم برحمت خود پس زن ده ما را و از کودکان جاوید

كَاَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ فَاَخْدِمْنَا وَمِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ

که گویا ایشان مروارید پوشیده اند پس خادم بخش ما را و از میوه های بهشت

وَلُحُومِ الطَّیْرِ فَاَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِیَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِیرِ

و گوشتهای مرغ پس بخوران ما را و از جامهای دیبای نازک و ابریشم

والاستبرق

وَالاِسْتَبْرَقِ فَالْبِسْنا وَلَیْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَیْتِکَ

دو بیای سطبر پس بپوشان مارا و برای دریافت شب قدر و حج خانه

الْحَرامِ وَقَتْلاً فی سَبیلِکَ مَعَ وَلِیِّکَ فَوَفِّقْ لَنا وَصالِحَ

محترم خود و کشته شدن در راه قرب خود با دوستان خود پس توفیق ده

الدُّعاءِ وَالْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنا یا خالِقَنا اسْمَعْ

از دعا و سؤال را پس بپذیر برای ما ای آفریننده ما بشنو

وَاسْتَجِبْ لَنا وَاِذا جَمَعْتَ الْاَوَّلینَ وَالْآخِرینَ

و اجابت مارا و هرگاه جمع کنی پیشینیان و پسینان را در روز

یَوْمَ الْقِیامَةِ فَارْحَمْنا وَبَراءَةً مِنَ النّارِ وَاَماناً

رستخیز پس رحم کن مارا و بیزاری از آتش جهنم و ایمنی

مِنَ الْعَذابِ فَاکْتُبْ لَنا وَفی جَهَنَّمَ وَلا تَجْعَلْنا وَمَعَ

از عذاب پس بنویس برای ما و در دوزخ پس مگردان مارا و با

الشَّیاطینِ فِی النّارِ فَلا تَقْرِنّا وَفی هَوانِکَ وَ

دیوان پلید در آتش پس قرین مساز مارا و در خواری از خود و

عَذابِکَ فَلا تُقَلِّبْنا وَمِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّریعِ فَلا

عذاب خود پس مگردان مارا و از میوه زقوم و خوار خشک ابر دار پس

تُطْعِمْنا وَفِی النّارِ عَلی وُجُوهِنا فَلا تَکُبَّنا وَمِنْ

مخوران مارا و در آتش بر روهای ما پس میفکن مارا و از جامه

ثِیابِ النّارِ وَسَرابیلِ الْقَطِرانِ فَلا تُلْبِسْنا وَمِنْ

جامهای آتش و پیراهنهای قطران پس مپوشان مارا و از

كُلِّ سُوْءٍ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ بِحَقِّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

هر بدی ای آنکه سزاوار پرستش نیست مگر تو بحق لا اله الا انت

فَنَجِّنَا اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ وَلَمْ يُسْئَلْ مِثْلُكَ وَ

پس برهان خداوندا بدرستیکه من درمیخواهم از تو و درخواسته نشده است مانند تو

اَرْغَبُ اِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ اِلٰى مِثْلِكَ يَا رَبِّ اَنْتَ

رغبت میکنم بسوی تو و رغبت کرده نشده است بسوی مثل تو ای پروردگار

مَوْضِعُ مَسْئَلَةِ السَّائِلِيْنَ وَمُنْتَهٰى رَغْبَةِ الرَّاغِبِيْنَ

جایگاه سؤال درخواهندگانی و منتهای رغبت خواهشمندان

اَسْئَلُكَ اَللّٰهُمَّ بِاَفْضَلِ اَسْمَائِكَ كُلِّهَا وَاَنْجَحِهَا يَا اَللّٰهُ

درمیخواهم از تو خداوندا به بهترین نامهای تو همه آنها و فیروزترین آنها [illegible]

يَا رَحْمٰنُ بِاسْمِكَ الْمَخْزُوْنِ الْمَصُوْنِ الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الْاَعْظَمِ

ای بخشنده [illegible] بنام تو آن نامی پنهان و نگاهداشته شده است ارجمندتر بزرگوارتر

اَلَّذِیْ تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ وَتَرْضٰى عَمَّنْ دَعَاكَ بِهٖ وَتَسْتَجِيْبُ

آن نامی که دوست میداری آنرا و میخواهی آنرا و خوشنود میشوی از آنکه

لَهٗ دُعَاءَهٗ وَحَقٌّ عَلَيْكَ يَا رَبِّ اَنْ لَا تَحْرِمَ سَائِلَكَ

میخواند ترا بآن و میپذیری برای او دعای او را و سزاوار است بر تو ای پروردگارم آنکه

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ دَعَاكَ بِهٖ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بهر نامی که آن برای تست خواند ترا بآن

عَبْدٌ هُوَ لَكَ فِیْ بَرٍّ اَوْ بَحْرٍ اَوْ سَهْلٍ اَوْ جَبَلٍ اَوْ عِنْدَ

بنده که او برای تست در خشکی یا دریا یا زمین هموار یا کوه یا نزد

بيتك

بِبَيْتِكَ الْحَرَامِ اَوْ فِي شَيْءٍ مِنْ سُبُلِكَ فَاَدْعُوكَ يَا رَبِّ

خانهٔ محترم حق یا در چیزی از راههای رب تو پس بخوانم ترا ای پروردگار

دُعَاءَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَعَظُمَ جُرْمُهُ وَضَعُفَ

مانند خواندن کسی که سخت باشد احتیاج او بزرگ شده گناه او و سست باشد

كَدْحُهُ وَاَشْرَفَتْ عَلَى الْهَلَكَةِ نَفْسُهُ ثِقْ لِشَيْءٍ عَمِنْ

کوشش در شرف گشته باشد بهلاکت نفس او و اعتماد نکرده باشد اخیری از

عَمَلِهِ وَلَمْ يَجِدْ لِمَا هُوَ فِيهِ سَادًّا اَوْ لاَ لِذَنْبِهِ غَافِرًا

کار حق و نیافته باشد برای او آنچه در دست بگذارنده و نه برای گناه آمرزنده

وَلاَ لِعَثْرَتِهِ مُقِيلاً غَيْرَكَ هَادِيًا اِلَيْكَ مُتَعَوِّذًا

و نه برای لغزش درگذرنده غیر تو مگر آنکه بوده باشد گریزان بسوی تو پناه گیرنده

بِكَ مُتَعَبِّدًا لَكَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلاَ مُسْتَكْبِرٍ وَلاَ مُتَجَبِّرٍ

بتو پرستنده مر ترا نه عاردارنده از بندگی تو و نه گردن کش و نه تکبرکننده

وَلاَ مُتَجَبِّرٍ وَلاَ مُتَعَظِّمٍ بَلْ بَائِسٌ فَقِيرٌ مُسْتَجِيرٌ اَسْاَلُكَ

و نه زبر گننده و نه بزرگ نماینده بلکه بد حال محتاج زینهار خواهنده درخواهم از تو

يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ

ای خدای بخشاینده ای مهربان ای بسیار بخشنده ای نو بدید آورنده آسمانها و

الْاَرْضِ يَا ذَا الْجَلاَلِ وَالْاِكْرَامِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

زمین ای خداوند بزرگی و گرامی داشتن آنکه رحمت فرستی بر محمد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ صَلَوٰةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً نَامِيَةً فَاكِهَةً

و آل محمد درود بسیار پاک با برکت فزاینده پاکیزه

شريفة اسئلك اللهم ان تغفر لي في شهري هذا
بلند پایه سؤال میکنم ترا خداوندا اگر بیامرزی در ماه من این
وترحمني وتعتق رقبتي من النار وتعطيني فيه خير
و رحم کنی مرا و آزاد کنی گردن مرا از آتش و عطا کنی مرا در آن بهتر
ما اعطيت احدا من خلقك وخير ما انت معطيه ولا
از آنچه عطا فرمودی یکی از خلق خود را و بهتر از آنچه تو عطا فرمائی آن
تجعله آخر شهر رمضان صمته لك منذ اسكنتني
آنکه را آخر ماه رمضان که روزه داشتم آن را بجهة تو از آن وقت
ارضك الى يومي هذا بل اجعله على اتمه نعمة و
در زمین خود تا روز من این روز بلکه بگردان آن را بر تمامترین آن در نعمت و
اعمه عافية واوسعه رزقا واجزله واهناه اللهم
فروگیرنده ترین آن از روی عافیت و فراگیرنده ترین آن در روزی و دراز ترین آن
اني اعوذ بك وبوجهك الكريم وملكك العظيم ان
بدرستی که من پناه میبرم بتو و بذات بزرگوار تو و پادشاهی بزرگ تو از آنکه
تغرب الشمس من يومي هذا او تنقضي بقية هذا
که غروب کند آفتاب از روز من این روز یا بپایان رسد باقی مانده این
اليوم او يطلع الفجر من ليلتي هذه او يخرج هذا
روز یا برآید صبح از شب من این شب یا بیرون رود این
الشهر ولك قبلي تبعة او ذنب او خطيئة تريد
ماه و باشد مر ترا نزد من وبالی یا گناهی یا خطائی که خواهی

ان تعا

اَنْ تُعاقِبَنی بِها اَوْ تُؤاخِذَنی بِها اَوْ تُوقِفَنی بِها مَوْقِفَ

بسنجی مرا با آن یا مؤاخذه نمائی مرا با آن یا برداری مرا بسبب آن بجای

خِزْیٍ فِی الدُّنْیا وَالْاٰخِرَةِ اَوْ تُعَذِّبَنی یَوْمَ اَلْقاكَ یا اَرْحَمَ

خواری در دنیا و آخرت یا عذاب کنی مرا در روزی که ملاقات نمایم ترا

الرّاحِمینَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ لِهَمٍّ لا یُفَرِّجُهُ غَیْرُكَ

بخشندگان خداوندا من میخوانم ترا از جهت غمی که نمی گشاید آنرا غیر تو

وَلِرَحْمَةٍ لا تُنالُ اِلّا بِكَ وَلِكَرْبٍ لا یَكْشِفُهُ اِلّا اَنْتَ

و از جهت بخششی که رسیده نمی شود مگر بسبب تو و اندوهی که زایل نمی گرداند

وَلِرَغْبَةٍ لا تُبْلَغُ اِلّا بِكَ وَلِحاجَةٍ لا یَقْضیها دُونَكَ

آنرا مگر تو و از جهت خواهشی که رسیده نمی شود مگر بسبب تو و از جهت حاجتی که روا کرده نمی شود

اَللّٰهُمَّ فَكَما كانَ مِنْ شَاْنِكَ الْاِسْتِجابَةُ لی فیما دَعَوْتُكَ

بار خدایا پس همچنانکه هست از شان تو اجابت کردن از برای من در آنچه میخوانم ترا

بِهِ وَالنَّجاةُ لی فیما فَزِعْتُ اِلَیْكَ اَیا مِنْهُ مُلَیِّنَ الْحَدیدِ

بان و رستگاری از برای من در آنچه استغاثه نمودم بسوی تو از آن ای نرم سازنده

لِداوُدَ اَیْ كاشِفَ الضُّرِّ وَالْكُرَبِ الْعِظامِ عَنْ اَیُّوبَ

آهن از برای داود ای رفع نماینده بدحالی و اندوههای بزرگ از ایوب

وَمُفَرِّجَ غَمِّ یَعْقُوبَ وَمُنَفِّسَ كَرْبِ یُوسُفَ صَلِّ عَلٰی

و ای گشاینده غم یعقوب و ای زایل کننده اندوه یوسف رحمت فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بی ما اَنْتَ اَهْلُهُ فَاِنَّكَ اَهْلُ

بر محمد و آل محمد و بکن با من آنچه تو سزاوار آنی پس بدرستیکه تو سزاواری

وَاَهْلَ الْمَغْفِرَةِ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَرَجَائِي فِي
سزاوار آمرزشی بار خدایا تو معتمدی در هر اندوهی و امیدگاه منی
فِي كُلِّ اَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ مِنْهُ
در هر سختی و تو برای من در هر امری که فرود آید بمن معتمد و ذخیره چه بسیار از اندوه
الْفُؤَادُ وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَيَخْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ
دل واندک میشود در آن چاره و خوار گردد در آن دوست و شاد میشود در آن
وَيَشْمَتُ مِنْهُ الْعَدُوُّ اَنْزَلْتُهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ اِلَيْكَ
در آن دشمن فرود آوردم آن را بدرگاه تو و شکایت نمودم
رَغْبَةً مِنِّي فِيهِ اِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ
از راه رغبت من در آن بسوی تو از غیر تو پس گشودی آن را و زایل کردی آن
وَكَفَيْتَهُ فَاَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ
و دفع نمودی آن را پس تو خداوند هر نعمتی و صاحب هر نیکی
وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ
و منتهی هر رغبتی پناه میبرم بکلمهای خدا که تمام کامل اند
مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ مِنْ شَيْءٍ اَللّٰهُمَّ عَافِنِي فِي يَوْمِي هٰذَا
از شر آنچه آفریده از چیزی خداوندا عافیت بخش مرا در روز من این
اَمْسَى اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بَرَكَةَ يَوْمِي هٰذَا وَمَا
شام کنم خداوندا بدرستی که من میخواهم از تو برکت روزم این روز و آنچه
نَزَلَ فِيهِ مِنْ عَافِيَةٍ وَمَغْفِرَةٍ وَرَحْمَةٍ وَرِضْوَانٍ وَرِ
فرود آمده در این روز از عافیت و آمرزش و رحمت و خشنودی و روزی

وَاسِعٍ

وَاسِعِ حَلَالٍ تَبْسُطُهُ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَوُلْدِي

وَاَهْلِي وَعِيَالِي وَاَهْلِ حُزَانَتِي وَمَنْ اَحْبَبْتُ وَاَحَبَّنِي

وَوَلَدْتُ وَوَلَدَنِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ

وَالشِّرْكِ وَالْحَسَدِ وَالْبَغْيِ وَالْحَمِيَّةِ وَالْغَضَبِ

اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْاَرَضِينَ السَّبْعِ

وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي الْمُهِمَّ مِنْ اَمْرِي بِمَا شِئْتَ

وَكَيْفَ شِئْتَ پس بخوان سوره حمد وآية الكرسى

را واين دعا را بخوان

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضٰى اَللّٰهُمَّ اِنَّ نَبِيَّكَ

وَرَسُولِكَ وَحَبِيبِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ لَا يَرْضَى

و رسول تو و دوست تو و برگزیده تو از خلق تو خشنود نمی شود

بِاَنْ تُعَذِّبَ اَحَدًا مِنْ اُمَّتِهِ دَانَكَ بِمُوَالَاتِهِ وَمُوَالَاةِ

بآنکه عذاب کنی یکی از امت او را که گرویده شده است ترا بوسیله دوستی او

الْاَئِمَّةِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِهِ وَاِنْ كَانَ مُذْنِبًا خَاطِئًا

و دوست داشتن پیشوایان از خاندان او و اگر چه بوده باشد گنه کار خطا کرده

فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَاَجِرْنِي يَا رَبِّ مِنْ جَهَنَّمَ وَعَذَابِهَا وَهَبْنِي

در آتش دوزخ پس زنهار ده مرا ای پروردگار من از دوزخ و عذابش و ببخش

لِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا جَامِعًا بَيْنَ اَهْلِ الْجَنَّةِ

مرا بمحمد و آل محمد ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای جمع کننده میان اهل بهشت

عَلَى مَا اَلَّفَ مِنَ الْقُلُوبِ وَشِدَّةِ الْمَحَبَّةِ وَنَازِعَ الْغِلِّ

بر آنچه الفت داده از دلها و شدت دوستی و برکننده کینه

مِنْ صُدُورِهِمْ وَجَاعِلَهُمْ اِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ

از سینه های ایشان و گرداننده ایشان برادران بر کرسیها روبروی یکدیگر

يَا جَامِعًا بَيْنَ اَهْلِ طَاعَتِهِ وَبَيْنَ مَنْ خَلَقَهَا لَهُ وَيَا

ای جمع کننده میان اهل طاعت خود و میان خلق مخصوص طاعت از برای او و ای

مُفَرِّجَ حُزْنِ كُلِّ مَحْزُونٍ وَيَا مُنْهِلَ كُلِّ غَرِيبٍ يَا رَاحِمِي

گشاینده اندوه هر اندوهناک و ای انیس هر غریبی ای رحم کننده

فِي غُرْبَتِي وَفِي كُلِّ اَحْوَالِي بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَالْكِلَاءَةِ لِي

در غریبی من و در همه حالها به نیکو نگاه داشتن و نگهبانی کردن مرا

يَا مُفَرِّجُ

يا مفرج ما بي من الضيق والخوف صل على محمد وآل

ای گشاینده اندوه با منست از تنگی و بیم رحمت بفرست بر محمد و آل

محمد واجمع بيني وبين احبتي وقادتي وسادتي و

محمد و جمع کن میان من و میان دوستان من و کشندگان من و بزرگان من

موالي يا مؤلفا بين الاحباء صل على محمد وآل محمد

و دوستان من ای الفت افکننده میان دوستان رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

ولا تفجعني بانقطاع رؤيتي عنهم وبكل مسائلك

و بدرد میاور مرا بسبب بریده شدن دیدن من از ایشان و بهر سوالها که

يا رب ادعوك الهي فاستجب دعائي يا ارحم الراحمين

ای پروردگار من میخوانم ترا ای خدای من پس بپذیر دعای مرا ای بخشنده ترین بخشندگان

اللهم اني اسالك بانقطاع حجتي ووجوب

خداوندا بدرستی که من میخواهم از تو بسبب بریده شدن دلیل من و لازم بودن

حجتك ان تغفر لي اللهم اني اعوذ بك من خزي

حجت تو اگر بیامرزی مرا بار خدایا بدرستی که من پناه میبرم بتو از خواری

يوم المحشر ومن شر ما بقي من الدهر ومن شماتة الاعداء

در روز محشر و از شر آنچه باقی ماند از زمانه و از گزند دشمنان

وصغر الفناء وعضال الداء وخيبة الرجاء

و پستی خود در وقت عجز گرداننده و بی بهره شدن امید و از زایل شدن نعمت

وزوال النعمة وفجاءة النقمة اللهم اجعل لي

و ناگاه رسیدن عقوبت خداوندا بگردان برای من

فَلَبَّا تَحَنَّاكَ كَأَنَّهُ يُبَالِكَ إِلَى يَوْمِ يَلْقَاكَ ودورنیت

زار که بترسد ترا بجای که گویا آدمی بیند ترا تا روزی که ملاقات کند که در اوقات

دیگر هر گاه شدتی رو دهد یا حاجت ضروری بهم رسد این دعا را توان خواند

فصل ششم

در اعمال مختصره شبها و روزهای مخصوص این ماه مبارک است در روایتی وارد شده است که انجیل بر حضرت عیسی در سیم این ماه نازل شد و در روایت دیگر در ششم و در روایت دیگر در دوازدهم و شیخ مفید علیه الرحمه نقل کرده است که در روز ششم این ماه مامون [illegible] ملعون با حضرت امام رضا بیعت کرد و روایت شده است که هر که در این روز دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد بخواند شکر نعمت ظاهر شدن حق آنحضرت را ادا کرده خواهد بود و بروایت دیگر از حضرت [illegible] منقولست که در شب سیزدهم دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام باین صفت و در شب پانزدهم شش رکعت بسه سلام بهمین کیفیت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است

وغسل

وغسل و زیارت امام حسین ع مستحبست در آن چنانچه مذ
کور شد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که حضرت رسول ص فرمود که در شب نیمه ماه
مبارک رمضان صد رکعت نماز بکند یعنی هر دو رکعت
بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره
قل هو الله احد حق تعالی ده ملک فرو فرستند بسوی
او که دفع کنند از او شر دشمنان او را از جنیان و آدمیان
و در هنگام مرگ او سی ملک بفرستند که او را بشارت
دهند به بهشت و سی ملک که او را ایمن گردانند از
جهنم و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که در شب
نصف ماه رمضان زیارت حضرت امام حسین بکند و بعد
نماز عشا ده رکعت نماز نزد قبر آنحضرت بکند و در هر رکعتی
سوره حمد و ده مرتبه آیه قل هو الله احد بخواند نیز در
در خواب ببیند ملکی چند را که بشارت دهند او را
بهشت و ملکی چند را که ایمن گردانند او را از جهنم و شب
هفدهم نیز شب بسیار مبارکیست و در آن شب لشکر
حضرت رسول ص با لشکر کفار قریش ملاقات کردند در بدر
و در روزش جنگ بدر شد و حق تعالی لشکر آنحضرت را بر کافران
ظفر داد و آن فتوحات اسلام بود و غسل و عبادت

فضیلت عظیم دارد و شب نوزدهم اول شبهای قدر است
وحقتعالی میفرماید انا انزلناه فی لیلة القدر یعنی
ما فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی شبی که نزد حقتعالی
قدر و منزلت عظیم دارد یا تقدیر امور سال در آنشب
میشود یا زمین تنگ میشود از بسیاری نزول ملائکه
وما ادریک ما لیلة القدر و چه چیز ترا اعلام کرده
است که چه چیز است شب قدر لیلة القدر خیر من الف
شهر شب قدر بهتر است از هزار ماه یعنی عبادت
در آن بهتر است از عبادت هزار ماه تنزل الملائکة والروح
فیها باذن ربهم فرود میآیند و روح که از همه ملائکه
اعظم تر است در اینشب باذن ربهم برخصت پروردگار
ایشان من کل امر بسبب تقدیر هر امر حادثه
دنیا وارد شده است که ملائکه و روح در اینشب
بر امام زمان نازل میشوند و آنچه از برای هر کس در
اینشب مقدر شده است بر امام عرض میکنند سلام
هی حتی مطلع الفجر یعنی سلامتیست این شب از همه
بدیها تا طلوع صبح یا سلام میکنند بر امام و بر مومنان
که در اینشب عبادت میکنند تا طلوع صبح و میان سنی
و شیعه در شب قدر خلاف بسیار است بعضی از

سنیان

سنیان گفته اند که شب قدر در زمان حضرت رسالت
بود وبعد از آن حضرت برطرف شد واکثر ایشان گفته اند
که تا روز قیامت باقیست پس بعضی گفته اند که تا
در تمام سال پنهانست ودر همه شبها عبادت باید کرد
تا فضیلت شب قدر را دریابند وبعضی گفته اند شب
نیمه شعبانست وبعضی گفته اند شب اول ماه رمضان
است وبعضی گفته اند شب نیمه رمضانست وبعضی
شب هفدهم وبعضی شب بیست وسیم وبعضی بیست
نهم وبعضی شب آخر گفته اند واکثر سنیان در این
اتفاق کرده اند بر شب بیست وهفتم وعلمای شیعه
امامیه اجماع کرده اند بر آنکه از شب نوزدهم وبیست
یکم وبیست وسیم بیرون نیست وبعضی مردم میان شب
بیست ویکم وسیم مردداند وبسیاری از احادیث معتبر
دلالت می کند بر آنکه از این سه شب بیرون نیست
واین سه شب را یعنی نوزدهم وبیست ویکم وبیست وسیم
احیا باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابند ودر بعضی
از احادیث معتبره تعیین بیست ویکم وبیست وسیم شده
است ودر بعضی خصوص بیست وسیم شده است و
منقولست که آن شب جهنی است و او اعرابی بود که

که بحضرت رسول عرض کرد که منزل من دور است تا
مدینه میخواهم شبی را از برای من تعیین کنی که بهترین
شبها باشد که در آن شب بخدمت تو برسم آنحضرت شب
بیست سیم را از برای او تعیین فرمود و پیوسته در آن شب
با خیل و حشم و اهل خانه خود داخل مدینه میشد و چون
صبح میشد بر میگشت و از بعضی احادیث ظاهر میشود که
هر سه شب قدر اند و در شب اول تقدیر امور میشود و در
شب دویم بکثرت دعا و عبادات ممکن است بعضی تغییر یابد
و در شب سیم ختم میشود و تغییر نمی یابد یا بسیار کم تغییر می یابد
بلا تشبیه مانند ارقام پادشاهان که اول تعلیقه میشود
و تغییرش بسیار است و بعد از آن ثبت دفتر میشود و تغییرش
دشوار است اما تا بمهر مزین نگردیده است باز ممکن است
که تغییر بیابد و چون بمهر اشرف رسید بمنزله ختم است و
تغییرش در غایت صعوبت است و حق تعالی را حکمتها در
ابهام بعضی از امور هست مانند اسم اعظم الهی که بر اکثر
مردم مشتبه است و نماز وسطی که بهترین نمازها است
و ساعت استجابت دعا است و در هر شب و روز جمعه
و عمل مقبول در میان اعمال و امثال اینها و یک حکمت در
مبهم ساختن اینها آن است که بر اسماء مقدسه الهی مواظبت

نمایند

نمایند و اهتمام در همه نمازها بکنند و در همه ساعات
و روز جمعه دعا بکنند و سعی در همه اعمال خیر بکنند
و شاید یکی مقبول گردد و همچنین در شب قدر و شبهائی
که احتمال آن دارد همه را احیا کنند و حکمت دیگر بعضی
از اینها میتواند بود مثل آنکه اگر اسم اعظم را همه کس بدانند
گاه باشد که بعضی از نفوس شریره آنرا وسیله مطالب
دنیه کنند چنانچه از بلعم نقل کرده اند و همچنین شب قدر
و ساعت استجابت دعا اگر بخصوص اینها را بدانند ممکن است
که امور غیر مشروعه یا امرهای عظیم نسبت ببعضی از مسلما
نان دعا کنند و اگر بخصوص دانند باید البته مستجاب
گردد و دیگر آنکه مغرور باعمال خود نگردند و حکمتهای
دیگر بسیار است که این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد پس
باید مؤمن این شب را احیا کند و اهتمام در عبادت و دعا
بکنند تا فضیلت شب قدر را دریابند و در دو شب آخر اهتمام
بیشتر بکنند و در شب بیست سیم که احادیث معتبر بسیار
در تخصیص آن وارد شده است که شب قدر است سعی
بیشتر است بکنند و فواید عبادت شب قدر بسیار است
از جمله آنکه چون عبادت شب قدر را دریابد بنص قرآن
زیاده از ثواب عبادة هزار ماه که زیاده از هشتاد

ساله است از برای او مقرر گردانیده میفرمایند دیگر
آنکه چون تقدیرات جمیع امور از عمر و مال و فرزند و عزت
و صحت و توفیق اعمال خیر و سایر امور در این شب میشود
اصلاح احوال تمام سال خود را در این شب کرده خواهد
بود و ممکنست که نام او در دیوان اشقیا نوشته شده باشد
و در این شب از زمره سعادتمندان نوشته شود چنانکه از
مضمون در اکثر دعاها و احادیث معتبره وارد شده است
دیگر آنکه چون امام او صاحب الامر در تمام این شب با
ملائکه مقربین محشور است و فوج فوج بخدمت او میایند و
بر او سلام میکنند و تقدیرات که از برای او و سایر خلق شده است
بر او عرض میکنند سزاوار نیست که در چنین شبی تاسی بامام
خود نکنند و بغفلت بسر آورد و از حضرت رسول منقولست
که چون شب میشود در میایند ملائکه که در سدرة المنتهی
ساکنند و از جمله ایشان جبرئیل است و جبرئیل با خود علمها
میاورد یک علم را بر قبر منور من نصب میکند و یکی را بر
بیت المقدس و یکی را در مسجد الحرام و یکی را در طور سینا
و نمیگذارند هر مومن و زن مومنه را مگر آنکه بر او سلام
می کنند و ایضا حضرت رسول منقولست که بهشت را هر
سال از برای داخل شدن ماه مبارک رمضان زینت

می کند

میکنند چون شب اول ماه میشود نسیمی از زیر عرش میوزد
که انرا مثیره میگویند و بصدا می اورد درختان را و حلقهای
بهشترا پس نغمه از ان میوزد و میشنوند که هرگز نشنوده
کان از ان خوشتر نشنیده اند پس حوران
از غرفهای بهشت بیرون می ایند و ندا میکنند که ایا
کسی هست که ما را خواستگاری کند از خدا باعمال صالحه
خود پس از رضوان خازن بهشت میپرسند که این چه
شبیست رضوان میگوید لبیک ای نیکوکاران این
شب اول ماه رمضانست درهای بهشت گشوده
شده است برای روزه داران امت محمد پس حقتعالی
میفرماید که ای رضوان بگشا درهای بهشترا ای مالک
به بند درهای جهنم را از روزه داران امت محمد ای
جبرئیل برو بسوی زمین و در زنجیر کن شیاطین متمردرا
و غلهای در گردن ایشان گذار و ایشانرا در لجههای
دریا بینداز تا فاسد نگردانند بر امت حبیب من محمد روزه
های ایشانرا و حضرت فرمود که حقتعالی در هر شب از
از شبهای ماه رمضان سه مرتبه ندا میفرماید که ایا سوال
کننده هست که سوال او را عطا کنم ایا توبه کننده هست
که توبه او را قبول کنم ایا استغفار کننده هست که گناه

را با مردم کیست که قرض دهد بخداوند مالداری که
هرگز پریشان نمیشود و وفا کننده است بوعدهای خود
و ستم نمی کند و فرمود که در آخر هر روز از روزهای ماه
رمضان در وقت افطار حقتعالی هزار هزار کس را از آتش
دوزخ آزاد میکند چون شب جمعه و روز جمعه میشود در
هر ساعتی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند که
هر یک مستوجب عذاب شده باشند و در شب آخر بعدد
آنچه در تمام ماه آزاد کرده است آزاد میکند چون شب قدر
میشود حقتعالی امر میکند جبرئیل را که بزمین بیاید با
لشکر عظیمی از ملائکه و با خود علم سبزی بیاورد و بر با
لای کعبه معظمه نصب می کند و ششصد بال دارد
و دو بالش را نمی گشاید مگر در شب قدر چون در شب
قدر آن دو بال را میگشاید از مشرق و مغرب میگذرد
و بهن میکند جبرئیل و آن ملائکه را در این شب در اطراف
زمین پس سلام میکنند بر هر ایستاده و نشسته که مشغول
نماز و ذکر خدا باشند و با ایشان مصافحه میکنند چون
ایشان دعا می کنند ملائکه آمین میگویند و پیوسته
مشغول این کارند تا طلوع صبح پس چون صبح طالع میشود
ندا می کند جبرئیل که ای گروه ملائکه روانه شوید جانب

آسمان

آسمان شوید پس ملائکه میگویند ای جبرئیل خدا چه کرد در
حوایج مومنان از امت محمد ص جبرئیل میگوید گناهان همه را
آمرزید مگر کسی که همیشه شراب خورده باشد یا عاق پدر و
مادر باشد یا قطع رحم یا با مومنان عداوه کند و چون شب
عید فطر میشود و آنرا شب جوایز میگویند خدا مزد میدهد
عمل کنندگان ماه رمضان را بحساب و چون بامداد روز
عید میشود حقتعالی ملائکه بسیار در جمیع شهرها میفرستد
که بزمین می آیند و بر سر کوچها و بازارها و راهها می‌ایند
و می ایستند و میگویند ای امت محمد ص بیرون روید بسوی
درگاه پروردگار کریمی که عطاهای بزرگ می بخشد و
گناهان عظیم را میامرزد پس چون بمصلی میروند برای
نماز عید حقتعالی بملائکه میگوید ای ملائکه من چیست جزای
مزدور هرگاه عمل خود را بکند ملائکه میگویند که الهی و
ماوای آقای ما جزای او اینست که مزدش تمام داده شود
حقتعالی میفرماید که ای ملائکه من شما را گواه میگیرم که ثواب
ایشان را از روزه روزهای ماه رمضان و عبادت شبها
آن عطا کردم که از ایشان راضی شدم و گناهان ایشان را
آمرزیدم پس ندا میفرماید مومنانی را که در آن مجمع حاضر شده
است که ای بندگان من هرچه خواهید از من سوال کنید

بعزت وجلال خود سوگند یاد می کنم که در این مجمع شما هر حاجت
که برای دنیا وآخرت ودنیای خود سؤال کنید البته عطا
میکنم وعیبهای شما را میپوشانم تا از من روگردان نشوید
ومزدهای شما را مضاعف میگردانم وشما را در میان
گناهکاران رسوا نمیگردانم برگردید از مصلی آمرزیده بد
رستی که خشنود کردانید مرا وخشنود شدم از شما این
ملائکه مسرور وشاد میشوند وبیکدیگر را مبارکباد می
گویند باینچه حقتعالی عطا کرد ودر حدیث دیگر معتبر از
امام محمد باقر منقولست که هر که احیا کند شب قدر را گناهان
او آمرزیده شود هرچند بعدد ستارهای آسمان وسنگینی
کوهها وکیل دریاها باشد واما اعمال این سه شب
پس بر دو نوع است اول آنکه در سه شب باید کرد دوم
آنکه مخصوص است بهر شبی اما اول از حضرت رسول منقولست
که هر که در شب قدر دو رکعت نماز بجا آورد ودر هر رکعت
بعد از حمد هفت مرتبه قل هو الله احد بخواند وبعد از فا
رغ شدن هفتاد مرتبه بگوید اَستَغفِرُ اللهَ وَاَتُوبُ
اِلَیهِ هنوز از جای خود برنخیزد تا حقتعالی او را ووالد
ومادرش را بیامرزد وملکی چند بفرستند که حسنات برای
او بنویسند تا سال آینده وملکی بفرستند بسوی بهشت

که شما
کرد

کند درختها از برای او غرس نماید و قصرها از برای او بنا
کند و نهرها از برای او جاری کند و از دنیا بیرون نرود
تا همه را مشاهده نماید و غسل در این سه شب سنت
موکد است و غسل این شبها مقارن آفتاب غروب کردن
بهتر است که نماز شام را با غسل بکند و مستحب است
در این شبها که قرآن مجید را   اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ
بدست بگیرد و بگشاید این دعا   بر سر نهد و بگوید خداوندا سؤال میکنم از تو
بِکِتابِکَ الْمُنْزَلِ وَما فیهِ وَفیهِ اِسْمُکَ الْاَکْبَرُ وَ
بحق کتاب فرو فرستاده تو و آنچه در آن است و در آن نام بزرگتر است و
اَسْمائُکَ الْحُسْنی وَما یُخافُ وَیُرْجی اَنْ تَجْعَلَنی مِنْ عُتَقائِکَ
و نامهای نیکوی تست و آنچه ترسیده میشود و امید داشته میشود اینکه بگردانی مرا از آزادکردگان
مِنَ النّارِ وَتَقْضِیَ حَوائِجی لِلدُّنْیا وَالْآخِرَةِ پس حاجات
از آتش و روا کنی حاجتهای مرا از برای دنیا و آخرت
از حق تعالی طلب نماید که ان شاء الله تعالی برآورده
است و این دعا از حضرت امام محمد باقر منقول است
و از حضرت امام جعفر صادق منقول است که مصحف را بگیر
و بر سر بگذار   اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ
و بگو این دعا را   خداوندا بحق این قرآن و بحق
اَرْسَلْتَهُ وَبِحَقِّ کُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فیهِ وَبِحَقِّکَ
فرستادی قرآن را و بحق هر گرونده که مدح او کردی در قرآن و بحق تو

عَلَيْهِمْ فَلَا اَحَدَ اَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ پس ده مرتبه
بگو یا اللّٰه بیست ونه مرتبه پس سی مرتبه بحق یا محمد [illegible]

و ده مرتبه بمحمّدٍ ده مرتبه بعلیٍّ ده مرتبه بفاطمةَ ده مرتبه
بالحسنِ ده مرتبه بالحسینِ ده مرتبه بعلیِّ ابنِ الحسینِ
و ده مرتبه بمحمّدَ ابنِ علیٍّ ده مرتبه بجعفرِ ابنِ محمّدٍ ده مرتبه
بموسی ابنِ جعفرٍ ده مرتبه بعلیِّ ابنِ موسی ده مرتبه بمحمّدِ ابنِ
علیٍّ ده مرتبه بعلیِّ ابنِ محمّدٍ ده مرتبه بالحسنِ ابنِ علیٍّ ده مرتبه
بالحجّةِ پس هر حاجت که داری بطلب و زیارت حضرت
امام حسین در هر یک از این سه شب مستحب مؤکد است
خصوصا شب بیست وسیم صد رکعت نماز سنت
است هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از
حمد ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و در بعضی از
روایات معتبره وارد شده است که هفت مرتبه یا
پنج مرتبه قل هو الله اکتفا میتوان کرد و احادیث
بسیار در فضیلت این صد رکعت غیر نافله وارد شده
است و باید که این صد رکعت غیر نافله شب بوده
باشد و اگر ضعف داشته باشد نشسته هم میتواند
کرد و بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا

ادعیای

از برای مطالب دنیا و آخرت خود است و پدر و مادر و خو
یشان خود و برادران مؤمن زنده و مرده ایشان را و اذکار
صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم آنچه مقدور شو
و در بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر
را در هر یک از این سه شب بخوانند و اما در دعاهای
مخصوص شب نوزدهم است که صد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللهَ
رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ وصد اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ من از پس بخدا
و بر در دکار خود بر گشت میکنم مرتبه خداوندا دور کن از رحمت خود
اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ و این دعا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَ
کشندگان امیر ... بخواند خداوندا بگردان در آنچه حکم میکنی و
تُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ وَفِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْاَمْرِ الْحَكِيمِ فِي
تقدیر میکنی از امر واجب گردیده و در آنچه جدا میکنی از امر محکم در
لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ اَنْ
شب قدر از حکمی که برگردانیده نشود و بدل کرده نشود اینکه
تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ
بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود که پذیرفته شده حج ایشان جزا داده شده
الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيمَا
آمرزیده شده گناهان ایشان محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در آنچه
تَقْضِي وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي
حکم میکنی و تقدیر مینمائی اگر دراز کنی عمر مرا و گشایش دهی بر من در روزی

وَتُقَدِّرَ لِی فِی جَمِیعِ اُمُورِی مَا هُوَ خَیْرٌ لِی فِی دُنْیَایَ وَآخِرَتِی

و تقدیر کنی برای من در همه امور من آنچه که آن خیر است برای من در دنیا و آخرتم

یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ پس حوائج خود را از حق تعالی طلب نماید و در

[illegible] شب بیست و یکم فضیلتش زیاده از

سابق است و غسل و اعمال سابقه را همه را باید بعمل آورد

و در این دهه آخر اعتکاف در مساجد جامعه سنتست

مهم استجابت دعا است و بسند بسیار معتبر از حضرت امام

موسی کاظم منقولست که در شب بیست و یکم و بیست و سیم

غسل کرده صد رکعت نماز بکن و در هر رکعت ده مرتبه سوره

قل هو الله بخوان و در حدیث دیگر منقولست که حضرت

امام محمد باقر این دو شب را احیا میکرد و در نصف شب

اول مشغول دعا میشدند و در نصف آخر مشغول نماز

و بسند موثق از حضرت صادق منقولست که اگر توانی

در شب بیست و یکم و بیست و سیم ماه رمضان در هر یک

صد رکعت نماز بکن بغیر سیزده رکعت نماز شب و نافله

صبح و تا صبح بیدار باش و سعی کن که مشغول نماز و دعا

و تضرع باشی بدرستی که امید است که شب قدر در یکی از اینها است

و شب قدر بهتر است از هزار ماه فرمود یعنی بهتر است

از عمل در هزار ماه و هر امری که در آن سال واقع میشود در

مقدر

مقدر میشود و دعای اینشب در ضمن دعاهای دهه
آخر مذکور خواهد شد انشاء الله و اما شب بیست و سیم
اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه انشب قدر است
وروارد است غسل سنّت است یکی در اوّل شب و دیگری
در آخر شب و حضرت صادق ع فرمود که در شب بیست و
سیم جهنی است و در آن شب جمیع امور بروفق حکمت مقدر
میگردد و در انشب مقدّر می شود مرگها و بلاها و اجلها
و روزیها و قضاها و آنچه در اثنا لدوام میشود تا شب قدر
آینده پس خوشا حال بندهٔ که احیا کند انشب را و بیدار باشد
بعبادت و گاه در رکوع باشد و گاه در سجود و گناهان خود
را در برابر دیدهای خود ممثّل گرداند و بر آنها بگرید چون چنین
کند امیدوارم که از فضیلت شب قدر محروم نگردد و فرمود
که حقتعالی امر می کند ملکی را که ندا کند در هر روز
ماه رمضان در هوا که بشارت باد شما را ای بندگان من
که بخشیدم گناهان گذشته شما را و در شب قدر شفاعت
شما را در حق یکدیگر مستجاب میکنم مگر کسی روزه را افطار
کند بر مسکر یا کینه برادر مؤمنی را در دل داشته
باشد و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که
سوره عنکبوت و روم را در شب بیست و سیم بخواند

والله که او از اهل بهشت است و استثنا نمیکنم در آن احدی
را و میترسم که خدا در این سوگند گناهی بر من بنویسد و این
دو سوره را در نزد خدا منزلت عظیم هست و ایضا از آن
حضرت بسند معتبر منقولست که هر که در شب بیست و
سیم ماه مبارک هزار مرتبه انا انزلناه را بخواند هر آینه
صبح کند با یقین شدید و اعتراف بانچه مخصوص ماست از
کرامتها در این شب بسبب آنچه در خواب به بیند و سوره
حم دخان بهتر است نیز سنت است که در این شب بخواند و از
حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که هر که زیارت
حضرت امام حسین را در شب بیست و سیم که امید شب قدر
در اینست و در آن هر امری مقدر میشود و مصافحه کند
با او روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر که در این شب رخصت
میطلبند از حقتعالی و زیارت آن حضرت و بسند معتبر از حضرت
امام محمد باقر روایت کرده است که هر که احیا کند شب قدر
و شب بیست سیم ماه مبارک رمضان را و صد رکعت نماز
کند حقتعالی روزی او را فراخ گرداند و در دنیا و شر
دشمنان را از او کفایت میکند و پناه دهد او را از غرق
شدن و خانه بر سرش خراب شدن و لقمه در گلو گرفتن
و از شر درندگان و دفع کند از او هول منکر و نکیر را و از

بیرون اید واورا نوری باشد که روشنی بخشد اهل محشر را
و نامه اش را بدست راست او دهند و بنویسند برای
او برات بیزاری از اتش جهنم را و گذشتن بر صراط را
و ایمنی از عذاب را و داخل بهشت شود بی حساب و در
بهشت اورا از رفیقان پیغمبران و صدیقان و شهیدا
و صالحان گردانند و نیکو رفیقانند ایشان و دعای این
شب را از جمله دعاهای دهه اخر بخواند و ایضا این دعا را
بخوا اَللّٰهُمَّ امْدُدْ لِی فِی عُمْرِی وَاَوْسِعْ لِی فِی رِزْقِی
بد خدایا دراز کن درازی بخش برای من در عمر من و فراخ کن برای من در روزی من
وَاَصِحَّ جِسْمِی وَبَلِّغْنِی اَمَلِی وَاِنْ کُنْتُ مِنَ الْاَشْقِیَاءِ فَامْحُنِی
و درست کن بدن مرا و برسان امید مرا و اگر بوده باشم از بدبختان پس محو کن
مِنَ الْاَشْقِیَاءِ وَاکْتُبْنِی مِنَ السُّعَدَاءِ فَاِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتَابِکَ
از دیوان بدبختان بنویس مرا از نیکبختان زیرا که بتحقیق تو گفته در کتاب خود
اَلْمُنْزَلِ عَلٰی نَبِیِّکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ یَمْحُو اللّٰهُ
که فرود آورده شده بر پیغمبر تو رحمتهای تو برو و بر آل او محو میکند خدا
مَا یَشَاءُ وَیُثْبِتُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الْکِتَابِ وایضا اَللّٰهُمَّ
انچه را میخواهد و ثابت میدارد انچه را میخواهد و نزد اوست اصل کتاب بگوید
اجْعَلْنِی مِنْ اَوْفَرِ عِبَادِکَ نَصِیبًا مِنْ کُلِّ خَیْرٍ اَنْزَلْتَهُ
خداوندا مرا از وافرترین بندگان خود از روی بهره از هر خیری که فرو فرستاده

فی هذه اللیلة او انت منزله من نور تهدی به او
در این شب یا تو فرو فرستنده آن را از نور روشنائی که راه یابی به آن
رحمة تنشرها او رزق تقسمه او بلاء تدفعه او ضر
یا رحمتی که پراکنده سازی آن را یا روزی که قسمت کنی آن را یا بلائی که دفع نمائی آن را
تکشفه واکتب لی ما کتبت لاولیائک الصالحین
زیانی که برطرف کنی آن را و بنویس برای من آنچه نوشته برای دوستان خوش نیت
الذین استوجبوا منک الثواب وامنوا برضاک
که سزاوار شدند از تو پاداش نیک را و ایمن گشته اند بسبب خشنودی تو
عنهم منک العقاب یا کریم صل علی محمد وآل
از ایشان از تو عقوبت را ای بزرگوار ای بزرگوار رحمت بفرست بر محمد و آل
محمد وافعل بی ذلک برحمتک یا ارحم الراحمین
محمد و بجا آور آن را برحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان

ومقداری از قرآن که ممکن باشد در این شب بخواند
و دعای صحیفه کامله بخواند خصوصا دعای مکارم
اخلاق و دعای توبه و روزهای این شبها را نیز باید
با حرمت داشت بعبادت و تلاوت قرآن و دعا بسیار ورد
زیرا که در احادیث معتبره وارد شده است که روز
قدر نیز در فضیلت مثل شب قدر است و در شب بیست

چهارم

چهارم نیز بخصوص غسل سنتست و در شب بیست و
پنجم نیز غسل سنت است و احادیث معتبره در استحباب
غسل در او وارد شده است و منقولست که خدای عز
و جل در این شب دفع میکند بدیها و گناهان و جمیع انواع
بلاها از روزه داران ماه رمضان پس عطا میکند
حقتعالی بایشان نوری در گوشها و دیدهای ایشان
و در شب بیست هفتم نیز غسل بخصوص وارد شده است
و منقولست که حضرت امام زین العابدین در این شب
مکرر این دعا اللهم ارزقنی التجافی عن دار الغرور
را می خواندند خداوندا روزی کن مرا کناره رفتن از سرای فریبنده
والانابة الی دار الخلود والاستعداد للموت قبل
و باز گشتن بسوی سرای همیشگی و مهیا شدن برای مردن از فرود
حلول الفوت و در شب بیست و نهم نیز غسل بخصوص
آمدن مرگ
وارد شده است و همچنین در شب
آخر غسل سنت است و زیارت حضرت امام حسین سنت است
و وداع ماه مبارک رمضان سنت موکد است برای
اظهار آنکه روزه و عبادات این ماه مبارک بر ما گران
و دشوار نبود و ما خواهان او بودیم و از مفارقت
آن آزرده و محزونیم و هر که لذت عبادة الهی را یافته است

وخواند از اول ورود ماه و آخر دانسته است عاشق عبادت
وبندگی می‌باشد پس باید این ماه وافر البرکات را بنحو
وداع کند که عزیزترین اهل خود را در هنگام مفارقت
وداع کند ومعلوم است که غلامی که از خدمت آقای
خود شاد وخوشحال باشد واز ترک خدمت دلگیر باشد
مثل غلامی نیست که از ترس خدمت کند وبان راضی
نباشد ودعای وداع را در شب آخر سنت است خواندن
واگر در روز آخر نیز بخواند خوبست ودر حدیث است که
اگر آخر ماه مشتبه باشد در شب بیست ونهم احتیاطاً
سنت است خواندن ودعاهای وداع بسیار است
وبهترین دعاها دعای صحیفه کامله است وبعد
های بسیار از حضرت امام بسم الله الرحمن الرحیم
جعفر صادق ع این دعا وداع است
خدایا بحث بنده حیران
اللهم انك قلت في كتابك المنزل على لسان نبيك
بار خدایا بدرستی که تو گفته در کتاب خود که فرود آورده شده است بر لغت پیغمبر تو
صلواتك عليه وآله وقولك حق شهر رمضان
رحمتهای تو بر او وآل او باد وسخن تو راست است که این ماه رمضان است
الذي انزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من
و فرود فرستاده شده در آن قرآن در حالتی که راه نماینده است مردمان را و بیانها است از
الهدى

الهدى والفرقان وهذا شهر رمضان قد تصرّم وانقضت

راه نمایت بسوی حق و جدا کننده است حق از باطل و اینک بتحقیق بسر برده شد

ایامه ولیالیه فأسألك بحقّك الكريم وكلماتك

روزهای این و شبهای آن پس درخواهم از تو بحق ذات بزرگوار تو و کلمهای

التامّة إن كانت بقی علیّ ذنب لم تغفره لی أو تريد

تام تو اگر بوده باشد که باقی باشد بر من گناهی که نیامرزیده باشی یا اراده داشته باشی از

ان تعذّبنی عليه او تقايسنی به ان لا يطلع فجر هذه

آنکه عذاب کنی مرا بر آن یا قیاس کنی مرا با آن بآنکه طلوع کند صبح این

الليلة او يتصرّم هذا الشهر الّا وقد غفرته لی

شب یا منقطع شود این ماه مگر آنکه بتحقیق بیامرزی آن را برای من ای بخشاینده

يا ارحم الراحمين اللهمّ لك الحمد بمحامدك كلّها

بخشایندگان بار خدایا مر تراست سپاس بسپاسهای تو همه آنها اول

اوّلها وآخرها ما قلت لنفسك منها وما قال لك

آنها و آخر آنها آنچه گفته برای ذات خود از آنها و آنچه گفته اند برای تو

الخلائق الحامدون المجتهدون المعدّدون الموقّرون

آفریدگان سپاس گذاران کوشش نمایندگان شمارندگان بزرگ دارندگان

فی ذكرك والشكر لك الذين اعنتهم على اداء حقّك

در یاد کردن تو و سپاس گذاری برای تو آنکه مدد کردی آن را بر ادای حق تو

من اصناف خلقك من الملائكة المقرّبين والنبيّين

از اصناف خلق تو از فرشتگان نزدیکان و پیغمبران

وَالمُرسَلِينَ وَاصنَافِهِ النَّاطِقِينَ المُسَبِّحِينَ لَكَ مِن جَمِيعِ
و فرستادگان و انواع فرشتگان تنزیه کنندگان مر ترا از همه
العَالَمِينَ عَلَى اَنَّكَ بَلَّغتَنَا شَهرَ رَمَضَانَ وَعَلَينَا مِن نِعَمِكَ
عالمیان بر آنکه بتحقیق تو رسانیدی ما را ماه رمضان و حال آنکه بر ما است از
وَعِندَنَا مِن جَزِيلِ قِسَمِكَ وَاِحسَانِكَ وَتَظَاهُرِ امتِنَانِكَ
و نزد ما است از بخششهای وافر تو و احسان تو و پی در پی آمدن انعام تو
بِذَلِكَ لَكَ مُنتَهَى الحَمدِ الخَالِدِ الدَّائِمِ الرَّاكِدِ المُخَلَّدِ
بجهت مر تراست منتهی سپاس جاوید پیوسته ثابت جاوید مانده همیشه
السَّرمَدِ الَّذِي لَا يَنفَدُ طُولَ الاَبَدِ جَلَّ ثَنَاؤُكَ اَعَنتَنَا
که پایان نرسد در گذشتن زمانه بزرگ است ستایش تو مدد کردی ما را
عَلَيهِ حَتَّى قَضَيتَ عَنَّا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ مِن صَلَوةٍ
بر ماه رمضان تا آنکه ادا کردی از ما روزه داشتن او و ایستادن در آن
اَللّٰهُمَّ وَمَا كَانَ مِنَّا فِيهِ مِن بِرٍّ اَو شُكرٍ اَو ذِكرٍ اَللّٰهُمَّ
و آنچه بوده است از ما در آن از نیکی یا سپاس گذاری یا ذکر خداوندا
فَتَقَبَّلهُ مِنَّا بِاَحسَنِ قَبُولِكَ وَتَجَاوُزِكَ وَعَفوِكَ
پس بپذیر آن را از ما به نیکوترین پذیرفتن خود و درگذشتن و عفو تو
وَصَفحِكَ وَغُفرَانِكَ وَحَقِيقَةِ رِضوَانِكَ حَتَّى
و درگذشتن خود و خشنودی ثابت خود تا آنکه فیروزی دهی ما را
تُظفِرَنَا فِيهِ بِكُلِّ خَيرٍ مَطلُوبٍ وَجَزِيلِ عَطَاءٍ وَتُوَقِّيَنَا
فیروزی دهی ما را در آن به هر چه طلب کرده شود و عطای وافر

من كل

مِنْ كُلِّ اَمْرٍ مَرْهُوبٍ وَذَنْبٍ مَسْكُوبٍ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ

از هر امری ترسیده شده و گناهی که ریخته کرده خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم

بِعَظيمِ ما سَئَلَكَ اَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ كَريمِ اَسْمائِكَ وَجَزيلِ

بحرمت بزرگ آنچه سؤال کرده ترا یکی از آفریدگان تو از گرامی نامهای تو و بسیاری

ثَنائِكَ وَخاصَّةِ دُعائِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ

ثنای بسیار تو و دعای خاص تو آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه گردانی

شَهْرَنا هذا اَعْظَمَ شَهْرِ رَمَضانَ مَرَّ عَلَيْنا مُنْذُ اَنْزَلْتَنا

ماه ما را این ماه بزرگترین ماه رمضان که گذشته بر ما از آن وقتی که فرود آوردی ما را

اِلَى الدُّنْيا بَرَكَةً فِي عِصْمَةِ ديني وَخَلاصِ نَفْسي وَقَضاءِ

بسوی دنیا از روی زیادتی در نگاه داشتن دین من و رها نمودن نفس من و روا کردن

حاجَتي وَتُشَفِّعَني في مَسائِلي وَتَمامِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ وَصَرْفِ

حاجت من و شفاعت پذیری مرا در سوالهای من و تمام شدن نعمت بر من و گردانیدن

السُّوءِ عَنّي وَلِباسِ الْعافِيَةِ لي وَاَنْ تَجْعَلَني بِرَحْمَتِكَ

بدی از من و پوشش عافیت مرا و آنکه بگردانی مرا برحمت خود

مِمَّنْ حُزْتَ لَهُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَها لَهُ خَيْراً مِنْ اَلْفِ

از آنکه روزی کردی برای او شب قدر را و گردانیدی آن را برای او بهتر از هزار

شَهْرٍ في اَعْظَمِ الْاَجْرِ وَكَرائِمِ الذُّخْرِ وَطُولِ الْعُمْرِ وَحُسْنِ

ماه در بزرگترین مزدها و گرامی ذخیره و درازی عمر و نیکی

الشُّكْرِ وَدَوامِ الْيُسْرِ اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَطَوْلِكَ

شکر گذاری و همیشگی توانگری خداوندا و سؤال میکنم ترا بوسیله رحمت خود

وَعَفْوِكَ وَجَلالِكَ وَنَعْمائِكَ وَقَدِيمِ اِحْسانِكَ وَامْتِنانِكَ

و در گذشتن تو و بزرگواری تو و نعمتهای تو و دیرینه احسان تو و انعام تو

اَنْ لا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّا لِشَهْرِ رَمَضانَ حَتّى تُبَلِّغَناهُ

اینکه نگردانی آن را آخر دیدن ما ماه رمضان را تا آنکه برسانی ما را به آن

مِنْ قابِلٍ عَلى اَحْسَنِ حالٍ وَتُعَرِّفَنِي هِلالَهُ مَعَ النّاظِرِينَ

از سال آینده بر بهترین حالی و بشناسانی مرا هلال آن با نظر کنندگان

اِلَيْهِ وَالْمُتَعَرِّفِينَ لَهُ فِي اَعْفى عافِيَتِكَ وَاَتَمِّ نِعْمَتِكَ

بسوی او و شناسندگان مر آن را در بزرگترین عافیت خود و تمامترین نعمت خود

وَاَوْسَعِ رَحْمَتِكَ وَاَجْزَلِ قِسَمِكَ اَللّٰهُمَّ يا رَبِّيَ الَّذِي

و فراخترین رحمت خود و وافرترین قسمتهای خود خداوندا ای پروردگار من که

لَيْسَ لِي رَبٌّ غَيْرُهُ لا يَكُونُ هٰذَا الْوَداعُ مِنِّي وَداعَ فَناءٍ

نیست مرا پروردگاری غیر او نباشد این وداع کردن من وداع نیستی و نه

وَلا آخِرَ الْعَهْدِ مِنَ اللِّقاءِ حَتّى تُرِيَنِيهِ مِنْ قابِلٍ

آخر ملاقات از ملاقات من تا آنکه بنمائی مرا آن را از سال آینده

فِي اَسْبَغِ النِّعَمِ وَاَفْضَلِ الرَّجاءِ وَاَنَا لَكَ عَلى اَحْسَنِ

در تمامترین نعمتها و بهترین فراخی حال و آنکه من باشم برای تو بر نیکوترین

الْوَفاءِ اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعاءِ اَللّٰهُمَّ اسْمَعْ دُعائِي

وفاها بدرستی که تو شنونده دعائی خداوندا بشنو دعای مرا

وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَتَذَلُّلِي لَكَ وَاسْتِكانَتِي لَكَ وَتَوَكُّلِي

و رحم کن زاری مرا و خواری مرا و بیچارگی مرا از برای تو و توکل مرا

عليك

عَلَيْكَ وَاَنَا لَكَ مُسَلِّمٌ لَا اَرْجُوا نَجَاحًا وَلَا مُعَافَاةً

بر تو و من برای تو تسلیمم امید نمی‌دارم رستگاری را و نه عافیت را

وَلَا تَشْرِيفًا وَلَا تَبْلِيغًا اِلَّا بِكَ وَمِنْكَ فَامْنُنْ عَلَيَّ

و نه گرامی را و نه رسانیدن را مگر از تو و از تو پس انعام کن بر من بزرگست

جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَتَقَدَّسَتْ اَسْمَاؤُكَ بِتَبْلِيغِي شَهْرَ رَمَضَانَ

ستایش تو و پاکست نامهای تو برسانیدن من بماه رمضان

وَاَنَا مُعَافًى لَكَ مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمَحْذُورٍ وَمِنْ جَمِيعِ

و حال آنکه من عافیت کشیده‌ام از هر ناخوش و ترسیده شده و از همه

الْبَوَائِقِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَعَانَنَا عَلَى صِيَامِ هٰذَا

مصیبتها ستایش مر خدای را که مدد کرد ما را بر روزه داشتن این

الشَّهْرِ وَقِيَامِهِ حَتّٰى بَلَّغَنَا اٰخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ اَللّٰهُمَّ

ماه و ایستادن در آن تا آنکه رسانید ما را آخر شبی از آن بار خدایا

اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاَحَبِّ مَا دُعِيتَ بِهِ وَاَرْضٰى مَا رَضِيتَ

بدرستی که من سؤال می‌کنم ترا بدوست‌ترین چیزی که خوانده شدی بآن و پسندیده‌ترین چیزی

بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْ وَ

آن از محمد رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و نگردانی

دَاعِي شَهْرِ رَمَضَانَ وِدَاعَ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا وَلَا

وداع کردن من ماه رمضان را وداع بیرون شدن من از دنیا و نه

وِدَاعَ اٰخِرِ عِبَادَتِكَ فِيهِ وَلَا اٰخِرَ صَوْمِي لَكَ وَارْزُقْنِي

وداع آخر عبادت تو در آن و نه آخر روزه داشتن مرا برای تو

العود ثم العود فيه برحمتك يا ولي المؤمنين ووفقني
را بازگشت در آن برحمت تو ای دوست گروندگان و توفیق ده مرا

فيه لليلة القدر واجعلها لي خيرا من ألف شهر رب
در آن برای دریافت شب قدر و بگردان شب قدر را برای من بهتر از هزار

الليل والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار
شب و روز و کوهها و دریاها و تاریکیها و روشنائیها

والأرض والسماء يا باري يا مصور يا حنان يا منان
و زمین و آسمان ای آفریدگار ای صورت بخش ای نهایت مهربان

يا الله يا رحمن يا رحيم يا حي يا قيوم يا بديع السموات
ای خدای ای بخشنده ای مهربان ای زنده ای برپا دارنده ای نو پدید آورنده آسمانها

والأرض لك الأسماء الحسنى والأمثال العليا
و زمین ای بذات زنده ای بذات خود موجود مر تراست نامهای نیک و

والكبرياء والآلاء أسألك باسمك بسم الله
و بزرگواری و نعمتها در می خواهم از تو بنام تو بنام خدای

الرحمن الرحيم أن تصلي على محمد وآل محمد وأن
بخشنده مهربان اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي
بگردانی نام مرا در این شب در نیکبختان و روح مرا

مع الشهداء وإحساني في عليين وإساءتي مغفورة
با شهیدان و نیکوئیهای مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده

وان

وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً لَا يَشُوبُهُ
و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر شود آن گاه دل مرا و ایمانی که نیامیزد
شَكٌّ وَرِضًى بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَنْ تُؤْتِيَنِي فِي الدُّنْيَا
شک و خوشنودی به آنچه قسمت کرده ای برای من و اینکه عطا کنی مرا در دنیا
حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَأَنْ تَقِيَنِي عَذَابَ
نیکی و در آخرت نیکی و اینکه نگاه داری مرا از عذاب
النَّارِ الْحَرِيقِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ
آتش سوزنده خداوندا بگردان در آنچه حکم می کنی و اندازه می گیری از
الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ وَفِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ
امر حتم شده و در آنچه جدا می کنی از امر محکم در شب
الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ وَلَا يُغَيَّرُ
قدر از آن حکمی که برگردانده نشود و بدل کرده نشود و تغییر داده نشود
أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ
اینکه بنویسی مرا از حاجیان خانه محترم که مقبول است حج ایشان مشکور
سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَ
است سعی ایشان آمرزیده شده گناهان ایشان محو کرده شده از ایشان بدیهای ایشان و
اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَأَنْ تَقِيَنِي
بگردان در آنچه حکم می کنی و تقدیر می کنی اینکه دراز کنی عمر مرا و اینکه نگاه داری
مِنَ النَّارِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
مرا از آتش ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا بدرستیکه من سؤال می کنم

وَلَمْ يَسْئَلِ الْعِبادُ مِثْلَكَ جُوداً وَكَرَماً وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ
و سؤال نکرده اند بندگان مثل تو از روی بخشش و بزرگواری و رغبت کنم بسوی تو
وَلَمْ يُرْغَبْ اِلى مِثْلِكَ اَنْتَ مَوْضِعُ مَسْئَلَةِ السّائِلينَ وَ
و رغبت نمی کنم بسوی مثل تو تو محل سؤال سؤال کنندگانی و
مُنْتَهى رَغْبَةِ الرّاغِبينَ اَسْئَلُكَ بِاَعْظَمِ الْمَسائِلِ
منتهای رغبت رغبت کنندگانی سؤال می کنم از تو ببزرگترین سؤالها
كُلِّها وَاَفْضَلِها وَاَنْجَحِها اَلَّتى يَنْبَغى لِلْعِبادِ اَنْ يَسْئَلُوكَ
همه آنها و بهترین آنها و رواکننده ترین آنها آنچنان که سزاوار است از برای بندگان اینکه سؤال کنند
بِها يا اَللهُ يا رَحْمنُ وَبِاَسْمائِكَ ما عَلِمْتُ مِنْها وَما لَمْ
بآن ای خدا ای بخشنده و بنامهای تو که می دانم من از آن و آنکه نمی
اَعْلَمْ وَبِاَسْمائِكَ الْحُسْنى وَاَمْثالِكَ الْعُلْيا وَبِنِعْمَتِكَ الَّتى
نمی دانم و بنامهای تو که نیکوست و داستانهای بلند تو و بنعمت تو آنکه
لا تُحْصى وَبِاَكْرَمِ اَسْمائِكَ عَلَيْكَ وَاَحَبِّها اِلَيْكَ وَ
شمرده نمی شود و بگرامی ترین نامهای تو بر تو و دوست داشته ترین آنها بسوی تو و
اَشْرَفِها عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَاَقْرَبِها مِنْكَ وَسيلَةً وَاَجْزَلِها
بلندترین آنها نزد تو از روی مرتبه و نزدیکترین آنها از تو از روی وسیله و
مِنْكَ وَاَسْرَعِها لَدَيْكَ اِجابَةً وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ
از تو و شتابنده ترین آنها نزد تو از روی اجابت و بنام تو که پوشیده و در پرده
اَلْحَىِّ الْقَيُّومِ الْاَكْبَرِ الْاَجَلِّ الَّذى تُحِبُّهُ وَتَهْواهُ وَتَرْضى
زنده پاینده بزرگتر بزرگوار که دوست می داری آنرا و خواهش می کنی

بِهِ عَمَّنْ دَعاكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبَ لَهُ دُعاءَهُ وَحَقٌّ عَلَيْكَ اَنْ

بسبب آن از کسی که خواننده ترا بآن و مستجاب می گردانی برای او دعای او را و لازم است بر تو اینکه

لا تَحْرِمَ سائِلَكَ وَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي

محروم نکنی سوال کننده خود را و سوال می کنم ترا بهر نامی که از آن تو است آن نامی که در

التَّوْرٰيةِ وَالْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقانِ وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعا

توریت و انجیل و زبور و قرآن است و بهر نامی که خوانده اند

كَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَمَلائِكَةُ سَمواتِكَ وَجَمِيعُ الْاَصْنافِ

ترا بآن بردارندگان عرش تو و فرشتگان آسمانهای تو و همه اصناف

مِنْ خَلْقِكَ مِنْ نَبِيٍّ اَوْ صِدِّيقٍ اَوْ شَهِيدٍ وَبِحَقِّ الرّاغِبِينَ

از خلق تو از پیغمبری یا راست گوئی یا شهیدی و بحق رغبت کنندگان

اِلَيْكَ الْفَرِقِينَ مِنْكَ الْمُتَعَوِّذِينَ بِكَ وَبِحَقِّ مُجاوِرِي

بسوی تو ترسندگان از تو پناه برندگان بتو و بحق همسایگان

بَيْتِكَ الْحَرامِ حُجّاجاً وَمُعْتَمِرِينَ وَمُقَدَّسِينَ وَالْمُجاهِدِينَ

خانه محترم تو حال آنکه باشند حج کننده و عمره گذاران و تعزیه کنندگان و جهاد کنندگان

فِي سَبِيلِ اللهِ وَبِحَقِّ كُلِّ عَبْدٍ مُتَعَبِّدٍ لَكَ فِي بَرٍّ اَوْ بَحْرٍ اَوْ

در راه خدا و بحق هر بنده پرستش کننده مر ترا در صحرا یا در دریا یا

سَهْلٍ اَوْ جَبَلٍ اَدْعُوكَ دُعاءَ مَنْ قَدِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ

زمین هموار یا کوه می خوانم ترا مانند خواندن کسی که سخت باشد احتیاج او

وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَعَظُمَ جُرْمُهُ وَضَعُفَ كَدْحُهُ دُعاءَ

و بسیار باشد گناه او و بزرگ باشد جرم او و سست باشد کوشش او بخواندن

مَن لا يَجِدُ لِنَفسِهِ سادّاً وَلا لِضَعفِهِ مُقَوِّياً وَلا لِذَنبِهِ

کسیکه نیابد از برای نفس خود بازدارنده و نه بجهت ناتوانی خود قوت دهنده و نه گناه خود را

غافِراً غَيرَكَ هارِباً اِلَيكَ مُتَعَوِّذاً مُتَعَبِّداً لَكَ غَيرَ مُستَكبِرٍ

آمرزنده سوای تو گریزان باشد بسوی تو پناه برنده باشد بتو عبادت کننده بی آنکه تکبر

وَلا مُستَنكِفٍ خائِفاً بائِساً فَقيراً مُستَجيراً بِكَ اَسأَلُكَ

ورزد و ننگ دارنده ترسان و محتاج درویش زنهار جوینده بتو سؤال می‌کنم ترا

بِعِزَّتِكَ وَعَظَمَتِكَ وَجَبَروتِكَ وَسُلطانِكَ وَبِمُلكِكَ

بعزت تو و بزرگی تو و بزرگواری تو و غلبه تو و بپادشاهی تو

وَبَهائِكَ وَجودِكَ وَكَرَمِكَ وَبِآلائِكَ وَحُسنِكَ

و نیکوئی تو و بخشش تو و بخشش‌های تو و بزرگواری تو و نیکوئی تو

وَجَمالِكَ وَبِقُوَّتِكَ عَلى ما اَرَدتَ مِن خَلقِكَ اَدعوكَ

و خوبی تو و بتوانائی تو بر آنکه اراده نمائی از خلق میخوانم ترا

يا رَبِّ خَوفاً وَطَمَعاً وَرَهبَةً وَرَغبَةً وَتَخَشُّعاً وَتَمَلُّقاً

ای پروردگار من از ترس و طمع و بیم و خواهش و فروتنی و دوستی

وَتَضَرُّعاً وَاِلحافاً وَاِلحاحاً خاضِعاً لَكَ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ

و زاری نمودن و الحاح کردن و حال آنکه فروتنی کننده‌ام از برای تو نیست خدائی مگر تو

وَحدَكَ لا شَريكَ لَكَ يا قُدّوسُ يا قُدّوسُ يا قُدّوسُ يا اَللهُ يا اَللهُ

بتنهائی تو نیست شریکی مر ترا ای پاک ای پاک ای پاک ای خدا ای خدا

يا اَللهُ يا رَحمنُ يا رَحمنُ يا رَحمنُ يا رَحيمُ يا رَحيمُ يا رَحيمُ يا رَبِّ

ای خدا ای بخشنده ای بخشنده ای بخشنده ای مهربان [illegible] ای مهربان ای پروردگار

يا رَبِّ

يَا رَبِّ يَا رَبِّ أَعُوذُ بِكَ يَا اَللهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ

ای پروردگار من ای پروردگار من پناه می برم بتو ای خدای یگانه یکتا بی نیاز و

الْوِتْرُ الْمُتَكَبِّرُ الْمُتَعَالُ وَأَسْئَلُكَ بِجَمِيعِ مَا دَعَوْتُكَ

بی مانند بزرگوار بلند مرتبه و سؤال می کنم ترا بهمه آنچه می خوانم ترا

بِهِ وَبِأَسْمَائِكَ تَمْلَأُ أَرْكَانَكَ كُلَّهَا أَنْ تُصَلِّيَ

بآن و بنامهای تو که پر کرده اطراف مملکت ترا همه اینکه رحمت کنی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَارْحَمْنِي وَأَوْسِعْ

بر محمد و آل محمد و بیامرزی از برای من گناه مرا و رحم کنی مرا و گشایش ده

عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ وَتَقَبَّلْ مِنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ وَ

بر من از بخشش خود که بزرگ است و قبول کنی از من شهر رمضان را و

قِيَامَهُ وَفَرْضَهُ وَنَوَافِلَهُ وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاعْفُ

بر پا ایستادن او و واجبات او و سنت او و بیامرزی برای من و رحم کنی مرا و عفو کن

عَنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صُمْتُهُ لَكَ وَعَبَدْتُكَ

از من و مگردان او را آخر ماه رمضان که روزه او را از برای تو و عبادت کردم

فِيهِ وَلَا تَجْعَلْ وِدَاعِي إِيَّاهُ وِدَاعَ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا

در آن و مگردان وداع من آن را وداع بیرون رفتنم از دنیا

اَللّٰهُمَّ أَوْجِبْ لِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ

خداوندا واجب کن برای من از رحمت خود و آمرزش خود و خوشنودی خود

وَخَشْيَتِكَ أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِمَّنْ عَبَدَكَ فِيهِ

و ترس خود بهتر آنچه عطا کردی بیکی از آنها که پرستیده ترا در آن

اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي اَخْسَرَ مَنْ سَئَلَكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ

خداوندا مگردان مرا زیانکارترین سؤال کنندگان ترا دران و بگردان مرا از انکه

اَعْتَقْتَهُ فِي هٰذَا الشَّهْرِ مِنَ النَّارِ وَغَفَرْتَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ

ازاد کرده او را دران ماه از اتش دوزخ و آمرزیدی از برای او انچه پیش گذشته است

مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَاَخَّرَ وَاَوْجَبْتَ لَهُ اَفْضَلَ مَا رَجَاكَ

از گناهان او و انچه بعد مانده و واجب ساخته از برای او بهتر از انچه امید دارد ترا

وَاَمَّلَ مِنْكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ

و آرزو دارد از تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا روزی کن مرا بازگشت

فِي صِيَامِهِ لَكَ وَعِبَادَتِكَ فِيهِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ كَتَبْتَهُ

در روزه داشتن آن از برای تو و بندگی کردن تو دران و بگردان مرا از انکه نوشته او را

فِي هٰذَا الشَّهْرِ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ

دران ماه از حاجیان خانه محترم است که پذیرفته حج ایشان

الْمَغْفُورِ ذَنْبُهُمْ الْمُتَقَبَّلِ عَمَلُهُمْ اٰمِينَ اٰمِينَ اٰمِينَ

آمرزیده گناه ایشان و قبول کرده شده کردار ایشان مستجاب کن مستجاب کن مستجاب کن

رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ لِي فِيهِ ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ

ای پروردگار عالمیان خداوندا مگذار از برای من دران ماه گناهی مگر آمرزیده باشی آن را

وَلَا خَطِيئَةً اِلَّا مَحَوْتَهَا وَلَا عَثْرَةً اِلَّا اَقَلْتَهَا وَلَا دَيْنًا

ونه خطائی مگر محو کرده باشی آن را ونه لغزشی مگر درگذشته باشی از آن ونه قرضی

اِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا عَيْلَةً اِلَّا اَغْنَيْتَهَا وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ

مگر ادا کرده باشی آن را ونه نیازمندی مگر توانگر ساخته باشی آن را ونه اندوهی مگر گشاده باشی

وَلَا غَمًّا

وَلَا فَاقَةً اِلَّا سَدَدْتَهَا وَلَا عُرْيَانًا اِلَّا كَسَوْتَهُ وَلَا

ونه حاجتی مگر اینکه بستی آن را و نه برهنه مگر پوشیدی او را و نه

مَرِيضًا اِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا دَاءً اِلَّا اَذْهَبْتَهُ وَلَا حَاجَةً

بیماری مگر اینکه شفا دادی او را و نه دردی مگر اینکه ببردی او را و نه حاجت

مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اِلَّا قَضَيْتَهَا عَلٰى اَفْضَلِ

از حاجتهای دنیا و آخرت مگر روا کردی آن را بر نیکوتر

اَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ لَا تُزِغْ

آرزوی من و امید من در تو ای رحیم‌ترین رحم کنندگان خداوندا میل مده

قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَلَا تُذِلَّنَا بَعْدَ اِذْ اَعْزَزْتَنَا

دلهای ما را پس از آنکه راه نمودی ما را و خوار مکن ما را بعد از آنکه عزیز کردی ما را

وَلَا تَضَعْنَا بَعْدَ اِذْ رَفَعْتَنَا وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ اِذْ اَكْرَمْتَنَا

و پست مکن ما را بعد از آنکه بلند کردی ما را و خوار مکن ما را بعد از آنکه گرامی داشتی ما را

وَلَا تُفْقِرْنَا بَعْدَ اِذْ اَغْنَيْتَنَا وَلَا تَمْنَعْنَا بَعْدَ اِذْ اَعْطَيْتَنَا

و نیازمند مکن ما را بعد از آنکه بی‌نیاز کردی ما را و منع مکن ما را بعد از آنکه بخشش نمودی ما را

وَلَا تَحْرِمْنَا بَعْدَ اِذْ رَزَقْتَنَا وَلَا تُغَيِّرْ شَيْئًا مِنْ نِعَمِكَ عَلَيْنَا

و محروم مکن ما را بعد از آنکه روزی دادی ما را و مگردان چیزی از نعمتهای خود را بر ما

وَاِحْسَانِكَ اِلَيْنَا لِشَيْءٍ كَانَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَلَا لِمَا هُوَ كَائِنٌ

و نیکوئی خود را بسوی ما بجهة چیزی که گذشته از گناهان ما و نه بجهة چیزی که آینده است

مِنْهَا فَاِنَّ فِي كَرَمِكَ وَعَفْوِكَ وَفَضْلِكَ سَعَةً لِلْمَغْفِرَةِ

از آنها پس بدرستیکه در بزرگواری تو و بخشش تو و نیکوئی تو فراخی است گناه بخشیدن

ذنوبنا فاغفر لنا وتجاوز عنا ولا تعاقبنا عليها يا

گناهان ما پس بيامرز مارا و درگذر از ما و عقوبت مکن مارا بر آن اى

ارحم الراحمين اللهم اكرمني في مجلسي هذا كرامة لا

رحم کننده‌ترين رحم کنندگان خداوندا گرامى دار مرا در اين مجلس من گرامى داشتنى که

تهينني بعدها ابدا واعزني عزا لا اذل بعده ابدا

خوار نکنى مرا پس از آن هرگز و عزيز کن مرا عزيز کردنى که خوار نگردم پس از آن هرگز

وعافني عافية لا تبتليني بعدها ابدا وارفعني رفعة

و عافيت بخش مرا عافيتى که مبتلا نکنى مرا پس از آن هرگز و بلند کن مرا بلند کردنى

لا تضعني بعدها ابدا واصرف عني شر كل شيطان

که پست نکنى مرا پس از آن هرگز و بگردان از من بدى هر ديو

مريد وشر كل جبار عنيد وشر كل قريب او بعيد وشر

سرکش و بدى هر ستمگر ستيزه کار و بدى هر نزديک يا دورى و بدى

كل صغير او كبير وشر كل دابة انت اخذ بناصيتها

هر کوچک يا بزرگ و بدى هر جنبنده که تو گيرنده موى پيشانى اويى

ان ربي على صراط مستقيم اللهم ما كان في قلبي من

بدرستى که پروردگار من بر راه راست است خداوندا آنچه باشد در دل من

او ريبة او جحود او قنوط او فرح او مرح او بطر او

از شک يا انکار يا نوميدى يا شادى [illegible]

بذخ او خيلاء او رياء او سمعة او شقاق او نفاق

[illegible] يا ريا يا سمعه يا [illegible] يا دورويى

اوكفر

اوكفر او فسوق او معصية او شيء لا تحب عليه وليّا
یا کفر یا فسق یا عصیان یا چیزی که دوست نداری بر آن دوستی
لك فاسئلك ان تصلّي على محمّد وآل محمّد وان تمحوه
مر ترا پس سؤال می کنم ترا اینکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد و اینکه محو کنی آن را
من قلبي وتبدّل لي مكانه ايمانا بوعدك ورضى بقضائك
از دلم و بدل آوری برای من بجای او ایمان را بوعده تو و خوشنودی بحکم تو
ووفاء بعهدك ووجلا منك وزهدا في الدّنيا
و وفا بعهد تو و ترسیدن از تو و بی رغبتی در دنیا
ورغبة فيما عندك وثقة بك وطمأنينة اليك و
و رغبت در آنچه نزد تو است و اعتماد بتو و آرام گرفتن بسوی تو و
توبة نصوحا اليك اللّهمّ ان كنت بلّغتناه والّا
بازگشت خالص بسوی تو خداوندا اگر بوده باشی رسانیده ما را باین و اگر نه
فاخّر عنّا آجالنا الى قابل حتّى تبلّغناه في يسر منك
پس پس دار از ما اجلهای ما را تا سال آینده تا آنکه برسانی ما را بآن در آسانی از تو
وعافية يا ارحم الرّاحمين وصلّى الله على محمّد وآل
و عافیت ای رحم کننده ترین بخشندگان و رحمت خدا بر محمد و آل
محمّد كثيرا ورحمة الله وبركاته عليهم وبر جمعه آخر
محمد بسیار و رحمتهای خدا و برکتهای او بر ایشان
نیز وداع جمعه
بدینست و از جابر بن عبد الله انصاری منقولست

که گفت رفتم بخدمت حضرت رسول در جمعهٔ آخر ماه
رمضان و چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که این جمعه
آخر جمعه است از ماه مبارک اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ
رمضان پس او را وداع کن و بگو بار خدایا مگردان این را
آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِنَا اِيَّاهُ فَاِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنِي
آخر عهد من از روزه تو او را پس اگر گردانیدی او را پس بگردان مرا
مَرْحُوماً وَلَا تَجْعَلْنِي مَحْرُوماً زیرا که هر که این دعا را در آخر
بخشیده شده و مگردان مرا ناامید بخواند یکی از دو خصلت
نیکو ظفر میابد یا برسیدن ماه رمضان آینده یا
بآمرزش خدا و رحمت بی انتها و بسند معتبر از حضرة
صادق منقولست که هر که در شب اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ
آخر ماه رمضان این دعا بخواند بار خدایا مگردان این را
آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِي لِشَهْرِ رَمَضَانَ وَاَعُوذُ بِكَ
آخر عهد من از روزه داشتن آن از برای ماه رمضان و پناه می برم بتو
اَنْ يَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ اِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَ لِي
از آنکه طلوع کند صبح این شب مگر و حال آنکه بیامرزی گناهان مرا
حقتعالی پیش از صبح او را بیامرزد و او را توبه و انابه
روزی کند و ایضا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ
سنت که این دعا بخوانند بار خدایا بدرستی که سؤال می کنم ترا بحق

ماد

مَا دُعِيتَ بِهِ وَأَرْضَى مَا رَضِيتَ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ وَعَنْ أَهْلِ
بجز خوانده شوی بان و پسندیده ترین آنکه خوشنود شوی بان از محمد و از اهل
بَيْتِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَلَا
خانه محمد بر او و بر ایشان باد سلام اینکه رحمت فرستی بر او و بر ایشان و
تَجْعَلَ وَدَاعَ شَهْرِي هٰذَا وَدَاعَ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا وَلَا
گردان وداع این ماه مرا این ماه وداع بیرون رفتن من از دنیا و نه
وَدَاعَ آخِرِ عِبَادَتِكَ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ
وداع آخر عبادت تو و توفیق ده مرا در آن ادراک شب قدر
وَاجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ مَعَ تَضَاعُفِ الْأَجْرِ
و بگردان آنرا برای من بهتر از هزار ماه با مضاعف شدن مزد و اجابت
وَالْإِجَابَةِ وَالْعَفْوِ عَنِ الذَّنْبِ بِرِضَى الرَّبِّ
و اجابت کردن و درگذشتن از گناه بخشنودی پروردگار

و از جمله چیزهائی که سنت است در شب آخر آزاد
کردن بندهاست زیرا که شبی است که حق تعالی
بنده بسیار از آتش جهنم آزاد میگرداند هرگاه بنده
ضعیف فرماید به بندگان از قید رقیت آزاد کند
امید هست که خداوند قادر بیزوال بان وسعت
و کمال او را از آتش جهنم آزاد گرداند و نام او را از
جرائد عاصیان محو کند چنانچه منقول است که حضرت

امام زین العابدین بندها در عرض سال تحصیل نموده بود تا
بیست نفر زیاد و کم در شب آخر ماه رمضان آزادی نمود
و می فرمود که شما ها را آزاد کردم بامید آنکه خداوند
رحیم از تقصیرات من در گذرد و مرا از عذاب جهنم آزاد
گرداند و چون روز عید میشد جایزه های عظیم بایشان
می بخشید که ایشان بی نیاز باشند از سؤال کردن از
مردم و میگفت که حقتعالی در هر شب ماه مبارک
رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار کس را آزاد می
کند از آنها که مستوجب جهنم شده باشند و در شب
آخر مثل آنچه در جمیع ماه آزاد میکرده است آزاد
میکرد و حضرت هیچ غلامی و کنیزی زیاده از یکسال
خدمت نفرموده و در روز عید فطر بندهای
خود را آزاد میفرمود و روایتی وارد شده است
که سنت است که در شب آخر سوره انعام و کهف و یس
را بخوانند و صد مرتبه بگویند اَستَغفِرُ اللهَ وَاَتُوبُ اِلَیهِ
فصل نهم در دعاهای مخصوص دهه آخر ماه مبارک
است بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که
آنحضرت در هر شب از شبهای دهه آخر این دعا را
می خواندند اَللّهُمَّ اِنَّکَ قُلتَ فی کِتابِکَ شَهرُ
خداوندا بدرستیکه تو گفته در کتاب خود که این ماه

رمضان

رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَ

رمضان است که فرو فرستاده شده در آن قرآن حالی که راهنمای آدمیان است و

بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ

آیه‌های روشن است از راهنماها و جدا کننده است پس بزرگ کردی حرمت ماه

رَمَضَانَ بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَخَصَصْتَهُ

رمضان را به سبب آنکه فرستادی در آن از قرآن و مخصوص گردانیدی او را

بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ اَللّٰهُمَّ

به شب قدر و گردانیدی او را بهتر از هزار ماه بارخدایا

وَهٰذِهِ أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدِ انْقَضَتْ أَيَّامُهُ وَ

و اینک روزهای ماه رمضان گذشت و به پایان رسید و

لَيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ وَقَدْ صِرْتُ يَا إِلٰهِي مِنْهُ إِلَى

شبهای آن گذشت و منقطع شده و گشتم من ای خدای من از آن به سوی

مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَأَحْصَى لِعَدَدِهِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ

آنچه تو داناتری به آن از من و ضبط نماینده‌تری مر شماره او را از خلق همه

فَأَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ بِهِ مَلَائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ وَ

پس سؤال میکنم تو را به آنچه سؤال کردند تو را به آن فرشتگان مقرب تو و

أَنْبِيَاؤُكَ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُكَ الصَّالِحُونَ أَنْ تُصَلِّيَ

پیغمبران مرسل تو و بندگان شایسته تو اینکه رحمت فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَتُدْخِلَنِي

بر محمد و آل محمد و اینکه آزاد کنی گردن مرا از آتش و درآوری

الجنة برحمتك وان تتفضل علي بالامن يوم الخوف

در بهشت برحمت خود وانکه بخشش نمائی بر من بایمن از روز ترس

من كل هول اعددته ليوم القيامة الهي واعوذ

از هر شدنی که آماده کرده برای روز رستخیز ای خدای من و پناه می برم

بوجهك الكريم وبجلالك العظيم ان ينقضي ايام

بذات بزرگوار تو و به بزرگواری تو که تمام شود روزهای

شهر رمضان ولياليه ولك قبلي تبعة او ذنب

ماه رمضان و شبهای آن و حال آنکه ترا باشد نزد من تاوانی یا گناهی

تؤاخذني به او خطيئة تريد ان تقتصها مني لم

که مواخذه کنی مرا بآن یا خطائی که اراده کنی که بگیری اورا از من که

تغفرها سيدي سيدي سيدي اسئلك يا لا

نیامرزیده باشی ای آقای من ای آقای من ای آقای من سوال می کنم ترا که نیست

اله الا انت اذ لا اله الا انت ان كنت رضيت

خدائی مگر تو چون نیست خدائی مگر تو که اگر بوده باشی که خوشنود شده

عني في هذا الشهر فازدد عني رضى وان لم تكن

از من در این ماه پس افزون کن از من خوشنودی خود را واگر نبوده باشی تو

رضيت عني فمن الان فارض عني يا ارحم الراحمين

که خوشنود گشته باشی پس در این زمان پس خوشنود باش از من ای ارحم ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

يا الله يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له

ای خدای ای یکتا ای بی نیاز ای آنکه نزاید و زاییده نشد و نبوده باشد برای او

كفوا احد

أحدٌ وبِنار يا مُلَيِّنَ الحديدِ لداودَ يا كاشِفَ الضُرِّ

ای نرم کننده آهن از برای داود ای دفع کننده بدحالی

والكَربِ والعِظامِ عن أيوبَ أي مُنفِّسَ همِّ يعقوبَ

و اندوه های بزرگ از ایوب ای راحت کننده اندوه یعقوب

أي مُنفِّسَ غمِّ يوسفَ صلِّ على محمدٍ وآلِ محمدٍ كما أنتَ

ای گشاینده غم یوسف رحمت کن بر محمد و آل محمد همچنانکه تو

أهلُه أن تُصلّي عليهم أجمعين وافعل بي ما أنتَ أهلُه

سزاواری آنکه رحمت کنی بر ایشان همه و بکن بمن آنچه تو سزاوار آنی

بسند معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که در هر شب
دهه آخر این دعا را می خواندند و آن اینست

اعوذُ بجلالِ وجهِكَ الكريمِ أن ينقضيَ عنّي شهرُ

پناه میبرم ببزرگواری ذات تو که بزرگست آنکه بگذرد از من ماه

رمضانَ أو يطلعَ الفجرُ من ليلتي هذه ويبقى لك

رمضان یا طلوع کند صبح از شب من این و باقی باشد مر ترا

عندي تبعةٌ أو ذنبٌ تُعذِّبني عليه يومَ ألقاكَ

نزد من وبالی یا گناهی که عذاب کنی مرا بر آن روز که ملاقات کنم ترا

بسندهای معتبر در هر شب از دهه دعای مخصوص
از حضرت صادق وارد شده است و بر مطالب دنیا
و آخرت مشتمل است دعای شب بیست و یکم

يا مولج الليل في النهار ومولج النهار في الليل و
ای درآورنده شب در روز و درآورنده روز را در شب و

مخرج الحي من الميت ومخرج الميت من الحي يا رازق
بیرون می آوری زنده را از مرده و بیرون می آوری مرده را از زنده ای روزی دهنده

من يشاء بغير حساب يا الله يا رحمن يا الله يا رحيم
هر که را خواهی بی شمار ای خدا ای بخشنده ای خدا ای بخشاینده

يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله لك
ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست

الأسماء الحسنى والأمثال العليا والكبرياء والآلاء
نامهای نیکو و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها

أسألك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تجعل اسمي
سؤال می کنم ترا اینکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد و اینکه قرار دهی نام مرا

في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء و
در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان و

إحساني في عليين وإسائتي مغفورة وأن تهب لي
نیکوئی مرا در علیین و بدکاری مرا آمرزیده و اینکه عطا کنی مرا

يقيناً تباشر به قلبي وإيماناً يذهب الشك عني
یقینی که مباشر آن شود دل مرا و ایمانی که زایل کند شک را از من

وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي
و راضی کنی مرا بآنچه قسمت کردی مرا و بده ما را در دنیا نیکی و در

الآخرة

الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها

نیکویی و نگاه دار ما را از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در آن

ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة

ذکر تو و سپاس تو و رغبت بسوی تو و بازگشت و توبه

والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم

و توفیق برای چیزی که توفیق دادی برای او محمد و آل محمد بر او و بر ایشان

السلام تسبيح دعوة يا سالخ النهار من الليل فاذا

سلام ای بیرون کشنده روز از شب پس آنگاه

نحن مظلمون ومجري الشمس لمستقرها بتقديرك يا عزيز

ما در تاریکی در آییم و جاری کننده آفتاب برای قرارگاه او به اندازه تو ای عزیز

يا عليم ومقدر القمر منازل حتى عاد كالعرجون القديم

ای دانا و ای تقدیر کننده ماه در منزلها تا اینکه گردد مثل شاخ خرمای کهنه

يا نور كل نور ومنتهى كل رغبة وولي كل نعمة يا الله

ای نور هر نور و منتهای هر خواهشی و خداوند هر نعمت ای خدا

يا رحمن يا الله يا قدوس يا احد يا واحد يا فرد يا الله

ای بخشنده ای خدا ای پاک ای یکتا ای یگانه ای تنها ای خدا

يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا

ای خدا ای خدا از برای توست نامهای نیکو و داستانهای بلند

والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وآل

و بزرگواری و نعمتها سؤال میکنم ترا اینکه رحمت کنی بر محمد و آل

محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي
محمد واینکه قرار دهی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا

مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة
با شهداء و نیکوئیها مرا در علیین و بدیهای مرا آمرزیده شده

وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك
واینکه ببخشی مرا یقینی که بشارت کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را

عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي
از من و راضی کنی مرا بآنچه قسمت کرده برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در

الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها
آخرت نیکی و نگاه دار ما را از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در آن

ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوفيق
یاد تو و سپاس تو و رغبت بسوی تو و بازگشت و توفیق

لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام
آنکه توفیق دادی بآن محمد و آل محمد را بر او و بر ایشان سلام

شب بیست و سیم يا رب ليلة القدر وجاعلها
ای پروردگار شب قدر و گرداننده آن

خيرا من الف شهر رب الليل والنهار والجبال
بهتر از هزار ماه پروردگار شب و روز و کوهها و

والبحار والظلم والانوار والارض والسماء يا بارئ
دریاها و تاریکیها و روشنیها و زمین و آسمان ای آفریننده

يا مصور

يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا الله يا قيوم يا

ای نقش‌کننده ای مهربان ای بخشنده ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای پاینده ای

بديع يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى بخواند

بدیع‌آورنده ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو

تا عليه وعليهما السلام شب بیست و چهارم يا فالق

بر او و بر ایشان باد سلام ای شکافنده

الاصباح ويا جاعل الليل سكنا والشمس والقمر

صبح و ای گرداننده شب را آرامگاه و آفتاب و ماه را

حسبانا يا عزيز يا عليم يا ذا المن والطول والقوة و

وسیله شمار ای غالب ای دانا ای خداوند انعام و احسان و توانائی و

الحول والفضل والانعام يا ذا الجلال والاكرام

قدرت و بخشش و نعمت ای خداوند عظمت و بزرگواری

يا الله يا رحمن يا الله يا فرد يا وتر يا الله يا ظاهر يا

ای خدا ای بخشنده ای خدا ای یگانه ای یکتا ای خدا ای آشکارا ای

باطن يا حي يا لا اله الا انت لك الاسماء الحسنى

ای پنهان ای زنده ای آنکه نیست خدا مگر تو مر تراست نامهای نیکو

بخواند تا عليه وعليهم السلام شب بیست و پنجم

بر او و بر ایشان باد سلام

يا جاعل الليل لباسا والنهار معاشا والارض

ای گرداننده شب را پوشش و روز را وقت کسب معاش و زمین را

مِهَادًا وَالْجِبَالَ اَوْتَادًا يَا اَللّٰهُ يَا قَاهِرُ يَا جَبَّارُ يَا

گهواره و کوهها را میخها ای خدا ای غلبه کننده ای بزرگوار ای

اَللّٰهُ يَا سَمِيعُ يَا اَللّٰهُ يَا قَرِيبُ يَا اَللّٰهُ يَا مُجِيبُ يَا اَللّٰهُ

خدا ای شنونده ای خدا ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده ای خدا

يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى بِحَوَائِجِ عَلَيْهِ

ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو براد ها

وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ شب بیست وششم يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ

ای گرداننده شب

وَالنَّهَارِ اٰيَتَيْنِ يَا مَنْ مَحَى اٰيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلَ

و روز دو نشانه قدرت ای آنکه محو کرده نشانه شب را و گردانیده

اٰيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْهُ وَرِضْوَانًا

نشانه روز را بینا تا طلب کنند بخشش را از او و خوشنودی

يَا مُفَصِّلَ كُلِّ شَيْءٍ تَفْصِيلًا يَا اَللّٰهُ يَا مَاجِدُ يَا وَهَّابُ

ای افزونه دهنده هرچیزی افزونی دادنی ای خدا ای بزرگوار ای بخشنده

يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى بِحَوَائِجِ

ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو

يَا اٰخِرُ شب بیست وهفتم يَا مَادَّ الظِّلِّ وَلَوْ شِئْتَ

ای کشنده سایه واگر خواهی

لَجَعَلْتَهُ سَاكِنًا وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ ثُمَّ

هر آینه گردانیدی ساکن و گردانیدی آفتاب را بر او پس

قبضنه

قَبَضْتَهُ اِلَيْكَ قَبْضاً يَسِيراً يا ذَا الْحَوْلِ وَالطَّوْلِ

گرفتی از آن بسوی خود گرفتنی آسان ای بزرگوار و دارای م

وَالْكِبْرِيآءِ وَالْآلآءِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ عالِمُ

و بزرگواری و نعمتها نیست خدا مگر تو دانای

الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ لا اِلٰهَ اِلّا

پنهان و آشکارا بخشنده مهربان نیست خدا مگر

اَنْتَ يا قُدُّوسُ يا سَلامُ يا مُؤْمِنُ يا مُهَيْمِنُ يا

تو ای پاک از بد ای بی عیب ای امان دهنده ای دانا بر هر چیزی ای

عَزِيزُ يا جَبّارُ يا مُتَكَبِّرُ يا اَللّٰهُ يا خالِقُ يا بارِئُ يا

غالب ای بزرگوار ای بزرگ ای خدا ای آفریننده ای پدید آورنده ای

مُصَوِّرُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمآءُ الْحُسْنىٰ

نقش کننده ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو

بخواند تا عليه وعليهم السلام شب معينت و ...

گزند تا برادرانش و بر ایشان سلام

يا خازِنَ اللَّيْلِ فِي الْهَوآءِ وَخازِنَ النُّورِ فِي السَّمآءِ

ای نگاه دارنده شب در هوا و نگاه دارنده روشنی در آسمان

وَمانِعَ السَّمآءِ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلّا بِاِذْنِهِ

و منع کننده آسمان از آنکه بیفتد بر زمین مگر بفرمان او

وَحابِسَهُما اَنْ تَزُولا يا عَلِيمُ يا غَفُورُ يا دائِمُ يا

و باز دارنده آنها از آنکه زایل شوند ای دانا ای آمرزنده ای همیشه ای

وارث یا باعث من فی القبور یا الله یا الله یا

الله لک الاسماء الحسنی بخوانند تا علیه وعلیهم

السلام شب بیست نهم یا مکور اللیل علی

النهار ومکور النهار فی اللیل یا علیم یا حکیم

یا رب الارباب وسید السادات لا اله الا

انت یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا الله

یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی بخوانند تا

علیه وعلیهم السلام شب سی ام الحمد لله لا

شریک له والحمد لله کما ینبغی لکرم وجهه وعز جلال

ه وکما هو ینبغی اهله یا قدوس یا نور یا نور القدس

يا سُبّوحُ يا مُنتهى التَّسبيحِ يا رحمنُ يا فاعِلَ الرَّحمةِ
اى منزه اى منتهاى تنزيه اى بخشنده اى كننده بخشش

يا اللهُ يا عليمُ يا كبيرُ يا اللهُ يا لطيفُ يا جليلُ
اى خدا اى دانا اى بزرگ اى خدا اى مهربان اى بزرگوار

يا اللهُ يا اللهُ يا اللهُ لكَ الاسماءُ الحُسنى و
اى خدا اى خدا اى خدا مرتراست نامهاى نيكو

الامثالُ العُليا والكِبرياءُ والآلاءُ اسألُكَ
ومثلهاى بلند وبزرگوارى ونعمتها سؤال ميكنم ترا

اَن تُصلّيَ على محمّدٍ وآلِ محمّدٍ واَن تجعلَ اسمي في
اينكه رحمت كنى بر محمد وآل محمد واينكه قرار دهى نام مرا در

هذهِ اللّيلةِ في السُّعداءِ وروحي مع الشُّهداءِ
اين شب درزمره نيكبختان وروح را با شهيدان

واِحساني في عِلّيّينَ واِساءَتي مغفورةً واَن
ونيكى مرا در عليين وبدى مرا آمرزيده شده واينكه

تَهَبَ لي يقيناً تُباشِرُ بهِ قلبي واِيماناً يُذهِبُ
ببخشى مرا يقينى كه برسانى بآن دل مرا وايمانى كه ذهاب كند

الشَّكَّ عنّي وتُرضيَني بما قسمتَ لي وآتِنا
شك را از من وخوشنود كنى مرا بآنچه قسمت كرده مرا وبده مارا

في الدُّنيا حسنةً وقِنا عذابَ النّارِ الحريقِ
در دنيا خوبى ونگاه دار مارا از عذاب آتش سوزان

وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ

و روزی کن مرا در آن یاد حق و شکر حق و رغبت بسوی حق

وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا

و باز گشت و توبه و توفیق مر آنکه توفیق دادی محمد

وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ فصل سیم در بیان نمازها

و آل محمد را و بر ایشان سلام

شبها و دعاهای روزها است که مشهور است
و علما در کتب دعا ذکر کرده اند و نزد فقیر معتبر بند
نماز شب اول چهار رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه
توحید دویم چهار رکعت در هر رکعت بعد از
بیست و پنج مرتبه انا انزلنا سیم دو رکعت
حمد و پنجاه مرتبه توحید چهارم هشت رکعت
در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا انزلناه پنجم
ششم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه
توحید و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی
محمد و آل محمد هفتم چهار رکعت در هر رکعت
حمد و سوره تبارک الذی بیده هشتم چهار رکعت
در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه انا انزلناه نهم
دهم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید

بعد از

وبعد از سلام هزار مرتبه سبحان الله یازدهم شش
رکعت میان نماز شام وخفتن در هر رکعت حمد و
هفت آیة الکرسی وبعد از تمام پنجاه مرتبه اللهم
صل علی محمد دوازدهم بیست رکعت در هر رکعت حمد
وسی مرتبه توحید سیزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد
وبیست انا اعطیناك الکوثر چهاردهم هشت رکعت
در هر رکعت حمد وسی مرتبه انا انزلناه پانزدهم
چهار رکعت حمد وبیست وپنج مرتبه توحید
شانزدهم شش رکعت در هر رکعت حمد وسی
مرتبه اذا زلزلت هفدهم چهار رکعت در هر
رکعت اول حمد وصد مرتبه توحید ودر دو رکعت
دیگر پنجاه مرتبه توحید هجدهم دوازده رکعت
در هر رکعت حمد ودوازده مرتبه الهیکم التکاثر
نوزدهم دو رکعت در رکعت اول حمد وهر
سوره که خواهد ودر رکعت دوم حمد وصد مرتبه تو
وبعد از سلام صد مرتبه لا اله الا الله بیستم
چهار رکعت در هر رکعت حمد وبیست وپنج مرتبه
انا اعطیناك الکوثر بیست ویکم پنجاه مرتبه با حمد و
پنجاه مرتبه اذا زلزلت وگویا مراد آن باشد که

در هر رکعت یکبار بخواند زیرا که مشکل است
که در یک شب دو هزار و پانصد مرتبه اذا زلزلت
خواندن بیست و دوم بیست و سیم بیست و چهارم
در هر یک هشت رکعت بهر سوره که میسر شود بیست
پنجم هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه
توحید بیست و ششم شش رکعت در هر رکعت صد مرتبه
توحید بیست و هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد
و تبارک الذی و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید
بیست و هشتم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد
صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه توحید و صد مرتبه
کوثر و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد
بیست و نهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست
مرتبه توحید سی ام دوازده رکعت در هر رکعت
حمد و بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد
مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و این نمازها چنانچه
مذکور شد هر دو رکعت بیک سلام است فصل چهارم
دعاها روزها از ابن عباس نقل کرده اند که حضرت
رسول فضیلت بسیار از برای روزه هر روزه ماه
رمضان بیان فرموده از برای هر روز دعای مخصوص

یا صفیلد

با فضیلت و ثواب بسیار از برای آن دعا ذکر کرده
و ما با اصل دعا اکتفا مینمائیم روز اول

اللهم اجعل صیامی فیه صیام الصائمین وقیامی
بار خدایا بگردان روزه مرا در این ماه روزه روزه داران و ایستادن مرا
فیه قیام القائمین ونبهنی فیه عن نومة الغافلین
در آن ایستادن ایستادگان و آگاه گردان مرا در آن از خواب بیخبران
وهب لی جرمی فیه یا اله العالمین واعف عنی یا
وببخش گناه مرا در آن ای خدای جهانیان و درگذر از من ای
عافیا عن المجرمین روز دوم اللهم قربنی فیه الی
درگذرنده از گناهکاران خداوندا نزدیک گردان مرا در آن بسوی
مرضاتک وجنبنی فیه من سخطک ونقماتک
خوشنودی خود و دور گردان مرا در آن از غضب خود و عقوبتهای خود
ووفقنی فیه لقراءة آیاتک برحمتک یا ارحم الراحمین
و توفیق بده مرا از برای خواندن آیتهای کتاب خود برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
روز سیم اللهم ارزقنی فیه الذهن والتنبیه
خداوندا روزی کن مرا در آن زیرکی و آگاه گردیدن
وباعدنی فیه من السفاهة والتمویه واجعل
و دور گردان مرا در آن از کم خردی و دروغ بستن حق و بگردان
لی فیه نصیبا من کل خیر تنزل فیه بجودک یا اجود
از برای من در آن بهره از هر نیکی که فرود آید در آن بجود خود ای بخشنده ترین

الأجودين روز چهارم اللهم وفقني فيه على إقامة

بخشندگان خداوندا توفیق ده مرا دران بر برپا داشتن

أمرك وأذقني فيه حلاوة ذكرك وأوزعني فيه

امر تو و بچشان مرا دران شیرینی یاد کردن خود و توفیق ده مرا دران

لأداء شكرك بكرمك واحفظني فيه بحفظك

برای بجا آوردن سپاس خود به بزرگواری خود و نگاهدار مرا دران به نگاهداری خود

وسترك يا أبصر الناظرين روز پنجم اللهم اجعلني

و پوشش خود ای بیناتر بینندگان خداوندا بگردان مرا

فيه من المستغفرين واجعلني فيه من عبادك الصالحين

دران از زمره طلب آمرزش کنندگان و بگردان مرا دران از زمره بندگان شایسته‌ات

القانتين واجعلني فيه من أوليائك المقربين

فرمانبرداران و بگردان مرا دران از دوستان خود نزدیکان

برأفتك يا أرحم الراحمين روز ششم اللهم لا تخذلني

به مهربانی خود ای مهربانترین رحم کنندگان خداوندا خوار مکن مرا

فيه لتعرض معصيتك ولا تضربني بسياط نقمتك

دران بجهت پیش آمدن نافرمانی خود و مزن مرا به تازیانه عقوبت خود

وزحزحني فيه من موجبات سخطك بمنك وأياديك

و دور گردان مرا دران از اموری که واجب می گرداند غضب ترا به بخشش خود و نعمتهای خود

يا منتهى رغبة الراغبين روز هفتم اللهم أعني على

ای منتهای خواهش خواهش کنندگان خداوندا یاری ده مرا بر

صيامه

صِيامِهِ وَقِيامِهِ وَجَنِّبْني فيهِ مِنْ هَفَواتِهِ وَآثامِهِ وَارْزُقْني

روزه داشتن او و بپا ایستادن او و دور گردان مرا دران از لغزشهای او و گناهان او و روزی کن

ذِكْرَكَ بِدَوامِهِ بِتَوْفيقِكَ يا هادِيَ الْمُضِلّينَ روز سیم

یاد خود را به همیشگی او بتوفیق خود ای راهنمای گمراهان

اَللّهُمَّ ارْزُقْني فيهِ رَحْمَةَ الْأَيْتامِ وَإِطْعامَ الطَّعامِ

خداوندا روزی کن مرا دران مهربانی یتیمان و خورانیدن طعام

وَإِفْشاءَ السَّلامِ وَمُجانَبَةَ اللِّئامِ وَصُحْبَةَ الْكِرامِ

و فاش کردن سلام و دوری جستن از لئیمان و صحبت بزرگواران

بِطَوْلِكَ يا مَلْجَأَ الْآمِلينَ روز چهارم اَللّهُمَّ اجْعَلْ لي

بفضل خود ای پناه آرزومندان خداوندا بگردان مرا

فيهِ نَصيباً مِنْ رَحْمَتِكَ الْواسِعَةِ وَاهْدِني فيهِ

دران بهره از رحمت خود فراگیرنده و راهنمائی کن مرا دران

لِبَراهينِكَ السّاطِعَةِ وَخُذْ بِناصِيَتي إِلى مَرْضاتِكَ

بدلایل [illegible] تابنده خود و فراگیر موی پیشانی مرا بسوی خشنودیهای خود

الْجامِعَةِ بِمَحَبَّتِكَ يا أَمَلَ الْمُشْتاقينَ روز پنجم اَللّهُمَّ

[illegible] بمحبت خود ای امید آرزومندان خداوندا

اجْعَلْني فيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلينَ عَلَيْكَ وَاجْعَلْني فيهِ

بگردان مرا دران از توکل کنندگان بر تو و بگردان مرا دران

مِنَ الْفائِزينَ لَدَيْكَ وَاجْعَلْني فيهِ مِنَ الْمُقَرَّبينَ إِلَيْكَ

از رستگاران نزد خود و بگردان مرا دران از نزدیکان بسوی خود

باحسانك يا غاية الطالبين روز یازدهم اللهم حبب

به نیکوئی تو ای منتهای مطلب طلب کنندگان — خداوندا دوست گردان

اليّ فيه الاحسان وكرّه اليّ فيه الفسوق والعصيان

بسوی من دران نیکوئی و دشمن گردان بسوی من دران بدکرداری و نافرمانی را

وحرّم عليّ فيه السخط والنيران بقوتك يا غياث

و حرام کن بر من دران خشم و آتشها را بقوه تو ای فریادرس

المستغيثين روز دوازدهم اللهم زيّني فيه بالستر و

داد خواهان — خداوندا آراسته کن مرا دران بپوشش و

العفاف واسترني فيه بلباس القنوع والكفاف

پرهیزکاری و بپوشان مرا دران بجامه قناعت و روزی بقدر کفاف

واحملني فيه على العدل والانصاف وامنّي

و بدار کن مرا دران بر عدالت و انصاف و ایمن گردان مرا

فيه من كل ما اخاف بعصمتك يا عصمة الخائفين

دران از هر انچه میترسم بنگاه داری تو ای نگاه دارنده ترسندگان

روز سیزدهم اللهم طهّرني فيه من الدنس و

خداوندا پاکیزه گردان مرا دران از چرک و

الاقذار وصبّرني فيه على كائنات الاقدار

همه ناپاکیها و شکیبا کن مرا دران بر انچه مقدر است

ووفقني فيه للتقى وصحبة الابرار بعونك

و توفیق ده مرا دران پرهیزکاری و صحبت نیکوکاران بیاری تو

يا قرة

یا قرة عین المساکین روز چهاردهم اللهم لا تؤاخذنی

ای روشنی چشم بیچارگان خداوندا مگیر مرا

فیه بالعثرات واقلنی فیه من الخطایا والهفوات

دران بلغزشها و درگذر دران از گناهان ولغزشهای من

ولا تجعلنی فیه غرضا للبلایا والآفات بعزتک

و مگردان مرا دران نشانه برای تیرهای بلا و آفتها بعزت حق

یا عز المسلمین روز پانزدهم اللهم ارزقنی فیه طاعة

ای ارجمند کردن سهنده گان خداوندا روزی کن مرا دران فرمان بری

الخاشعین واشرح فیه صدری بانابة المخبتین

فروتنی کنندگان و گشاده ده مرا دران سینه مرا بازگشت فروتنی کنندگان

بامانک یا امان الخائفین روز شانزدهم اللهم

بامان دادن حق ای ایمنی ترسندگان خداوندا

وفقنی فیه لموافقة الابرار وجنبنی فیه

توفیق ده مرا دراینجا برای موافقت نیکان و دور گردان مرا دران همراه

مرافقة الاشرار وآونی فیه برحمتک الی

همراهی بدکاران و فرود آر مرا دران برحمت حق بسوی

دار القرار بالهیتک یا اله العالمین روز هفدهم

خانه آرامگاه بخدائی حق ای خدای جهانیان

اللهم اهدنی فیه لصالح الاعمال واقض لی

بار خدایا راه نما کن مرا دران بنیکو کردارها و بگزار از برای من

فِيهِ الْحَوَائِجَ وَالْآمَالَ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ

دران حاجتها و آرزوها ای آنکه محتاج نیست بسوی اظهار کردن و

وَالسُّؤَالِ يَا عَالِمًا بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ روز هجدهم

و سؤال ای دانا بانکه در سینه‌های جهانیان است

اَللّٰهُمَّ نَبِّهْنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ وَنَوِّرْ فِيهِ

بار خدایا بیدار گردان مرا دران برای برکتهای سحرهای ان و نورانی کن دران

قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ وَخُذْ بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَى اتِّبَاعِ

دل مرا بروشنی نورهای او و بگیر همه اعضای مرا بسوی پیروی

آثَارِهِ يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ روز نوزدهم اَللّٰهُمَّ

نشانهای ان ای روشن گرداننده دلهای شناسندگان بار خدایا

وَفِّرْ حَظِّي فِيهِ مِنْ بَرَكَاتِكَ وَسَهِّلْ سَبِيلِي إِلَى

بسیار کن دراینماه بهره مرا از برکتهای خود و آسان گردان راه مرا بسوی

خَيْرَاتِهِ وَلَا تَحْرِمْنِي قَبُولَ حَسَنَاتِهِ يَا هَادِيًا إِلَى

نیکوئیهای ان و محروم مکن مرا از پذیرفتن نیکوئیهای ان ای راهنمای بسوی

الْحَقِّ الْمُبِينِ روز بیستم اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ

دین حق روشن خداوندا بگشا برای من دران درهای

الْجِنَانِ وَأَغْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ النِّيرَانِ وَوَفِّقْنِي

بهشت را و ببند برای من دراینماه درهای دوزخ را و توفیق ده مرا

فِيهِ لِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ يَا مُنْزِلَ السَّكِينَةِ فِي قُلُوبِ

دراینماه از برای خواندن قرآن حمید ای فرود آورنده آرام در دلهای

الْمُؤْمِنِ

المؤمنين روز بیست و یکم اللهم اجعل لي فيه الى مرضاتك

گروندگان خداوندا بگردان برای من درآنماه بسوی خوشنودی خود

دليلا و لا تجعل للشيطان فيه علي سبيلا و

راهی و مگردان از برای شیطان درآنماه بر من راهی و

اجعل الجنة لي منزلا و مقيلا يا قاضي حوائج الطالبين

بگردان بهشت را از برای جای فرود آمدن و آرامگاه ای برآورنده حاجات طلب کنندگان

روز بیست و دوم اللهم افتح لي فيه ابواب فضلك

خداوندا بگشا برای من درآنماه درهای بخشش خود را

و انزل علي فيه بركاتك و وفقني فيه لموجبات

و فرود آور بر من درآنماه برکات خود را و توفیق ده مرا درآنماه برای آنکه باعث شود

مرضاتك و اسكني فيه بحبوحات جناتك يا

خوشنودی ترا و ساکن گردان درآنماه در میانه بوستانهای خود ای

مجيب دعوة المضطرين روز بیست و سیم اللهم اغسلني

اجابت کننده دعای درماندگان خداوندا بشوی مرا

فيه من الذنوب و طهرني فيه من العيوب و

درآنماه از گناهان و پاک گردان مرا درآنماه از عیبها و

امتحن قلبي فيه بتقوى القلوب يا مقيل عثرات

آزمایش کن دل مرا درآن به پرهیزکاری دلها ای درگذرنده از لغزشهای

المذنبين روز بیست و چهارم اللهم اني اسئلك فيه ما

گناهکاران خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا درآن آنکه

بمرضاتك وأعوذ بك فيه مما يؤذيك وأسئلك

خوشنودی تو و پناه می‌برم بتو درین ماه از آنکه آزرده شوی و سؤال می‌کنم ترا

فيه التوفيق فيه لأن أطيعك ولا أعصيك يا عالما

درین ماه توفیق را درین ماه از برای آنکه فرمان برم ترا و نافرمانی نکنم ترا ای داناه

بأحوال السائلين بحق محمد اللهم اجعلني فيه محبا

باحوال سؤال کنندگان خداوندا بگردان مرا درین ماه دوست

لأوليائك ومعاديا لأعدائك مستنا بسنة

مر دوستان خود را و دشمن از برای دشمنان خود جاری شده بطریقه

خاتم أنبيائك يا عاصم قلوب النبيين بحق نبيك

آخر پیغمبران تو ای نگاه دارنده دلهای پیغمبران

اللهم اجعل سعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا

بار خدایا بگردان حرکت مرا درین ماه جزا داده شده و گناه مرا درین ماه آمرزیده شده

وعملي فيه مقبولا وعيبي فيه مستورا يا أسمع

و کردار مرا درین ماه پذیرفته شده و عیب مرا درین ماه پوشیده شده ای شنواترین

السامعين بحق نبيه وعترته اللهم ارزقني فيه

شنوندگان خداوندا روزی کن مرا درین ماه

فضل ليلة القدر وصير أموري فيه من العسر

زیادتی شب قدر و بگردان کارهای مرا درین ماه از سختی

إلى اليسر واقبل معاذيري وحط عني الوزر يا رؤفا

بسوی آسانی و قبول کن عذرهای مرا و فرو ریز از من گناه را ای مهربان

بعباده

بعباده الصالحين بمنّك اللهم وفّر حظّي فيه

به بندگان شایستگان خداوندا بسیار کن بهره مرا در این ماه

من النوافل واكرمني فيه باحضار المسائل وقرّب

از زیادتیها و گرامی دار مرا در این ماه به حاضر کردن مسائل و نزدیک گردان

فيه وسيلتي من بين الوسائل يا من لا يشغله الحاح

در این ماه وسیله مرا بسوی خود از میان وسیله‌ها ای آنکه باز نمی‌دارد او را مبالغه

الملحّين برحمتك اللهم غشّني فيه بالرحمة وارزقني

مبالغه کنندگان خداوندا بپوشان مرا در این ماه به رحمت و روزی کن مرا

فيه التوفيق والعصمة وطهّر قلبي من غياهب

در این ماه توفیق و نگهداری و پاکیزه گردان دل مرا از تیرگیهای

التهمة يا رحيما بعباده المؤمنين بمنّك اللهم

دروغ بستن ای مهربان به بندگان گروندگان خداوندا

اجعل صيامي فيه بالشكر والقبول على ما ترضاه

بگردان روزه مرا در این ماه مقرون به شکر گذاردن و پذیرفتن آنچه پسندی آن را

ويرضاه الرسول محكمة فروعه بالاصول بحق

و پسندد او را رسول حال آنکه محکم باشد فرعهای آن با اصلهای آن به حق

سيدنا محمد وآله الطاهرين والحمد لله رب العالمين

آقای ما محمد و آل او که پاکانند و سپاس مر خدا را که پروردگار جهانیان

مؤلف گوید که در تقدیم و تأخیر دعاها هر یک در کتب

دعوات ذکر کرده اند چون روایتش را معتبر نمی
دانم متعرّض ذکر آنها نشده ام دعای روز بیست و
هفتم کفعمی در بیست و نهم ذکر کرده است و موافق
مذهب شیعه در روز بیست و نهم خواندن دور
نیست که انسب باشد والله تعالی اعلم **باب سیم**
در اعمال و لیالی و ایام متبرکه ماه شوال و ماه ذی
القعده است از جمله ایام متبرکه ماه شوال روز
عید فطر است و شبش از جملهٔ لیالی شریفه است
و در فضیلت و ثواب روزه عبادت و احیای آن
احادیث بسیار است و از حضرت رسول صلعم منقول است
که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او در روزی
که دلها از ترس بمیرد و از حضرت و از حضرت امام محمد
باقر مرویست که گفت پدرم علی بن الحسین شب
عید را احیا می کرد بنماز تا صبح و بر تمام آن شب در
مسجد میماند و میگفت که ای فرزند امشب کمتر از شب
قدر نیست و غسل در این شب سنّت است و شخصی
بخدمت حضرت عرض کرد که آمرزش نازل می شود بر کسی
که روزه دارد ماه رمضان را در شب قدر حضرت فرمود
که بکارکن مزدش را نمیدهند مگر بعد از فراغ آن کار

وان درشب

وآن در شب عید است راوی گفت که چکار سزاوار است
که در این شب بکنیم حضرت فرمود که چون آفتاب غروب کند
غسل بکن و چون فریضه مغرب و نافله یا ذا المن و
از آنجا آوردی دستها را بسوی آسمان بلند کن و بگو ای صاحب انعام و
الطول یا ذا الجود یا مصطفی محمد و ناصره صل علی
بخشش ای صاحب انعام و جود ای برگزیده کننده محمد و یاری دهنده او رحمت کن
محمد و آل محمد واغفر لی کل ذنب احصیته و هو عندک
محمد و آل محمد و بیامرز از برای من هر گناهی که بشمرده ام و او نزد تو
فی کتاب مبین پس بسجود برو و صد مرتبه در سجود
در کتاب ... بگو اتوب الی الله پس هر حاجت
که داری بطلب که انشاء الله برآورده است و بسند
معتبر منقول است که حضرت امیر المؤمنین در شب عید
فطر دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول بعد از
حمد هزار مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم
یکمرتبه بخواند پس برکوع و سجود میرفتند و بعد از سلم
بسجده میرفتند و اتوب الی الله پس می یا ذا المن و
وصد مرتبه میگفتند ... ای صاحب انعام و
الطول یا مصطفی محمد صل علی محمد و آل محمد پس
بخشش ای برگزیده محمد رحمت کن بر محمد و آل محمد

حاجات خود را می‌طلبیدند پس سر از سجده برمیداشتند
و میفرمودند بحق خداوندی که جانم بدست اوست
هر که این نماز را بکند هر حاجت که از حق تعالی بطلبد
البته او را عطا کند و اگر بعد در ریگهای بیابان گناه
داشته باشد خدا بیامرزد و بعد از یا الله یا الله یا
نماز سنت است که این دعا بخواند ای خدا ای خدا ای
الله یا رحمن یا الله یا رحیم یا الله یا ملک یا الله یا
خدا ای بخشنده ای خدا ای مهربان ای خدا ای پادشاه ای خدا ای
قدوس یا الله یا سلام یا الله یا مؤمن یا الله یا مهیمن
پاکیزه ای خدا ای سالم از نقص ای خدا ای ایمن دهنده ای خدا ای دیده بر
یا الله یا عزیز یا الله یا جبار یا الله یا متکبر یا الله
ای خدا ای غالب ای خدا ای برکار ای خدا ای بزرگوار ای خدا
یا خالق یا الله یا بارئ یا الله یا مصور یا الله یا
ای آفریننده ای خدا ای پدید آورنده ای خدا ای نگارنده ای خدا ای
عالم یا الله یا عظیم یا الله یا کریم یا الله یا حلیم
دانا ای خدا ای بزرگ ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای بردبار
یا الله یا حکیم یا الله یا سمیع یا الله یا بصیر یا الله
ای خدا ای درست کردار ای خدا ای شنوا ای خدا ای بینا ای خدا
یا قریب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا واحد
ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای یگانه

یا الله

يَا اَللّٰهُ يَا وَلِيُّ يَا وَفِيُّ يَا اَللّٰهُ يَا مَوْلىٰ يَا اَللّٰهُ يَا قَاضِي يَا

اى خدا اى دوست اى وفا كننده اى آقا اى حكم كننده

اَللّٰهُ يَا سَرِيعُ يَا اَللّٰهُ يَا شَدِيدُ يَا اَللّٰهُ يَا رَؤُوفُ يَا اَللّٰهُ يَا

اى زود حساب كننده اى توانا اى مهربان اى

رَقِيبُ يَا اَللّٰهُ يَا مُجِيبُ يَا اَللّٰهُ يَا جَوَادُ يَا اَللّٰهُ يَا عَلِيُّ

نگهبان اى اجابت كننده اى بخشنده اى بلند مرتبه

يَا اَللّٰهُ يَا حَفِيظُ يَا اَللّٰهُ يَا مُحِيطُ يَا اَللّٰهُ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ

اى نگهبان اى فرا گيرنده اى آقاى آقايان

يَا اَللّٰهُ يَا اَوَّلُ يَا اَللّٰهُ يَا آخِرُ يَا اَللّٰهُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ

اى اول اى آخر اى هويدا اى پنهان

يَا اَللّٰهُ يَا فَاخِرُ يَا اَللّٰهُ يَا قَاهِرُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ يَا

اى بزرگوار اى صاحب قهر اى پروردگار اى

رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ

پروردگار اى پروردگار اى پروردگار اى پروردگار

يَا رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ يَا وَدُودُ يَا اَللّٰهُ يَا نُورُ يَا اَللّٰهُ يَا دَافِعُ

اى پروردگار اى دوست اى نور اى دفع كننده

يَا اَللّٰهُ يَا مَانِعُ يَا اَللّٰهُ يَا فَاتِحُ يَا اَللّٰهُ يَا نَفَّاعُ يَا اَللّٰهُ

اى منع كننده اى گشاينده اى نفع رساننده

يَا جَلِيلُ يَا اَللّٰهُ يَا جَمِيلُ يَا اَللّٰهُ يَا شَهِيدُ يَا اَللّٰهُ

اى بزرگوار اى نيكو اى گواه

يا شاهد يا الله يا مغيث يا الله يا حبيب يا الله يا فاطر

ای گواه   ای فریادرس   ای دوست   ای پدید آورنده

يا الله يا مطهر يا الله يا ملك يا الله يا مقتدر يا

ای پاک کننده   ای خداوند   ای توانا

الله يا قابض يا الله يا باسط يا الله يا محيي يا الله

ای گیرنده   ای پهن کننده   ای زنده کننده

يا مميت يا الله يا مجيب يا الله يا باعث يا الله يا معطي

ای میراننده   ای اجابت کننده   ای برانگیزاننده   ای عطا کننده

يا الله يا مفضل يا الله يا منعم يا الله يا حق يا الله

ای بخشنده   ای انعام کننده   ای ثابت

يا مبين يا الله يا طيب يا الله يا محسن يا الله يا

ای هویدا   ای دلا   ای نیکو   ای

مبدئ يا الله يا معيد يا الله يا بارئ يا الله يا بديع

پدید آورنده   ای اعاده کننده   ای آفریننده   ای نو پدید آورنده

يا الله يا هادي يا الله يا كافي يا الله يا شافي يا

ای راهنما   ای کفایت کننده   ای شفا کننده

الله يا علي يا الله يا حنان يا الله يا منان يا الله

ای بلند مرتبه   ای مهربان   ای مهربان

يا ذا الطول يا الله يا متعالي يا الله يا عدل يا الله

ای صاحب بلندی   ای بلند مرتبه   ای داد

يا ذا المعارج

يا ذا المعارج يا الله يا صادق يا الله يا ديّان يا الله

اى خداوند بلنديها اى راست گو اى جزا دهنده

يا باقى يا الله يا ذا الجلال والاكرام يا الله يا معبود

اى بى زوال اى صاحب جلال اى صاحب بزرگوارى اى پرستيده شده

يا الله يا محمود يا الله يا صانع يا الله يا معين يا الله

اى ستوده شده اى آفريننده كار اى اعانت كننده

يا مكوّن يا الله يا فعّال يا الله يا لطيف يا الله يا

اى ايجاد كننده اى كننده اى مهربان اى

جليل يا الله يا جميل يا الله يا غفور يا الله يا

بزرگوار اى نيكو اى آمرزنده اى

شكور يا الله يا نور يا الله يا حنّان يا الله يا

جزا دهنده اى نور اى مهربان اى

قدير يا الله يا ربّاه يا الله يا ربّاه يا الله يا ربّاه

توانا اى پروردگار اى پروردگار اى پروردگار

يا الله يا ربّاه يا الله يا ربّاه يا الله يا ربّاه يا الله

اى پروردگار اى پروردگار اى پروردگار

يا ربّاه يا الله يا الله اسئلك ان تصلّى على

اى پروردگار سوال ميكنم ترا اينكه رحمت كنى بر

محمّد وآل محمّد وتمنّ علىّ برضاك وتعفو عنّى

محمد و آل محمد و منت نهى بر من بخوشنودى خود و عفو كنى از من

بحلالك وتوسع علي من رزقك الحلال الطيب

به حلال خود و فراخ گردان بر من از روزی خود حلال پاکیزه

من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب فانی

از هر جا که گمان می برم و از جایی که گمان ندارم پس بدرستیکه من

عبدك ليس لي احد سواك ولا احد اسئله غيرك

بنده توام نیست از برای من احدی غیر از تو و نیست احدی که سوال کنم او را غیر تو

يا ارحم الراحمين ما شاء الله لا قوة الا بالله العلي

ای رحیم ترین رحم کنندگان آنچه خواهد خدا نیست قوه مگر به خدای بلند مرتبه

العظيم ثم تسجد يا الله يا الله يا رب يا الله

وتقول

بزرگ ای خدا ای خدا ای پروردگار ای خدا

يا رب يا منزل البركات بك كل حاجة اسئلك

ای پروردگار ای فرود آورنده برکات به تو هر حاجت سوال میکنم ترا

بكل اسم في مخزون الغيب عندك والاسماء

بهر نامی در پنهان غیب در درگاه است نزد تو و نامهای

المشهورات عندك المكتوبة على سرادق عرشك

آشکار شده نزد تو نوشته شده بر سراپرده عرش تو

ان تصلي على محمد وال محمد وان تقبل مني شهر

اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه قبول کنی از من ماه

رمضان وتكتبني في الوافدين الى بيتك

رمضان را و بنویسی مرا در زمره واردشوندگان به خانه

الحرام

اَلْحَرامِ وَتَصْفَحَ لی عَنْ ذُنُوبِی الْعِظامِ وَتَسْتَخْرِجَ بِأنْ

گرم ودرگذری از گناهان بزرگ وبیرون کنی برای پروردهٔ

کُنُوزَكَ یا رَحْمٰنُ ... وروایت دیگر بجای هزار مرتبه

... ای بخشنده قل هو الله صد مرتبه نیز وارد شده

وایضاً سنت مؤکد است که بعد از نماز شام وخفتن

وصبح شب عید وغاز عید این تکبیرات را بخواند

اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ

خدا بزرگ‌ترست خدا بزرگ‌ترست نیست خدائی مگر خدا وخدا بزرگ‌ترست خدا

اَکْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ عَلیٰ ما هَدینا اما اعمال

روز عید پس

بزرگ‌ترست ومر خدای راست حمد خدا بزرگ‌ترست برآنکه راه نمود ما را

زکوة فطره واجبست وترکش با تحقیق شرایط و

جوب گناه کبیره است وشرط قبول روزه ماه مبارك

چنانچه از حضرت صادق منقولست که تمامی روزه

زکوة است یعنی فطره چنانچه صلوات بر محمد وال

محمد تمامی نماز است زیرا که هرکه روزه بدارد و

زکوة فطره را ندهد روزه او مقبول نیست هرگاه

عمدا ترك کند واگر صلوات بر محمد وال محمد را ترك کند

در تشهد نمازش مقبول نیست وخدا زکوة را پیش

از نماز ذکر کرده است در آنجا که فرموده است

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ به تحقیق که

یعنی رستگاری کسیکه زکوة فطره داده و پروردگار خود را یاد کرد و نماز عید بجای آورد

که رستگاری

یافت هر که زکوة فطره را داد و بعد کار خود را یاد
کرد بآن تکبیرات که مذکور شد پس نماز عید را بجا آورد
چنانچه زکوة مال باعث پاکیزگی مال میشود و مال
از تلف محفوظ میماند چنانچه منقولست که هیچ مال
در دریا و صحرا تلف نمی شود مگر بندادن زکوة همچنین
فطره زکوة بدنست و بدنرا پاکیزه میکرداند از بخل و سایر
کثافات معنویه و اورا تا سال آینده از بلاها حفظ می
کند چنانچه بسند معتبر منقولست که حضرت صادق با
معتصب وکیل خرج خود فرمود که برو و فطره جمیع عیالان
و غلامان و کنیزان ما را بده و یکی از ایشان را ترک مکن
که زکوة او را ندهی زیرا که اگر یکی را ترک میکنی میترسم
که در عرض سال بمیرد و بدانکه زکوة بر مال نابالغ و
دیوانه عیال دیگری باشند بر او واجبست که فطره
ایشانرا بدهد و زکوة بنده را آقا میدهد بنابر مشهور
مگر شب عیال دیگری باشد و اشهر و اقوی آنست
که قوت سالیانه خود و عیال خود داشته باشد یا
قادر بر کسبی باشد که وفا بمعیشت او و عیال خود بکند فطره

داشته

داشته باشد بر او واجب است و اظهر آنست که او
سنت است و اگر فقیر یک سر فطره را با عیال با خود
دست بدست بگردانند و بعد از آن بفقیر دیگر بدهد
همه ثواب فطره دادن باشد و باید که غنی اخراج فطره کند
از خود و از هر کس که واجب النفقه او باشد بشرط آنکه
عیال دیگری شده باشد بر او واجب است و همچنین
باید بدهد از هر کسی که در خانه او باشد از مهمان و
غیر او که آخر روز ماه رمضان پیش از شام در آنخانه باشد
و افطار کند و اگر بعد از شام داخل شود و افطار کند یا
نکند بر او واجب نیست بر صاحب خانه و اگر پیش از
شام داخل شود و افطار از مال او نکند احوط آنست
که هر دو بدهند یا یکی از ایشان باذن دیگری بقصد
قربة الی الله و اگر شخص عیال او نباشد اما نفقه و
کسوه او را دهد نزد دیگری باشد زکوة او بر معطی
نیست و همچنین اگر در شب عید پیش از شام از جهة
همسایها طعامی بفرستند یا فقیر یا چیزی بدهد یا
شخصی در ماه رمضان مهمان باشد در شب و در جای
دیگر افطار کند یا بعد از شام عید افطار کرده بخواند
و اید یا چیزی نخورده باشد و بعد از شام بیاید زکوة

زکوة براو واجب نیست واحوط آنست که در صورة
اخیر هر دو بدهند بلکه مطلق مهمان اگر غنی باشد
خود نیز بدهد بهتر است ووقت بیرون کردن فطره
موافق مشهور بین علما شب عید است تا ظهر روز عید
وبعضی گفته اند تا شام روز واحوط آنست که در
شب جدا کند وپیش از نماز عید بدهد واگر در صبح جدا
کند نیز خوبست واگر پیش از نماز جدا کند وبعد از نماز
در آن روز یا بروز دیگر برای حاضر شدن مستحق یا عذر
دیگر تاخیر کند ضرور ندارند واگر جدا نکند تا ظهر روز
عید احوط آنست که تا شام قصد ادا وقضا نکند و
اگر از روز عید بگذرد بقصد قربت بدهد وبقصد
خصوص نکند یا آنکه قصد کند که اینرا میدهم که اگر
قضای فطره بر من واجب باشد والا تصدق باشد
وپدر ومادر وجد وفرزندان وفرزند زادگان همه گاه
فقیر باشند نفقه ایشان براو واجب است پس اگر نفقه
او را خورند فطره ایشان براو است واگر عیال شخص
دیگر باشند بر آن شخص دیگر است واگر عیال دیگری
نیز نباشند اشهر واحوط آنست که او فطره ایشان بدهد
واما جنس فطره مشهور آنست که هرچه قوت غالب

باشد

باشد میتواند داد واحوط آنست که جو یا گندم یا مویز
یا خرما یا کشک بدهد و بهتر آنست که خرما بدهد
وبعد از آن مویز هرچه قوت غالب باشد چنانچه مردم
شهر غالب قوت ایشان چون نان گندم است
بهتر آنست که گندم بدهند و مردم دهات که غالبا
نان جو میخورند جو بدهند و در حدیث است که یک
صاع خرما در فطره بدهم دوستر میدارم از آنکه یک
طلا بدهم واما مقدار فطره آن هر شخصی یکصاع
باید داد وصاع موافق حساب مشهور ظاهرا یکمن
تبریز و چهارده مثقال و ربع مثقال است واحوط آن
است که یکمن نیم تبریز بدهند و نهایت احتیاط که یکمن
شاه بدهند و باید بدهند که قوت سال ایشان خود وعیال
خود را نداشته باشد و سایل بکف نباشد واحوط
آنست که متظاهر بفسوق نباشد وصالح باشد واحوط
آنست که در زمان غیبت امام بمجتهد جامع الشرایط
عادل بدهند که او بمستحقان برساند چون مصارف
را او بهتر میداند و بعضی از علماء اینرا واجب دانسته
اند واحوط آنست که فقیر را کمتر از یکصاع ندهند
و بیک کس چند سر میتواند داد و فطره را بواجب النفقه
نمیتواند داد و بخویشان غیر واجب النفقه دادن

بهتر است و بعد از آن به همسایگان پریشان و بعد از آن
یکسانی که فاضلتر و صالحتر و پریشانتر باشند فطره
غیر سید را به سید نمیتواند داد و سنت است که در روز
عید پیش از نماز عید در اول روز افطار کنند و سنت
است که به خرما افطار کنند و غسل روز عید سنت مؤکد است
و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت صادق منقول است
که غسل را در زیر سقفی بکن و در اللهم ایماناً
زیر آسمان مکن و پیش از غسل بگو — خدایا تصدیق میکنم
بک و تصدیقاً بکتابک و اتباع سنة نبیک ثم
بتو و باور دارم کتاب ترا و پیروی میکنم طریقه پیغمبر ترا
بسم الله بگو و غسل بکن و چون اللهم اجعله کفارة
بنام خدا — از غسل فارغ شوی بگو — خدایا بگردان این غسل را کفاره
لذنوبی و طهر دینی اللهم اذهب عنی الدنس
گناهان من و پاک کن دین مرا خدایا ببر از من چرک
و زیارت حضرت امام حسین در روز عید سنت مؤکد است
و ثواب بسیار در آوردش است و نماز عید در
زمان حضرت امام واجب است و در زمان غیبت
امام اکثر علما سنت می دانند و بجماعت کردن را سنت
میدانند و میگویند تنها میتوان کرد و بیگمان بهتر و احوط
است که بجماعت بکنند و بنماز مجتهد عادل ملتمس

مؤید

شوند و اگر نتوانند حاضر شد تنها کردن سنت است
و نماز عید دو رکعت است اول بعد از حمد قراءت
پنج تکبیر میگوید و بعد از هر تکبیری یک قنوت و در
رکعت دویم بعد از قراءت چهار تکبیر میگوید و چهار
قنوت میخواند و قنوت مخصوص دارد و اگر کسی او را
نداند آنچه در قنوت نمازهای دیگر میخواند بخواند
و هر گاه بجماعت کنند پیش نماز دو خطبه بعد از نماز
بخواند و قنوت مخصوص اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْکِبْرِیَاءِ وَ
نماز عید این است — خدایا ای سزاوار بزرگی
اَلْعَظَمَةِ وَاَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ
عظمتی و سزاوار بخشش و بزرگواری و سزاوار بخشش و رحمتی
وَاَهْلَ التَّقْوٰی وَالْمَغْفِرَةِ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ هٰذَا الْیَوْمِ
و سزاوار پرهیزکاری و آمرزش سؤال میکنم ترا بحق این روز
اَلَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِینَ عِیدًا وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
آنچنانکه گردانیدی آنرا از برای مسلمانان عید و نیز از برای محمد رحمت فرستد خدا بر او
وَآلِهِ ذُخْرًا وَمَزِیدًا اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ
و بر آل او ذخیره و زیادتی از آنکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد و اینکه
تُدْخِلَنِی فِی کُلِّ خَیْرٍ اَدْخَلْتَ فِیهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَاَ
درآوری مرا در هر نیکی که درآوردی در آن محمد و آل محمد را و دربند

تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوٰ
بيرون كنى مرا از هر بدى كه بيرون آوردى ازان محمد وآل محمد رحمتهاى تو
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ خَيْرَ مَا سَئَلَكَ
بر او وبر ايشان خداوندا بدرستى كه من سوال ميكنم تو بهتر آنكه سوال كردو ترا
بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَاَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ
بان بندهگان شايسته وپناه مى برم بتو از آنكه پناه برد
مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلَصُونَ وبعد از نماز عيد دعاء
ازان بندهگان خالص شده
بسيار وارد شده است
و بهترين دعاها دعاى صحيفهٔ كامله است و بسند صحيح از حضرة امام محمد باقر منقولست كه در روز جمعه وعيد فطر وعيد قربان در هنگامى كه مى شود اين دعا بخوانند اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّاَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ اَوْ تَعَبَّاَ
بار خدايا كسيكه مهيا كرديده دراين روز يا سعى كرده
اَوْ اَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ اِلىٰ مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ
يا آماده كرديد براى وارد شدن بسوى مخلوق بجهة اميد بخشش او و
نَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ وَعَطَايَاهُ فَاِنَّ اِلَيْكَ يَا سَيِّدِي
زيادتيهاى او و بخششهاى او و عطاهاى او پس بدرستى كه بسوى تست اى آقاى من
تَهْيِئَتِي وَتَعْبِئَتِي وَاِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ
مهيا كشتن من و تعبيه كشتن من و مهيا شدن من وآماده شدن من بجهة اميد

رِفْدِكَ

رِفْدِكَ وَجَوائِزِكَ وَنَوافِلِكَ وَفَواضِلِكَ وَفَضائِلِكَ

بخشش تو وعطاهای تو وزیادتیهای تو وبخششهای تو واحسانهای تو

وَعَطائِكَ وَقَدْ غَدَوْتُ إِلى عَبْدٍ مِنْ عِبادِ أُمَّةِ نَبِيِّكَ

وبخششهای تو وهمچنین که بامداد آمدم بسوی عبدی از عباد امت پیغمبر تو

مُحَمَّدٍ وَلَمْ أَفِدْ إِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صالِحٍ أَثِقُ بِهِ قَدَّمْتُهُ

محمد ونیامدم من بسوی تو امروز بکردار شایسته که اعتماد دارم بان پیشتر کردم

وَلا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ أَمَّلْتُهُ وَلكِنْ أَتَيْتُكَ خاضِعاً

ورو نیاوردم بمخلوقی که امیدوار باشم ولیکن آمدم من ترا در حالتی که فروتنم

مُقِرّاً بِذُنُوبِي وَإِساءَتِي إِلى نَفْسِي فَيا عَظِيمُ يا عَظِيمُ

واقرارکننده ام بگناهان خود وبدی کردن بسوی نفس خود پس ای بزرگ ای بزرگ

اِغْفِرْ لِيَ الْعَظِيمَ مِنْ ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظامَ

بیامرز برای من بزرگ از گناهان من پس بدرستی که نمی آمرزد گناهان بزرگ را

إِلاَّ أَنْتَ يا لا إِلهَ إِلاَّ أَنْتَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ ود

مگر تو ای آنکه نیست خدایی مگر تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

حدیث معتبر از حضرة صاحب الامر منقولست که
بعد از نماز صبح روز اَللّهُمَّ إِنِّي تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ
این دعا را بخوانند خدایا بدرستیکه من رو آوردم بسوی تو

بِمُحَمَّدٍ أَمامِي وَعَلِيٍّ مِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَأَئِمَّتِي عَنْ

بوسیله محمد از پیش روی خود وبعلی از پس خود واز جانب راست خود وبمنسوبان خود از

تَبارى اَستَتِرُ بِهِمْ مِنْ عَذابِكَ وَاَتَقَرَّبُ بِها اِلَيْكَ
مآب چون پنهان میشوم بایشان از عذاب تو و نزدیکی میجویم بسوی تو
زُلْفى لا اَجِدُ اَحَداً اَقْرَبَ اِلَيْكَ مِنْهُمْ فَهُمْ اَئِمَّتى
از روی نزدیکی نیابم احدی نزدیکتر بسوی تو از ایشان پس ایشانند پیشوایان من
فَاَمِّنْ بِهِمْ خَوْفى مِنْ عِقابِكَ وَسَخَطِكَ وَاَدْخِلْنى
پس ایمن بکن بایشان ترس مرا از عذاب تو و خشم تو و درآور مرا
بِرَحْمَتِكَ فى عِبادِكَ الصّالِحينَ اَصْبَحْتُ بِاللهِ مُؤْمِناً
برحمت تو در زمره بندگان شایستهات صبح کردم در حالتیکه ایمان دارنده بخدا
مُوقِناً مُخْلِصاً عَلى دينِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ وَعَلى دينِ عَلِىٍّ
یقین کننده خالص بر دین محمد و طریقه او و بر دین علی
وَسُنَّتِهِ وَعَلى دينِ الْاَوْصِياءِ وَسُنَّتِهِمْ آمَنْتُ
و طریقه او و بر دین اوصیا و طریقه ایشان ایمان آوردم
بِسِرِّهِمْ وَعَلانِيَتِهِمْ وَاَرْغَبُ اِلَى اللهِ فيما رَغِبَ
به پنهان ایشان و آشکار ایشان و رغبت دارم بسوی خدا در آنچه رغبت دارد
فيهِ اِلَيْهِ مُحَمَّدٌ وَعَلِىٌّ فَالْاَوْصِياءُ وَلا حَوْلَ وَلا
در آن بسوی او محمد و علی پس اوصیا و نیست گردیدنی و نه
قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ وَلا عِزَّةَ وَلا مَنَعَةَ وَلا سُلْطانَ
توانائی مگر بخدا و نه ارجمندی و نه بازداشتن و نه پادشاهی
اِلّا لِلّهِ الْواحِدِ الْقَهّارِ الْعَزيزِ الْجَبّارِ تَوَكَّلْتُ
مگر از برای خدای یگانه غلبه دارنده ارجمند جبر کننده اعتماد کردم من

على الله

عَلَى اللهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ اِنَّ اللهَ
بر خدا و هر که اعتماد کند بر خدا پس او بس است او را بدرستی که خدا
بَالِغُ اَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا اَللّٰهُمَّ
رساننده کار خود است بتحقیق گردانید خدا از برای هر چیزی اندازه خداوندا
اِنِّي اُرِيدُكَ فَاَرِدْنِي وَاَطْلُبُ مَا عِنْدَكَ فَيَسِّرْ
بدرستی که اراده میکنم ترا پس اراده کن مرا و طلب میکنم آنچه نزد تست پس آسان
لِي وَاقْضِ لِي حَوَائِجِي فَاِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ
ساز برای من و روا کن برای من حاجتهای مرا پس بدرستی که تو گفتی در کتاب خود
وَقَوْلُكَ الْحَقُّ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي اُنْزِلَ فِيهِ
و قول تو راست است ماه رمضان آنچنان که فرو فرستاده شده در او
الْقُرْاٰنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى
قرآن راهنما است مر مردمان و دلیلهای روشن است از راهنماها
وَالْفُرْقَانِ فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ بِمَا
و جدا کننده میان حق و باطل پس بزرگ کردی حرمت ماه رمضان را
اَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْاٰنِ وَخَصَصْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ
بآنچه فرو فرستادی در آن از قرآن و مخصوص گردانیدی او را و بزرگ گردانیدی
بِتَصْيِيرِكَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فَقُلْتَ لَيْلَةُ
بگردانیدن تو در او شب قدر را پس گفتی شب
الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ تَنَزَّلُ الْمَلٰئِكَةُ وَ
قدر بهتر است از هزار ماه فرود می آیند فرشتگان و

الرُّوحُ فِيهَا بِاِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ اَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتّٰى

روح در وی است بفرمان پروردگار خود از هر کاری سلامت است تا

مَطْلَعِ الْفَجْرِ اَللّٰهُمَّ وَهٰذِهِ اَيَّامُ شَهْرٍ قَدِ انْقَضَتْ

طلوع صبح خدایا و این روزهای ماه رمضان که تمام شد

وَلَيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ وَقَدْ صِرْتُ مِنْهُ يَا اِلٰهِي

و شبهای آن بتحقیق بسر آمد و بتحقیق که گردیدم بدان ای خدای من

اِلٰى مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَاَحْصٰى بِعَدَدِهِ مِنْ

بسوی آنکه تو داناتری بآن از من و داناتری بشمردن آن از

عَدَدِي فَاَسْئَلُكَ يَا اِلٰهِي بِمَا سَاَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ

شمار من پس سوال میکنم ترا ای خدای من بآنچه سوال کردند ترا بآن بندهای

الصَّالِحُونَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِ

تو شایسته آنکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد و اهل خانواده

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَتَقَبَّلَ مِنِّي مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ اِلَيْكَ وَتَتَفَضَّلَ

محمد و آنکه بپذیری از من آنچه را که نزدیکی جستم بسوی تو و آنکه ببخشی

عَلَيَّ بِتَضْعِيفِ عَمَلِي وَقَبُولِ تَقَرُّبِي وَقُرُبَاتِي وَ

بر من به دو چندان کردن عمل من و پذیرفتن نزدیکی جستن من و دعاهای قربت

اسْتِجَابَةِ دُعَائِي وَهَبْ لِي مِنْكَ عِتْقَ رَقَبَتِي مِنَ

مستجاب شدن دعای من و ببخش از برای من از جانب خود آزادی گردن مرا از

النَّارِ وَمُنَّ عَلَيَّ بِالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَالْاَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ

آتش و منت گذار بر من برستگاری به بهشت و ایمنی روز ترس

مِن كل

مِن كُلِّ فَزَعٍ وَمِن كُلِّ هَوْلٍ اَعْدَدتَهُ لِيَوْمِ القِيامَةِ

از هر ترسی واز هر هول که آماده کرده‌ای آنرا برای روز قیامت

اَعُوذُ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الكَريمِ وَحُرْمَةِ نَبِيِّكَ الصّالِحِ

پناه می‌برم بحرمت ذات بزرگوار تو وحرمت پیغمبر تو که شایسته است

اَن تَصَرَّمَ هذَا الْيَوْمُ وَلَكَ قِبَلي تَبِعَةٌ تُريدُ اَن

از آنکه بپایان رسد این روز وبرای تست نزد من وبالی اراده میکنی آنکه

تُؤاخِذَني بِها اَوْ ذَنْبٌ تُريدُ اَن تُقايِسَني بِهِ وَتَشْقِيَني

مؤاخذه کنی مرا بآن یا گناهی که اراده داری آنکه مقایسه کنی مرا بآن وبدبخت کنی

وَتَفْضَحَني بِهِ اَوْ خَطيئَةٌ تُريدُ اَن تُقايِسَني بِها وَتَقتَصَّها

ورسوا کنی مرا بآن یا خطائی که اراده داری آنکه مقایسه کنی مرا بآن وبگیری آنرا

مِنّي لَم تَغفِرها لي وَاَسئَلُكَ بِحُرمَةِ وَجهِكَ الكَريمِ

از من نیامرزی آنرا از من وسؤال میکنم ترا بحرمت ذات بزرگوار تو

الفَعّالِ لِما يُريدُ الَّذي تَقولُ لِلشَّيءِ كُن فَيَكونُ لا

که کننده است هرچه اراده میکند آنچنانکه میگوئی برای هر چیزی بشو پس میشود نیست

اِلهَ اِلاّ هُوَ اللّهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ بِلا اِلهَ اِلاّ اَنتَ

خدائی مگر او خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم بحرمت لا اله الا انت

اِن كُنتَ رَضيتَ عَنّي في هذَا الشَّهرِ اَن تَزيدَ فيما بَقِيَ

اگر هستی تو خوشنود از من در این ماه آنکه زیاد کنی در آنچه باقی مانده

مِن عُمري رِضاً فَاِن كُنتَ لَم تَرضَ عَنّي في هذَا الشَّهرِ

از زندگانی من خوشنودی را پس اگر نشده خوشنود از من در این ماه

فمن الآن فارض عني الساعة الساعة الساعة و

پس از حالا خوشنود شو از من در این ساعت این ساعت این ساعت و

اجعلني في هذه الساعة وفي هذا المجلس من عتقائك

بگردان مرا در این ساعت و در این مجلس از آزاد کردگان

من النار وطلقائك من جهنم وسعداء خلقك

از آتش و رها کردگان تو از جهنم و نیک بختان خلق خود

بمغفرتك ورحمتك يا أرحم الراحمين اللهم

با آمرزش خود و رحمت خود ای رحیم‌ترین رحم کنندگان خداوندا

أسألك بحرمة وجهك الكريم أن تجعل شهري

سؤال می‌کنم ترا بحرمت ذات بزرگوار تو اینکه بگردانی ماه مرا

هذا خير شهر رمضان عبدتك فيه وصمته

این ماه بهتر از ماه رمضانها پرستیدم ترا در آن ماه و روزه گرفتم

لك وتقربت به إليك منذ أسكنتني فيه أعظمه

از برای تو و نزدیک شدم بسوی تو در آن وقت که ساکن کردی مرا در آن بزرگترین

أجرا وأتمه نعمة وأعمه مغفرة وأكمله رضوانا و

از روی مزد و تمامتر نعمتی و فراگیرنده‌تر از آمرزش و کاملتر از خوشنودی و

أقربه إلى ما تحب وترضى اللهم لا تجعله آخر

نزدیکتر بسوی آنکه دوست میداری و خوشنود می‌گردی خداوندا مگردان او را آخر

شهر رمضان صمته لك وارزقني العود فيه ثم

رمضانی که روزه گرفتم او را از برای تو و روزی کن مرا برگشتن در آن ماه پس

العود

الْعَوْدِ حَتّٰى تَرْضٰى وَبَعْدَ الرِّضٰى وَحَتّٰى تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا

بازگشتن تا اینکه خوشنود گردی و پس از خوشنودی و تا اینکه بیرون بری مرا از دنیا

سَالِمًا وَاَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَاَنَا لَكَ مَرْضِيٌّ اَللّٰهُمَّ

سالم و حال آنکه تو از من خوشنود باشی و من برای تو پسندیده باشم بارخدایا

اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ الَّذِي

بگردان در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی از امر لازم آنچه که

لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ

بر گردانده نشود و بدل نشود اینکه بنویسی مرا از حاجیان خانه خود که محترم است

فِي هٰذَا الْعَامِ وَفِي كُلِّ عَامٍ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ

در این سال و در هر سال آنان که پذیرفته شود حج ایشان پسندیده شود

سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُتَقَبَّلِ مَنَاسِكُهُمُ الْمُعَا

حرکت ایشان آمرزیده شود گناه ایشان پذیرفته عبادتهای ایشان عافیت داده شده

عَلٰى اَسْفَارِهِمُ الْمُقْبِلِينَ عَلٰى نُسُكِهِمُ الْمَحْفُوظِينَ فِي

بر سفرهای خود رو آورنده بر اعمال حج خود نگاه داشته شده در

اَنْفُسِهِمْ وَاَمْوَالِهِمْ وَذَرَارِيهِمْ وَكُلِّ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ

نفسهای خود و مالهای خود و فرزندان خود و هر آنچه انعام کردی تو بسبب

عَلَيْهِمْ اَللّٰهُمَّ اَقْلِبْنِي مِنْ مَجْلِسِي هٰذَا فِي شَهْرِي هٰذَا

بر ایشان خداوندا بر گردان مرا از مجلس من این مجلس در ماه من این

فِي يَوْمِي هٰذَا فِي سَاعَتِي هٰذِهِ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي

در روز من این روز در ساعت من این ساعت فیروز رستگار پذیرفته دعای

مغفورة اذنبي معافاة من النار ومعتقا منها عتقا
آمرزیده شده گناه من عافیت کرده شده از آتش و آزاد کرده شده از آن آزادی
لا رق بعده ابدا ولا رهبة يا رب الارباب اللهم
که نیست بندگی پس از آن هرگز و نه ترسی ای پروردگار پروردگاران خداوندا
انى اسئلك ان تجعل فيما شئت واردت وقضيت
بدرستیکه سؤال می کنم ترا اینکه گردانی در آنکه خواستی و اراده کردی و حکم کردی
وقدرت وحتمت وانفذت ان تطيل عمرى وتنسئ
و تقدیر کردی و واجب ساختی و روان کردی اینکه دراز کنی عمر مرا و پس اندازی
فى اجلى وان تقوى ضعفى وان تغنى فقرى وان
اجل مرا و اینکه قوت دهی ناتوانی مرا و اینکه بی نیازی احتیاج مرا و اینکه
تجبر فاقتى وان ترحم مسكنتى وان تعز ذلى وان
تدارک کنی احتیاج مرا و اینکه رحم کنی بیچارگی مرا و اینکه عزیز کنی خواری مرا و اینکه
ترفع ضعتى وان تغنى عائلتى وان تونس وحشتى
بلند کنی پستی مرا و اینکه بی نیاز کنی یاران مرا و اینکه انس کنی وحشت مرا
وان تكثر قلتى وان تدر رزقى فى عافية ويسر و
و اینکه بسیار کنی کمی مرا و اینکه روان سازی روزی مرا در عافیت و آسانی و
خفض وان تكفينى ما اهمنى من امر دنياى واخرتى
رفاهیت و اینکه دفع کنی از من آنکه غم کند مرا از امر دنیای من و آخرت من
ولا تكلنى الى نفسى فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضونى
و وا مگذاری مرا بسوی خودم پس عاجز شوم از آن و نه بسوی کسی پس اندازد مرا

وان تعافينى

وَاَنْ تُعافِيَنى فى دينى وَبَدَنى وَجَسَدى وَرُوحى وَوُلْدى

واینکه عافیت بخشی مرا در دین من و بدن من و جسد من و روح من و فرزندانم

وَاَهْلِ مَوَدَّتى وَاِخْوانى وَجيرانى مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ

و اهل دوستی من و برادران من و همسایگان از گروندگان مردان و زنان

وَالْمُسْلِمينَ وَالْمُسْلِماتِ الْاَحْياءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْواتِ وَاَنْ

و گردن نهادگان مردان و زنان مسلمه زنده از ایشان و مرده و اینکه

تَمُنَّ عَلَىَّ بِالْاَمْنِ وَالْاِيمانِ ما اَبْقَيْتَنى فَاِنَّكَ وَلِيّى وَمَوْلاىَ

منت گذاری بر من با ایمنی و با ایمان مادامی که باقی گذاری مرا پس بدرستیکه تو آقای منی

وَثِقَتى وَرَجائى وَمَعْدِنُ مَسْئَلَتى وَمَوْضِعُ شَكْواىَ

و معتمد منی و امیدگاه منی و قرارگاه سؤال منی و محل شکایت منی

وَمُنْتَهى رَغْبَتى فَلا تُخَيِّبَنى فى رَجائى يا سَيِّدى وَ

و منتهای رغبت منی پس محروم مکن مرا در امیدم ای آقای من و

مَوْلاىَ وَلا تُبْطِلْ طَمَعى وَرَجائى فَقَدْ تَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ

صاحب اختیار من و باطل مکن طمع مرا و امید مرا بتحقیق که رو کرده‌ام بسوی تو

بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَدَّمْتُهُمْ اَمامى وَاَمامَ حاجَتى وَطَلِبَتى

بمحمد و آل محمد و پیش داشته‌ام ایشان را در پیش رو و پیش حاجت و [illegible] و زاری خود

وَتَضَرُّعى وَمَسْئَلَتى فَاجْعَلْنى بِهِمْ وَجيهاً فِى الدُّنْيا

و زاری خود و سؤال خود پس بگردان مرا بایشان رو سفید در این جهان

وَالْاخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبينَ فَاِنَّكَ مَنَنْتَ عَلَىَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ

و در آن جهان و از مقربان پس بدرستیکه تو منت گذاردی بر من بشناختن ایشان

بمغفرتهم فاختم لی بالسعادة والسلامة والامن

بسخن ایشان ختم کن برای من به نیکبختی وسلامت وایمنی

والایمان والمغفرة والرضوان والسعادة والحفظ

وایمان وآمرزش وخوشنودی ونیکبختی ونگاهداشت

یا الله انت لکل حاجة لنا فصل علی محمد واله وعافنا

ای خدا تو از برای هر حاجتی که ما راست پس رحمت کن بر محمد وآل او وعافیت ده

ولا تسلط علینا احدا من خلقک لا طاقة لنا به و

ومسلط مکن بر ما احدی از خلق خود که طاقت نداریم از برای او و

اکفنا کل امر من امر الدنیا والاخرة یا ذا الجلال و

کفایت کن ما را هر امری از امر دنیا وآخرت ای صاحب جلال و

الاکرام صل علی محمد وال محمد وارحم علی محمد وال

بزرگواری رحمت کن بر محمد وآل محمد ورحم کن بر محمد وآل

محمد وسلم علی محمد وال محمد کافضل ما صلیت وبارکت

محمد ودرود فرست بر محمد وآل محمد مثل بهترین رحمتی که فرستادی وبرکت دادی

ورحمت وتحننت علی ابرهیم وال ابرهیم انک

ورحمی که کردی ومهربانی که نمودی بر ابراهیم وآل ابراهیم بدرستی که تو

حمید مجید واستحباب روزه داشتن شش روز بعد از

ستوده بزرگواری عید در بعضی از روایات وارد شده وظاهر ام

روزه داشتن محمول بر تقیه است چنانکه در زمان

بستان مشهور است و ترکش بهتر است و هم چنین
کراهت نکاح کردن در میان عید قربان و عید
فطر اصلی ندارد و شاید اصلش از عامه بوده باشد
و در ماه شوال چون عقد عایشه در آن واقع شده است
و اکثر مفاسد اسلام بر آن مترتب شده است و از بعضی
روایات کراهت مستفاد میشود اگر در خصوص شوال
احتراز کند بهتر است **باب چهاردهم در اعمال محرم** بدانکه
اول ماههای حرام است که حقتعالی در قرآن یاد کرده
است و آنها ذی القعده و ذی الحجه و ماه محرم و ماه رجب
است و در این ماهها ابتدای قتال با کافران نباید
کرد و شیخ مفید و غیر او از حضرت رسول روایت کرده اند
که هر که در یکی از ماههای حرام پنجشنبه و جمعه و شنبه
را متوالی روزه بدارد ثواب نهصد سال عبادة برای
او نوشته شود و در روایتی از حضرت رسول منقولست
که در شب پانزدهم ماه ذی حقتعالی بسوی بندگان
مومن نظر رحمت میکند و کسی که آن شب را بعبادة بسر آورد
ثواب صد عابد باو عطا کند که در یک چشم زدن
معصیت خدا نکرده باشد چون نصف شب بگذرد
شروع کن بعبادة و نماز و حاجات خود را از حقتعالی

طلب کند هر که حاجت که طلب کنی مستجاب میگردد و بعضی
از علما گفته اند که در روز بیست و ششم ماه ذی القعده
زیارت حضرت امام رضا ع از نزدیک و دور سنت است و
روز بیست و پنجم ذی القعده روز دحو الارض است یعنی
پهن شدن زمین از کعبه بروی آب و روز بسیار مبارکیست
و کلینی از محمد ابن عبد الله روایت کرده است که حضرت
امام رضا ع در شهر مرو در روز بیست و پنجم ذی القعده
بیرون آمدند و فرمودند که امروز روزه بدارید که من
نیز روزه ام گفتم فدای تو شوم امروز چه روز است فرمودند
که روزیست که رحمت در این روز منتشر گردیده است
و زمین در این روز پهن شده است و کعبه در این روز
پهن شده است و کعبه در این روز نصب شده است و از
حضرت آدم ع در این روز بزمین فرود آمده است و ابن بابویه
ده روایت کرده است از حسن وشا که گفت من با پدرم
در خدمت امام رضا شام خوردیم در شب بیست و
پنجم ذی القعده پس فرمود که امشب حضرت ابرهیم و حضرت
عیسی متولد شده اند و زمین از زیر کعبه پهن شده
پس هر که روزش را روزه بدارد چنانست که شصت ماه
را روزه داشته باشد و حضرت قائم ع در این روز ظاهر

خواهد

خواهد شد و از حضرت رسول منقولست که حقتعالی
رحمت خود را بر بندگان در این روز فرستاده است و
روزه اش مثل روزه هفتاد سال است و بروایت دیگر
رحمت از آسمان در این شب نازل شده است و تعظیم
کعبه بر آدم در این روز نازل شده است هر که در این روز
نازل شده است هر که در این روز روزه بدارد هرچه در
میان آسمان و زمین است برای او استغفار کنند و طلب
آمرزش نمایند و از حضرت امیرالمؤمنین منقولست که اول
رحمتی که از آسمان بسوی زمین نازل شد در بیست و پنجم
ذی القعده بود هر که این روز را روزه دارد و شب آن را به
عبادت بایستد از برای او عبادت صد سال نوشته شود
که روزها را روزه داشته باشد و شبها را بعبادت بسر
آورده باشد و هر جماعتی که در این روز جمع شوند برای
ذکر پروردگار خود پیش از آنکه متفرق شوند حاجت
ایشان برآورده میشود و در این روز هزار هزار رحمت از
جانب حقتعالی بر بندگان نازل میگردد و نود و نه رحمت
از آنها مخصوص جمعی است که مجتمع گردند بذکر خدا مشغول
گردند و روزش را روزه بدارند و شبش را عبادت کنند
و در روایت وارد شده است که در این روز در وقت

چاشت دو رکعت نماز بجا آورند و در هر رکعتی بعد از
حمد پنج مرتبه والشمس بخوانند و بعد از سلام این
دعا لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا مُقِيلَ
بخوانند نیست گردیدنی و نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ ای درگذرنده
الْعَثَرَاتِ اَقِلْنِي عَثْرَتِي يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ اَجِبْ دَعْوَتِي
لغزشها درگذر از لغزش من ای اجابت کننده دعاها مستجاب کن دعای مرا
يَا سَامِعَ الْاَصْوَاتِ لِلدَّعَوَاتِ اِسْمَعْ صَوْتِي وَارْحَمْنِي
ای شنونده صداها ای خوانندگان بشنو صدای مرا و رحم کن بر من
وَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ شیخ
و درگذر از بدیهای من ای صاحب جلالت و بزرگواری طوسی
ره گفته است که مستحب است اَللّٰهُمَّ دَاحِيَ
که در این روز این دعا بخوانند خداوندا ای گستراننده
الْكَعْبَةِ وَفَالِقَ الْحَبَّةِ وَصَارِفَ اللَّزْبَةِ وَكَاشِفَ
کعبه و شکافنده دانه و گرداننده سختی و دور کننده
كُلِّ كُرْبَةٍ اَسْئَلُكَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ مِنْ اَيَّامِكَ الَّتِي
هر اندوهی سؤال میکنم ترا در این روز از روزهای تو که
اَعْظَمْتَ حَقَّهَا وَاَقْدَمْتَ سَبْقَهَا وَجَعَلْتَهَا عِنْدَ
بزرگ کردی حق آن را و پیشتر داشتی پیشی آن را و گردانیدی آن را نزد
الْمُؤْمِنِينَ وَدِيعَةً وَاِلَيْكَ ذَرِيعَةً وَبِرَحْمَتِكَ
گروندگان امانت و بسوی تو وسیله و برحمت تو

الواسعة

الواسعة ان تصلی علی محمد عبدک المنتجب فی

گشاده است اینکه رحمت کنی بر محمد که بنده تو برگزیده در پیمان

المیثاق القریب یوم التلاق فاتق کل رتق و

روز پیمان نزدیک روز بهم رسیدن گشاینده هر بسته و

داع الی کل حق وعلی اهل بیته الاطهار

خواننده بسوی هر حق و بر اهل خانه او که پاکانند

الهداة المنار ودعائم الجبار وولاة اهل الجنة

راهنمایان ... و ستونهای خدای ... و والیان اهل بهشت

والنار واعطنا فی یومنا هذا من عطائک المخزون

و دوزخ و عطا کن ما را در این روز ما از عطای خود که مخزون است

غیر مقطوع ولا ممنوع تجمع لنا به التوبة وحسن

غیر قطع کرده شده و نه منع کرده شده که جمع کنی برای ما به آن توبه را و نیکو

الاوبة یا خیر مدعو واکرم مرجو یا کفی یا وفی

بازگشت ای بهترین خوانده شده و ... امید داشته ای کافی ای وفا کننده

یا من لطفه خفی الطف لی بلطفک واسعدنی بعونک

ای کسیکه لطف او پنهان است لطف کن بر من بلطف خود و نیک بخت کن مرا بیاری خود

وایدنی بنصرک ولا تنسنی کریم ذکرک بولاة امرک

و قوت ده مرا بیاری خود و فراموش مکن ... یاد کردن خود ... والیان امر خود

وحفظة سرک احفظنی من شوائب الدهر الی یوم

و نگاهبانان سر خود نگاه دار مرا از ... روزگار تا روز

الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ وَاَشْهِدْنِي اَوْلِيَاءَكَ عِنْدَ خُرُوجِ

بیرون آمدن و در وقت برانگیختن و حاضر گردان برای من دوستان خود را نزد بیرون شدن

نَفْسِي وَحُلُولِ رَمْسِي وَانْقِطَاعِ اَمَلِي وَانْقِضَاءِ اَجَلِي

جان من و فرود آمدن در قبر و قطع شدن آرزوی من و سر آمدن اجل

اَللّٰهُمَّ وَاذْكُرْنِي عَلٰى طُولِ الْبِلٰى اِذَا حَلَلْتُ بَيْنَ

خداوندا و یاد کن مرا بر درازی زمان کهنگی هرگاه فرود آیم میان

اَطْبَاقِ الثَّرٰى وَنَسِيَنِي النَّاسُونَ مِنَ الْوَرٰى وَاَحْلِلْنِي

طبقهای خاک و فراموش کرد فراموشان از خلق و فرود آر مرا

دَارَ الْمُقَامَةِ وَبَوِّئْنِي مَنْزِلَ الْكَرَامَةِ وَاجْعَلْنِي

خانه اقامت و جای ده مرا جایگاه بزرگی و بگردان مرا

مِنْ مُوَافِقِي اَوْلِيَائِكَ وَاَهْلِ اجْتِبَائِكَ وَاصْطِفَائِكَ

از رفیقان دوستان خود و اهل برگزیدگان تو و برگزیدهٔ حق

وَبَارِكْ لِي فِي لِقَائِكَ وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْعَمَلِ قَبْلَ حُلُولِ

و برکت ده برای من در ملاقات تو و روزی کن مرا نیکی کردار پیش از در آمدن

الْاَجَلِ مُبَرَّأً مِنَ الزَّلَلِ وَسُوءِ الْخَطَلِ اَللّٰهُمَّ وَ

اجل حالت آنکه باشم بیزار از لغزش و بدی سخن زشت خداوندا و

اَوْرِدْنِي حَوْضَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ

وارد ساز مرا حوض پیغمبر تو محمد رحمت خدا بر او و بر آل او و

اَسْقِنِي مِنْهُ مَشْرَبًا رَوِيًّا سَائِغًا هَنِيئًا لَا اَظْمَأُ بَعْدَ

آب ده مرا از آن آبی سیر کننده روان گوارا که تشنه نشوم پس از آن

ولا

وَلَا أُخْلَاءُ وِرْدِهِ وَلَا عَنْهُ اُزَادُ وَاجْعَلْهُ لِي خَيْرَ

و نه منع کرده شوم از ورود آن و نه رانده شوم و بگردان آن را برای من بهتر

زَادٍ وَاَوْفَى مِيعَادٍ يَوْمَ يَقُومُ الْاَشْهَادُ اَللّٰهُمَّ

توشه و وفا کننده ترین وعده در روزی که برپا میشوند حاضران خداوندا

وَالْعَنْ جَبَابِرَةَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَبِحُقُوقِ اَوْلِيَائِكَ

لعنت کن ستمکاران پیشینیان و پسینیان و بحقوق دوستان تو

الْمُسْتَأْثِرِينَ اَللّٰهُمَّ وَاَفْصِمْ دَعَائِمَهُمْ وَاَهْلِكْ

دست فرو برندگان خداوندا بر هم شکن ستونهای ایشان و هلاک کن

اَشْيَاعَهُمْ وَعَامِلَهُمْ وَعَجِّلْ مَهَالِكَهُمْ وَاسْلُبْهُمْ

پیروان ایشان و کارداران ایشان و تعجیل کن هلاکتهای ایشان و سلب کن

مَمَالِكَهُمْ وَضَيِّقْ عَلَيْهِمْ مَسَالِكَهُمْ وَالْعَنْ مُسَاهِمَهُمْ

مملکتهای ایشان را و تنگ کن بر ایشان راههای ایشان را و لعنت کن شریک ایشان

وَمُشَارِكَهُمْ اَللّٰهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ اَوْلِيَائِكَ وَارْدُدْ

و انباز ایشان خداوندا و تعجیل کن فرج دوستان خود را و رد کن

عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ وَاَظْهِرْ بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ وَاجْعَلْهُ

بر ایشان ستمکاریهای ایشان را و ظاهر کن بحق قائم ایشان را و بگردان او را

لِدِينِكَ مُنْتَصِرًا وَبِاَمْرِكَ فِي اَعْدَائِكَ مُؤْتَمِرًا

برای دین خود یاری کننده و بامر تو در دشمنان تو فرمان برنده

اَللّٰهُمَّ احْفُفْهُ بِمَلَائِكَةِ النَّصْرِ وَبِمَا اَلْقَيْتَ

خداوندا فرا گیر او را بفرشتگان یاری و بآنچه بیفکنی

إِلَيْهِ مِنَ الْأَمْرِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مُنْتَقِماً لِلْحَقِّ

بسوی او از امر در شب قدر انتقام کشنده از برای حق تا

تَرْضَى وَيَعُودُ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيداً

آنکه خوشنود گردی و بر گردد دین تو بسبب او و بر دستهای او نو تازه

غَضّاً وَيَمْحَضَ الْحَقَّ مَحْضاً وَيَرْفُضَ الْبَاطِلَ

تازه و خالص سازد حق را خالص حق را و بر اندازد باطل را

رَفْضاً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى جَمِيعِ

بر انداختنی خداوندا رحمت کن بر او و آل او و بر همه

آبَائِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ صَحْبِهِ وَأُسْرَتِهِ وَابْعَثْنَا

پدران او و بگردان ما را از یاران او و گروه او و برانگیزان ما را

فِي كَرَّتِهِ حَتَّى نَكُونَ فِي زَمَانِهِ مِنْ

در رجعت او تا آنکه بوده باشیم در زمان او از

أَعْوَانِهِ اللَّهُمَّ أَدْرِكْ بِنَا

یاوران او خداوندا دریاب ما را

قِيَامَهُ وَأَشْهِدْنَا أَيَّامَهُ

برپا شدن او و حاضر گردان ما را در روزگار او

وَصَلِّ عَلَيْهِ وَارْدُدْ إِلَيْنَا سَلَامَهُ

و رحمت کن بر او و برگردان بسوی ما سلام او را

وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

و درود بر ایشان و رحمتهای خدا و برکتهای او

باب پنجم در بیان فضائل و اعمال لیالی و ایام
متبرکه ماه ذیحجه است و در آن پنج فصل است فصل اول
در بیان فضائل ماه ذیحجه است و دهه اول و اعمال
آنست ایام این دهه در نهایت فضیلت و برکتند و حق
تعالی میفرماید واذکروا الله فی ایام معدودات یعنی
یاد کنید خدا را در روزی چند شمرده شده یعنی کم و نیز
فرموده و یذکروا اسم الله فی ایام معلومات علی ما رزقهم
من بهیمة الانعام یعنی اعلام کن مردم را که بیایند بحج تا
آنکه بیابند منفعتهای دنیا و آخرت و یاد کنند خدا را
در روزی چند معلوم برای آنکه روزی کرده است ایشان را
از گوشت چهارپایان که گاو و شتر و گوسفند و بز است
و در احادیث معتبره بسیار از ائمه علیهم السلام منقولست
که ایام معلومات ده روز اول ماه ذیحجه است و ایام
معدودات روز دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم
ماه ذیحجه است و از حضرت رسول منقولست که عمل خیر
و عبادت در هیچ ایامی نزد حق تعالی محبوبتر نیست از دهه
اول ذیحجه و چون این ماه داخل میشد صلحای صحابه
و تابعان اهتمام عظیم میکردند در عبادت و بسند معتبر
منقولست از حضرت صادق که پدرم امام محمد باقر با من

گفت که اینفرزند گرامی البته در هر شب دهه اول ذی
حجه دو رکعت نماز بجا آورد در میان نماز شام و خفتن
و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و قل هو الله احد و این
آیه را بخواند وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ
در هر رکعت وعده کردیم موسی را سی شب و تمام گردانیدیم آنرا بده شب
فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ
پس تمام شده وعده پروردگار او چهل شب و گفت موسی برای برادر خود هارون
اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ چون چنین
جانشین من باش در میان قوم من و اصلاح کن کار را و پیروی مکن راه فسادکنندگان را کنی با حاجیان
در ثواب حج شریک باشی هرچند بحج نروی و در روز اول
ذیحجه روز مبارکیست و روایتی وارد شده که حضرت ابراهیم
در این روز متولد شده و در این روز حق تعالی ابراهیم را خلیل
خود کرد و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر
منقولست که هر که روز اول ذیحجه را روزه بدارد حق
تعالی برای او ثواب هشتاد ماه روزه بنویسد و از حضرت
امام موسی منقولست که هر که روز اول ذی الحجه را روزه
بدارد حق تعالی ثواب روزه تمام عمر او را برای او بنویسد
و شیخ طوسی گفته است که روز اول ذیحجه تا روز نهم
روزه مستحبست و اگر نتواند روز اول را روزه بدارد دو دل

بدار

روز اول حضرت رسالت پناه حضرت فاطمه را بحضرت
امیر المؤمنین تزویج نمود و در بعضی روایات در روز
ششم تزویج نمود و بدانکه روزه قضای ماه مبارک
رمضان را از اول ماه تا روز عرفه میتوان گرفت چنانکه
علما گفته اند و احادیث صحیح بر آن دلالت دارد و بعضی
از روایات که بر منع وارد شده مستند آنها معتبر نیست
و محمول بر تقیه است چنانچه در کتب مبسوطه دلائل
آنها را ایراد نموده ام و باز شیخ ره گفته است که مستحب است
در روز اول نماز حضرت فاطمه بجا آورد و در روایت
دیگر وارد شده که آن چهار رکعتست مثل نماز حضرت
امیر المؤمنین بدو سلام و در هر رکعت بعد از سوره حمد
پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد میخواند و بعد از سلام
تسبیح حضرت فاطمه را، سُبْحَانَ اللهِ ذِی الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِیفِ
بخواند و تسبیح اینست [illegible]

سُبْحَانَ ذِی الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِیمِ سُبْحَانَ ذِی الْمُلْکِ

[illegible]

الْفَاخِرِ الْقَدِیمِ سُبْحَانَ مَنْ یَرَی اَثَرَ النَّمْلَةِ فِی الصَّفَا سُبْحَانَ

[illegible]

مَنْ یَرَی وَقْعَ الطَّیْرِ فِی الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هٰکَذَا وَلَا

[illegible]

وَاَهْلِ وِلايَتِكَ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

واهل دوستی خود خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو ای مهربانترین رحم کنندگان

اَنْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَهَبَ لَنا فيهَا الرِّضا

اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه عطا کنی برای ما در آن خوشنودی را

اِنَّكَ سَميعُ الدُّعآءِ وَلا تَحْرِمْنا خَيْرَ ما نَزَلَ فيها مِنَ السَّمآءِ

بدرستی که تو شنونده دعایی و محروم مکن ما را از خیر آنچه فرود آید در آن از آسمان

وَطَهِّرْنا مِنَ الذُّنُوبِ يا عَلّامَ الْغُيُوبِ وَاَوْجِبْ لَنا فيها

و پاک گردان ما را از گناهان ای بسیار دانای پنهانها و واجب گردان برای ما در آن

دارَ الْخُلُودِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلا تَتْرُكْ لَنا

سرای همیشگی خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد و وامگذار برای ما

ذَنْباً اِلّا غَفَرْتَهُ وَلا هَمّاً اِلّا فَرَّجْتَهُ وَلا دَيْناً اِلّا قَضَيْتَهُ

گناهی را مگر بیامرزی آن را و نه اندوهی مگر گشایش دهی آن را و نه قرضی مگر ادا کنی آن را

وَلا غائِباً اِلّا اَدَّيْتَهُ وَلا حاجَةً مِنْ حَوآئِجِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ

و نه غایبی را مگر برسانی او را و نه حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت

اِلّا سَهَّلْتَها وَيَسَّرْتَها اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ اَللّٰهُمَّ

مگر سهل کنی آن را و آسان گردانی آن را بدرستی که تو بر هر چیزی توانایی خداوندا

يا عالِمَ الْخَفِيّاتِ يا راحِمَ الْعَبَراتِ يا مُجيبَ الدَّعَواتِ يا رَبَّ

ای دانای پنهانها ای رحم کننده اشکها ای اجابت کننده دعاها ای پروردگار

الْاَرَضينَ وَالسَّمٰواتِ يا مَنْ لا تَتَشابَهُ عَلَيْهِ الْاَصْواتُ

زمینها و آسمانها ای کسی که مشتبه نمیشود بر او آوازها

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنا فیها مِنْ عُتَقاءِکَ وَ

درود فرست بر محمد و آل محمد و بگردان ما را در آن از آزاد کرده شدگان و

طُلَقاءِکَ مِنَ النّارِ وَ الفائِزینَ بِجَنَّتِکَ النّاجینَ بِرَحْمَتِکَ

رها کرده شدگان از آتش و فیروزی یافتگان به بهشت خود و رستگاران به رحمت خود

یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَ صَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَجْمَعینَ وَ سَلَّمَ

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و درود فرستد خدا بر محمد و آل او همه و درود گفتند

تَسْلیماً و شیخ مفید و سید بن طاوس بسند معتبر از حضرت
امام محمد باقر روایت کرده اند که جبرئیل از جانب
خداوند جلیل برای حضرت عیسی پنج دعا بهدیه آورد و
گفت یا عیسی این پنج دعا را در دهه اول ذیحجه بخوان بدرستی
که هیچ عبادتی نزد حق تعالی محبوبتر نیست از عبادت در
این دهه اول اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ

لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ

دوم اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ اَحَداً

صَمَداً لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لا وَلَداً سیم اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلّا

اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ اَحَداً صَمَداً لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ

وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ چهارم اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ
ونبی باشد او را هیچ همتا و همسر گواهی میدهم که نیست خدایی مگر خدای یگانه
لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا
نیست شریک مر او را مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش زنده میکند و میمیراند و او زنده
یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ پنجم حَسْبِیَ اللّٰهُ وَکَفٰی
نمیرد بدست اوست نیکی و او بر همه چیز توانا است بس است مرا خدا و کافی
سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ دَعَا لَیْسَ وَرَاءَ اللّٰهِ مُنْتَهٰی اَشْهَدُ لِلّٰهِ بِمَا دَعَا
شنید خدا هرکسی که خواند نیست جز خدا منتهی گواهی میدهم خدا را بآنچه خواند
وَاَنَّهُ بَرِیءٌ مِمَّنْ تَبَرَّاَ وَاَنَّ لِلّٰهِ الْاٰخِرَةَ وَالْاُولٰی پس چو ازنو
و اینکه او بیزار است از کسی که بیزاری جست و اینکه خدا راست آخرت و دنیا کفتند یا روح
الله چه ثواب دارد کسیکه این کلمات را بکوید حضرت عیسی
کفت که هرکه دعای اول را صد مرتبه بخواند عمل هیچکس
از اهل زمین بهتر از عمل او نباشد در آن روز و در روز
قیامت حسنات او زیاده از همه کس باشد و هرکه دعای
دوم را صد مرتبه بخواند چنان باشد که دوازده مرتبه
توریة و انجیل را خوانده باشد و ثواب آنها را باو بدهند
حضرت عیسی فرمود یا جبرئیل ثواب خواندن توریة و
انجیل چیست جبرئیل کفت طاقت برداشتن یک حرف توریة
و انجیل نداشت هرکه در آسمانهای هفتگانه است
از ملائکه تا آنکه مبعوث شدم من و اسرافیل زیرا که اسرافیل

اول بنده بود که گفت لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ و هر که
دعای سیم را بخواند حق تعالی
بنویسد از برای او باین دعا هزار هزار حسنه و محو
کند از وی ده هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت
ده هزار هزار درجه و فرو فرستد از آسمان هفتاد هزار
ملك که دستها بر داشته باشند و صلوات فرستند
بر کسی که این کلمات را باین عدد خوانده است پس حضرت
عیسی گفت ای جبرئیل آیا ملائکه صلوات میفرستند
بر غیر پیغمبران جبرئیل گفت هر که ایمان آورد بانچه پیغمبران
از جانب خدا آورده اند و تغییر ندهد شریعت ایشان را
حق تعالی ثواب پیغمبران با و عطا میفرماید و هر که
دعای چهارم را صد مرتبه بخواند اند دعا را استقبال
نماید ملکی و بالا برد بسوی حق تعالی پس نظر کند بسوی
گوینده این دعا برحمت و هر که نظر رحمت خدا بر او کند
هرگز شقی و بد عاقبت نشود پس حضرت عیسی گفت یا
جبرئیل ثواب دعای پنجم چیست جبرئیل گفت آن دعا
مخفیست و حق تعالی مرا رخصت نداده که ثواب آنرا بگویم
مؤلف گوید که اگر هر روز هر یك این دعا را ده مرتبه بخوانند
دور نیست که عمل بهر دو روایت کرده باشند و اگر هر روز
هر یکرا صد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود و این باب بوده

سید بن طاوس رضی الله عنهم از حضرت امیر المؤمنین
روایت کرده اند که هر که در هر روز از دهه ذی حجه
این تهلیلات را ده مرتبه بخواند حق تعالی عطا کند بهر
تهلیلی درجه در بهشت از مروارید و یاقوت و از میان
دو درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد برفتار سواری
که بتازد و در هر درجه شهری بوده باشد و در ان شهر
قصری باشد از یک جوهر که در ان فصلی نباشد و در هر
شهری از ان شهرها از انواع جواهر و غرفها و خانها
و فرشها و کرسیها و تختها و حوریان و نهالیها و متکاها
و خوانها و خدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها
و حلها بوده باشد که وصف کننده قادر بر وصف انها
نباشد و چون از قبر بیرون اید از هر موی از بدن او نوری
ساطع باشد و مبادرت نماید بسوی او هفتاد هزار ملک
و از پیش رو و جانب راست و چپ او راه روند تا او را بدر
بهشت رسانند و چون داخل بهشت شود او را مقدم
دارند و ملائکه از عقب او روند تا انکه بشهری برسد
که بیرونش از یاقوت سرخ و اندرونش از زبرجد سبز و
در ان شهر بوده باشد هر نعمتی که حق تعالی خلق کرده است
پس با او گویند ای دوست خدا میدانی که این شهر چیست
گوید نه و شما کیستید گویند ما ملکی چندیم که حاضر بودیم

در هنگام

در هنگامی که توان تهلیلات را میخواندی در دنیا و این
شهر و آنچه در آن هست از نعمتهای الهی یکثواب تو است
برای خواندن آن تهلیلها و بشارت باد ترا بهتر از این
ثوابها و پیوسته در جوار رحمت الهی خواهی بود در دار
السلام که بلائی و غمی و مکروهی در آن نمیباشد و نعمتها
و رحمتهای خدا هرگز از تو قطع نمیشود و تهلیلات اینست

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ عَدَدَ اللَّیَالِی وَالدُّهُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ
نیست خدائی مگر خدای بشماره شبها و روزها نیست خدائی مگر خدای
عَدَدَ اَمْوَاجِ الْبُحُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَرَحْمَتُهُ خَیْرٌ مِمَّا یَجْمَعُونَ
بشماره موج دریاها نیست خدائی مگر خدای و رحمت او بهتر است از آنچه جمع میکنند
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ عَدَدَ الشَّوْكِ وَالشَّجَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ عَدَدَ
نیست خدائی مگر خدا بشماره خارها و درختها نیست خدائی مگر خدا بشماره
الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ عَدَدَ الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ لَا اِلٰهَ
مویها و پشمها نیست خدائی مگر خدا بشماره سنگ و کلوخ نیست خدا
اِلَّا اللهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُیُونِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ فِی اللَّیْلِ اِذَا
مگر خدا بشماره بر هم زدن چشمها نیست خدائی مگر خدا در شب چون
عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ اِذَا تَنَفَّسَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ عَدَدَ الرِّیَاحِ
تاریک شود و صبح چون بدمد نیست خدائی مگر خدا بشماره بادها
فِی الْبَرَارِی وَالصُّخُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ مِنَ الْیَوْمِ اِلَی یَوْمِ
در بیابانها و سنگها نیست خدائی مگر خدا از امروز تا روز

ینفخ فی الصور و از بعضی روایات مستفاد میشود که
بیکمرتبه اکتفا میتوان کرد فصل دویم
در اعمال روز ترویه و روز عرفه و روز عید ترویه روز
هشتم ذیحجه است و روز مبارکیست و ابن بابویه از
حضرت امام موسی روایت کرده است که حضرت رسول
فرمود که حق تعالی چهار روز را از روزها برگزیده است
روز جمعه و روز ترویه و روز عرفه و روز عید قربان
و ایضا از حضرت صادق روایت کرده است که روزه
روز ترویه کفاره شصت سال گناه است و شب عرفه
از لیالی متبرکه است و از حضرت رسول منقولست
که هر که دعا کند در این شب مستجاب میشود و کسیکه این
شب را بعبادت بسر آورد اجر صد و هفتاد سال عبادت
دارد و آن شب مناجات با قاضی الحاجاتست و هر که در آن
شب توبه کند توبه اش مقبولست و از حضرت صادق
منقولست که هر که در شب عرفه یا در شبهای جمعه این دعا را
بخواند خدا گناهانش بیامرزد اَللّٰهُمَّ یَا شَاهِدَ کُلِّ
نَجْوَی وَ مَوْضِعَ کُلِّ شَکْوَی وَ عَالِمَ کُلِّ خَفِیَّةٍ وَ مُنْتَهَی
ای حاضر در هر راز و ای جای هر شکایت و ای دانای هر پنهان و منتهای
کُلِّ حَاجَةٍ یَا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ عَلَی الْعِبَادِ یَا کَرِیمَ الْعَفْوِ
هر حاجت ای ابتدا کننده بنعمتها بر بندگان ای بزرگ عفو

بجمیع

يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا جَوَادُ يَا مَنْ لَا يُوَارِي مِنْهُ لَيْلٌ دَاجٍ

ای نیکو گذرنده ای بخشنده ای آنکه بر نمی‌گیرد او را شب تار

وَلَا بَحْرٌ عَجَّاجٌ وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ وَلَا ظُلَمٌ ذَاتُ

ونه دریای پر موج ونه آسمان صاحب برجها ونه تاریکی صاحب

ارْتِتَاجٍ يَا مَنِ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِيَاءٌ أَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ

شکنج است ای آنکه تاریکی نزد او روشنائی است سؤال میکنم ترا بنور ذات تو

الْكَرِيمِ الَّذِي تَجَلَّيْتَ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى

که کریم است آن ذاتی که تابان شد بر کوه پس گردانید کوه را خورد و افتاد موسی

صَعِقًا وَبِاسْمِكَ الَّذِي رَفَعْتَ بِهِ السَّمَوَاتِ بِلَا عَمَدٍ وَ

بیهوش و بنام تو که رفعت دادی بان آسمانها بی ستون و

سَطَحْتَ بِهِ الْأَرْضَ عَلَى وَجْهِ مَاءٍ جَمَدٍ وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ

گسترانیدی بان زمین را بر روی آب بسته و بنام تو که پوشیده

الْمَخْزُونِ الْمَكْتُوبِ الطَّاهِرِ الَّذِي إِذَا دُعِيتَ بِهِ أَجَبْتَ

در گنجینه و نوشته پاک چنان که هرگاه خوانده شوی بان جواب میدهی

وَإِذَا سُئِلْتَ بِهِ أَعْطَيْتَ وَبِاسْمِكَ السُّبُّوحِ الْقُدُّوسِ

و هرگاه سؤال کرده شوی بان عطا می‌کنی و بنام تو که پاک و منزه است

الْبُرْهَانِ الَّذِي هُوَ نُورٌ عَلَى كُلِّ نُورٍ وَنُورٌ مِنْ نُورٍ

و دلیل روشن است آن چنان که او است نور بر هر نوری و نور است از نوری

يُضِيءُ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ إِذَا بَلَغَ الْأَرْضَ وَانْشَقَّتْ وَإِذَا

که روشن می‌شود از او هر روشنی هرگاه رسید به زمین شکافته میشود و هرگاه

به داود خرّ لك ساجداً فغفرت له ذنبه وباسمك

داود که افتاد برای تو در حالتی که سجده کرد پس آمرزیدی از برای او گناه او را و بنام تو

الذی دعتك به آسية امرأة فرعون اذ قالت ربّ

آن نامی که خواند بآن آسیه زن فرعون وقتی که گفت ای پروردگار من

ابن لی عندك بيتاً فی الجنّة ونجّنی من فرعون وعمله

بنا کن برای من نزد خود خانه در بهشت و نجات ده مرا از فرعون و کردار او

ونجّنی من القوم الظالمين فاستجبت لها دعاءها

و نجات ده مرا از قوم ستمکاران پس مستجاب کردی از برای او دعای او را

وباسمك الذی دعاك به ايّوب اذ حلّ به البلاء

و بنام تو آن نامی که خواند ترا بآن ایوب وقتی که فرود آمد بر او بلا

فعافيته وآتيته اهله ومثلهم معهم رحمةً من عندك

پس عافیت دادی او را و دادی باو اهل او را و مانند ایشان با ایشان رحمتی از نزد خود

وذكری للعالمين وباسمك الذی دعاك به يعقوب

و پند برای پرستندگان و بنام تو آن نامی که خواند ترا بآن یعقوب

فرددت عليه بصره وقرّة عينه يوسف وجمعت

پس برگردانیدی بر او چشم او را و روشنی دیده او یوسف را و جمع کردی

شمله وباسمك الذی دعاك به سليمان فوهبت

پراکندگی او را و بنام تو آن نامی که خواند ترا بآن سلیمان پس بخشیدی تو

له ملكاً لا ينبغی لاحدٍ من بعده انّك انت الوهّاب

برای او پادشاهی که سزاوار نیست از برای احدی بعد از او بدرستی که تو بسیار بخشنده

وباسمك

وَبِاسْمِكَ الَّذِي سَخَّرْتَ بِهِ الْبُرَاقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

وبنام تو آن نامی که رام کردی بدان براق را از برای محمد درود فرستد خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْ قَالَ تَعَالَى سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى

بر او و آل او بزرا که گفت خدای تعالی پاک است خدای آنچنان که برد

وقوله سبحان الذي
ر که رو ... است ...

بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي

بنده خود را در شب از مسجد حرام به مسجدی که دور است از همه مسجدها

سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ

رام کرد برای ما این را و نبودیم ما برای او طاقت داران و بدرستی که ما بسوی خدای ما بازگردندگانیم

وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَنَزَّلَ بِهِ جَبْرَئِيلُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

وبنام تو آن نامی که نازل شد بدان جبرئیل بر محمد درود فرستد

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ آدَمُ فَغَفَرْتَ

بر او و آل او و بنام تو آن نامی که خواند ترا بدان آدم پس آمرزیدی تو

لَهُ ذَنْبَهُ وَأَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ

از برای او گناهان او را و ساکن گردانیدی او را در بهشت و سؤال میکنم ترا بحق قرآن

الْعَظِيمِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَبِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ وَبِحَقِّ

بزرگ و بحق محمد آخر پیغمبران و بحق ابراهیم و بحق

فَصْلِكَ يَوْمَ الْقَضَاءِ وَبِحَقِّ الْمَوَازِينِ إِذَا نُصِبَتْ

جدا کردن تو حق را از باطل در روز حکم کردن و بحق ترازوها چون برپا کرده شوند

وَالصُّحُفِ إِذَا نُشِرَتْ وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَمَا جَرَى وَاللَّوْحِ

و نامهای اعمال وقتی که گشوده شوند و بحق قلم و آنچه روان شد و لوح

وما احصى وبحق الاسم الذى كتبته على سرادق

وا گر شمرده شده و بحق نام تو آن نامی که نوشتی تو بر سراپرده

العرش قبل خلقك والدنيا والشمس والقمر بالفى

عرش پیش از آفریدن بندگان و دنیا و آفتاب و ماه بدو هزار

عام واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له

سال و گواهی میدهم اینکه نیست خدایی مگر خدای یگانه نیست شریکی از برای او

وان محمدا عبده ورسوله واسئلك باسمك المخزون

و بدرستی که محمد بنده اوست و رسول او و سؤال میکنم ترا بنام تو که پنهان است

فى خزائنك الذى استاثرت به فى العلم الغيب عندك

در خزانه تو را اختیار کرده بآن در علم پنهانی نزد تو

لم يظهر عليه احد من خلقك لا ملك مقرب ولا

که مطلع نشده بر آن یکی از خلق تو نه فرشته مقرب و نه

نبى مرسل ولا عبد مصطفى واسئلك باسمك

پیغمبری فرستاده شده و نه بنده برگزیده و سؤال میکنم بنام تو

الذى شققت به البحار وقامت به الجبال واختلف

که شکافتی بسبب آن دریاها و ایستاده بسبب آن کوهها و اختلاف کرده شد

به الليل والنهار وبحق السبع المثانى والقرآن

بآن شب و روز و بحق سبع مثانی و قرآن

العظيم وبحق الكرام الكاتبين وبحق طه وكهيعص

بزرگ و بحق بزرگواران نویسندگان و بحق طه و کهیعص

وبحق

وَحَمْسَقَ وَبِحَقِّ تَوْرٰيةِ مُوسٰى وَاِنْجِيلِ عِيسٰى وَزَبُورِ

وحمعسق و بحق توریه موسی و انجیل عیسی و زبور

دٰاوُدَ وَفُرْقَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلٰى

داود و فرقان محمد درود فرستد خدا بر او و آل او و بر

جَمِيعِ الرُّسُلِ وَبِاَهِيًّا شَرَاهِيًّا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

همه پیغمبران و بحق خدای ازلا بدجسته با بدرستی که سوال می کنم ترا

بِحَقِّ تِلْكَ الْمُنَاجَاتِ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مُوسَى بْنِ

بحق این مناجات که بود میان تو و میان موسی پسر

عِمْرَانَ فَوْقَ جَبَلِ طُورِ سَيْنَاءَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

عمران بالای کوه طور سینا و سوال میکنم از تو بنام تو

الَّذِي عَلَّمْتَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْاَرْوَاحِ وَاَسْئَلُكَ

آن اسمی که دانا گردانیدی آن را فرشته مرگ برای گرفتن جانها و سوال میکنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِي كُتِبَ عَلٰى وَرَقِ الزَّيْتُونِ فَخَضَعَتِ

بنام تو آن اسمی که نوشته شد بر برگ زیتون پس فروتنی کردند

النِّيرَانُ لِتِلْكَ الْوَرَقَةِ فَقُلْتَ يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا

آتشها برای آن برگ پس گفتی ای آتش باش سرد و سلامت

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلٰى سُرَادِقِ الْمَجْدِ وَ

و سوال میکنم ترا بنام تو آن اسمی که نوشتی آن را بر پرده های بزرگواری و

الْكَرَامَةِ يَا مَنْ لَا يُحْفِيهِ سَائِلٌ يَا مَنْ بِهِ يَسْتَغِيثُ

وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ

بزرگی ای کسی که ملول نمی کند او را سوال کننده ای کسی که کم نمی کند او را عطا ای کسی که باو فریاد رسی میخواهد

وَإِلَيْهِ يَلْجَأُ أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى

و بسوی او پناه میگیرند سوال میکنم ترا بحرمت محل بستن عزت از عرش تو و منتهای

الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَجَدِّكَ الْأَعْلَى

رحمت از کتاب تو و بنام تو که بزرگ است و بعظمت تو که بلند است

وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الْعُلَى اللَّهُمَّ رَبَّ الرِّيَاحِ وَمَا

و کلمات تو که تمام و بلند است خداوندا ای پروردگار بادها و آنکه

ذَرَتْ وَالسَّمَاءِ وَمَا أَظَلَّتْ وَالْأَرْضِ وَمَا أَقَلَّتْ وَالشَّيَاطِينِ

پراکنده کنند و آسمان و آنکه سایه بر افکند و زمین و آنکه بر داشته است و شیاطین

وَمَا أَضَلَّتْ وَالْبِحَارِ وَمَا جَرَتْ وَبِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ

و آنکه گمراه کرده اند و دریا و آنکه جاری شده و بحق هر حقی که لازم است آن

عَلَيْكَ حَقٌّ وَبِحَقِّ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَالرُّوحَانِيِّينَ

بر تو و ثابت است و بحق فرشتگان نزدیکان و روحانیان

وَالْكَرُوبِيِّينَ وَالْمُسَبِّحِينَ لَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا

و کروبیان و تسبیح کنندگان مر ترا در شب و روز که نمی

يَفْتُرُونَ وَبِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَبِحَقِّ كُلِّ وَلِيٍّ

سست نمیشوند و بحق ابراهیم دوست تو و بحق هر دوستی

يُنَادِيكَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ

که میخواند ترا میان صفا و مروه و مستجاب میگردانی دعای او را

يَا مُجِيبُ أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ وَبِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ

ای اجابت کننده سوال میکنم ترا باین نامها و باین دعاها

ان

أَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا قَدَّمْنَا وَمَا أَخَّرْنَا وَمَا أَسْرَرْنَا وَمَا أَعْلَنَّا

اینکه بیامرزی ما را آنچه پیش داشتیم ما و آنچه پس داشتیم ما و آنچه پنهان کردیم ما و آنچه آشکارا کردیم

وَمَا أَبْدَيْنَا وَمَا أَخْفَيْنَا وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا إِنَّكَ

و آنچه ظاهر ساختیم و آنچه پنهان داشتیم و آنچه تو داناتری بدان از ما بدرستی که تو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا حَافِظَ

بر هر چیز توانائی برحمت خود ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان ای نگهدارنده

كُلِّ غَرِيبٍ يَا مُونِسَ كُلِّ وَحِيدٍ يَا قُوَّةَ كُلِّ ضَعِيفٍ يَا نَاصِرَ

هر غریبی ای مونس هر تنهائی ای زور بخشنده هر ناتوانی ای یاری دهنده

كُلِّ مَظْلُومٍ يَا رَازِقَ كُلِّ مَحْرُومٍ يَا مُونِسَ كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ

هر ستم دیده ای روزی دهنده هر محرومی ای مونس هر رمیده

يَا صَاحِبَ كُلِّ مُسَافِرٍ يَا عِمَادَ كُلِّ حَاضِرٍ يَا غَافِرَ كُلِّ ذَنْبٍ

ای مصاحب هر مسافری ای محل اعتماد هر حاضری ای آمرزنده هر گناهی

وَخَطِيئَةٍ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ

و خطائی ای فریادرس فریاد خواهندگان ای دادرس جویان

يَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ يَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ

ای زائل کننده اندوه اندوهناکان ای برطرف کننده غم غمناکان

يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرَضِينَ يَا مُنْتَهَى غَايَةِ الطَّالِبِينَ

ای بدید آورنده آسمانها و زمینها ای منتهای نهایت طلب کنندگان

يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

ای اجابت کننده دعای درماندگان ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان ای پروردگار عالمیان

یا دَیّانَ یَومِ الدّینِ یا اَجوَدَ الاَجوَدینَ یا اَکرَمَ الاَکرَمینَ

ای پادشاه روز جزا ای بخشنده ترین بخشندگان ای بزرگوارترین بزرگواران

یا اَسمَعَ السّامِعینَ وَیا اَبصَرَ النّاظِرینَ یا اَقدَرَ

ای شنواترین شنوندگان وای بیناترین بینندگان ای اندازه کننده ترین

القادِرینَ اِغفِر لِیَ الذُّنوبَ الَّتی تُغَیِّرُ النِّعَمَ اِغفِر لِیَ

اندازه کنندگان بیامرز از برای من گناهانی را که تغییر می دهد نعمتها را بیامرز از برای من

الذُّنوبَ الَّتی تُورِثُ النَّدَمَ وَاغفِر لِیَ الذُّنوبَ الَّتی تُورِثُ

گناهانی را که عقب می کشد پشیمانی را و بیامرز از برای من گناهانی را که عقب می کشد

النِّقَمَ وَاغفِر لِیَ الذُّنوبَ الَّتی تَهتِکُ العِصَمَ وَاغفِر لِیَ

بلاها را و بیامرز از برای من گناهانی را که می درد پرده های عصمت را و بیامرز از برای من

الذُّنوبَ الَّتی تَرُدُّ الدُّعاءَ وَاغفِر لِیَ الذُّنوبَ الَّتی تَحبِسُ

گناهانی را که رد می کند دعا را و بیامرز از برای من گناهانی را که حبس می کند

قَطرَ السَّماءِ وَاغفِر لِیَ الذُّنوبَ الَّتی تُعَجِّلُ الفَناءَ وَاغفِر

باران آسمان را و بیامرز از برای من گناهانی را که به شتاب می برد نیستی را و بیامرز

لِیَ الذُّنوبَ الَّتی تَجلِبُ الشَّقاءَ وَاغفِر لِیَ الذُّنوبَ الَّتی

از برای من گناهانی را که بر انگیزد بدبختی را و بیامرز از برای من گناهانی را که

تُظلِمُ الهَواءَ وَاغفِر لِیَ الذُّنوبَ الَّتی تَکشِفُ الغِطاءَ وَ

تاریک می کند هوا را و بیامرز از برای من گناهانی را که پاره می کند پرده عصمت را و

اغفِر لِیَ الذُّنوبَ الَّتی لا یَغفِرُها غَیرُکَ یا اَللّهُ وَاحمِل

بیامرز از برای من گناهانی را که نمی آمرزد آنها را بجز تو ای خدا و بردار

عنّی

عَنّی کُلَّ تَبِعَةٍ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَاجْعَلْ لِی مِنْ أَمْرِی

از من هر وبالی را که باشد برای بندگان تو و بگردان برای من از کار من

فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَيُسْراً وَأَنْزِلْ يَقِينَكَ فِی صَدْرِی وَ

گشایش و مخرج بیرون آمدن و آسانی و فرو فرست یقین خود را در سینهٔ من و

رَجَاءَكَ فِی قَلْبِی حَتَّى لَا أَرْجُو غَيْرَكَ اَللَّهُمَّ احْفَظْنِی

امیدواری تو را در دل من تا آنکه امیدوار نباشم جز تو را خداوندا نگاه دار مرا

وَعَافِنِی فِی مَقَامِی وَاصْحَبْنِی فِی لَيْلِی وَنَهَارِی وَمِنْ بَيْنِ

و عافیت ده مرا در این مقام و یار باش مرا در شب من و روز من و از پیش

يَدَیَّ وَمِنْ خَلْفِی وَعَنْ يَمِينِی وَعَنْ شِمَالِی وَمِنْ فَوْقِی

روی من و از پشت سر من و از جانب راست من و از جانب چپ من و از بالای سر من

وَمِنْ تَحْتِی وَيَسِّرْ لِیَ السَّبِيلَ وَأَحْسِنْ لِیَ التَّيْسِيرَ وَلَا

و از زیر پای من و آسان کن برای من راه را و نیکو گردان برای من آسانی را و نه

تَخْذُلْنِی فِی الْعَسِيرِ وَاهْدِنِی يَا خَيْرَ دَلِيلٍ وَلَا تَكِلْنِی إِلَى

خوار کنی مرا در دشواری و راه نما مرا ای بهتر راهنما و وا مگذار مرا بسوی

نَفْسِی فِی الْأُمُورِ وَلَقِّنِی كُلَّ سُرُورٍ وَاقْلِبْنِی إِلَى أَهْلِی

نفس من در کارها و پیش آور مرا هر خوشی را و باز گردان مرا بسوی اهل من

بِالْفَلَاحِ وَالنَّجَاحِ مَحْبُوراً فِی الْعَاجِلِ وَالْآجِلِ إِنَّكَ عَلَى

به رستگاری و فیروزی شادمان در دنیا و آخرت بدرستی که تو بر

كُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ وَارْزُقْنِی مِنْ فَضْلِكَ وَأَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ

هر چیز توانائی و روزی ده مرا از فضل خود و وسیع گردان بر من از

طيبات رزقك واستعملني في طاعتك واجرني

پاکیزها روزی خود وبکار دار مرا در بندگی خود و پناه ده مرا

من عذابك ونارك واقلبني اذا توفيتني الى جنتك

از عذاب خود و آتش خود و گردان مرا هرگاه بمیرانی مرا بسوی بهشت خود

برحمتك اللهم اني اعوذ بك من زوال نعمتك و

برحمت خود خداوندا بدرستیکه من پناه می برم بتو از زوال نعمت تو و

من تحويل عافيتك ومن حلول نقمتك ومن نزول

از گردانیدن عافیت تو و از فرود آمدن عقوبت تو و از رسیدن

عذابك واعوذ بك من جهد البلاء ودرك الشقاء

عذاب تو و پناه میبرم بتو از سختی بلا و دریافتن بدبختی

ومن سوء القضاء وشماتة الاعداء ومن شر ما ينزل

و از بدی حکم و شادی دشمنان و از شر آنکه فرود می آید

من السماء ومن شر ما في الكتاب المنزل اللهم لا

از آسمان و از شر آنچه در کتاب فرو فرستاده شده خداوندا

تجعلني من الاشرار ولا من اصحاب النار ولا تحرمني

مگردان مرا از بدان و نه از یاران حشر و مگردان محروم مرا

صحبة الاخيار واحيني حيوة طيبة وتوفني وفاة طيبة

از صحبت نیکان و زنده گردان مرا زندگانی نیکو و بمیران مرا مردن نیکو

تلحقني بالابرار وارزقني مرافقة الانبياء في مقعد

رسانیده مرا به نیکوکاران و روزی گردان مرا رفاقت پیغمبران در نشیمنهای

صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلٰى

نیک پسندیده نزد پادشاه بزرگ بار خدایا مر تراست حمد و سپاس بر

حُسْنِ بَلَاۤئِكَ وَصُنْعِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْاِسْلَامِ

نیکویی انعام تو و صنع تو و مر تراست سپاس بر اسلام

وَالسُّنَّةِ يَا رَبِّ كَمَا هَدَيْتَهُمْ لِدِينِكَ وَعَلَّمْتَهُمْ

و طریقه پیغمبر ای پروردگار چنانکه راه نمودی ایشان را برای دین تو و تعلیم کردی ایشان

كِتَابَكَ فَاهْدِنَا وَعَلِّمْنَا وَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى حُسْنِ بَلَاۤئِكَ

کتاب خود پس راه نما ما را و تعلیم کن ما را و مر تراست سپاس بر نیکویی انعام تو

وَصُنْعِكَ عِنْدِي خَاصَّةً كَمَا خَلَقْتَنِي فَاَحْسَنْتَ

و صنعت تو نزد من بخصوص همچنانکه آفریدی مرا پس نیکو کرده

خَلْقِي وَعَلَّمْتَنِي فَاَحْسَنْتَ تَعْلِيمِي وَهَدَيْتَنِي فَاَحْسَنْتَ

خلقت مرا و تعلیم کرده مرا پس نیکو کردی تعلیم مرا و راه نمودی مرا پس نیکو

هِدَايَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى اِنْعَامِكَ عَلَيَّ قَدِيمًا وَحَدِيثًا

راه نمودن مرا پس مر تراست سپاس بر انعام دادن تو بر من کهنه و تازه

فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ فَرَّجْتَهُ وَكَمْ مِنْ غَمٍّ يَا سَيِّدِي

پس چه بسیار اندوه ای آقای من که دفع نمودی از من و چه بسیار از غصه ای که

قَدْ نَفَّسْتَهُ وَكَمْ مِنْ هَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ كَشَفْتَهُ وَكَمْ مِنْ

زایل کردی آن را و چه بسیار اندوه ای آقای من که دفع نمودی آن را و چه بسیار از

بَلَاۤءٍ يَا سَيِّدِي قَدْ صَرَفْتَهُ وَكَمْ مِنْ عَيْبٍ يَا سَيِّدِي

بلا ای آقای من که برگردانیدی آن را و چه بسیار از عیب ای آقای من

قَدْ سَتَرْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ حَالٍ فِي كُلِّ مَثْوًى وَ

[illegible]

زَمَانٍ وَمُنْقَلَبٍ وَمَقَامٍ وَعَلَى هٰذِهِ الْحَالِ وَكُلِّ

[illegible]

حَالٍ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ اَفْضَلِ عِبَادِكَ نَصِيبًا فِي

[illegible]

هٰذَا الْيَوْمِ مِنْ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ اَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ اَوْ سُوءٍ تَصْرِفُهُ

[illegible]

اَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ اَوْ خَيْرٍ تَسُوقُهُ اَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا اَوْ

[illegible]

عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا فَاِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ بِيَدِكَ

[illegible]

خَزَائِنُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ

[illegible]

الْمُعْطِي الَّذِي لَا يُرَدُّ سَائِلُهُ وَلَا يُخَيَّبُ اٰمِلُهُ وَلَا

[illegible]

يَنْقُصُ نَائِلُهُ وَلَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ بَلْ يَزْدَادُ كَثْرَةً وَ

[illegible]

طِيبًا وَعَطَاءً وَجُودًا وَارْزُقْنِي مِنْ خَزَائِنِكَ الَّتِي لَا

[illegible]

يفنى

تَفنا وَمِن رَحمَتِكَ الواسِعَةِ اِنَّ عَطآءَكَ لَم يَكُن

بکام تو و از رحمت تو که فراخ است بدرستی که عطای تو نبوده است

مَحظُورًا وَاَنتَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ بِرَحمَتِكَ یا اَرحَمَ الرّاحِمِین

ممنوع و تو بر همه چیز توانائی برحمتت ای مهربانترین رحم کنندگان

واحادیث بسیار در فضیلت حضرت امام حسین ع
در شب و روز عرفه وارد شده و زیارت نزد بکرا در
کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام و زیارت دور ان شاء الله
بعد از این مذکور خواهد شد و پیشتر نیز زیارت آن
حضرت مذکور شد و اما روز عرفه از اعیاد عظیمه است
وکسیکه توفیق یابد که در عرفات باشد و ادعیه و
اعمال بسیار دارد و بهترین اعمال در این روز دعا است
حتی اینکه مستحب است که جمع کند میان نماز ظهر و عصر
در اول وقت و نافله و اذان عصر ساقط میشود
و بعد از نماز عصر مشغول دعا باید شد تا شام و دعا
از برای برادران زنده و مرده بسیار باید کرد چنانچه
در حدیث صحیح منقولست که ابراهیم بن هاشم گفت
من عبد الله بن جندب را دیدم در موقف عرفات و حال
هیچکس را از او بهتر ندیدم پیوسته دستهای خود را
بسوی آسمان بلند کرده بود و آب دیده اش بر رویش
جاری بود تا بزمین میرسید چون مردم فارغ شدند

گفتم وقوف هیچکس را بهتر از وقوف تو ندیدم گفت
بخدا سوگند که دعا نکردم مگر برای برادران مؤمن خود
زیرا که از حضرت امام موسی ع شنیدم که هر که دعا
کند از برای برادر مؤمن خود در غیبت او از عرش ندا
باو برسد که از برای تو صد هزار برابر دعای او باد
پس من نخواستم که دست بردارم از صد هزار برابر دعای
ملک که البته مستجابست برای یک دعای خود که نمیدانم
مستجاب خواهد شد یا نه واگر کسی توفیق یابد که در روز
عرفه در بقعه مقدسه حضرت امام حسین ع
باشد ثوابش کمتر نیست از کسیکه در عرفات باشد بلکه
زیاده است چنانکه از حضرت صادق منقولست
که هر که در روز عرفه بزیارت آنحضرت برود وحق
او را شناسد واو را امام واجب الاطاعه داند بنویسد
حق تعالی از برای او دو هزار ثواب حج و دو هزار عمره
مقبول و هزار جهاد که با پیغمبر مرسل باشد یا امام
عادلی راوی گفت کجاست ثواب وقوف عرفات حضرت
از روی غضب بسوی او نظر کرد و فرمود که بدرستی
که بنده مؤمن چون در روز عرفه نزد قبر آنحضرت حاضر
شود و در نهر فرات غسل کند و متوجه زیارت شود
هر گام که برمیدارد ثواب یک حج وعمره برای او بنویسند

و در روایت دیگر فرمود که در روز عرفه حق تعالی اول
نظر رحمت بسوی زوار حضرت امام حسین میکند و
گناهان ایشانرا می آمرزد و حاجات ایشانرا بر میآورد
و بعد از آن متوجه اهل عرفات میگردد زیرا که در
میان زوار آن حضرت حرامزاده و فرزند زنا نیست
و در میان اهل عرفات هست و کسیکه توفیق هیچیک
ازینها را نیافته باشد باید که در سایر بلاد غسل کند
و در مجمع مؤمنان حاضر شود و زیارت آنحضرت بکند
و اگر در بام بلندی یا صحرای گشاده باشد بهتر است
پس مشغول دعا شوند و تا شام مشغول ذکر و دعا باشند
تا در ثواب آنها شریک گردند چنانچه از حضرت صادق
منقولست و احادیث در باب روزه روز عرفه مختلف است
و اکثر علما جمع میان احادیث باین روش کرده اند که
اگر اشتباهی در ماه نباشد و اورا از دعا کردن ضعف
نگرداند سنت است و الا مکروه است یعنی ثوابش کمتر است
و در روایتی وارد شده که روزه عرفه برابر است با روزه
یکسال و اگر اشتباه در ماه باشد یا روزه از دعا مانع
شود روزه نگرفتن بهتر است و از حضرت صادق
منقولست که هر که در روز عرفه پیش از آنکه متوجه دعا
شود دو رکعت نماز بجا آورد در زیر آسمان و اعتراف

کند نزد خدا بگناهان خود و اقرار کند بخطاهای خود
فایز گردد بثواب اهل عرفات وگناهان گذشته و
اینده اش امرزیده شود وشیخ مفید رحمة الله علیه
این نماز را بعد از نماز عصر ذکر کرده وگفته که این
نماز مخصوص جمعیست که در اطراف باشند ودر عرفات
نباشند ودر حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که چون خواهد مشغول دعا شود اول
صد مرتبه الله اکبر وصد مرتبه الحمد لله وصد مرتبه
سبحان الله وصد مرتبه لا اله الا الله وصد مرتبه
قل هو الله احد وصد مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخواند
ودر روایت دیگر فرمود که صد مرتبه ایة الکرسی
بخواند وصد مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله بگوید وصد
مرتبه اللهم صل علی محمد وال محمد بگوید پس
مشغول دعا شود وبهترین دعاها دعای صحیفهٔ کامله
است انرا با خضوع وخشوع وتانی ورقت بخواند که مشتمل
بر جمیع مطالب دنیا واخرت وشیخ طوسی ره بسند
معتبر از حضرت صادق روایت کرده که حضرت رسول
بحضرت امیر المومنین فرمود یعنی یا علی ترا تعلیم کنم
دعای روز عرفه که جمع شود ان برای تو هرگاه بخوانی
خیر دنیا واخرت وان دعای پیغمبران پیش از منست

محکمه

مى كوئى لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك

هست خدائى مر خداى يكانه كه نيست شريك او را واورا است پادشاهى

وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير

ومر اورا است سپاس زنده مى كند ومى ميراند وهست زنده كه نمى ميرد بدست اوست نيكى

وهو على كل شيء قدير اللهم لك الحمد كالذي نقول

واو بر هر چيز تواناست بار خدايا مر تراست سپاس مانند آنكه خود گوئى

وخيرا مما نقول وفوق ما يقول القائلون اللهم

وبهتر از آنكه ما مى گوئيم وبالاتر از آنچه مى گويند آنرا گويندگان بار خدايا

لك صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي ولك براءتي و

ترا است نماز من وعبادت من وزندگانى من ومردن من ومر تراست بيزارى من و

بك حولي ومنك قوتي اللهم اني اعوذ بك من الفقر

بتوست حركت من وازتوست توانائى من خداوندا بدرستى من پناه مى برم بتو از درويشى

ومن وساوس الصدر ومن شتات الامر ومن عذاب

واز وسوسهاى سينه واز پراكندگى كارها واز عذاب

القبر اللهم اني اسألك خير الرياح واعوذ بك من

گور خداوندا بدرستى كه من سوال ميكنم مر ترا نيكوئى بادها وپناه ميبرم بتو از

شر ما تجيء به الرياح واسألك خير الليل والنهار

بدى آنچه مى آورد آنرا بادها وسوال ميكنم ترا نيكوئى شبها وروزها

اللهم اجعل في قلبي نورا وفي سمعي نورا وفي بصري

خداوندا بگردان مرا در دل مرا نور ودر گوش من نورى ودر چشم من

نُوراً وَفِي لَحْمِي نُوراً وَفِي دَمِي وَعِظَامِي وَعُرُوقِي وَ

نور و در گوشت من نور و در خون من و استخوان من و رگهای من و

مَقَامِي وَمَقْعَدِي وَمَدْخَلِي وَمَخْرَجِي نُوراً وَأَعْظِمْ

محل ایستادن من و نشستن من و داخل شدن من و بیرون شدن من نور و بزرگ گردان

لِيَ النُّورَ يَا رَبِّ يَوْمَ أَلْقَاكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

از برای من نور ای پروردگار من روزی که ملاقات کنم ترا بدرستی که تو بر همه چیز توانائی

و از حضرت امام رضا منقولست که این دعا را در روز

عرفه بخوانند که ثواب عظیم در ضمن آن میباشد

اَللّٰهُمَّ كَمَا سَتَرْتَ عَلَيَّ مَا لَمْ أَعْلَمْ فَاغْفِرْ لِي مَا تَعْلَمُ

خداوندا چنانچه پوشیده داشتی بر من آنچه را نمی دانم پس بیامرز مرا آنچه را که می دانی

وَكَمَا وَسِعَنِي عِلْمُكَ فَلْيَسَعْنِي عَفْوُكَ وَكَمَا بَدَأْتَنِي

و چنانچه فرا گرفته است مرا دانش تو پس فرا گیرد مرا عفو تو و چنانچه ابتدا کردی مرا

بِالْإِحْسَانِ فَأَتْمِمْ نِعْمَتَكَ بِالْغُفْرَانِ وَكَمَا أَكْرَمْتَنِي

به نیکوئی پس تمام کن نعمت خود را به آمرزش و چنانچه گرامی داشتی مرا

بِمَعْرِفَتِكَ فَاشْفَعْهَا بِمَغْفِرَتِكَ وَكَمَا عَرَّفْتَنِي وَحْدَانِيَّتَكَ

به شناختن تو پس جفت کن آن را به آمرزش خود و چنانچه شناسا کردی مرا به یگانگی خود

فَأَكْرِمْنِي بِطَاعَتِكَ وَكَمَا عَصَمْتَنِي مِمَّا لَمْ أَكُنْ أَعْتَصِمُ

پس گرامی دار مرا به طاعت خود و چنانچه بازداشتی مرا از آنکه نگاه نمی داشتم خود را

مِنْهُ إِلَّا بِعِصْمَتِكَ فَاغْفِرْ لِي مَا لَوْ شِئْتَ عَصَمْتَنِي

از آن مگر به بازداشتن تو پس بیامرز برای من آنچه را اگر خواهی نگاه میداشتی مرا

منه

مِنهُ یا جَوادُ یا کَریمُ یا ذَا الجَلالِ وَالاِکرامِ واز

دهش ای بزرگوار ای صاحب عظمت و بزرگواری

حضرت امام موسیٰ این دعای بزرگوار منقولست
اَللّٰهُمَّ اِنّی عَبدُكَ وَابنُ عَبدِكَ اِن تُعَذِّبنی

خداوندا بدرستی که من بنده توام و پسر بنده توام اگر عذاب کنی مرا

فَبِاُمورٍ قَد سَلَفَت مِنّی وَاَنَا بَینَ یَدَیكَ بِرُمَّتی

پس باموری است که پیشتر گذشته است از من و من پیش روی توام بتمام رسوائیهای من

وَاِن تَعفُ عَنّی فَاَهلُ العَفوِ اَنتَ یا اَهلَ العَفوِ

و اگر درگذری مرا پس سزاوار عفو و درگذشتن تو ای سزاوار درگذشتن

اَنتَ یا اَهلَ العَفوِ یا اَحَقَّ مَن عَفیٰ اِغفِر لی وَلِاِخوانی

تو ای سزاوار بخشش ای سزاوارتر کسی که بخشد بخشش مرا و برادران مرا

وازجمله دعای روز عرفه دعای حضرت سید الشهدا
امام حسین است بشر و بشیر پسران غالب اسدی
روایت کرده اند که پسین روز عرفه در عرفات
درخدمت آنحضرت بودیم پس از خیمه خود بیرون آمدند
با گروهی از اهل بیت و شیعیان خود با نهایت
تذلل و خشوع و فروتنی پس در جانب چپ کوه
ایستادند و روی مبارك خود را بسوی کعبه
معظمه گردانیدند و دستهای مبارك
خود را برابر رو برداشتند مانند مسکینی که طعام

طلبيد واين دعا را خوندند بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى ليس لقضائه

به نام خدای بخشنده مهربان سپاس مر خدای را که نیست حکم او را

دافع ولا لعطائه مانع ولا كصنعه صنع

دفع کننده ونه از برای بخشش او منع کننده ونه مانند صنع او صنعت کر

صانع وهو الجواد الواسع فطر اجناس البدائع

کارسازی واوست بخشنده وسعت دهنده آفریده انواع نو بدیعه کارها را

واتقن بحكمته الصنائع ولا تخفى عليه الطلائع

و محکم کرد به حکمت خود کارها را و مخفی نیست بر او پنهانها

ولا تضيع عنده الودائع جازى كل صانع و

و ضایع نگردد نزد او امانتها سزا دهنده هر کار کننده و

رائش كل قانع وراحم كل ضارع ومنزل المنافع

عطا دهنده هر قناعت کننده و رحم کننده هر زاری کننده و فرو فرستنده نفعها

والكتاب الجامع بالنور الساطع وهو للدعوات

و کتاب فراهم آورنده به روشنائی تابنده و اوست مر دعاها را

سامع وللدرجات رافع وللكربات دافع وللجبابرة

شنونده و درجه‌ها را بلند کننده و اندوهها را برطرف کننده و مر گردنکشان را

قامع فلا اله غيره ولا شىء يعدله وليس كمثله

خوار کننده پس نیست معبودی غیر او و نه چیزی برابری کند او را و نیست مانند او

شىء وهو السميع البصير اللطيف الخبير وهو على

چیزی و اوست شنوای بینا دانای بخشنده و او بر

كل

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَأَشْهَدُ

بر همه چیز توانائی خداوندا بدرستی که من خواهش مندم بسوی تو و گواهی میدهم

بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ مُقِرّاً بِأَنَّكَ رَبِّي وَأَنَّ إِلَيْكَ مَرَدِّي

به پروردگاری تو در حالیکه اقرار دارنده باشم که تو پروردگار منی و اینکه بسوی تو است بازگشت من

اِبْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً وَ

ابتدا کردی مرا به نعمت خود پیش از آنکه بوده باشم چیزی یاد کرده شده و

خَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ آمِناً

و آفریدی مرا از خاک پس ساکن گردانیدی مرا در پشتهای پدران ایمن

لِرَيْبِ الْمَنُونِ وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِناً مِنْ

از حوادث زمانه و ناموافقی روزگار پس همیشه بودم منتقل از

صُلْبٍ إِلَى رَحِمٍ فِي تَقَادُمِ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ

پشتی بسوی رحم مادری در گذشتن روزهای گذشته و قرنهای

الْخَالِيَةِ لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَلُطْفِكَ لِي وَإِحْسَانِكَ

گذشته بیرون نیاوردی مرا بجهت مهربانی خود بمن و لطف تو بمن و احسان تو

إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أَيَّامِ الْكَفَرَةِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ

بسوی من در دولت روزگار کافران که شکستند پیمان تو را

وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ لٰكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي رَأْفَةً مِنْكَ وَتَحَنُّناً

و دروغ گفتند پیغمبران تو را لیکن تو بیرون آوردی مرا برای مهربانی که از تو و مهربانی

عَلَيَّ لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي يَسَّرْتَنِي وَفِيهِ

بر من برای آنچه پیشی گرفته بود از هدایتی که مهیا کردی برای من و در آن

اَنشَاْتَنِی وَمِن قَبلِ ذٰلِكَ رَؤُفتَ بِی بِجَمِیلِ صُنعِكَ

پدید آوردی مرا و از پیش ازان مهربانی کردی بمن ببخشش نیکوی صنع تو

وَسَوَابِغِ نِعمَتِكَ فَابتَدَعتَ خَلقِی مِن مَنِیٍّ یُمنٰی ثُمَّ

و نعمتهای کامل تو پس ایجاد کردی پدید آوردی مرا از آب منی پس

اَمکَنتَنِی فِی ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَینَ لَحمٍ وَجِلدٍ وَدَمٍ وَ

ساکن گردانیدی مرا در تاریکیهای سه گانه میانه گوشت و پوست و خون و

لَم تُشهِدنِی بِخَلقِی وَلَم تَجعَل اِلَیَّ شَیئًا مِن اَمرِی ثُمَّ

شهود نگردانیدی مرا با آفریدن من و نگردانیدی بسوی من چیزی از کار من پس

اَخرَجتَنِی اِلَی الدُّنیَا تَامًّا سَوِیًّا وَحَفِظتَنِی فِی المَهدِ

بیرون آوردی مرا بسوی دنیا تمام و درست اعضا و نگاهداشتی مرا در گهواره

طِفلًا صَبِیًّا وَرَزَقتَنِی مِنَ الغِذَاءِ لَبَنًا مَرِیًّا وَعَطَفتَ

در حال اینکه کوچک بودم و روزی کردی مرا از غذا شیر تازه گوارا و مهربان کردی

عَلَیَّ قُلُوبَ الحَوَاضِنِ وَکَفَّلتَنِی الاُمَّهَاتِ الرَّحَائِمَ وَ

بر من دلهای تربیت کننده مرا و کفیل کردی مادرهای مهربان مرا و

کَلَاْتَنِی مِن طَوَارِقِ الجَانِّ وَسَلَّمتَنِی مِنَ الزِّیَادَةِ

دفع خطر نمودی مرا از سختیهای جن و سالم داشتی مرا از زیاده و

وَالنُّقصَانِ فَتَعَالَیتَ یَا رَحِیمُ یَا رَحمٰنُ حَتّٰی اِذَا استَهلَلتُ

و کمی آن پس برتری تو ای مهربان ای بخشنده تا آنکه بانگ زدم

نَاطِقًا بِالکَلَامِ اَتمَمتَ عَلَیَّ سَوَابِغَ الاِنعَامِ فَرَبَّیتَنِی

سخن گوی بسخن تمام تمام کردی بر من کامل نعمتهای خود پس پروردی مرا

زائدا

زائداً في كل عام حتى إذا كملت فطرتي واعتدلت
افزاینده در هر سال تا کامل رسید خلقت من و راست شد
مريرتي أوجبت علي حجتك بأن ألهمتني معرفتك
عقل من واجب ساختی بر من حجت خود را بآنکه الهام کردی بمن شناختن خود
وروعتني بعجائب فطرتك وأنطقتني لما ذرأت
و بدل انداختی مرا غرائب آفرینش خود و گویا کردی مرا برای آنچه خلق کردی تو
في سمائك وأرضك من بدائع خلقك ونبهتني
در آسمان خود و در زمین خود از نوپدیدهای آفرینش خود و آگاه کردی مرا
لذكرك وشكرك وواجب طاعتك وعبادتك
برای یاد خود و سپاس گزاردن خود و واجب فرمان طاعت خود و بندگی خود
وفهمتني ما جاءت به رسلك ويسرت لي تقبل
و دریابیدن مرا آنچه آوردند بآن فرستادگان تو و آسان کردی برای من پذیرفتن
مرضاتك ومننت علي بجميع ذلك بعونك ولطفك
خوشنودیهای تو و منت گذاشتی بر من در همه اینها بمدد کردن و مهربانی تو
ثم إذ خلقتني من خير الثرى لم ترض لي يا إلهي بنعمة
پس چون آفریدی مرا از خاک بهتر خاک نپسندیدی برای من ای خدا نعمتی را
دون أخرى ورزقتني من أنواع المعاش وصنوف
بجز نعمت دیگری و روزی دادی مرا از انواع روزیها و اصناف
الرياش بمنك العظيم علي وإحسانك القديم إلي
پوششها بانعام خود که بزرگست بر من و بنیکوئیهای دیرینه بسوی من

حَتّى اِذا اَتْمَمْتَ عَلَىَّ جَميعَ النِّعَمِ وَصَرَفْتَ عَنّى كُلَّ
تا آنکه تمام کردی بر من همه نعمتها را و گردانیدی از من همه
النِّقَمِ لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلى وَجُرْاَتى عَلَيْكَ اَنْ دَلَلْتَنى
نقمتها را باز نداشت ترا نادانی من و دلیری من بر تو از راه نمودن
عَلى ما يُقَرِّبُنى اِلَيْكَ وَوَفَّقْتَنى لِما يُزْلِفُنى لَدَيْكَ
بر چیزی که نزدیک کند مرا بسوی تو و توفیق دادی مرا برای آنکه نزدیک شوم نزد تو
فَاِنْ دَعَوْتُكَ اَجَبْتَنى وَاِنْ سَئَلْتُكَ اَعْطَيْتَنى وَ
پس اگر بخوانم ترا اجابت کنی مرا و اگر سؤال کنم ترا عطا کنی مرا و
اِنْ اَطَعْتُكَ شَكَرْتَنى وَاِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنى كُلُّ
اگر اطاعت کنم ترا سپاس کنی مرا و اگر سپاس کنم ترا زیاده کنی مرا همه
ذلِكَ اِكْمالاً لِاَنْعُمِكَ عَلَىَّ وَاِحْسانِكَ اِلَىَّ فَسُبْحانَكَ
اینها برای کامل نمودن نعمتهای تست بر من و احسان تست بسوی من پس پاکی تراست
سُبْحانَكَ مِنْ مُبْدِئٍ مُعيدٍ حَميدٍ مَجيدٍ تَقَدَّسَتْ
پاکی تراست از بدء آورنده بازگرداننده ستوده بزرگواری پاک است
اَسْماۤؤُكَ وَعَظُمَتْ اٰلاۤؤُكَ فَاَىَّ نِعَمِكَ يا اِلهى اُحْصى
نامهای تو و بزرگ است نعمتهای تو پس کدام نعمت را ای خدای من شماره
عَدَداً وَذِكْراً اَمْ اَىَّ عَطاياكَ اَقُومُ بِها شُكْراً وَ
کنم از روی شماره یا کدام بخششهای ترا بپا دارم با آن سپاس را و
هِىَ يا رَبِّ اَكْثَرُ مِنْ اَنْ يُحْصِيَها الْعادُّونَ اَوْ يَبْلُغَ
این ای پروردگار بیشتر است از آنکه شماره کنند آن را شمارندگان یا برسد

علماً

عِلْماً بِمَا الْحَافِظُونَ ثُمَّ غَادَرْتَ وَصَرَفْتَ عَنِّي

از روی دانائی آن حفظ کنندگان پس رفع کردی [illegible] از من

اَللّٰهُمَّ مِنَ الضُّرِّ وَالضَّرَّاءِ أَكْثَرَ مِمَّا ظَهَرَ لِي

خداوندا از بد حالی و ناخوشی بیشتر از آنکه ظاهر شده از روی من

مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ وَأَنَا أُشْهِدُكَ يَا إِلٰهِي بِحَقِيقَةِ

از عافیت و خوشی و من گواه میگیرم ترا ای خدای من بحقیقت

إِيمَانِي وَعَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي وَخَالِصِ صَرِيحِ

ایمان من و محکم [illegible] دل بر یقین من و خالص [illegible]

تَوْحِيدِي وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي وَعَلَائِقِ مَجَارِي

یگانه پرستیدن من و پوشیده [illegible] دل من و بستگیهای [illegible] روان

نُورِ بَصَرِي وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي وَخُرْقِ مَارِبِ

روشنی چشم من و چینهای روی پیشانی و سوراخهای [illegible] راههای

نَفَسِي وَخَذَارِيفِ مَارِنِ عِرْنِينِي وَمَسَارِبِ صِمَاخِ

نفس من و پارچه استخوانهای جانب بینی من و راههای سوراخ

سَمْعِي وَمَا ضُمَّتْ وَأُطْبِقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَايَ وَ

گوش من و آنچه بهم آورده شده و پوشیده شده بر آن لبهای من و

حَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي وَمَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي وَ

حرکات تلفظ کردن زبان من و محل بهم آوردن در طرف دهان من و

مَنَابِتِ أَضْرَاسِي وَبُلُوغِ حَبَائِلِ بَارِعِ عُنُقِي وَمَسَاغِ

جاهای روئیدن دندانهای من و رسیدن رشته‌های [illegible] گردن من و گوارا [illegible]

مَآكِلِي وَمَشْرَبِي وَحِمالَةِ أُمِّ رَأْسِي وَجُمَلِ حَمائِلِ

خوردن من و آشامیدن من و بردارنده اصل سر من و شعبهای رشتهای

حَبْلِ وَتِينِي وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَأْمُورُ صَدْرِي وَنِياطِ

رشتهای دل من و آنچه مشتمل است بران دل که در سینه من است و رگ

حِجابِ قَلْبِي وَأَفْلاذِ حَواشِي كَبِدِي وَمَا حَوَتْهُ شَراسِيفُ

پرده دل من و قطعهای کنارهای جگر من و آنچه فراگرفته او را سرهای

أَضْلاعِي وَحِقاقِ مَفاصِلِي وَأَطْرافِ أَنامِلِي وَقَبْضِ

دندانهای پهلوی من و کاسه مفصلهای من و کنارهای سر انگشتان من و گرفتن

عَوامِلِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَعَصَبِي وَقَصَبِي

پاهای من و خون من و موی من و پوست من و پی من و استخوان میان تهی من

وَعِظامِي وَمُخِّي وَعُرُوقِي وَجَمِيعِ جَوارِحِي وَمَا انْتَسَجَ

و استخوان من و مغز استخوان من و رگهای من و همه اعضای من و آنچه بافته شده

عَلَى ذٰلِكَ أَيَّامَ رِضاعِي وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي وَنَوْمِي

بران روزهای شیر خوردن من و آنچه برداشته زمین از من و خواب من

وَيَقْظَتِي وَسُكُونِي وَحَرَكَتِي وَحَرَكاتِ رُكُوعِي وَ

و بیداری من و سکون من و حرکت من و حرکات رکوع من و

سُجُودِي أَنْ لَوْ حاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصارِ

سجود من اگر قصد کنم و کوشش نمایم مدتی زمانها

وَالْأَحْقابِ لَوْ عُمِّرْتُها أَنْ أُؤَدِّيَ شُكْرَ واحِدَةٍ مِنْ

و روزگارها اگر زنده باشم همه را که بگذارم شکر یکی از

أنعمك

أَنْعُمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذٰلِكَ إِلَّا بِمَنِّكَ الْمُوجِبِ عَلَيَّ

نعمتهای ترا نمی توانم اینرا مگر بانعام تو که واجب میکند برمن

شُكْراً آنِفاً جَدِيداً وَثَنَاءً طَارِفاً عَتِيداً أَجَلْ وَلَوْ

سپاس بر نعمت تازه را و ستایش تازه مهیا بلی واگر

حَرَصْتُ أَنَا وَالْعَادُّونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ نُحْصِيَ مَدَىٰ

خواهم من و شمارندگان از خلق تو که بشماریم نهایت

إِنْعَامِكَ سَالِفَةً وَآنِفَةً لَمَا حَصَرْنَاهُ عَدَداً وَلَا

انعام ترا گذشته و حاضر هرآینه احاطه نکرده ایم او را از شماره و نه

أَحْصَيْنَاهُ أَبَداً هَيْهَاتَ أَنَّىٰ ذٰلِكَ وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ عَنْ

شمرده ایم او را هرگز بعید است این و حال آنکه تو خبر دهنده از

نَفْسِكَ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ وَالنَّبَإِ الصَّادِقِ وَإِنْ تَعُدُّوا

نفس خود در کتاب خود که گویا است و خبر راست و اگر بشمارید

نِعْمَةَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوهَا صَدَقَ كِتَابُكَ اللّٰهُمَّ وَإِنْبَاؤُكَ

نعمت خدا را نمی توانید شمرد راست است کتاب تو خداوندا و خبر تو

وَبَلَّغَتْ أَنْبِيَاؤُكَ وَرُسُلُكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ

و رسانیدند پیغمبران تو و فرستادگان تو آنچه فرستادی بر ایشان از پیغام تو

وَشَرَعْتَ لَهُمْ مِنْ دِينِكَ غَيْرَ أَنِّي يَا إِلٰهِي أَشْهَدُ بِجُهْدِي

و آنچه شرع کردی از برای ایشان از دین خود غیر آنکه ای خدای من گواهی میدهم بجهد

وَجِدِّي وَمَبَالِغِ طَاقَتِي وَوُسْعِي وَأَقُولُ مُؤْمِناً

و کوشش خود و بمبلغ طاقت خود و وسعت خود و میگویم در حالتی که ایمان دارم و یقین دارم

مؤمنا الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا فیکون موزونا

سپاس مر خدای را که نگرفته هیچ فرزندی پس باشد ارث جوینده

ولم یکن له شریک فی الملک فیضاده فیما ابتدع

و نیست برا ورا شریکی در پادشاهی پس مخاصمه کند اورا در آنچه پدید آورده

ولا ولی من الذل فیرفده فیما صنع سبحانه سبحانه

و نه یاوری از مذلت پس یاری دهد اورا در آنچه کرد پاک است او پاک است او

سبحانه لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدتا وتفطرتا

پاک است او اگر بودی در آسمان و زمین خدایانی بغیر از خدا [illegible]

فسبحان الله الواحد الحق الاحد الصمد الذی لم

پس پاک است خدای یگانه حق یکتا بی نیاز آنکه نه

یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد الحمد لله حمدا

زاده و نزاده شده و نیست مر او را مانند هیچکس سپاس مر خدای را سپاسی

یعدل حمد ملائکته المقربین وانبیائه المرسلین

برابری کند سپاس فرشتگان او که نزدیکانند و پیغمبران او که فرستاده شده

وصلی الله علی خیرته من خلقه محمد خاتم النبیین

و درود فرستد خدا بر بهتر بنده گان او محمد آخر پیغمبران

وآله الطاهرین المخلصین پس شروع فرمود آنحضرت

و آل او که پاکانند خالصانند در سؤال و اهتمام نمود در

دعا و آب از دیدهای مبارکش اللهم اجعلنی اخشاک

جاری بود پس آنحضرت فرمود بار خدایا بگردان مرا که بترسم ترا

كأني أراك وأسعدني بتقواك ولا تشقني بمعصيتك

پنداری می‌بینم ترا و نیکبخت کن مرا به پرهیزگاری از خود و بدبخت مکن مرا به نافرمانی‌ات

وخر لي في قضائك وبارك لي في قدرك حتى لا أحب

و اختیار کن مرا در قضای خود و برکت ده مرا در تقدیر خود تا آنکه دوست ندارم

تعجيل ما أخرت ولا تأخير ما عجلت اللهم اجعل

شتاب کردن آنچه را پس انداختی و نه باز پس انداختن آنچه را پیش انداختی خداوندا بگردان

غناي في نفسي واليقين في قلبي والإخلاص في عملي

بی‌نیازی مرا در نفس من و یقین در دل من و اخلاص را در عمل من

والنور في بصري والبصيرة في ديني ومتعني

و روشنایی را در چشم من و بینایی را در دین من و بهره‌ور کن مرا

بجوارحي واجعل سمعي وبصري الوارثين مني

به اعضای من و بگردان گوش مرا و چشم مرا میراث برندگان از من

وانصرني على من ظلمني وارزقني فيه مآربي وثاري

و یاری ده مرا بر کسی که ستم کند بر من و روزی کن مرا در او حاجت مرا و خون مرا

وأقر بذلك عيني اللهم اكشف كربتي واستر

و روشن کن به آن چشم مرا بار خدایا دور کن اندوه مرا و بپوشان

عورتي واغفر لي خطيئتي واخسأ شيطاني وفك

عورت مرا و بیامرز گناه مرا و دور کن شیطان مرا و باز پس ده

رهاني واجعل لي يا إلهي الدرجة العليا في الآخرة

گروهای مرا و بگردان برای من ای خدای من مرتبه بلندی در آخرت

وَالْاُوْلٰی اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ کَمَا خَلَقْتَنِیْ فَجَعَلْتَنِیْ سَمِیْعًا

و دنیا خداوندا از برای تو است سپاس چنانکه آفریدی مرا پس گردانیدی مرا شنوا

بَصِیْرًا وَلَکَ الْحَمْدُ کَمَا خَلَقْتَنِیْ فَجَعَلْتَنِیْ حَیًّا سَوِیًّا رَحْمَةً

بینا و مر تو راست سپاس چنانکه آفریدی مرا پس گردانیدی مرا زنده درست بخشایش

بِیْ وَکُنْتَ عَنْ خَلْقِیْ غَنِیًّا رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِیْ فَعَدَّلْتَ

بر من و بودی تو از آفریدن من بی نیاز پروردگارا بآنچه خلق کردی مرا پس درست کردی

فِطْرَتِیْ رَبِّ بِمَا اَنْشَاْتَنِیْ فَحَسَّنْتَ صُوْرَتِیْ یَا رَبِّ بِمَا

خلقت مرا پروردگارا بآنچه پیدا کردی مرا پس نیکو کردی صورت مرا ای پروردگار من بآنچه

اَحْسَنْتَ بِیْ وَفِیْ نَفْسِیْ عَافَیْتَنِیْ رَبِّ بِمَا اَوْلَیْتَنِیْ وَمِنْ

نیکوئی کردی بمن و در نفس من عافیت دادی مرا پروردگار من بآنچه عطا دادی بمن و از

کُلِّ خَیْرٍ اٰتَیْتَنِیْ وَاَعْطَیْتَنِیْ رَبِّ بِمَا اَطْعَمْتَنِیْ وَسَقَیْتَنِیْ

همه نیکوئی دادی مرا و بخشیدی مرا پروردگار من بآنچه طعام دادی مرا و آب دادی مرا

رَبِّ بِمَا اَغْنَیْتَنِیْ وَاَقْنَیْتَنِیْ رَبِّ بِمَا اَعَنْتَنِیْ وَاَعْزَزْتَنِیْ

ای پروردگار من بآنچه بی نیاز کردی مرا و سرمایه دادی مرا پروردگار من بآنچه یاری کردی مرا و عزیز گردانیدی مرا

رَبِّ بِمَا اَلْبَسْتَنِیْ مِنْ ذِکْرِکَ الصَّافِیْ وَیَسَّرْتَ لِیْ مِنْ

پروردگار من بآنچه پوشانیدی مرا از یاد تو که صاف است و آسان کردی از برای من

صُنْعِکَ الْکَافِیْ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَعِنِّیْ عَلٰی بَوَائِقِ

بخشش کفایت کننده رحمت کن بر محمد و آل محمد و یاری کن مرا بر بلاها

الدَّهْرِ وَصُرُوْفِ الْاَیَّامِ وَاللَّیَالِیْ وَنَجِّنِیْ مِنْ اَهْوَالِ

روزگار و گردشهای روزها و شبها و رهانی مرا از هولهای

الدنیا

الدُّنيا وَكُرُباتِ الآخِرَةِ اِكْفِني شَرَّ ما يَعْمَلُ الظّالِمُونَ

دنیا و اندوهای آخرت کفایت کن مرا بدی آنچه کنند ستمکاران

فِي الأَرْضِ اَللّٰهُمَّ ما اَخافُ فَاكْفِني وَما اَحْذَرُ

در زمین خداوندا آنچه می ترسم پس دفع کن از من و آنچه می پرهیزم

فَقِني وَفي نَفْسي وَديني فَاحْرُسْني وَفي سَفَري

پس نگاه دار مرا و در نفس من و دین من پس نگاه دار مرا و در سفر من

فَاحْفَظْني وَفي اَهْلي وَمالي وَوَلَدي فَاخْلُفْني

پس حفظ کن مرا و در اهل من و مال من و در فرزندان من پس خلیفه باش مرا

وَفيما رَزَقْتَني فَبارِكْ لي وَفي نَفْسي فَذَلِّلْني وَفي

و در آنچه روزی کردی مرا پس برکت ده مرا و در نفس من پس خوار کن مرا و در

اَعْيُنِ النّاسِ فَعَظِّمْني وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالاِنْسِ فَسَلِّمْني

دیده های آدمیان پس بزرگ کن مرا و از بدی جنیان و آدمیان پس سالم دار مرا

وَبِذُنُوبي فَلا تَفْضَحْني وَبِسَريرَتي فَلا تُخْزِني وَبِعَمَلي

و به گناهان من پس رسوا مکن مرا و به نهانهای من پس خوار مکن مرا و به کردار من

فَلا تَبْتَلِني وَنِعَمَكَ فَلا تَسْلُبْني وَاِلى غَيْرِكَ فَلا

پس مبتلا مکن مرا و نعمت خود را پس زایل مکن از من و بسوی غیر خود پس

تَكِلْني اِلٰهي اِلى مَنْ تَكِلُني اِلَى الْقَريبِ يَقْطَعُني اَمْ

وامگذار مرا ای خدای من بسوی که می گذاری مرا بسوی نزدیک که ببرد از من یا

اِلَى الْبَعيدِ يَتَجَهَّمُني اَمْ اِلَى الْمُسْتَضْعِفينَ لي وَ

بسوی دور که ترشرو شود مرا یا بسوی ضعیف شمارندگان من و حال اینکه

أَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكُ أَمْرِي أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي

تو پروردگاری و مالک کار منی شکایت می کنم بسوی تو غریبی را

وَبُعْدَ دَارِي وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَّكْتَهُ أَمْرِي اَللّٰهُمَّ

و دوری سرای من و خواری من بر آنکه گردانیدی او را مالک کار من خداوندا

فَلَا تُحْلِلْ بِي غَضَبَكَ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ

پس فرود میار بر من غضب خود پس اگر نباشی تو غضب کننده بر من

فَلَا أُبَالِي سِوَاكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي فَأَسْأَلُكَ

پس باک ندارم سوای تو را مگر آنکه عافیت تو فراخ ترست برای من پس میخواهم

بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمٰوَاتُ

بنور ذات تو که روشن است بجهة آن زمین و آسمانها

وَانْكَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ وَصَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ

و در آن گشته بان تاریکیها و درست شده بجهة آن کار پیشینیان

وَالْآخِرِينَ أَنْ لَا تُمِيتَنِي عَلَى غَضَبِكَ وَلَا تُنْزِلْ

و پسینیان که نمیرانی مرا بر غضب خود و فرود نیاوری

بِي سَخَطَكَ لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذٰلِكَ لَا

بر من غضب خود را برای تست عذر خواهی تا راضی شوی پیش از این نیست

إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ

خدایی مگر تو پروردگار شهر حرام و مشعر حرام و

الْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحْلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ

خانه کهنه که فرود آوردی در آن برکت و گردانیدی آن را برای مردمان

أمنا

اٰمِنَةً يٰا مَنْ عَفىٰ عَنِ الْعَظيمِ مِنَ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ

وبیم ای کسیکه در گذشت از بزرگ از گناهان به بردباری

يٰا مَنْ اَسْبَغَ النِّعْمَةَ بِفَضْلِهِ يٰا مَنْ اَعْطَى الْجَزيلَ

ای آنکه تمام کرد نعمت را به بخشش خود ای کسیکه بخشید بسیاری از کرم

بِكَرَمِهِ يٰا عُدَّتى فى شِدَّتى يٰا صٰاحِبى فى وَحْدَتى

بکرم خود ای زاد و سامان من در وقت سختی من ای صاحب من در تنهائی من

يٰا غِيٰاثى فى كُرْبَتى يٰا مُونِسى فى حُفْرَتى يٰا وَلِىَّ نِعْمَتى

ای فریادرس من در اندوه من ای انیس من در قبر من ای خداوند نعمت من

يٰا اِلٰهى وَاِلٰهَ اٰبٰائى اِبْرٰاهيمَ وَاِسْمٰعيلَ وَاِسْحٰقَ وَ

ای خدای من و خدای پدران من ابراهیم و اسمعیل و اسحق و

يَعْقُوبَ وَرَبَّ جَبْرَئيلَ وَميكٰائيلَ وَاِسْرٰافيلَ

یعقوب و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل

وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خٰاتَمِ النَّبِيّينَ وَاٰلِهِ الْمُنْتَجَبينَ وَمُنْزِلَ

و پروردگار محمد آخر پیغمبران و آل او که برگزیده شده و فرود آورنده

التَّوْرٰيةِ وَالْاِنْجيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقٰانِ وَمُنْزِلَ

توریة و انجیل و زبور و قرآن و فرود آورنده

كٓهٰيٰعٓصٓ وَطٰهٰ وَيٰسٓ وَالْقُرْاٰنِ الْحَكيمِ اَنْتَ كَهْفى

کهیعص و طه و یس و قرآن حکیم تو پناه منی

حينَ تُعْيينِى الْمَذٰاهِبُ فى سَعَتِهٰا وَتَضيقُ عَلَىَّ الْاَرْضُ

هنگامی که عاجز کنند مرا راهها در فراخی آن و تنگ شود بر من زمین

برحبها ولولا رحمتك لكنت من الهالكين و

باکشادگی آن واگر نبود رحمت تو هر آینه بودم من از جمله هلاک شوندگان و

انت مقيل عثرتي ولولا سترك اياي لكنت من

تو درگذرنده لغزشهای مرا و اگر نبود پوشانیدن تو مرا هر آینه بودم از

المفضوحين وانت مؤيدي بالنصر على الاعداء

رسوا آن و تو قوت دهنده مرا بیاری بر دشمنان

ولولا نصرك اياي لكنت من المغلوبين يا من خص

واگر نبود یاری تو مرا هر آینه بودم من از جمله غلبه کرده شده ای کسی که خاص کرد

نفسه بالسمو والرفعة فاولياؤه بعزه يعتزون

خود را به بلندی و رفعت پس دوستان او بارجمندی او ارجمند شوند

يا من جعلت له الملوك نير المذلة على اعناقهم

ای کسی که گردانیده اند مر او را پادشاهان بار خواری بر گردنهای ایشان

فهم من سطواته خائفون يعلم خائنة الاعين وما

پس ایشان از غضب او ترسنده می داند خیانت چشمها را و آنچه

تخفي الصدور وغيب ما تأتي به الازمان و

پنهان است در سینها و نهانی آنکه می آورد او را زمانها و

الدهور يا من لا يعلم كيف هو الا هو يا من لا يعلم

روزگارها ای کسی که نمی دانند چگونه است او مگر او ای کسی که نمی داند

ما يعلمه الا هو يا من كبس الارض على الماء وسد

چیزی را که میداند مگر او ای آنکه فشرده زمین را بر آب و بند کرده

الهواء

الهَوَآءَ بِالسَّمَآءِ يَا مَنْ لَهُ اَكْرَمُ الْاَسْمَآءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ

هوا را بآسمان ای آنکه مر او راست گرامی ترین نامها ای خداوند عزت

الَّذِی لَا يَنْقَطِعُ اَبَدًا يَا مُقَيِّضَ الرَّكْبِ لِيُوسُفَ

که بریده نمی‌شود هرگز ای گرداننده کاروان برای یوسف

فِی الْبَلَدِ الْقَفْرِ وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ

در شهر قفار و بیرون آورنده او از چاه و گردانیده بعد از

الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا يَا رَادَّ يُوسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ

بندگی پادشاه ای برگرداننده یوسف بر یعقوب

بَعْدَ اَنِ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ فَهُوَ كَظِيمٌ يَا كَاشِفَ

بعد از آنکه سفید شد دو چشم او پس او پر از غم بود ای برطرف کننده

الضُّرِّ وَالْبَلَآءِ عَنْ اَيُّوبَ يَا مُمْسِكَ يَدِ اِبْرٰهِيمَ

اندوه و بلا از ایوب ای نگاه دارنده دست ابراهیم

مِنَ الذَّبْحِ عَنِ ابْنِهِ بَعْدَ اَنْ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَنَآءِ عُمْرِهِ

از ذبح و بریدن گلوی پسر او بعد از آنکه سال او بزرگ شد و فانی شد عمر او

يَا مَنِ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيٰى وَلَمْ يَدَعْهُ

ای آنکه مستجاب کرد دعای زکریا را پس بخشید مر او را یحیی و وا نگذاشت او را

فَرْدًا وَحِيدًا يَا مَنْ اَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ

تنها و یگانه ای آنکه بیرون آورد یونس را از شکم ماهی

يَا مَنْ فَرَقَ الْبَحْرَ لِبَنِی اِسْرَآئِيلَ فَاَنْجَاهُمْ وَجَعَلَ

ای آنکه شکافت دریا را برای بنی اسرائیل پس رهانید ایشان را و گردانید

من المغرقين

فرعون وجنوده يا من ارسل الرياح مبشرات

فرعون و جنود او را غرق شده‌اند ای آنکه فرستاد بادها را مژده دهنده

بين يدى رحمته يا من لم يعجل على من عصاه

پیش از دوست رحمت خود ای آنکه شتاب نکرد بر آنکه نافرمانی کرد او را

من خلقه يا من استنقذ السحرة من بعد طول

از بندگان او ای آنکه نجات داد جادوگران را از بعد بسیاری

الجحود وقد غدوا فى نعمته يأكلون رزقه و

انکار و می گردند در نعمت او می خورند روزی او را و

يعبدون غيره وقد حادوه ونادوه وكذبوا

می پرستیدند غیر او را و دشمنی کردند او را و می خواندند او را و دروغ گفتند

رسله يا الله يا بدئ لابدأ لك يا دائما لانفاد

پیغمبران او را ای خدا ای پدید آورنده که نیست ابتدا برای تو ای همیشه که نیستی نیست

لك يا حى حين لاحى يا محيى الموتى يا من هو قائم

از برای تو ای زنده هنگامی که نبود زنده ای زنده کننده مردگان را ای آنکه ایستاده است

على كل نفس بما كسبت يا من قل له شكرى فلم

بر هر نفسی به آنچه کسب کرده است ای آنکه کم است برای او شکر من پس

يحرمنى وعظمت عنده خطيئتى فلم يفضحنى و

محروم نکرد مرا و بزرگ است نزد او گناهان من پس رسوا نکرد مرا و

رانى على المعاصى فلم يخذلنى يا من حفظنى فى

دید مرا بر گناهان پس خوار نکرد مرا ای آنکه حفظ کرد مرا در

صغرى

صَغَرِي يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي يَا مَنْ أَيَادِيهِ عِنْدِي
در خردی مرا ای آنکه روزی داد مرا در بزرگی ای آنکه نعمتهای او نزد من

لَا تُحْصَى يَا مَنْ نِعَمُهُ عِنْدِي لَا تُجَازَى يَا مَنْ عَارَضَنِي
بسیار است ای آنکه نعمتهای او نزد من شکر کرده نشود ای آنکه آمد مرا

بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ
بخیر و نیکوئی و آمدم نزد او به بدی و نافرمانی

يَا مَنْ هَدَانِي بِالْإِيمَانِ قَبْلَ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْامْتِنَانِ
ای آنکه راه نمود مرا به ایمان پیش از آنکه بشناسم شکر انعام را

يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي وَعُرْيَانًا فَكَسَانِي
ای آنکه خواندم او را در حالی که بیمار بودم پس شفا داد مرا و در حال برهنگی پس پوشانید مرا

وَجَائِعًا فَأَطْعَمَنِي وَعَطْشَانًا فَأَرْوَانِي وَذَلِيلًا
و در حال گرسنگی پس طعام داد مرا و تشنگی پس سیراب کرد مرا و در حال خواری

فَأَعَزَّنِي وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي وَغَائِبًا
پس عزیز کرد مرا و در حال نادانی پس شناسا کرد مرا و تنهائی پس بسیار کرد مرا و غایب بودن

فَرَدَّنِي وَمُقِلًّا فَأَغْنَانِي وَمُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي وَغَنِيًّا
پس برگردانید مرا و در حال تنگدستی پس توانگر کرد و در حال یاری خواستن پس یاری کرد مرا و در حال بی‌نیازی

فَلَمْ يَسْلُبْنِي وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي
پس سلب نکرد از من و باز ایستادم از همه اینها پس ابتدا کرد به بخشش مرا

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي وَنَفَّسَ كُرْبَتِي وَأَجَابَ
پس مر تراست حمد ای آنکه درگذشت از لغزش من و واکرد اندوه مرا و اجابت کرد

دَعْوَتِى وَاسْتُرْ عَوْرَتِى وَاغْفِرْ ذُنُوبِى وَبَلِّغْنِى طَلِبَتِى
دعوت مرا و بپوشان عورت مرا و بیامرز گناهان مرا و برسان مرا بحاجت من

وَنَصِّرْنِى عَلَى عَدُوِّى وَاِنْ اَعُدُّ نِعَمَكَ وَمِنَنَكَ
و یاری ده مرا بر دشمن من و اگر خواهم که بشمارم نعمتهای ترا و منت ترا

وَكَرائِمَ مِنَحِكَ لَا اُحْصِيهَا يَا مَوْلَاىَ اَنْتَ الَّذِى نَعَمْتَ
و گرامی بخششهای ترا نمی توانم شمرد ای آقای من تو آنکسی که انعام کردی

اَنْتَ الَّذِى اَحْسَنْتَ اَنْتَ الَّذِى اَجْمَلْتَ اَنْتَ الَّذِى
آنانکه نیکو کردی تو آنانکه نیکو کردی تو آنان

اَفْضَلْتَ اَنْتَ الَّذِى مَنَنْتَ اَنْتَ الَّذِى اَكْمَلْتَ اَنْتَ الَّذِى
که بخشش کردی تو آنانکه انعام کردی تو آنانکه کامل کردی تو آنان

رَزَقْتَ اَنْتَ الَّذِى وَفَّقْتَ اَنْتَ الَّذِى اَعْطَيْتَ اَنْتَ
روزی دادی تو آنانکه توفیق دادی تو آنانکه عطا کردی تو

الَّذِى اَغْنَيْتَ اَنْتَ الَّذِى اَقْنَيْتَ اَنْتَ الَّذِى وَهَبْتَ
آنانکه بی نیاز کردی تو آنانکه ثابت کردی تو آنانکه جا دادی

اَنْتَ الَّذِى كَفَيْتَ اَنْتَ الَّذِى هَدَيْتَ اَنْتَ الَّذِى عَصَمْتَ
تو آنانکه کفایت کردی تو آنانکه راه نمودی تو آنانکه نگاه داشتی

اَنْتَ الَّذِى سَتَرْتَ اَنْتَ الَّذِى غَفَرْتَ اَنْتَ الَّذِى اَقَلْتَ
تو آنانکه پوشیدی تو آنانکه آمرزیدی تو آنانکه درگذشتی تو

اَنْتَ الَّذِى مَكَّنْتَ اَنْتَ الَّذِى اَعَنْتَ اَنْتَ الَّذِى عَضَدْتَ
تو آنانکه توانائی دادی تو آنانکه یاری کردی تو آنانکه مدد کردی

اَنْتَ الَّذی اَیَّدْتَ اَنْتَ الَّذی نَصَرْتَ اَنْتَ الَّذی

شَفَیْتَ اَنْتَ الَّذی عافَیْتَ اَنْتَ الَّذی اَکْرَمْتَ اَنْتَ

تَبارَکْتَ رَبّی وَتَعالَیْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ دائِماً وَلَکَ

الشُّکْرُ واصِباً ثُمَّ اَنا یا اِلهی الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبی فَاغْفِرْها

لی اَنَا الَّذی اَسَأْتُ اَنَا الَّذی اَخْطَأْتُ اَنَا الَّذی

اَغْفَلْتُ اَنَا الَّذی جَهِلْتُ اَنَا الَّذی هَمَمْتُ اَنَا الَّذی

سَهَوْتُ اَنَا الَّذی اعْتَمَدْتُ اَنَا الَّذی تَعَمَّدْتُ اَنَا

الَّذی وَعَدْتُ اَنَا الَّذی اَخْلَفْتُ اَنَا الَّذی نَکَثْتُ

اَنَا الَّذی اَقْرَرْتُ اَنا یا اِلهی اَعْتَرِفُ بِنِعَمِکَ عِنْدی

وَاَبُوءُ بِذُنُوبی فَاغْفِرْها لی یا مَنْ لا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ

عِبادِهِ وَهُوَ الغَنِيُّ عَنْ طاعَتِهِمْ وَالمُوَفِّقُ مَنْ عَمِلَ

بندگان او و عمل اگر او بی‌نیاز است از طاعت ایشان و توفیق دادگی هر که عمل کرد

مِنْهُمْ صالِحًا بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ فَلَكَ الحَمْدُ اِلٰهِي اَمَرْتَنِي

از ایشان کار شایسته بمدد او و رحمت او پس مر تراست ستایش ای خدای امر کردی مرا

فَعَصَيْتُكَ وَنَهَيْتَنِي فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ فَاَصْبَحْتُ

پس نافرمانی کردم ترا و نهی کردی مرا پس مرتکب شدم نهی ترا پس صبح کردم

لا ذا بَراءَةٍ فَاَعْتَذِرُ وَلا ذا قُوَّةٍ فَاَنْتَصِرُ فَبِاَيِّ شَيْءٍ

نه خداوند برائت که عذر خواهی کنم و نه صاحب توانائی پس مقام انتقام کشم پس بکدام چیز

اَسْتَقْبِلُكَ يا مَوْلايَ اَبِسَمْعِي اَمْ بِبَصَرِي اَمْ بِلِسانِي

پیش آیم ترا ای خداوند من آیا بگوش من یا بچشم من یا بزبان من

اَمْ بِيَدِي اَمْ بِرِجْلِي اَلَيْسَ كُلُّها نِعَمَكَ عِنْدِي وَبِكُلِّها

یا بدست من یا بپای من آیا نیست همه آن نعمت تو نزد من و بهمه اینها

عَصَيْتُكَ يا مَوْلايَ فَلَكَ الحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ يا مَنْ

نافرمانی کردم ترا ای آقای من پس مر تراست حجت و راه بر من ای آنکه

سَتَرَنِي مِنَ الآباءِ وَالاُمَّهاتِ اَنْ يَزْجُرُونِي وَمِنَ

پوشید بنده را از پدران و مادران اینکه منع کنند مرا و از

العَشائِرِ وَالاِخْوانِ اَنْ يُعَيِّرُونِي وَمِنَ السَّلاطِينِ

خویشان و برادران اینکه سرزنش کنند مرا و از پادشاهان

اَنْ يُعاقِبُونِي وَلَوِ اطَّلَعُوا يا مَوْلايَ عَلىٰ مَا اطَّلَعْتَ

اینکه عقاب کنند مرا و اگر مطلع شوند ای آقای من بر آنچه مطلع شده‌ای بر آن

علیه

عَلَيْهِ مِنِّي اِذاً مَا اَنْظَرُونِي وَلَرَفَضُونِي وَقَطَعُونِي

بر او لهذا در آنوقت مهلت نمی دادند مرا و ترک می کردند مرا و می بریدند مرا

فَهَا اَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعاً ذَلِيلاً

پس اینک من در پیش توام ای آقای من فروتنی کننده خوار

حَصِيراً حَقِيراً لاَ ذُو بَرَاءَةٍ فَاَعْتَذِرَ وَلاَ ذُو قُوَّةٍ

بیمقدار حقیر نه صاحب بیزاری که پس عذر آورم و نه صاحب توانائی

فَاَنْتَصِرَ وَلاَ حُجَّةَ لِي فَاَحْتَجَّ بِهَا وَلاَ قَائِلٌ لَمْ اَجْتَرِحْ

پس انتقام کشم و نیست حجتی برای من که پس حجت آورم بآن و نه گوینده ام که گناه نکرده ام

وَلَمْ اَعْمَلْ سُوءاً وَمَا عَسَى الْجُحُودُ لَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلاَيَ

و نه کردم بدی و چه سود دهد انکار کردن که اگر انکار کنم ای آقای من

يَنْفَعُنِي فَكَيْفَ وَاَنَّى ذَلِكَ وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ

نفع بخشد مرا پس چگونه و کجاست نفع آن و اعضای من همه آن گواهند

عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ وَعَلِمْتُ يَقِيناً غَيْرَ ذِي شَكٍّ اَنَّكَ

بر من بآنچه کرده ام و میدانم من بیقین بدون شک آنکه تو

سَائِلِي عَنْ عَظَائِمِ الاُمُورِ وَاَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي

سؤال کننده ای مرا از کارهای بزرگ و بدرستی که تو داور عادلی هستی که

لاَ يَجُورُ وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي

ستم نکند و عدالت تو هلاک کننده من است و از همه عدالت تو گریزگاه من

فَاِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي يَا اِلَهِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ وَ

پس اگر عذاب کنی مرا پس بگناهان من ای خدای من بعد از حجت تو بر من و

إن تعف عني فبحلمك وجودك وكرمك لا إله

اگر عفو کنی از من پس بر بردباری تو و بخشش تو و کرم تو نیست خدائی

إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين لا إله إلا

مگر تو پاکا که تو بدرستی که بودم من از ستمکاران نیست خدائی مگر

أنت سبحانك إني كنت من المستغفرين لا إله إلا

تو پاکا که تو بدرستی که بودم من از آمرزش خواهندگان نیست خدائی مگر

أنت سبحانك إني كنت من الموحدين لا إله إلا أنت

تو پاکا که تو بدرستی که بودم من از یگانه دانندگان نیست خدائی مگر تو

سبحانك إني كنت من الخائفين لا إله إلا أنت سبحانك

پاکا که تو بدرستی که بودم من از ترسندگان نیست خدائی مگر تو پاکا که تو

إني كنت من الوجلين لا إله إلا أنت سبحانك إني

بدرستی که بودم من از بیمناکان نیست خدائی مگر تو پاکا که تو بدرستی که

كنت من السائلين لا إله إلا أنت سبحانك إني

بودم من از سؤال کنندگان نیست خدائی مگر تو پاکا که تو بدرستی که

كنت من الراجين الراغبين لا إله إلا أنت سبحانك

بودم من از امیدواران خواهشمندان نیست خدائی مگر تو پاکا که تو

إني كنت من المهللين المسبحين لا إله إلا أنت ربي

بدرستی که بودم من از تهلیل کنندگان تسبیح کنندگان نیست خدائی مگر تو پروردگار من

ورب آبائي الأولين اللهم هذا ثنائي عليك ممجدا

و پروردگار پدران من پیشینیان خداوندا این است ستایش من بر تو تعظیم کننده

وَإِخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مُوَحِّدًا وَإِقْرَارِي بِآلَائِكَ مُعَدِّدًا

[illegible]

وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَا أُحْصِيهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوغِهَا

[illegible]

وَتَظَاهُرِهَا وَتَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثٍ مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي

[illegible]

بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ

[illegible]

الْإِغْنَاءِ بَعْدَ الْفَقْرِ وَكَشْفِ الضُّرِّ وَتَسْبِيبِ الْيُسْرِ

[illegible]

وَدَفْعِ الْعُسْرِ وَتَفْرِيجِ الْكَرْبِ وَالْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ

[illegible]

وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ

[illegible]

نِعَمِكَ عَلَى جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

[illegible]

لَمَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ تَقَدَّسْتَ وَتَعَالَيْتَ

[illegible]

مِنْ رَبٍّ عَظِيمٍ كَرِيمٍ رَحِيمٍ لَا تُحْصَى آلَاؤُكَ وَلَا

[illegible]

يَبْلُغُ ثَنَاؤُكَ وَلَا تُكَافِي نَعْمَاؤُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

نمی‌رسد به ستایش تو و شمرده نشود نعمتهای تو درود فرست بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ وَاَتْمِمْ عَلَيْنَا نِعَمَكَ وَاَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ

آل محمد و تمام کن بر ما نعمتهای خود را و نیک‌بخت گردان ما را بطاعت خود

وَسُبْحَانَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تُجِيبُ

و پاکا تو نیست خدایی مگر تو خداوندا بدرستی که تو اجابت میکنی دعای

الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاكَ وَتَكْشِفُ السُّوءَ وَتُغِيثُ الْمَكْرُوبَ

درماندگان را هرگاه بخواند ترا و دور میکنی بدی را و فریاد میرسی غمناک را

وَتَشْفِي السَّقِيمَ وَتُغْنِي الْفَقِيرَ وَتَجْبُرُ الْكَسِيرَ وَتَرْحَمُ

و شفا میدهی بیمار را و بی‌نیاز میگردانی فقیر را و درست میکنی شکسته را و رحم میکنی

الصَّغِيرَ وَتُعِينُ الْكَبِيرَ وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ وَلَا

کوچک را و اعانت میکنی بزرگ را و نیست غیر تو یاوری و نه

فَوْقَكَ قَدِيرٌ وَاَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ يَا مُطْلِقَ الْمُكَبَّلِ

بالای تو توانایی و تو بلند قدر بزرگ مرتبه ای رهاکننده بند کرده

الْاَسِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ

اسیر ای روزی دهنده کودک خورد ای نگاه دارنده ترسنده

الْمُسْتَجِيرِ يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

زنهار جوینده ای آنکه نیست شریکی او را و نه وزیری درود فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعْطِنِي فِي هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ اَفْضَلَ مَا اَعْطَيْتَ

و آل محمد و عطا کن مرا در این شب بهتر از آنچه بخشیدی

وانلت

وَاَنَلْتَ اَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُوَلِّيهَا وَاٰلاءٍ

ورسانیدی تو هیچ بنده از بندگان خود را از نعمتی که انعام کردی او را و نعمتها

تُجَدِّدُهَا وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا وَكُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا وَدَعْوَةٍ

که تازه می کنی او را و بلاها که بگردانی او را و اندوهی که زایل کنی او را و دعا

تَسْمَعُهَا وَحَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُهَا وَسَيِّئَةٍ تَغْفِرُهَا

که بشنوی او را و نیکی که بپذیری او را و گناهی که بیامرزی

اِنَّكَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ وَعَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ

بدرستی که تو لطف کننده آگاهی و بر هر چیز توانایی خداوندا بدرستی که تو

اَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ وَاَسْرَعُ مَنْ اَجَابَ وَاَكْرَمُ مَنْ عَفٰى

نزدیکتر کسی که خوانده شود و شتابنده تری از هر که اجابت کرده و کریمتری از آنکه عفو کرده

وَاَوْسَعُ مَنْ اَعْطٰى وَاَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ يَا رَحْمٰنَ الدُّنْيَا

و فراخ بخشنده تری از آنکه بخشیده و شنواتری از هر که سوال کرده شده ای بخشاینده دنیا

وَالْاٰخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ وَلَا

و آخرت و مهربان هر دو جهان نیست مثل تو سوال کرده شده و نیست

سِوَاكَ مَأْمُولٌ دَعَوْتُكَ فَاَجَبْتَنِي وَسَاَلْتُكَ فَاَعْطَيْتَنِي

غیر تو امید داشته شده خواندم ترا پس اجابت کردی مرا و سوال کردم ترا پس عطا کردی

وَرَغِبْتُ اِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي وَوَثِقْتُ بِكَ فَنَجَّيْتَنِي وَ

و خواهش کردم بسوی تو پس رحم کردی مرا و اعتماد کردم بتو پس نجات دادی مرا و

فَزِعْتُ اِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

پناه آوردم بسوی تو پس کفایت کردی مرا خداوندا درود فرست بر محمد

عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَعَلَىٰ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّا

كه بنده تو و فرستاده تو و پیغمبر تست و بر آل او که پاکان و پاکیزگانند

هِرِينَ أَجْمَعِينَ وَتَمِّمْ لَنَا نَعْمَاءَكَ وَهَنِّئْنَا عَطَاءَكَ

همه اند و تمام کن برای ما نعمتهای خود را و گوارا کن عطای خود را

وَاجْعَلْنَا لَكَ شَاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ ذَاكِرِينَ آمِينَ

و بگردان ما را از برای خود شکر کنندگان و برای نعمتهای خود یاد کنندگان اجابت کن ای

آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ وَ

اجابت کن ای پروردگار عالمها خداوندا ای آنکه مالک هر چیز است پس توانا است

فَقَهَرَ وَعُصِيَ فَسَتَرَ وَاسْتُغْفِرَ فَغَفَرَ يَا غَايَةَ الرَّاغِبِينَ

و غالب گردید و عاصی شده پس پوشید و طلب آمرزش کرده پس آمرزید ای منتهای خواهش

وَمُنْتَهَىٰ أَمَلِ الرَّاجِينَ يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

و منتهای امید امیدواران ای آنکه فرو گرفته بهر چیزی دانش او

وَوَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَحْمَةً وَرَأْفَةً وَحِلْمًا اللَّهُمَّ

و وسعت داده بمستقیلان رحمت و مهربانی و بردباری خداوندا

إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَّفْتَهَا وَ

بدرستی که ما متوجه شده ایم بسوی تو در این شب چنانکه گرامی داشتی آنرا و بزرگ

عَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

داشتی آنرا بمحمد پیغمبر تو و رسول تو و برگزیده تو از میان خلق تو

وَأَمِينِكَ عَلَىٰ وَحْيِكَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى الْبَشِيرِ النَّذِيرِ

و امین تو بر وحی تو خداوندا پس درود فرست بر بشارت دهنده و بیم کننده

السراج

السِّرَاجِ الْمُنِيرِ الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَ
چراغ روشن چنانکه انعام فرمودی آن بر مسلمانان و
جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
گردانیدی او را رحمت برای جهانیان خداوندا پس درود فرست بر محمد و
آلِهِ كَمَا مُحَمَّدٌ هُوَ أَهْلُ ذَلِكَ يَا عَظِيمُ صَلِّ عَلَيْهِ وَ
آل او چنانکه محمد سزاوار اوست ای بزرگ درود فرست بر او و
عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ
بر آل محمد که برگزیدگان پاکان پاکیزگانند همه
وَتَغَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا فَإِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ
و زود ببر ما را به گذشتن از ما پس بسوی تو بلند شده صداها
بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ وَاجْعَلْ لَنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيباً
بانواع لغتها و بگردان از برای ما در این شب بهره
فِي كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ وَرَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا
در هر نیکی که قسمت کرده او را و نوری که راه نمایی بآن و رحمتی که پهن کرده او را
وَعَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا وَبَرَكَةٍ تُنْزِلُهَا وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ
و عافیتی که پوشانیده او را و برکتی که فرود آورده او را و روزی که پهن کرده او را
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ أَقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا برگردان ما را در این وقت ظفر یافتگان
مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ
رستگاران نیکوکاران بهره برندگان و مگردان ما را از ناامیدان

وَلَا تُخَيِّبْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ

و ما را نومید مگردان از رحمت خود و محروم مگردان از آنچه امید داریم از فضل تو

وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ وَلَا

و بر مگردان ما را بی‌بهره حالی و نه از درگاه خود رانده شدگان و نه

تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ وَلَا لِفَضْلِ مَا نُؤَمِّلُهُ

گردان ما را از رحمت خود محروم شدگان و نه از برای زیادتی آنچه امید داریم از

مِنْ عَطَايَاكَ قَانِطِينَ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ وَيَا أَكْرَمَ

از عطاهای خود ناامیدان ای بخشنده‌ترین بخشندگان و ای بزرگوارترین

الْأَكْرَمِينَ إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ

بزرگواران بسوی تو رو آورده‌ایم ما گروندگان و در حالتی که خانهٔ محترم ترا

آمِّينَ قَاصِدِينَ فَأَعِنَّا عَلَى مَنَاسِكِنَا وَأَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا

قصدکنندگان پس اعانت کن ما را بر عبادات ما و تمام کن از برای ما حج ما را

وَاعْفُ عَنَّا اللَّهُمَّ وَعَافِنَا فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ

و در گذر از ما خداوندا و عافیت ده ما را پس کشیده‌ایم ما بسوی تو

أَيْدِيَنَا فَهِيَ بِذِلَّةِ الْاِعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ اللَّهُمَّ

دستهای خود را و این به خواری اعتراف بگناهان علامت کرده شدگان خداوندا

فَأَعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ وَاكْفِنَا

پس ببخش ما را در این شب آنچه ما از تو سؤال کردیم و کفایت کن ما را

مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ وَلَا رَبَّ لَنَا

آنچه طلب کفایت کردیم پس نیست کفایت کننده ما را بجز تو و نه پروردگاری برای ما

غَيْرُكَ نافِذٌ فينا حُكْمُكَ مُحيطٌ بِنا عِلْمُكَ عَدْلٌ

غیر تو جاریست در ما حکم تو فرو گرفته است ما را دانش تو عدالت تو

فينا قَضاؤُكَ اِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ وَاجْعَلْنا مِنْ اَهْلِ

در ما حکم تو حکم کن برای ما نیکی را و بگردان ما را از اهل

الْخَيْرِ اَللّٰهُمَّ اَوْجِبْ لَنا بِجُودِكَ عَظيمَ الْاَجْرِ

نیکی خداوندا واجب گردان برای ما بخشش خود بزرگ مزد

وَكَريمَ الذُّخْرِ وَدَوامَ الْيُسْرِ وَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا

و ذخیره گرامی و دوام توانگری و بیامرز برای ما گناهان ما را

اَجْمَعينَ وَلا تُهْلِكْنا مَعَ الْهالِكينَ وَلا تَصْرِفْ

همه و هلاک مکن ما را با هلاک شدگان و مگردان

عَنّا رَأْفَتَكَ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ اَللّٰهُمَّ

از ما مهربانی خود برحمت خود ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان خداوندا

اجْعَلْنا في هٰذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَاَعْطَيْتَهُ وَ

بگردان ما را در این وقت از آنان که سؤال کردند تو پس عطا کردی او را و

شَكَرَكَ فَزِدْتَهُ وَتابَ اِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ وَتَنَصَّلَ

سپاس گذاری کرد او را پس زیاد کردی بر او و رجوع کرد بسوی تو پس قبول کردی او را و بیزاری جست

اِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّها فَغَفَرْتَها لَهُ يا ذَا الْجَلالِ وَ

بسوی تو از گناهان خود همه پس آمرزیدی آنها را برای او ای صاحب جلالت و

الْاِكْرامِ اَللّٰهُمَّ وَفِّقْنا وَسَدِّدْنا وَاعْصِمْنا وَ

بزرگواری خداوندا توفیق ده ما را و درست کن ما را و نگاه دار ما را و

اَقْبَلْ تَضَرُّعَنَا يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ

بپذیر زاری ما را ای بهتر سؤال کرده شده گان وای رحیم ترکسی که بخشایش خواسته شود

يَا مَنْ لَا يَخْفٰى عَلَيْهِ اِغْمَاضُ الْجُفُونِ وَلَا لَحْظُ الْعُيُونِ

ای کسی که پوشیده نیست بر او بهم آوردن پلکها و نه نگریستن گوشه چشمها

وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُونِ وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ

و نه آنچه قرار گرفته در امور پوشیده و نه آنچه پیچیده شده بر او

مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ اَلَا كُلُّ ذٰلِكَ قَدْ اَحْصَاهُ عِلْمُكَ

پنهانهای دلها مگر همه اینها شمرده است او را دانش تو

وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ

و گنجیده در او بردباری تو پاکی تو و برتری تو از آنچه میگویند ستمکاران

عُلُوًّا كَبِيرًا تُسَبِّحُ لَكَ السَّمٰوَاتُ السَّبْعُ وَالْاَرْضُ

برتری بسیار بزرگ تسبیح میکنند ترا آسمانها هفت گانه و زمین

وَمَنْ فِيهِنَّ وَاِنْ مِنْ شَيْءٍ اِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ فَلَكَ

و آنچه در آنهاست و نیست هیچ چیز مگر آنکه تسبیح میکند بستایش تو پس مر تراست

الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

سپاس و بزرگی و بلندی مرتبه ای صاحب جلالت و بزرگواری

وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعَامِ وَالْاَيَادِي الْجِسَامِ وَاَنْتَ

و بخشش و انعام و نعمتهای بزرگ و توئی

الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُفُ الرَّحِيمُ اَللّٰهُمَّ اَوْسِعْ عَلَيَّ

بخشنده بزرگوار مهربان بخشاینده خداوندا وسعت ده بر من

من

مِنْ رِزْقِكَ وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي وَآمِنْ خَوْفِي وَ
از روزی تو و عافیت ده مرا در بدن من و دین من و ایمنی بخش ترس مرا و
أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا
آزاد کن گردن مرا از آتش خداوندا مکر مکن با من و نه
تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْذُلْنِي وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ
رتبه رتبه را عذاب مکن و مگردان مرا خوار و دور کن از من بدی بدکاران از
الْجِنِّ وَالْإِنْسِ پس سر خود را بسوی آسمان بلند
دیوان و آدمیان را کرد و از دیده‌های مبارکش آب میریخت
مانند مشک و بصدای بلند گفت یَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ
ای شنونده‌ترین شنوندگان
وَيَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ
وای بیناترین بینندگان وای زودترین شمارندگان
وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ
وای رحیم‌ترین رحم کنندگان درود فرست بر محمد و آل محمد بزرگان
الْمَيَامِينِ وَأَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ
با برکت و سؤال می‌کنم ترا خداوندا حاجت مرا آن حاجت که اگر
أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا
عطا کنی آن را ضرر نرساند مرا آنچه منع کنی مرا و اگر منع کنی مرا
لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي أَسْئَلُكَ فَكَاكَ رَقَبَتِي
نفع نبخشد مرا آنچه ببخشی مرا سؤال میکنم ترا آزاد کردن گردن
مِنَ النَّارِ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ
از آتش نیست خدایی مگر تو یگانه نیست شریکی مر ترا مر ترا

الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ

پادشاهی و مر تراست سپاس و تو بر همه چیز توانائی ای پروردگار

یَا رَبِّ یَا رَبِّ پس مکرر میگفت یارب و صداها

ای پروردگار ای پروردگار

بگریه بلند شد و بار کردند و روانه
جانب مشعر الحرام شدند و سید بن طاوس رضی الله
عنه بسند معتبر روایت کرده است از حضرت امام
جعفر صادق ع که در روز عرفه چون زوال شمس
بشود نماز ظهر و عصر را بکن پس برو بمحل وقوف
و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه
سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه
قل هو الله احد و صد مرتبه انا انزلناه بخوان و بعد از آن
پس این دعا را بخوان لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ لَا اِلٰهَ
بخضوع تمام

نیست خدائی مگر خدای بردبار بزرگوار نیست خدائی

اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ

مگر خدای بلند مرتبه بزرگ پاکست خدا پروردگار آسمانها

وَرَبِّ الْاَرَضِینَ وَمَا فِیهِنَّ وَمَا بَیْنَهُنَّ وَرَبِّ

و پروردگار زمینها و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اَللّٰهُمَّ

عرش بزرگ و سپاس مر خدا راست پروردگار عالمیان خداوندا

اِیَّاکَ اَعْبُدُ وَاِیَّاکَ اَسْتَعِینُ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اُرِیدُ

ترا می پرستم و از تو طلب یاری می جویم خداوندا بدرستی که من میخواهم

ان

اَنْ اُثْنِیَ عَلَیْكَ وَمَا عَسٰی اَنْ اَبْلُغَ مِنْ مَدْحِكَ
اینکه ستایش کنم ترا و نیست مرا که برسم بکنه ستایش تو
مَعَ قِلَّةِ عَمَلِی وَقِصَرِ رَأْیِی وَاَنْتَ الْخَالِقُ وَاَنَا الْمَخْلُوقُ
با کمی کردار من و کوتاهی عقل من و تویی آفریننده و منم آفریده شده
وَاَنْتَ الْمَالِكُ وَاَنَا الْمَمْلُوكُ وَاَنْتَ الرَّبُّ وَاَنَا
و تویی پادشاه و صاحب و منم بنده و تویی پروردگار و منم
الْعَبْدُ وَاَنْتَ الْعَزِیزُ وَاَنَا الذَّلِیلُ وَاَنْتَ الْقَوِیُّ
بنده و تویی عزیز و منم خوار و تویی توانا
وَاَنَا الضَّعِیفُ وَاَنْتَ الْغَنِیُّ وَاَنَا الْفَقِیرُ وَاَنْتَ
و منم ناتوان و تویی بی نیاز و منم محتاج و تویی
الْمُعْطِی وَاَنَا السَّائِلُ وَاَنْتَ الْغَفُورُ وَاَنَا الْخَاطِئُ
بخشنده و منم سوال کننده و تویی آمرزنده و منم گناهکار
وَاَنْتَ الْحَیُّ الَّذِی لَا یَمُوتُ وَاَنَا خَلْقٌ اَمُوتُ اَللّٰهُمَّ
و تویی زنده که نمیمیری و منم بنده که میمیرم خداوندا
اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِینَ وَاَنْتَ اللّٰهُ
تویی خدایی که نیست خدایی مگر تو پروردگار جهانیان و تویی خدای
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا
نیست خدایی مگر تو غالب درست کردار و تویی خدایی که نیست خدایی مگر
اَنْتَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْغَفُورُ
تو برتر بزرگ و تویی خدایی که نیست خدایی مگر تو آمرزنده

الرَّحيمُ وَاَنْتَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ مالِكُ يَوْمِ الدِّ

مهربان و تو ای خدای که نیست خدا مگر تو پادشاه روز جزا

وَاَنْتَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ مِنْكَ بَدْؤُ الْخَلْقِ وَ

و تو ای خدای نیست خدای مگر تو از توست اول آفرینش و

اِلَيْكَ يَعُودُ وَاَنْتَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ لَمْ تَزَلْ

بسوی توست بازگشت و تو ای خدا نیست خدا مگر تو که همیشه بودی

وَلا تَزالُ وَاَنْتَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ خالِقُ الْجَنَّةِ

و خواهی بود و تو ای خدا نیست خدای مگر تو آفریننده بهشت

وَالنّارِ وَاَنْتَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ خالِقُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ

و دوزخ و تو ای خدای که نیست خدا مگر تو آفریننده نیکی و بدی

وَاَنْتَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْواحِدُ الْاَحَدُ الْفَرْدُ

و تو ای خدا نیست خدای مگر تو یکی و یگانه و تنها

الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ

و بی‌نیاز نزاید و زاده نشد و نیست او را همتایی هیچ کس

وَاَنْتَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ

و تو ای خدا نیست خدا مگر تو دانای پنهان و آشکارا

الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ وَاَنْتَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْمَلِكُ

بخشنده مهربان و تو ای خدای نیست خدای مگر تو پادشاه

الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزيزُ الْجَبّارُ

پاک از عیبها سلامتی بخش امان دهنده نگهبان ارجمند زورآور

المتكبر

الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ وَأَنْتَ اللّٰهُ لَا

بزرگ پاک است خدا از آنکه شریک می‌آورند و تویی خدا که نیست

إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ

خدایی مگر تو آفریننده پروردگار نگارنده مر او راست نامهای

الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَكَ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ

نیکو تسبیح می‌کند مر ترا آنچه در آسمانها و زمین است و تویی

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ

غالب درست کردار و تویی خدای که نیست خدایی مگر تو که بزرگ

الْمُتَعَالِ وَالْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُكَ اللّٰهُمَّ إِنَّكَ سَابِغُ

و برتری و بزرگواری جامه تو است بار خدایا بدرستیکه تویی صاحب

النَّعْمَاءِ حَسَنُ الْبَلَاءِ جَزِيلُ الْعَطَاءِ مُسْقِطُ

نعمتها خوب [illegible] بسیار بخشش بگرداننده

الْقَضَاءِ بَاسِطُ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ نَفَّاعٌ بِالْخَيْرَاتِ

حکم گشاده دستها به رحمت بخشنده نیکیها

كَاشِفُ الْكُرُبَاتِ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ مُنَزِّلُ الْآيَاتِ

برطرف کننده اندوه بلند کننده درجها فرستنده آیات

مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمٰوَاتٍ عَظِيمُ الْبَرَكَاتِ مُخْرِجُ مَنْ فِي

از بالای هفت آسمان بزرگ برکت بیرون آورنده

الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ مُبَدِّلُ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ

تاریکیها بسوی روشنیها بدل کننده گناهان را بنیکیها

وجاعل الحسنات درجات اللهم انك دنوت في
وگرداننده نیکیها را بمرتبها خداوندا بدرستیکه تو نزدیکی در
علوك وعلوت في دنوك فدنوت فليس دونك
بلندی خود و بلندی در نزدیکی پس نزدیکی که نیست فرود از تو
شيء وارتفعت فليس فوقك شيء ترى ولا ترى
چیزی و بلند شدی پس نیست بالاتر از تو چیزی می‌بینی و دیده نمی‌شوی
وانت بالمنظر الاعلى فالق الحب والنوى لك
و تو در دیدهای بلند شکافنده دانه و هسته‌ها از برای تست
ما في السموات العلى ولك الكبرياء في الآخرة
آنچه در آسمانهای بلند است و مر تراست بزرگی در آخرت
والاولى اللهم انك غافر الذنب شديد العقاب
و در دنیا خداوندا بدرستیکه تو آمرزنده گناهی سخت است عذاب تو
ذو الطول لا اله الا هو انت اليك المصير وسعت
خداوند احسان نیست معبودی مگر تو بسوی تست بازگشت فرا گرفت
رحمتك كل شيء وبلغت حجتك ولا معقب لحكمك
رحمت تو هر چیزی را و رسید حجت تو و نیست بازپس دارنده حکم ترا
وانت لا تخيب سائلك انت الذي لا رافع لما
و تو نا امید نمی‌کنی سوال کننده ترا تویی آنکه نیست بلند کننده مر آنچه را
وضعت ولا واضع لما رفعت انت الذي اثبت
پست کردی تو و نیست پست کننده مر آنچه را که بلند کردی تویی آنکه ثابت کردی

كل شيء بحكمتك ولا يفوتك شيء بعلمك ولا يمتنع

هر چیزی بحکمت تو و فوت نمی شود ترا چیزی بدانائی تو و دور نمیشود

عنك شيء انت الذي لا يعجزك هارب ولا يرتفع

از تو چیزی تو آنکه عاجز نمی کند ترا گریزنده و بر نمی شود

صريعك ولا يحيى قتيلك انت علوت فقهرت

انداخته تو و زنده نمی شود کشته شده تو بلندی پس غلبه کردی تو

وملكت فقدرت وبطنت فخبرت وعلى كل شيء

و مالک شدی پس توانائی و دانای باطن پس آگاهی در هر چیزی

ظهرت علمت خائنة الاعين وما تخفي الصدور

غلبه کردی دانستی خیانت چشمها را و آنکه پنهانست در سینه ها

وتعلم ما تحمل كل انثى وما تضع وما تغيض الارحام

و میدانی آنکه را که بر میدارد هر زن و آنکه میگذارد و آنکه کم می کند رحمها

وما تزداد وكل شيء عندك بمقدار انت الذي

و آنکه زیاد شود و هر چیزی نزد تو باندازه است تو آنکه

لا تنسى من ذكرك ولا تضيع ودايع من توكل

فراموش نمی کنی آنرا که یاد کرد ترا و ضایع نمی کنی امانتهای کسی را که توکل کرد

عليك انت الذي لا يشغلك ما في جو ارضك

بر تو تو آنکه باز نمیدارد ترا آنچه در فضای زمین تو است

عما في جو سمواتك ولا تشغلك ما في جو سمواتك

از آنچه در فضای آسمان تو و باز نمی دارد ترا آنچه در فضای آسمان تو است

عمّا في جوّ ارضك انت الذي تعززت في ملكك
از آنچه در هوای زمین تست تو ای آنکه ارجمند یافتی در پادشاهی خود
ولم يشركك احد في جبروتك انت الذي علا
و شریک نساخت ترا هیچ کسی در بزرگی تو تو ای آنکه بالاست
كل شيء ملكك وملك كل شيء امرك انت الذي
هر چیزی را پادشاهی تو و مالک شد هر چیزی را فرمان تو تو ای
ملكت الملوك بقدرتك واستعبدت الارباب
مالک شدی پادشاهان را بتوانائی خود و طلب بندگی کرده بزرگان را
بعزتك وانت الذي قهرت كل شيء بقوتك و
بعزت خود و تو ای آنکه غلبه کرده هر چیزی را بتوانائی خود و
علوت كل شيء بفضلك انت الذي لا يستطاع
بلند کردی هر چیزی را بفضل خود تو ای آنکه استطاعت ندارد
كنه وصفك ولا منتهى لما عندك انت الذي
کنه وصف ترا و نیست منتها مر آنکه را نزد خود تو ای
لا يصف الواصفون عظمتك ولا يستطيع المزايلون
که وصف نمی کنند وصف کنندگان بزرگی ترا و توانا نیستند زایل کنندگان
تحويلك انت شفاء لما في الصدور وهدى ورحمة
گردانیدن ترا تو ای شفا دهنده آنچه در سینهاست و هدایت کننده و رحمت کننده
للمؤمنين انت الذي لا يحصيك سائل ولا ينقصك
مر مومنان را تو ای آنکه باز نمی شمارد ترا سوال کننده و نمی کند مال ترا

ما له ولا

وَلَا يَبْلُغُ مَدْحَكَ مَادِحٌ وَلَا قَائِلٌ اَنْتَ الْكَائِنُ
نمی رسد ستایش ترا هیچ ستاینده و نه گوینده تو بودی

قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْمُكَوِّنُ لِكُلِّ شَيْءٍ وَالْكَائِنُ بَعْدَ كُلِّ
پیشتر از هر چیزی و آفریننده هر چیزی را و موجودی بعد از همه

شَيْءٍ اَنْتَ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ
چیزی تویی یکتای بی نیاز که نمی زاید و زائیده نشوی

وَلَمْ تَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ وَلَمْ تَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا
و نمی باشد مر او را مانندی هیچ کسی و نگرفته هیچ زنی و نه

وَلَدًا السَّمَوَاتُ وَمَنْ فِيهِنَّ لَكَ وَالْاَرَضُونَ وَمَنْ
فرزندی آسمانها و آنکه در اوست از برای توست و زمینها از برای توست و آنچه

فِيهِنَّ لَكَ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَ الثَّرَى اَحْصَيْتَ
در اوست از برای توست و آنکه در میان آنهاست و آنکه زیر خاک است شمرده ای

كُلَّ شَيْءٍ وَاَحَطْتَ بِهِ عِلْمًا وَاَنْتَ تَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا
هر چیزی را و فرا گرفته ای اندر دانائی و تو زیاده می کنی در آفریدن هر چه

تَشَاءُ وَاَنْتَ لَا تُسْئَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَهُمْ يُسْئَلُونَ
خواهی و تو پرسیده نمی شوی از آنچه می کنی و ایشان سؤال کرده می شوند

وَاَنْتَ الْفَعَّالُ لِمَا تُرِيدُ وَاَنْتَ الْقَرِيبُ وَاَنْتَ
و تویی کننده مر آنچه می خواهی و تویی نزدیک و تویی

الْبَعِيدُ وَاَنْتَ السَّمِيعُ وَاَنْتَ الْبَصِيرُ وَاَنْتَ الْمَاجِدُ
دور و تویی شنوا و تویی بینا و تویی بزرگوار

وَاَنْتَ الْوَاجِدُ وَاَنْتَ الْعَلِيمُ وَاَنْتَ الْحَكِيمُ وَاَنْتَ
و تو یابنده و تو دانا و تو درست کردار و تو
الْغَنِيُّ وَاَنْتَ الْكَرِيمُ وَاَنْتَ الْبَارِئُ وَاَنْتَ الرَّحِيمُ
بی نیاز و تو بزرگوار و تو آفریننده و تو مهربان
وَاَنْتَ الْقَادِرُ وَاَنْتَ الْقَاهِرُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنَى
و تو توانا و تو غالب مر تراست نامهای نیکو
كُلُّهَا وَاَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَبْخَلُ اَنْتَ الَّذِي لَا تَذِلُّ
همه آنها و تو بخشنده چنانکه بخل نمی ورزد و تو عزیز چنانکه خوار نمی گردی
وَاَنْتَ مُمْتَنِعٌ لَا تُرَامُ يُسَبِّحُ لَكَ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَ
و تو امتناع کننده که قصد کرده نمی شوی تسبیح می کند مر ترا آنکه در آسمانها و
الْاَرْضِ وَاَنْتَ بِالْخَيْرِ اَجْوَدُ مِنْكَ بِالشَّرِّ اَنْتَ رَبِّي
زمین است و تو به نیکی بخشنده تری از خود به بدی تو پروردگار منی
وَرَبُّ آبَائِيَ الْاَوَّلِينَ اَنْتَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاكَ
و پروردگار پدران پیشینیان تو اجابت می کنی درمانده را چون بخواند ترا
اَنْتَ نَجَّيْتَ نُوحًا مِنَ الْغَرَقِ وَاَنْتَ غَفَرْتَ لِدَاوُدَ
تو نجات دادی نوح را از غرق شدن و تو آمرزیدی داود را
ذَنْبَهُ وَاَنْتَ نَفَّسْتَ عَنْ ذِي النُّونِ كَرْبَهُ وَاَنْتَ
گناه او را و تو رهایی کردی از خداوند ماهی اندوه او را و تو
كَشَفْتَ عَنْ اَيُّوبَ ضُرَّهُ وَاَنْتَ رَدَدْتَ مُوسَى عَلَى
زایل نمودی از ایوب اندوه او و تو رد کردی موسی را بر

أمه

أُمَّتِهِ وَأَنْتَ صَرَفْتَ قُلُوبَ السَّحَرَةِ إِلَيْكَ حَتَّى قَالُوا

بارالها و تو گردانیدی دلهای ساحران را بسوی خود تا گفتند

آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ وَأَنْتَ نِعْمَةُ الصَّالِحِينَ لَا

ایمان آوردیم به پروردگار جهانیان و تو نعمت شایستگانی نه

يُنْكَرُ مِنْكَ إِلَّا الْحَسَنُ الْجَمِيلُ وَمَا لَا يُذْكَرُ لَكَ

یاد کرده می‌شود از تو مگر نیکوئی زیبا و آنکه یاد کرده نمی‌شود ترا مگر

إِلَّا الْآلَاءُ وَالنِّعَمُ وَأَنْتَ الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ لَا يُبْلَغُ مِدْحَتُكَ

عطاها و نعمتها و تو احسان کننده نیکوکاری نمی‌رسد ستایش تو

وَلَا الثَّنَاءُ عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ

و ستایش بر تو تو چنانی که ستودی بر خود

سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ تَبَارَكَتْ أَسْمَاؤُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ

پاکی تو و ستایش تو ستودیم پاک است نامهای تو و بزرگ است ستایش تو

مَا أَعْظَمَ شَأْنَكَ وَأَجَلَّ مَكَانَكَ وَمَا أَقْرَبَكَ مِنْ

چه بزرگ است نام تو و بزرگ است جای تو و چه نزدیکی تو از

عِبَادِكَ وَأَلْطَفَكَ بِخَلْقِكَ وَأَمْنَعَكَ بِقُوَّتِكَ

بندگان خود و چه مهربانا با آفریدگان خود و غالبی بقوت خود

أَنْتَ أَعَزُّ وَأَجَلُّ وَأَسْمَعُ وَأَبْصَرُ وَأَعْلَى وَأَكْبَرُ وَأَظْهَرُ

تو عزیزتر و بزرگوارتر و شنواتری و بیناتری و برتری و بزرگتری و هویداتر

وَأَشْكَرُ وَأَقْدَرُ وَأَعْلَمُ وَأَخْبَرُ وَأَكْثَرُ وَأَعْظَمُ وَأَقْوَى

و سپاس گذارتر و تواناتر و داناتر و آگاه‌تر و بیشتر و بزرگوارتر و قوی‌تر

وَأَمْلَكُ وَأَوْسَعُ وَأَمْنَعُ وَأَعْطَى وَأَحْكَمُ وَأَفْضَلُ

وپادشاه تر و فراخ تر و بازدارنده تر و بخشنده تر و حکم کننده تر و بهتر

وَأَحْمَدُ مِنْ أَنْ يُدْرِكَ الْبَيَانُ عَظَمَتَكَ أَوْ يَصِفَ

و ستوده تر از آنکه دریابد بیان بزرگی ترا یا وصف کنند

الْوَاصِفُونَ صِفَتَكَ أَوْ يَبْلُغُوا غَايَتَكَ اللَّهُمَّ

وصف کنندگان صفت ترا یا برسند بکنه ذات تو خداوندا

أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَجَلُّ مَنْ ذُكِرَ وَ

توئی خدای آنکه نیست خدائی مگر تو بزرگتر از آنکه یاد کرده شود و

أَشْكَرُ مَنْ عُبِدَ وَأَرْأَفُ مَنْ مَلَكَ وَأَجْوَدُ مَنْ سُئِلَ

جزا دهنده تر از هر که پرستیده شد و مهربان تر از هر که خداوندی کند و بخشنده تر از هر که خواسته شد

وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى تَحْلُمُ بِمَا تَعْلَمُ وَتَعْفُوا وَتَغْفِرُ بَعْدَ

و فراخ دهنده تر از آنکه بخشش کند بردباری میکنی بعد از آنکه میدانی و در میگذری و می آمرزی بعد از

مَا تَقْدِرُ لَمْ تُطَعْ قَطُّ إِلَّا بِإِذْنِكَ وَلَمْ تُعْصَ قَطُّ

آنکه قدرت داری فرمان برده نشدی هرگز مگر باذن تو و نافرمانی کرده نشدی هرگز

إِلَّا بِقُدْرَتِكَ تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ وَتُعْصَى رَبَّنَا

مگر بقدرت تو فرمان برده میشوی ای پروردگار پس جزا میدهی و نافرمانی کرده میشوی پروردگارا

فَتَغْفِرُ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَقْرَبُ حَفِيظٍ وَأَدْنَى شَهِيدٍ حُلْتَ

پس می آمرزی خداوندا توئی نزدیکتر نگهبانی و نزدیکتر حاضری حایل شدی

بَيْنَ الْقُلُوبِ وَأَخَذْتَ بِالنَّوَاصِي وَأَحْصَيْتَ

میان دلها و گرفتی تو پیشانیها و شمردی

الاعمال وعلمت الاخبار وبيدك المقادير و

کردارها و دانستی خبرها را و در دست توست اندازهای و

القلوب لك مفضية والسر عندك علانية

دلها بسوی تو است پیوسته و پنهان نزد تو آشکار است

والمهتدى من هديت والحلال ما حللت و

و راه یافته است کسیکه راه نمودی او را و حلال چیزی است که حلال گردانیدی

الحرام ما حرمت والدين ما شرعت والامر

و حرام چیزی است که تو حرام کرده و دین آن است که راه نمودی و امر

ما قضيت تقضي ولا يقضى عليك اللهم

آن چیزی است که تو فرمان داده حکم می کنی و حکم نمی شود بر تو خداوندا

انت الاول فليس قبلك شيء وانت الاخر فليس

تو اولی پس نیست پیش از تو چیزی و تو آخری پس نیست

بعدك شيء وانت الظاهر فليس فوقك شيء و

بعد از تو چیزی و تو آشکاری پس نیست بالای تو چیزی و

انت الباطن فليس دونك شيء وانت العزيز الحكيم

تو باطنی پس نیست فرود از تو چیزی و تو غالب و دانا

اللهم بيدك مقادير الليل والنهار وبيدك

خداوندا بدست توست اندازه شب و روز و بدست توست

مقادير الشمس والقمر وبيدك النصر والخذلان

اندازهای آفتاب و ماه و بدست توست یاری و خوار کردن

وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ

و بدست تو است اندازها دین و آخرت و بدست تو است اندازها

الْمَوْتِ وَالْحَيوٰةِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ

مرگ و زندگانی و بدست تو است اندازه نیکی و بدی

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ

درود فرست بر محمد و آل او و بیامرز مرا هر گناهی که کرده‌ام

فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ وَضَوْءِ النَّهَارِ عَمْداً أَوْ خَطَأً سِرّاً أَوْ

در تاریکیهای شب و روشنی روز از روی عمد و خطا پنهان و

عَلَانِيَةً إِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ

آشکارا بدرستی که تو بر هر چیز توانائی و او بر تو

سَهْلٌ يَسِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ

سهل و آسان است و نیست گردیدن و قوت مگر بخدای بلند

الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُثْنِي عَلَيْكَ بِأَحْسَنِ مَا أَقْدِرُ

بزرگ خداوندا بدرستی که ثنا میکنم برتو به نیکوتر آنچه توانا باشم

عَلَيْهِ وَأَشْكُرُكَ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ

بر آن و شکر میکنم ترا بآنچه تو انعام کرده بر من و دانستی مرا از

شُكْرِكَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلٰى

شکر تو خداوندا مر تراست سپاس بسپاسهای تو همه آنها بر

نَعْمَائِكَ كُلِّهَا وَعَلٰى جَمِيعِ خَلْقِكَ حَتّٰى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ

نعمتهای تو همه آنها و بر همه خلق تو تا باز رسد سپاسگذاری

إلى ما تحبّ ربّنا وترضى اللهمّ لك الحمد

بسوی ایکه دوست میدارد پروردگار ما و راضی است خداوندا برا است ستایش

عدد ما خلقت وعدد ما أردت وعدد ما

شماره ایکه آفریدی و شماره ایکه اراده و شماره ایکه

ما ذرأت ولك الحمد عدد ما برأت ولك الحمد

پیدا آورده و برا است ستایش شماره ایکه پدید آورده و برا است ستایش

عدد ما أحصيت ولك الحمد عدد ما في السموات

شماره ایکه احصا کرده و برا است ستایش شماره ایکه در آسمانها

والأرضين ولك الحمد ملأ الدنيا والآخرة

و زمین است و برا است ستایش پر دنیا و آخرت

پس ده لا إله إلا الله وحده لا شريك له له

مرتبه بگو نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی مر او را برای او است

الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حيّ لا يموت

پادشاهی و برای او است ستایش زنده میکند و میمیراند و او زنده است نمیمیرد

بيده الخير وهو على كل شيء قدير ده استغفر

بدست او است خیر و او بر هر چیزی تواناست ده مرتبه بگو طلب آمرزش میکنم

الله الذي لا إله إلا هو الحيّ القيّوم وأتوب

خدا را ایکه نیست خدائی مگر او زنده پاینده و توبه میکنم

إليه پس يا الله يا الله ده يا رحمن يا

بسوی او بگو ای خدا ای خدا مرتبه ای بخشنده ای

رحمن ده یا رحیم یا رحیم ده یا بدیع السموات

بخشنده مرتبه ای مهربان ای مهربان مرتبه ای بدید آورنده آسمانها

والارض ده یا ذا الجلال والاکرام ده یا حنان

و زمین است مرتبه ای صاحب جلالت و بزرگواری است مرتبه ای مهربان

یا منان ده یا حی یا قیوم ده بسم الله الرحمن الرحیم

ای مهربان مرتبه ای زنده ای پاینده مرتبه بنام خدای بخشنده مهربان

ده اللهم صل علی محمد وآل محمد ده مرتبه اللهم

مرتبه خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد پس بگو خداوندا

لك الحمد ولك الحمد وفي العهد عزيز الجند قديم

تو راست ستایش مر تراست ستایش و منتهای ستایش غالب لشکر و دیرینه

المجد الحمد لله الذی کان عرشه علی الماء حین

بزرگواری ستایش مر خدا را آنکه بود عرش او بر آب در زمانی که

لا شمس تضیء ولا قمر یسری ولا بحر یجری ولا

نبود شمسی که روشن کند و نه ماهی که حرکت کند و نه دریائی که جاری شود و نه

ریاح تذری ولا سماء مبنیة ولا ارض مدحیة

بادی که وزنده شود و نه آسمانها که برافراشته شده و نه زمینی که گسترده شده

ولا لیل یجن ولا نهار یکن ولا عین تدمع ولا

و نه شبی که بپوشاند و نه روزی که روشن کند و نه چشمی که بریزد و نه

صوت یسمع ولا جبل مرسی ولا سحاب منشی

صداها که بشنود و نه کوه بهم رسیده و نه ابری که پیدا شده

ولا

وَلَا إِنْسٌ مَبْرُوٌّ وَلَا جِنٌّ مَذْرُوٌّ وَلَا مَلَكٌ كَرِيمٌ

و نه آدمی آفریده شده و نه دیو خلق شده و نه فرشته بزرگواری

وَلَا شَيْطَانٌ رَجِيمٌ وَلَا ظِلٌّ مَمْدُودٌ وَلَا شَيْءٌ

و نه شیطان رانده شده و نه سایه کشیده شده و نه چیزی

مَعْدُودٌ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اسْتَحْمَدَ إِلَىٰ مَنِ اسْتَحْمَدَهُ

شمرده شده ستایش مر خدا را که خواند کسی را که ستایش کرد او را

مِنْ أَهْلِ مَحَامِدِهِ لِيَحْمَدُوهُ عَلَىٰ مَا بَذَلَ مِنْ نَوَافِلِهِ

از اهل ستایشهای او تا ستایش کنند او را بر آنچه بخشش نمود از عطاهای زیادی

الَّذِي فَاقَ مَدْحَ الْمَادِحِينَ مَآثِرُ مَحَامِدِهِ وَ

آنکه برتر شد ستایش ستایش کنندگان را برگزیده‌های ستایش او و

عَدَا وَصْفَ الْوَاصِفِينَ هَيْبَةُ جَلَالِهِ هُوَ أَهْلٌ

و از حد بیرون شد از ستایش ستایش کنندگان هیبت بزرگی او او است سزاوار

لِكُلِّ حَمْدٍ وَمُنْتَهَىٰ كُلِّ رَغْبَةٍ وَقَاضِي كُلِّ حَاجَةٍ

مر هر ستایشی و منتهای هر خواهشی و حاصل کننده هر حاجتی

الْوَاحِدُ الَّذِي لَا بَدْءَ لَهُ الْمَلِكُ الَّذِي لَا زَوَالَ

یگانه آنکه نیست ابتدا او را پادشاهی است که نیست

لَهُ الرَّفِيعُ الَّذِي لَيْسَ فَوْقَهُ نَاظِرٌ ذُو الْمَغْفِرَةِ

برای او نیستی بزرگی که نیست بالاتر از او نگرنده خداوند مغفرت

وَالرَّحْمَةِ الْمَحْمُودُ لِبَذْلِ نَوَالِهِ الْمَعْبُودُ لِهَيْبَةِ جَلَالِهِ

و رحمت ستوده شده به بخشش نعمتهای خود پرستیده شده که هیبت بزرگی او

المذكور بحسن الأثر للمنان بسعة فواضله

المرغوب في [illegible] الموهب من خزائن العظم

الشامل [illegible] في مكانه المحيم

في [illegible] لله الحمد لله باري خلق

المخلوقين بفعله ومصور أجساد العباد بقدرته

ومخالف صورهم [illegible] ونافخ الأرواح في جليه

[illegible]

السموات والأرضين [illegible] وسع كل

شيء [illegible] العزيز

وكسر الملوك بجبروته الجبار الأعلى المعبود

في سلطانه المتسلط بقوته المتعالي في دنوه
المتداني من كل شيء في ارتفاعه الذي نفذ بصره
في خلقه وحارت الأبصار في عزته الحمد
لله الحليم الرشيد القوي الشديد المبدئ المعيد
الفعال لما يريد الحمد لله منزل الآيات وكاشف
الكربات ومؤمن المستوحشين الحمد لله في كل
مكان وفي كل زمان وفي كل أوان الحمد لله
لا ينسى من ذكره ولا يخيب من دعاه ولا يذل
من والاه الذي يجزي بالإحسان إحسانا وبالصبر
نجاة الحمد لله الذي له ما في السموات وما في

الارض وله الحمد في الاخرة وهو الحكيم الخبير

زمین و مر اوراست ستایش در آخرت و اوست درست کار دانا

الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملئكة

ستایش مر خدایرا که خلق کرده آسمانها و زمین را گرداننده فرشتگان را

رسلا اولي اجنحة مثنى وثلاث ورباع يزيد

فرستادگان خداوند بالها دو دو و سه سه و چهار چهار می افزاید

في الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء قدير سبحان

در آفرینش آنکه می خواهد بدرستی که خدا بر همه چیز تواناست پاک است

الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا

خدا و ستایش مر خدا را و نیست خدا مگر خدا و خدا بزرگ است و نیست

حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم سبحان الله

گردش و قوت و توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ پاک است خدا

حين تمسون وحين تصبحون وله الحمد في السموات

هنگامی که شام می شوید و هنگامی که صبح می کنید و مر اوراست ستایش در آسمانها

والارض وعشيا وحين تظهرون وسبحان الله

و زمین و در وقت شبانگاه و هنگامی پیشین و پاک است خدا

اناء الليل واطراف النهار وسبحان الله بالغدو

در ساعتهای شب و در طرفهای روز و پاک است خدا بصبحگاه

والاصال وسبحان ربك رب العزة عما يصفون

و شبانگاه و پاک است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه وصف می کنند

وسلام

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و درود باد بر فرستادگان و ستایش مر خدای را پروردگار جهانیان است

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَمَا يُحِبُّ رَبُّنَا وَكَمَا يَرْضَى حَمْداً كَثِيراً طَيِّباً

و ستایش مر خدای را همچنانکه دوست دارد پروردگار ما و همچنانکه راضی شود ستایش بسیار پاکیزه

وَسُبْحَانَ اللّٰهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللّٰهُ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ

و پاکست خداوند هر زمانی که تسبیح کند خدای چیزی را و همچنانکه دوست دارد خدا

أَنْ يُحَمَّدَ يُسَبَّحَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّمَا حَمِدَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا

که تسبیح کرده شود و ستایش مر خدای را هر زمانی که ستایش کند خدا چیزی و همچنانکه

يُحِبُّ اللّٰهُ أَنْ يُحَمَّدَ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللّٰهَ

دوست دارد خدا که ستایش کرده شود و نیست خدایی مگر خدا هر زمانی که تهلیل کند خدا را

شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ أَنْ يُهَلَّلَ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ كُلَّمَا كَبَّرَ

چیزی و همچنانکه دوست دارد خدا که تهلیل کرده شود و خدا بزرگتر است هر زمانی که بزرگ

اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللّٰهُ أَنْ يُكَبَّرَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

کند خدا چیزی را و همچنانکه دوست دارد خدا که بزرگ کرده شود نیست گردیدن و نیست قوت

إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس بخواند این اَللّٰهُمَّ إِنِّي

مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ خداوندا بدرستی

دعای مخزون

أَسْئَلُكَ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ هفت بِأَسْمَائِكَ الرَّضِيَّةِ

که سوال میکنم ترا ای خدا ای بخشنده مرتبه بنامهای تو پسندیده

الْمَرْضِيَّةِ الْمَكْنُونَةِ يَا اَللّٰهُ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ

خوشنود کرده شده پوشیده شده ای خدا خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا

بِأَسْمَائِكَ الْعَزِيزَةِ الْمَنِيعَةِ وَأَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ

بنامهای تو گرامی ارجمند است در منع است و سؤال میکنم ترا بنامهای تو

التَّامَّةِ الْكَامِلَةِ الْمَشْهُورَةِ يَا اللهُ وَأَسْأَلُكَ

تمام [illegible] مشهور تر ای خدا و سؤال میکنم تو

بِأَسْمَائِكَ الَّتِي هِيَ رِضَاكَ يَا اللهُ وَأَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ

بنامهای تو آن که خوشنودی تو است ای خدا و سؤال میکنم ترا بنامهای

الَّتِي لَا يَرُدُّهَا دُونَكَ أَحَدٌ يَا اللهُ وَأَسْأَلُكَ مِنْ

که رد نمی کند او را غیر تو هیچکس ای خدا و سؤال میکنم ترا از

مَسَائِلِكَ بِمَا عَاهَدْتَ أَوْفِي الْعَهْدِ يَا اللهُ أَنْ لَا

سؤالهای تو آنکه عهد کردی تو وفا کننده تر بعهدی ای خدا آنکه

تُخَيِّبَ سَائِلَكَ يَا اللهُ وَأَسْأَلُكَ بِجُمْلَةِ مَسَائِلِكَ

محروم نمی کنی سؤال کننده ای خدا و سؤال میکنم ترا بهمه سؤالهای تو

الَّتِي لَا يَفِي بِحَمْلِهَا شَيْءٌ غَيْرُكَ يَا اللهُ هَمْثَ وَ

آنکه وفا نمی کند بحمل آن چیزی غیر تو ای خدا مرتبه و

أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ أَوْجَبْتَهُ وَكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَكُلِّ

سؤال میکنم ترا بهر نامی که واجب کرده ترا و بهر نامی که او برای تو است و بهر

مَسْأَلَةٍ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى اسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ

سؤالی تا منتهی گردد بسوی اسم تو بزرگتر بزرگتر

الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى الَّذِي اسْتَوَيْتَ بِهِ

بزرگتر بزرگتر بلند بلندتر آنکه مستولی گشته بآن

علی

عَلىٰ عَرْشِكَ وَاسْتَقْلَلْتَ عَلىٰ كُرْسِيِّكَ وَهُوَ

بر عرش تو و استقامت کرد بنده‌ی بر کرسی خود و او است

اِسْمُكَ الْفاضِلُ الْكامِلُ الَّذى فَضَّلْتَهُ عَلىٰ

نام تو که فاضل و تمام است آن نامی که فزونی دادی او را بر

جَميعِ اَسْمائِكَ يا رَحْمٰنُ هعث وَاَسْئَلُكَ بِما لا

مرهبه

همه نامهای خود ای بخشنده و سؤال میکنم ترا بآنکه نه

اَعْلَمُهُ ما لَوْ عَلِمْتُهُ لَسَأَلْتُكَ بِهِ يا اَللّٰهُ وَبِكُلِّ اسْمٍ

می‌دانم او را آنچه اگر میدانستم او را هر آینه سؤال می‌کردم ترا بآن ای خدا و بهر اسمی

اِسْتَأْثَرْتَ بِهِ فى عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ يا رَحْمٰنُ يا

که برگزیده او را در علم نهانی نزد خود ای بخشنده ای

رَحيمُ اَنْ تُصَلِّىَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ

مهربان آنکه درود فرستی بر محمد و آل محمد که بنده تو و رسول تو

وَنَبِيِّكَ وَاَمينِكَ وَحَبيبِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

و پیغمبر تو و امین تو و دوست تو و برگزیده تو از خلق تو

وَخاصَّتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَنَجِيِّكَ وَنَجيبِكَ وَ

و مخصوص تو از آفریدگان تو و برگزیده تو و اختیار کرده تو و

حَبيبِكَ وَصَفِيِّكَ وَعَلىٰ اَهْلِ بَيْتِهِ وَتَرَحَّمْ

دوست تو و برگزیده تو و بر اهل بیت و رحم کن

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ كَاَفْضَلِ وَاَجْمَلِ وَاَزْكىٰ

بر محمد و آل خانه محمد مانند بهتر و نیکوتر و پاکیزه‌تر

وَاَطْهَرَ وَاَعْظَمَ وَاَكْثَرَ وَاَتَمَّ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ

و پاکیزه‌تر و بزرگ‌تر و بیشتر و تمام‌تر از آنکه درود فرستادی بر یکی

مِنْ اَنْبِيَاۤئِكَ وَرُسُلِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

که از جمله پیغمبران تو و فرستادگان تواست ای صاحب جلالت و بزرگواری

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِى الْاَوَّلِينَ وَصَلِّ

خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد در پیشینیان و درود فرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِى الْاٰخِرِينَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ

بر محمد و آل محمد در پسینیان و درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِى الْمَلَاِ الْاَعْلٰى وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ

محمد و آل محمد در ملک بلند و درود فرست بر محمد و

اٰلِ مُحَمَّدٍ فِى النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِ

آل محمد در زمره پیغمبران و فرستادگان خداوندا ببخش

مُحَمَّدًا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ

محمد رحمت تو بر او و آل او وسیله و زیادتی

وَالشَّرَفَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ اَللّٰهُمَّ اَكْرِمْ

و شرافت و رتبه بلند خداوندا گرامی دار

مَقَامَهُ وَشَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَعَظِّمْ نُورَهُ وَبُرْهَانَهُ

جایگاه او را و بلند کن ارکان بنای او و بزرگ کن روشنائی و حجتهای او

وَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَاَعْلِ كَعْبَهُ وَاَفْلِجْ حُجَّتَهُ وَاَظْهِرْ

و روشن گردان روی او و بلند گردان قدر او و غالب گردان حجت او و ظاهر ساز

دعوته

دَعْوَتَهُ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ كَمَا بَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَ
دعوت او را و قبول کن شفاعت او را چنانکه رسانید پیغامهای ترا و

تَلَا آيَاتِكَ وَأَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَأْتَمَرَ بِهَا وَنَهَى عَنْ
خواند آیات ترا و امر کرد بطاعت تو و خود بسته نیز کرد و نهی کرد از

مَعْصِيَتِكَ وَانْتَهَى عَنْهَا فِي سِرٍّ وَعَلَانِيَةٍ وَجَاهَدَ
معصیت تو و منع کرد خود را از آن در نهان و آشکارا و جهاد کرد

حَقَّ الْجِهَادِ فِيكَ وَعَبَدَكَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ
در راه خدا حق کارزار کردن در راه تو و بندگی کرد ترا از روی اخلاص تا آمد او را مرگ

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِهِ اَللّٰهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَامًا
درود تو بر او و بر آل او بار خدایا برانگیزان او را بجایگاه

مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ
ستوده که رشک برند بر او پیشینیان و پسینیان از پیغمبران

وَالْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ اسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلَى
و فرستادگان خداوندا کار فرما ما را بطریقه او و بمیران ما را بر

مِلَّتِهِ وَابْعَثْنَا فِي شِيعَتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ
ملت او و برانگیز ما را در زمره پیروان او و محشور کن ما را در گروه او

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَتَّبِعُهُ وَلَا تَحْجُبْنَا عَنْ رُؤْيَتِهِ وَلَا
و بگردان ما را از تابعان او و محجوب مکن ما را از دیدن او و مه

تَحْرِمْنَا مُرَافَقَتَهُ حَتَّى تُسْكِنَنَا غُرْفَتَهُ وَتُخَلِّدَنَا فِي
بی بهره مکن ما را از رفاقت او تا ساکن گردانی ما را بغرفه او و جاوید گردانی ما را در

جَوارِهِ رَبِّ إِنّي أَحْبَبْتُهُ فَأَحِبَّني لِذٰلِكَ وَ لا

جوار او پروردگارا من بدرستی که من دوست میدارم او را پس دوست بدار مرا برای آن و به

تُفَرِّقْ بَيْني وَبَيْنَهُ طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ

جدا مکن میان من و میان او چشم بر هم زدنی در دنیا و آخرت

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذينَ أَذْهَبْتَ

خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد آنانکه بردی

عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهيراً اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَهُمْ

از ایشان نجاست را و پاک کن ایشان را پاک کردنی خداوندا بگشا از برای ایشان

فَتْحاً يَسيراً وَانْصُرْهُمْ نَصْراً عَزيزاً وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ

گشایش آسان و یاری ده ایشان را یاری با عزت و قرار بده از برای ایشان از

لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصيراً اَللّٰهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِي الأَرْضِ

نزد خود حجتی یاری دهنده خداوندا جای ده ایشان را در زمین

وَاجْعَلْهُمْ أَئِمَّةً وَاجْعَلْهُمُ الْوارِثينَ اَللّٰهُمَّ أَرِهِمْ

و بگردان ایشان را پیشوایان و بگردان ایشان را میراث برنده ها خدایا بنما ایشان را

فِي عَدُوِّهِمْ ما يَأْمُلُونَ وَأَرِ عَدُوَّهُمْ مِنْهُمْ ما يَحْذَرُونَ

در دشمن ایشان آنچه امید دارند و بنما دشمن ایشان را از ایشان آنچه بپرهیزند

اَللّٰهُمَّ اجْمَعْ بَيْنَهُمْ فِي خَيْرٍ وَعافِيَةٍ اَللّٰهُمَّ عَجِّلِ

خداوندا جمع کن میان ایشان در نیکی و عافیت خدایا بشتاب

الرَّوْحَ وَالْفَرَجَ لِآلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ اجْمَعْ عَلَى الْهُدىٰ

راحت و گشایش را برای آل محمد خداوندا جمع کن ایشان را بر

ارحم

أَمْرَهُمْ وَاجْعَلْ قُلُوبَهُمْ عَلَى قُلُوبِ خِيَارِهِمْ وَأَصْلِحْ
امر کردن ایشان را و قرار ده دلهای ایشان را بر دلهای بهترین ایشان و اصلاح کن

ذَاتَ بَيْنِهِمْ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
کار میان ایشان را بدرستی که تو ستوده بزرگواری خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَلِوَالِدَيَّ
اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی مرا و پدر و مادر مرا

وَمَا وَلَدَا وَأَعْتِقْهُمَا مِنَ النَّارِ وَارْحَمْهُمَا وَأَرْضِهِمَا
و آنچه زائیده اند و آزاد کن ایشان را از آتش و رحم کن ایشان را و خوشنود کن ایشان را

عَنِّي وَاغْفِرْ لِكُلِّ وَالِدٍ لِي دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ
از من و بیامرز از برای هر پدری مرا که داخل شده در اسلام

وَلِأَهْلِي وَوُلْدِي وَجَمِيعِ قَرَابَاتِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
و از برای اهل من و فرزندان من و همه خویشان من بدرستی که تو بر همه چیز

قَدِيرٌ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي وَجَمِيعَ وَرَثَةِ آبَائِي وَإِخْوَانِي
توانائی خداوندا بگردان مرا و همه وارثان پدران من و برادران مرا

فِيكَ مِنْ أَهْلِ وَلَايَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ فَإِنَّهُ لَا يَقْدِرُ
در راه تو از اهل ولایت تو و محبت تو پس بدرستی که قدرت ندارد

عَلَى ذَلِكَ غَيْرُكَ يَا رَحْمَانُ اللَّهُمَّ أَوْزِعْنِي أَنْ
بر این غیر تو ای بخشنده خداوندا توفیق ده مرا اینکه

أَشْكُرَكَ وَأَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى
سپاس کنم ترا و شکر کنم نعمت ترا که ... بر من و بر

وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَيهُ وَأَصْلِحْ لِي
پدران من و آنکه بکنم کار شایسته که خواهد آن را و اصلاح کن برای من

فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ
در اولاد من بدرستی که من توبه کردم بسوی تو و بدرستیکه من از مسلمانانم

وَاجْزِ وَالِدَيَّ خَيْرَ مَا جَزَيْتَ وَالِدًا عَنْ وَلَدِهِ وَاجْعَلْ
و جزا ده پدر و مادر مرا بهتر آنکه جزا دادی پدری را از فرزندان او و بگردان

ثَوَابَهُمَا عِنْدِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ وَاغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا
ثواب ایشان در ارم بهشت [illegible] و بیامرز ما را و برادران ما

الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا
آنانکه سبقت کردند از ما به ایمان و قرار مده در دلهای ما کینه

لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ وَاغْفِرْ لَنَا وَ
مر آنانرا که ایمان آورده اند ای پروردگار ما بدرستیکه تو مهربان بخشنده و بیامرز ما را و

لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ
مردان مومن و زنان مومنه زنده از ایشان و مرده از ایشان

اَللّٰهُمَّ أَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِهِمْ وَاجْمَعْ عَلَى الْهُدَى أَمْرَهُمْ وَ
خداوندا اصلاح کن ای را میان ایشان و جمع کن بر هدایت امر ایشان را و

اجْعَلْنِي وَإِيَّاهُمْ عَلَى طَاعَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ اَللّٰهُمَّ
بگردان مرا و ایشان را بر طاعت تو و محبت تو خداوندا

وَالْمُمْ شَعَثَهُمْ وَاحْقِنْ دِمَاءَهُمْ وَوَلِّ أَمْرَهُمْ خِيَارَهُمْ
جمع کن پراکنده کار ایشان را و حقن کن خون ایشان را و والی کن بر کار ایشان نیکان ایشان

اهل

اهل الرأفة والرحمة والمعدلة عليهم انك

سزاوار مهربانی و رحمت و بخشش بر ایشان بدرستیکه تو

على كل شيء قدير يا رب يا رب يا رب اللهم

بر هر چیز توانائی ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا

بديع السموات والارض عالم الغيب والشهادة

پدید آرنده آسمانها و زمین دانای پنهان و آشکار

ذا الجلال والاكرام والجود والقوة والسلطان

صاحب جلالت و بزرگواری و بخشش و توانائی و پادشاهی

والجبروت والملكوت والكبرياء والعظمة

و بزرگواری و مملکت و بزرگواری و بزرگی

والقدرة والمدحة [والبهجة] والرهبة والجود والعلو

و توانائی و ستایش و رغبت و ترس و بخشش و برتری

والحجة والهدى والطاعة والعبادة والامر

و حجت و هدایت و طاعت و عبادت و فرمان

والخلق وكل شيء لك يا رب العالمين يا رب يا

و آفرینش و هر چیزی از برای تو ای پروردگار جهانیان ای پروردگار من ای

رب يا رب اسئلك يا رب سؤال الضارعين

پروردگار من ای پروردگار من سؤال می کنم ترا ای پروردگار من سؤال زاری کنندگان

المتضرعين المساكين المستكينين الراغبين

فروتنی کنندگان بیچارگان تضرع کنندگان خواهش دارندگان

الرّاهبين الّذين لا يجدون سواك يا من يجيب

ترسندگان آنانکه نمی یابند غیر ترا ای کسی که اجابت می کند

المضطرّ ويكشف الضّرّ ويجيب الدّاعي ويعطي

درمانده را و زایل می کند ضرر را و می پذیرد دعای خواننده را و عطا می کند

السّائل أسئلك يا ربّ سؤال من لم يجد لضعفه

سؤال کننده را مسئلت می کنم ترا ای پروردگار مثل سؤال کسی که نمی یابد برای ناتوانی خود

مغوّياً ولا لذنبه غافراً ولا لفقره سادّاً غيرك

فریادرسی و نه برای گناه خود آمرزنده و نه برای احتیاج خود بازدارنده غیر تو

أسئلك سؤال من اشتدّت فاقته وضعفت

سؤال می کنم از تو سؤال کسی که سخت شده است احتیاج او و ضعیف شده است

قوّته وكثرت ذنوبه يا ذا الجلال والإكرام يا ربّ

توانایی او و بسیار است گناه او ای صاحب جلال و بزرگواری ای پروردگار من

يا ربّ يا ربّ أسئلك يا ربّ مسئلة كلّ سائلٍ

ای پروردگار من ای پروردگار من سؤال می کنم ترا ای پروردگار من سؤال هر سؤال کننده

ورغبة كلّ راغبٍ تبذّل إذا دعيت أجبت و

و خواهش هر خواهشمندی به فروتنی هرگاه خوانده شوی اجابت می کنی و

بحقّ السّائلين عليك وبحقّ صفوتك من عبادك

بحق سؤال کنندگان بر تو و بحق برگزیدگان تو از بندگان تو

ومنتهى العزّ من عرشك ومنتهى الرّحمة من كتابك

و منتهای عزت از عرش تو و منتهای رحمت از کتاب تو

اَنْ لاٰ يَسْتَدَّ رِجِي بِخَطِيئَتِي وَلاٰ تَجْعَلْ مُصِيبَتِي

اینکه تنگ نگیری مرا بگناهان خود و مگردان مصیبت مرا

فِي دِينِي وَاذْكُرْنِي يٰا رَبِّ بِرِضٰاكَ وَلاٰ تَنْسَنِي حِينَ

در دین من و یاد کن مرا ای پروردگار من بخشنودی تو و فراموش مکن مرا وقتی

تَنْشُرُ رَحْمَتَكَ وَابْتَذِلْ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَامْنُنْ

پهن کنی رحمت خود و در آوری بر من بذات مقدس خود و منت گذار

عَلَيَّ بِكَرٰامَتِكَ يٰا كَرِيمَ الْعَفْوِ وَاسْتَجِبْ دُعٰائِي

بر من بکرامت خود ای کریم و صاحب بخشش و مستجاب کن دعای مرا

وَارْحَمْ تَضَرُّعِي فَإِنِّي بٰائِسٌ فَقِيرٌ خٰائِفٌ مُسْتَجِيرٌ

و رحم کن بر زاری مرا پس بدرستی که من با بینوا محتاجم ترسانم امید وارم

مِنْ عَذٰابِكَ لاٰ اَثِقُ بِعَمَلِي لٰكِنِّي اَثِقُ بِرَحْمَتِكَ يٰا رَ

از عذاب تو اعتماد ندارم بکردار من لکن اعتماد دارم برحمت تو ای پروردگار

بِّ يٰا رَبِّ اَللّٰهُمَّ كُنْ بِي حَفِيًّا وَلاٰ تَجْعَلْنِي

ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا باش بمن مهربان و مگردان مرا

بِدُعٰائِكَ رَبِّ شَقِيًّا وَامْنُنْ عَلَيَّ بِعٰافِيَتِكَ وَاَعْتِقْ

بدعای تو پروردگارا بدبخت و منت گذار بر من بعافیت خود و آزاد کن

رَقَبَتِي مِنَ النّٰارِ فَإِنِّي لاٰ اَسْتَغِيثُ بِغَيْرِكَ وَاسْتَجِيرُكَ

گردن مرا از آتش پس بدرستی که من استغاثه نمی کنم بغیر تو و زنهار میطلبم

وَاَجِرْنِي مِنْ كُلِّ هَوْلٍ وَمَشَقَّةٍ وَخَوْفٍ وَاَمِنْ خَوْفِي

و زنهار ده مرا از هر ترس و مشقت و ترسی و ایمنی ده ترس مرا

همّي وتجمع حبّتي وتقوّي ضعفي وتسدّ فاقتي واصلح لي

بدو همّ من و جمع کن حبّتی مرا و قوّت ده ضعف مرا و تدارک کن حیثیات مرا و اصلاح کن برای من

جميع اموري يا ربّ اعوذ بك من هول المطلع و

همه امورم را ای پروردگار من پناه می برم بتو از هول خبر یافتن و

من شدّة الموقف يوم الدين فانّك تجير ولا يجار

از سختی محل ایستادن روز جزا پس بدرستیکه پناه می دهی و پناه داده نمی شوی

عليك يا ربّ يا ربّ اللّهمّ لا تعرض عنّي

بر تو ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا رو مگردان از من

حين ادعوك ولا تصرف عنّي وجهك حين اسئلك

هنگامی که بخوانم ترا و در مگردان از من روی خود را وقتی که درخواست کنم تو را

فلا ربّ لي سواك واعطني مسئلتي وامن خوفي

پس نیست پروردگاری مرا سوای تو و ببخش مرا مسئلت مرا و ایمن گردان ترسم را

يوم القاك اللّهمّ انّي اعوذ بك فاعذني فانّي

روزی که ملاقات کنم تو را خداوندا بدرستیکه پناه می برم بتو پس پناه ده مرا پس بدرستیکه

ضعيف خائف مستجير بائس فقير يا ربّ يا ربّ

ناتوان ترسنده ام زنهار خواهنده با چیز گنج ای پروردگار من ای پروردگار

يا ربّ اللّهمّ اكشف ضرّ ما استعذتك منه و

ای پروردگار من خدایا رفع کن گزند آنچه پناه بجویم بتو از آن و

البسني رحمتك وجلّلني عافيتك وامنّي برحمتك

و بپوشان بر من رحمت ترا و بپوشان مرا عافیت خود و ایمن گردان مرا برحمتت

فانك

فَاِنَّكَ تُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ
پس به درستی که تو پناه می دهی و پناه داده نمی شود بر تو خداوندا به درستی که من پناه می برم
بِكَ مِنْ وَحْشَةِ الْقَبْرِ وَمِنْ خَلْوَتِهِ وَمِنْ ظُلْمَتِهِ
به تو از وحشت قبر و از تنهایی او و از تاریکی او
وَضِيقِهِ وَعَذَابِهِ وَمِنْ هَوْلِ مَا اَتَخَوَّفُ بَعْدَهُ
و تنگی او و عذاب او و از هول آنچه می ترسم پس از آن
يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي
ای پروردگار جهانیان ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا به درستی که من
اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ
سؤال می کنم اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و اهل خانه او
صَفْوَتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَاَنْ تَسْتَجِيبَ لِي
برگزیده تو و اختیار کرده تو از بندگان تو و اینکه مستجاب کنی برای من
دُعَائِي وَتُعْطِيَنِي سُؤْلِي وَاَكْفِنِي اَمْرَ آخِرَتِي وَ
دعای مرا و عطا کنی مرا سؤال مرا و کفایت کنی مرا امر آخرت مرا و
دُنْيَايَ وَارْحَمْ فَاقَتِي وَاغْفِرْ ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ
دنیای مرا و رحم کن فاقه و بی چیزی مرا و بیامرز گناهان مرا آنچه پیش شده
مِنْهَا وَمَا تَاَخَّرَ وَآتِنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ
از آن و آنچه باز پس مانده و بده مرا در دنیا نیکی و نگاه دار مرا به رحمت خود
عَذَابَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي صِلَةَ قَرَابَتِي وَ
از عذاب آتش خداوندا روزی کن مرا پیوستن به خویشان و

وَحَجّاً مَقْبُولاً وَعَمَلاً صالِحاً مَبْرُوراً تَرْضاهُ مِمَّنْ

و حج قبول کرده شده و کرداری شایسته پسندیده که بپسندی او را از کسی که

عَمِلَ بِهِ وَاَصْلِحْ لی اَمْری وَاَهْلی وَوُلْدی وَاَسْأَلُكَ

عمل کند بآن و اصلاح آور برای من امر مرا و اهل مرا و فرزندان مرا و سؤال می کنم تو را

اَنْ تَجْعَلَ لی عَقِباً صالِحاً تُلْحِقُنی مِنْ دُعائِهِمْ

اینکه بگردانی برای من فرزند شایسته که ملحق سازی مرا از دعای او

رِضْواناً وَمَغْفِرَةً وَزِیادَةً فی کَراماتِكَ اِنَّكَ عَلی

خوشنودی را و آمرزش و زیادتی در بزرگیهای خود بدرستی که تو بر

کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ یا رَبِّ یا رَبِّ

هر چیزی توانایی و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی ای پروردگار من ای پروردگار

یا رَبِّ اَللّهُمَّ وَکُلَّما کانَ فی قَلْبی مِنْ شَكٍّ اَوْ

ای پروردگار من خداوندا و هر چیز که بود در دل من از شک یا

رِیبَةٍ اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ مَرَحٍ اَوْ بَطَرٍ

تهمت یا انکار یا نومیدی یا خرمی یا سرور یا رفتن کبر

اَوْ فَخْرٍ اَوْ خُیَلاءَ اَوْ جُبْنٍ اَوْ خیفَةٍ اَوْ رِیاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ

یا غرور یا خیال یا بیم یا ترس یا تکبر یا ریا

اَوْ شِقاقٍ اَوْ نِفاقٍ اَوْ کُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ عِصْیانٍ

یا بدبختی یا دورویی یا ناسپاسی یا بیرون رفتن از فرمان خدا یا نافرمانی

اَوْ عَظَمَةٍ اَوْ شَیْءٍ مِمّا لا تُحِبُّ عَلَیْهِ اَوْلِیاؤُكَ

یا بزرگی یا چیزی از آنچه دوست نمی دارند بر آن دوستان تو

فانك

فَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تَمْحُوَ ذٰلِكَ مِنْ

پس سؤال میکنم ترا بحق محمد وآل محمد واینکه زائل کنی این را از

قَلْبِي وَاَنْ تُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ اِيمَاناً وَعَدْلاً وَرِضاً

دل من واینکه بدل کنی برای من بجای آن ایمان و راستی و خوشنودی

بِقَضَائِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَوَجَلاً مِنْكَ وَزُهْداً

بحکم تو و وفا نمودن بعهد تو و ترسیدن از تو و بی رغبتی

فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ وَ

در دنیا و خواهش در آنچه نزد تو است و اعتماد کردن بتو و

طُمَاْنِينَةً اِلَيْكَ وَتَوْبَةً اِلَيْكَ نَصُوحاً يَا رَبِّ

و آرام گرفتن بسوی تو و توبه بسوی تو توبه خالص ای پروردگار

يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي وَلَمْ

ای پروردگار ای پروردگار من خداوندا مر تراست سپاس همچنانکه آفریدی مرا و نبودم

اَكُ شَيْئاً مَذْكُوراً فَاَعِنِّي عَلٰى اَهْوَالِ الدُّنْيَا وَ

چیزی مذکور پس یاری کن مرا بر ترسهای دنیا و

بَوَائِقِ الدَّهْرِ وَنَكَبَاتِ الزَّمَانِ وَكُرُبَاتِ الْآخِرَةِ

بلاهای زمانه و دشواریهای زمانه و اندوهای آخرت

وَمُصِيبَاتِ اللَّيَالِي وَالْاَيَّامِ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ

و بلاهای شبها و روزها و کفایت کن مرا بدی آنچه میکنند

الظَّالِمُونَ فِي الْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِي قَدَرِكَ

ستمکاران در زمین خداوندا برکت ده مرا در تقدیرات خود

وَرَضِّنِي بِقَضَائِكَ اَللّٰهُمَّ افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ

و خوشنود کن مرا بقضای خود خداوندا بگشا گوشهای دل مرا برای یاد خود

وَارْزُقْنِي شُكْراً وَتَوْفِيقاً وَعِبَادَةً وَخَشْيَةً يَا رَبَّ

و روزی کن مرا شکر و توفیق و بندگی و ترس ای پروردگار

الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ اَطْلِعِ الْيَوْمَ

جهانیان ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار خداوندا مطلع کن امروز

اِطِّلَاعَةً تُدْخِلُنِي بِهَا الْجَنَّةَ اَللّٰهُمَّ اسْتَجِبْ دُعَائِي

مطلع کردنی که داخل کنی مرا بآن در بهشت خداوندا مستجاب کن دعای مرا

وَاقْبَلْهُ مِنِّي وَاجْعَلْهُ دُعَاءً جَامِعاً يُوَافِقُ بَعْضُهُ

و قبول کن از من و بگردان آن را دعای جامع موافق کند بعض آن

بَعْضاً فَاِنَّ كُلَّ شَيْءٍ عِنْدَكَ بِمِقْدَارٍ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْهُ

بعضی را پس بدرستی که هر چیزی نزد تو باندازه است خداوندا و بگردان

مِنْ شَأْنِكَ فَاِنَّكَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ اَللّٰهُمَّ وَاكْتُبْهُ

از کار تو پس بدرستی که هر روز در کاری خداوندا و بنویس آن را

لِي فِي عِلِّيِّينَ فِي كِتَابٍ لَا يُمْحَى وَلَا يُبَدَّلُ اَنْ تَقُولَ

برای من در علیین در نامه که محو نشود و تغییر نیابد اینکه بگویی

قَدْ غَفَرْتُ لِعَبْدِي مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ

گناهان را آمرزیدم برای بنده خود آنچه پیشتر گذشت از گناهان او و آنچه پس است

وَاسْتَجَبْتُ لَهُ دَعْوَتَهُ وَوَفَّقْتُهُ وَاصْطَفَيْتُهُ د

مستجاب کردم برای او دعای او را و توفیق دادم او را و برگزیدم او را

لنفسي

لِنَفْسِي وَكَرَّمْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ وَعَصَمْتَهُ وَهَدَيْتَهُ

و بر نفس خود ... و گرامی داشتم او را و فضل دادم او را و نگاه داشتم او را و راه نما کردم او را

وَزَكَّيْتَهُ وَأَصْلَحْتَهُ وَاسْتَخْلَصْتَهُ وَغَفَرْتَ لَهُ

و پاکیزه کردم او را و بصلاح آوردم او را و خالص کردم او را و آمرزیدم او را و

وَعَفَوْتَ عَنْهُ آمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ

در گذشتم از او اجابت کن ای پروردگار من ای پروردگار من بار خدایا

اِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى

بدرستی که رو آوردم بسوی تو به پیغمبر تو پیغمبر رحمت محمد درود فرستد

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي خَلَاصِي وَخَلَاصِ وَالِدَيَّ

خدا بر او و بر آل او در خلاص من و خلاص پدر و مادر من

وَمَا وَلَدَا وَاَهْلِي وَوُلْدِي وَجَمِيعِ ذُرِّيَّةِ اَبِي وَ

و آنکه زاییده اند و اهل من و فرزندان من و همه فرزندان پدر من و

اِخْوَانِي فِيكَ وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكُلِّ

برادران من در راه تو و همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه و هر

وَلِيٍّ دَخَلَ فِي الْاِسْلَامِ مِنْ اَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

دوستی که در آمد در اسلام از ترسهای روز قیامت

وَمِنْ شَرِّ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ هُمُومِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ

و از بدی عذاب قبر و از اندوههای دنیا و آخرت

وَاَهْوَالِهَا وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَرْزُقَنِي عِزَّهَا وَتَصْرِفَ

و از هولهای آن و سؤال میکنم از تو اینکه روزی کنی مرا عزت آن و بگردانی

عَنِّي شَرَّهَا وَتُثَبِّتَنِي بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيٰوةِ

از من بدی ان و ثابت دارمرا بگفتار ثابت در زندگانی

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اِنَّكَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى

دنیا و آخرت بدرستی که تو بخشنده مهربانی و درود فرستد خدا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهٖ كَثِيرًا وَحَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ يَا رَبِّ

محمد و آل او بسیار و بس است ما را خدا و خوب وکیل است ای پروردگار

يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اَنْ تَصْرِفَ عَنِّي

ای پروردگار ای پروردگار ای خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا اینکه بگردانی از من

شَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَشَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَشَرَّ كُلِّ ضَعِيفٍ

بدی هر ستمکار ستیزه کار و شیطان رانده شده و بدی هر ناتوانی

مِنْ خَلْقِكَ وَشَدِيدٍ وَمِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَالْهَامَّةِ

از آفریده تو و زورآوری و از بدی هر جانور سمی و هر گزنده

وَاللَّامَّةِ وَالْخَاصَّةِ وَالْعَامَّةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ

و ملامت کننده و خواص و عوام و از بدی هر جنبنده

صَغِيرَةٍ اَوْ كَبِيرَةٍ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ

کوچک یا بزرگ در شب و روز و از بدی بدکاران

الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنَّكَ

عرب و عجم و از بدی بدکاران دیوان و از آدمیان بدرستیکه تو

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ

بر هر چیزی توانایی و نیست گردش و نه توانائی مگر بخدای بلند

العظيم

العظیم وصلی الله علی خیر مخلوق دعا الی خیر

بزرگ و درود فرستد خدا بر بهترین بندگان که خوانند شده به نیکوتر

معبود اللهم ربنا واتنا فی الدنیا حسنة و

پرستیده شده خداوندا ای پروردگار ما بده ما را در دنیا نیکوئی و

فی الاخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب النار یا

در آخرت نیکوئی و نگاهدار ما را برحمت خود از عذاب دوزخ ای

رب یا رب یا رب اللهم وما کان من خیر

پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا و آنچه بوده باشد از نیکی

او عمل صالح اسئلك به واکون فی رضوانك

یا کردار شایسته سؤال می کنم ترا بآن و بوده باشم در خشنودی تو

وعافیتك وما صلح من ذلك من البر فامنن علی

و عافیت تو و آنچه شایسته است از این از نیکی پس منت نه بر من

به انی الیك راغب وبك مستجیر اللهم ما

بآن بدرستیکه من بسوی تو رغبت کننده ام و بتو زنهار جوینده بار خدایا آنچه

استعفیتك منه وما لم استعفك منه ذنوب وجب

عفو کردم ترا ازان و آنکه طلب عفو کردم ازان و واجب کرده

علی به النار وسخطك فعافنی منه وما عذبت

بر من بآن آتش را و خشم ترا پس عافیت ده مرا ازان و آنکه عذاب کنی

من المخازی یوم القیمة وسوء المطلع الی ما فی

از خوارهای روز قیامت و بدی هول بسوی آنکه در

القبور فأعذني منه اللهم وما أندم عليه

قبرها پس پناه ده مرا از آن خداوندا و آنچه پشیمانم بر آن

من فعلي له وأجازى عليه يوم المعاد أو تراني

از کردارم او را و مکافات کنند بر آن روز قیامت یا ببینی مرا

في الدنيا على الحال التي تورث سخطك فأسألك

در دنیا بر حالی که میراث دهد خشم ترا پس سؤال میکنم ترا

بوجهك الكريم أن تعظم عافيتي من جميع ذلك

بذات بزرگوار تو اینکه عظیم گردانی عافیت مرا از همه اینها

يا ولي العافية يا رب يا رب يا رب وأسألك

ای کننده عافیت ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار و سؤال میکنم ترا

يا رب مع ذلك العافية من جهد البلاء وسوء

ای پروردگار با این عافیت از سختی بلا و بدی

القضاء وشماتة الأعداء وأن تحملني ما لا

حکم و شادمانی کردن دشمنان و اینکه بار کنی بر من آنچه نیست

طاقة لي به وأن تسلط علي ظالما أو تبتليني

توانائی مرا بر آن و اینکه مسلط کنی بر من ستمکاری را یا مبتلا کنی مرا

بما لا طاقة لي به وتناقشني الحساب يوم الحساب

بچیزی که نیست توانائی مرا بآن و سخت گیری مرا در حساب روز حساب

مناقشة تساوي أحوج ما أكون إلى عفوك و

سخت گیری در مقداری که محتاجترم ولی که بوده باشم بسوی بخشش تو و

تجاوزك اسئلك بوجهك الكريم ان تعظم

تجاوز تو سؤال میکنم ترا بذات بزرگ که اینکه بزرگ گردانی

عافیتی فی جمیع ذلك یا ولی العافیة ای من

عافیت ما در همه این ای بخشنده عافیت ای آنکه

عفا عن السیئات ولم یجاز بها ارحم عبدك

درگذشت از گناهان و پاداش نداد بآن رحم کن بنده خود را

یا رب یا رب یا الله یا الله یا الله نفسی

ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای خدا تن را

نفسی ارحم عبدك یا سیداه عبدك بین یدیك

تن مرا رحم کن بنده خود را ای آقا بنده تو در میان دو دست تو

یا رباه یا رباه یا منتهی رغبتاه یا مجری الدم فی

ای پروردگار ای پروردگار ای منتهای خواهشها ای روان کننده خون در

عروقی عبدك عبدك یا سیداه یا مالك

رگهای من بنده تو بنده تو ای آقا ای صاحب اختیار

عبدك یا سیداه یا مالكاه یا هو یا رباه لاحیلة

بنده خود ای آقا ای صاحب اختیار ای او ای پروردگار نیست چاره

لی ولا غناء بی عن نفسی ولا استطیع لها ضرا

مرا و نه بی نیازی مرا از جان خود و نه قدرت دارم برای جان ضرر

ولا نفعا ولا رجاء لی ولا اجد احدا اصانعه

و نه سودی و نیست امیدی مرا و نمی یابم کسی را که مدارا کنم با او

تقطعت اسباب الخدائع واضمحل عني كل باطل

بریده شده اسباب حیلها ازمن ورفته از من هر باطل

افردني الدهر اليك فقمت هذا المقام الهى

تنها کردانید مرا زمانه بسوی تو پس ایستادم اینجا ای خداوند من

بعلمك فكيف انت صانع بي ليت شعري ولا

بدانستن تو پس چگونه تو معامله کننده با من ای کاش میدانستم ونه

اشعر كيف تقول لدعائي اتقول نعم او تقول

دانم من چگونه می گوئی تو برای دعای من آیا می گوئی تو بلی یا می گوئی تو

لا فان قلت لا فيا ويلتاه يا ويلتاه يا ويلتاه

نه پس اگر گوئی تو نه پس ای وای ای وای ای وای

يا عولتاه يا عولتاه يا عولتاه يا شقوتاه يا شقوتاه

ای فغان ای فغان ای فغان ای بدبختی ای بدبختی

يا شقوتاه يا ذلتاه يا ذلتاه يا ذلتاه الى من والى

ای بدبختی ای خواری ای خواری ای خواری بسوی که خواهم گریخت و

عند من او كيف او بماذا او الى اى شيء ومن

نزد که یا چگونه یا بچه رو کنم یا بسوی کدام چیز واز که

ارجو ومن يعود علي ان رفضتني يا واسع المغفرة

امید دارم وکه نفع رساند بر من اگر واگذاری مرا ای فراخ آمرزش

وان قلت نعم كما الظن بك فطوبى لي انا السعيد

واگر بگوئی تو بلی چنانکه اعتقاد من بر تو پس خوشا بحال من منم سعادتمند

فطوبى

فطوبى لي أنا المرحوم أيا مترحم أيا مترئف أيا

پس خوشا بحال من منم رحم شده ای رحم کننده ای رأفت کننده ای مهربان ای

متعطف أيا مجبي أيا متملك أيا متسلط لا عمل

مهربان ای زنده کننده ای خداوند ملک ای خداوند سلطنت نیست کرداری

لي أرجو به نجاح حاجتي ولا أحد أنفع لي منك

که امید داشته باشم بسبب آن روا شدن حاجت خود را و نیست هیچ کس نفع رساننده تر از تو

يا من عرفني نفسه يا من أمرني بطاعته يا مدعو

ای کسیکه شناسانید مرا خود را ای کسیکه امر کرد مرا بطاعت خود ای خوانده شده

يا مسئول أيا مطلوب إليه رفضت وصيتك

ای سؤال کرده شده ای طلب کرده شده بسوی او رد کردم وصیت ترا

التي وصيتني ولو أطعتك لكفيتني ما قمت له

که وصیت کردی مرا و اگر فرمان میبردم ترا هر آینه کفایت می کردی مرا آنچه برخاستم از برای آن

فيه من قبل أن أقوم وأنا مع معصيتي لك راج

در آن پیش از آنکه برخیزم و من با نافرمانی تو امیدوارم

فلا تحل بيني وبين ما رجوته وارددني ملأ

پس حائل مشو میان من و میان آنچه امید دارم و برگردان مرا پر

من خيرك بحقك يا سيدي يا وليي أنا من قد عرفته

از نیکی خود بحق خودت ای آقای من ای دوست من منم آنکه شناختی

شر عبد وأنت خير رب يا مخشي الانتقام يا رب

بنده بدترین و تو بهترین پروردگاری ای ترسیده شده از انتقام ای پروردگار

یا رَبِّ یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ یا مُحیطًا بِمَلَکوتِ

ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای خدا ای فراگیرنده پادشاهی

السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ اَصْلِحْنی لِدینی وَاَصْلِحْنی لِآخِرَتی

آسمانها و زمین واصلاح کن مرا برای دین من واصلاح کن مرا برای آخرت

وَاَصْلِحْنی لِاَهْلی وَاَصْلِحْنی لِوُلْدی وَاَصْلِحْ لی ما

واصلاح کن مرا برای اهل من واصلاح کن مرا برای فرزندان من واصلاح کن برای من آنچه

خَوَّلْتَنی یا اِلٰهی وَاَصْلِحْنی مِنْ خَطایایَ یا حَنّانُ یا مَنّانُ

عطا کردی مرا ای خدای من واصلاح کن مرا از خطاهای من ای مهربان ای بخشنده

تَفَضَّلْ عَلَیَّ بِرَحْمَتِکَ وَامْنُنْ عَلَیَّ بِاِجابَتِکَ وَصَلِّ

بخشش کن بر من برحمت خود و منت گذار بر من باجابت خود و درود فرست

اَللّٰهُمَّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَاَهْلِهِ وَسَلِّمْ وَحُلْ بَیْنی

بارخدایا بر محمد پیغمبر واهل او و درود فرست و حائل شو میان من

وَبَیْنَ ما حُلْتَ بَیْنَهُ وَبَیْنَ اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْباطِلِ

ومیان آنچه حائل شده میان او ومیان اهل خانه محمد از باطل و حق

وَآتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً یا اَرْحَمَ

وبده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی ای رحم کننده ترین

الرّاحِمینَ یس بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ وَاِلٰهُکُمْ اِلٰهٌ واحِدٌ

رحم کنندگان یکو بنام خداوند بخشنده مهربان وخدای شما خدای یکی است

لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحیمُ اَللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْحَیُّ

نیست خدائی مگر او بخشنده مهربان خدا که نیست خدائی مگر او زنده

الْقَیُّومُ

القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات

پاینده قائمی نگیرد اورا جنبش و نه خواب مراوراست آنکه در آسمانها

وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا

وآنکه در زمین است کیست آنکه درخواست کند نزد او مگر

باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا

بفرمان او می داند آنچه پیش دستهای ایشان و آنچه پشت سر ایشان و نه

يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه

می رسند فراهم چیزی از دانای او مگر آنکه خواهد فرا گرفته است کرسی او

السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو

آسمانها و زمین و نمی افکند برنج نگاهداشتن ایشان و او

العلي العظيم الم الله لا اله الا هو الحي القيوم

بلند برتر بزرگ است خدا آنکه نیست خدا مگر او زنده پاینده

هو الذي يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله

اوست آنکه نگاشت صورت شما در رحمها بهر حال که خواهد نیست خدای

الا هو العزيز الحكيم الذين يقولون ربنا اننا

مگر او غالب درست کردار آنانکه می گویند ای پروردگار ما بدرستی ما

امنا فاغفر لنا ذنوبنا وقنا عذاب النار الصابرين

ایمان آوردیم پس بیامرز مارا گناهان ما و نگاه دار مارا از عذاب آتش شکیبایندگان

والصادقين والقانتين والمنفقين والمستغفرين

و راستان و طاعت کنندگان و دهندگان و آمرزش خواهان

بالاسحار شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة
در سحرگاهان گواهی داد خدا اینکه نیست خدایی مگر او و فرشتگان
واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز
و صاحبان دانش در حالی که برپا دارنده بعدل نیست خدایی مگر او غالب
الحكيم ان الدين عند الله الاسلام الله لا اله
دانای کار بدرستیکه دین نزد خدا اسلامست خدا نیست خدایی
الا هو ليجمعنكم الى يوم القيمة لا ريب فيه
مگر او هر آینه فراهم آرد شما را تا روز قیامت نیست شکی در آن
ومن اصدق من الله حديثا ذلكم الله ربكم
و کیست راست گوتر از خدا در خبر آنست خدا پروردگار شما
لا اله الا هو خالق كل شىء فاعبدوه وهو على
نیست خدایی مگر او آفریننده هر چیزی پس پرستنده او را و او بر
كل شىء وكيل اتبع ما اوحى اليك من ربك لا اله
هر چیزی نگهبانست پیروی کن آنکه وحی شده بسوی تو از جانب پروردگار تو نیست خدایی
الا هو واعرض عن المشركين قل يا ايها الناس
مگر او و دوری کن از مشرکین بگو ای گروه مردمان
انى رسول الله اليكم جميعا الذى له ملك السموات
بدرستیکه من فرستاده خدایم بسوی شما همه آنکه مر او راست ملک آسمانها
والارض لا اله الا هو يحيى ويميت فامنوا بالله
و زمین نیست خدایی مگر او که زنده میکند و میمیراند پس ایمان بیاورید بخدا

ورسوله

وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ

و رسول او که پیغمبر است امی آنکه ایمان می آورد بخدا و

كَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا

کلمه‌های او و پیروی کنید او را شاید شما راه یابید و آنکه مامور نشدند مگر آنکه پرستند

إِلَٰهًا وَاحِدًا لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

خدای را یکی نیست معبودی مگر او پاک است او از آنکه شریک می‌آرند

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا

بتحقیق آمد شما را پیغمبری از جنس شما گران است بر او رنج

عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ فَإِنْ

و تعب شما حریص است بر اسلام شما بر مؤمنان بخشنده مهربان پس اگر

تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

پشت کنند پس بگو بس است مرا خدا نیست خدا مگر او بر او اعتماد کردم

وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ

و او است پروردگار عرش بزرگ تا وقتی که دریافت او را غرق شدن

قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُو

گفت ایمان آوردم آنکه نیست خدایی مگر آنکه ایمان آوردند بدو بنی

إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ

اسرائیل و من از جمله مسلمانانم پس اگر اجابت نکردند سؤال شما

فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا

پس بدانید که فرو فرستاده شده بعلم خدا و آنکه نیست خدایی مگر

هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلٰهَ إِلَّا

نیست خدا مگر پروردگار من او بگو ... مسلمانید شما پس آیا او

هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ

که بترسانید بیم کنید ... بازگشت من وبسوی او توکل کردم بر او او

لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ لَهُ

مر او را ... نیست خدا مگر او خدا پس بترسید از من مگر من نیست خدا

الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ إِنَّنِي أَنَا اللّٰهُ

خدا منم ... آنچه وحی کرده شده پس بشنو نیکوتر نامهای

لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَوٰةَ لِذِكْرِي

از برای یاد من نماز را بر پا دار پس پرستش کن مرا مگر من نیست خدا

إِنَّمَا إِلٰهُكُمُ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ

همه چیز را ... فرا گرفته او مگر خدا نیست که خدای شما جز این نیست

عِلْمًا وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا

مگر ... پیغمبری از پیش تو و نفرستادیم ... از روی دانش

نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ وَذَا النُّونِ

ماهی ... و پس پرستش کنید مرا مگر من خدا نیست اینکه بسوی او وحی کرده شد

إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ

ندا کرد ... بر او ... نتوانیم که گمان برد ... خشمناک رفت چون

فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي

که ... بودم ... من ... تو مگر خدا نیست اینکه در تاریکیها

كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ

بودم از ستمکاران [illegible] پس [illegible] دعای او را و رهانیدیم او را از اندوه

وَكَذَٰلِكَ نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ

و همچنین [illegible] پس برتر است خدای [illegible]

لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا

نیست خدایی مگر او پروردگار عرش بزرگ است خدا آنکه نیست خدایی مگر

هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ

او مراوراست ستایش در این جهان و در آن جهان و مراوراست فرمان و بسوی او

تُرْجَعُونَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

بازگشت شما ای گروه مردمان یاد کنید نعمت خدا را بر شما

هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

آیا هست آفریننده غیر خدا که روزی دهد شما را از آسمان و زمین

لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ

نیست خدایی مگر او پس از کجا دروغ می‌گویید ایشان بودند چون گفته شد

لَهُمْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ

برای ایشان که نیست خدایی مگر خدای گردن کشی کنند این است خدای پروردگار شما

لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ غَافِرِ

مراوراست پادشاهی نیست خدایی مگر او پس کجا برگردانیده می‌شوید آمرزنده

الذَّنبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ

گناهان و قبول کننده توبه سخت عقوبت کننده خداوند انعام

لا اله الا هو اليه المصير ذلكم الله ربكم خالق

نيست خدا مگر او بسوى اوست بازگشت اين است خدا پروردگار شما آفريننده

كل شيء لا اله الا هو فانى تؤفكون تبارك الله

هر چيزى نيست خدا مگر او پس از كجا دروغ مى بندند بزرگ است خدا

رب العالمين لا اله الا هو يحيي ويميت ربكم

پروردگار جهانيان نيست خدا مگر او زنده مى كند و ميميراند پروردگار شما

ورب ابائكم الاولين فاعلم انه لا اله الا الله

و پروردگار پدران شما كه پيشينيانند پس بدان انكه نيست خدا مگر خدا

واستغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات والله

و طلب آمرزش كن براى گناه خود و از براى مردان مؤمن و زنان مؤمنه و خدا

يعلم متقلبكم ومثويكم لو انزلنا هذا القران

مى داند بازگشت شما را و آرامگاه شما را اگر فرو فرستاديم اين قرآن را

على جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله

بر كوه هرآينه ديدى او را فروتنى كننده و شكافته شده از ترس خدا

وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون

و اين داستانها مى زنيم براى مردمان شايد ايشان فكر كنند

هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس

اوست خداى آنچنانكه نيست خدا مگر او پادشاه پاك از عيبها

السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر

سالم ايمن كننده نگهبان غالب جبار بزرگوار

سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ

پاک است خدا از آنکه شریک می‌دانند او است خدای آفریننده پدید آرنده

الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي

نگارنده صورت‌ها مر او راست نامهای نیکو تسبیح می‌کند مر او را آنچه در

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اَللّٰهُ لَا

آسمانها و زمین است و او است غالب درستکار خدا نیست

اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ رَبُّ

خدایی مگر او و بر خدا باید اعتماد کنند ایمان آورندگان پروردگار

الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا

مشرق و مغرب نیست خدایی مگر او پس فرا گیر او را کارگذار

پس هفت وَاِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَاْتِيهِ الْبَاطِلُ

مرتبه بگو و به درستی که او هر آینه کتابی است غالب نمی‌آید او را باطل

مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ

از میان دو دست او و نه از پس سر او فرو فرستاده شده از جانب درستکار ستوده

پس آمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا اُنْزِلَ اِلَيْنَا وَمَا اُنْزِلَ اِلٰى اِبْرٰهِيمَ

بگو ایمان آوردیم به خدا و آنکه فرو فرستاده شد بسوی ما و آنکه فرستاده شد بسوی ابراهیم

وَاِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَالْاَسْبَاطِ وَمَا

و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اسباط و آنکه

اُوتِيَ مُوسٰى وَعِيسٰى وَمَا اُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ

داده شد موسی و عیسی و آنکه داده شد پیغمبران از پروردگار ایشان

لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ رَبَّنَا

جدا نمی کنیم میان هیچیک از ایشان و ما برای او اسلام آورده ایم پروردگار ما

رَبُّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ اِلٰهًا

پروردگار آسمانها و زمین است نمی خوانیم غیر او خدایی را

لَقَدْ قُلْنَا اِذًا شَطَطًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی هَدَانَا لِهٰذَا

هرآینه گفته باشیم گفتاری بعید دروغ ستایش مر خدای را که راه نمود ما را این

وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا اللّٰهُ لَقَدْ جَاءَتْ

و نبودیم ما که هدایت بیابیم اگر نبوده هدایت کرده ما را خدا بتحقیق که آمدند

رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ پس

فرستادگان پروردگار ما براستی درود خدا بر ایشان همه

بگو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو باد ای فرستاده خدا سلام بر تو باد ای

نَبِیَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ اللّٰهِ مِنْ خَلْقِهِ وَ

پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای برگزیده خدا از بندگان او و

اَمِينَهُ عَلٰى وَحْيِهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَایَ يَا اَمِيرَ

امین او بر وحی او سلام بر تو باد ای آقای من ای پادشاه

الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اَنْتَ

مومنان سلام بر تو باد ای آقای من ای امیر مومنان تو

حُجَّةُ اللّٰهِ عَلٰى خَلْقِهِ وَاَمِينُهُ عَلٰى وَحْيِهِ وَبَابُ

حجت خدا بر بندگان او و امین او بر وحی او و در

عِلْمِهِ وَوَصِيِّ نَبِيِّهِ وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِهِ فِي أُمَّتِهِ

دانش او و وصی پیغمبر او و جانشین بعد از او در امت او

لَعَنَ اللهُ أُمَّةً غَصَبَتْكَ حَقَّكَ وَقَعَدَتْ مَقْعَدَكَ

لعنت کند خدا گروهی را که غصب کردند حق ترا و نشستند بجای نشستن تو

أَنَا بَرِيءٌ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيعَتِهِمْ إِلَيْكَ السَّلَامُ عَلَيْكِ

من بیزارم از ایشان و از پیروان ایشان بسوی تو سلام بر تو باد

يَا فَاطِمَةُ الْبَتُولُ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا زَيْنَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

ای فاطمه پاره تن رسول سلام بر تو باد ای زینت زنان جهانیان

السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سلام بر تو باد ای دختر رسول خدای پروردگار جهانیان

صَلَّى اللهُ عَلَيْكِ وَعَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا أُمَّ

درود خدا بر تو و بر او سلام بر تو ای مادر

السِّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ لَعَنَ اللهُ أُمَّةً غَصَبَتْكِ

دو سبط حسن و حسین لعنت کند خدا گروهی را که غصب کردند

حَقَّكِ وَمَنَعَتْكِ مَا جَعَلَهُ اللهُ لَكِ حَلَالًا طَيِّبًا

حق ترا و منع کردند ترا از آنکه قرار داده بود آنرا خدا از برای تو حلال پاکیزه

أَنَا بَرِيءٌ إِلَيْكِ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيعَتِهِمْ السَّلَامُ عَلَيْكَ

من بیزارم بسوی تو از ایشان و از پیروان ایشان سلام بر تو

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ الزَّكِيَّ لَعَنَ اللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَبَايَعَتْ

ای ابا محمد حسن پاکیزه لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و بیعت کردند

فِي أَمْرِكَ وَشَايَعَتْ وَأَنَا بَرِيءٌ إِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ

در امر تو و پیروی کرده دشمن بیزارم بسوی تو از ایشان و از

شِيعَتِهِمْ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَاىَ يَا أَبَا عَبْدِ اللّٰهِ

شیعه داران ایشان سلام بر تو باد ای آقای من ای ابا عبد الله

الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبِيكَ

حسین پسر علی درود خدا بر تو و بر پدر تو

وَجَدِّكَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَعَنَ اللّٰهُ

و جد تو محمد برگزیده درود خدا بر او و آل او و لعنت کند خدا

أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ دَمَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ

گروهی که حلال دانستند خون ترا و لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا

وَاسْتَبَاحَتْ حَرِيمَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ أَشْيَاعَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ

و مباح دانستند حرمت ترا و لعنت کند خدا پیروان ایشان را و اتباع ایشان

وَلَعَنَ اللّٰهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ أَنَا

و لعنت کند خدا تهیه کنندگان ایشان را بتمکین از قتال شما من

بَرِيءٌ إِلَى اللّٰهِ وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَاىَ

بیزارم بسوی خدا و بسوی تو از ایشان سلام بر تو ای آقای من

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَاىَ

ای ابا محمد علی بن حسین سلام بر تو باد ای آقای من

يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَاىَ

ای ابا جعفر محمد بن علی سلام بر تو باد ای آقای من

يا ابا

يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

ای ابا عبد الله جعفر پسر محمد سلام بر تو ای

مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

آقای من ای ابا حسن موسی پسر جعفر سلام بر تو باد

يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

ای اباحسن علی موسی الرضا سلام بر تو باد

يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

ای آقای من ای ابا جعفر محمد پسر علی سلام بر تو

يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

ای آقای من ای اباحسن علی پسر محمد سلام بر تو

يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

ای آقای من ای ابا محمد حسن پسر علی سلام بر تو

يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَاحِبَ

ای آقای من ای ابا قاسم حجة فرزند حسن صاحب

الزَّمَانِ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلَى عِتْرَتِكَ الطَّاهِرَةِ

زمان رحمت خدا بر تو و بر عترت تو که پاکان

الطَّيِّبَةِ يَا مَوَالِيَّ كُونُوا شُفَعَائِي عِنْدَ اللهِ فِي

و پاکیزگانند ای آقایان من باشید شفیعان از برای من نزد خدا در

حَطِّ وِزْرِي وَخَطَايَايَ آمَنْتُ بِاللهِ وَبِمَا أُنْزِلَ

فرو گذاشتن بارگرانم و گناهان من ایمان آوردم بخدا و بآنچه فرستاده شده

إليكم وأتوالى آخركم بما أتوالى أوّلكم وبرئت

بسوی شما و دوستی می‌کنم آخر شما را که دوستی کردم اول شما را و بیزاری می‌جویم

من الجبت والطاغوت واللات والعزّى يا موالي

از جبت و طاغوت و لات و عزّی ای آقای آقایان من

أنا سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم وعدوّ لمن

من صلح با هر کس که با شما صلح است و جنگم با هر که با شما جنگ است و دشمنم با هر که

عاداكم وولي لمن والاكم إلى يوم القيمة ولعن

دشمن است شما را و دوستم با هر که شما را دوست است تا روز قیامت و لعنت کند

الله ظالميكم وغاصبيكم ولعن الله أشياعهم

خدا ستمکاران شما را و غصب کنندگان حق شما را و لعنت کند خدا پیروان شان

وأتباعهم وأهل مذهبهم وأبرأ إلى الله وإليكم

و تابعان شان را و اهل مذهب ایشان را و بیزاری می‌جویم بسوی خدا و بسوی شما

منهم اللهمّ إنّي أشهدك وكفى بك شهيدا وأشهد

از ایشان خداوندا بدرستی که گواه می‌گیرم تو را و کافیست تو را گواه و گواه می‌گیرم

محمّدا صلّى الله عليه وآله وعليّا والأئمّة من

محمد را رحمت خدا بر او و بر آل او و علی و پیشوایان از

ذرّيّتهما والثمانية حملة عرشك والأربعة الأملاك

فرزندان ایشان و هشت تن که بردارندهٔ عرش تواند و چهار تن فرشتگان

خزنة علمك أنّي بريء من أعدائهم فعلى محمّد وأهل

خزانه‌داران علم تواند که من بیزارم از دشمنان ایشان پس بر محمد و اهل

بيته

بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الصَّلوٰةُ وَالسَّلامُ اَللّٰهُمَّ

خداوندا درود باد رحمت پاکیزگان و پاکان که خانه او

اَقْرِرْ عَيْنِي بِصَلاتِهِ وَصَلوٰةِ اَهْلِ بَيْتِهِ وَاجْعَلْ

بگردان خانواده اهل درود فرستادن برادر به درود فرستادن او را چشم روشن کن

مَا هَدَيْتَنِي اِلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ وَالْمَعْرِفَةِ بِهِمْ مُسْتَقَرّاً

داشته ثابت ایشان و معرفت از حق بسوی او مرا کرده راهنما آنچه

لا مُسْتَوْدَعاً يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ وَعَرِّفْنِي

مرا شناسان خداوندا رحم کنندگان ای رحم کننده‌ترین نه امانت گذاشته

نَفْسَكَ وَعَرِّفْنِي رُسُلَكَ وَعَرِّفْنِي مَلٰئِكَتَكَ وَ

و فرشتگان را بشناسان مرا پیغمبران را بشناسان مرا ذات خود را

عَرِّفْنِي وُلاةَ اَمْرِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي لا اٰخُذُ اِلّا مَا

آنکه مگر نمی گیرم من بدرستی خداوندا والیان خود را مرا بشناسان

اَعْطَيْتَ وَلا اُوقٰى اِلّا مَا وَقَيْتَ اَللّٰهُمَّ لا تُحْرِمْنِي

مرا محروم مکن خداوندا تو نگاه میداری آنکه مگر نمی شوم نگاهداشته و عطا کرده

مَنَازِلَ اَوْلِيَائِكَ وَلا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ

و ببخش مرا هدایت کردی آنکه بعد از مرا دل میگردان و خود دوستان فرود آمدن جاهای از

لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ وَهَيِّئْ لِي

مرا مهیا کن و بخشنده بسیار تو که بدرستی رحمتی خود نزد از مرا

مِنْ اَمْرِي رُشْداً اَللّٰهُمَّ وَعَلِّمْنِي نَاطِقَ التَّنْزِيلِ وَ

و قرآن خواندن مرا تعلیم کن و خداوندا رستگاری خود دین کار از

وَخَلِّصْنِي مِنَ الْمَهَالِكِ اَللّٰهُمَّ وَخَلِّصْنِي مِنَ

وخلاص کن مرا از مهلکها خداوندا وخلاص کن مرا از

الشَّيْطَانِ وَحِزْبِهِ وَمِنَ السُّلْطَانِ وَجُنْدِهِ وَمِنَ

شیطان ولشکریان او واز سلطان ولشکریان او واز

الْجِبْتِ وَاَنْصَارِهِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمَحْمُودِ وَبِعَلِيٍّ الْمَقْصُودِ

جبت ویاران او بحق محمد ستوده شده وبحق علی قصد کرده شده

وَبِحَقِّ شَبَّرٍ وَشُبَيْرٍ وَبِحَقِّ اَسْمَائِكَ الْحُسْنٰى صَلِّ عَلٰى

وبحق حسن وحسین وبحق نامهای تو که نیکوست درود فرست بر

مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ الصَّلَوَاتِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَاَنْتَ

محمد بهترین درودها بدرستی که تو بر هر چیز توانائی وتو

بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا اَللّٰهُ يَا

بهر چیز فرا گیرنده ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدا ای خدا

اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا سَيِّدَاهُ

خدا ای پروردگار ای پروردگار ای آقا ای آقا

يَا مَوْلَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا

ای صاحب ای صاحب ای ستون آنکه نیست ستونی مر او را ای

سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ وَيَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ اَنْتَ

معتمد آنکه نیست معتمدی او را وای ذخیره آنکه نیست ذخیره او را تو

رَبِّي وَاَنَا عَبْدُكَ عَلٰى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ اَللّٰهُمَّ

پروردگار منی ومن بنده توام بر پیمان تو ووعده تو خداوندا

اجعله

اجعله موقفاً محموداً ولا تجعله آخر العهد منّا

بگردان اورا ایستادگاه پسندیده ومگردان اورا آخر عهد ازما

واشركنا في صالح دعاء من دعاك بمنى وعرفات

وشریک گردان مارا در دعای شایسته خواننده ترا بمنی وعرفات

ومزدلفة وعند قبر نبيّك عليه وآله السلام

ومزدلفه ونزد قبر پیغمبر تو براو وآل او سلام

وعند زمزم والمقام اللّهمّ لك الحمد حيث دفعت

ونزد زمزم ومقام خداوندا ترا است سپاس هرجا برگرداندی

اقدامنا عن شدّ الزنانير في الأوساط والخواتيم

قدمهای مارا از بستن زنارها در کمرها وخاتمها

في الأعناق ولك الحمد حيث لم تجعلنا زنادقة

در گردنها ومر تراست سپاس هرجا که نگردانیدی مارا بی‌دینان

مضلّين ولا مدّعية شاكّين مرتابين ولا معاندين

گمراه ونه ادعاکنندگان شک شدگان با اعتقاد ونه معاندکنندگان

ولا عن أهل بيت نبيّك صلّى الله عليه وآله

ونه از اهل خانه پیغمبر تو رحمت خدا براو وبرآل او

منحرفين اللّهمّ كما بلّغتنا هذا اليوم المبارك

برگردندگان خداوندا چنانکه رسانیدی مارا این روز مبارک

من شهرنا وسنتنا هذه المباركة فبلّغنا آخرها

از ماه ما وسال ما این با برکت پس برسان آخر آن

فی عافیةٍ وبلّغنا اعواماً کثیرةً برحمتك یا ارحم

در عافیت و برسان ما را سالهای بسیار برحمت خود ای رحم کنندهٔ

الراحمین یا ربّ یا ربّ یا ربّ یا الله یا الله یا الله یا

رحم کنندگان ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای خدا ای

ربّاه یا ربّاه یا ربّاه یا سیّداه یا سیّداه یا سیّداه

پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای بزرگ ای آقا ای آقا

یا مولاه یا مولاه یا مولاه اللّهمّ وما قسمت لی فی

ای صاحب ای صاحب ای صاحب خداوندا وانچه قسمت کردی برای من در

هذه الساعة وفی هذا الیوم وفی هذا الشهر وفی

این ساعت و در این روز و در این ماه و در

هذه السنة من خیرٍ او برکةٍ او عافیةٍ او مغفرةٍ

این سال از نیکی یا برکت یا عافیت یا آمرزش

او رأفةٍ او رحمةٍ او عتقٍ من النار او رزقٍ واسعٍ

یا مهربانی یا رحمت یا آزادی از آتش یا روزی فراخ

حلالٍ طیّبٍ او توبةٍ نصوحٍ فاجعل لنا فی ذلك

حلال پاکیزه یا توبهٔ خالص پس بگردان ما را در این گردانیده

اوفر النصیب واجزل الحظّ اللّهمّ وما انزلت فی

وافرتر نصیبی و کاملتر بهرهٔ خداوندا وانچه فرستادی تو در

هذه الساعة وفی هذا الیوم وفی هذا الشهر

این ساعت و در این روز و در این ماه

وفی هذه

وَفِي هٰذِهِ السَّنَةِ مِنْ حَرْقٍ اَوْ شَرْقٍ اَوْ غَرْقٍ اَوْ
و در این سال از سوختن و شرقه یافتن یا غرق شدن یا

هَدْمٍ اَوْ رَدْمٍ اَوْ خَسْفٍ اَوْ قَذْفٍ اَوْ رَجْفٍ اَوْ مَسْخٍ
خراب شدن یا بستن یا فرو رفتن بزمین یا انداختن یا لرزیدن یا مسخ شدن

اَوْ صَيْحَةٍ اَوْ زَلْزَلَةٍ اَوْ فِتْنَةٍ اَوْ صَاعِقَةٍ اَوْ بَرَدٍ
یا نعره عجیب یا لرزیدن زمین یا آشوب یا صاعقه یا سرما

اَوْ جُنُونٍ اَوْ جُذَامٍ اَوْ بَرَصٍ اَوْ اَكْلِ سَبُعٍ اَوْ مِيتَةِ
یا دیوانه یا خوره یا برص یا خوردن جانوران یا کشتن

سُوْءٍ وَجَمِيعِ اَنْوَاعِ الْبَلَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ فَاصْرِفْ
بد و همه انواع بلا در دنیا و آخرت پس بگردان

عَنَّا كَيْفَ شِئْتَ وَاَنّٰى شِئْتَ وَعَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ
از ما هر گونه که خواهی و از هر جا که خواهی و از همه مومنان

فِي كُلِّ دَارٍ وَمَنْزِلٍ فِي شَرْقِ الْاَرْضِ وَغَرْبِهَا عَزَّ
در هر خانه و منزلها در شرق زمین و مغرب زمین عزیز است

جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ وَحْدَكَ لَا
همسایه تو و بزرگ است ستودن تو و نیست خدا غیر تو یگانه تو نیست

شَرِيكَ لَكَ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ
شریک از برای تو آفریننده آسمانها و زمین دانای پنهان

وَالشَّهَادَةِ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ
و آشکارا پروردگار هر چیزی و پادشاه او گواهی میدهم که نیست خدا

إِلَّا ٱللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
که نیست خدایی یگانه نیست شریک برای او و گواهی می دهم اینکه محمد

صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَشْهَدُ
رحمت خدا براو و آل او بنده اوست و فرستاده او و گواهی می دهم

أَنَّ ٱلْجَنَّةَ حَقٌّ وَٱلنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ ٱلسَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا
اینکه بهشت حق است و آتش دوزخ حق است و اینکه قیامت آینده است نیست

رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ ٱللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي ٱلْقُبُورِ أَشْهَدُ
شک دراو و اینکه خدا بر می انگیزاند هر که را در قبرهاست گواهی می دهم

أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا ٱللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ عَلَيْهَا أَحْيَا
اینکه نیست خدایی مگر خدای یگانه نیست شریک برای او بر آن زنده می شوم

وَعَلَيْهَا أَمُوتُ وَعَلَيْهَا أُبْعَثُ حَيًّا إِنْ شَاءَ ٱللّٰهُ
و بر آن می میرم و بر آن برانگیخته می شوم زنده اگر خواهد خدا

رَضِيتُ بِٱللّٰهِ رَبًّا وَبِٱلْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى ٱللّٰهُ
راضی شدم بخدا پروردگاری و باسلام دین و بمحمد رحمت خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا وَبِعَلِيٍّ وَلِيًّا وَإِمَامًا وَبِٱلْقُرْآنِ
براو و آل او پیغمبر و بعلی دوست و پیشوا و بقرآن

كِتَابًا وَبِٱلْكَعْبَةِ قِبْلَةً وَبِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ ٱلسَّلَامُ
کتاب و بکعبه قبله و بابراهیم براو سلام

لِنَبِيِّنَا أَبًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا وَبِأَمِيرِ
برای پیغمبر ما پدر و بمحمد رحمت خدا براو و آل او پیغمبر و بامیر

المؤمنين

المُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ لِلْحَقِّ مُوضِحًا وَ
مؤمنان درود خدا بر او برای حق واضح کننده و

لِلْجَنَّةِ وَالنَّارِ قَاسِمًا وَبِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ شِيعَتِهِ
بهشت و دوزخ را تقسیم کننده و بمؤمنین از شیعیان او

اِخْوَانًا لَا اُشْرِكُ بِاللهِ شَيْئًا وَلَا اَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ
برادر شریک نمی گیرم بخدا چیزی و فرا نمی گیرم غیر از خدا

وَلِيًّا وَلَا اَدَّعِي مَعَهُ اِلٰهًا لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ
دوستی را و نمی خوانم با خدا خدائی نیست خدائی مگر خدای یگانه

لَا شَرِيكَ لَهُ اِلٰهًا وَاحِدًا اَحَدًا فَرْدًا صَمَدًا
نیست شریکی از برای او خدای یگانه یکتا تنها بی نیاز

لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
فرا نگرفته یاری و نه فرزندی خداوندا بدرستیکه سوال میکنم

بِالْعَظِيمِ مِنْ آلَائِكَ وَالْقَدِيمِ مِنْ نَعْمَائِكَ وَالْمَخْزُونِ
بر بزرگ از نعمتهای تو و دیرینه از انعام تو و پنهان

مِنْ اَسْمَائِكَ وَمَا وَارَتِ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ وَ
از نامهای تو و آنچه پوشیده از پرده ها از نیکوئی تو و

مَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ
محل ارجمندی از عرش تو و منتهای رحمت از

كِتَابِكَ وَبِكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اَنْ تُصَلِّيَ
کتاب تو و بتو یگانه تو نیست شریک از برای تو اینکه درود فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْحَمَ هٰذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ

بر محمد و آل محمد و اینکه رحم کنی باین نفس جزع کننده

وَهٰذَا الْبَدَنَ الْهَلُوعَ الَّذِي لَا يُطِيقُ حَرَّ شَمْسِكَ

و این بدن ناشکیبنده چنانکه طاقت ندارد گرمی آفتاب ترا

فَكَيْفَ حَرَّ نَارِكَ أَنْ تُعَاقِبَنِي لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ

پس چگونه طاقت گرمی آتش تو اینکه عقاب کنی مرا زیاد نمی شود در ملک تو

شَيْءٌ وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي لَا يَنْقُصُ مِنْ مُلْكِكَ شَيْءٌ

چیزی و اگر عفو کنی از من کم نمی شود از ملک تو چیزی

أَنْتَ يَا رَبِّ بِخَلْقِكَ أَرْحَمُ وَبِعِبَادِكَ أَعْلَمُ وَ

تو ای پروردگار به آفریدگان خود رحیم تری و به بندگان تو داناتری

بِسُلْطَانِكَ أَرْءَفُ وَبِمُلْكِكَ أَقْدَمُ وَبِعَفْوِكَ أَكْرَمُ

به پادشاهی خود مهربان تری و بملک خود دیرینه تری و بعفو خود کریم تری

وَعَلَى عِبَادِكَ أَنْعَمُ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ طَاعَةُ

و بر بندگان خود انعام کننده تری زیاد نمی شود در ملک تو طاعت

الْمُطِيعِينَ وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْعَاصِينَ

اطاعت کنندگان و کم نمی شود از آن نافرمانی نافرمانی کنندگان

وَاعْفُ عَنِّي يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و درگذر از من ای کریم ترین بزرگواران و ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

أَلُوذُ بِعِزَّتِكَ وَأَسْتَظِلُّ بِفِنَائِكَ وَأَسْتَجِيرُ بِفَضْلِكَ

پناه می برم بعزت تو و سایه می جویم بآستان تو و پناه می برم بفضل تو

واستغفر

وَاسْتَغِيثُ بِرَحْمَتِكَ وَاعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ وَلَا اَثِقُ

واستغاثه میکنم برحمت تو و چنگ میزنم بریسمان تو و اعتماد ندارم

اِلَّا بِكَ وَلَا اَلْجَأُ اِلَّا اِلَيْكَ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا

مگر بتو و پناه نمیبرم مگر بسوی تو ای بزرگ امید ای

كَاشِفَ الْبَلَاءِ وَيَا اَحَقَّ مَنْ تَجَاوَزَ وَعَفَا اَللّٰهُمَّ

زایل کننده بلا و ای سزاوارترکسی که درگذرد و عفو کند خداوندا

اِنَّ ظُلْمِي مُسْتَجِيرٌ بِعَفْوِكَ وَخَوْفِي مُسْتَجِيرٌ بِاَمَانِكَ

بدرستیکه ستم من زنهار جوینده است بگذشت تو و ترس من زنهار جوینده است بامان تو

وَفَقْرِي مُسْتَجِيرٌ بِغِنَاكَ وَوَجْهِيَ الْبَالِيَ الْفَانِي

واحتیاج من زنهار جوینده است به بی نیازی تو و روی من کهنه و فانی است

مُسْتَجِيرٌ بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي الَّذِي لَا يَفْنَى وَلَا

زنهار جوینده است بذات تو که همیشه و پاینده است که فانی نمی شود و

يَزُولُ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَانٌ عَنْ شَانٍ لَا تَجْعَلْ

زایل نگردد ای آنکه مشغول نمیکند ترا کاری از کاری و مگردان

مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا اَكْبَرَ هَمِّنَا وَلَا

مصیبت ما را در دین ما و مگردان دنیا را بزرگتر اندوه ما و نه

تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِنَا

مسلط مگردان بر ما کسیکه رحم نمیکند بر ما و برگرد به بردباری خود بر نادانی ما

وَبِاِحْسَانِكَ عَلَى اِسَاءَتِنَا وَبِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعْفِنَا وَ

و به نیکوئی خود بر بدی ما و بتوانائی خود بر ناتوانائی ما و

وَبِغِنَاكَ عَلَى فَقْرِنَا وَاَعِذْنَا مِنَ الْاَذَى وَالْقَذَى

و بتوانگری خود بر احتیاج ما و پناه ده ما را از بدی و در دلها

وَالضُّرِّ وَسُوْءِ الْقَضَاءِ وَشَمَاتَةِ الْاَعْدَآءِ وَسُوْءِ

و گزندها و بدی قضا و شادی کردن دشمنان ببدی

الْمَنْظَرِ فِى الْمَالِ وَالدِّيْنِ وَالْاَهْلِ وَالْوَلَدِ وَعِنْدَ

نگریستن در مال و دین و اهل و فرزندان و نزد

مُعَايَنَةِ الْمَوْتِ اَللّٰهُمَّ يَا رَبِّ نَشْكُوْا غَيْبَةَ نَبِيِّنَا

آشکارا دیدن مرگ خدایا ای پروردگار شکایت می کنیم نهان بودن پیغمبر خود را

عَنَّا وَقِلَّةَ نَاصِرِنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَشِدَّةَ الزَّمَانِ

از ما و کمی یاری کننده ما و بسیاری دشمنان ما و سختی زمانه

عَلَيْنَا وَوُقُوْعَ الْفِتَنِ وَتَظَاهُرَ الْخَلْقِ عَلَيْنَا اَللّٰهُمَّ

بر ما و واقع شدن فتنها بر ما و هم پشت شدن بر ما خدایا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَافْرُجْ ذٰلِكَ بِفَرَجٍ مِنْكَ

رحمت کن بر محمد و آل محمد و گشایش ده این را بگشایشی از خود

تُعَجِّلُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَحَقٍّ تُظْهِرُهُ اَللّٰهُمَّ وَابْعَثْ

شتابنده و یاری ارجمند کنی او را و حقی ظاهر سازی او را خدایا بر انگیزان

بِقَائِمِ اٰلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ لِلنَّصْرِ لِدِيْنِكَ

قائم آل محمد را رحمت خدا بر او و آل او برای یاری دادن دین تو

وَاِظْهَارِ حُجَّتِكَ وَالْقِيَامِ بِاَمْرِكَ وَتَطْهِيْرِ اَرْضِكَ

و آشکار کردن حجت خود و بپای ایستادن فرمان خود و پاک کردن زمین خدا

مِن

مِنْ اَرْجَاسِهَا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ
از چه گناهی که ... برحمت خود ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان خداوندا
اِنِّي اَعُوذُ بِكَ اَنْ اُوَالِيَ لَكَ عَدُوًّا اَوْ اُعَادِيَ
بدرستیکه من پناه می‌برم بتو اینکه دوست دارم دشمن ترا یا دشمن گیرم
لَكَ وَلِيًّا اَوْ اَسْخَطَ لَكَ رِضًى اَوْ اَرْضَى لَكَ
دوست ترا یا خشم گیرم برای تو خوشنودی را یا خوشنود باشم برای تو
سَخَطًا اَوْ اَقُولَ بِحَقٍّ هٰذَا بَاطِلٌ اَوْ اَقُولَ لِبَاطِلٍ
خشم را یا بگویم یا بگویم حق را که این باطل است یا بگویم مر باطل را
هٰذَا حَقٌّ اَوْ اَقُولَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هٰؤُلَاءِ اَهْدٰى
که این حق است یا بگویم مر آنانکه کافر شدند این گروه راه یافته‌ترند
مِنَ الَّذِينَ اٰمَنُوا سَبِيلًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ
از آنانکه ایمان آوردند از راه خداوندا درود فرست بر محمد و
اٰلِهِ وَاٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً
آل او و عطا کن ما را در دنیا نیکوئی را و در آخرت نیکوئی را
وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ وسابقا مذکور شد
و نگاهدار ما را برحمت خود از عذاب دوزخ
که عمل استفتاح را

نیز در این روز بعمل آوردن مستحب است **فصل یکم**
در بیان اعمال الضروریه شب عید قربان و روز
و ایام تشریق یعنی یازدهم و دوازدهم و سیزدهم
بدانکه شب عید اضحی از جمله چهار شبست که احیای

انها سنت مؤکداست ومنقولست که درهای اسمان
بسته نمیشود برای انکه صداهای دعای حاجیان
بالا رود وصدای ایشان در اسمان بپیچد مانند
صدای مگس عسل درمیان گنبد وحق تعالی حاجیان
ندا می کند که منم پروردگار شما وشما اید بندگان
من وحق مرا ادا کنید وبر من لازمست که دعای شما
مستجاب گردانم پس هرکه مستحق امرزش است همه گناهان
اورا می امرزم وهرکه سزاوار ان نیست گناهش را
کم می کند پس هرکه با ایشان در عبادت ودعا شریک
شود در ثواب با ایشان شریک خواهد بود وغسل
وزیارت حضرت امام حسین ع در اینشب سنت است
ومنقولست که هرکه انحضرت را در اینشب زیارت
کند گناهان گذشته واینده اش امرزیده شود وا
اعمال روز عید غسل دران سنت مؤکد است وبعضی
واجب دانسته اند وبهتر انست که پیش از نماز غسل
کند ونماز عید بنابر مشهور در زمان غیبت امام
سنت مؤکد است وبگمان فقیر واجبست بشرایط
مقرره وهمان کیفیت است نمازش که در عید فطر
مذکور شد ودعای پیش از نماز عید در انجا مذکور
شد ودعای بسیار پیش از نماز وبعد از ان وارد شده

واین

در این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بهترین دعاها
دعای چهل و ششم صحیفه کامله است که اولش
یا مَن یَرحَمُ مَن لا یَرحَمُهُ العِباد است بخواند و اگر
دعای چهل و هشتم صحیفه کامله را بخواند خوبست
که اولش اینست که اللهمّ هذا یومٌ مبارکٌ و در بعضی
از نسخ قدیمه صحیفه استحباب خواندن دعای یا من یرحم
نیز وارد شده است و دعای ندبه بهترین دعاهاست
و در این روز و سایر اعیاد سنت است خواندن نماز
چنانچه ان شاء الله بعد از این در ضمن زیارات مذکور
خواهد شد و در این عید سنت است که افطار بعد از
نماز از گوشت قربانی بشود و از جمله احکام این عید
قربان است و آن سنت مؤکد است و بعضی از علما
واجب دانسته اند اگر قدرت بر این داشته باشد
و از حضرت صادق منقولست که اضحیه واجبست
بر هر مسلمانی و فرمود که از برای خود البته بکن و از
برای عیال خود اگر خواهی بکن و اگر خواهی مکن و از
ام سلمه زوجه حضرت رسول منقولست که بآنحضرت
عرض کردم که عید اضحی حاضر میشود و من قیمت اضحیه
ندارم آیا قرض کنم و اضحیه بکنم حضرت فرمود که
قرض کن که آن قرض را خدا ادا میکند و بهتر اینست

که در روز عید بکشد و در روز یازدهم و دوازدهم
نیز میتواند کشت و اگر در منی باشد روز سیزدهم
نیز میتواند کشت و بهتر آنست که در دهه ذیحجه
خریده باشد و مکروهست قربانی کردن حیوانی
که در خانه تربیت کرده باشند و میباید یا شتر یا گاو
یا گوسفند یا بز بوده باشد و حیوانات دیگر را قربانی
نمیتوان کرد و اگر شتر باشد میباید پنج سال تمام داشته
باشد یا زیاده و اگر گاو و یا بز باشد میباید که یک سالش
تمام باشد و داخل در سال دوم شده باشد و اگر دو سال
تمام داشته باشد بهتر است و اگر گوسفند باشد شش
ماهه کافیست و اگر هفت ماهش تمام باشد بهتر است
و میباید که نقصی در اعضایش نبوده باشد و کور
یک چشم یا هر دو چشم نبوده باشد و بسیار لنگ نباشد
که راه رفتن بر او دشوار باشد و گوشش بریده نباشد
و اگر شق شده باشد و جدا نشده باشد باکی نیست و اگر
شق نیز نباشد بهتر است و باید که مغز شاخش
نشکسته باشد و اگر پوستش شکسته باشد نیز خوبست
و بهتر آنست بیمار و بسیار پیر نباشد و سنت است
که فربه باشد و باید که بسیار لاغر نباشد که پیه بر گرده اش
نباشد و باید که خصی نباشد یعنی خصیه اش را نبریده

باشند

باشند و مکروه هست اگر خصیه اشترا مالیدن باشند
واگر بغیر خصی بهم نرسد خصی را میتوان قربان کرد
وسنت است که خود بکشد واگر نتواند دست بر
روی دست قصاب بگذارد و مددی بکند و طریق
کشتن انست که اگر شتر باشد نحر کند یعنی حربه را
مانند کارد یا نیزه در گودال پائین گردنش فرو برد
واگر بعوض ان ذبح کنند حرام میشود و واجب است
که رو بقبله بدارد انرا و نام خدا ببرد و سنت است
که انرا ایستاده بدارد رو بقبله و هر دو دستش
از سر پا تا زانو بر بیمانی یا دنبه بر بکند بگو بر پیچد و
آنکه نحر می کند در جانب راست شتر بایستد و نحر
اشترا در نحرش فرو برد واگر گاو یا گوسفند یا بز باشد
باید که چهار رگ را از گردنش ببرد یعنی حلقوم و دو
رگ بزرگ که در دو جانب حلقوم است و رگی که
در پشت حلقوم است که آب و علف از آن رگ بجوف
آن میرود واگر اینها را نحر کند حرام میشوند و سنت
است که در وقت کشتن چنانکه بسند صحیح از حضرت
صادق منقولست که چون قربانرا نحر کنی روی
آنرا بقبله کن و در وقت وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي
نحر یا ذبح بگو این فقرا تا

رو در آورد رم   روی جهورا برای لاکر

فَطَرَ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ
آفریده آسمانها و زمین را در حالتی که گردنم و مسلمان آمده و نیستم من از
الْمُشْرِكِينَ اِنَّ صَلٰوتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي
مشرکین بدرستی که نماز من و عبادت من و زندگانی من و مردن من
لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ اُمِرْتُ
از برای خدای پروردگار جهانیان که نیست شریکی برای او و بدین امر کرده شده‌ام
وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اَللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللّٰهِ وَ
و من از مسلمانانم خدایا از تو است و برای تو است بنام خدا و
اللّٰهُ اَكْبَرُ پس نحر یا ذبح اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي و فرمود
خدا بزرگتر است بکند و بگوید خدایا قبول کن از من که تا نمیرد
سرش را جدا مکن و چون پوست بکند سنت است
که یکحصه را خود و اهل خانه بخورند و بهتر انست
که خود بان افطار کند و یکحصه را برای همسایگان
بهدیه بفرستد و اگر پریشان باشد بهتر است و یک
حصه را بفقرا و همسایه و سؤال کنندگان بدهد
و اگر اکثر را تصدق کند شاید بهتر باشد و سنت است
پوست و کله و جمیع اجزای حلال انرا تصدق کند
و تصرف نکند و بقصاب ندهد مگر انکه قصاب
پریشان باشد و بتصدق باو بدهد و در حدیث صحیح
دیگر وارد شده که پوستش را میتواند دباغت کند

و بر روی آن نماز کند و بنشیند و اگر گوسفند
یافت نشود سنت است که قیمت وسطش را تصدق
کند و اگر یک حیوان برای خود و عیال خود بکشد
کافیست و اگر یکی از برای خود و یکی از برای عیال
خود بکشد کافیست بهتر است و اگر بعدد عیال
بکشد ثوابش بیشتر خواهد بود و از برای پدر و مادر
و اولاد و خویشان که مرده باشند قربانی کردن خوبست
و اگر از برای حضرت رسول ص و ائمه معصومین ع
قربانی کند ظاهراً خوبست و منقولست که حضرت
رسول ص دو گوسفند قربانی کردند و در اول فرمودند
که این از من و از هر که قربانی نکرده است از اهل
بیت من و در دویم فرمودند خداوندا این از من و از
هر که قربانی نکرده است از امت من و حضرت امیر المؤمنین ع
هر سال اول یک قربانی میفرمودند یک گوسفند را
و میگفتند خداوندا این از پیغمبر تو است و یک گوسفند
دیگر از برای خود قربانی میفرمود و اگر جمعی قادر
نباشند که هر یک قربانی بکنند جایز است که با
یکدیگر شریک شوند تا هفت نفر بلکه تا هفتاد نفر
و حق تعالی فرموده است که خدا را یاد کنید در ایام
معدودات یعنی در روزی چند شمرده شده و در

احادیث معتبره منقولست که مراد تکبیر گفتن است
در ایام تشریق پس هر که در منی باشد عقب پانزده
نماز بگوید که اولش ظهر عید است و آخرش صبح
روز سیزدهم و در سایر شهرها عقب ده نماز که از
ظهر روز عید است تا صبح روز دوازدهم و مشهور
استحبابست و بعضی واجب دانسته اند و اقلش
بعد از هر نماز یکمرتبه است و اگر مکرر بگوید بهتر است
و بعد از نماز نافله نیز اگر بگوید خوبست و طریق
تکبیر موافق حدیث اَللهُ اَکبَرُ اَللهُ اَکبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا
صحیح اینست خدا بزرگ است خدا بزرگ است نیست خدایی مگر
اللهُ وَاللهُ اَکبَرُ اللهُ اَکبَرُ وَلِلّٰهِ الحَمدُ اَللهُ اَکبَرُ عَلٰی
خدا و خدا بزرگ است خدا بزرگ است و خدا را است ستایش خدا بزرگ است بر
مَا هَدٰانَا اَللهُ اَکبَرُ عَلٰی مَا رَزَقَنَا مِن بَهِیمَةِ الاَنعَامِ
آنکه راه نمود ما را خدا بزرگ است بر آنکه روزی کرد ما را از گوشت چهارپایان
وَالحَمدُ لِلّٰهِ عَلٰی مَا اَبلَانَا **فصل چهارم** در فضایل شب
و ستایش خدا را بر آنکه جستجو کرد ما را
و روز عید غدیر است و
عید غدیر عید بزرگ ایشانست و عظیم‌ترین اعیاد است
و احادیث از طرق عامه و خاصه در فضیلت این
روز و اعمال آن زیاده از حد و احصاست و در این
مقام بچند حدیث اکتفا مینماید بسند معتبر از

حضرت

حضرت امام رضا منقولست که چون روز قیامت
شود چهار روز را بنزد عرش الهی برند با زینت تمام
مانند عروسی که او را بخانه داماد برند روز عید
اضحی و روز عید فطر و روز جمعه و روز عید
غدیر در میان انها مانند ماه باشد در میان
ستارگان و انروزیست که حق تعالی ابراهیم را
از اتش نجات داد و این روز را روزه داشت برای
شکر حق تعالی و انروزیست که خدا در ان روز کامل
گردانید دین را بانکه حضرت رسول حضرت امیر
المؤمنین را نصب کرد بخلافت و فضیلت او را و وصی
بودن او را ظاهر گردانید بر مردم پس روزه داشت
این روز را و این روز کامل شدن دین است و روز
که بینی شیطان بر خاک مالید شد و روزیست
که اعمال شیعیان و دوستان ال محمد در این روز
مقبول میشود و این روزیست که حق تعالی اعمال مخالفان
و سینا ترا باطل میگرداند مانند ذرها که در هوا
پراکنده میشود و این روزیست که خدای عز و جل
امر میکند جبرئیل را که نصب کند کرسی کرامت را
در برابر بیت المعمور و جبرئیل بر ان کرسی بالا میرود
و ملائکه جمیع اسمانها نزد او جمع میشوند و ثنا میکنند

بر محمد و آل محمد و استغفار میکنند برای شیعیان
امیر المؤمنین و ائمه طاهرین و دوستان ایشان و
از فرزندان آدم و این روزیست که حق تعالی امر میکند
ملائکه نویسندگان اعمال را که قلم بر دارند از محبان
اهل بیت و شیعیان ایشان تا سه روز از روز عید
غدیر و ننویسند هیچ خطا و گناه ایشانرا برای کرامت
محمد و علی و ائمه و این روزیست که مخصوص محمد و آل
و شیعیان ایشان گردانیده و این روزیست که زیاد
میگرداند خدا مال کسیرا که عبادت خدا کند در
این روز و توسعه دهد روزی را بر عیال خود و برادر
مؤمن و اورا آزاد میگرداند از آتش جهنم و این روزیست
که خدا اعمال شیعیانرا شکر میکند یعنی مزد میدهد
و گناه ایشانرا میآمرزد و عمل ایشانرا قبول میکند
و این روزیست که خدا غمهای شیعیانرا زایل میگرداند
و گناهان ایشانرا کم میکند و روز بخشش است و روز
عطیه است و روز پهن کردن علم است و روز بشارت
و روز عید بزرگست و روزیست که دعاها در آن
مستجاب میگردد و روز موقف بزرگست و روز
پوشیدن جامهای نیکوست و روز بخشیدن
گناهان شیعیان امیر المؤمنین است و روزیست که باید بسیار

صلوت

صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد و روز خشنودی
و روز عید اهل بیت محمد است و روز قبول اعمال ایشان
و روز طلب زیادتی ثوابست و روز استراحت مؤمنان
است و روز سوداگری ایشانست و روز دوستی
کردن شیعیانست با یکدیگر و روز رسیدن به رحمت
خداست و روز ترک گناه و گناهانست و روز عبادت
و روز افطار فرمودن روزه دارانست پس هر که روزه
داری را در این روز افطار فرماید چنانست که ده
فئام را اطعام کرده باشد و هر فئامی صد هزار
کس است و روز تهنیت و مبارکباد است پس هر
مؤمنی را که دیگری ملاقات کند چنین تهنیت بگوید
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّکِینَ بِوِلَایَةِ اَمِیرِ

[illegible]

الْمُؤْمِنِینَ وَالْاَئِمَّةِ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ و این روز تبسم است
در روی مؤمنان

[illegible]

پس هر کس تبسم کند در روی برادر مؤمن خود در روز
عید غدیر حق تعالی نظر کند در روز قیامت بسوی او
برحمت و برآورد هزار حاجت او را و بنا کند در بهشت
از برای او قصری از مروارید سفید و روی او را
نورانی گرداند و این روز زینت است پس هر که زینت

کند برای روز غدیر حق تعالی بیامرزد از برای او
هر گناهی که کرده است از صغیره یا کبیره و بفرستد
حق تعالی بسوی او ملکی چند را که بنویسند برای
او حسنات و بلند گردانند برای او درجات تا سال
آینده مثل این روز پس اگر بمیرد شهید مرده باشد
و ثواب شهیدان داشته باشد و اگر زنده باشد
سعادتمند زندگانی کند و هر که طعامی دهد در
این روز مؤمنی را چنان باشد که طعام داده باشد
جمیع پیغمبران و صدیقان را و هر که دیدن کند
مؤمنی را داخل گرداند خدا در قبر او هر روز هفتاد
هزار ملک و بشارت دهند او را به بهشت و در روز
غدیر حق تعالی عرض کرد ولایت و امامت ما را بر اهل آسمانها
هفتگانه پس پیشی گرفتند باقرار بآن اهل آسمان هفتم
پس زینت داد آنرا بعرش پس بعد از آن سبقت گرفتند
اهل آسمان چهارم پس زینت داد آنرا به بیت المعمور پس
سبقت گرفتند باقرار بما اهل آسمان اول پس آنرا
زینت بخشید بستارگان پس حق تعالی عرض کرد ولایت
ما را بر زمینها پس پیشی گرفت مدینه طیبه پس زینت
داد آنرا بمحمد مصطفی پس سبقت کرد بسوی او شهر کوفه
پس زینت داد آنرا بقبر حضرت امیر المؤمنین پس عرض

کرد

کرد ولایت ما را بر کوهها پس اول کوهی که اقرار
کرد سه کوه بود کوه عقیق و کوه فیروزه و کوه یاقوت
و باین سبب این جواهر در آنها بهم رسید پس کوههای
دیگر سبقت کرفتند و باین سبب معدن طلا و نقره
و سایر معدنها کردیدند و هر یک که اقرار نکردند
معدن هیچ چیز نکردیدند و باز در روز غدیر عرض
کرد ولایت ما را بر آبها هر چه قبول کرد شیرین
شد و هر چه قبول نکرد تلخ و شور شد پس عرض کرد
ولایت ما را بر مرغان هر مرغ که قبول کرد سخن کو
و خوش آواز کردید و هر یک که قبول نکرد لال و بد
آواز کردید و مثل مؤمنان در قبول کردن ولایت
امیر المؤمنین در روز غدیر مانند مثل ملائکه است
در قبول کردن سجده آدم و مثل آنها که قبول ولایت
آنحضرت نکردند مثل شیطانست در قبول نکردن
سجده آدم و در روز غدیر این آیه نازل شد که اَلْیَوْمَ
اَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَرَضِیتُ لَکُمُ
الْاِسْلَامَ دِیناً یعنی امروز کامل کردانیدم از برای
شما دین شما را و تمام کردانیدم بر شما نعمت خود را
و پسندیدم اسلام را برای دین شما پس حضرت فرمود
که نفرستاده است خدا پیغمبری را مگر آنکه وصی و

خلیفه خود را در این روز نصب کرده و کلینی
بسند معتبر روایت کرده که از حضرت صادق
پرسیدند که آیا مسلمانان را عیدی هست غیر جمعه
واضحی و فطر فرمود عیدی هست که از همه حرمتش
بیشتر است راوی گفت کدام عید است فرمود
که آن روزیست که نصب کرد رسول خدا امیر
المومنین را بخلافت خود و فرمود که هر کرا منم
مولی و آقای او پس علی مولا و پیشوای اوست و آن
روز هیجدهم ذی حجه است راوی گفت چکار
در این روز باید کرد فرمود که باید روزه بدارید
و عبادت کنید و محمد و آل محمد را یاد کنید و بر
ایشان صلوات بفرستید و وصیت کرد رسول
خدا امیر المومنین را که این روز را عید کنید و
هر پیغمبری وصی خود را وصیت میکرد که این روز را
عید کردانند و بروایت دیگر فرمود که روزه روز
غدیر کفاره شصت سال گناه است و بروایت دیگر
منقولست مفضل از حضرت صادق پرسید که امر
میکنی مرا که روز غدیر را روزه بدارم فرمود آری
والله آری والله آری بدرستی که در این روز خدا
توبه حضرت آدم را قبول کرد و بشکر آن روز روزه

داشت

داشت ودر این روز خدا ابراهیم را از آتش جهنم
نجات داد و بشکران این روز را روزه داشتند ودر
این روز حضرت هرون را موسی وصی خود گردانید
واین روز را بشکر این نعمت روزه داشت ودر این
روز حضرت عیسی وصیت وصی خود شمعون
الصفا را ظاهر گردانید واین روز را بشکر حق
تعالی روزه داشت ودر این روز حضرت رسول
حضرت امیر المؤمنین را خلیفه خود گردانید
وفضیلت ووصایت ورا بر خلق ظاهر گردانید
واین روز را بشکر این نعمتها روزه داشت واین روز
روز روزه داشتن است وروز عبادت است وروز
طعام دادن است وروز نیکی کردن است با برادران
مؤمن وروزیست که خدا از مؤمنان خوشنود میگردد
وبینی شیطان بر خاک مالیده میشود وبسند
معتبر از ابن ابی نصیر منقولست که گفت روزی
در خدمت امام رضا بودم وجماعت بسیار حاضر
بودند پس فضیلت روز غدیر مذکور شد وبعضی
از حاضران انکار کردند حضرت فرمود پدرم از
پدرانش روایت کرد که روز غدیر در آسمان مشهور
تر است از زمین وبدرستی که خدا را در فردوس

اعلی قصری هست که یک خشت آن از طلا است
و یکخشت از نقره و دران قصر صد هزار قبه است
از یاقوت سرخ وصد هزار خیمه است از یاقوت سبز
وخاکش مشک و عنبر است و درآن چهار نهر جاریست
نهری از شراب و نهری از شیر و نهری از عسل
ونهری از اب و دور آن درختان هست از انواع
میوها و بران مرغان خوش الحان هستند بدنهای
انها از مروارید است و بالهای انها از یاقوت
و بانواع نغمها خوانندگی میکنند وچون روز
عید غدیر میشود و دران قصرها حاضر میشوند
جمیع اهل اسمانها و تسبیح و تقدیس حق تعالی
میکنند وان مرغان پرواز می کنند و در میان
اب فرو می روند و بران مشک و عنبر میغلطند
وچون ملائکه جمع شدند پرواز میکنند و مشک
و عنبر بر سر ایشان می افشانند و در این روز نثار
حضرت فاطمه را که در شب زفاف انحضرت سدره
المنتهی و درخت طوبی نثار کردند برای یکدیگر
بهدیه میفرستند وچون اخر این روز میشود
ندا از جانب رب اعلی بایشان میرسد که برگردید
بسوی درجها و مرتبهای خود بتحقیق که ایمن

کردید

گردید از گناه و خطا و لغزش تا مثل این روز
از سال آینده برای کرامت محمد و علی صلوات الله
علیهما پس حضرت فرمود ای پسر ابی نصر هر جا
که باشی سعی کن که نزد قبر مطهر امیر المؤمنین
حاضر شوی بدرستی که خدا در این روز می آمرزد
از هر مومن و زن مومنه گناه شصت ساله
ایشان را و در این روز آزاد می کند از آتش جهنم دو
برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و شب
قدر و شب فطر و یک درهم که در این روز ببرادر
مومن بدهی برابر است با هزار درهم که در اوقات
دیگر بدهی و احسان کن در این روز ببرادران مومن
و شاد گردان هر مومن و زن مومنه را بخدا سوگند
که اگر مردم فضیلت این روز را بدانند و چنانچه
باید هر آینه هر روز ده مرتبه ملائکه با ایشان
مصافحه کنند و زیارت حضرت امیر المؤمنین
در این روز فضیلت بسیار دارد از نزدیک و دور
و موافق روایت صفوانی و غیر آن اگر آن روز زیارت
کند دو رکعت نماز زیارت بجا آورد و در رکعت
اول سوره انا انزلناه و در رکعت دوم سوره قل هو
الله بخواند پس بعد از این دو رکعت نماز آید علیه و

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى وَلِيِّكَ وَاَخِي نَبِيِّكَ وَوَزِيرِهِ

خدایا رحمت کن بر دوست خود و برادر پیغمبر خود و وزیر او

وَحَبِيبِهِ وَخَلِيلِهِ وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَخِيَرَتِهِ مِنْ اُسْرَتِهِ

و دوست او و دوست خالص او و جایگاه راز او و برگزیده از قبیله او

وَوَصِيِّهِ وَصَفْوَتِهِ وَخَالِصَتِهِ وَاَمِينِهِ وَوَلِيِّهِ

و جانشین او و برگزیده او و خالص گردانیده او و امین او و دوست او

وَاَشْرَفِ عِتْرَتِهِ الَّذِينَ اٰمَنُوا بِهِ وَاَبِي ذُرِّيَّتِهِ

و بزرگوارترین خویشان او آنان که ایمان آوردند به او و پدر فرزندان او

وَبَابِ حِكْمَتِهِ وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالدَّاعِي اِلٰى شَرِيعَتِهِ

و درگاه حکمت او و گویا به حجت او و خواننده بسوی شریعت او

وَالْمَاضِي عَلٰى سُنَّتِهِ وَخَلِيفَتِهِ عَلٰى اُمَّتِهِ سَيِّدِ

و امضا کننده بر طریقه او و جانشین او بر امت او و مهتر

الْمُسْلِمِينَ وَاَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ

مسلمانان و والی مؤمنان و کشنده ای جماعت سفید رویان

اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَاَصْفِيَائِكَ

بهتر آنچه رحمت فرستادی بر یکی از بندگان خود و برگزیدگان خود

وَاَوْصِيَاءِ اَنْبِيَائِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَشْهَدُ اَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ

و اوصیای انبیای خود خدایا بدرستی که گواهی میدهم که بدرستی رسانید

عَنْ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ مَا حُمِّلَ وَرَعٰى

از پیغمبر تو رحمت خدا بر او و آل او آنچه بار کرده شده بود و رعایت

مَا اسْتُحْفِظَ وَحَفِظَ مَا اسْتُودِعَ وَحَلَّلَ حَلالَكَ

آنکه خواسته شده حفظ آن ونگاه داشت آنچه امانت سپرده شده وحلال کرد حلال ترا

وَحَرَّمَ حَرامَكَ وَاَقامَ اَحْكامَكَ وَدَعا اِلى سَبيلِكَ

وحرام کرد حرام ترا وبرپا داشت احکام ترا وخواند مردم را بسوی راه تو

وَوالى اَوْلِياءَكَ وَعادى اَعْداءَكَ وَجاهَدَ

ودوست داشت دوستان ترا ودشمن داشت دشمنان ترا وکارزار کرد

النّاكِثينَ عَنْ سَبيلِكَ وَالْقاسِطينَ وَالْمارِقينَ

با بیرون روندگان از راه تو وظلم کنندگان وبیرون شدگان

عَنْ اَمْرِكَ صابِراً مُحْتَسِباً مُقْبِلاً غَيْرَ مُدْبِرٍ لا

از فرمان تو صبر کننده حساب کننده رو آورنده نه پشت کننده نه

تَاْخُذُهُ فِي اللهِ لَوْمَةُ لائِمٍ حَتّى بَلَغَ في ذلِكَ الرِّضا

می گرفت او را در راه خدا سرزنش ملامت کننده تا رسید بدان خوشنودی

وَسَلَّمَ اِلَيْكَ الْقَضاءَ وَعَبَدَكَ مُخْلِصاً وَنَصَحَ لَكَ

وتسلیم کرد بسوی تو حکمها را وبندگی کرد ترا از روی اخلاص ونصیحت کرد

مُجْتَهِداً حَتّى اَتاهُ الْيَقينُ فَقَبَضْتَهُ اِلَيْكَ شَهيداً

کوشش کننده تا آمد او را مرگ پس گرفتی او را بسوی خود شهید

سَعيداً وَلِيّاً تَقِيّاً رَضِيّاً زَكِيّاً هادِياً مَهْدِيّاً اَللّهُمَّ

نیک بخت دوست پرهیزکار پسندیده پاکیزه راه نماینده راه یافته خدایا

صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى اَحَدٍ

درود فرست بر محمد وبر او افزون از آنکه رحمت کردی بر یکی

مِنْ اَنْبِيآئِكَ وَاَصْفِيآئِكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ واكر

از پیغمبران تو و برگزیدگان تو ای پروردگار جهانیان

اشاره کند بانگشت شهادت بجانب قبر شریف آنحضرت و این زیارت را هرگاه نیز بخواند بهتر است و آن اینست

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَ

سلام بر تو ای پادشاه مؤمنان و رحمت خدا و

بَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَمينَ اللّٰهِ فی اَرْضِهِ وَ

برکتهای او سلام بر تو ای امانت خدا در زمین او و

حُجَّتَهُ عَلٰى عِبادِهِ اَشْهَدُ لَقَدْ جاهَدْتَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ

حجت او بر بندگان او گواهی میدهم که کارزار کردی ای پادشاه مؤمنان

فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهادِهِ وَعَمِلْتَ بِكِتابِهِ وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ

در راه خدا حق کوشش در آن و عمل کردی بکتاب او و پیروی کردی طریقه

نَبِيِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتّٰى دَعاكَ اللّٰهُ اِلٰى

پیغمبر او رحمت خدا بر او و آل او تا خواند ترا خدا بسوی

جِوارِهِ فَقَبَضَكَ اِلَيْهِ بِاخْتِيارِهِ لَكَ كَريمَ ثَوابِهِ وَ

پناه او پس فرا گرفت ترا بسوی او ببرگزیدن او برای تو گرامی داشتن ثواب او و

وَاَلْزَمَ اَعْداۤئَكَ الْحُجَّةَ فی قَتْلِهِمْ اِيّاكَ مَعَ ما لَكَ

و لازم کرد دشمنان ترا حجت را در کشتن ایشان ترا با آنچه از برای تو است

مِنَ الْحُجَجِ الْبالِغَةِ عَلٰى جَميعِ خَلْقِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

از حجتهای کامل بر همه بندگان او خداوندا رحمت کن بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ رَاضِيَةً

محمد وآل او وبگردان نفس مرا آرام گیرنده بتقدیر حق خوشنود گردیده

بِقَضَائِكَ مُولَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ مُحِبَّةً

بحکم تو حریص شده بیاد کردن تو ودعای تو دوست دارنده

لِصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ

برگزیدگان دوستان ترا دوست داشته شده در زمین تو وآسمان تو

صَابِرَةً عِنْدَ نُزُولِ بَلَائِكَ شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ

صبر کننده نزد فرود آمدن بلای تو شکر کننده زیادتیهای

نَعْمَائِكَ ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلَائِكَ مُشْتَاقَةً إِلَى

نعمت تو یاد کننده مر نعمتهای کامل ترا آرزومند بسوی

فَرْحَةِ لِقَائِكَ مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ

شادی برای لقاء تو توشه گیرنده پرهیزکاری برای روز پاداش تو

مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ

فرا گیرنده بطریقهای دوستان تو جدا کننده مر خلقهای

أَعْدَائِكَ مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَثَنَائِكَ

دشمنان تو مشغول است از دنیا بستایش تو وستایش تو

اَللّٰهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالِهَةٌ وَسُبُلَ

خداوندا بدرستی که دلهای فروتنان بسوی تو شیفته است وراههای

الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ وَأَعْلَامَ الْقَاصِدِينَ

خواهشمندان بسوی تو گشاده است ونشانهای قصد کنندگان

إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ وَأَفْئِدَةَ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَةٌ

بسوی تو روشن است و دلهای شناسایان از تو زاری کننده

وَأَصْوَاتَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ وَأَبْوَابَ

و صداهای خوانندگان بسوی تو بالا رونده و درهای

الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ وَدَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ

اجابت برای ایشان گشاده است و خواندن کسیکه راز گفته با تو مستجاب است

وَتَوْبَةَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَعَبْرَةَ مَنْ بَكَى

و توبه کسیکه توبه کند بسوی تو قبول کرده شده و اشک هر کسیکه گریه کند

مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَالْإِغَاثَةَ لِمَنِ اسْتَغَاثَ

از ترس تو رحم کرده شده و فریادرسی از برای کسیکه طلب فریادرسی

بِكَ مَوْجُودَةٌ وَالْإِعَانَةَ لِمَنِ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْذُولَةٌ

بتو ثابت است و یاری از کسیکه طلب یاری کند بتو بخشیده شده

وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجَزَةٌ وَزَلَلَ مَنِ اسْتَقَالَكَ

و وعدهای تو مر بندهگان ترا وفا کرده شده و خطاهای کسیکه طلب گذشت کند

مُقَالَةٌ وَأَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ وَ

بازداشته شده و کارهای کارکنندگان نزد تو نگاه داشته شده و

أَرْزَاقَ الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةٌ وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ

روزی آفریدگان نزد تو فرود آینده است و گشایشهای زیاد

إِلَيْهِمْ وَاصِلَةٌ وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ

بسوی ایشان رسنده است و گناهان طلب آمرزش کنندگان آمرزیده شده

وحوائج

وَحَوائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَّةٌ وَجَوائِزَ السّائِلِينَ

وحاجتهای بندگان تو نزد تو برآورده شد وجایزهای سؤال کنندگان

عِنْدَكَ مُوَفَّرَةٌ وَعَوائِدَ الْمَزِيدِ مُتَواتِرَةٌ وَمَوائِدَ

نزد تو بسیار است وبخششهای زیاد پیاپی است وخوانهای

الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ وَمَناهِلَ الظِّماءِ لَدَيْكَ

طلب روزی کنندگان آماده است وموضع آب خوردن تشنگان نزد تو

مُتْرَعَةٌ اَللّٰهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعائِي وَاقْبَلْ ثَنائِي

پر است خداوندا پس مستجاب کن دعای مرا وقبول کن مدح مرا

وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ اَوْلِيائِي وَاَحِبّائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ

وجمع کن بین من وبین دوستان من وحبیبان من بحق محمد و

عَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَالْاَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّةِ

علی وفاطمه وحسن وحسین وپیشوایان از فرزندان

الْحُسَيْنِ اَئِمَّتِي اِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمائِي وَمُنْتَهى مُنايَ

حسین پیشوایان من بدرستیکه خداوند نعمت منی ومنتهای آرزوی من

وَغايَةُ رَجائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوايَ واگر بعد از نماز

ونهایت امید من در بازگشت من وآرامگاه من اول این زیارت

بعمل آورد وآخر آن دعا را بخواند شاید بهتر باشد

وشب غدیر نیز شب بسیار مبارکیست ودر شب

نیز مناسب است که این زیارت را بعمل آورد ونمازی

در شب وارد شده چون سندش معتبر نبود ایراد

نمودیم واما فضیلت روزه داشتن وتصدق کردن
وافطار روزه دار نمودن در این روز در این ابواب
احادیث بسیار است از جمله آنها روایتیست که
حضرت صادق فرمود که روزه روز غدیر برابر است
با روزه عمر دنیا که اگر کسی بعدد تمام عمر دنیا عمر
بیابد و روزه بدارد روزه این روز برابر است با
ثواب او وروزه اش برابر است نزد خدا با صد حج و صد
عمره واین عید بزرگ خداست وخدا نفرستاده است
پیغمبری را مگر آنکه این روز را عید کرده است و حرمت
آنرا دانسته است ونامش در آسمان روز عهد
معهود است ونامش در زمین روز میثاق مأخوذ
وجمع مشهود است وهر که در این روز مؤمنی را
افطار فرماید ثواب کسی دارد که ده فئام را طعام
دهد که هر فئامی صد هزار کس است وثواب کسی
دارد که طعام دهد وآب دهد باین عدد که مذکور
شد از پیغمبران واوصیای ایشان وشهیدان و
صالحان را در سال قحط ویکدرهم که در این روز
تصدق کند پس فرمود که شاید که گمان کنی که خدا
روزی خلق کرده است که حرمتش از این روز بیشتر
باشد نه والله نه والله نه والله و بروایت دیگر فرمود

که روزه اش برابرست با شصت ماه از ماههای
حرام که روزه بدارند و فرمود که روز عید و سرور
شادیست و بسند معتبر از فیاض بن محمد منقولست
که در روز عید غدیر در مرو در خدمت حضرت
امام رضا بودم و آن روز آن حضرت مخصوصان
خویشان و اصحاب خود را جمع کرده بود و ایشان را نگاه
داشته بود که در شب افطار کنند و بخانهای ایشان
طعام و رزها و خلعتها فرستاد حتی انگشتر و کفش
نیز فرستاده بود و بایشان خلعتهای فاخر شفقت
فرمود و ملازمان و خدمتکاران خود را جامهای
نو بسیار نفیس پوشانیده بود و فضیلت این روز را
برای مردم نقل میفرمود از جمله آنها گفت که در
بعضی از سالهای خلافت حضرت امیر المؤمنین ع
روز جمعه با عید غدیر در یک روز جمع شد پس بعد از
پنج ساعت که از روز گذشت بر منبر بالا رفت و خطبه
طولانی خواند و فضائل روز غدیر را بسیار بیان فرمود
و نامهای بسیار از برای این روز ذکر کرد پس فرمود
بعد از انقضای این مجمع برگردید بخانهای خود و توسعه
کنید بر عیال خود و احسان و نیکی کنید نسبت ببرادران
مؤمن خود و در خانهای خود برادران مؤمن را جمع

کنید و نیکوئی کنید نسبت بایشان و یکدیگر را تهنیت
و مبارکباد بگوئید و نیکی و احسان کردن در این
روز مال و عمر را زیاد می‌کند و مهربانی با یکدیگر
کردن موجب مزید رحمت الهی است و تا توانید بخشش
و احسان کنید با عیال خود و برادران مؤمن خود
و اظهار شادی و خوشحالی کنید و هر که امید احسان
از شما دارد در حق او تقصیر مکنید و ضعیفان
و فقیران و غلامان و کنیزان را با خود برابر کنید
بدرستی که دادن یکدرهم در این روز برابر است
با دویست هزار درهم و حق تعالی زیاده نیز عطا
میکند و روزه این روز را حق تعالی سنت گردانیده
و ثوابش را مانند ثواب کسی گردانیده که از اول
دنیا تا آخر دنیا عبادت کند بآنکه روزها روزه
بدارد و شبها بعبادت بایستد و کسیکه برآورد
حاجت برادر مؤمنی را پیش از آنکه او اظهار کند
و از روی رغبت و خواهش او نیکی کند چنان باشد
که این روز را روزه داشته باشد و تمام شبش را
عبادت کرده باشد و هر که در شبش مؤمنی را افطار
فرماید چنان باشد که هزار هزار پیغمبر و صدیق
و شهید را افطار فرموده باشد پس چگونه باشد

ثواب کسی که متکفل احوال چندین نفر از مردان
مؤمن وزنان مؤمنه بشود هرگاه چنین کند من
ضامنم بر خدا که امان یابد از کافر شدن وفقیر
شدن واگر بمیرد در آن شب یا در آن روز یا
بعد از آن تا عید غدیر اینده بدون انکه کبیره بسیار
بدی بکند البته امر زیده است وهر که قرضی بکند
در این روز برای برادران خود من ضامنم بر خدا
که اگر او را زنده بدارد یا بمیراند ان قرض را از او
متحمل شود واز دوش او بردارد وچون با یکدیگر
ملاقات کنند مصافحه کنند وبا نها یکدیگر
تهنیت بگویند وانچه گفتم حاضران بغائبان بگویند
وتوانگران رعایت کنند فقیر از او قوت یا دستگیری
کنند ضعیفان از حضرت رسول خدا مرا همه اینها امر
فرمودند وبدانکه غسل در اول این روز سنت موکدا
واما کیفیت نماز روز عید غدیر نماز مشهوری
است که از حضرت صادق ع روایت کرده اند که هر که
در این روز نیم ساعت پیش از زوال شمس دو رکعت
نماز بجا اورد ودر هر رکعت سوره حمد یکمرتبه وقل
هو الله احد وانا انزلناه وایة الکرسی تا هم فیها خالدون
هر یک را ده مرتبه بخواند برابر باشد نزد حق تعالی

با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجت که از
حاجتهای دنیا و آخرت که از خداوند کریم سؤال
کند البته با آسانی و عافیت بر آورده شود و چون بر (در ۲)
مؤمن رامل لاقات الحمد لله الذی اکرمنا بهذا الیوم
حمد مر خدا را آنکه گرامی داشت ما را باین روز
ثمّ بگو که
وجعلنا من الموفین بعهده الذی عهده الینا و
و گردانید ما را از وفا کنندگان بعهد او آنکه عهد بسوی ما بست و
میثاقه الذی واثقنا به من ولایة ولاة امره و
پیمان او آنکه محکم کرد ما را بان از دوستی خداوندان امر او و
القوام بقسطه و لم یجعلنا من الجاحدین و المکذبین
قائم شوندگان بعدالت او و نگردانید ما را از انکار کنندگان و تکذیب کنندگان
بیوم الدین و فرمود که بعد از ربنا اننا سمعنا منادیا
بروز جزا ای پروردگار ما بدرستی که ما شنیدیم ندا کننده
نماز این دعا را بخواند
ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر
که ندا می کند از برای ایمان آنکه ایمان بیاورید به پروردگار خود پس ایمان آوردیم ای پروردگار
لنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا و توفنا مع الابرار
از برای ما گناهان ما و دور کن از ما گناهان ما و بمیران ما را با نیکوکاران
ربنا و آتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم
پروردگارا و بده ما را آنچه وعده داده ما را بر پیغمبران تو و خوار مکن ما را روز
القیمة انک لا تخلف المیعاد اللهم انی اشهدک
قیامت بدرستیکه خلاف نمی کنی وعده را خداوندا بدرستی که گواه میگیرم ترا

وَكَفىٰ بِكَ شَهِيداً وَاُشْهِدُ مَلائِكَتَكَ وَاَنْبِيائَكَ

و کافی است بتو گواه و گواه می گیرم فرشتگان ترا و پیغمبران ترا

وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكّانَ سَمٰواتِكَ وَاَرْضِكَ بِاَنَّكَ

و بردارندگان عرش ترا و ساکنان آسمانهای تو و زمین ترا به اینکه تو

اَنْتَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْمَعْبُودُ فَلا نَعْبُدُ سِواكَ

توئی خدا که نیست خدائی مگر تو که پرستیده شده پس نمی پرستیم جز ترا

فَتَعالَيْتَ عَمّا يَقُولُ الظّالِمُونَ عُلُوّاً كَبِيراً وَاَشْهَدُ

پس برتری از آنچه می گویند ستمکاران برتری بلند بزرگ و گواهی می دهم

اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَشْهَدُ اَنَّ اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

اینکه محمد بنده تو است و فرستاده تو است و گواهی می دهم اینکه امیر مؤمنان

عَبْدُكَ وَمَوْلانا رَبَّنا سَمِعْنا وَاَجَبْنا وَصَدَّقْنا

بنده تو است و آقای ماست ای پروردگار ما شنیدیم و اجابت کردیم و باور کردیم

الْمُنادِيَ رَسُولَكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اِذْ نادىٰ

ندا کننده رسول تو رحمت خدا بر او و آل او وقتی که ندا کرد

بِنِداءٍ عَنْكَ بِالَّذِي اَمَرْتَهُ اَنْ يُبَلِّغَ ما اَنْزَلْتَ اِلَيْهِ

بندائی از تو بانچه امر کرده بودی او را به اینکه برساند آنچه فرو فرستادی بسوی او

مِنْ وِلايَةِ وَلِيِّ اَمْرِكَ وَحَذَّرْتَهُ وَاَنْذَرْتَهُ اِنْ لَمْ

از زبان خداوند امر تو و ترسانیدی او را و بیم کردی او را اگر نه

يُبَلِّغْ ما اَمَرْتَهُ بِهِ اَنْ تَسْخَطَ عَلَيْهِ وَلَمّا بَلَّغَ رِسالاتِكَ

رساند آنچه امر کرده او را باین اینکه خشم کنی بر او و چون رسانید پیغامهای ترا

عصمته من الناس فنادی مبلغا عنک الا من

نگاه داشت او را از مردمان پس ندا کرد درحالیکه رساننده بود از تو آگاه باشید که

کنت مولاه فعلی مولاه ومن کنت ولیه فعلی

بودم من آقای او پس علی آقای اوست و کسیکه بودم صاحب اختیار او پس علی

ولیه ومن کنت نبیه فعلی امیره ربنا قد اجبنا داعیک

صاحب اختیار اوست و کسیکه بودم من پیغمبر او پس علی امیر اوست ای پروردگار ما اجابت کردیم خواننده ترا

النذیر محمدا عبدک ورسولک الی الهادی المهدی

بیم دهنده محمد را که بنده تو و فرستاده تو است بسوی راه نماینده که راه یافته است

عبدک الذی انعمت علیه وجعلته مثلا لبنی اسرائیل

بنده تو آنکه انعام کردی تو بر او و گردانیدی او را داستان از برای فرزندان یعقوب

علی امیر المؤمنین ومولاهم وولیهم ربنا واتبعنا

علی پادشاه مؤمنان و آقای ایشان و صاحب اختیار ایشان ای پروردگار ما پیروی کردیم

مولانا وولینا وهادینا وداعینا وداعی الانام و

آقای خود را و صاحب اختیار و راه نماینده ما را و خواننده ما را و خواننده مردمان و

صراطک المستقیم وحجتک البیضاء وسبیلک

و راه تو که راست است و حجت تو که روشن است و راه تو را

الداعی الیک علی بصیرة هو ومن اتبعه وسبحان

که خواننده است بسوی تو بر بینائی او و آنکه پیروی او کرد پاک است

الله عما یشرکون واشهد انه الامام الهادی الرشید

خدا از آنکه شریک می دانند او را و گواهی می دهم اینکه او پیشوای راه نماینده راه یافته است

امیر

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِي ذَكَرْتَهُ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلُكَ

امیر مؤمنان آنکه یاد کرده تو او را در کتاب خود و گفته تو

الْحَقُّ وَإِنَّكَ قُلْتَ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ

حق است و به درستی که گفتی تو و اینکه او در محکم کتاب نزد ما بلند مرتبه

حَكِيمٌ اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ بِأَنَّهُ عَبْدُكَ وَالْهَادِي

درست کردار است خداوندا پس به درستی که گواهی می دهیم ما به اینکه بنده تو و راه نماینده

بَعْدَ نَبِيِّكَ النَّذِيرِ الْمُنْذِرِ وَصِرَاطُكَ الْمُسْتَقِيمُ

بعد از پیغمبر تو که بیم کننده و ترساننده و راه تو راست است

وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَحُجَّتُكَ

و امیر مؤمنان و پیشرو و پیشوای سفید رویان و حجت تو

الْبَالِغَةُ وَلِسَانُكَ الْمُعَبِّرُ عَنْكَ فِي خَلْقِكَ وَ

رسا است و زبان تو است که گویا است از تو در میان بندگان تو و

أَنَّهُ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ فِي بَرِيَّتِكَ وَدَيَّانُ دِينِكَ

بدرستی که او ایستاده است به عدل است در میان آفریدگان تو و جزا دهنده دین تو

وَخَازِنُ عِلْمِكَ وَأَمِينُكَ الْمَأْمُونُ الْمَأْخُوذُ مِيثَاقُهُ

و خزانه دار علم تو و امین تو که ایمن است گرفته شده است پیمان او

وَمِيثَاقُ رَسُولِكَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ

و پیمان رسول تو بر ایشان درود از همه بندگان تو

وَبَرِيَّتِكَ شَاهِدًا بِالْإِخْلَاصِ لَكَ وَالْوَحْدَانِيَّةِ

و آفریدگان تو گواه به اخلاص برای تو و به وحدانیت تو

وَالرُّبُوبِيَّةِ بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَاَنَّ

و به پروردگاری تو با اینکه تو یا خدای نیست خدا مگر تو و اینکه

مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ عَلِيًّا اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

محمد بنده تو است و رسول تو است و اینکه علی پادشاه مومنان است

جَعَلْتَهُ وَلِيَّكَ وَالْاِقْرَارَ بِوَلَايَتِهِ تَمَامَ تَوْحِيدِكَ

گردانیدی تو او را دوست تو و اقرار کننده بولایت او تمام کننده یگانگی تو

وَكَمَالَ دِينِكَ وَتَمَامَ نِعْمَتِكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ

و کمال دین تو و تمام کننده نعمت تو بر همه آفریدگان تو

وَبَرِيَّتِكَ فَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ

و مخلوقات تو پس گفتی تو و گفته تو راست است امروز کامل کردم برای شما

دِينَكُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْاِ

دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را و راضی شدم برای شما

سْلَامَ دِينًا فَلَكَ الْحَمْدُ بِمُوَالَاتِهِ وَاِتْمَامِ نِعْمَتِكَ

اسلام را دین پس برای تو است ستایش به دوست داشتن او و تمام کردن نعمت تو را

عَلَيْنَا بِالَّذِي جَدَّدْتَ مِنْ عَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ

بر ما با آنچه تازه گردانیدی از عهد تو و پیمان تو

وَذَكَّرْتَنَا ذٰلِكَ وَجَعَلْتَنَا مِنْ اَهْلِ الْاِخْلَاصِ وَ

و بیاد آورده ما را آن و گردانیدی ما را از اهل اخلاص و

التَّصْدِيقِ بِمِيثَاقِكَ وَمِنْ اَهْلِ الْوَفَاءِ بِذٰلِكَ

تصدیق کننده گان به پیمان تو و از اهل وفا کنندگان باین پیمان

ولم تجعلنا من اتباع المغيرين والمبدلين و

و مگردان ما را از پیروان تغییر دهندگان و بدل کنندگان و

المنحرفين والمبتكين آذان الانعام والمغيرين

کج روندگان و شکافندگان گوشهای چهارپایان و تغییر دهندگان

خلق الله ومن الذين استحوذ عليهم الشيطان

آفریده خدا و از آنان که غلبه کرده بر ایشان شیطان

فانسيهم ذكر الله وصدهم عن السبيل والصراط

پس فراموش گردانید بر ایشان یاد خدا و باز داشت ایشان را از راه و راه

المستقيم اللهم العن الجاحدين والناكثين

راست خدایا لعنت کن منکران و شکنندگان بیعت را

والمغيرين والمبدلين والمكذبين بيوم الدين

و تغییر دهندگان و بدعت کنندگان و تکذیب کنندگان بروز جزا

من الاولين والآخرين اللهم فلك الحمد على

از پیشینیان و پسینیان خدایا پس مر تراست سپاس بر

انعامك علينا بالهدى التى هديتنا به الى

نعمت دادن تو بر ما براه راست آنکه راه نمودی ما را بان بسوی

ولاة امرك من بعد نبيك صلى الله عليه وآله

صاحبان امر تو بعد از پیغمبر تو درود خدا بر او و آل او

الائمة الهداة الراشدين واعلام الهدى ومنار

که پیشوایان راه نمایان صاحب رشد و نشانهای راه حق و روشنیهای

الْقُلُوبِ وَالتَّقْوَى وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَكَمَالِ

دلها و پرهیزکاری و دست آویز محکم و کامل کننده

دِينِكَ وَتَمَامِ نِعْمَتِكَ وَمَنْ بِهِمْ وَبِمُوَالاتِهِمْ

دین تو و تمام کننده نعمت تو و کسیکه بایشان و با دوستی ایشان

رَضِيتَ لَنَا الْإِسْلَامَ دِينًا رَبَّنَا فَلَكَ الْحَمْدُ آمَنَّا

پسندیدی از برای ما اسلام را دین ای پروردگار ما پس مر تراست سپاس ایمان آوردیم

وَصَدَّقْنَا بِمَنِّكَ عَلَيْنَا بِالرَّسُولِ النَّذِيرِ الْمُنْذِرِ

و باور کردیم با انعام کردن تو بر ما بفرستاده بیم نماینده ترساننده

وَالَيْنَا وَلِيَّهُمْ وَعَادَيْنَا عَدُوَّهُمْ وَبَرِئْنَا مِنَ

و دوستی داشتیم با دوست ایشان و دشمنی کردیم با دشمن ایشان و بیزاریم از

الْجَاحِدِينَ وَالْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ اللّٰهُمَّ فَكَمَا

انکار کنندگان و تکذیب کنندگان بروز جزا خداوندا پس چنانکه

كَانَ ذٰلِكَ مِنْ شَأْنِكَ يَا صَادِقَ الْوَعْدِ يَا مَنْ لَا

بود این از شأن تو ای راست وعده ای کسیکه

يُخْلِفُ الْمِيعَادَ يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ إِذْ أَتْمَمْتَ

خلاف نمی کند وعده را ای کسیکه او هر روزی در کاری است وقتی که تمام کردی

عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ بِمُوَالاةِ أَوْلِيَائِكَ الْمَسْئُولِ عَنْهُمْ

بر ما نعمت خود را بدوستی دوستان خود که پرسیده شده از ایشان

عِبَادُكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

بندگان تو پس بدرستیکه تو گفتی و پس البته سؤال کرده خواهید شد در آن روز از نعمت

وقلت

وقلت وقولك الحق وقفوهم انهم مسئولون و

و گفتی تو و گفتار تو راست است که باز دارید ایشان را بدرستیکه ایشان سؤال کرده شدگانند و

مننت علينا بشهادة الاخلاص وبولاية اوليائك

منت نهادی بر ما بگواهی دادن اخلاص و بدوستی دوستان

الهداة بعد النذير المنذر السراج المنير واكملت

راه نماینده بعد از پیغمبر بیم دهنده و ترساننده چراغ روشن کننده و کامل کردی

لنا بهم الدين واتممت علينا النعمة وجددت

از برای ما بایشان دین را و تمام کردی بر ما نعمت را و تازه کردی

لنا عهدك وذكرتنا ميثاقك المأخوذ منا في

برای ما عهد ترا و بخاطر آوردی ما را پیمان ترا که گرفته شده از ما در

ابتداء خلقك ايانا وجعلتنا من اهل الاجابة

ابتدای خلق کردن تو ما را و گردانیدی ما را از اهل اجابت

ولم تنسنا ذكرك فانك قلت واذ اخذ ربك من

و فراموش نکردی ما را یاد خود را پس بدرستیکه تو گفتی و چون گرفت پروردگار تو از

بني آدم من ظهورهم ذريتهم واشهدهم على

فرزندان آدم از پشتهای ایشان فرزندان ایشان را و گواه گرفت ایشان را بر

انفسهم الست بربكم قالوا بلى شهدنا بمنك

نفس ایشان آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری گواهی میدهیم بانعام تو

ولطفك فانك انت الله لا اله الا انت ربنا

و لطف تو پس بدرستیکه تو خدائی نیست خدائی مگر تو ای پروردگار ما

وَمُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَنَبِيُّنَا وَعَلِيٌّ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

و محمد بنده تو است و رسول تو است و پیغمبر ما و علی پادشاه مؤمنان

عَبْدُكَ الَّذِي اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْنَا وَجَعَلْتَهُ آيَةً لِنَبِيِّكَ

بنده تو است آنکه انعام کرده با آن بر ما و قرار دادی او را نشانه از برای پیغمبر تو

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآيَتَكَ الْكُبْرَى وَصِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ

درود خدا بر او و آیت تو که بزرگ است و راه تو که راست است

وَالنَّبَاَ الْعَظِيمَ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ

و خبر بزرگ آنکه ایشان در آن اختلاف کننده‌اند و از او

مَسْئُولُونَ اَللّٰهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَاْنِكَ اَنْ اَنْعَمْتَ

سؤال کرده شده خدایا پس چنانکه بود از کار تو اینکه انعام کنی

عَلَيْنَا بِالْهِدَايَةِ اِلَى مَعْرِفَتِهِمْ فَلْيَكُنْ مِنْ شَاْنِكَ

بر ما براه نمودن بسوی شناسائی ایشان پس باید که باشد از کار تو

اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا

اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه برکت دهی از برای ما در روز ما

هٰذَا الَّذِي اَكْرَمْتَنَا بِهِ وَذَكَّرْتَنَا فِيهِ عَهْدَكَ

این روز چنانکه گرامی داشتی ما را به آن و به یاد آوردی ما را در آن عهد تو

وَمِيثَاقَكَ وَاَكْمَلْتَ دِينَنَا وَاَتْمَمْتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ

و پیمان تو را و کامل کردی دین ما را و تمام کردی بر ما نعمت خود را

وَجَعَلْتَنَا بِمَنِّكَ مِنْ اَهْلِ الْاِجَابَةِ لَكَ وَالْبَرَاءَةِ

و گردانیدی ما را به احسان خود از اهل اجابت برای تو و بیزاری جستن

مِنْ

مِنْ اَعْدآئِكَ وَاَعْدآءِ اَوْلِيٰآئِكَ الْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ
از دشمنان تو و دشمنان دوستان تو تکذیب کنندگان بروز

الدِّينِ فَاَسْئَلُكَ يَا رَبِّ تَمَامَ مَا اَنْعَمْتَ وَاَنْ تَجْعَلَنَا
جزا پس سوال می کنم ترا ای پروردگار تمام آنچه انعام کرده و اینکه بگردانی ما را

مِنَ الْمُوقِنِينَ وَلَا تُلْحِقْنَا بِالْمُكَذِّبِينَ وَاجْعَلْ لَنَا
از یقین کنندگان و ملحق مکن ما را بدروغ گویان و بگردان ما را

قَدَمَ صِدْقٍ مَعَ الْمُتَّقِينَ وَاجْعَلْنَا مَعَ الْمُتَّقِينَ
قدم راستی با پرهیزکاران و بگردان ما را با پرهیزکاران

اِمَامًا يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ وَاحْشُرْنَا
پیشوایان روزی می خوانیم هر امتی را به پیشوایان ایشان و محشور کن ما را

فِي زُمْرَةِ اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ الْاَئِمَّةِ الصَّادِقِينَ
در زمره اهل خانه پیغمبر تو پیشوایان راست گویان

وَاجْعَلْنَا مِنَ الْبُرَآءِ مِنَ الَّذِينَ هُمْ دُعَاةٌ اِلَى النَّارِ
و بگردان ما را از بیزاری از آنچه ایشان خوانندگان بسوی آتش

وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ وَاَحْيِنَا عَلٰى ذٰلِكَ
و روز قیامت ایشان از رانده شدگانند و زنده کن ما را بر این

مَا اَحْيَيْتَنَا وَاجْعَلْ لَنَا مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا وَاجْعَلْ
مادام که زنده کردی تو ما را و بگردان ما را با رسول راهی و بگردان

لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ فِي الْهِجْرَةِ اِلَيْهِمْ وَاجْعَلْ مَحْيَانَا خَيْرَ
در برای ما قدم راستی در توجه کردن بسوی ایشان و بگردان زندگانی ما را بهتر

المحيا ومماتنا خير المماة ومنقلبنا خير المنقلب

زندگانی و مردن ما بهترین مرگها و بازگشت مارا بهترین بازگشتنی

على موالاة اوليائك ومعاداة اعدائك حتى

بر دوست داشتن دوستان تو و دشمنی دشمنان تو تا

توفانا وانت عنا راض قد اوجبت لنا جنتك

بمیرانی مارا و تو از ما خوشنود باشی که واجب گردانیده باشی مارا بهشت خود

برحمتك يا ارحم الراحمين والمثوى من جوارك

برحمت خود ای رحیمترین رحم کنندگان و آرام جای از قرب خود

في دار المقامة من فضلك لا يمسنا فيها نصب

در سرای پاینده از فضل خود نمیرسد مارا دران رنجی

ولا يمسنا فيها لغوب ربنا اغفر لنا ذنوبنا و

و نمیرسد مارا دران ماندگی ای پروردگار ما بیامرز مارا گناهان ما و

كفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا

بپوشان از ما بدیهای ما و بمیران مارا با نیکوکاران ای پروردگار ما بده مارا

ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة

آنچه وعده داده مارا بر پیغمبران خود و خوار مکن مارا روز قیامت

انك لا تخلف الميعاد اللهم احشرنا مع الائمة

بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده خود را خداوندا محشور کن مارا با پیشوایان

الهداة من آل رسولك نؤمن بسرهم وعلانيتهم

راه نمایان از آل رسول تو ایمان آوردیم بپنهان ایشان و آشکاری ایشان

وشاهدهم

وَشاهِدِهِمْ وَغائِبِهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِالْحَقِّ
و حاضر ایشان و غایب ایشان خداوندا بدرستیکه سؤال می کنم ترا بحق

الَّذی جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِالَّذی فَضَّلْتَهُمْ بِهِ
آنچنانکه قرار دادی او را نزد ایشان و بآنچنانکه زیادتی دادی ایشان را بآن

عَلَی الْعالَمینَ جَمیعاً اَنْ تُبارِکَ لَنا فی یَوْمِنا هذَا
بر جهانیان همه اینکه برکت دهی از برای ما در این روز این

الَّذی اَکْرَمْتَنا فیهِ بِالْمُوافاةِ بِعَهْدِکَ الَّذی
آنچنانکه گرامی داشتی ما را در آن بر وفا کردن بعهد تو آنچنانکه

عَهِدْتَهُ اِلَیْنا وَالْمیثاقِ الَّذی واثَقْتَنا بِهِ مِنْ
عهد کرده او را بسوی ما و به پیمان آنچنانکه پیمان گرفته از ما بآن از

مُوالاةِ اَوْلِیاۤئِکَ وَالْبَراۤءَةِ مِنْ اَعْداۤئِکَ اَنْ
دوستی دوستان تو و بیزاری از دشمنان تو اینکه

تُتِمَّ نِعْمَتَکَ وَلا تَجْعَلَهُ مُسْتَوْدَعاً وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرّاً
تمام کنی نعمت خود را و مگردان او را بامانت گذارده شده و بگردان او را ثابت

وَلا تَسْلُبْناهُ اَبَداً وَلا تَجْعَلْهُ مُسْتَعاراً وَارْزُقْنا
و از ما مگیر او را هرگز و مگردان او را عاریت گذارده شده و روزی کن ما را

مُرافَقَةَ وَلِیِّکَ الْهادِی الْمَهْدِیِّ اِلَی الْهُدی وَ
رفاقت دوست خود که راه نما و راه یافته است بسوی راه راست و

تَحْتَ لِواۤئِهِ وَفی زُمْرَتِهِ شُهَداۤءَ صادِقینَ عَلی بَصیرَةٍ
زیر علم او و در زمره او شهید شدگان راست گویان بر بینایی

مِنْ دِينِكَ اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و اگر این عمل بر
از دین تو بدرستی که تو بر همه چیز توانا هستی
بر او دشوار باشد
با این عمل روایت کند که شیخ مفید علیه الرحمه و
دیگران از حضرت صادق ع روایت کرده اند که هر که
در روز غدیر دو رکعت نماز بکند هر وقت که خواهد
و اگر نزدیک بزوال بکند که در آن ساعت حضرت
رسول ص حضرت امیر المؤمنین ع را در غدیر خم برای
مردم بامامت و خلافت نصب کرد بهتر است یعنی
بهر سوره که خواهد و اگر در رکعت اول انا انزلناه
و در رکعت دوم قل هو الله احد بخواند چنانچه
در روایت دیگر که معتبر است وارد شده بهتر است
پس بسجده رود و صد مرتبه شکراً لله یا شکراً بگوید چون
سر از سجده بردارد اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِاَنَّ لَكَ
این دعا را بخواند
خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا بانکه از برای تست
اَلْحَمْدَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ وَ اَنَّكَ واحِدٌ اَحَدٌ
ستایش یگانه تو نیست شریک از برای تو و اینکه تو یگانه یکتا
صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُواً اَحَدٌ
بی نیاز نزائیده و زائیده نشده و نبوده مر ترا مانندی هیچ کسی
وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ
و اینکه محمد بنده تو و رسول تو درود خدا بر او و آل او

وَآلِهِ يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ

وآل او ای آنکه او هر روز در کاری است چنانکه بود از شأن تو

أَنْ تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ بِأَنْ جَعَلْتَنِي مِنْ أَهْلِ إِجَابَتِكَ

اینکه رحم کنی بر من بآنکه قرار دهی مرا از اهل اجابت خود

وَأَهْلِ دِينِكَ وَأَهْلِ دَعْوَتِكَ وَوَفَّقْتَنِي لِذَلِكَ

و از اهل دین تو و اهل خواننده تو و توفیق دادی مرا برای این

فِي مُبْتَدَءِ خَلْقِي تَفَضُّلاً مِنْكَ وَكَرَماً وَجُوداً ثُمَّ

در ابتدای آفرینش من از روی فضل از تو و کرم و بخشش پس

أَرْدَفْتَ الْفَضْلَ فَضْلاً وَالْجُودَ جُوداً وَالْكَرَمَ

در پی درآوردی آن فضل فضل دیگر و بخشش را بخششی دیگر و بزرگواری

كَرَماً رَأْفَةً مِنْكَ وَرَحْمَةً إِلَى أَنْ جَدَّدْتَ ذَلِكَ

بزرگواری دیگر مهربانی از تو و رحمتی بسوی اینکه تازه گردانیدی این

الْعَهْدَ لِي تَجْدِيداً بَعْدَ تَجْدِيدِكَ خَلْقِي وَكُنْتُ

عهد را برای من تازه گردانیدنی بعد از تازه گردانیدن تو آفرینش مرا و بودم من

نَسْياً مَنْسِيّاً نَاسِياً سَاهِياً غَافِلاً فَأَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ

فراموش شده ناسی و … غافل پس تمام کردی نعمت خود

بِأَنْ ذَكَّرْتَنِي ذَلِكَ وَمَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَهَدَيْتَنِي لَهُ

باینکه یادآوری کردی مرا این را و منت گذاشتی بآن بر من و راه نمودی مرا بآن

فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلاَيَ

پس باید که باشد از شأن تو ای خدای من و آقای من …

أن تتم لي ذلك ولا تسلبنيه حتى توفاني على

اینکه تمام کنی برای من این را و ربع مکن از من تا بمیرانی مرا بر

ذلك وأنت عني راض فإنك أحق المنعمين أن

این و تو از من راضی شوی پس بدرستی که تو سزاوارترین منعمانی اینکه

تتم نعمتك على اللهم سمعنا وأطعنا وأجبنا

تمام کنی نعمت خدا را بر من خداوندا شنیدیم ما و اطاعت کردیم و اجابت نمودیم

داعيك بمنك فلك الحمد غفرانك ربنا وإليك

خواننده ترا بانعام خود پس مر تراست ستایش بیامرز ما را پروردگارا و بسوی تو است

المصير آمنا بالله وحده لا شريك له وبرسوله

بازگشت ایمان آوردیم بخدا یگانه نیست شریکی از برای او و برسول او

محمد صلى الله عليه وآله وصدقنا وأجبنا داعي

محمد رحمت خدا بر او و آل او و تصدیق کردیم ما و اجابت کردیم دعوت

الله واتبعنا الرسول في موالاة مولانا ومولى

خدا را و پیروی کردیم رسول را در دوستی آقای ما و صاحب اختیار

المؤمنين أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عبد الله

مؤمنان یعنی امیر مؤمنان علی پسر ابا طالب بنده خدا

وأخي رسوله والصديق الأكبر والحجة على بريته

و برادر رسول او و صدیق بزرگتر و حجت بر بندگان او

المؤيد به نبيه ودينه الحق المبين علما للدين

قوت داده شد بسبب او پیغمبر او و دین او که حق و هویدا است نشانی از دین

الله

اللّٰهِ وَخازِناً لِعِلْمِهِ وَعَيْبَةً غَيْبِ اللّٰهِ وَمَوْضِعَ

خدا و خزینه دار علم او و صندوق سر خدا و جایگاه

سِرِّ اللّٰهِ وَاَمِينَ اللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ وَشاهِدَهُ فِي بَرِيَّتِهِ

سر خدا و امانت خدا بر بندگان او و گواه او در آفریدگان او

اَللّٰهُمَّ رَبَّنا اِنَّنا سَمِعْنا مُنادِياً يُنادِي لِلْاِيمانِ

خداوندا پروردگارا بدرستیکه شنیدیم ندا کننده که ندا کند از برای ایمان

اَنْ اٰمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا

اینکه ایمان بیاورید به پروردگار خود پس ایمان آوردیم پس بیامرز ما را گناهان ما را

وَكَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا وَتَوَفَّنا مَعَ الْاَبْرارِ رَبَّنا وَاٰتِنا

و دور کن از ما بدیهای ما و بمیران ما را با نیکوکاران ای پروردگار ما بده ما را

ما وَعَدْتَنا عَلىٰ رُسُلِكَ وَلا تُخْزِنا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّكَ

آنچه وعده دادی ما را بر فرستادگان خود و خوار مکن در روز قیامت بدرستیکه تو

لا تُخْلِفُ الْمِيعادَ فَاِنّا رَبَّنا بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ اَجَبْنا

خلف نمی کنی وعده را پس بدرستیکه ما پروردگارا بمنت تو و مهربانی تو اجابت کردیم

داعِيَكَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَصَدَّقْناهُ وَصَدَّقْنا

دعوت تو را و پیروی کردیم پیغمبر را و تصدیق کردیم او را و تصدیق کردیم

مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَكَفَرْنا بِالْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ

آقای مؤمنان را و کافر شدیم به جبت و طاغوت

فَوَلِّنا ما تَوَلَّيْنا وَاحْشُرْنا مَعَ اَئِمَّتِنا فَاِنّا بِهِمْ مُؤْمِنُونَ

پس بگردان ما را اگر برگردیم و محشور کن ما را با پیشوایان ما پس بدرستیکه ما به ایشان گرویده

موقنون ولهم مسلمون آمنّا بسرّهم وعلانيتهم

یقین کنندگانیم و برای ایشان گردن نهادگانیم ایمان آوردیم به نهان ایشان و آشکار ایشان

وشاهدهم وغائبهم وحيّهم وميّتهم ورضينا

و حاضر ایشان و غایب ایشان و زنده ایشان و مرده ایشان و خوشنود شدیم

بهم أئمّةً وقادةً وسادةً وحسبنا بهم بيننا و

بایشان امامان و پیش روان و بزرگان و بسنده است ما را ایشان میان ما و

بين الله دون خلقه لا نبتغي بهم بدلاً ولا

میان خدا نزد خلق او نمی خواهیم بجای ایشان عوضی و نه

نتّخذ من دونهم وليجةً وبرئنا الى الله من كلّ من

می گیریم از غیر ایشان دوستی و بیزاریم بسوی خدا از هر کسیکه

نصب لهم حرباً من الجنّ والإنس من الأوّلين والآخرين

بر پا کرد برای ایشان جنگ را از دیو و آدمی از پیشینیان و پسینیان

وكفرنا بالجبت والطاغوت والأوثان الأربعة

و کافر شدیم به جبت و به طاغوت و بتهای چهارگانه

وأشياعهم وأتباعهم وكلّ من والاهم من الجنّ

و پیروان ایشان و متابعان ایشان و هر کسیکه دوست دارد ایشان را از دیو

والإنس من أوّل الدهر الى آخره اللّهمّ إنّا نشهدك

و آدمی از ابتدای روزگار تا آخر او خداوندا بدرستیکه گواهی میدهیم

أنّا ندين بما دان به محمّد وآل محمّد صلّى الله عليه

اینکه ما جزا دهیم بانچه جزا داده به آن محمد و آل محمد رحمت خدا بر ایشان

وآله

وَقَوْلُنَا مَا قَالُوا وَدِينُنَا مَا دَانُوا بِهِ مَا قَالُوا بِهِ

و گفتار ما آنکه گفتند و دین ما آنکه متدین گردیدند به آن آنکه گفتند

قُلْنَا وَمَا دَانُوا بِهِ دِنَّا وَمَا أَنْكَرُوا أَنْكَرْنَا وَمَنْ

گفتیم و آنکه متدین گردیدند به آن متدین گردیدیم و آنکه انکار کردند انکار کردیم و کسیکه

وَالَوْا وَالَيْنَا وَمَنْ عَادَوْا عَادَيْنَا وَمَنْ لَعَنُوا لَعَنَّا

دوست داشتند دوست داشتیم و هر که دشمن داشتند دشمن داشتیم و هر کرا لعنت کردند لعنت کردیم

وَمَنْ تَبَرَّءُوا مِنْهُ تَبَرَّأْنَا مِنْهُ وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ

و هر که بیزاری جستند از او بیزاری جستیم از او و هر کرا ترحم کردند بر او

تَرَحَّمْنَا عَلَيْهِ آمَنَّا وَسَلَّمْنَا وَرَضِينَا وَاتَّبَعْنَا

ترحم کردیم بر او ایمان آوردیم و گردن نهادیم و پسندیدیم و پیروی کردیم

مَوَالِيَنَا صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ اَللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ لَنَا ذٰلِكَ

پیشوایان خود رحمت خدا بر ایشان خداوندا پس تمام کن برای ما این

وَلَا تَسْلُبْنَاهُ وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا عِنْدَنَا وَلَا

و سلب مکن از ما این را و بگردان او را ثابت در نزد ما و

تَجْعَلْهُ مُسْتَعَارًا وَأَحْيِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا عَلَيْهِ وَأَمِتْنَا

قرار مده او را عاریت بر ما و زنده دار ما را آنکه زنده داشته ما را بر آن و بمیران ما را

إِذَا أَمَتَّنَا عَلَيْهِ آلُ مُحَمَّدٍ أَئِمَّتُنَا فَبِهِمْ نَأْتَمُّ وَإِيَّاهُمْ

هرگاه بمیرانی ما را بر آن آل محمد پیشوایان ما اند پس بایشان اقتدا کنیم و ایشان را

نُوَالِي وَعَدُوُّهُمْ عَدُوُّ اللهِ نُعَادِي فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ

دوست داریم و دشمن ایشان دشمن خداست دشمن می داریم پس بگردان ما را با ایشان

فی الدنیا والاخرة ومن المقربین فانا بذلک

در دنیا و در آخرت و از جمله نزدیکان پس بدرستیکه ما بدین

راضون یا ارحم الراحمین پس باز بسجده رود و

راضی هستیم ای رحم‌ترین رحم کنندگان صد مرتبه الحمد لله

وصد مرتبه شکرا لله بگوید پس حضرت فرمود که

هر که این عمل را بجا آورد ثواب کسی داشته باشد

که در روز غدیر نزد حضرت رسول حاضر شده باشد

و با حضرت رسول و امیر المؤمنین بر ولایت آنحضرت

بیعت کرده باشد و درجه او در بهشت با درجه

راستگویان و تصدیق کنندگان باشد که تصدیق

خدا و رسول در آن روز از روی اخلاص کردند مانند

سلمان و ابوذر و مقداد رضی الله عنهم و مانند

کسی باشد که شهید شده باشد با حضرت رسول

و امیر المؤمنین و حسن و حسین و مانند کسی باشد

که در زیر علم حضرت صاحب الامر و در زیر خیمه

حضرت بوده باشد از نجیبان و نقیبان و برگزیدگان

اصحاب آنحضرت و ایضا شیخ مفید روایت کرده

است که سنت است در روز غدیر این دعا را بخوانند

اللهم انی اسئلک بحق محمد نبیک و علی ولیک

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بحق محمد که پیغمبر تست و علی که ولی تست

والان

وَالشَّأْنِ وَالْقَدْرِ الَّذِي خَصَصْتَهُمَا بِهِ دُونَ
و بلندی مرتبه و قدری که مخصوص ساخته ای ایشان را بان نزد
خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَأَنْ تَبْدَأَ بِهِمَا
خلق خود اینکه رحمت فرستی بر محمد و علی و ابتدا کنی بایشان
فِي كُلِّ خَيْرٍ عَاجِلٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
در هر نیکی شتابنده خداوندا رحمت کن بر محمد و آل محمد
الْأَئِمَّةِ الْقَادَةِ وَالدُّعَاةِ السَّادَةِ وَالنُّجُومِ الزَّاهِرَةِ
پیشوایان کشندگان و خوانندگان و بزرگان و ستارگان درخشنده
وَالْأَعْلَامِ الْبَاهِرَةِ وَسَاسَةِ الْعِبَادِ وَأَرْكَانِ
و نشانهای آشکار و بهترین بندگان و رکنهای
الْبِلَادِ وَالنَّاقَةِ الْمُرْسَلَةِ وَالسَّفِينَةِ النَّاجِيَةِ
شهرها و ناقه فرستاده شده و کشتی نجات یافته
الْجَارِيَةِ فِي اللُّجَجِ الْغَامِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
روان در دریای عمیق خداوندا رحمت کن بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ خُزَّانِ عِلْمِكَ وَأَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ وَ
و آل محمد خزانه داران علم تو و رکنهای یگانگی تو و
دَعَائِمِ دِينِكَ وَمَعَادِنِ كَرَامَتِكَ وَصَفْوَتِكَ
ستونهای دین تو و قرارگاه کرامت تو و برگزیدگان تو
مِنْ بَرِيَّتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ الْأَتْقِيَاءِ الْأَ
از آفریدگان تو و برگزیدگان تو و نیکوان که پرهیزکاران

نقباء النجباء الابرار والباب المبتلی به الناس

پاکان نجیبان نیکوکاران و دری که آزمایش کرده شد بآن مردمان

من اتاه نجی ومن اباه هوی اللهم صل علی

هر که در آمد از آن رستگار شد و هر که سر باز زد هلاک شد خداوندا رحمت کن بر

محمد وآل محمد اهل الذکر الذین امرت بمسألتهم

محمد و آل محمد اهل ذکر آنانکه امر کردی تو بسؤال کردن ایشان

وذوی القربی الذین امرت بمودتهم وفرضت

و صاحبان قرب آنانکه امر کردی بدوستی ایشان و واجب کردی

حقهم وجعلت الجنة معاد من اقتص آثارهم

حق ایشان را و گردانیدی بهشت را بازگشت کسی که پیروی کند آثار ایشان را

اللهم صل علی محمد وآل محمد کما امروا بطاعتک

خداوندا رحمت کن بر محمد و آل محمد چنانکه امر کردند بطاعت تو

ونهوا عن معصیتک ودلوا عبادک علی وحدانیتک

و نهی کردند از معصیت تو و راه نمودند بندگان ترا بر یگانگی تو

اللهم انی اسئلک بحق محمد نبیک ونجیبک

خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا بحق محمد پیغمبر تو و برگزیده تو

وصفوتک وامینک ورسولک الی خلقک وبحق

و برگزیده تو و امین تو و فرستاده تو بسوی بندگان تو و بحق

امیر المؤمنین ویعسوب الدین وقائد الغر المحجلین

امیر مؤمنان و بزرگ دین و پیشرو سفیدرویان

الوصی

الوصي الوفي والصديق الاكبر والفاروق

آن وصی وفاکننده راستگو بزرگ تر و جدا کننده

بين الحق والباطل والشاهد لك والدال عليك

میان حق و باطل و گواهی دهنده برای تو و راهنماینده بر تو

والصادع بامرك والمجاهد في سبيلك لم تاخذه

و آشکار کننده کار تو و جهاد کننده در راه تو نگرفته او را

فيك لومة لائم ان تصلي على محمد وال محمد و

در راه تو ملامت ملامت کننده اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

ان تجعلني في هذا اليوم الذي عقدت فيه لوليك

اینکه قرار دهی مرا در این روز آنکه بستی در او از برای ولی تو

العهد في اعناق خلقك واكملت لهم الدين من

پیمان را در گردنهای بندگان خود و کامل کردی از برای ایشان دین [illegible]

العارفين بحرمته والمقرين بفضله من عتقائك

شناسندگان بحرمت او و اقرار کنندگان بفضل او از آزاد شدگان تو

وطلقائك من النار ولا تشمت بي حاسدي النعم

و رها شدگان تو از آتش و شاد مکن بمن رشک برندگان نعمتهای

اللهم فكما جعلته عيدك الاكبر وسميته

خداوندا همچنانکه قرار دادی او را عید بزرگتر و نامیدی او را

في السماء يوم العهد المعهود وفي الارض يوم

در آسمان روز عهد گرفته شده و در زمین [illegible]

الميثاق المأخوذ والجمع المسئول صلّ على محمد

به پیمان گرفته شده و جمع سؤال کرده شده رحمت کن بر محمد

وآل محمد وأقرّ به عيوننا واجمع به شملنا ولا

وآل محمد و روشن کن بان چشمهای ما و فراهم آور بان پراکندگی ما را و

تضلّنا بعد إذ هديتنا واجعلنا لأنعمك من

گمراه مکن بعد از آنکه راه نمودی ما را و بگردان ما را برای نعمتهای خود از

الشاكرين يا أرحم الراحمين الحمد لله الذي عرّفنا

شکرکنندگان ای رحیمترین رحم کنندگان ستایش مر خدا را که شناسانید ما را

فضل هذا اليوم وبصّرنا حرمته وكرّمنا به وشرّفنا

زیادتی این روز و بینا کرد ما را حرمت آن و گرامی داشت ما را بآن و شرف داد

بمعرفته وهدانا بنوره يا رسول الله يا أمير المؤمنين

بشناسانیدن او و راه نمود ما را بروشنی او ای فرستاده خدا ای امیر مؤمنان

عليكما وعلى عترتكما وعلى محبّيكما منّي أفضل السلام

بر شما و بر خویشان شما و بر دوستان شما از من نیکوترین سلام

ما بقي الليل والنهار وبكما أتوجّه إلى الله ربّي

مادامی که باقیست شب و روز و بشما روی آورم بسوی خدا پروردگار من

وربّكما في نجاح طلبتي وقضاء حوائجي وتيسير

و پروردگار شما در روا شدن حاجت من و برآمدن حاجتهای من و آسان شدن

أموري اللهمّ إنّي أسئلك بحقّ محمد وآل محمد أن

کارهای من خداوندا بدرستی که سؤال میکنم بحق محمد وآل محمد اینکه

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَلْعَنَ مَنْ جَحَدَ حَقَّ

رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه لعنت کنی کسی را که انکار کرد حق

هٰذَا الْيَوْمِ وَأَنْكَرَ حُرْمَتَهُ فَصَدَّ عَنْ سَبِيلِكَ

این روز را و انکار کرد حرمت آن را پس باز گردید مردم را از راه تو

لِإِطْفَاءِ نُورِكَ فَأَبَى اللّٰهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ اللّٰهُمَّ

بجهت فرو نشاندن نور تو پس ابا کرد خدا مگر اینکه تمام کند نور خود را خداوندا

فَرِّجْ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَاكْشِفْ عَنْهُمْ وَ

بگشای از خانواده محمد پیغمبر تو و زایل کن از ایشان و

بِهِمْ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُرُبَاتِ اللّٰهُمَّ امْلَأِ الْأَرْضَ

بسبب ایشان از مؤمنان اندوهها را خداوندا پر کن زمین را

بِهِمْ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَأَنْجِزْ لَهُمْ مَا

بسبب ایشان از عدالت چنانکه پر شده از ستم و بیدادی و وفا کن به ایشان آنچه را

وَعَدْتَهُمْ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ واكر بعد از اين

وعده داده ای بدرستی که تو مخالفت نمی کنی وعده خود را

دعا بسجده برود

وصد مرتبه الحمد لله بگويد وصد مرتبه يا انجم توايا

بكو الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى إِكْمَالِ الدِّينِ وَإِتْمَامِ النِّعْمَةِ وَرِضَى

بكويد

ستایش خدا را بر کامل گردانیدن دین و تمام کردن نعمت و خوشنودی

الرَّبِّ الْكَبِيرِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلٰوةُ عَلَى خَيْرِ

پروردگار بزرگ و ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است و رحمت بر بهترین

خَلِيفَتِهِ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ بهتر خواهد بود چنانچه

جانشین او محمد و عترت او که پاکانند

سید بن باقی و کفعمی روایت کرده اند اما شیخ مفید
علیه الرحمه این زیادتی را نقل نکرده است فصل پنجم
در فضیلت و اعمال روز مباهله است تا آخر ماه
و در تعیین روز مباهله میان علما خلافست و
اشهر و اقوی آنست که روز بیست و چهارم است
و بعضی بیست و پنجم و بعضی بیست و هفتم و بعضی
بیست و یکم گفته اند و اگر در هر یک از اینها اعمال
مستحبه را بعمل آورند بهتر است و آنچه مشهور است
بیست و چهارم است و سبب فضیلت روز مباهله
آنست که چون حضرت رسول رسولان فرستاد برای
نصاری نجران که اعظم ترسایان عرب بودند و
ایشان بکتب خود رجوع کردند و اوصاف حضرت
رسالت را در کتب جمیع انبیا مشاهده کردند حب
دنیا بر اکثر علمای ایشان غالب شد و ایمان نیاوردند
و هفتاد نفر از علما و عظمای خود را فرستادند که
صفاتی که در کتب سابقه برای حضرت دیده اند مشاهده
نمایند و بمدینه داخل شدند و صفات را موافق یافتند
و حضرت رسول حجتهای شافی بر ایشان تمام کرد
و باز بعضی از ایشان بسبب حب ریاست و اغراض
باطله مضایقه کردند در ایمان آوردن و نحو

این آیه کریمه فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک
را فرستاد پس هر که محاجه کند ترا در امر عیسی بعد از آنکه آمده است ترا
من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءکم
از دانش پس بگو بیایید تا بخوانیم پسران خود را و پسران شما را
ونساءنا ونساءکم وانفسنا وانفسکم ثم نبتهل
و زنان خود را و زنان شما را و نفسهای خود را و نفسهای شما را پس تضرع و زاری کنیم
فنجعل لعنة الله على الكاذبين پس حضرت
پس گردانیم لعنت خدا را بر دروغگویان رسول عبائی
بر دوش گرفت و حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن
و حسین را در زیر عبا داخل کرد و گفت پروردگارا
هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص‌ترین
خلق بوده‌اند با و خداوندا اینها اهل بیت من اند
پس از ایشان برطرف کن شک و گناه را و پاک گردان
ایشان را پاک کردنی پس جبرئیل نازل شد و این آیه کریمه
در شان ایشان انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل
ایشان آورد جز این نیست که اراده می‌کند خدا که دور گرداند از شما ای اهل بیت شک را
البیت ویطهرکم تطهیرا پس حضرت رسول
ای اهل بیت و پاک گرداند شما را پاک گردانیدنی علی و فاطمه و حسن و
حسین را با خود بیرون برد از مدینه برای مباهله
و چون نصاری حقیت آنحضرت را دانسته بودند

بعد از ایستادن حضرت با آن بزرگواران در
مقام مباهله آثار نزول عذاب در زمین و آسمان
ظاهر شد و عالم بزرگ ایشان گفت بخدا سوگند
که من روی چند می بینم که اگر دعا کنند که کوهی
از جا کنده شود کنده خواهد شد جرأت نکردند
بر مباهله و استدعای مسالمه و مصالحه کردند
و قبول کردند که هر سال جزیه بدهند و حضرت
ایشان را نفرین نکرد و بامر الهی بر ایشان جزیه قرار
داد و حضرت فرمود بخدا سوگند که هلاک و عذاب
آویخته شد بر اهل نجران و اگر مباهله میکردم
هر آینه همه این جماعت میمون و خوک میشدند و این
وادی بر ایشان آتش میشد و سرایت میکرد بنجران
و همه ترسایان نجران میسوختند و پیش از آنکه سال
تمام شود همه میمردند و یک نصرانی بر روی زمین
زنده نمیماند و باین سبب چند امر بر عالمیان
ظاهر شد اول حقیت آنحضرت زیرا که اعتماد بر حقیت
خود نمیداشت خود را و عزیزترین اهل خود را در
معرض مباهله در نمی آورد و اگر حقیت آنحضرت را
آن جماعت بر ایشان ظاهر نشده بود مباهله می کردند
و مذلت و خواری جزیه را بر خود قرار نمیدادند و

انکه ظاهر شد که آل عبا بزرگوارترین خلق بودند
که ایشانرا انحضرت با خود در دعا شریک کرده‌اند
سیم انکه ایشان عزیزترین خلق بودند نزد آن
حضرت که برای اظهار حقیت خود ایشانرا در معرض
نفرین بدا ورد زیرا که بسیار است که آدمی خود در
بمهالک می اندازد اما اعزه عیال خود را راضی
نمیشود که در معرض خطر در آورد چنانچه صاحب
کشاف وغیر او از متعصبان سنیان اعتراف
براین نموده‌اند چهارم انکه حسن وحسین فرزند
حقیقی انحضرت‌اند ورتبه ایشان از سایر صحابه
بیشتر بوده نزد خدا ورسول با آن صغر سن پنجم
انکه حضرت فاطمه بهترین زنان بوده است واز
زوجات وسایر قرابات با نحضرت اخص واقرب
بوده ومنزلت او نزد حق تعالی از همه بیشتر ششم
انکه باتفاق عامه وخواصه حضرت امیر المومنین
در مباهله بوده وداخل ابنا ونسا نیست پس باید
داخل انفسنا باشد وحقیقت در اینجا مراد نمیتواند
بود زیرا که اتحاد دو نفس محالست پس مراد انست
که اختصاص انحضرت بحضرت رسالت در کمالات
وصفات بمرتبه بود که بمنزله نفس وجان انحضرت

بود پس هر کمالی که در حضرت رسول بود باید که
در ان حضرت باشد بغیر پیغمبری پس باید که افضل
باشد از جمیع صحابه و جمیع پیغمبران بغیر انحضرت
و باید که مخصوص ترین خلق باشد بانحضرت و
اعز خلق باشد نزد او و روایات مفصله این قصه
شریفه و فوایدی که از ان مستفاد میشود در
کتاب حیوة القلوب ذکر کرده ام و این رساله گنجایش
ذکر انها ندارد و از جمله اموری که در روز بیست
و چهارم واقع شده و موجب مزید فضل ان گردید
انست که در این روز حضرت امیر المؤمنین در
رکوع نماز انگشتری خود را بسائل بخشید و این ایه
کریمه نازل شد و امامت انحضرت بر اصحاب بصیرت
هویدا گردید اِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
جز این نیست که صاحب اختیار شما خداست و رسول او و انها که ایمان آوردند
الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ
انها که برپا میدارند نماز را و میدهند زکوة را و ایشان
رَاكِعُونَ و این ایه نص صریحست بر امامت انحضرت
در ان حالت در رکوعند چنانچه در سایر کتب ذکر کرده ام و در این
روز غسل سنت است و زیارت حضرت امیر المؤمنین
را در این روز ذکر کرده اند و چون خواندن زیارت

جامعه

جامعه مناسب است و روزهٔ این روز مستحب است
و تأسّی بمولای خود امیر المؤمنین کردن در تصدّق
بر فقرا و ادای حاجات بانچه مقدور و میسّر
باشد مطلوب است و اعمال این روز مبارک چند است
اوّل شیخ طوسی ره از حضرت صادق روایت کرده
که در این روز پیش از زوال بنیم ساعت دو رکعت
نماز بکند برای شکر نعمت مباهله و در هر رکعت
بعد از سورهٔ حمد هر یک از سورهٔ قل هو الله احد
و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و سورهٔ انا انزلنا
را ده مرتبه بخواند اگر این نماز را بعمل آورد نزد
خدا برابر است با صد هزار حج و صد هزار عمره
و هر حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت از حق تعالی
سؤال کند البتّه بر آورده شود هر چند عظیم باشد
انشاء الله و این نماز همان نماز است که در اعمال
روز غدیر مذکور شد عمل دویم از اعمال این روز
دعائیست که شیخ طوسی و سید ابن طاوس قدس الله
روحهما بسندهای معتبر از حضرت صادق روایت
کرده اند و آن حضرت از پدر خود امام محمد باقر روایت
کرده است که آنحضرت فرمود که اگر گویم در این دعا
اسم اعظم حق تعالی هست هر آینه راست گفته ام

واگر مردم بدانند که این دعا در اجابت چگونه
تأثیر مینماید البته بهر نحو که مقدور باشد سعی
نمایند در تحصیل آن هر چند باید که قتال کنند
و مرا هر حاجت که عارض میشود این دعا را میخوانم
و بعد از آن حاجت خود را می طلبم والبته مستجاب
میگردد و این دعائیست که در وقتی که آیه مباهله
نازل شد جبرئیل از جانب خداوند جلیل بر حضرت
سید رسل نازل شد و این دعا را آورد و گفت
برای مباهله بیرون رو و وصی خود علی بن ابیطالب
و سیده نسا فاطمه زهرا و دو نور دیده و فرزندان
دلبند خود حسن و حسین را با خود ببر و این دعا را
بخوان و با ترسایان مباهله کن و بر ایشان نفرین
کن پس حضرت امام جعفر صادق گفت که هرگاه
این دعا را خوانید جهد و سعی کنید در دعا و تضرع
و این دعا را شفیع خود گردانید در حاجتها و از کسی
که اهلش نباشد از سفیهان و منافقان پنهان
دارید و بایشان تعلیم منمائید که از علمهای
مخزونست و هر کس قابل این گوهر گرانمایه نیست و دعا اینست
اللهم انی اسئلک من بهائک بابهاه و کل

[illegible]

بهاوا

بهاءك بهيّ اللهمّ انّي اسئلك ببهاءك

نیکوها تو نیکو است خداوندا بدرستی که من سؤال می کنم ترا به نیکوئیهای تو

كلّه اللهمّ انّي اسئلك من جلالك باجلّه

همه آن خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا از بزرگواری تو بخوب ترین آن

وكلّ جلالك جليل اللهمّ انّي اسئلك بجلالك

و همه بزرگیهای تو بزرگ است خداوندا بدرستی سؤال می کنم ترا به بزرگی تو

كلّه اللهمّ انّي اسئلك من جمالك باجمله

همه آن خداوندا بدرستی سؤال می کنم ترا از نیکوئیهای تو به نیکوترین او

وكلّ جمالك جميل اللهمّ انّي اسئلك بجمالك

و همه نیکوئیهای تو نیکو است خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا به نیکوئی تو

كلّه اللهمّ انّي ادعوك كما امرتني فاستجب لي

همه آن خداوندا بدرستی که می خوانم ترا همچنانکه امر کردی پس اجابت کن مرا

كما وعدتني اللهمّ انّي اسئلك من عظمتك با

همچنانکه وعده فرمودی خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا از بزرگواری تو

عظمها وكلّ عظمتك عظيمة اللهمّ انّي اسئلك

بزرگترین آن و همه بزرگواری تو بزرگ است خداوندا بدرستی سؤال می کنم از

بعظمتك كلّها اللهمّ انّي اسئلك من نورك

به بزرگواری تو همه آن خداوندا بدرستی که من سؤال می کنم از نور تو

بانوره وكلّ نورك نيّر اللهمّ انّي اسئلك بنورك

بروشن ترین آن و همه روشنائیهای تو روشن است خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا بنور تو

كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِاَوْسَعِها

همه آن خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا از رحمت تو بوسیع ترین آن

وَكُلُّ رَحْمَتِكَ واسِعَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ

و همه رحمت تو وسیع است خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا برحمت تو

كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي

همه آن خداوندا بدرستی که می خوانم ترا چنانکه امر کردی پس مستجاب گردان برای

كَما وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ كَمالِكَ بِاَكْمَلِهِ

چنانکه وعده کردی مرا خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا از کمال تو بکاملترین آن

وَكُلُّ كَمالِكَ كامِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِكَمالِكَ كُلِّهِ

و همه کمال تو کامل است خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا بکمال تو همه آن

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ كَلِماتِكَ بِاَتَمِّها وَكُلُّ

خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا از کلمهای تو بتمامتر آن و همه

كَلِماتِكَ تامَّةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِكَلِماتِكَ

کلمات تو تمام است خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا بکلمات تو

كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ اَسْمائِكَ بِاَكْبَرِها

همه آن خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا از نامهای تو به بزرگترین آن

وَكُلُّ اَسْمائِكَ كَبِيرَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاَسْمائِكَ

و همه نامهای تو بزرگ است خداوندا بدرستی که سؤال می کنم ترا بنامهای تو

كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي

همه آن خداوندا بدرستی که می خوانم ترا چنانکه امر کردی پس اجابت کن مرا

كما

كَمَا وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ

چنانکه وعده فرمودی خداوندا بدرستی سوال می‌کنم ترا بعزت تو

بِاَعَزِّهَا وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزِيزَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ

بعزیزترین آن و همه عزت تو عزیز است خداوندا بدرستی سوال می‌کنم ترا

بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ

بعزت تو همه آن خداوندا بدرستی سوال می‌کنم ترا بمشیت تو

بِاَمْضَاهَا وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

بگذشته‌ترین آن و همه مشیت تو گذشته است خداوندا بدرستیکه

اَسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

سوال می‌کنم ترا بمشیت تو همه آن خداوندا بدرستیکه سوال می‌کنم ترا

بِقُدْرَتِكَ الَّتِي اسْتَطَلْتَ بِهَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ

بقدرت تو که استیلا یافته بآن بر همه چیزی و همه

قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ

قدرت تو استیلا یافته خداوندا بدرستیکه سوال می‌کنم ترا بقدرت تو

كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ

همه آن خداوندا بدرستیکه می‌خوانم ترا چنانکه امر فرمودی مرا پس قبول کن

لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ

از من چنانکه وعده دادی مرا خداوندا بدرستیکه سوال می‌کنم ترا از دانش تو

بِاَنْفَذِهِ وَكُلُّ عِلْمِكَ نَافِذٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

بروانترین آن و همه دانش تو روان است خداوندا بدرستیکه سوال می‌کنم ترا

بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ
به دانایی تو همه آن خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا از گفتار تو

بِاَرْضاهُ وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِیٌّ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ
بخوشنودترین آن و همه گفتار تو پسندیده است خداوندا بدرستیکه سوال می کنم

بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ مَسائِلِكَ
بگفتار تو همه آن خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا از خواسته های تو

بِاَحَبِّها وَكُلُّ مَسائِلِكَ حَبیبَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ
بدوسترین آنها و همه خواسته های تو دوست است خداوندا بدرستیکه سوال میکنم

بِمَسائِلِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی
بخواسته های تو همه آن خداوندا بدرستیکه می خوانم ترا چنانکه امر کردی مرا

فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ
پس اجابت کن مرا چنانکه وعده دادی مرا خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا از

شَرَفِكَ بِاَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَریفٌ اَللّٰهُمَّ
بشرف تو بشریفترین او و همه شرف تو شریف است خداوندا

اِنّی اَسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ
بدرستیکه سوال می کنم ترا بشرف تو همه آن خداوندا بدرستیکه سوال میکنم ترا

مِنْ سُلْطانِكَ بِاَدْوَمِهِ وَكُلُّ سُلْطانِكَ دائِمٌ
از پادشاهی تو به همیشه ترین آن و همه پادشاهی تو همیشگی است

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِسُلْطانِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی
خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا بپادشاهی تو همه آن خداوندا بدرستیکه

مِنْ

أَسْئَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فاخِرٌ

سؤال می‌کنم ترا از پادشاهی تو بفخیم‌ترین آن و همه پادشاهی تو فخیم است

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي

خداوندا بدرستیکه سؤال می‌کنم ترا بپادشاهی تو همهٔ آن خداوندا بدرستیکه

أَدْعُوكَ كَما أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَما وَعَدْتَنِي

می‌خوانم ترا چنانکه امر فرمودی مرا پس مستجاب گردان برای من چنانکه وعده فرمودی مرا

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ عَلائِكَ بِأَعْلاهُ وَكُلُّ

خداوندا بدرستیکه سؤال می‌کنم ترا از بلندی تو ببلندترین آن و همه

عَلائِكَ عالٍ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ آياتِكَ

بلندی تو بلند است خداوندا بدرستیکه سؤال می‌کنم ترا از نشانهای تو

بِأَعْجَبِها وَكُلُّ آياتِكَ عَجِيبَةٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ

بعجیب‌ترین آن و همه نشانهای تو عجیب است خداوندا بدرستیکه سؤال می‌کنم ترا

بِآياتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ مَنِّكَ

بنشانهای تو همهٔ آن خداوندا بدرستیکه سؤال می‌کنم ترا از انعام تو

بِأَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ قَدِيمٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ

بقدیم‌ترین آن و همه انعام تو دیرینه است خداوندا بدرستیکه سؤال می‌کنم ترا

بِمَنِّكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَما أَمَرْتَنِي فَا

بانعام تو همهٔ آن خداوندا بدرستیکه می‌خوانم ترا چنانکه امر فرمودی مرا پس

سْتَجِبْ لِي كَما وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِما

مستجاب گردان برای من چنانکه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستیکه سؤال می‌کنم ترا بآنچه

أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشُّؤُونِ وَالْجَبَرُوتِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
تو درون از کارها و بزرگواری خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم
بِكُلِّ شَأْنٍ وَكُلِّ جَبَرُوتٍ لَكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بهر کاری و هر بزرگی از برای تو خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم
بِمَا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ أَسْأَلُكَ يَا اللّٰهُ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا
با آنکه اجابت کنی مرا بآن وقتی که سوال کرده ترا ای خدا ای نیست خدائی مگر
أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِبَهَاءِ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا
تو سوال می کنم ترا به نیکوئی لا اله الا انت ای آنکه نیست خدائی مگر
أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِجَلَالِ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا
تو سوال می کنم ترا به بزرگی لا اله الا انت ای آنکه نیست خدائی مگر
أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ
تو سوال می کنم ترا بکلمهٔ لا اله الا انت خدایا بدرستیکه می خوانم ترا
كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
همچنانکه امر کردی مرا پس مستجاب گردان مرا چنانکه وعده دادی مرا خداوندا بدرستیکه سوال میکنم
مِنْ رِزْقِكَ بِأَعَمِّهِ وَكُلُّ رِزْقِكَ عَامٌّ اللّٰهُمَّ إِنِّي
روزی تو بعموم آن و همه روزی تو فراگیرنده است خداوندا بدرستیکه
أَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَطَائِكَ
سوال می کنم ترا بروزی تو همه آن خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا از عطای تو
بِأَهْنَئِهِ وَكُلُّ عَطَائِكَ هَنِيءٌ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَطَائِكَ
بگواراترین آن و همه بخشش تو گوارا است خداوندا بدرستیکه سوال میکنم ترا به بخشش

كُلِّهِ

كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِاَعْجَلِهِ وَ

همه آن خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا از نیکیها تو شتابنده است و

كُلُّ خَيْرِكَ عاجِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِخَيْرِكَ

همه نیکوئیها تو شتابنده است خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا به نیکوئیهای تو

كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِاَفْضَلِهِ وَ

همه آن خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا از فضل تو بافزونتر آن و

كُلُّ فَضْلِكَ فاضِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِفَضْلِكَ

همه فضل تو افزون است خداوندا بدرستیکه سوال می کنم ترا بفضل تو

كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنى فَاسْتَجِبْ لى

همه آن خداوندا بدرستیکه می خوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس مستجاب کردان مرا

كَما وَعَدْتَنى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ

چنانکه وعده دادی مرا خداوندا رحمت کن بر محمد و آل محمد و

ابْعَثْنى عَلَى الْاِيمانِ بِكَ وَالتَّصْديقِ بِرَسُولِكَ

برانگیزان مرا بر ایمان آوردن بتو و تصدیق کردن بفرستاده تو

عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلامُ وَالْوِلايَةِ لِعَلِىِّ بْنِ اَبيطالِبٍ

بر او و آل او سلام و دوستی مر علی فرزند ابو طالب

وَالْبَراءَةِ مِنْ عَدُوِّهِ وَالْاِئْتِمامِ بِالْاَئِمَّةِ مِنْ آلِ

و بیزاری از دشمن او و اقتدا نمودن به پیشوایان از آل

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ فَاِنّى قَدْ رَضيتُ بِذلِكَ

محمد بر ایشان سلام پس بدرستیکه راضی شدم باین

يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ

ای پروردگار من خدایا رحمت کن بر محمد که بنده تو و فرستاده توست

فِي الْاَوَّلِينَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْاٰخِرِينَ

در پیشینیان و رحمت کن بر محمد و آل محمد در پسینیان

وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَاِ الْاَعْلٰى وَصَلِّ

و رحمت کن بر محمد و آل محمد در زمره بلند مرتبه و رحمت کن

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدًا

بر محمد و آل محمد در فرستادگان خداوندا ببخش محمد را

اَلْوَسِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ وَالدَّرَجَةَ

وسیله و شرف و بزرگی و درجه

الْكَبِيرَةَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَنِّعْنِي

بزرگ خداوندا رحمت کن بر محمد و آل محمد و قانع کن مرا

بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيمَا اَعْطَيْتَنِي وَاحْفَظْنِي

بانچه روزی کردی تو مرا و برکت ده مرا در آنکه عطا کردی مرا و محفوظ کن مرا

فِي غَيْبَتِي وَفِي كُلِّ غَائِبٍ هُوَ لِي اَللّٰهُمَّ صَلِّ

در غیبت و در هر غایبی که او از برای من خداوندا رحمت کن

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانَكَ

بر محمد و آل محمد و سوال می کنم ترا نیکی بهتر خوشنودی ترا

وَالْجَنَّةَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَالنَّارِ

و بهشت و پناه می برم بتو از بدی بدتر خشم تو و آتش

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي
خداوندا رحمت کن بر محمد و آل محمد و نگاهداری کن مرا
مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عُقُوبَةٍ
از هر مصیبتی و از هر بلیه و از هر عقوبت
وَمِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَ
و از هر بلا و از هر بدی و از هر ناخوشی و
مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ
از هر مصیبتی و از هر آفتی که فرود آمد یا فرود آید
مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِي
از آسمان بسوی زمین در این ساعت و در
كُلِّ سَاعَةٍ وَفِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هٰذَا الْيَوْمِ
هر ساعت و در این شب و در این روز
وَفِي هٰذَا الشَّهْرِ وَفِي هٰذِهِ السَّنَةِ اللّٰهُمَّ صَلِّ
و در این ماه و در این سال خداوندا رحمت کن
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لِي مِنْ كُلِّ سُرُورٍ وَمِنْ
بر محمد و آل محمد و قسمت کن از برای من از هر شادی و از
كُلِّ بَهْجَةٍ وَمِنْ كُلِّ اسْتِقَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ فَرَجٍ
هر نیکوئی و از هر راستی و از هر گشایشی
وَمِنْ كُلِّ عَافِيَةٍ وَمِنْ كُلِّ سَلَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ
و از هر عافیتی و از هر سلامتی و از هر بزرگواری

وَمِنْ كُلِّ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ وَمِنْ كُلِّ

و از هر روزی فراخ حلال پاکیزه و هر

نِعْمَةٍ وَمِنْ كُلِّ سَعَةٍ نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

نعمتی و از هر وسعتی که فرود آمده یا فرود می آید از آسمان

اِلَى الْاَرْضِ فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ

بسوی زمین در این ساعت و در این شب

وَفِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا الشَّهْرِ وَفِي هٰذِهِ السَّنَةِ

و در این روز و در این ماه و در این سال

اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهِي

خداوندا اگر بوده است گناهان من که کهنه کرده باشد روی مرا

عِنْدَكَ وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ وَغَيَّرَتْ حَالِي

نزد تو و حایل شده میان من و میان تو و تغییر داده حال مرا

عِنْدَكَ فَاِنِّي اَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي لَا يُطْفَأُ

نزد تو پس بدرستی که سوال می کنم ترا بنور ذات تو آنکه فرو نشیند

وَبِوَجْهِ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ الْمُصْطَفٰى وَبِوَجْهِ وَلِيِّكَ

و بذات محمد دوست تو برگزیده شده و بذات دوست

عَلِيٍّ الْمُرْتَضٰى وَبِحَقِّ اَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ

علی پسندیده شده و بحق دوستان تو آنکه برگزیده ای ایشانرا

اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لِي مَا

آنکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی مرا آنچه

لم

مَضَى مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْصِمَنِي مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي
که گذشته از گناهان من واینکه نگاه داری مرا در باقی که مانده است از عمر من
وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ أَنْ أَعُودَ فِي شَيْءٍ مِنْ مَعَا
و پناه میبرم بتو ای خدایا اینکه برگردم در چیزی از گناهان
صِيكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي حَتَّى تَتَوَفَّانِي وَأَنَا لَكَ
خشم تو هرگز مادامی که گذاری مرا تا اینکه بمیرانی مرا و من برای تو
مُطِيعٌ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَأَنْ تَخْتِمَ لِي عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ
فرمان بردارم و تو از من راضی شده واینکه ختم کنی اعمال مرا به بهترین آن
وَتَجْعَلَ لِي ثَوَابَهُ الْجَنَّةَ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ
و قرار دهی برای من ثواب آن را بهشت واینکه بکنی بمن آنچه تو
أَهْلُهُ يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَيَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ صَلِّ
سزاوار آنی ای اهل پرهیزکاری و ای اهل آمرزش رحمت کن
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
بر محمد و آل محمد و رحم کن مرا برحمت خود ای رحیم‌ترین
الرَّاحِمِينَ وبعد از آن هر حاجت که داری از حق
رحم کنندگان تعالی طلب کن که انشاء الله بر آورده است
مؤلف گوید که خواندن این دعا در روز مباهله مناسب است
وشیخ طوسی علیه الرحمة نیز در این روز روایت کرده
واز روایت مذکوره معلوم میشود که در همه
وقت میتوان خواندن ودر دعا اختلافی هست

میان روایات و آنچه در اینجا ذکر شده است
موافق روایات شیخ است و روایات دیگر را با تتمه
در رساله دیگر ایراد نموده‌ام و شبیه باین دعاها
در سحرهای ماه مبارک رمضان و روزهای آن
نیز وارد شده است با فضیلت بسیار و از اعظم
این دعاها است عمل سیم آنست که شیخ طوسی و
دیگران بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر
صلوات الله علیه روایت کرده اند که روز مباهله
روز بیست و چهارم ماه ذیحجه است و در این روز
آنچه خواهی از نماز بکن و هر دو رکعت نماز بکنی
بعد از آن هفتاد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ
بگو پس می‌ایستی و بموضع سجود خود نظر می‌کنی و این
دعا را میخوانی و باید که با غسل باشی و بروایت
دیگر فرمود که روز بیست و چهارم روز مباهله است
باید که این روز را روزه بداری و برای شکر حق
تعالی بر این نعمت عظمی و غسل بکن و پاکیزه‌ترین
جامه‌های خود را بپوش و آنچه توانی بوی خوش خود را
خوشبو کن و باید که با آرام دل و آرام تن باشی و اگر
در یکی از مشاهد مشرفه باشی نزد آن ضریح مقدس
حاضر شوی و الا بجای خلوتی بروی یا بر کوه بلندی

یا بصرانی بروی و باید که از منزل خود بیرون
رود و غسل کند و بهترین جامهای خود بپوشد
و چون بمحل دعا خواندن داخل شود دو رکعت
نماز بکند و باداب و شرایط و بعد از سلام هفتاد
مرتبه استغفار کند پس بایستد و بجانب آسمان
آسمان نظر کند و اینه دعا را بخواند و بعد از ان
فرمود پس هر دعائی که خواهی بکن باز دو رکعت نماز
بکن و دعا بکن اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
ستایش مر خدای را که پروردگار جهانیان است ستایش مر خدای را
و دعا اینست
فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَهُ مَا فِی
که آفریننده آسمانها و زمین است ستایش مر خدای را آنکه او راست آنچه در
السَّمٰوَاتِ وَفِی الْاَرْضِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی خَلَقَ السَّمٰوَاتِ
آسمانها و در زمین است ستایش مر خدای را آنکه آفرید آسمانها
وَالْاَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِینَ
و زمین را و پدید آورد تاریکیها و روشنائی پس آنانکه
کَفَرُوا بِرَبِّهِمْ یَعْدِلُونَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی عَرَّفَنِی
کافر شدند به پروردگار خود عدول کردند ستایش مر خدای را آنکه شناسانید مرا
مَا کُنْتُ بِهِ جَاهِلاً وَلَوْلَا تَعْرِیفُهُ اِیَّایَ لَکُنْتُ
آنچه بودم به آن نادان و اگر نه شناسانیدن او مرا هر آینه بودم
هَالِکًا اِذْ قَالَ وَقَوْلُهُ الْحَقُّ قُلْ لَا اَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ
هالک وقتی که گفت و گفتار او حق است بگو نمی‌خواهم از شما بر آن

أجرًا إلّا المودّة في القربى فبيّن لي القرابة وقال

مزدی مگر دوستی در حق خویشاوندان پس بیان کن برای من خویشی را و گفت

سبحانه إنّما يريد الله ليذهب عنكم الرجس

پاک است جز این که می‌خواهد خدا که ببرد از شما شرک و کفر را

أهل البيت ويطهّركم تطهيرًا فبيّن لي أهل

ای اهل بیت و پاک گرداند شما را پاک کردنی پس آشکار کرد برای من اهل را

بعد القرابة ثمّ قال تعالى مبيّنًا عن الصادقين

بعد از خویشی پس گفت خدای تعالی بیان کننده از راستگویان

الذين أمرنا بالكون معهم والردّ إليهم بقوله

آنکه امر کرده ما را با بودن با ایشان و در بازگشت بسوی ایشان بگفتن او

سبحانه يا أيّها الذين آمنوا اتّقوا الله وكونوا

پاک است او ای آنکه ایمان آوردند بپرهیزید از خدا و باشید

مع الصادقين فأوضح عنهم وأبان عن صفتهم

با راستگویان پس روشن شد از ایشان و ظاهر شد از صفت ایشان

بقوله جلّ ثناؤه فقل تعالوا ندع أبناءنا

بقول حق بزرگ است ثنای او پس بگو بیایید بخوانیم پسران خود را

وأبناءكم ونساءنا ونساءكم وأنفسنا وأنفسكم

و پسران شما را و زنان خود را و زنان شما را و جانهای خود را و جانهای شما را

ثمّ نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين

پس زاری کنیم پس گردانیم لعنت خدا را بر لعنت دروغگویان

فلا

فَلَكَ الشُّكْرُ يَا رَبِّ وَلَكَ الْمَنُّ حَيْثُ هَدَيْتَنِي

پس مر تراست شکر ای پروردگار من و مر تراست منت آنجا که راه نمودی مرا

وَأَرْشَدْتَنِي حَتَّى لَمْ يَخْفَ عَلَيَّ الْأَهْلُ وَالْبَيْتُ

و راه نمودی مرا تا آنکه پوشیده نماند بر من اهل بیت و خانواده

وَالْقَرَابَةُ فَعَرَّفْتَنِي نِسَاءَهُمْ وَأَوْلَادَهُمْ وَرِجَالَهُمْ

و خویشان پس شناسانیدی مرا زنان ایشان را و اولاد ایشان را و مردان ایشان را

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذٰلِكَ الْمَقَامِ

خدایا بدرستی که نزدیکی می‌جویم بسوی تو بآن مقام

الَّذِي لَا يَكُونُ أَعْظَمَ مِنْهُ فَضْلًا لِلْمُؤْمِنِينَ

آنچنانکه نمی‌باشد بزرگتر از او از جهت افزونی مؤمنان

وَلَا أَكْثَرَ رَحْمَةً لَهُمْ بِتَعْرِيفِكَ إِيَّاهُمْ شَأْنَهُ وَ

و نه بیشتر از جهت رحمت از برای ایشان بشناسانیدن تو ایشان را کار او و

إِبَانَتِكَ فَضْلَ أَهْلِهِ الَّذِينَ بِهِمْ أَدْحَضْتَ

آشکار کردن تو زیادتی خداوندان او آنانکه بسبب ایشان برطرف کرده

بَاطِلَ أَعْدَائِكَ وَثَبَّتَّ بِهِمْ قَوَاعِدَ دِينِكَ وَ

باطل دشمنان خود را و ثابت گردانیدی بایشان پایهای دین خود را و

لَوْلَا هٰذَا الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ الَّذِي أَنْقَذْتَنَا بِهِ وَ

اگر نه این مقام پسندیده بود که رهانیدی ما را بآن و

دَلَلْتَنَا عَلَى اتِّبَاعِ الْمُحِقِّينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ

راه نمودی ما را بر متابعت کردن محقان حق از اهل بیت پیغمبر تو

الصادقين عنك الذين عصمتهم من لغو

از راستگویان از تو آنانکه نگاه داشتی ایشان را از بیهوده

المقال ومدانس الافعال لخضع اهل الاسلام

گفتن و چرکینهای کارها تا اینکه غلبه کرده شد اهل اسلام

وظهرت کلمة اهل الالحاد وفعل اولی العناد

و ظاهر شد سخن آنان که از حق برگشتند و کردار خداوندان دشمنی

فلك الحمد ولك المن ولك الشكر على نعمائك

پس مر تو راست ستایش و مر تو راست منت و مر تو راست شکر بر نعمتهای تو

وآياديك اللهم فصل على محمد وآل محمد الذين

و عطاهای تو خداوندا پس رحمت کن بر محمد و آل محمد آنانکه

افترضت علينا طاعتهم وعقدت في رقابنا

واجب کرده بر ما فرمان ایشان را و بستی در گردنهای ما

ولايتهم واكرمتنا بمعرفتهم وشرفتنا باتباع

دوستی ایشان را و گرامی داشتی ما را به شناختن ایشان و شرف دادی ما را به پیروی

آثارهم وثبتنا بالقول الثابت الذي عرفونا

اثرهای ایشان و ثابت داشتی ما را بگفتار ثابت آنکه شناسانیدند ما را

فاعنا على الاخذ بما بصرونا واجز محمدا عنا

پس اعانت کن ما را بر گرفتن آنچه بینا کرده اند ما را و جزا ده محمد را از ما

افضل الجزاء بما نصح لخلقك وبذل وسعه

بهترین پاداش به آنکه پند داد خلق ترا و بذل کرد بقدر طاقت خود

ابلغ

فِي اِبْلاغِ رِسالاتِكَ وَاَخْطَرَ بِنَفْسِهِ فِي اِقامَةِ

در رسانیدن پیغامهای تو و بهلاکت انداخت نفس خودرا در برپایی

دِينِكَ وَعَلَى اَخِيهِ وَوَصِيِّهِ وَالْهادِي مِنْ بَعْدِهِ

دین تو و بر برادر او و وصی او و راه نماینده از بعد او

اِلَى دِينِهِ وَالْمُقِيمِ سُنَّتَهُ عَلِيٍّ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

بسوی دین او و بپادارنده سنت او علی پادشاه مومنان

صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى الْاَئِمَّةِ مِنْ

رحمت خدا بر او و رحمت کن بر پیشوایان از

اَبْنائِهِ الصّادِقِينَ الَّذِينَ وَصَلْتَ طاعَتَهُمْ

فرزندان او که راست گویانند آنکه پیوسته شد فرمانبرداری ایشان

بِطاعَتِكَ وَاَدْخِلْنا بِشَفاعَتِهِمْ دارَ الْكَرامَةِ

بفرمان تو و درآور ما را بشفاعت ایشان در سرای بزرگی

يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ هٰؤُلاءِ اَصْحابُ الْكِساءِ

ای رحیم ترین رحم کنندگان خداوندا این گروه اند یاران عبا و اهل

وَالْعَباءِ يَوْمَ الْمُباهَلَةِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُمْ شُفَعاءَ

و عبا در روز مباهله خداوندا بگردان ایشان را شفیعان ما

وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ ذٰلِكَ الْمَقامِ الْمَحْمُودِ وَالْيَوْمِ الْمَشْهُودِ

و سؤال میکنم ترا بحق این مقام پسندیده شده و روز حاضر شده

اَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَتُوبَ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحِيمُ

اینکه بیامرزی مرا و به پذیری توبه مرا بدرستی که تویی توبه پذیر مهربان

اللهم إني أشهد أن أرواحهم وطينتهم

خداوندا بدرستیکه گواهی میدهم که روحهای ایشان و سرشت ایشان

واحدة وهي الشجرة التي طاب أصلها وفرعها

یکیست واین درختیست که پاکست بیخ آن و شاخهای آن

وأغصانها وأوراقها اللهم ارحمنا بحبهم

و شعبهای آن و برگهای آن خداوندا رحم کن ما را بمحبت ایشان

وأجرنا من مواقف الخزي في الدنيا والآخرة

و پناه ده ما را از ایستادگاه خواری در دنیا و آخرت

بولايتهم وأوردنا مورد الأمن من أهوال يوم

بدوستی ایشان و وارد گردان ما را جایگاه ایمنی از ترسهای روز

القيمة بحبهم وإقرارنا بفضلهم واتباعنا

قیامت بدوستی ایشان و اقرار ما بفضل ایشان و متابعت کردن ما

آثارهم واهتدائنا بهداهم واعتقادنا ما عرفونا

آثار ایشان را و راه یافتن ما را براهنمائی ایشان و باور کردن ما آنچه شناسانیدند ما را

من توحيدك ووقفونا عليه من تعظيم شأنك

از یگانگی تو و واقف گردانیدند ما را بر آن از بزرگ شمردن شأن تو

وتقديس أسمائك وشكر آلائك ونفي الصفات

و پاکی نامهای تو و شکر نعمتهای تو و سلب کردن صفات

أن تحلك والعلم أن يحيط بك والوهم أن يقع

که حال شود در تو و دانش که فرا گیرد ترا و وهم که واقع

عليك

عَلَيْكَ فَإِنَّكَ اَقَمْتَهُمْ حُجَجاً عَلَى خَلْقِكَ وَدَلائِلَ

عَلَى تَوْحِيدِكَ وَهُداةً تُنَبِّهُ عَلَى اَمْرِكَ وَهُدًى

اِلَى دِينِكَ وَتُوَضِّحُ مَا اَشْكَلَ عَلَى عِبَادِكَ وَبَاباً

لِلْمُعْجِزَاتِ الَّتِي يَعْجِزُ عَنْهَا غَيْرُكَ وَبِهَا تُبَيِّنُ

حُجَّتَكَ وَتَدْعُوا اِلَى تَعْظِيمِ السَّفِيرِ بَيْنَكَ وَبَيْنَ

خَلْقِكَ وَاَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ عَلَيْهِمْ حَيْثُ قَرَّبْتَهُمْ

مِنْ مَلَكُوتِكَ وَاخْتَصَصْتَهُمْ بِسِرِّكَ وَاصْطَفَيْتَهُمْ

لِوَحْيِكَ وَاَوْرَثْتَهُمْ غَوَامِضَ تَاْوِيلِكَ رَحْمَةً

لِخَلْقِكَ وَلُطْفاً بِعِبَادِكَ وَحَنَاناً عَلَى بَرِيَّتِكَ

وَعِلْماً بِمَا تَنْطَوِي عَلَيْهِ ضَمَائِرُ اُمَنَائِكَ

وَمَا يَكُونُ مِنْ شَأْنِ صِفْوَتِكَ وَطَهَّرْتَهُمْ فِي

و آنکه می باشد از کار برگزیدگان تو و پاک کرده ایشان را در

مَنْشَأِهِمْ وَمُبْتَدَئِهِمْ وَحَرَسْتَهُمْ مِنْ نَفْثِ نَافِثٍ

وقت آفرینش ایشان و ابتدای ایشان و نگهداری نمودی ایشان را از دمیدن

إِلَيْهِمْ وَأَرَيْتَهُمْ بُرْهَاناً عَلَى مَنْ عَرَضَ بِسُوءٍ لَهُمْ

بسوی ایشان و نمودی تو ایشان را حجتی بر کسیکه پیش آید بدی برای ایشان

فَاسْتَجَابُوا لِأَمْرِكَ وَشَغَلُوا أَنْفُسَهُمْ بِطَاعَتِكَ

پس مستجاب کردند فرمان ترا و مشغول کردند خویشتن را بطاعت تو

وَمَلَؤُوا أَجْزَاءَهُمْ مِنْ ذِكْرِكَ وَعَمَرُوا قُلُوبَهُمْ

پر کردند اجزای اوقات ایشان را از یاد تو و آباد کردند دلهای ایشان

بِتَعْظِيمِ أَمْرِكَ وَجَزَّؤُوا أَوْقَاتَهُمْ فِيمَا يُرْضِيكَ

به بزرگ داشتن امر تو و پاره پاره کردند اوقات ایشان را در آنچه خوشنود گرداند ترا

وَأَخْلَوْا دَخَائِلَهُمْ مِنْ مَعَارِيضِ الْخَطَرَاتِ الشَّاغِلَةِ

و خالی کردند درونهای خود را از معارضه کردن خطرها که مشغول کننده است از

عَنْكَ فَجَعَلْتَ قُلُوبَهُمْ مَكَامِنَ لِإِرَادَتِكَ وَ

از تو پس گردانیدی تو دلهای ایشان را مکان اراده و خواهش خود و

عُقُولَهُمْ مَنَاصِبَ لِأَمْرِكَ وَنَهْيِكَ وَأَلْسِنَتَهُمْ

عقلهای ایشان را جاهای قرار امر تو و نهی تو و زبانهای ایشان را

تَرَاجِمَةً لِسُنَّتِكَ ثُمَّ أَكْرَمْتَهُمْ بِنُورِكَ حَتَّى فَضَّلْتَهُمْ

بیان کننده طریقه تو پس گرامی داشتی ایشان را بنور خود تا زیادتی دادی ایشان

مِنْ بَيْنِ اَهْلِ زَمانِهِمْ وَالاَقْرَبِينَ اِلَيْهِمْ

از میان اهل زمان ایشان و نزدیکان بسوی ایشان

فَخَصَصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَاَنْزَلْتَ اِلَيْهِمْ كِتابَكَ وَاَمَرْتَنا

پس مخصوص کرده ایشان را بوحی خود و فرستادی بسوی ایشان کتاب خود را و امر کردی ما را

بِالتَّمَسُّكِ بِهِمْ وَالرَّدِّ اِلَيْهِمْ وَالاِسْتِنْباطِ مِنْهُمْ

بچنگ زدن بایشان و در دادن بسوی ایشان و فرا گرفتن از ایشان

اَللّٰهُمَّ فَاِنّا قَدْ تَمَسَّكْنا بِكِتابِكَ وَبِعِتْرَةِ نَبِيِّكَ

خداوندا بدرستی که ما چنگ زدیم بکتاب تو و بعترت پیغمبر تو

صَلَواتُكَ عَلَيْهِمُ الَّذِينَ اَقَمْتَهُمْ لَنا دَلِيلاً وَعَلَماً

رحمت تو بر ایشان آنانکه بپا داشتی ایشان را برای ما دلیل و نشانه

وَاَمَرْتَنا بِاتِّباعِهِمْ اَللّٰهُمَّ فَاِنّا قَدْ تَمَسَّكْنا بِهِمْ

و امر کردی ما را به پیروی ایشان خداوندا پس بدرستی که چنگ زدیم بایشان

فَارْزُقْنا شَفاعَتَهُمْ حِينَ يَقُولُ الخائِبُونَ فَما

پس روزی کن ما را شفاعت ایشان هنگامی که می گویند ترسندگان پس نیست

لَنا مِنْ شافِعِينَ وَلا صَدِيقٍ حَمِيمٍ وَاجْعَلْنا مِنَ

ما را هیچ از شفاعت کنندگان و نه دوست مهربان و بگردان ما را از

الصّادِقِينَ المُصَدِّقِينَ لَهُمُ المُنْتَظِرِينَ لِاَيّامِهِمْ

راستگویان تصدیق کنندگان مر ایشان را انتظار کشندگان مر ایام دولت ایشان

النّاظِرِينَ اِلى شَفاعَتِهِمْ وَلا تُضِلَّنا بَعْدَ اِذْ

نگرندگان بسوی شفاعت ایشان و گمراه مکن ما را بعد از آنکه

هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت

راه نمودی ما را و ببخش ما را از نزد خود رحمتی را بدرستی که تو

الوهاب امين رب العالمين اللهم صل على

بخشنده مستجاب کن ای پروردگار عالمیان خداوندا رحمت کن بر

محمد نبيك وعلى اخيه وصنوه امير المؤمنين

محمد پیغمبر تو و بر برادر او و طینت او پادشاه مومنان

وقبلة العارفين وعلم المهتدين وثاني الخمسة

و قبله شناسندگان و نشان راه یافتگان و دوم پنج تن

الميامين الذين فخر بهم الروح الامين وباهل

با برکت آنانکه مباهات کرد بایشان روح الامین و مباهله کرد

الله تعالى بهم المباهلين فقال وهو اصدق

خدای تعالی بایشان مباهله کنندگان پس گفت و حال آنکه راست‌ترین

القائلين فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك

گویندگان پس کسی که مباحثه کند ترا در این روز بعد از آنکه آمد ترا از

من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم

دانش پس بگو ای محمد بیایید بخوانیم پسران خود و پسران شما را

ونساءنا ونساءكم وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل

و زنان خود و زنان شما را و جانهای خود و جانهای شما را پس تضرع نمائیم

فنجعل لعنة الله على الكاذبين ذلك الامام

پس بگردانیم لعنت خدا را بر دروغگویان آن پیشوای

المعصوم

المخصوص بمواخاته یوم الاخاء والمؤثر بالقوت

مخصوص گردانیده شده ببرادری او بروز برادری و اختیار کننده بقوت

بعد ضر الطوی ومن شکر الله سعیه فی

پس از گزند گرسنگی و کسی که شکر کرد خدا سعی او را در

هل اتی ومن شهد بفضله معادوه واقر بمناقبه

هل اتی و کسی که گواهی داد بفضل او دشمنان او و اقرار کرد بمناقب او

جاحدوه مولی الانام ومکسر الاصنام ومن لم

انکار کنندگان او پادشاه خلق و شکننده بتها و کسی که نه

تأخذه فی الله لومة لائم صلی الله علیه وآله

گرفت او را در راه خدا ملامت ملامت کننده رحمت خدا بر او و آل او

ما طلعت شمس النهار واورقت الاشجار وعلی

مادام که طلوع کند آفتاب روز و برگ کنند درختان و بر

النجوم المشرقات من عترته والحجج الواضحات

ستارهای درخشنده از عترت او و حجتهای روشن

من ذریته وایندعا بحسب سند ومتن اصح

از فرزندان او ادعیه است ودیگر از ایام متبرکه

روز بیست وپنجم است ومشهور انست که در این

روز سورهٔ کریمهٔ هل اتی در شان حضرت امیر

المؤمنین وفاطمه زهرا وامام حسن وامام حسین

صلوات الله علیهم نازل شده بسبب انکه حسن وحسین

بیمار شدند و حضرت رسول بعیادت ایشان رفت
و امر فرمود که حضرت امیر و فاطمه و حسن و حسین
نذر کردند که اگر خدا ایشان را عافیت دهد سه
روز روزه بگیرند و چون خدا عافیت کرامت کرد
ان چهار بزرگوار با فضه خادمه ایشان روزه
گرفتند و نداشتند چیزی که بآن افطار نمایند
پس حضرت امیر قدری پشم از شمعون یهودی
گرفت با سه صاع از جو که حضرت فاطمه هر روز
ثلث ان پشم را بریسد و یکصاع از ان جو را بهم زده
خود بردارد پس در روز اول حضرت فاطمه
قدر ثلث ان پشم را گرفت و رشت و بهم زد ان صاعی
از جو برداشت و ارد کرد و پنج کرده نان پخت و چون
حضرت امیر با حضرت رسول نماز شام کرد و بخانه
برگشت و حضرت فاطمه پنج کرده نان را حاضر کرد
و خواستند افطار نمایند مسکینی بر در خانه ندا
کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد من مسکینم
از مساکین مسلمانان مرا طعام دهید تا شما را خدا
از مائدهای بهشت طعام دهد پس حضرت امیر
ابتدا کرد و فرمود که من نان خود را می دهم و سایر
اهل بیت با فضه با انحضرت موافقت کردند و

نانهای

و نانهای خود را بسائل دادند و باب افطار کردند
و روز دیگر را روزه داشتند و باز حضرت فاطمه
صلوات الله علیها بمزد رشتن یکثلث دیگر
از پشم یکصاع دیگر را برداشتند و آرد کردند و
پنج کرده دیگر پخت و چون خواستند افطار کنند
سائلی بر در خانه صدا زد که السلام علیکم ای
اهل بیت محمد من سائلی و یتیمی ام از اولاد مهاجر
و پدرم در روز عقبه شهید شده است مرا
طعام دهید تا خدا شما را از خوانهای بهشت
طعام دهد پس حضرت امیر مؤمنان اول نان
خود را داد و بعد از آن فاطمه زهرا و بعد از آن
دو گوشوار عرش خدا و بعد از آن فضه سعادت
مند همگی نانهای خود را بیتیم دادند و باب افطار
فرمودند و در روز سیم باز حضرت سیدة النساء
با حضرت امیر و حسنین و فضه روزه داشتند و حضرت
فاطمه بقیه پشم را رشت و بقیه جو را گرفت و در
آسیا خورد کرد و باز پنج کرده نان پخت و چون حضرت
امیر کبیر از نماز برگشت و حضرت فاطمه طعام را حاضر
ساختند که افطار نمایند ناگاه اسیری از اسیر کافران
ندا کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد ما را اسیر

می کنند و می بندید و طعام نمید هید که بخورند
پس بنوشبهای سابق همه گردهای نان را
بسائل دادند و باب بحت افطار نمودند چون
صبح شد حق تعالی سوره کریمه هل اتی را
در شان ایشان فرستاد و در ان سوره اشاره
باین صفه یُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا
نمود که
وفا می کنند به نذر و می ترسند روزی را که
كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى
می باشد شر آن فرا رسنده و می خورانند طعام را با خواهش خود بر
حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ
دوستی خدا محتاج و یتیم بی پدر و دستگیر و بند شده را جز این نیست که طعام می دهیم
لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا
مرگ رضای خدا نمی خواهیم از شما مزد اداکردنی را و نه ستایش
شُكُورًا إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا
سپاسی به درستی که می ترسیم از پروردگار خود روزی را که در نهایت هول و سختی ترش رو
و چون در روز چهارم که بیست و پنجم ماه ذی حجه
بود سوره هل اتی در مدح ایشان نازل شد
حضرت رسول صلی الله علیه و اله بخانه
اهل بیت علیهم السلام امد و ایشان را با ان
شدت گرسنگی و انحالت غریب مشاهده

نمود

نمود وگریست وفرمود که این چه حالتست که
در شما مشاهده می کنم وامام حسن وامام
حسین علیهما السلام را دید که از نقاهت
بیماری واز شدت گرسنگی مانند جوجه
که از تخم مرغ بیرون اید می لرزند وحضرت
فاطمه صلوات الله علیها را دید که در محراب
عبادت ایستاده بود واز گرسنگی شکم
مبارکش به پشت چسبیده بود وچشمها
فرو رفته بود چون از نماز فارغ شد حق تعالی
خوانی از بهشت برای فاطمه فرستاد که درا
کاسه بود وگوشت وثرید گرم در ان میان
بود که میجوشید واز ان بوی بهتر از مشک
ساطع بود پس حضرت فاطمه صلوات الله
علیها ان خوان را نزد حضرت رسول اورد
ان حضرت فرمود ای فاطمه این را از کجا
اوردی گفت از جانب خدا امده است
خدا هر که را خواهد روزی می دهد بغیر
حساب حضرت فرمود الحمد لله که از دنیا
نرفتم تا در اهل بیت خود شبیه مریم مادر
حضرت عیسی را دیدم پس از ان تناول نمود

و تا هفت روز از آن میخوردند و آخر نمیشد
حضرت صادق علیه السلام فرمود که
آن کاسه نزد ماست و حضرت صاحب
الامر آن را اظهار خواهد کرد و طعام
بهشت از آن تناول خواهد نمود و سنیان
نیز این روایت را با نزول مائده بطرق
بسیار نقل کرده اند و تفصیل این قصه را
در سایر کتب ذکر کرده ام پس مناسب است
که شیعیان اهل بیت علیهم السلام درین
ایام تاسی نمایند بموالی خود و تصدق کردن
بر مساکین و یتیمان و سعی نمایند در اطعام
ایشان و شیخ مفید علیه الرحمه گفته
است که مستحب است که این روز را روزه
بدارند برای شکر نزول سورهٔ مبارکهٔ
هل اتی در شان آل عبا علیهم السلام
و ایضا مناسب است زیارت ایشان و
زیارت ائمه علیهم الصلوة والسلام و
زیارت جامعه را خواندن درین روز
مناسب است و چون بعضی از علما این روز
را روز مباهله میدانند دعاهای مباهله

نین در این روز مبارک خواندن بسیار
خوبست و روز بیست و ششم ماه ذی
حجه بر مشهور میان علما عمر بن الخطاب
علیه اللعنة والعذاب خنجر بشکمش زدند
و بدرک سقر واصل شد و باین سبب فضیلة
بسیار دارد و در روز بیست و هفتم اینماه
مروان که از خلفای بنی امیه است لعنهم الله
که اخر خلفای بنی امیه است بجهنم واصل
شده و دولة ملعونه بنی امیه لعنهم الله
در روز بیست و هفتم بر طرف شد پس در
این روز شکر این نعمت باید کرد و بعضی
گفته اند امام علی نقی علیه الصلوة
والسلام در این روز متولد شده است
و در روز بیست و نهم ماه ذی الحجة بنا

بر مشهور عمر علیه اللعنه با سفل درك

سقر منتقل شده و باین سبب فضیلت و

برکت بسیار دارد و در هر روز آخر ذی حجة الحرام

که آخر سال عربیست روایت کرده اند که سنة

است که دو رکعت نماز بجا آورد و در هر

رکعت از آن سوره فاتحة الکتاب یک بار و ده

مرتبه قل هو الله احد بخواند و ده مرتبه آیة

الکرسی و بعد از اللهم ما عملت فی هذه

سلام این دعا بخواند بار خدایا آنچه کردم من در این

السنة من عمل نهیتنی عنه ولم ترضه و

سال از عمل که منع کردی مرا از آن و نه پسندیدی آن را و

نسیته ولم تنسه ودعوتنی الی التوبة بعد

فراموش کردم من آن را و در آمرزیدی آن را و دعوت کردی مرا بسوی توبه بعد از

اجترائی علیك اللهم فانی استغفرك منه

دلیری نمودن من بر تو خداوندا پس بدرستی که طلب آمرزش می کنم از تو از او

فاغفر لی وما عملت من عمل یقربنی الیك

پس بیامرز مرا و آنچه کردم من از هیچ عملی که نزدیک گرداند مرا بسوی تو

فاقبله منی ولا تقطع رجائی منك یا کریم

پس قبول کن آن را از من و قطع مکن امید مرا از تو ای بخشنده

برتو

اعمال ماه محرم

فصل اول

باب ششم در بیان فضیلت و اعمال ماه محرم است و در آن
سه فصل است فصل اول در اعمال دهه اول محرم است از حضرت
امام رضا منقولست که حضرت رسول ص و آله بر روز اول محرم
دو رکعت نماز میکردند و چون از نماز فارغ میشدند دست
بدعا برمیداشتند و این دعا را اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاِلٰهُ الْقَدِيمُ
سه مرتبه می خواندند
خدایا توئی خدای دیرینه
وَهٰذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ فَاَسْئَلُكَ فِيهَا الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ
و این سال تازه است پس سوال می کنم از تو در آن که نگاه داری مرا از شیطان
وَالْقُوَّةَ عَلٰى هٰذِهِ النَّفْسِ الْاَمَّارَةِ بِالسُّوءِ وَالْاِشْتِغَالَ
و توانائی بر این نفس بسیار امر کننده به بدیها و مشغول شدن
بِمَا يُقَرِّبُنِي اِلَيْكَ يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ يَا عِمَادَ
بآنچه نزدیک کند مرا بسوی تو ای بزرگوار ای صاحب جلالت و بزرگواری ای ستون
مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا ذَخِيرَةَ مَنْ لَا ذَخِيرَةَ لَهُ يَا حِرْزَ مَنْ لَا
کسی که نیست ستونی از برای او ای ذخیره کسیکه نیست ذخیره از برای او ای پناه کسیکه نیست
حِرْزَ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ
پناهی از برای او ای فریادرس کسیکه نیست پناهی از برای او ای تکیه گاه کسیکه نیست تکیه گاهی
يَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا
ای گنج کسیکه نیست گنجی از برای او ای نیکو نعمت ای بزرگ امید ای
عِزَّ الضُّعَفَاءِ يَا مُنْقِذَ الْغَرْقٰى يَا مُنْجِيَ الْهَلْكٰى يَا مُنْعِمُ يَا
عزت ضعیفان ای رهاننده غرق شدگان ای نجات دهنده هلاک شدگان ای نعمت دهنده ای

يا مُجْمِلُ يا مُفْضِلُ يا مُحْسِنُ أَنْتَ الَّذي سَجَدَ لَكَ سَوادُ اللَّيْلِ

انعام كننده اى نيكوكار اى نيكو تو آنكه سجده كرد براى تو سياهى شب

وَنُورُ النَّهارِ وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعاعُ الشَّمْسِ وَدَوِيُّ الْماءِ

وروشنى روز وروشنى ماه وشعاع آفتاب وصداى آب

وَحَفيفُ الشَّجَرِ يا اَللهُ لا شَريكَ لَكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنا

وآواز درخت اى خدا نيست شريكى براى تو خداوندا بگردان ما را

خَيْراً مِمّا يَظُنُّونَ وَاغْفِرْ لَنا ما لا يَعْلَمُونَ وَلا تُؤاخِذْنا

بهتر از آنكه گمان مى برند وبيامرز ما را آنكه نمى دانند ومگير ما را

بِما يَقُولُونَ حَسْبِيَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

بآنكه مى گويند بس است مرا خدا نيست خدائى مگر او بر او اعتماد كردم

وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ آمَنّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا وَما

واوست پروردگار عرش بزرگ ايمان آورديم بآن همه از نزد پروردگار ما و

يَذَّكَّرُ إِلّا أُولُوا الْأَلْبابِ رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ

پند مى برد مگر صاحب عقلها اى پروردگار ما ميل مده دلهاى ما را پس

إِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّابُ

ازآنكه راه نمودى ما را وببخش ما را از نزد خود بخششى بدرستيكه تو بسيار بخشنده

وچون حضرة سيد الشهداء عليه السلام در دهم ماه بسعادت
شهادة فائز گرديده ودر اكثر اين دهه محزون وغمگين
بودند واخبار موحشه بايشان ميرسيد بايد كه شيعيان

درمجمع

در مجموع این ده روز بلوازم تعزیه آنحضرت قیام نمایند
ومحزون واندوهناک باشند واخبار واحادیث که مشتمل
بر ذکر مصائب ایشان باشد بخوانند وبعضی از علما گفته
اند که ترک بعضی از لذات بکنند واز حضرت امام رضا
منقولست که ماه محرم ماهی بود که کافران در این ماه
جنگ کردن را حرام میدانستند ومنافقان این امت در این
ماه خون ما را حلال دانستند وهتک حرمت ما کردند
وزنان وفرزندان ما را اسیر کردند وآتش در خیمهای ما زدند
واموال ما را غارت کردند وحرمت حضرت رسالت در باب
ما رعایت نکردند بدرستی که مصیبت حضرت امام حسین
چشمهای ما را مجروح کرده است وآب دیدهای ما را جاری ساخت
وعزیز ما را ذلیل کردند وواقعه کرب وبلا را برای ما محنها
کردند تا روز قیامت پس باید که بر مصائب ایشان گریه
کنندگان بگریند بدرستی که گریه بر آنحضرت گناهان بزرگ
را برطرف میکند پس فرمود که پدرم حضرت امام موسی
چون ماه محرم داخل میشد کسی آنحضرت را خندان نمیدید
واثر حزن واندوه بر آنحضرت ظاهر میشد در مجموع دهه
اول ماه محرم وچون روز دهم میشد روز مصیبت وگریه
واندوه او بود ومی گفت امروز روز شهادت حسین وذریت

دیگر فرمود که چون حسین شهید شد آسمان خون و خاک سرخ بارید
اگر بر آنحضرت آنقدر گریه کنی که آب دیده تو بر روی تو جاری
گردد حق تعالی جمیع گناهان کوچک و بزرگ ترا بیامرزد
پس فرمود که اگر خواهی که چون بمیری هیچ گناه بر تو نباشد
زیارت کن حضرت امام حسین را و اگر خواهی که در غرفه‌های بهشت
با حضرت رسول و آل او باشی لعنت کن قاتلان حسین را و اگر
خواهی ثواب شهیدان کربلا داشته باشی هر وقت که مصیبت
آنحضرت را بیاد آوری بگو یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا
عظیما یعنی ایکاش که میبودم با ایشان پس رستگاری می
یافتم رستگاری بزرگ و اگر خواهی که در درجات عالیه بهشت
با ما باشی از برای اندوه ما اندوهناک و از برای شادی ما شاد
باش و بدانکه روزه روز اول محرم حضرت زکریا دعا کرد و از
خدا فرزند طلبید و حق تعالی دعای او را مستجاب گردانید و حضرت
یحیی را به او عطا کرد پس هر که این روز را روزه بدارد و دعا کند حق
تعالی دعای او را مستجاب گرداند چنانکه دعای زکریا را مستجاب
کرد و شیخ مفید ره گفته است که روز سیم محرم روز مبارکی
است و در آن روز حضرت یوسف از چاه بیرون آمد هر که
روزه این روز را بدارد حق تعالی کارهای صعب را بر او آسان
گرداند و غمهای او را زائل گرداند و بهتر است که روز نهم و

دهم

دهم را روزه بدارد زیرا که بنی امیه این روز را روز برکت می
دانستند و شماتت بر قتل آنحضرت روزه میداشتند و احادیث
بسیار در فضیلت این روز و روزه آن از جانب آنحضرت بسته اند و از
طریق اهل بیت علیهم السلام احادیث در مذمت روزه این
روز خصوصا روز عاشورا وارد شده است و ایضا بنی
امیه لعنهم الله از برای برکت آذوقه سال را در روز عاشورا
در خانه ذخیره میکرده اند لهذا از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که هر که ترک کند سعی در حوائج خود را در روز
عاشورا یعنی کاری نکند حق تعالی حوائج دنیا و آخرت
او را برآورد و هر که روز عاشورا روز مصیبت و اندوه و
گریه او باشد حق تعالی روز قیامت را روز فرح و سرور و
شادی او گرداند و دیده اش در بهشت بما روشن گردد
و هر که روز عاشورا روز مبارک داند و از برای برکت خود
در آن روز چیزی ذخیره کند خدا آن ذخیره را از برای او مبارک
نگرداند و در روز قیامت با یزید و عبید الله ابن زیاد و عمر ابن سعد
علیهم اللعنة محشور گردد پس باید که در روز عاشورا آدمی
مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد و مشغول گریه و نوحه
و مصیبت باشد و امر کند اهل خانه خود را که تعزیه آنحضرت
بدارند و مشغول ماتم باشند چنانکه در ماتم عزیزترین اولاد

و اقارب خود میباشد و در این روز امساک کند از خوردن و
آشامیدن بی آنکه قصد روزه کند و در آخر روز بعد از عصر
افطار کند اگرچه بشربت آبی باشد و روزهٔ تمام ندارد مگر
آنکه در خصوص این روز روزهٔ واجبی داشته باشد که نذر
داشته آن بر او واجب شده باشد که این روز را باید روزه
بگیرد و در این روز ذخیره نکنند و نخندند و مشغول لهو
و لعب نکردد و هزار مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت کند
بگوید اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ و در روایتی وارد شده
است از حضرت صادق که هرکه در روز عاشورا هزار مرتبه
سورهٔ قل هو الله احد بخواند خدا بنظر رحمت بسوی
او بکند و هرکه خدا نظر رحمت بسوی او کند هرگز او را
عذاب نکند و در شب عاشورا نیز باید احیا کند بگریه و
اندوه و حزن برای تأسی بحضرت امام حسین و اصحاب او که
در آن شب در صحرای کربلا در میان سی هزار نفر از کافران
بجا تا صباح احیا کردند و عبادت و طلب سعادت شهادت
میکردند در زیارت مشهور آنحضرت است در روز عاشورا
فضیلت زیارت آنحضرت در شب و روز عاشورا بسند معتبر از
صادق منقولست که هرکه در شب عاشورا نزد قبر شریف
آنحضرت باشد و آنحضرت را زیارت کند در روز قیامت محشور

گردد

گردد بخون خود آلوده و به بهشت شهداء کربلا در میان ایشان
محشور گردد و هر که در شب و روز عاشورا زیارت کند آنحضرت را
چنان باشد که در پیش روی آنحضرت شهید شده باشد و بسند
صحیح از آنحضرت منقولست که هر که حضرت امام حسین را در
روز عاشورا زیارت کند بهشت او را واجب گردد اما زیارت مخصوص
روز عاشورا شیخ طوسی و ابن قولویه و غیر ایشان روایت کرده
اند از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه و هر دو از محمد ابن اسمعیل
علقمه بن محمد حضرمی و هر دو از مالک جهنی که حضرت امام محمد
باقر فرمود که هر که زیارت کند حضرت امام حسین را در روز دهم
محرم یا نزد قبر آنحضرت گریان شود ملاقات کند خدا را در روز
قیامت با ثواب دو هزار حج و دو هزار هزار عمره و دو هزار
هزار جهاد که هر یک را با رسول خدا و ائمه طاهرین علیهم السلام
کرده باشد مالک گفت فدای تو شوم چه ثوابست برای
کسی که در میان شهرهای دور باشد و ممکن نباشد او را
رفتن بسوی آنحضرت فرمود که چون روز عاشورا شود بیرون
رود بسوی صحرا یا بالا رود بر بام بلندی از خانه خود و اشاره
کند بسوی آنحضرت بسلام و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلان
آنحضرت و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و بکند این کار را
در اول روز پیش از پیشین پس ندبه و نوحه و گریه کند بر حسین

و امر کنند هر که را در خانه اوست و از او تقیه نکنند بگریه کردن
بر آنحضرت و در خانه خود مصیبتی برپا دارد باظهار جزع بر آنحضرت
و ملاقات کنند بعضی از ایشان بعضی را در خانهای خود بگریه
کردن و تعزیه گویند بعضی از ایشان بعضی را بمصیبت آنحضرت
پس من ضامنم بر خدا که هر گاه این کار را بکنند حق تعالی جمیع آن
ثوابها را بایشان عطا فرماید مالک گفت تو ضامنی و کفیلی
از برای ایشان باین ثوابها فرمود بلی پرسید که چگونه یک
دیگر را تعزیه میگویند عَظَّمَ اللهُ اُجُورَنا بِمُصابِنا بِالحُسَینِ
فرمود که می گویند بزرگ گرداند خدا مزدهای ما را بمصیبتهای حسین ع
وَجَعَلَنا وَاِیّاکُمْ مِنَ الطّالِبینَ بِثارِهِ مَعَ وَلِیِّهِ الاِمامِ
و بگرداند ما و شما را از طلب کنندگان خون او با ولی او پیشوای
الْمَهْدِیِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ و اگر توانی در این روز
راه نموده شده از آل محمد بر ایشان سلام از برای هیچ کار از
خانه بیرون مرو که این روز نحس است که حاجت هیچ مؤمن
در آن بر آورده نمیشود و اگر بر آورده شود از برای او مبارک
نیست خیری و رشدی نخواهد دید و ذخیره مکن از برای منزل
خود چیزی که در این روز از برای منزل خود چیزی ذخیره کند
از برای او مبارک نیست آنچه ذخیره کرده است و اهلش که از
برای ایشان ذخیره کرده است مبارک نخواهد بود از برای او

پس که

پس کسی چنین کند از برای او نوشته شود ثواب هزار هزار حج
و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد که همه با رسول خدا
کرده باشد و از برای او خواهد بود ثواب مصیبت هر پیغمبری
و رسولی و صدیقی و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده
باشد از وقتی که خدا دنیا را خلق کرده است تا روز قیامت علقمه
بن محمد گفت که من گفتم بحضرت امام محمد باقر که تعلیم نما بمن دعائی
که بخوانم در این روز که هرگاه که خواهم که آنحضرت را زیارت کنم از
نزدیک و دعائی که هرگاه در شهرهای دور خواهم که اشاره
کنم آنحضرت را و زیارت کنم بخوانم فرمود که ای علقمه هرگاه بکنی
این دو رکعت نماز را بعد از آنکه اشاره کرده باشی بجانب
آنحضرت بسلام و گفته باشی بعد از اشاره و نماز این
قول را که مذکور خواهد شد پس دعا کرده خواهی بود بدعائی
که ملائکه میخوانند در وقتی که زیارت آنحضرت میکنند و
مینویسد خدا برای تو بآن زیارت هزار هزار حسنه و محو
میکند از تو هزار هزار گناه و بلندی کند از برای تو
در بهشت هزار هزار درجه و خواهی بود از آنها که شهید
شده باشند با حسین بن علی تا آنکه شریک شوی با ایشان
در درجات ایشان و نشناسند تو را مگر از آنها که با آن
حضرت شهید شده اند و نوشته شود برای تو ثواب هر پیغمبر

و رسولی و ثواب زیارت هرکه آنحضرت را السلام علیک
زیارة کرده است از روزی که شهید شده سلام برتو باد
یا ابا عبد الله السلام علیک یابن رسول الله السلام
ای ابا عبد الله سلام برتو ای پسر رسول خدا سلام
علیک یابن امیر المؤمنین وابن سید الوصیین السلام
برتو ای پسر امیر مؤمنان و پسر آقای اوصیا سلام
علیک یابن فاطمة سیدة نساء العالمین السلام
برتو ای پسر فاطمه آقای زنان جهانیان سلام
علیک یا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور السلام علیک
برتو ای خون خدا و پسر خون او و آن خون تنها سلام برتو
وعلی الارواح التی حلت بفنائک علیکم منی جمیعا
و بر روحهای که فرود آمدند بگرد آستان تو برشما از جانب من همه
سلام الله ابدا ما بقیت وبقی اللیل والنهار یا ابا
سلام خدا همیشه مادامی که باقی هستم و باقی است روز و شب ای ابا
عبد الله لقد عظمت الرزیة وجلت المصیبة بک
عبد الله هرآینه بزرگ است مصیبت و بزرگ شد مصیبت تو
علینا وعلی جمیع اهل الاسلام وجلت وعظمت مصیبتک
بر ما و بر همه اهل اسلام و بزرگ و عظیم است مصیبت تو
فی السموات علی جمیع اهل السموات فلعن الله امة اسست
در آسمانها بر همه اهل آسمانها پس لعنت کند خدا امتی را که بنا نهادند

اساس

اساس الظلم والجور عليكم اهل البيت ولعن الله امة

بنیاد ستمکاری و جور را بر شما اهل بیت و لعنت کند خدا امتی

دفعتكم عن مقامكم وازالتكم عن مراتبكم التي رتبكم

که دفع کردند شما را از جای خود و دور کردند شما را از مرتبه‌های خود که قرار داده

الله فيها ولعن الله امة قتلتكم ولعن الله الممهدين لهم

خدا شما را در آن و لعنت کند خدا امتی را که کشتند شما را و لعنت کند خدا تهیه کنندگان از برای ایشان

بالتمكين من قتالكم برئت الى الله واليكم منهم ومن

به تمکین از کشتن شما بیزارم به سوی خدا و به سوی شما از ایشان و از

اشياعهم واتباعهم واوليائهم يا ابا عبد الله اني

پیروان ایشان و تابعان ایشان و دوستان ایشان ای ابا عبدالله بدرستیکه

سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم الى يوم القيامة

صلحم با هر که با شما صلح است و جنگم با هر که با شما جنگ است تا روز قیامت

ولعن الله آل زياد وآل مروان ولعن الله بني امية

و لعنت کند خدا آل زیاد را و آل مروان را و لعنت کند خدا پسران امیه را

قاطبة ولعن الله ابن مرجانة ولعن الله عمر بن سعد

همه و لعنت کند خدا پسر مرجانه را و لعنت کند خدا عمر پسر سعد را

ولعن الله شمرا ولعن الله امة اسرجت والجمت و

و لعنت کند خدا شمر را و لعنت کند خدا امتی را که زین زدند و دهنه کردند و

تنقبت وتهيأت لقتالك بابي انت وامي لقد عظم

و نقاب بستند و مهیا شدند از برای کشتن تو پدرم و مادرم فدای تو هر آینه بزرگ

مُصَابِي بِكَ فَأَسْئَلُ اللهَ الَّذِي اَكْرَمَ مَقَامَكَ وَاَكْرَمَنِي

مصیبت من بتو پس سوال می کنم خدا انکه گرامی کرد جایگاه ترا و گرامی کرد مرا

بِكَ اَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ اِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ اَهْلِ

بتو اینکه روزی کند مرا طلب خون تو با امام یاری کرده شده از اهل

بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ

خانه محمد رحمت کند خدا بر او و آل او خداوندا بگردان مرا نزد خود

وَجِيهاً بِالْحُسَيْنِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ اِنِّي

رو سفید بسبب حسین در دنیا و آخرت ای ابا عبد الله بدرستیکه

اَتَقَرَّبُ اِلَى اللهِ وَاِلَى رَسُولِهِ وَاِلَى اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَاِلَى

نزدیکی میجویم بسوی خدا و بسوی رسول او و بسوی امیر مؤمنان و بسوی

فَاطِمَةَ وَاِلَى الْحَسَنِ وَاِلَيْكَ بِمُوَالاتِكَ وَبِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ قَاتَلَكَ

فاطمه و بسوی حسن و بسوی تو بدوستی تو و به بیزاری از آنکه کشت ترا

وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَبِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ اَسَّسَ اَسَاسَ الظُّلْمِ

و برپا کرد برای تو جنگ را و بیزاری از آنکه اساس کرد اساس ستم

وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ وَاَبْرَءُ اِلَى اللهِ وَاِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ اَسَّسَ ذَلِكَ

و جور را بر شما و بیزاری میجویم بسوی خدا و بسوی رسول او از آنکه اساس کرد آنرا

وَبَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى

و بنا کرد بر او بنای آنرا و جاری شد در ستم او و جور او بر شما و بر

اَشْيَاعِكُمْ بَرِئْتُ اِلَى اللهِ وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَاَتَقَرَّبُ اِلَى اللهِ

پیروان شما بیزاری میجویم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان و نزدیکی میجویم بسوی خدا

ثم

ثُمَّ اِلَيْكُمْ بِمُوالاتِكُمْ وَمُوالاتِ وَلِيِّكُمْ وَبِالْبَراءَةِ مِنْ
پس بسوی شما بدوستی شما و دوست شما و با بیزاری از

اَعْدائِكُمْ وَالنّاصِبينَ لَكُمُ الْحَرْبَ وَبِالْبَراءَةِ مِنْ اَشْياعِهِمْ
دشمنان شما و نصب کنندگان از برای شما جنگ را و بیزاری از پیروان ایشان

وَاَتْباعِهِمْ اِنّي سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ
و تابعان ایشان بدرستیکه صلحم با هرکه با شما صلح است و جنگم با هرکه با شما جنگ است

وَوَلِيٌّ لِمَنْ والاكُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداكُمْ فَاَسْئَلُ اللهَ
و دوستم با هرکه با شما دوست است و دشمنم با هرکه با شما دشمن است پس سوال کنم

اَلَّذي اَكْرَمَني بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ اَوْلِيائِكُمْ وَرَزَقَنِي الْبَراءَةَ
از خدائی که گرامی داشت مرا بشناختن شما و شناختن دوستان شما و روزی کند مرا بیزاری

مِنْ اَعْدائِكُمْ اَنْ يَجْعَلَني مَعَكُمْ فِي الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ وَاَنْ
از دشمنان شما اینکه بگرداند مرا با شما در دنیا و آخرت و اینکه

يُثَبِّتَ لي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ وَ
ثابت کند برای من نزد شما جای پای راستی در دنیا و آخرت

اَسْئَلُهُ اَنْ يُبَلِّغَنِيَ الْمَقامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللهِ وَاَنْ
و سوال میکنم از او اینکه برساند مرا جایگاه پسندیده شده از برای شما نزد خدا و اینکه

يَرْزُقَني طَلَبَ ثاري مَعَ اِمامٍ مَهْدِيٍّ ظاهِرٍ ناطِقٍ مِنْكُمْ
روزی کند مرا طلب خون مرا با امام راه یافته هویدا سخن گوی از شما

وَاَسْئَلُ اللهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّأْنِ الَّذي لَكُمْ عِنْدَهُ اَنْ
و سوال میکنم خدا را بحق شما و بمرتبه که از برای شما نزد او است

يُعْطِيَنِي بِمُصابي بِكُمْ أَفْضَلَ ما يُعْطي مُصاباً بِمُصيبَتِهِ

عطا کنی مرا که مصیبت رسیده بهتر آنکه عطا می کنی صاحب مصیبتی را که مصیبت کشد

مُصيبَةً ما أَعْظَمَها وَأَعْظَمَ رَزِيَّتَها فِي الْإِسْلامِ وَفي

وای مصیبتی وچه بزرگست آن وچه بزرگست مصیبت آن در اسلام ودر

جَميعِ أَهْلِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ اللّهُمَّ اجْعَلْني في مَقا

همه اهل آسمانها وزمین خدایا بگردان مرا در جایگاه من

هذا مِمَّنْ تَنالُهُ مِنْكَ صَلَواتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ اللّهُمَّ

این از آنکه برسد او را از تو درودی ورحمتی وآمرزشی خدایا

اجْعَلْ مَحْيايَ مَحْيا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَماتي مَماتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ

بگردان زندگی مرا همانند زندگی محمد وآل محمد ومردن مرا همانند مردن محمد وآل

اللّهُمَّ إِنَّ هذا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمَيَّةَ وَابْنُ آكِلَةِ

خدایا بدرستی این روزیست که مبارک داشتند آن پسران امیه وپسر خورنده

الْأَكْبادِ اللَّعينُ ابْنُ اللَّعينِ عَلى لِسانِ نَبِيِّكَ وَآلِهِ

جگرها لعین پسر لعین بر زبان پیغمبر تو وآل او

في كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فيهِ نَبِيُّكَ صَلَواتُكَ

در هر جاها ودر جاها که اقامت کرد در آن پیغمبر تو رحمت تو

عَلَيْهِ وَآلِهِ اللّهُمَّ الْعَنْ أَبا سُفْيانَ وَمُعاوِيَةَ

بر او وآل او خدایا لعنت کن ابا سفیان ومعاویه

ابْنَ أَبي سُفْيانَ وَيَزيدَ بْنَ مُعاوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ

پسر ابا سفیان ویزید پسر معاویه بر ایشان از جانب تو

اللعنة

اللعنة ابد الابدين وهذا يوم فرحت به آل زياد و

لعنت در مدت تا نهایت واین روزیست که شاد شدند بدان آل زیاد و

آل مروان بقتلهم الحسين ع اللهم ضاعف عليهم

آل مروان بسبب کشتن حسین خداوندا زیاد گردان برایشان

اللعن منك والعذاب اللهم اني اتقرب اليك

لعنت از جانب خود وعذاب را خداوندا بدرستیکه نزدیکی میجویم بسوی تو

في هذا اليوم وفي موقفي هذا وايام حيوتي بالبراءة

در این روز ودر این جایگاه این ومدت زندگانی من به بیزاری

منهم واللعنة عليهم وبالموالات لنبيك وآل

از ایشان ولعنت برایشان ودوستی مر پیغمبر ترا وآل

نبيك عليهم السلام پس صد مرتبه بگو اللهم العن

پیغمبر تو بر ایشان سلام خداوندا لعنت کن

اول ظالم ظلم حق محمد وآل محمد وآخر تابع له على ذلك

اول ستمکاری که ستم کرد در حق محمد وآل محمد وآخر متابعت کننده مر او را بر آن

اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين وشايعت

خداوندا لعنت کن جماعتی که کارزار کردند با حسین وپیروی کردند

وبايعت وتابعت على قتله اللهم العنهم جميعا

وبیعت کردند ومتابعت کردند بر کشتن او خداوندا لعنت کن ایشان را همه

پس صد مرتبه بگو السلام عليك يا ابا عبد الله

سلام بر تو ای ابا عبد الله

وَعَلَى الْاَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكَ مِنِّي

و بر جانهائی که فرود آمدند گرداگرد تو بر تو از جانب من

سَلَامُ اللهِ اَبَدًا مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا

سلام خدا همیشه مادامی که باقی‌ام و باقی است شب و روز و نه

جَعَلَهُ اللهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ اَلسَّلَامُ عَلَى

گرداند او را خدا آخر عهدی از من که زیارت تو سلام بر

الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

حسین و بر علی پسر حسین و بر یاران حسین

پس بگو اَللّٰهُمَّ خُصَّ اَنْتَ اَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي

خدایا مخصوص کن تو اول ستمکار را به لعن از من

وَابْدَأْ بِهِ اَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِيَ ثُمَّ الثَّالِثَ ثُمَّ الرَّابِعَ

و ابتدا کن به آن اول را پس دویم را پس سیم را پس چهارم

اَللّٰهُمَّ يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ خَامِسًا وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللهِ

خدایا لعنت کن یزید پسر معاویه را پنجم و لعنت کن عبیدالله

ابْنَ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْرًا وَاٰلَ

پسر زیاد و پسر مرجانه و عمر پسر سعد و شمر را و آل

اَبِي سُفْيَانَ وَاٰلَ زِيَادٍ وَاٰلَ مَرْوَانَ اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان تا روز قیامت

پس سجده کن و بگو اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ

خدا و برای تو است حمد حمد شکرکنندگان

لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى عَظِيمِ رَزِيَّتِي اَللّٰهُمَّ
تو را بر مصیبتهای ایشان سپاس مر خدا را بر بزرگ رزیه خداوندا

ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَثَبِّتْ لِي
روزی کن مرا شفاعت حسین در روز وارد شدن و ثابت کن برای من

قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ
قدم راستی نزد حق با حسین و یاران حسین

اَلَّذِينَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ علقمه گفت که حضرت
آنکه نثار کردند جانهای خود را نزد حسین امام محمد باقر فرمود

که اگر توانی هر روز باین کیفیت زیارت کنی بکن که جمیع
این ثوابها از برای تو خواهد بود و روایت کرد محمد بن خالد
طیالسی از سیف بن عمیره که گفت من با صفوان جمال و جماعتی
از اصحاب خود رفتیم بسوی نجف بعد از آنکه حضرت صادق
بیرون رفته بودند از حیره بمدینه پیش از ما پس چون از
زیارت حضرت امیر المؤمنین فارغ شدیم صفوان رو بخود را
گردانید بسوی قبر حضرت امام حسین و گفت زیارت کنیم حضرت
امام حسین را از اینمکان از بالای سر امیر المؤمنین که
حضرت امام جعفر صادق چنین کرد در وقتی که من در خدمت
آنحضرت باینمکان شریف آمده بودم پس خواند صفوان آن زیارتی را
که علقمه از حضرت امام محمد باقر برای روز عاشورا روایت

کرده است پس دو رکعت نماز کرد نزد سر امیر المؤمنین
و وداع کرد بعد از نماز امیر المؤمنین او رو بجانب قبر
امام حسین کرد و آنحضرت را نیز وداع کرد و از جمله دعا
ها که بعد از آن دو رکعت خواند این دعا بود

یَا اَللهُ یَا اَللهُ یَا اَللهُ یَا مُجِیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّینَ یَا کَاشِفَ
ای خدا ای خدا ای خدا ای اجابت کننده دعای بیچارگان ای واکننده
کُرَبِ الْمَکْرُوبِینَ یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ وَیَا صَرِیخَ الْمُسْتَـ
اندوه اندوهناکان ای فریادرس فریادخواهان ای دادرس طلبان
وَیَا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَیَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیدِ وَیَا مَنْ یَحُولُ بَیْنَ
وای آنکه او نزدیکتر است بسوی من از رگ گردن وای آنکه حایل میشود میان
الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَیَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰی وَبِالْاُفُقِ
مرد و دلش او وای آنکه اوست بمرتبه بلند است و بکنار
الْمُبِینِ وَیَا مَنْ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوٰی
هویداست وای آنکه اوست بخشنده مهربان بر عرش مستولی
وَیَا مَنْ یَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْیُنِ وَمَا تُخْفِی الصُّدُورُ یَا مَنْ
وای آنکه می داند خیانت چشمها را و آنکه پنهان است در سینه‌ها ای وآنکه
لَا یَخْفٰی عَلَیْهِ خَافِیَةٌ وَیَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَیْهِ الْاَصْوَاتُ
پنهان نیست براو هیچ پنهانی وای آنکه مشتبه نمی‌شود براو صداها
وَیَا مَنْ لَا تُغَلِّطُهُ الْحَاجَاتُ وَیَا مَنْ لَا یُبْرِمُهُ اِلْحَاحُ الْمُلِحِّینَ
وای آنکه بغلط نمی اندازد حاجتها وای آنکه تنگ نمی آرد الحاح الحاح کنندگان

یا مدر

يا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ وَيا جامِعَ كُلِّ شَمْلٍ وَيا بارِئَ النُّفُوسِ

ای دریابنده هر فوت شده وای جمع کننده هر متفرق و ای ایجاد کننده جانها

بَعْدَ الْمَوْتِ يا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فى شَأْنٍ يا قاضِىَ الْحاجاتِ

بعد از مرگ ای آنکه او هر روزی در کاری است ای برآورنده حاجتها

يا مُنَفِّسَ الْكُرُباتِ يا مُعْطِىَ السُّؤُلاتِ يا وَلِىَّ الرَّغَباتِ

ای زایل کننده اندوهها ای عطا کننده سؤالها ای دوست رغبتها

يا كافِىَ الْمُهِمّاتِ يا مَنْ يَكْفى مِنْ كُلِّ شَىْءٍ وَلا يَكْفى مِنْهُ

ای کفایت کننده مهمات ای آنکه کفایت میکند از هر چیزی و کفایت نمیکند از او

شَىْءٌ فِى السَّمواتِ وَالْاَرْضِ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِىٍّ وَ

چیزی در آسمانها و زمین سؤال میکنم ترا بحق محمد و علی و

بِحَقِّ فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَاِنّى

بحق فاطمه دختر پیغمبر تو و بحق حسن و حسین پس بدرستیکه

بِهِمْ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ فى مَقامى هذا وَبِهِمْ اَتَوَسَّلُ وَ

بایشان رو آورده ام بسوی تو در جایگاه خود این و بایشان وسیله میجویم و

بِهِمْ اَتَشَفَّعُ اِلَيْكَ وَبِحَقِّهِمْ اَسْئَلُكَ وَاُقْسِمُ وَاَعْزِمُ

بایشان شفیع میآورم بسوی تو و بحق ایشان سؤال میکنم ترا و قسم میدهم و عزیمت میکنم

عَلَيْكَ وَبِالشَّأْنِ الَّذى لَهُمْ عِنْدَكَ وَبِالْقَدْرِ الَّذى

بر تو و بمرتبه ای که مر ایشانراست نزد تو و بمرتبه آنکه

لَهُمْ عِنْدَكَ وَبِالَّذى فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعالَمينَ وَ

مر ایشانراست نزد تو و بآنکه افزونی داده ای ایشانرا بر جهانیان و

باسمك الذي جعلته عندهم وبه خصصتهم دون

بنام تو آنکه قرار دادی او را نزد ایشان وبه آن مخصوص کردی ایشان را از

العالمين وبه ابنتهم وابنت فضلهم من فضل العالمين

عالمیان وبان ظاهر ساختی ایشان را واظاهر ساختی فضل ایشان از فضل عالمیان

حتى فاق فضلهم فضل العالمين ان تصلي على محمد

تا چندکه زیاده شد فضل ایشان را از فضل جهانیان آنکه رحمت کنی بر محمد

وآل محمد وان تكشف عني غمي وهمي وكربي وتكفيني

وآل محمد واینکه زایل کنی از من غم مرا واندوه مرا و حزن مرا وکفایت کنی

المهم من اموري وتقضي عني ديني وتجيرني من الفقر

مهم مرا از امور من وبرآوری از من قرض مرا وپناه دهی مرا از احتیاج

وتجيرني من الفاقة وتغنيني عن المسئلة الى المخلوقين

وپناه دهی مرا از تنگدستی وبی نیاز کنی مرا از سوال بسوی مخلوقین

وتكفيني هم من اخاف همه وعسر من اخاف عسره

وکفایت کنی مرا اندوه کسیکه میترسم اندوه او را ودشواری آنکه میترسم دشواری او

وحزونة من اخاف حزونته وشر من اخاف شره و

واندوه کسیکه میترسم اندوه او را وبدی کسیکه میترسم بدی او را و

مكر من اخاف مكره وبغي من اخاف بغيه وجور

مکر کسیکه میترسم مکر او را وستم کسیکه میترسم ستم او را وجور

من اخاف جوره وسلطان من اخاف سلطانه وكيد

کسیکه میترسم جور او را وسلطنت کسیکه میترسم سلطنت او را وکید

من اخاف

مَنْ أَخافُ كَيْدَهُ وَمَقْدُرَتَهُ مِنْ أَخافُ بَلاءَ مَقْدُرَتِهِ
کسیکه میترسم کید اورا و اندازه کسیکه می ترسم بدی اندازه اورا
عَلَيَّ وَرُدَّ عَنِّي كَيْدَ الْكَيَدَةِ وَمَكْرَ الْمَكَرَةِ اللّٰهُمَّ مَنْ أَرادَنِي
برمن و برگردان ازمن مکر مکرکنندگان و حیله حیله کنندگان خداوندا کسیکه اراده
فَأَرِدْهُ وَمَنْ كادَنِي فَكِدْهُ وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ
کند مرا پس اراده کن او را و کسیکه حیله کند مرا حیله کن او را و بگردان ازمن کید اورا و حیله اورا
وَبَأْسَهُ وَأَمانِيَّهُ وَامْنَعْهُ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَأَنّى شِئْتَ
و بدی اورا و بازی دادن او را و منع کن اورا ازمن بهر گونه که خواهی و هرروش خواهی
اَللّٰهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّي بِفَقْرٍ لا تَجْبُرُهُ وَبِبَلاءٍ لا تَسْتُرُهُ وَ
خداوند مشغول کن اورا ازمن به تنگدستی که تدارک نکنی اورا و ببلا که نپوشانی اورا و
بِفاقَةٍ لا تَسُدُّها وَبِسُقْمٍ لا تُعافِيهِ وَذُلٍّ لا تُعِزُّهُ وَ
باحتیاجی که باز نداری اورا و به بیماری که عافیت ندهی اورا و خواری که عزیز نکنی اورا
بِمَسْكَنَةٍ لا تَجْبُرُها اَللّٰهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصْبَ
و به تنگدستی که تدارک نکنی اورا خدایا بزن بخواری میان
عَيْنَيْهِ وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِي مَنْزِلِهِ وَالْعِلَّةَ
دو چشم او و داخل کن براو فقر در منزل او و علت
وَالسُّقْمَ فِي بَدَنِهِ حَتّى تَشْغَلَهُ عَنِّي بِشُغْلٍ شاغِلٍ لا
و بیماری در بدن او تا اینکه مشغول کنی اورا ازمن بشغل مشغول دارنده که
فَراغَ لَهُ وَأَنْسِهِ ذِكْرِي كَما أَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ وَخُذْ
نباشد فراغی او را و فراموش کن اورا ذکر مرا چنانکه فراموش دادی اورا یاد خود و بگیر

عن سمعه وبصره ولسانه ويده ورجله وقلبه و

از من بگوش او و دیده او و زبان او و دست او و پای او و دل او و

جميع جوارحه وادخل عليه في جميع ذلك السقم و

همه اعضای او و درآور بر او در همه این بیماری و

الشقة حتى تجعل ذلك شغلا شاغلا به عني و

[illegible]

عن ذكري واكفني يا كافي ما لا يكفي سواك ومفرج

[illegible]

لا مفرج سواك ومغيث لا مغيث سواك وجار لا

[illegible]

جار سواك خاب من كان رجاؤه لسواك ومغيثه

[illegible]

سواك ومفزعه الى سواك ومهربه وملجاؤه الى

غیر تو و پناهگاه او بسوی غیر تو و گریزگاه او و پناه او بسوی

غيرك ومنجاه من مخلوق غيرك فانت ثقتي ورجائي

غیر تو و [illegible] غیر تو پس تو معتمد منی و امید منی

ومفزعي ومهربي وملجاي ومنجاي فبك استفتح

و پناهگاه منی و گریزگاه منی و پناه منی و رستگاری منی پس بتو [illegible]

وبك استنجح وبمحمد وال محمد اتوجه اليك واتوسل

[illegible]

واستشفع

وَاَتَشَفَّعُ فَاَسْئَلُكَ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ

و شفيع مى گردانم پس سوال مى كنم ترا اى خدا اى خدا اى خدا پس براى تست سپاس و

لَكَ الشُّكْرُ وَاِلَيْكَ الْمُشْتَكٰى وَاَنْتَ الْمُسْتَعَانُ فَاَسْئَلُ

براى تست شكر و بسوى تو شكايت مى كنيم و تو يارى خواسته شده پس سوال

فَاَسْئَلُكَ يَا اَللّٰهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ

پس سوال مى كنم ترا اى خدا بحق محمد و آل محمد اينكه رحمت كنى بر محمد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي فِي مَقَامِي

و آل محمد و اينكه رفع كنى از من غم مرا و اندوه مرا و حزن مرا در مقام من

هٰذَا كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ وَكَفَيْتَهُ

اين چنانكه رفع كردى از پيغمبر تو هم او و غم او و اندوه او و كفايت كردى او را

هَوْلَ عَدُوِّهِ فَاكْشِفْ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ وَفَرِّجْ عَنِّي

شدت دشمن او را پس رفع كن از من چنانكه رفع كردى از او و گشايش ده از من

كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَاكْفِنِي كَمَا كَفَيْتَهُ وَاصْرِفْ عَنِّي هَوْلَ

چنانكه گشايش دادى از او و كفايت كن مرا چنانكه كفايت كردى او را و بگردان از من شدت

مَا اَخَافُ هَوْلَهُ وَمَؤُنَةَ مَا اَخَافُ هَمَّهُ بِلَا مَؤُنَةٍ

آنچه مى ترسم هول او را و دفع آنچه مى ترسم اندوه او را بدون اذيتى

عَلٰى نَفْسِي مِنْ ذٰلِكَ وَاصْرِفْنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي وَكِفَايَةِ

بر نفس خود از اين و بگردان مرا به برآوردن حاجت من و كفايت

مَا اَهَمَّنِي هَمُّهُ مِنْ اَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

آنكه اندوهگين دارد مرا اندوه او از امر آخرت من و دنياى من اى پادشاه مؤمنان

وَيا أَبا عَبْدِ اللهِ عَلَيْكُما مِنّي سَلامُ اللهِ أَبَداً ما بَقيَ

ای ابا عبد الله بر شما از من سلام خدا همیشه تا دارم زندگانی

اللَّيْلُ وَالنَّهارُ وَلا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيا

شب و روز و مگردان این را خدا آخر عهد از زیارت

رَتِكُما وَلا فَرَّقَ اللهُ بَيْني وَبَيْنَكُما اَللّهُمَّ أَحْيِني حَيوةَ

شما و جدا نیندازد خدا میان من و میان شما خدایا زنده بدار مرا زندگی

مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ وَأَمِتْني مَماتَهُمْ وَتَوَفَّني عَلى مِلَّتِهِمْ

محمد و فرزندان او و بمیران مرا مانند مردن ایشان و بمیران مرا بر طریقه ایشان

وَاحْشُرْني في زُمْرَتِهِمْ وَلا تُفَرِّقْ بَيْني وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ

و در آور مرا در گروه ایشان و جدا منما میان من و میان ایشان یک

عَيْنٍ أَبَداً فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ وَيا

چشم زدن هرگز در دنیا و آخرت ای امیر مؤمنان و ای

أَبا عَبْدِ اللهِ أَتَيْتُكُما تَوَجَّهْتُ إِلى ضَريحِكُما أَتَيْتُكُما

ابا عبد الله آمدم شما را رو آوردم بسوی ضریح شما آمدم شما را

زائِراً وَمُتَوَسِّلاً إِلَى اللهِ رَبّي وَرَبِّكُما مُتَوَجِّهاً إِلَيْهِ

زیارت کننده ام و وسیله جوینده ام بسوی خدا که پروردگار من و پروردگار شماست رو آورنده ام بسوی او

بِكُما وَمُسْتَشْفِعاً بِكُما إِلَى اللهِ في حاجَتي هذِهِ فَا

بشما و شفاعت میخواهم بشما از او در حاجت خود این پس شفیع باشید

شْفَعا لي فَإِنَّ لَكُما عِنْدَ اللهِ الْمَقامَ الْمَحْمُودَ وَالْجاهَ

مرا زیرا که مر شماراست نزد خدا مقام محمود و جاه

وَجيهاً

الوجيه والمنزل الرفيع والوسيلة اني انقلب عنكما

نیکو و جایگاه بلند و وسیله بدرستی که برمیگردم از شما

منتظراً لتنجز الحاجة وقضائها ونجاحها من الله بشفا

انتظار کشنده‌ام از برای روا شدن حاجت و برآمدن آن و قضای آن از خدا بشفاعت

عتكما لي الى الله في ذلك فلا اخيب ولا يكون منقلبي

شما از برای من بسوی خدا در این پس ناامید نشوم و نمی‌باشد برگشتن من

خائباً خاسراً بل يكون منقلبي منقلباً راجحاً منجحاً

ناامید زیانکار بلکه باشد بازگشت من بازگشتی راجح کامیاب

مستجاباً لي بقضاء جميع حوائجي وتشفعا لي الى الله

مستجاب از برای من برآمدن همه حاجتهای من و شفاعت کنید برای من بسوی خدا

انقلبت على ما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله

برگشتم بر آنچه خواست خدا و نیست گردیدنی و نه توانائی مگر بخدا

مفوضاً امري الى الله ملجئاً ظهري الى الله ومتوكلاً

واگذارنده کار خود را بسوی خدا پناه دهنده پشت خود را بسوی خدا و اعتماد کننده

على الله واقول حسبي الله وكفى سمع الله لمن دعا

بر خدا و می‌گویم بس است مرا خدا و کافیست شنید خدا از برای کسی که خواند

ليس لي وراء الله ووراءكم يا سادتي منتهى ما

نیست از برای من غیر خدا و غیر شما ای آقایان من منتهای آنچه

شاء ربي كان وما لم يشأ لم يكن ولا حول ولا قوة

خواهد پروردگار من بود و آنچه نخواهد نباشد و نیست گردیدنی و نه توانائی

إِلَّا بِاللهِ أَسْتَوْدِعُكُمَا اللهَ وَلَا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي
مگر بخدا ودیعت می گذارم شما را بخدا و نگرداند او را خدا آخر عهد از من

إِلَيْكُمَا انْصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَايَ وَأَنْتَ
بسوی شما باز می گردم ای آقای من ای امیر مؤمنان و ای مولای من و تو

يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ يَا سَيِّدِي وَسَلَامِي عَلَيْكُمَا مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ
ای اباعبدالله ای آقای من و سلام من بر شما پیوسته است مادامی که پیوسته

اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَاصِلٌ ذٰلِكَ إِلَيْكُمَا ذٰلِكَ غَيْرُ مَحْجُوبٍ
شب و روز رسانیده است آن بسوی شما آن غیر محجوب است

عَنْكُمَا سَلَامِي إِنْ شَاءَ اللهُ وَأَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمَا أَنْ يَشَاءَ
از شما سلام من اگر خواهد خدا و سؤال میکنم او را بحق شما اگر می خواهد

ذٰلِكَ وَيَفْعَلَ فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ انْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي
این را و بکند پس بدرستی که او ستوده بزرگوار است بازگردیدم ای آقای من

عَنْكُمَا تَائِبًا حَامِدًا لِلّٰهِ شَاكِرًا رَاجِيًا لِلْإِجَابَةِ غَيْرَ
از شما توبه کننده ستایش کننده مر خدای را شکر کننده امیدوار مر اجابت را غیر

آيِسٍ وَلَا قَانِطٍ آئِبًا عَائِدًا رَاجِعًا إِلَى زِيَارَتِكُمَا غَيْرَ
مأیوس و نه ناامید بازگردنده عود کننده بازگردنده بسوی زیارت شما غیر

رَاغِبٍ عَنْكُمَا وَلَا مِنْ زِيَارَتِكُمَا بَلْ رَاجِعٌ عَائِدٌ إِنْ شَاءَ
اعراض کننده از شما و نه از زیارت شما بلکه بازگردنده عود کننده اگر خواهد

اللهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ يَا سَادَتِي رَغِبْتُ إِلَيْكُمَا
خدا و نیست گردیدنی و نه توانائی مگر بخدا ای آقایان من رغبت کردم بسوی شما

والی

وَإِلَى زِيَارَتِكُمَا بَعْدَ أَنْ نَزْهَدَ مِنْكُمَا وَفِي زِيَارَتِكُمَا أَهْلَ

و بسوی زیارت شما بعد از آنکه بی رغبت شده بودیم در زیارت شما اهل

الدُّنْيَا فَلَا خَيَّبَنِيَ اللّٰهُ مِمَّا رَجَوْتُ وَمَا أَمَّلْتُ فِي زِيَارَتِكُمَا

دنیا پس نومید نکند مرا خدا از آنچه امید دارم و آنچه آرزو دارم در زیارت شما

إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ سيف بن عميره گفت من بصفوان گفتم

بدرستیکه او نزدیک اجابت کننده است

که علقمه که این زیارت را از حضرة امام محمد
باقر از برای ما روایت کرده این دعا را نقل نکرد صفوان گفت که
من وارد شدم با سید خود حضرة امام جعفر صادق علیه السلام باین
مکان پس کرد آنچه ما کردیم در زیاره و این دعا را خواند در
هنگام وداع بعد از آنکه دو رکعت نماز را کرد و آن دعا
را بجا آورد و بعد از آن صفوان گفت که حضرة صادق
بمن گفت که تعاهد نما این زیارت را و بخوان این دعا را و این
زیارت را بکن که من ضامنم بر خدا که هر که این زیارت بکند
این دعا را بخواند از نزدیک یا دور اینکه زیارتش مقبول
باشد و سعیش مزد داده شود و سلامش بآنحضرة برسد و
محجوب نگردد و هر حاجت که از خدا بطلبد برآورده شود هر چند
حاجتش بزرگ باشد ای صفوان این زیاره را با همین ضمانت
از پدرم شنیدم و پدرم از علی بن الحسین با همین ضمانت
و او از امام حسین و او از امام حسن با همین ضامنی و او از

پدرش امیرالمؤمنین ع با همین ضامنی و امیرالمؤمنین ع از رسول
خدا صلی الله علیه و آله با همین ضامنی و رسول خدا ص با همین
ضامنی از جبرئیل و جبرئیل از خداوند عالمیان با همین ضامنی
و بتحقیق که حقتعالی قسم بذات مقدس خود خورده که هر که
حضرة امام حسین ع با این روش زیارة کند از نزدیک و دور
و این دعا را بخواند زیارة او را قبول کنم و هر حاجت که بطلبد
بر آورم هر چند بزرگ باشد و هر سؤال که بکند عطا کنم و از
درگاه من نا امید بر نگردد و او را بر گردانم و شاد و خوشحال
بر آمدن حاجتش و فایز شدن به بهشت و آزاد شدن از
آتش جهنم و از برای هر که شفاعت کند شفاعتش را قبول
کنم مگر کسی که دشمن ما اهل بیت باشد و گواه گرفت خدا
را بر آنچه گواه گرفته بود بر آن ملائکه ملکوت خود را پس
جبرئیل گفت یا رسول الله حقتعالی مرا بسوی تو فرستاده
است برای بشارة و سرور و خوشحالی تو و بشارة و سرور
علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین ع و امامان از فرزند
تو تا روز قیامة پس حضرة صادق ع فرمود که ای صفوان هر گاه
ترا حاجتی بسوی خدا بهم رسد این زیارة را بکن هر جا که باشی
و این دعا را بخوان و از پروردگار خود حاجت خود را بطلب
که البته بر آورده میشود و حقتعالی خلف وعد نمی

فرماید

فرماید مؤلف گوید که چون عبارت حدیث تشویش عظیمی دارد
و قابل احتمال بسیار هست لهذا اول زیارت السلام علیک
یا ابا عبد الله تا و آل نبیک علیهم السلام بخواند و نماز زیارت
را بکند و باز همان زیارت را اعاده کند بهتر است و اگر بعد از
صد مرتبه لعنت یا دیگر نماز بکند و بعد از صد مرتبه
سلام یا دیگر نماز کند و متصل بسجده و بعد از سجده نیز
نماز بکند شاید بجمیع احتمالات عمل کرده باشد و اگر یکی از
زیارات بعیده را بعمل آورد و نماز بکند و بعد از آن این اعمال
را بعمل آورد ظاهرا کافی باشد و اگر زیارت امیر المؤمنین ع را با این
ضم کند بهتر است خصوصا هرگاه این زیارت را در نزد ضریح
امیر المؤمنین ع بعمل آورد و چون در حدیث تجویز کردن این زیارت
در هر وقت وارد شده است و اگر در غیر روز عاشورا کند بجای
اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمَيَّةَ بگوید اَللّٰهُمَّ إِنَّ
خدایا بدرستیکه این روزیست که به برکت دانستند بنو امیه خداوندا بدرستیکه
يَوْمَ قُتِلَ الحُسَيْنُ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمَيَّةَ
روزی که کشته شد حسین رحمت تو بر او روزیست که مبارک دانستند بنو امیه

فصل در ثواب زیارت این روز است و از جمله اخبار
روایتیست که بسند صحیح از عبد الله ابن سنان روایت کرده است
که رفتم بخدمت حضرت صادق ع در روز عاشورا و آنحضرت

زا شکسته رنگ و اندوهناک یافتم و آب از دیدهای مبارکش
مانند مروارید میریخت گفتم یا ابن رسول الله سبب گریهٔ شما
چیست خدا هرگز دیدهای شما را گریان نگرداند حضرت
فرمود که مگر غافلی و نمیدانی که در مثل امروز حضرت امام
حسین شهید شده است گفتم ای سید من چه میفرمائید
در روزه اش فرمود که روزه بدار بدون آنکه شب نیت روزه
بکنی و افطار بکن نه از روی شماتت و مگر روز تمام روزه
مگیر و باید که افطار تو بعد از نماز عصر باشد بیکساعت بشربتی
از آب زیرا که در این وقت جنگ برطرف شد از آل رسول و اله
و در زمین سی نفر از اهل بیت و موالی ایشان افتاده بود که
صاحب مصیبت در آنها حضرت رسول بود و اگر آنحضرت در
دنیا میبود باید آنحضرت را تعزیه بگویند پس آنحضرت چندان
گریست که ریش مبارکش از آب دیده اش تر شد پس حضرت
فرمود که بهتر کاری که در امروز بکنی آنست که جامههای
پاکیزه بپوشی و بندهای آنرا بگشائی و آستینها را تا مرفق
بالا کنی بروش مصیبت زدگان پس بیرون روی یعنی
بیابان یا مکانی که کسی ترا نه بیند یا خانه خالی از برای
نقبه ستنبان در وقت چاشت پس چهار رکعت نماز بجا
آوری با خشوع و خضوع و رکوع نیکو و بعد از هر دو رکعت

سلام

سلام میکوئی و در رکعت اوّل بعد از حمد سورهٔ قل یا
ایها الکافرون بخوانی و در رکعت دوّم سورهٔ قل هو الله
احد و در دو رکعت دیگر در رکعت اوّل بعد از حمد سورهٔ الرحمن
بخوانی و در رکعت دوّم سورهٔ اذا جاءک المنافقون و اگر
اینها را ندانی هر سوره که خواهی بخوان پس بگردان روی خود
بجانب روضهٔ مقدّس آنحضرت و بخاطر آور پس شهادت آن
امام مظلوم و اولاد و اقارب و اصحاب انجناب را و سلام کنی
بر او و صلوات فرستی بر او و لعنت کنی بر قاتلان ایشان
و بروایت دیگر هزار مرتبه لعنت کنی بر قاتلان آنحضرت
که بهر لعنتی هزار حسنه برای تو نوشته می شود و هزار
گناه از تو محو میشود و هزار درجه در بهشت از برای تو
بلند می شود و بهتر این است که هزار مرتبه بگوید اَللّهم
اَلعن قَتَلَةَ الحُسَینِ وَ اَصحابِهِ پس فرمود که بعد از آن از
موضعی که ایستاده چند گام پیش روی و بگوئی انا لله
و انا الیه راجعون رضاً بقضائه و تسلیماً لامره و اگر
هفتمرتبه چنین کند بهتر است و فرمود که باید در جمیع
احوال که محزون و غمناک و گریان باشی پس بجای خود بر
گردی اَللّهمّ عذّب الفجرة الّذین شاقوا رسولک و حاربوا

و بگوئی

خدایا عذاب کن بدکاران را آنانکه مخالفت کردند فرستادهٔ تو را و جنگ کردند

إليك أولياءك وعبّدوا أعزّك واستحلّوا محارمك

سوی تو دوستان ترا و بنده کردند عزیزان ترا و حلال کردند حرامهای ترا

والعن القادة والأتباع ومن كان منهم فخبّ وأوضع

ولعنت کن پیشروان و پیروان ایشان را و کسی که بود از ایشان پس رفت کرد و دوانید

معهم أو رضي بفعلهم لعنا كثيرا اللهم وعجّل فرج آل

با ایشان یا خشنود شد بکردار ایشان لعنت بسیار خدایا تعجیل کن فرج آل

محمد واجعل صلواتك عليه وعليهم واستنقذهم من

محمد و دیگردان رحمت خود را بر او و بر ایشان و رهائی ده ایشان را از

أيدي المنافقين المضلّين والكفرة الجاحدين وافتح

دستهای دوروئان گمراه کنندگان و کافران انکار کنندگان و بگشا

لهم فتحا يسيرا وأتح لهم روحا وفرجا قريبا واجعل لهم

برای ایشان گشایشی آسان و مهیا کن برای ایشان آسایش و گشایش نزدیک و بگردان برای ایشان

من لدنك على عدوك وعدوهم سلطانا نصيرا پس

از نزد خود بر دشمنان خود و دشمنان ایشان سلطنت یاری دهنده دست

بدعا بردارد و قصد دشمنان اللهم إن كثيرا من

آل محمد عليهم السلام را و بگو خدایا بدرستیکه بسیاری از

الأمة ناصبت المستحفظين من الأئمة وكفرت بالكلمة

امت دشمنی نمودند با نگاهداشته شدگان از امامان و کافر شدند بکلمه

وعكفت على القادة الظلمة وهجرت الكتاب و

و ایستادند بر پیشروان ستمکاران و ترک کردند کتاب خدا و

السنة

السُّنَّةَ وَعَدَلَتْ عَنِ الْحَبْلَيْنِ اللَّذَيْنِ اَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمَا

سنت را و برگشتند بدرستی از دو ریسمان آنان که امر کرده شده بطاعت آن دو

وَالتَّمَسُّكِ بِهِمَا فَاَمَاتَتِ الْحَقَّ وَحَادَتْ عَنِ الْقَصْدِ وَمَا

و چنگ زدن بآن دو پس میراندند حق را و برگشتند از راه حق و جبری

لاَئَتِ الْاَحْزَابَ وَحَرَّفَتِ الْكِتَابَ وَكَفَرَتْ بِالْحَقِّ لَمَّا

گروهها را و تغییر دادند کتاب را و کفر ورزیدند بحق چون آمد

جَاءَهَا وَتَمَسَّكَتْ بِالْبَاطِلِ لَمَّا اعْتَرَضَهَا وَضَيَّعَتْ حَقَّكَ

ایشان را و چنگ زدند بباطل چون که پیدا شد ایشان را و ضایع کردند حق تو را

وَاَضَلَّتْ خَلْقَكَ وَقَتَلَتْ اَوْلاَدَ نَبِيِّكَ وَخِيَرَةَ عِبَادِكَ

و گمراه کردند بندگان تو را و کشتند فرزندان پیغمبر تو را و برگزیدگان بندگان تو را

وَحَمَلَةَ عِلْمِكَ وَوَرَثَةَ حِكْمَتِكَ وَوَحْيِكَ اَللّٰهُمَّ فَزَلْزِلْ

و حاملان علم تو را و وارثان حکمت تو را و وحی تو را خدایا بلرزان

اَقْدَامَ اَعْدَائِكَ وَاَعْدَاءِ رَسُولِكَ وَاَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ

قدمهای دشمنان تو را و دشمنان رسول تو را و اهل بیت رسول تو را

وَاَخْرِبْ دِيَارَهُمْ وَافْلُلْ سِلاَحَهُمْ وَخَالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ

و خراب کن خانههای ایشان را و شکسته کن سلاح ایشان را و مخالفت انداز میان سخن ایشان

وَفُتَّ فِي اَعْضَادِهِمْ وَاَوْهِنْ كَيْدَهُمْ وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ

و سستی بینداز در بازوهای ایشان و سست کن مکر ایشان را و بزن ایشان را بشمشیر خدا

الْقَاطِعِ وَارْمِهِمْ بِحَجَرِكَ الدَّامِغِ وَطُمَّهُمْ بِالْبَلاَءِ

که برنده است و بزن ایشان را بسنگهای دماغ شکننده و فرو گیر ایشان را ببلا

ظماً وذقهم بالعذاب كما وعدتهم عذاباً نكراً و

بعذاب و برسان ایشان را بعذاب بزرگ و عذاب کن ایشانرا عذابی ناخوش و

خذهم بالسنين والمثلات التي اهلكت بها اعداءك

بگیر ایشانرا بقحط سالها و عقوبتهای چنانکه هلاک کردی بآن دشمنان خود را

انك ذو نقمة من المجرمين اللهم ان سنتك ضائعة

بدرستیکه تو صاحب عقوبتی از گناهکاران خداوندا بدرستیکه سنت تو ضایع است

واحكامك معطلة وعترة نبيك في الارض هائمة

و احکام تو فرو گذاشته است و عترت پیغمبر تو در زمین سرگردان است

اللهم فاعن الحق واهله واقمع الباطل واهله ومن

خداوندا پس اعانت کن حق را و اهل آنرا و بر کن باطل را و اهل آنرا و منت نه

علينا بالنجاة واهدنا الى الايمان وعجل فرجنا وانظمه

بر ما به نجات و راه نما ما را بسوی ایمان و تعجیل کن فرج ما را و پیوند آن

بفرج اوليائك واجعلهم لنا وداً واجعلنا لهم

بفرج دوستان خود و بگردان ایشانرا از برای ما دوستی و بگردان ما را از برای ایشان

وفداً اللهم واهلك من جعل يوم قتل ابن نبيك

بی رو خداوندا و هلاک کن کسی را که قرار داد روز کشتن پسر پیغمبر تو

وخيرتك عيداً واستهل به فرحاً ومرحاً وخذ آخرهم

و برگزیده تو عید و صدا بلند کرد بآن از روی شادی و خوشی و بگیر آخر ایشان را

كما اخذت اولهم وضاعف اللهم العذاب والتنكيل

چنانکه گرفتی اول ایشان را و زیاده کن ای خدا عذاب را و قطع کن و ...

علی ما

عَلَىٰ ظَالِمِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَأَهْلِكَ أَشْيَاعِهِمْ وَ

بر ستمگاران اهل بیت پیغمبر تو و اهل تو پیروان ایشان و

قَادَتِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَجَمَاعَتِهِمْ اللَّهُمَّ وَضَاعِفْ

پیشروان ایشان و پیروان ایشان و جماعت ایشان را خداوندا و دو چندان کن

صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتَكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَىٰ عِتْرَةِ نَبِيِّكَ

رحمت تو و بخشش خود و برکات خود بر عترت پیغمبر خود

الْعِتْرَةِ الضَّائِعَةِ الْخَائِفَةِ الْمُسْتَذَلَّةِ بَقِيَّةِ مِنَ

عترت ضعیف شده ترسان خوار کرده شده باقی مانده از

الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الزَّاكِيَةِ الْمُبَارَكَةِ وَأَعْلِ اللَّهُمَّ

درخت پاکیزه پاک مبارک و بلند گردان ای خدا

كَلِمَتَهُمْ وَأَفْلِجْ حُجَّتَهُمْ وَاكْشِفِ الْبَلَاءَ وَاللَّأْوَاءَ وَحَنَا دِسَ

سخنان ایشان را و ظاهر گردان حجت ایشان را و دور کن بلا و سختی و تاریکیهای

الْأَبَاطِيلِ وَالْعَمَىٰ عَنْهُمْ وَثَبِّتْ قُلُوبَ شِيعَتِهِمْ

امور باطل را و کوری را از ایشان و ثابت کن دلهای شیعیان ایشان

وَحِزْبِكَ عَلَىٰ طَاعَتِكَ وَوِلَايَتِهِمْ وَنُصْرَتِهِمْ وَمُوَالَاتِهِمْ

و گروه خود را بر طاعت خود و دوستی ایشان و یاری ایشان و دوستی ایشان

وَأَعِنْهُمْ وَامْنَحْهُمُ الصَّبْرَ عَلَى الْأَذَىٰ فِيكَ وَاجْعَلْ

و مدد کن ایشان را و بخشش ایشان را صبر را بر اذیت در راه تو و بگردان

لَهُمْ أَيَّامًا مَشْهُودَةً وَأَوْقَاتًا مَحْمُودَةً مَسْعُودَةً تُوشِكُ

برای ایشان روزهای حاضر شده و اوقات پسندیده نیک بخت نزدیک گردد

منها فرحمتهم ووجب فيها تمكينهم ونصرتهم كما ضمنت

دران فرح ایشان را واجب گردان دران جا دادن ایشان را و یاری ایشان را چنانکه ضامن شده

لاولیائك في كتابك المنزل فانك قلت وقولك

برای دوستان خود در کتاب خود فرو فرستاده شده پس بدرستیکه تو گفتی و قول تو

الحق وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات

راست است وعده داد خدا آنان را که گرویدند از شما و کردند کارهای شایسته

ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم

هر آینه خلیفه گرداند ایشان را در زمین چنانکه خلیفه کرد آنان را که پیش بودند

وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم

و هر آینه ثابت گرداند برای ایشان دین ایشان را که پسندیده برای ایشان و هر آینه بدل گرداند ایشان را

من بعد خوفهم امنا يعبدونني لا يشركون بي شيئا اللهم

از پس ترس ایشان ایمنی می پرستند مرا شریک نیاورند بمن چیزی را خداوندا

فاكشف غمتهم يا من لا يملك كشف الضر الا هو يا

پس برطرف کن اندوه ایشان را ای آنکه مالک نیست برطرف کردن بدی را مگر او ای

واحد يا احد يا حي يا قيوم وانا يا الهي عبدك الخائف

یگانه ای [illegible] ای زنده ای پاینده و منم ای خدای من بنده تو ترسان

منك والراجع اليك السائل لك المقبل عليك

از تو و بازگشت کننده بسوی تو سوال کننده [illegible] رو آورنده بر تو

اللاجئ الى فنائك العالم بانه لا ملجأ منك الا

پناه برنده بسوی [illegible] دانا به آنکه [illegible]

اليك

اِلَيْكَ اللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ دُعَائِي وَاسْمَعْ يَا اِلٰهِي عَلَانِيَتِي

بسوی تو بار خدایا پس بپذیر دعای مرا و بشنو ای خدای من آشکار مرا

وَنَجْوَايَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ وَقَبِلْتَ نُسُكَهُ

و پنهان مرا و بگردان مرا از آنکه خوشنودی کردی عمل او را و قبول کردی عبادت او را

وَنَجَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ اللّٰهُمَّ

و نجات دادی او را برحمت خود بدرستیکه تو توانای غالب بخشنده خدایا

وَصَلِّ اَوَّلًا وَآخِرًا عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ

و رحمت کن اول و آخر بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ بِاَكْمَلِ وَاَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ

و آل محمد و رحم کن محمد را بکاملتر و افضل آنچه رحمت کردی و

بَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَ

برکت دادی و رحم کردی بر پیغمبران تو و پیغمبران مرسل و

مَلَائِكَتِكَ وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

فرشتگان خود و بردارندگان عرش خود نیست خدائی مگر تو

اَللّٰهُمَّ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ

خدایا و جدائی میفکن میان من و میان محمد و آل محمد رحمت تو

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَاجْعَلْنِي يَا مَوْلَايَ مِنْ شِيعَةِ

بر او و بر ایشان و بگردان مرا ای آقای من از پیروان

مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَذُرِّيَّتِهِمْ

محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ذریه ایشان

الطّاهرة المنتجبة وهب لي التّمسّك بحبلهم والرّضا

که پاکانند و برگزیدگانند و ببخش برای من چنگ زدن به ریسمان ایشان و خوشنودی

بسبيلهم والاخذ بطريقتهم انّك جواد كريم

به راه ایشان و گرفتن طریقه ایشان به درستی که تو بخشنده کریمی

پس بچسبان بر دو طرف روی یا من يحكم ما

خود را بر خاک بگذار و بگوی ای آنکه حکم می کند آنچه

يشاء و يفعل ما يريد انت حكمت فلك الحمد

می خواهد و می کند آنچه اراده می کند تو حکم کردی پس برای تست سپاس

محمودا مشكورا فعجّل يا مولاي فرجهم وفرجنا بهم

پسندیده سپاس کرده پس تعجیل کن ای آقای من فرج ایشان و فرج ما به ایشان

فانّك ضمنت اعزازهم بعد الذّلّة وتكثيرهم بعد

پس به درستی که تو ضامن شدی عزیز گردانیدن ایشان را پس از خواری و بسیار گردانیدن ایشان را پس از

القلّة واظهارهم بعد الخمول يا اصدق الصّادقين

کمی و آشکار کردن ایشان پس از گمنامی ای راستگوترین راستگویان

ويا ارحم الرّاحمين فاسئلك يا الهي وسيّدي

و ای رحیم‌ترین رحم کنندگان پس سؤال می‌کنم تو را ای خدای من و آقای من

متضرّعا اليك بجودك وكرمك بسط املي و

تضرع کننده بسوی تو به جود تو و کرم تو گستردن آرزوی مرا و

التّجاوز عنّي وقبول قليل عملي وكثيره والزّيادة

درگذشتن از من و قبول کردن اندک کردار مرا و بسیار آن و زیادی

فی ایامی

فی ایامی وتبلغنی ذلک المشهد وان تجعلنی ممن یکرّ

در روزهای من ورسانیدن مرا آن جایگاه من وانکه بگردانی مرا از انها که

فیجیب لی طاعتهم وموالاتهم ونصرهم وترینی ذلک

پس اجابت کنند بسوی طاعت ایشان ودوستی ایشان ویاری ایشان وبنمایی مرا آن را

قریبا سریعا فی عافیة انک علی کل شیء قدیر پس سر خود

نزدیک زود در عافیت بدرستیکه تو بر همه چیز توانایی بجانب

آسمان بلند کن اعوذ بک ان اکون من الذین لا یرجون

ودبگوی پناه می برم بتو اینکه هستم از آنها که امید ندارند

ایامک فاعذنی یا الهی برحمتک من ذلک چون

روزهای ترا پس پناه ده مرا ای خدای من برحمت خود از این چنین

اینعمل بهتر است از برای تو از حجهای بسیار وعمرهای بسیار که مال بسیار در انها صرف نمائی وبدن خود را در انها بتعب افکنی واز اهل وعیال وفرزند خود جدا شوی وبدانکه کسی که این نماز را در این روز بکند واین دعا را از روی اخلاص بخواند واین عمل را با یقین وتصدیق بجا آورد حق تعالی ده خصلت باو عطا کند که از جملهٔ اینها آنست که او را از مرگهای بد حفظ کند مانند غرق شدن وسوختن ودر زیر عمارت ماندن وامثال اینها وتا مردن دشمنی برا ومسلط

نگردد و نگاه دارد او را از دیوانگی و جذام و پیسی در
خودش و در فرزندانش تا چهار پشت و شیطان و
دوستان و یاوران شیطان را بر او مسلط نگرداند و
بر نسل او تا چهار پشت زیارت دیگر زیارتیست که مشتمل
است بر زیارت شهداء و متضمن تعزیت حضرت رسول الله
و ائمهٔ هدی صلوات الله علیهم است و مناسب است
که در این روز خوانده شود و اگر اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ
در آخر روز خوانده شود انسب باشد
سلام بر تو ای وارث
آدَمَ صَفْوَةِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللهِ
آدم برگزیده خدا سلام بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ اِبْرٰهیمَ خَلیلِ اللهِ اَلسَّلامُ
سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا سلام
عَلَیْکَ یا وارِثَ مُوسیٰ کَلیمِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا
بر تو ای وارث موسی هم سخن خدا سلام بر تو ای
وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبیبِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ
وارث محمد دوست خدا سلام بر تو ای وارث
عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ یا وارِثَ الْحَسَنِ الشَّهیدِ سِبْطِ
علی امیر مؤمنان سلام بر تو ای وارث حسن شهید سبط
رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ
رسول خدا سلام بر تو ای پسر فرستاده خدا سلام

علیک

عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ

بر تو ای پسر مژده دهنده و بیم دهنده و پسر آقای اوصیا

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

سلام بر تو ای پسر فاطمه آقای زنان جهانیان

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلَامُ يَا خِيَرَةَ اللهِ

سلام بر تو ای اباعبدالله سلام بر تو ای برگزیده خدا

وَابْنَ خِيَرَتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللهِ وَابْنَ ثَارِهِ

و پسر برگزیده او سلام بر تو ای خون خدا و پسر خون او

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْوِتْرُ الْمَوْتُورُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای خونخواه خون بها سلام بر تو

اَيُّهَا الْاِمَامُ الْهَادِي الزَّكِيُّ وَعَلَى اَرْوَاحٍ حَلَّتْ

ای امام راهنماینده پاکیزه و بر جانهائی که فرود آمدند

بِفِنَائِكَ وَاَقَامَتْ فِي جِوَارِكَ وَفَدَتْ مَعَ زُوَّارِكَ

گرداگرد تو و بپا ایستادند در نزدیک تو وارد شدند با زیارت کنندگان تو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ مِنِّي مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

سلام من بر تو مادامی که باقی ام و باقی است شب و روز

فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِكَ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّ الْمُصَابُ فِي الْمُؤْمِنِينَ

پس تحقیق که بزرگ شده بتو این مصیبت و بزرگ است این مصیبت در میان مؤمنان

وَالْمُسْلِمِينَ وَفِي اَهْلِ السَّمَاوَاتِ اَجْمَعِينَ وَفِي سُكَّانِ

و مسلمانان و در اهل آسمانها همه و در ساکنان

الارضين فانا لله وانا اليه راجعون وصلوات الله

زمین پس بدرستیکه ما از برای خدائیم وبدرستیکه ما بسوی او بازگشت خواهیم کرد ورحمت خدا

وبركاته وتحياته عليك وعلى آبائك الطيبين

وبرکتهای او ودرود او بر تو وبر پدران تو که پاکیزگانند

المنتجبين وعلى ذراريهم الهداة المهديين السلام

برگزیدگانند وبر فرزندان ایشان که راهنمایند وراه یافتگانند سلام

عليك يا مولاي وعليهم وعلى روحك وعلى ارواحهم

بر تو ای آقای من وبر ایشان وبر روح تو وبر ارواح ایشان

وعلى تربتهم اللهم لقهم رحمة ورضوانا وروحا

وبر تربت ایشان خداوندا ملاقات کن ایشان را رحمتی وخوشنودی وآسایش

وريحانا السلام عليك يا ابا عبد الله يا ابن خاتم

ونسیم خوشی سلام بر تو ای ابا عبد الله ای پسر خاتم

النبيين ويا ابن سيد الوصيين ويا ابن سيدة نساء

پیغمبران وای پسر آقای اوصیا وای پسر آقای زنان

العالمين السلام عليك يا شهيد يا ابن الشهيد يا

عالمیان سلام بر تو ای شهید ای پسر شهید ای

اخا الشهيد يا ابا الشهداء اللهم بلغه عني

برادر شهید ای پدر شهیدان خدایا برسان او را از من

في هذه الساعة وفي اليوم وفي الوقت وفي كل

در این ساعت ودر این روز ودر این وقت ودر هر

ووقت

وَقْتٍ تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَاماً سَلَامُ اللهِ عَلَيْكَ وَ
وقتی درود بسیاری وسلامی سلام خدا بر تو ای

رَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ يَابْنَ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ وَعَلَى الْمُسْتَشْهَدِينَ
رحمت خدا وبرکتهای او ای پسر آقای جهانیان وبر شهید شدگان

مَعَكَ سَلَاماً مُتَّصِلاً مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ
با تو سلامی پیوسته مادامی که پیوسته است شب وروز

اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الشَّهِيدِ اَلسَّلَامُ عَلَى
سلام بر حسین پسر علی شهید سلام بر

عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ اَلسَّلَامُ عَلَى الْعَبَّاسِ ابْنِ اَمِيرِ
علی پسر حسین شهید سلام بر عباس پسر پادشاه

الْمُؤْمِنِينَ الشَّهِيدِ اَلسَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وَلَدِ
مومنان شهید سلام بر شهدای از پسران

اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وَلَدِ الْحَسَنِ
پادشاه مومنان سلام بر شهدای از پسران حسن

اَلسَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وَلَدِ جَعْفَرٍ وَعَقِيلٍ اَلسَّلَامُ
سلام بر شهدای از پسران جعفر وعقیل سلام

عَلَى كُلِّ مُسْتَشْهَدٍ مَعَهُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى
بر هر شهید شده با ایشان از مومنان خدایا رحمت کن بر

مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْهُمْ تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَاماً اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ مَا
محمد و برسان ایشان را درود بسیار وسلام سلام بر تو ای

رَسُولَ اللهِ اَحْسَنَ اللهُ لَكَ الْعَزَآءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ
رسول خدا نیکو دارد خدا مزد را مصیبت در فرزند تو حسین

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اَحْسَنَ اللهُ لَكَ
سلام بر تو ای پادشاه مؤمنان نیکو دارد خدا مزد را

الْعَزَآءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا مُحَمَّدٍ
مصیبت در فرزند تو حسین سلام بر تو ای ابا محمد

الْحَسَنَ اَحْسَنَ اللهُ لَكَ الْعَزَآءَ فِي اَخِيكَ الْحُسَيْنِ
حسن نیکو دارد خدا مزد را مصیبت در حق برادر تو حسین

يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ اَنَا ضَيْفُ اللهِ وَضَيْفُكَ وَ
ای آقای من ای ابا عبد الله منم میهمان خدا و میهمان تو و

جَارُ اللهِ وَجَارُكَ وَلِكُلِّ ضَيْفٍ وَجَارٍ قِرًى وَاِنَّ قِرَايَ
همسایه خدا و همسایه تو و داد رای هر میهمان و همسایه مهمانی که گرفته ام

فِي هٰذَا الْوَقْتِ اَنْ تَسْئَلَ اللهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى اَنْ يَرْزُقَنِي
درین وقت این است که سوال کنی خدا را منزه است و برتر است اینکه روزی کنی

فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اِنَّهُ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ
اگردن تو گردن مرا از آتش بدرستی که او شنواست دعا را نزدیکست اجابت کننده

النار

و شیخ مفید ره گفته است که در شب بیست و یکم ماه محرم
زفاف حضرت فاطمه و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
واقع شد باید که روز آن برای شکر این نعمت عظمی شیعیان

روزه

روزه بدارند و شیخ طوسی ره گفته است که روز
هفدهم ماه محرم اصحاب فیل که بجهت خراب کردن
کعبهٔ معظمه آمده بودند برگشتند و عذاب بر ایشان نازل
شد و در روز بیست و پنجم اینماه حضرت امام زین العابدین
بعالم اعلی ارتحال نمود باب یازدهم در اعمال ماه صفر است
و اینماه مشهور است بنحوست و دو وجه میتواند داشت
اول آنکه موافق قول علمای شیعه وفات حضرت رسالت‌پناه
در اینماه واقع شده است دویم آنکه سه ماه متوالی که
اشهر حرم اند چون عرب قتال نمی کردند و در اینماه شروع
بقتال میکرده اند لهذا نحس شمرده اند و در احادیث
شیعه ندیدم چیزی که دلالت بر نحوست کند و در
روایات و غیره معتبره عامه وارد شده و سید ابن طاوس
از بعضی از کتب معتبره روایت کرده است که در روز
سیم این ماه مستحب است که دو رکعت نماز بجا آورند
و در رکعت اول بعد از سورهٔ حمد سورهٔ انا فتحنا بخوانند
و در رکعت دویم سورهٔ توحید و بعد از سلام صد مرتبه بگویند
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و صد مرتبه اَللّٰهُمَّ الْعَنْ
آلَ اَبی سُفْیانَ و صد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ و روز
بیستم این ماه مشهور است بروز اربعین یعنی روز چهلم

اعمال ماه صفر

شهادت حضرت سید الشهداء صلوات الله علیه و در کتب
معتبره از حضرت امام حسن عسکری روایت کرده اند که علامات
مؤمن پنج چیز است نماز پنجاه و یک رکعت از فریضه و نافله در شب
و روز و زیارت اربعین و انگشتر در دست راست کردن و جبین را
در سجده شکر بر خاک گذاردن و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند و اعلان
گفتن زیارت به سند معتبر از حضرت صفوان جمال منقول است
که گفت مولای من حضرت صادق به من گفت در زیارت اربعین
که زیارت میکنی در هنگامی که روز بلند شده باشد
میگوئی اَلسَّلامُ عَلی وَلِیِّ اللهِ وَحَبیبِه اَلسَّلامُ عَلی خَلیلِ
سلام بر دوست خدا و برگزیده او سلام بر دوست
اللهِ وَنَجیبِه اَلسَّلامُ عَلی صَفِیِّ اللهِ وَابْنِ صَفِیِّه اَلسَّلامُ
خدا و برگزیده او سلام بر برگزیده خدا و پسر برگزیده او سلام
عَلَی الْحُسَیْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهیدِ اَلسَّلامُ عَلی اَسیرِ الْکُرُباتِ
بر حسین ستم رسیده شهید سلام بر دستگیر اندوهها
وَقَتیلِ الْعَبَراتِ اَللّهُمَّ اِنّی اَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِیُّکَ وَابْنُ
و کشته گریه ها خدایا بدرستیکه من گواهی میدهم که او دوست تو و پسر
وَلِیِّکَ وَصَفِیُّکَ وَابْنُ صَفِیِّکَ الْفائِزُ بِکَرامَتِکَ
دوست تو و برگزیده تو و پسر برگزیده تو رستگار شده به نوازش تو
اَکْرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعادَةِ وَاجْتَبَیْتَهُ
گرامی داشتی او را بشهادت و بخشیدی او را بسعادت و برگزیدی او را

بطیب

بِطِيبِ الْوِلادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَيِّداً مِنَ السَّادَةِ وَقائِداً

به پاکی ولادت وگردانیدی اورا بزرگ از بزرگان وکشنده

مِنَ الْقادَةِ وَذائِداً مِنَ الذّادَةِ وَاَعْطَيْتَهُ مَوارِيثَ

از کشندگان وراننده از رانندگان وعطا کردی اورا میراث

الْاَنْبِياءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلى خَلْقِكَ مِنَ الْاَوْصِياءِ

پیغمبران وگردانیدی او حجت بر خلق خود از اوصیا

فَاَعْذَرَ فِي الدُّعاءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ

پس مبالغه نمود در دعا وعطا کرد نصیحت وبخشید جان خودرا در راه تو

لِيَسْتَنْقِذَ عِبادَكَ مِنَ الْجَهالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلالَةِ

تا برهاند بندگان ترا از نادانی وحیرت گمراهی

وَقَدْ تَوازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيا وَباعَ حَظَّهُ بِا

وهمدستی کردند بر او کسیکه مغرور کرد اورا دنیا وفروخت بهره خودرا به

الْاَرْذَلِ الْاَدْنى وَشَرى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْاَوْكَسِ

پستتر زبونتر پست وفروخت آخرت خودرا بثمن ناقص

وَتَغَطْرَسَ وَتَرَدّى فِي هَواهُ وَاَسْخَطَكَ وَاَسْخَطَ

وتکبر کرد وهلاک شد در هوای خود وبخشم آورد ترا وبخشم آورد

نَبِيَّكَ وَاَطاعَ مِنْ عِبادِكَ اَهْلَ الشِّقاقِ وَالنِّفاقِ

پیغمبر ترا واطاعت کرد از بندگان تو اهل جدائی ونفاق را

وَحَمَلَةَ الْاَوْزارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النّارَ فَجاهَدَهُمْ فِيكَ

وبردارندگان گناهان که مستوجب شدند آتش را پس جهاد کرد با ایشان در راه تو

صابراً محتسباً حتى سفك في طاعتك دمه واستبيح

شکیبا و به حساب دارنده تا ریخته شد خون او در طاعت تو حلال کرده شد

حريمه اللهم فالعنهم لعناً وبيلاً وعذبهم عذاباً

خون او خداوندا پس لعنت کن ایشان را لعنتی سخت و عذاب کن ایشان را عذابی

أليماً السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك

دردناک سلام بر تو ای پسر رسول خدا سلام بر تو

يا ابن سيد الأوصياء أشهد أنك أمين الله وابن

ای پسر سید اوصیا گواهی میدهم که تو امین خدا و پسر

أمينه عشت سعيداً ومضيت حميداً ومت فقيداً

امین او زندگانی کردی سعید و گذشتی ستوده و مردی

مظلوماً شهيداً وأشهد أن الله منجز لك ما

ستم رسیده شهید و گواهی میدهم که خدا وفا کننده است ترا آنچه

وعدك ومهلك من خذلك ومعذب من قتلك

وعده داده ترا و هلاک کننده کسی که واگذاشت ترا و عذاب کننده کسی که کشت ترا

وأشهد أنك وفيت بعهد الله وجاهدت في

و گواهی میدهم که تو وفا کردی بعهد خدا و جهاد کردی در

سبيل الله حتى أتاك اليقين فلعن الله من قتلك

راه خدا تا آمد ترا مرگ پس لعنت کند خدا کسی که کشت ترا

ولعن الله من ظلمك ولعن الله أمة سمعت بذلك

و لعنت کند خدا کسی را که ستم کرد ترا و لعنت کند خدا امتی را که شنیدند این را

فرضي

فَرَضِيتَ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اُشْهِدُكَ اَنّى وَلِىٌّ لِمَنْ والاهُ

پس راضی شد بآن خداوندا بدرستی که گواهی میدهم ترا که من دوستم هر که را دوست دارد

وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداهُ بِاَبى اَنْتَ وَاُمّى يَا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَشْهَدُ

و دشمنم با هر که دشمنست او را پدر و مادرم فدای تو باد ای پسر رسول خدا گواهی میدهم

اَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِى الْاَصْلابِ الشّامِخَةِ وَالْاَرْحامِ

اینکه تو بودی نور در صلبهای شامخه و در رحمهای

الطّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاهِلِيَّةُ بِاَنْجاسِها وَلَمْ

پاکیزه نجس نگردانید ترا جاهلیت به نجاستهای خود و نه

تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهِمّاتُ مِنْ ثِيابِها وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ

پوشانید ترا تاریکیها از جامه‌های آن و گواهی میدهم اینکه تو از

دَعائِمِ الدّينِ وَاَرْكانِ الْمُسْلِمينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنينَ

ستونهای دین و رکنهای مسلمانان و ملجأ مؤمنین

وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمامُ الْبَرُّ التَّقِىُّ الرَّضِىُّ الزَّكِىُّ

و گواهی میدهم اینکه تو امام نیکوکار پرهیزکار خوشنود پاکیزه

الْهادِى الْمَهْدِىُّ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ

راه نماینده راه یافته و گواهی میدهم اینکه پیشوایان از فرزندان

كَلِمَةُ التَّقْوى وَاَعْلامُ الْهُدى وَالْعُرْوَةُ

تو کلمه پرهیزکاری و نشانهای راه هدایت و ریسمان

الْوُثْقى وَالْحُجَّةُ عَلى اَهْلِ الدُّنْيا وَاَشْهَدُ اَنّى بِكُمْ

محکم و حجت بر اهل دنیا و گواهی میدهم اینکه من بشما

مُؤْمِنٌ وَبِاِيَابِكُمْ مُوقِنٌ لِشَرَايِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَ

ایمان دارم به بازگشت شما یقین دارم بشریعت دین خود و به عاقبت عمل خود

قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَاَمْرِي لِاَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ

و دل من با دل شما تسلیم است و امر من امر شما را پیروی کننده است و یاری من برای شما

مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللّٰهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ

مهیاست تا اینکه اذن دهد خدا مر شما را پس با شما هستم با شما نه با دشمن شما

صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى اَرْوَاحِكُمْ وَاَجْسَادِكُمْ وَ

درود خدا بر شما و بر روحهای شما و جسدهای شما و

شَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ

حاضر شما و غایب شما و آشکار شما و پنهان شما آمین ای پروردگار

الْعَالَمِينَ و دو رکعت نماز میکنی و هر دعا که خواهی

جهانیان میکنی و بر میگردی و سید ابن طاوس گفته

است که من برای این زیارت وداعی یافته ام که مخصوص

باین زیارت باید که بایستی پیش روی ضریح مبارک و بگوئی

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای پسر رسول خدا سلام بر تو

يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَصِيِّ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

ای پسر علی مرتضی وصی رسول خدا سلام بر تو ای پسر

فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

فاطمه زهرا بانوی زنان عالمیان سلام بر تو

يَا وَارِث

يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الزَّكِيِّ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللهِ فِي

ای وارث حسن پاکیزه سلام بر تو ای حجت خدا در

اَرْضِهِ وَشَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا

زمین او و شاهد او بر خلق او سلام بر تو ای ابا

عَبْدِ اللهِ الشَّهِيدَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ

عبد الله شهید سلام بر تو ای آقای من و پسر

مَوْلَايَ اَشْهَدُ اَنَّكَ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَيْتَ الزَّكٰوةَ

آقای من گواهی می دهم که تو بپا داشتی نماز و دادی زکات

وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتَ

و امر کردی به نیکی و نهی کردی از بدی و جهاد کردی

فِي سَبِيلِ اللهِ حَتّٰى اَتٰيكَ الْيَقِينُ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ عَلٰى

در راه خدا تا آمد ترا مرگ و گواهی می دهم اینکه تو بر

بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ اَتَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ زَائِرًا وَافِدًا رَاغِبًا

حجتی از پروردگار خود آمدم بسوی تو ای آقای من زیارت کننده رو آورنده رغبت

مُقِرًّا لَكَ بِالذُّنُوبِ هَارِبًا اِلَيْكَ مِنَ الْخَطَايَا لِتَشْفَعَ

کننده اقرار کننده بگناهان گریزنده بسوی تو از خطاها تا شفاعت کنی

لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ حَيًّا

برای من نزد پروردگار تو ای پسر رسول خدا رحمت خدا بر تو در حال زندگی

وَمَيِّتًا فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ مَقَامًا مَعْلُومًا وَشَفَاعَةً

و مردگی پس بدرستی برای تو نزد خدا مقامی معلوم و شفاعتی

مَقْتُولاً لَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ حَرَمَكَ وَ

بسمل کرده شده و لعنت کند خدا کسی را که ستم کرد ترا و لعنت کند خدا کسی را که محروم کرد ترا

غَصَبَ حَقَّكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ

غصب کرد حق ترا و لعنت کند خدا کسی را که کشت ترا و لعنت کند خدا کسی

خَذَلَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ دَعَوْتَهُ فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ يُعِنْكَ

که خوار کرد ترا و لعنت کند خدا کسی را که خواند ترا و اجابت نکرد ترا و یاری نکرد ترا

وَلَعَنَ اللهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ حَرَمِ اللهِ وَحَرَمِ رَسُولِهِ وَحَرَمِ

و لعنت کند خدا کسی را که منع کرد ترا از حرم خدا و حرم رسول او و حرم

اَبِيكَ وَاَخِيكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ شُرْبِ مَاءِ

پدر تو و برادر تو و لعنت کند خدا کسی را که منع کرد ترا از آشامیدن آب

الْفُرَاتِ لَعْناً كَثِيراً يَتْبَعُ بَعْضُهَا بَعْضاً اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوٰتِ

فرات لعنتی بسیار که از پی در آید بعضی بعضی را خدایا خلق کننده آسمانها

وَالْاَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ اَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ

و زمین دانای غیب و آشکار تو حکم میکنی میان بندگان

فِيمَا يَخْتَلِفُونَ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا اَيَّ مُنْقَلَبٍ

در آنچه اختلاف میکنند و زود باشد که بدانند آنان که ستم کردند که بکدام جای

يَنْقَلِبُونَ اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِ وَ

باز گردند خدایا مگردان این را آخر عهد از زیارت او و

ارْزُقْنِيهِ اَبَداً مَا بَقِيتُ وَحَيِيتُ يَا رَبِّ وَاِنْ مِتُّ فَاحْشُرْنِي

روزی کن مرا آنرا همیشه مادامی که باقی ام و زنده ام ای پروردگار و اگر مردم پس حشر کن مرا

فِي زُمْرَتِهِ

فی زمرته یا ارحم الراحمین و اگر زیارت آخر روز عاشورا
در این روز نیز بخوانند مناسب است [illegible]
و بدانکه مشهور آنست که سبب تاکید زیارت آنحضرت در این روز
آنست که حضرت امام زین العابدین با سایر اهل بیت در این روز
مراجعت از شام بکربلای معلی وارد شدند و سرهای مقدس شهدا
را ببدنهای مقدس ایشان ملحق کردند و این بسیار بعید است از
جهات بسیار که ذکر آنها موجب تطویل است و بعضی گفته اند
در این روز اهل بیت وارد مدینه طیبه شدند و این نیز بسیار
بعید است و بعضی گفته اند که حضرت که شاید حضرت امام زین
العابدین باعجاز و طی الارض مخفی بکربلا رفته باشد از شام
و سرهای مبارک را ببدنهای پاکیزه ملحق کرده باشند و این
ممکن است اما روایتی در این باب بنظر نرسیده است بلکه
بعضی از روایات منافی فی الجمله با این دارد و وضعی که از
احادیث ظاهر میشود آنست که اول کسی که از صحابه حضرت
رسالت بزیارت آنحضرت مشرف شد جابر ابن عبدالله انصاری بود
و او در این روز بکربلا رسید و آنحضرت را با شهدا زیارت کرد
چون جابر از اکابر صحابه بود و اساس این امر عظیم را گذاشت میتواند
بود که سبب مزید فضل زیارت آنحضرت در این روز شده
باشد و شاید وجوه دیگر داشته باشد که بر ما مخفی باشد

وچون نفرموده اند که در این روز زیانی کنیم باید کرد و تفحص بیش ضرور
نیست ومشهور میان علمای امامیه آنست که وفات حضرت
سید انبیاء صلی الله علیه و آله در این روز بیست و هشتم ماه صفر
واقع شد و شیخ طوسی و جمعی دیگر گفته اند که شهادت حضرت امام
مجتبی نیز در این روز واقع شد پس قیام بمراسم تعزیت این دو بزرگوار
و زیارت ایشان از نزدیک و دور مناسبست و بنا گردیده میان
عوام بلکه خواص نحوست چهارشنبه آخر ماه صفر شهرت دارد و
در کتب معتبره عامه و خاصه چیزی که دلالت بر این کند بنظر
نرسیده و احادیث در نحوست مطلق چهارشنبه خصوصا چهار
شنبه آخر هر ماه وارد شده است و چون این ماه بنابر اشتباهی
که مذکور شد فی الجمله نحوستی دارد ممکن است که چهارشنبه آخر
آن از سایر چهارشنبهها نحوستش بیشتر باشد اگر در این روز از قبیل
احتراز از طیره است دفع بلایا بصدقات و استعاذاتی که از ائمه
صلوات الله علیهم وارد شده است بکنند و توکل نمایند بر
جناب مقدس الهی که از آن گفتن طیره مناسبست و اگر بلائی متوجه
باشد بآنها رفع می شود چنانکه بروش جهال عجم مناسب نحوستان
کنند بلهو و لعب و سرور و سرود و ساز و اعمال قبیحه مشغول
شوند که موجب مزید استحکام قضاهای آسمانی و تقدیرات
ربانی گردد باب دوازدهم در فضایل ایام و اعمال ماه ربیع الاول

اعمال ماه ربیع الاول

ودر ان

و در آن دو فصل است فصل اول در فضیلت و اعمال روز اول
تا روز شانزدهم است گفته اند که حضرت رسالت در شب اول
ماه ربیع الاول اراده هجرت نمود از مکه معظمه بسوی مدینه مشرفه
و در آن شب بغار رفت و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه جان شریف خود را
فدای جان حضرت رسول صلی الله علیه و آله کرد و در جای آن حضرت خوابید و از شمشیر
های کافران قبایل مشرکین پروا نکرد و فضل او بر جمیع امت و ملائکه بر
جمیع عالمیان بر همگنان ظاهر گردید و حق تعالی با ملائکه سموات
بآن حضرت مباهات نموده اند و آیه وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ
ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ در شان او نازل گردید چنانچه تفصیلش
در حیاة القلوب مذکور است و چون حق تعالی آن دو جان شریف
بزرگوار را از کید کافران حفظ کرد گفته اند که روزه این روز که روز
اول ماه ربیع الاول است مستحب است که برای شکر این نعمت عظیمه
روزه بدارند و هر چند علما در این روز زیارت ذکر نکرده اند اما
زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما
در این روز مناسبت بسیار دارد که مذکور شد و شیخ طوسی رحمه الله
در مصباح گفته است که در روز اول این ماه حضرت امام حسن
عسکری بعالم بقا رحلت نمود و حضرت صاحب الامر صلوات الله
علیه بمنصب جلیل امامت فایز گردید پس زیارت آن دو امام عالیمقام
در این روز مناسبت است اما شیخ رحمه الله در تهذیب و کلینی در

محمد بن جریر طبری و ابن الخشاب و شیخ مفید رحمة الله علیهم و
غیر ایشان گفته اند که وفات امام حسن عسکری در روز
هشتم این ماه بود پس در آن روز ابتدای امامت امام الثانی ع
و اما روز نهم این ماه پس بدانکه میان علمای خاصه و عامه
در تاریخ قتل عمر ابن الخطاب علیه اللعنة والعذاب خلافست
و مشهور میان فریقین آنست که قتل آن ملعون در روز
بیست و ششم ماه ذی الحجة واقع شد چنانچه سابقا اشاره
باو شد و بعضی بیست و هفتم نیز گفته اند و مستند این دو قول
نقل مورخان است و از کتب معتبره چنان معلوم می شود که
چنانچه الحال میان عوام شیعه مشهور است قتل او در نهم
ماه ربیع الاول واقع شده است و سابقا میان جمعی از
محدثین شیعه نیز چنین مشهور بوده است و سید بزرگوار
علی ابن طاوس رضی الله عنه در کتاب اقبال اشاره نموده است
بآنکه ابن بابویه روایتی از حضرت امام جعفر صادق ع روایت
کرده است که آن ملعون در روز نهم ماه ربیع الاول بدرک
اسفل جحیم متوجه شده است و از نقل او چنان مفهوم می
شود که شیخ صدوق نیز همین اعتقاد داشته است هر چند
سید خود آن حدیث را تاویلات نموده است و ایضا سید ذکر
کرده است که جماعتی از شیعیان عجم سوسنه آن روز را باز

بتعظیم

سبب تعظیم نموده اند و خلف بزرگوار سید علی بن طاوس
در کتاب اقبال زواید الفواید این مذهب را تقویت کرده است
و روایت معتبره در این باب ایراد نموده است چنانچه گفته است
که روایت کرده اند محمد بن ابی العلاء همدانی و یحیی بن محمد بن جریح
بغدادی که روزی ما منازعه کردیم در باب عمر بن الخطاب علیه
اللعنه و رفتیم در شهر قم بنزد احمد بن اسحق که از خواص اصحاب
امام علی نقی و امام حسن عسکری بود و بخدمت حضرت صاحب
الامر نیز رسیده بود و چون در را کوبیدیم بیرون امد والو
احمد را از او پرسیدم گفت او امروز مشغول اعمال عید است
و آن روز نهم ماه ربیع الاول بود گفتیم سبحان الله عیدهای مومن
چهار است عید فطر و عید اضحی و عید غدیر و روز جمعه
دختر گفت که احمد بن اسحق از حضرت امام علی نقی صلوات الله
علیه روایت میکند که امروز روز عید است و بهترین عید
ها است نزد اهل بیت رسالت و شیعیان ایشان ما گفتیم
که رخصت بطلب تا ما بنزد او آییم چون اندر آمد او را خبر کرد
بیرون امد بسوی ما و لنگی بسته بود و عبائی بر خود پیچیده
بود و بوی مشک از او ساطع بود ما گفتیم که این چه حالت
در تو مشاهده میکنیم گفت الحال از غسل عید فارغ شدم
گفتیم امروز مگر عید است گفت بلی و ما را بخانه خود در آورد

و بر روی کرسی نشانید ما را گفت روزی با جمعی از برادران
خود بودیم بمولای خود حضرت امام حسن عسکری رفتیم در سر من رای
در مثل این روز که شما امروز نزد من آمده اید چون رخصت یافتیم و
بخدمت حضرت رسیدیم دیدیم که حضرت مجلس خود را آراسته
و مجمره در پیش خود گذاشته و بدست مبارک خود در آن مجمره
می انداخت و مجلس خود را مزین گردانیده است و بر غلامان و
خدمتکاران خود جامهای فاخر پوشانیده گفتیم یا ابن رسول الله
پدران و مادران ما فدای تو باد آیا از برای اهل بیت امروز
فرحی تازه رو داده است حضرت فرمود که کدام روز حرمتش
از این روز نزد اهل بیت عظیم تر است بدرستی که خبر داد مرا پدرم
که حذیفه بن یمان در روز نهم ماه ربیع الاول داخل شد بر
جدم رسول خدا حذیفه گفت که دیدم حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و
حضرت امام حسن و حضرت امام حسین را که با حضرت رسالت پناه
طعام تناول مینمودند و آنحضرت بروی ایشان تبسم مینمود و
با امام حسن و امام حسین میگفت بخورید گوارا باد از برای
شما برکت و سعادت این روز بدرستی که امروز روزیست که حق تعالی
هلاک میکند در این روز دشمن خود و دشمن جد شما را و مستجاب
میگرداند در این روز دعای مادر شما را بخورید که امروز روزیست
که حق تعالی در این روز قبول میکند اعمال شیعیان و محبان

شما را

شما را بجو رید که امروز نیست که ظاهر میشود راستی گفته
خدا که میفرماید که فتلک بیوتهم خاویة بما ظلموا یعنی
اینست خانهای ایشان که خالی گردیده است بسبب ستم
های ایشان که خالی گردیده است که امروز نیست که شکسته
می شود در امروز شوکت دشمن جد شما و یاری کننده دشمن
شما بجو رید که امروز نیست که در امروز هلاک می شود فرعون
اهل بیت من و ستم کننده بر ایشان و غصب کننده حق
ایشان بجو رید که امروز نیست که در امروز نیست که حق
عملهای دشمنان شما را باطل و هبا میگرداند حذیفه
گفت که من گفتم یا رسول الله آیا در میان امت تو کسی
خواهد بود که هتک این حرمتها نماید حضرت فرمود که
ای حذیفه بلی از منافقان بر ایشان سرکرده خواهد شد و
دعوی ریاست در میان ایشان خواهد کرد و مردم را بسوی خود
دعوت خواهد نمود و تازیانه ظلم و ستم را بر دوش خود خواهد
گرفت و مردم را از راه خدا منع خواهد کرد و کتاب خدا را
تحریف خواهد نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث
فرزندم را متصرف خواهد شد و خود را پیشوای مردم خواهد
خواند و زیادتی بر وصی من علی بن ابی طالب خواهد کرد
و مالهای خدا را بناحق بر خود حلال خواهد کرد و در غیر

طاعت خدا صرف خواهد کرد و مرا و برادر من و وزیر من
علی را بدروغ نسبت خواهد داد و دختر مرا از حق خود محروم
خواهد کردانید پس دختر من او را نفرین خواهد کرد و حق تعالی
نفرین او را درباره او مستجاب خواهد کردانید حذیفه گفت یا رسول
الله چرا دعا نمیکنی که حق تعالی او را در حیات تو هلاک کرداند حضرت
فرمود که ای حذیفه دوست نمیدارم که جرات کنم بر قضای خدا
دانا و طلب کنم تغییر امری را که در علم او کذشته است ولیکن از
حق تعالی سوال کردم که فضیلت دهد آن روزی را که در آن روز او
بجهنم میرود بر سایر روزها تا آنکه احترام آن روز سنتی کردد
در میان دوستان من و دوستان و شیعیان اهل
بیت من پس حق تعالی وحی کرد بسوی من که ای محمد در علم سابق
کذشته است که دریابد ترا و اهل بیت ترا محنتهای و بلا
دنیا و ستمهای منافقان و غصب کنندکان از بندکان من از
منافقان که تو خیرخواهی ایشان کردی و با تو خیانت کردند و
تو با ایشان راستی کردی و ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان
صاف بودی و ایشان دشمنی ترا بدل کرفتند و تو ایشان را
خوشنود کردانیدی و ایشان ترا تکذیب کردند و تو ایشان را
برکزیدی و ایشان ترا در بلیه کذاشتند و سوکند یاد می
کنم بحول و پادشاهی خود که البته بکشایم بر روح کسی که

غضب

غصب کند حق علی را که وصی تو است بعد از تو هزار درد
از پست ترین طبقه‌های جهنم که او را فیلوق میگویند و او را
و اصحاب او را در قعر جهنم جا دهم که شیطان از مرتبهٔ خود
بر او مشرف شود و او را لعنت کند و اتباع او را در قیامت
عبرتی کرده‌ام برای فرعونها که در زمان پیغمبران دیگر بوده
اند و برای سایر دشمنان دین و ایشان را و دوستان ایشان را
بسوی جهنم برم با بدنهای کبود و روهای ترش با نهایت
مذلت و خواری و پشیمانی و ایشان ابد الآباد در عذاب
خود بدارم ای محمد نمیرسد علی بمنزلت تو مگر بآنچه میرسد
با او از بلا از فرعون او و غصب کنندهٔ حق او که جرأت می
کند بر من و کلام مرا بدل میکند و شرک بمن می آورد و مردم
را منع میکند از راه رضای من و گوساله از برای امت تو
برپا میکند که آن ابوبکر است و کافر می‌شود بمن در عرش عظمت
و جلال من بدرستی که من امر کرده ام ملائکه هفت آسمان را
که برای شیعیان و محبان دین شما کنند آن روزی را که آن
ملعون کشته میشود و امر کرده ام ایشان را که کرسی کرامت
مرا نصب کنند در برابر بیت المعمور و ثنا کنند بر من و طلب
آمرزش نمایند برای شیعیان و محبان شما از فرزندان آدم
و امر کرده ام ملائکه نویسندگان اعمال را که از این روز

تا سه روز قلم از مردم بردارند و ننویسند گناهان ایشان را
برای کرامت تو و وصی تو ای محمد این روز را عید کرده ایم
برای تو و اهل بیت تو و برای هر که تابع ایشان باشد از مؤمنان
و شیعیان ایشان و سوگند یاد میکنم بر خود بعزت و جلال
خود و علو منزلت و مکان خود که عطا کنم کسیرا که عید کند
این روز را از برای من ثواب آنها که بدور عرش احاطه کرده اند
و قبول کنم شفاعت او را در حق خویشان او و زیاده کنم مال
او را که گشادگی بر خود و عیال خود در این روز بکند و هر سال
در این روز صد هزار کس از موالیان و شیعیان شما را از آتش
جهنم آزاد کردانم و اعمال ایشان را قبول کنم و گناهان ایشان را
بیامرزم حذیفه گفت پس برخواست رسول خدا و بخانه
ام سلمه رفت و من برگشتم و صاحب یقین در کفر عمر تا آنکه بعد
از وفات رسول خدا دیدم که او چه فتنها بر پا کرد و کفر اصلی
خود را اظهار نمود و از دین برگشت و دامان بچالاکی و قبا
برای غصب امامت و خلافت برزد و قرآن را تحریف و آتش
در خانه وحی و رسالت زد و بدعتها در دین خدا پیدا کرد و ملت
پیغمبر را تغییر داد و سنت آنحضرت را بدل کرد و شهادت حضرت
امیر المؤمنین را رد کرد و فاطمه دختر رسول خدا را بدروغ نسبت
داد و فدک را غصب کرد و یهود و نصاری و مجوس را از خود راضی

کرد و نور

کرد و نور دیدهٔ مصطفی را بخشم آورد و رضاجوئی اهل بیت
رسالت نکرد و همهٔ سنتهای رسول را برطرف کرد و تدبیر
کشتن امیرالمؤمنین کرد و ستم را در میان مردم علانیه کرد
و هرچه خدا حلال کرده بود حرام کرد و هرچه خدا حرام کرده
بود حلال کرد و حکم کرد که از پوست شتر دینار و درهم
بسازند و خرج کنند و در بر دو شکم فاطمهٔ زهرا زد و بر منبر
پیغمبر بالا رفت بغصب و جور و بر حضرت امیرالمؤمنین افترا بست
و با آنحضرت معارضه کرد و رای آنحضرت را بسفاهت نسبت
داد حذیفه گفت که پس حق تعالی دعای برگزیدهٔ خود و دختر
پیغمبر خود را در حق آن منافق مستجاب گردانید و قتل او را
بر دست کشندهٔ او رحمه الله جاری ساخت پس رفتم بخدمت
حضرت امیرالمؤمنین که آنحضرت را تهنیت و مبارکباد
بگویم با آنکه آن منافق کشته شد و بعذاب حق تعالی واصل
گردید چون حضرت مرا دید گفت ای حذیفه آیا در خاطر
داری آن روز را که آمدی بنزد سید من رسول خدا و من
و دو سبط او حسن و حسین نزد او نشسته بودیم و با او طعام
میخوردیم پس ترا دلالت کرد بر فضیلت این روز گفتم بلی
برادر رسول خدا حضرت فرمود که بخدا سوگند که این روز
است که در آن حق تعالی دیدهٔ آل رسول را روشن گردانید

و من برای این روز هفتاد و دو نام میدانم حذیفه گفت یا امیر
المؤمنین میخواهم که آن نامها را از تو بشنوم حضرت فرمود که این
روز استراحت است که مؤمنان از شر آن منافق استراحت
یافتند و روز زایل شدن کرب و غم است و روز غدیر دوم
است و روز تخفیف گناه شیعیانست و روز اختیار نیکو
از برای مؤمنانست و روز برداشتن قلم از شیعیانست
و روز برهم شکستن بنای کفر و عدوانست و روز عافیت
و روز برکتست و روز طلب خونهای مؤمنانست و روز
عید بزرگ خداست و روز مستجاب شدن دعاست و روز موقف
اعظم است و روز وفاء بعهد است و روز شرطست و روز
کندن جامه سیاهست و روز ندامت ظالمست و روز
شکسته شدن شوکت مخالفانست و روز نفی هموم است و
روز فتح است و روز عرض اعمال بنگاه فرانست و روز ظهور
قدرت خداست و روز عفو از گناهان شیعیانست و روز
فرح ایشانست و روز نور است و روز انابت بسوی حق
است و روز زکوة بزرگست و روز فطر دوم است و روز
اندوه اعدانست و روز گره شدن آب دهان در گلوی مخالفان
است و روز خوشنودی مؤمنانست و روز عید اهل بیت
و روز ظفر یافتن بنی اسرائیل بر فرعونست و روز پیش فرستادن

نقصد مالست وروز زیادتی مثوباتست وروز قتل منافقانست و
روز وقت معلومست وروز سرور اهل بیت است وروز شهود
وروز قهر بر دشمن است وروز خراب شدن بنای ظلمست وروزیست کی
ظالم انگشت ندامت بدندان میگزد وروز تنبیه است وروز رفع
وروز نخلت شدن خطاهای مومنانست وروز شهادتست وروز در
گذشتن از گناه مومنانست وروز تنگی دشمنان اهل ایمانست و
روز بشری کام ایشانست وروز خوشی دلهای مومنانست وروز
برطرف شدن پادشاهان منافقانست وروز توفیق اهل ایمانست
وروز رهائی مومنان از شر کافرانست وروز مظاهره است و
روز مفاخره است وروز قبول اعمالست وروز تبجیل وتعظیم
وروز نحله وعطاست وروز شکر حق تعالی است وروز یاری
مظلومانست وروز یاری کردن مومنانست وروز محبت کردن
ایشانست وروز رسیدن برحمتهای الهیست وروز پاک کردن
اعمالست وروز فاش کردن رازهاست وروز برطرف شدن
بدعتهاست وروز ترک گناهان کبیره است وروز ندا کردن
کردن بحجتست وروز عبادتست وروز موعظه ونصیحتست و
روز نهاد پیشوایان دینست حذیفه گفت که پس از خدمت
حضرت امیر المومنین برخواستم وگفتم که اگر دریابم از افعال خیر
وانچه از افعال خیر وانچه امید ثواب از آن دارم مگر محبت امیر

و دانستن فضیلت این امر است منتهای آرزوی من خواهد بود پس
محمد و یحیی راویان حدیث گفتند که چون این حدیث را از احمد بن اسحق
شنیدیم هر یک برخاستیم و سر او را بوسیدیم و گفتیم حمد و شکر
کنیم خداوندی را که برانگیخت تو را از برای ما تا آنکه فضیلت این روز
را بما رسانیدی پس بجاهای خود برگشتیم و این روز را عید کردیم
و صاحب کتاب زوائد الفوائد گفته است که این حدیث را از خط علی
محمد رحمة الله علیه نوشتم و در کتب دیگر که تتبع کردیم چندین روایت
دیگر موافق این یافتیم پس اعتماد بر این روایات نمودیم و سزاوار است
شیعیان را که این روز را تعظیم نمایند و اظهار سرور و شادی
در این روز بکنند و شیخ ابراهیم بن علی کفعمی در کتاب مصباح گفته
است که صاحب کتاب مسار الشیعه روایت کرده است که هر که
در روز نهم ماه ربیع الاول چیزی انفاق کند حق تعالی گناهان
او را بیامرزد و مستحب است در این روز طعام برادران مؤمن و
خوشبو کردانیدن ایشان و توسعه دادن بر عیال خود و مکرر
و پوشیدن جامهای نو و شکر و عبادت حق تعالی و این روز برطرف شدن
غمهاست و روز روزه داشتن نیست   که از نقل
این بزرگواران معلوم می شود که بر فضیلت این روز و وقوع این
قضیه مبارکه در آن احادیث بسیار وارد شده است و در اعصار
سابقه میان شیعیان مشهور بوده است و برخلاف روایتی نظر

این

این قاصر رسیده است واتفاق مورخان عامه با احادیث معتبره
معارضه نمی کند واگر کسی استبعاد کند که چنین واقعه عظیمی که
سبب حزن جمیع و سرور جمعی گردد چون میتواند بود که مضبوط
نماند جواب انست که این واقعه از واقعه وفات حضرت رسالت
وشهادت حضرت امیر المؤمنین عظیم تر نیست و در هر یک از انها
خلاف میان خاصه وعامه هست و در واقعه اول اتفاق
دارند عامه بر خلاف انچه مختار شیعه است واگر گویند که با عدم
بر افترای ایشان در اینجا نیست جواب میگوئیم که شبهه در دیه
جار نیست وباعث قوی در اینجا هست زیرا که برای دفع شماتت
شیعیان اخفای ان نموده باشند وعلی ای حال چون مدار علمای
خاصه وعامه بر انست که بر مستحبات با حادیث ضعیفه
متمسک میشوند بنا بر این احادیث صحیحه که از ائمه طاهرین صلوات الله
علیهم اجمعین وارد شده است که هر که ثوابی از خدا باو
برسد بر عملی وانرا بجا اورد ان ثواب باو داده میشود هر چند چنان
نباشد که باو رسیده است پس اگر اعمال این روز را که نوعی
از شارع وارد شده است ومخالفتی با ایات واخبار نداشته باشد
باشد کسی بعمل آورد خوب خواهد بود ومستحق ثواب خواهد گردید
وبعضی میگویند که عمر ابن سعد در این روز بجهنم واصل شده
اگر چنین باشد بشارت برادری برای انکا هست و شیخ مفید رحمه الله

علیه گفته است که روز دوازدهم این ماه حضرت رسول ص خدیجه
کبری رضی الله عنها را تزویج نمود و مستحبست برای شکر این نعمت
عظمی اکبر که شیعیان روزه بدارند و گفته است که در روز
دوازدهم این ماه حضرت رسول ص داخل مدینه مشرفه شد و از شر دشمنان
ایمن گردید و باین جهة روز مبارکیست و در انقضای دولت بنی مروان که
از بقیه بنی امیه و از دشمنان اهل بیت بودند در این روز دولت
ایشان بنهایت رسیده و زایل گردید و این نیز فضیلت دیگر است
برای این روز و اکثر سنیان ولادة با سعادة حضرت رسول ص در این روز
میدانند و محمد ابن یعقوب کلینی از علمای امامیه نیز در کتاب کافی
چنین قائل شده و بعضی از ارباب حساب موافق قول بعضی از روات
این را اظهر میدانند اگرچه خلاف مشهور علمای امامیه است اما
اگر روزه و غسل و زیارت و سایر اعمال که در هفدهم مذکور خواهد
شد در این روز نیز بعمل آورند باحتیاط اقرب است و سید ابن طاوس
از بعضی علمای عجم روایت کرده است که سنتست که در روز
دوازدهم این ماه دو رکعت نماز بجا آورند و در رکعت اول بعد از
حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم سه مرتبه
قل هو الله احد بخوانند و شیخ مفید و شیخ طوسی رضی الله
عنهما روایت کرده اند که یزید پلید علیه اللعنة و العذاب
الشدید در چهاردهم این ماه باسفل درک جهنم منتقل شد

و در

باید که شیعیان این روز را بر خود مبارک دانند و شکر حق تعالی برای
نعمت عظمی ادا کنند و بعضی روزه این روز را سنت دانسته اند

در فضایل و اعمال روز هفدهم این ماهست و

مشهور میان علمای شیعه آنست که ولادت کثیر السعادة حضرت
رسالت در روز جمعه هفدهم ربیع الاول واقع شد و در بعضی
از روایات وارد شده است که عروج آنحضرت باسمان نیز در شب
هفدهم واقع شده است و شب و روزش هر دو مبارکست و
در هر دو زیارت حضرت رسالت و حضرت امیر المؤمنین علیهما السلام
مناسبست و علما ذکر کرده اند و روزه روزان فضیلت بسیار
دارد شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که این روز شریفیست
و پیوسته فرقه محقه شیعه از قدیم الایام الی الآن تعظیم آن
میکرده اند و حق اینرا میشناخته اند و روزه بدارد ثواب روزه
یکساله نوشته شود و مستحبست که تصدقات بارباب حاجات
بدهند و مؤمنین و مؤمنات را شاد کنند و بزیارت مشاهد
مشرفه بروند خصوصا مرقد مطهر حضرت رسالت و ضریح منور
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما و شیخ مفید و شیخ
شهید و سید ابن طاوس رضی الله عنهم گفته اند که چون
در غیر مدینه طیبه خواهی که حضرت رسول را زیارت کنی
غسل بکن و شبیه بقبر در پیش روی خود بسازند و اسم مبارک

آنحضرترا بران ببوسد و بایستد و دل خود أَشْهَدُ أَنْ لَا

را متوجه آنحضرت گرداند و بگوید این دعا

گواهی میدهم آنکه نیست خدائی

إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ

خدا حال آنکه یگانه است شریک برای او و گواهی میدهم آنکه بتحقیق

مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَ

محمد بنده او و فرستاده اوست و آنکه بتحقیق محمد بزرگ پیشینیان و پسینیان است

أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى

و آنکه بتحقیق او بزرگ پیغمبران و فرستادگان است خداوندا رحمت فرست بر او و بر

أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَئِمَّةِ الطَّيِّبِينَ ثُمَّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

اهل خانه او امامان پاکیزگان بگو درود فرست بر تو ای

رَسُولَ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

فرستاده خدا درود بر تو باد ای دوست خدا درود بر تو باد

يَا نَبِيَّ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای پیغمبر خدا درود بر تو باد ای گزیده خدا درود بر تو باد

يَا رَحْمَةَ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای بخشش خدا درود بر تو باد ای اختیار کرده شده درود بر تو باد

يَا حَبِيبَ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَجِيبَ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

ای دوست خدا درود بر تو باد ای برگزیده خدا درود بر تو باد ای

خَاتَمَ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ

آخر پیغمبران درود بر تو باد ای بزرگ فرستادگان درود

عليك

عَلَيْكَ يَا قَائِماً بِالْقِسْطِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاتِحَ الْخَيْرِ

بر تو باد ای بپا دارنده راستی درود بر تو باد ای گشاینده بسته

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْوَحْيِ وَالتَّنْزِيلِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

درود بر تو باد ای قرارگاه پیغام خدا و معانی قرآن درود بر تو

يَا مُبَلِّغاً عَنِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا السِّرَاجُ الْمُنِيرُ اَلسَّلَامُ

ای رساننده از جانب خدا درود بر تو باد ای چراغ روشن درود

عَلَيْكَ يَا نَذِيرُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُنْذِرُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بر تو باد ای ترساننده درود بر تو باد ای ترساننده درود بر تو باد ای

نُورَ اللهِ الَّذِي يُسْتَضَاءُ بِهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِكَ

روشنائی خدا که روشنائی جسته میشود به او درود بر تو باد و بر اهل خانه تو و

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَهْدِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى

که پاکیزه اند پاکان راه یافتگان اند درود بر تو باد و بر

جَدِّكَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَعَلَى اَبِيكَ عَبْدِ اللهِ اَلسَّلَامُ

جد تو عبد المطلب و بر پدر تو عبد الله درود

عَلَى اُمِّكَ آمِنَةَ بِنْتِ وَهْبٍ اَلسَّلَامُ عَلَى عَمِّكَ حَمْزَةَ

بر مادر تو آمنه دختر وهب درود بر عموی تو حمزه

سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى عَمِّكَ وَكَفِيلِكَ

بزرگ شهیدان درود بر تو باد و بر عموی تو و کفیل تو

اَبِي طَالِبٍ اَلسَّلَامُ عَلَى ابْنِ عَمِّكَ جَعْفَرٍ الطَّيَّارِ فِي جِنَانِ

ابی طالب درود بر پسر عم تو جعفر پرنده در بهشت

الخلد السلام علیک یا محمد السلام علیک یا احمد

جاویدان درود بر تو باد ای محمد درود بر تو باد ای احمد

السلام علیک یا حجة الله علی الاولین والآخرین

درود بر تو باد ای حجت خدا بر پیشینیان و پسینیان

السابق فی طاعة رب العالمین والمهیمن علی رسله

و پیشی گیرنده در فرمان برداری پروردگار جهانیان و گواهی دهنده بر فرستادگان

الخاتم لانبیائه والشاهد علی خلقه والشفیع الیه

و ختم پیمبران او و گواه بر آفریدگان او و درخواست کننده

والمکین لدیه والمطاع فی ملکوته الاحمد من الاوصاف

و جای گرفته نزد او و اطاعت برده شده در عالم پادشاهی او ستوده تر از ستایش

المحمد لسائر الاشراف الکریم عند الرب والمتکلم

ستوده شده همه بزرگان بزرگوار نزد پروردگار و سخن گفته شده

من وراء الحجب الفائز بالسباق والفائت عن

از پشت پرده ها فیروزی یابنده به پیشی گرفتن بر همه و پیشی گیرنده

اللحاق تسلیم عارف بحقک معترف بالتقصیر فی قیامه

رسیدن آن گروه تسلیم شناسنده حق ترا اقرار دارنده بتقصیر در قیام

بواجبک غیر منکر ما انتهی الیه من فضلک موقن بالمزیدات

او بحق واجب تو انکار ناکننده آنچه را که رسیده بوی او از فضل تو جزم دارنده بر

المزیدات من ربک مؤمن بالکتاب المنزل علیک محلل

زیادتیها از جانب پروردگار تو گرونده بکتاب فرو فرستاده بر تو

حلال

حلالك محرم حرامك اشهد يا رسول الله مع كل شاهد

مر ترا حرام ترا گواهی میدهم ای فرستاده خدا با هر گواهی

واتحملها عن كل جاحد انك قد بلغت عن ربك رسالات ربك

و بر میدارم گواهی را از هر انکار کننده که تحقیق تو رسانیدی پیغامهای پروردگار خود

ونصحت لامتك وجاهدت في سبيل ربك وصدعت

و پند دادی امت خود را و کارزار نمودی در راه پروردگار و ظاهر ساختی

بامره واحتملت الاذى في جنبه ودعوت الى سبيله

فرمان اورا و برداشتی تعبها را در کار او و خواندی بسوی راه او

بالحكمة والموعظة الحسنة الجميلة وادّيت الحق

بدانش و پند نیکو و نیک و ادا کردی حقی

الذي كان عليك وانك قد رؤفت بالمؤمنين و

که بود بر تو و بدرستی که تو شفقت کردی بر مومنان و

غلظت على الكافرين وعبدت الله مخلصا حتى اتاك

درشتی نمودی بر کافران و پرستیدی خدا را خالص گردانیده تا آمد

اليقين فبلغ الله بك اشرف محل المكرمين واعلى

مرگ پس برساند خدا ترا بلندترین جاهای گرامی داشته شدگان و

منازل المقربين وارفع درجات المرسلين حيث لا

مرتبهای نزدیکان و بلندترین مرتبه‌های پیغمبران آنجا که

يلحقك لاحق ولا يفوقك فائق ولا يسبقك سابق

نرسد ترا هیچ رسنده و بلند نشود از تو بلند شونده و پیشی نگیرد ترا پیشی گیرنده

وَلا يَطمَعُ فِي إدراكِكَ طامِعٌ اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذِي استَنقَذَنا

و طمع نكند در رسيدن بر تو طمع كننده پس حمد خدائى كه رهانيد ما را

بِكَ مِنَ الهَلَكَةِ وَهَدانا بِكَ مِنَ الضَّلالَةِ وَنَوَّرَنا بِكَ

بتو از هلاكت و راه نمود ما را بتو از گمراهى و روشنى داد ما را بتو

مِنَ الظُّلمَةِ فَجَزاكَ اللّهُ يا رَسُولَ اللّهِ مِن مَبعُوثٍ أفضَلَ

از تاريكى پس جزا دهد ترا خدا اى رسول خدا فرستاده او بهترين جزا

ما جازَى نَبِيّاً عَن اُمَّتِهِ وَرَسُولاً عَمَّن اُرسِلَ إلَيهِ بِأبِي

كه جزا داده پيغمبر را از جانب امت او و فرستاده را از جانب آنكه فرستاده شده بسوى او

أنتَ وَاُمِّي يا رَسُولَ اللّهِ زُرتُكَ عارِفاً بِحَقِّكَ مُقِرّاً

فداى تو باد پدرم و مادرم اى رسول خدا زيارت كردم ترا شناسا بحق تو اقرار كننده

بِفَضلِكَ مُستَبصِراً بِضَلالَةِ مَن خالَفَكَ وَخالَفَ

بفضل تو بينا بگمراهى آنكه مخالفت نمود ترا و مخالفت كرد

أهلَ بَيتِكَ عارِفاً بِالهُدَى الَّذِي أنتَ عَلَيهِ بِأبِي

با اهل خانواده تو شناسا براه راست كه تو بر آن هستى فدا بر تو باد پدرم

وَاُمِّي وَنَفسِي وَأهلِي وَمالِي وَوَلَدِي أنا اُصَلِّي عَلَيكَ

و مادرم و جانم و اهلم و مالم و فرزندانم من رحمت مى فرستم بر تو

كَما صَلَّى اللّهُ عَلَيكَ وَصَلَّى عَلَيكَ مَلائِكَتُهُ وَأنبِياؤُهُ

چنانچه رحمت فرستاد خدا بر تو و رحمت فرستادند بر تو فرشتگان او و پيغمبران او

وَرُسُلُهُ صَلاةً مُتَتابِعَةً وافِرَةً مُتَواصِلَةً لا انقِطاعَ

و فرستادگان او رحمتهائى در پى يكديگر و بسيار و پيوسته كه نباشد بريدگى

هاوله

لَهَا وَلَا اَمَدَ وَلَا اَجَلَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ اَهْلِ

مر آن را و نه آخری و نه نهایتی رحمت فرستد خدا بر تو و بر خانواده

بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ كَمَا اَنْتُمْ اَهْلُهُ پس دستها را

تو که پاکیزگانند و پاکانند چنانچه شما سزاوار آنید بگشا و بگو

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ جَوَامِعَ صَلَوَاتِكَ وَنَوَامِيَ بَرَكَاتِكَ وَ

خداوندا بگردان رحمتهای فراهم آورنده خود و زیادتیهای فزاینده خود و

فَوَاضِلَ خَيْرَاتِكَ وَشَرَائِفَ تَحِيَّاتِكَ وَتَسْلِيمَاتِكَ وَ

زیادتیهای نیکیهای خود را و درودهای با شرافت خود را و سلامهای خود

كَرَامَاتِكَ وَرَحَمَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ

و کرامتهای خود و بخششهای خود و رحمتهای فرشتگان نزدیک خود

وَاَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَاَئِمَّتِكَ الْمُنْتَجَبِينَ وَعِبَادِكَ

و پیغمبران فرستادگان و پیشوایان برگزیدگان خود و بندگان

الصَّالِحِينَ وَاَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرَضِينَ وَمَنْ

شایسته خود و اهل آسمانها و زمینها و هر که

سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ

تسبیح کرده ترا ای پروردگار جهانیان از پیشینیان و پسینیان

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَشَاهِدِكَ وَنَبِيِّكَ

بر محمد بنده تو و فرستاده تو و گواه تو و پیغمبر تو

وَنَذِيرِكَ وَاَمِينِكَ وَمَكِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَحَبِيبِكَ

و بیم دهنده و امین تو و معتمد تو و همراز تو و دوست تو

وَخَلِيلِكَ وَصَفِيِّكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَاصَّتِكَ وَخَالِصَتِكَ
و صدیق تو و دوست خالص تو و برگزیده تو و بنده خاص تو و دوست خالص تو

وَرَحْمَتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَخَازِنِ الْمَغْفِرَةِ
و بخشش تو و بهترین آفریده شدگان تو از خلق پیغمبر رحمت و خازن آمرزش

وَقَائِدِ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ وَمُنْقِذِ الْعِبَادِ مِنَ الْهَلَكَةِ بِإِذْنِكَ
و کشنده به خیر و برکت و رهاننده بندگان از هلاکت به دستور تو

وَدَاعِيهِمْ إِلَىٰ دِينِكَ الْقَيِّمِ بِأَمْرِكَ أَوَّلِ النَّبِيِّينَ
و خواننده ایشان بسوی دین تو قائم کننده بفرمان تو اول پیغمبران

مِيثَاقاً وَآخِرِهِمْ مَبْعَثاً الَّذِي غَمَسْتَهُ فِي بَحْرِ الْفَضِيلَةِ
به پیمان بستن و آخر ایشان از روی بعثت آنکه فرو بردی او را در دریای فضیلت

وَالْمَنْزِلَةِ الْجَلِيلَةِ وَالدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ وَالْمَرْتَبَةِ الْخَطِيرَةِ
و منزلت بزرگ و درجه بلند و مرتبه عظیم

وَأَوْدَعْتَهُ الْأَصْلَابَ الطَّاهِرَةَ وَنَقَلْتَهُ مِنْهَا إِلَى
و بامانت گذاشتی او را در پشتهای پاک و نقل فرمودی او را از آنها بسوی

الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لُطْفاً مِنْكَ لَهُ وَتَحَنُّناً مِنْكَ عَلَيْهِ
رحمهای پاک کرده شده بجهت مهربانی از تو مر او را و بجهت شفقت از تو بر او

إِذْ وَكَّلْتَ لِصَوْنِهِ وَحِرَاسَتِهِ وَحِفْظِهِ وَحِيَاطَتِهِ مِنْ
هنگامیکه موکل کردانیدی برای نگاهداری و نگهبانی او و حفظ او و دوری از

قُدْرَتِكَ عَيْناً عَاصِمَةً حَجَبْتَ بِهَا عَنْهُ مَدَانِسَ الْعَهْرِ
قدرت خود چشمی نگاه دارنده باز داشتی بسبب آن از او چرکهای زنا

معایب

معایب التفاخر حتی دمغت به نواظر العباد ولجبت

و عیبهای نازیدن را تا آنکه بشکستی بسبب او دیدهای بندگان را

بأن کشفت عن نوره ولألأته ظلم الأستار وألبست

بانکه بر انداختی از روشنایی و درخشش او تیرگیهای پردها را و پوشانیدی

حرمك به حلل الأنوار اللهم فكما خصصته بشرف

حرم خود را بسبب او جامهای روشنیها خداوندا پس چنانچه مخصوص گردانیدی او را

هذه المرتبة الكريمة وذخر هذه المنقبة العظيمة

این مرتبه گرامی و ذخیره این منقبت بزرگ

صل علیه كما وفى بعهدك وبلغ رسالاتك وقاتل

رحمت فرست بر او چنانچه وفا نمود بپیمان تو و رسانید پیغامهای ترا و کارزار کرد

أهل الجحود على توحيدك وقطع رحم الكفر في إعزاز دينك

با منکران بر اظهار یگانگی تو و بریدن پیوند کفر را در عزیز گردانیدن دین تو

ولبس ثوب البلوى في مجاهدة أعدائك وأوجب لنفسه

و پوشید جامه رنج و محنت را در نبرد دشمنان تو و واجب گردانید برای خود

بكل أذى مسه أو كيد أحس به من الفئة التي حاولت

بهر آزاری که رسید او را یا مکری که دریافت آن را از گروهی که قصد کردند

قتله فضيلة تفوق الفضائل وتملك به الجزيل

کشتن او را زیادتی که فایق آید بر همه زیادتیها و صاحب شد بخشش بسیاری

من نوالك وقد أسر الحسرة وأخفى الزفرة وتجرع

از بخشش ترا و در حقیقت پنهان داشت اندوه را پنهان کرد آه را و جرعه

الْغُصَّةَ وَلَمْ يَجِدْ اَمَامًا مَثَلَكَ لَهُ وَحَبِيبَكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلٰى

غصه. و غم را و بجا درمرد از انکه بصورت درآید برای او وحی تو خدایا درود بر

اَهْلِ بَيْتِهِ صَلٰوةً تَرْضٰيهَا لَهُمْ وَبَلِّغْهُمْ مِنَّا تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَ

بر خاندان او درودی که پسندی آن را برای ایشان و برسان ایشان را از ما درود بسیار

سَلَامًا وَاٰتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مُوَالَاتِهِمْ فَضْلًا وَاِحْسَانًا

سلام فراوان و بده ما را از نزد خود از دوستی ایشان زیادتی و نیکوئی

وَرَحْمَةً وَغُفْرَانًا اِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ پس چهار رکعت

رحمت بخشش دار ... تو خداوند فضل بزرگ

نماز زیارت

بکن وسلام باهر سوره که خواهی وچون فارغ شوی تسبیح

حضرت فاطمه علیها السلام را بخوان پس بگوی

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَ

خداوندا بدرستی که گفتی برای پیغمبر خود محمد که رحمت فرستاد خدا بر او و آل او

لَوْ اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ

اگر ایشان ... ستم کردند بر نفسهای خود آمدندی بر تو پس طلب آمرزش کردندی

لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ تَوَّابًا رَحِيمًا وَلَمْ اَحْضُرْ زَمَانَ

برای ایشان رسول هر آینه یافتندی خدا را توبه پذیر مهربان و حاضر نبودم در زمان

رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ السَّلَامُ اَللّٰهُمَّ وَقَدْ زُرْتُهُ

رسول تو ... بر او و آل او ... خدایا و بتحقیق زیارت کردم

رَاغِبًا تَائِبًا مِنْ سَيِّءِ عَمَلِي وَمُسْتَغْفِرًا لَكَ مِنْ ذُنُوبِي

او را ... رجوع کننده از کردار بد خود و آمرزش خواهنده از تو از گناهان

ومغفرا

وَمُفْتَقِراً اِلَيْكَ بِهَا وَاَنْتَ اَعْلَمُ مِنّى وَمُتَوَجِّهاً اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ

و زاری کننده مر ترا بگناهان و تو داناتری بآنها از من و رو کننده بسوی تو بپیغمبر تو

نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاجْعَلْنِى اللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ

پیغمبر رحمت رحمتهای تو بر او و آل او پس بگردان مرا خداوندا بحق محمد

وَاَهْلِ بَيْتِهِ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ

و اهل بیت او نزد خود صاحب جاه در این جهان و آن جهان و از

الْمُقَرَّبِينَ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ بِاَبِى اَنْتَ وَاُمِّى يَا نَبِيَّ اللّٰهِ

نزدیک گردانیدگان ای محمد ای رسول خدا فدای تو باد پدر و مادرم ای پیغمبر خدا

يَا سَيِّدَ خَلْقِ اللّٰهِ اِنِّى اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَى اللّٰهِ رَبِّكَ وَرَبِّى

ای بزرگ خلق خدا بدرستیکه من رو میکنم بوسیله تو بسوی خدا پروردگار تو و پروردگار

لِيَغْفِرَ لِى ذُنُوبِى وَيَتَقَبَّلَ مِنِّى عَمَلِى وَيَقْضِىَ لِى حَوَائِجِى

تا بیامرزد برای من گناهانم و قبول کند از من کردارم را و برآورد برای من حاجتهایم را

فَكُنْ لِى شَفِيعاً عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّى فَنِعْمَ الْمَسْؤُولُ الْمَوْلَى

پس باش برای من درخواست کننده نزد پروردگار تو و پروردگار من پس خوب کرده شده

رَبِّى وَنِعْمَ الشَّفِيعُ اَنْتَ يَا مُحَمَّدُ عَلَيْكَ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِكَ

پروردگار من و خوب درخواست کننده تو ای محمد بر تو و بر اهل بیت تو

السَّلَامُ اللّٰهُمَّ وَاَوْجِبْ لِى مِنْكَ الْمَغْفِرَةَ وَالرَّحْمَةَ وَالرِّزْقَ

درود خداوندا واجب کن برای من از جانب خود آمرزش و رحمت و روزی

الْوَاسِعَ الطَّيِّبَ النَّافِعَ كَمَا اَوْجَبْتَ لِمَنْ اَتَى نَبِيَّكَ مُحَمَّداً

فراخ پاکیزه سودبخش چنانکه واجب نمودی برای آنکه آمد پیغمبر ترا محمد

صلواتك عليه وآله وهو حيّ فاقرّ له بذنوبه و
که رحمتهای تو بار بر او و آل او و حال آنکه زنده بود پس اقرار کرد برای او گناهانش
استغفر له رسولك عليه وآله السلام فغفرت له
طلب آمرزش نمود برای او رسول تو بر او و آل او سلام و آن پس آمرزیدی برای او
برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم وقد املتك ورجوتك
به بخشش خود ای بخشنده‌ترین بخشندگان خداوندا و بتحقیق آرزو کردم از تو امید
وقمت بين يديك ورغبت اليك عمن سواك وقد
و ایستاده ام در پیش تو و رغبت نموده ام بسوی تو از هر که غیر تست و بتحقیق آرزو
املت جزيل ثوابك واني مقرّ غير منكر وتائب
بارش بزرگ و اجر ثواب تو و بدرستیکه من اقرار کننده ام نه انکار کننده و رجوع کننده
اليك مما اقترفت وعائذ بك في هذا المقام مما
بسوی تو از آنچه کسب کرده و پناه گیرنده ام بتو در این مقام از آنچه
قدمت من الاعمال التي تقدمت الي فيها ونهيتني
پیش داشته ام از کردارهائی که پیش کردی بسوی من در آنها و منع کردی
عنها واوعدت عليها العقاب واعوذ بكرم
مرا از آنها و وعده کردی بر آن عقوبت را و پناه میگیرم بکرم بزرگواری
وجهك ان تقيمني مقام الخزي والذل يوم تهتك
ذات تو از آنکه بپا داری مرا در جایگاه خفت و خواری روزی که دریده میشود
فيه الاستار وتبدو فيه الاسرار والفضائح وترعد
در آن پرده ها و ظاهر میشود در آن نهانها و رسوائیها

فيه

فيه الفرائض يوم الحسرة والندامة يوم الآفكة يوم

الآزفة يوم التغابن يوم الفصل يوم الجزاء يوما

كان مقداره خمسين الف سنة يوم النفخة يوم رجف

الراجفة تتبعها الرادفة يوم النشر يوم العرض يوم

يقوم الناس لرب العالمين يوم يفر المرء من اخيه وامه

وابيه وصاحبته وبنيه يوم تشقق الارض واكناف

السماء يوم تأتي كل نفس تجادل عن نفسها يوم يردون

الى الله فينبئهم بما عملوا يوم لا يغني مولى عن مولى

شيئا ولا هم ينصرون الا من رحم الله انه هو العزيز

الرحيم يوم يردون الى الله فينبئهم بما عملوا يوم لا

مولى عن مولى شيئا عالم الغيب والشهادة يوم يردون

از دوستی چیزی را دانای غیب و آشکار روزی که باز گردانیده شوند

الى الله مولیهم الحق یوم یخرجون من الاجداث سراعا

بسوی خدا که خداوند ایشان است بحق روزی که بیرون آیند از قبرها شتابان

کانهم الى نصب يوفضون وكانهم جراد منتشر

که گوئیا ایشان بسوی بتان می شتابند و گوئیا ایشان ملخهای پراکنده اند

مهطعين الى الداع الى الله يوم الواقعة يوم ترج

حال آنکه شتابان باشند بسوی خواننده بسوی خدا روز قیامت روزی که لرزیده شود

الارض رجا يوم تكون السماء كالمهل وتكون

زمین لرزیدنی سخت روزی که گردد آسمان چون مس گداخته و باشند

الجبال كالعهن ولا يسئل حميم حميما يوم التشاهد

کوهها چون پشم رزه شده و نپرسد هیچ خویشی از احوال خویش روز گواهی دهنده

والمشهود يوم تكون الملائكة صفا صفا اللهم

و گواهی داده شده روزی که باشند فرشتگان صف صف خداوندا

ارحم موقفي في ذلك اليوم بموقفي في هذا اليوم ولا

رحم کن ایستادن مرا در آن روز با ایستادنم در این روز و خوار

تخزني في ذلك الموقف بما جنيت على نفسي واجعل

مگردان مرا در آن موقف بجنایت کردن من بر نفس خود و بگردان

يا رب في ذلك اليوم مع اوليائك منطلقي وفي زمرة

ای پروردگار من در آن روز با دوستان خود رفتن مرا و در گروه

واهل

وَاَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَحْشَرِي وَاجْعَلْ حَوْضَهُ

دخل بودن روز ... بر ایشان باد سلام زنده گردانیدن مرا و بگردان حوض او را

مَوْرِدِي وَفِي الْجِنَانِ الْكِرَامِ مَصْدَرِي وَاَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي

محل وارد شدن من و در درجات بهشت بزرگواران بازگشت مرا و عطا کن نامه عملم را بدست راست

حَتّٰى اَفُوزَ بِحَسَنَاتِهِ وَتُبَيِّضَ بِهِ وَجْهِي وَتُيَسِّرَ بِهِ حِسَابِي

تا اگر رستگار شوم بسبب نیکیهای آن و سفید گردانی بآن روی مرا و آسان گردانی بآن حساب

وَتُرَجِّحَ بِهِ مِيزَانِي وَاَمْضِيَ مَعَ الْفَائِزِينَ مِنْ عِبَادِكَ

و افزون کنی بآن ترازوی مرا و بگذرم با رستگاران از بندگان

الصَّالِحِينَ اِلٰى رِضْوَانِكَ وَجِنَانِكَ يَا اِلٰهَ الْعَالَمِينَ

شایسته تو بسوی خشنودی تو و بهشت تو ای خدای جهانیان

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ اَنْ تَفْضَحَنِي فِي ذٰلِكَ الْيَوْمِ

خداوندا بدرستی که پناه میگیرم بتو از آنکه رسوا کنی مرا در آن روز

بَيْنَ يَدَيِ الْخَلَائِقِ بِجَرِيرَتِي اَوْ اَنْ اَلْقَى الْخِزْيَ وَالنَّدَامَةَ

در پیش آفریدگان بگناه من یا آنکه برسم به خواری و پشیمانی

بِخَطِيئَتِي اَوْ اَنْ تُظْهِرَ فِيهِ سَيِّئَاتِي عَلٰى حَسَنَاتِي اَوْ اَنْ

بگناه خود یا آنکه غالب گردانی در آن بدیهای مرا بر نیکیهای من یا آنکه

تُنَوِّهَ بَيْنَ الْخَلَائِقِ بِاسْمِي يَا كَرِيمُ الْعَفْوَ الْعَفْوَ

شهادت دهی ببدی در میان آفریدگان نام مرا ای بزرگوار ای بزرگوار امید دارم درگذشتن

السَّتْرَ السَّتْرَ اَللّٰهُمَّ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ اَنْ يَكُونَ فِي ذٰلِكَ

پوشیدن پوشیدن را خداوندا و پناه میگیرم بتو از آنکه باشد در آن

فِي مَوَاقِفِ الْاَشْرَارِ مَوْقِفِي اَوْ فِي مَقَامِ الْاَشْقِيَاءِ مَقَامِي

در جایگاههای تبهکاران بدکاران ایستادن گه در جایگاه آنست بدبختان اقامت گه

وَاِذَا مَيَّزْتَ بَيْنَ خَلْقِكَ فَسُقْتَ كُلًّا بِاَعْمَالِهِمْ زُمَرًا اِلَى

و چون امتیاز افکنی میان خلق خود پس برانی همه را بر کردارهای ایشان گروه گروه

مَنَازِلِهِمْ فَسُقْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَفِي

جایگاههای ایشان پس بران مرا برحمت در گروه بندگان شایسته خود و در

زُمْرَةِ اَوْلِيَائِكَ الْمُتَّقِينَ اِلَى جَنَّاتِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ ثُمَّ وَدِّعْ

گروه پرهیزکاران خود بسوی بهشتهای خود ای پروردگار جهانیان الحضرة وقل

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْبَشِيرُ

درود بر تو باد ای فرستاده خدا درود بر تو ای مژده دهنده

النَّذِيرُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا السِّرَاجُ الْمُنِيرُ اَلسَّلَامُ

و بیم دهنده درود بر تو ای چراغ روشن درود

عَلَيْكَ اَيُّهَا السَّفِيرُ بَيْنَ اللهِ وَبَيْنَ خَلْقِهِ اَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللهِ

بر تو ای رسول اصلاح کننده میان خدا و میان خلق او گواهی میدهم ای رسول خدا

اَنَّكَ نُورًا فِي الْاَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْاَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ

اینکه بودی نور در پشتهای با رفعت و رحمهای پاک

لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِاَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمَّاتِ

نجس نکرده ترا جاهلیت بنجاستهای خود و نپوشانیده ترا از جامهای

ثِيَابِهَا وَاَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللهِ اَنِّي مُؤْمِنٌ بِكَ وَبِالْاَئِمَّةِ

تیره خود و گواهی میدهم ای رسول خدا اینکه من گرونده ام بتو و بامامان

مِنْ اَهْلِ

مِنْ اَهْلِ بَيْتِكَ مُوقِنٌ بِجَمِيعِ مَا اَتَيْتَ بِهِ رَاضٍ مُؤْمِنٌ

از خانواده تو یقین دارم بهمه آنچه آورده تو آن را خشنود گرویده

وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ اَهْلِ بَيْتِكَ اَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ

وگواهی میدهم که بتحقیق پیشوایان از خاندان تو نشانهای هدایت و دست آویز

الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى اَهْلِ الدُّنْيَا اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ

محکم وحجت بر اهل دنیا خداوندا بگردان

اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاِنْ تَوَفَّيْتَنِي

آخر زیارت از زیارت پیغمبر تو بر او درود واگر بمیرانی مرا

فَاِنِّي اَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا اَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيٰوتِي

پس بدرستیکه من گواهی میدهم در حال مرگ خود بر آنچه گواهی میدهم بر آن در زمان زندگی

اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ

که بدرستیکه تو خداوندی نیست خدایی مگر تو تنها که نیست شریکی برای

لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ الْاَئِمَّةَ

تو و آنکه محمد بنده تو و رسول تو و آنکه بتحقیق پیشوایان

مِنْ اَهْلِ بَيْتِهِ اَوْلِيَاؤُكَ وَاَنْصَارُكَ وَحُجَجُكَ عَلَى

از خانواده او دوستان تواند و یاوران تو و حجتهای تو بر

خَلْقِكَ وَخُلَفَاؤُكَ فِي عِبَادِكَ وَاَعْلَامُكَ فِي بِلَادِكَ

خلق تو و خلیفهای تو در زمره بندگان تو و نشانهای تو در شهرهای تو

وَخُزَّانُ عِلْمِكَ وَحَفَظَةُ سِرِّكَ وَتَرَاجِمَةُ وَحْيِكَ اَللّٰهُمَّ

و خازنان علم تو و نگهبانان راز تو و بیان کنندگان وحی تو خداوندا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي سَاعَتِي
رحمت بفرست بر محمد و آل او و برسان بروح پیغمبر خود محمد و آل او در ساعت من
هٰذِهِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ تَحِيَّةً مِنِّي وَسَلَاماً وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ
این ساعت و در هر ساعت درود بسیار از جانب من و سلام و درود و برتو
يَا رَسُولَ اللّٰهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ لَا جَعَلَهُ اللّٰهُ آخِرَ التَّسْلِيمِ
ای رسول خدا و رحمت خدا و برکتهای او نگرداند آن را خدا آخر درود و سلام
عَلَيْكَ
که این زیارة اگرچه سندش بنظر نرسیده
بر تو باد
و لهذا در تحفة الزائر ذکر نکرده‌ام اما زیارة جامع
کاملی است و در همه اوقات میتوان بجا آورد و اگر کسی
نمیتواند زیارة مختصر که بعد از این انشاء الله مذکور خواهد
شد بعمل آورد و علما ذکر کرده‌اند که زیارة حضرة امیر المؤمنین
در این روز سنت است و خصوصا این زیارة در این روز را ذکر کرده‌
اند و از بعضی از روایات خصوص این روز معلوم نمی‌شود و لیکن
زیارات اشتمال ز جهة لفظ و معنی و سند باعتبار معتبر منقول
است و در همه ایام و اوقات از دور و نزدیک میتوان کرد خصوصا
در این روز چنانچه شیخ مفید و شیخ شهید و سید ابن طاوس رضی
الله عنهم روایت کرده‌اند که حضرة امام جعفر صادق زیارت
کرد حضرة امیر المؤمنین را در هفدهم ماه ربیع الاول با این
زیارة و تعلیم فرمود زیارت را براوی ثقه عظیم الشأن محمد ابن

مسلم

مسلم ثقفی فرمود که چون بپای مشهد امیر المؤمنین غسل
زیارت بکن و پاکیزه ترین جامهای خودرا بپوش و بقدری
بوی خوش خودرا خوشبو کن و برو با آرام دل و آرام تن پس
چون برسی به باب السلام یعنی درگاه روضه مقدسه که
که ضریح مقدس نمایان میشود پس رو بقبله بایست و سی
مرتبه الله اکبر بگو و بگو السلام علی رسول الله السلام علی خیرة
سلام بر رسول خدا سلام بر برگزیده
الله السلام علی البشیر النذیر السراج المنیر و رحمة الله و برکاته
خدا سلام بر مژده دهنده بیم کننده چراغ روشن و رحمت خدا و برکتهای او
السلام علی انبیاء الله المرسلین و عباد الله الصالحین
سلام بر پیغمبران خدا فرستادگان و بندگان شایسته خدا
السلام علی ملائکة الله الحافین بهذا الحرم و بهذا القبر
درود بر فرشتگان خدا که احاطه کرده اند باین حرم و باین قبر
اللائذین به پس نزدیک برو و بگو السلام علیک یا وصی الاوصیاء
پناه گرفته اند به سلام بر تو ای وصی اوصیا
السلام علیک یا عماد الاتقیاء السلام علیک یا ولی
سلام بر تو ای معتمد پرهیزکاران سلام بر تو ای ولی
الاولیاء السلام علیک یا سید الشهداء السلام
دوستان خدا سلام بر تو ای بزرگ شهیدان سلام

عَلَيْكَ يا آيَةَ اللهِ الْعُظْمى اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خامِسَ أَهْلِ

بر تو باد ای نشانه بزرگتر خدا سلام بر تو باد ای پنجم یاران

الْعَباءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ الْأَتْقِياءِ

عبا سلام بر تو باد ای پیشرو سفیدان دست و رو پرهیزکاران

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عِصْمَةَ الْأَوْلِياءِ اَلسَّلامُ يا زَيْنَ الْمُوَحِّدِينَ

سلام بر تو ای حمایت کنندگان دوستان خدا سلام ای آرایش یکتاپرستان

النُّجَباءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خالِصَ الْأَخِلّاءِ اَلسَّلامُ

برگزیدگان سلام بر تو باد ای خالص دوستان خدا سلام

عَلَيْكَ يا والِدَ الْأَئِمَّةِ الْأُمَناءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا

بر تو باد ای پدر پیشوایان با امانت سلام بر تو باد ای

صاحِبَ الْحَوْضِ وَحامِلَ اللِّواءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قَسِيمَ

خداوند حوض کوثر و بردارنده علم حمد سلام بر تو ای قسمت کننده

الْجَنَّةِ وَلَظى اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ شُرِّفَ بِهِ مَكَّةُ وَمِنى

بهشت و دوزخ سلام بر تو باد ای آنکه شرف گرفته بود بزرگی بمکه و منی

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بَحْرَ الْعُلُومِ وَكَنَفَ

سلام بر تو سلام بر تو باد ای دریای علمها و

الْفُقَراءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ وُلِدَ فِي الْكَعْبَةِ وَزُوِّجَ

سائلین سلام بر تو باد ای آنکه زائیده شده در کعبه و زن داده شد

فِي السَّماءِ بِسَيِّدَةِ النِّساءِ وَكانَ شُهُودُها الْمَلائِكَةَ

در آسمان بخاتون زنان و شاهد بودند فرشتگان

الْأَصْفِياءِ

الاصفياء السلام عليك يا مصباح الضياء السلام

برگزیدگان سلام بر تو ای چراغ روشنی هدایت سلام

عليك يا من خصه النبي بجزيل الحباء السلام عليك

بر تو ای آنکه مخصوص گردانید او را پیغمبر بعطای بسیار سلام بر تو

يا من بات على فراش خاتم الانبياء ووقاه بنفسه شر

ای آنکه شب بروز آورده بر بستر آخر پیغمبران و نگاهداشت او را بنفس خود از شر

الاعداء السلام عليك يا من ردت له الشمس

دشمنان سلام بر تو ای آنکه بازگردانیده شده برای او آفتاب

فسامى شمعون الصفا السلام عليك يا من انجى الله

پس مساوی شد با شمعون الصفا سلام بر تو ای آنکه رهانید خدا

سفينة نوح باسمه وباسم اخيه حيث التطم الماء

کشتی نوح را به برکت نام او و برادر او آنگاه که موج زد آب

حولها وطمى السلام عليك يا من تاب الله به وبه

گرداگرد کشتی و بلند شد سلام بر تو ای آنکه پذیرفت توبه خدا بوسیله او

على آدم اذ غوى السلام عليك يا فلك النجاة

بر آدم هنگامی که لغزید سلام بر تو ای کشتی نجات

الذي من ركبه نجا ومن تأخر عنه هوى السلام

آن کشتی که هر که سوار شد نجات یافت و هر که بازپس ماند از آن هلاک شد سلام

عليك يا من خاطب الثعبان وذئب الفلاة

بر تو ای آنکه سخن گفت با اژدها و گرگ بیابان

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ

درود بر تو ای پادشاه گروندگان و رحمت خدا و برکات و نیکیهای او درود

عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ عَلى مَنْ كَفَرَ وَاَنابَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

بر تو باد ای حجت خدا بر آنکه گرویده نگردد و بازگشت نمود بسوی خدا سلام بر تو

يا اِمامَ ذَوِي الْاَلْبابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَعْدِنَ الْحِكْمَةِ

ای پیشوای صاحبان عقلها سلام بر تو ای قرارگاه حکمت و منبع علم

وَفَصْلَ الْخِطابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتابِ

و گفتار جدا سازنده حق از باطل سلام بر تو ای آنکه نزد اوست دانش کتاب

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ميزانَ يَوْمِ الْحِسابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو باد ای ترازوی روز حساب سلام بر تو

يا فاصِلَ الْحُكْمِ النّاطِقَ بِالصَّوابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا

ای جدا کننده حکم گویا بسخن گوینده براستی سلام بر تو ای

الْمُتَصَدِّقُ بِالْخاتَمِ فِي الْمِحْرابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ كَفَى اللهُ

صدقه دهنده بانگشتری در محراب سلام بر تو ای آنکه کفایت کرد خدا

الْمُؤْمِنينَ الْقِتالَ بِهِ يَوْمَ الْاَحْزابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

مؤمنان را از کارزار بواسطه او روز جنگ احزاب سلام بر تو باد

يا مَنْ اَخْلَصَ لِلّهِ الْوَحْدانِيَّةَ وَاَنابَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

ای آنکه خالص گردانید برای خدا یگانگی را و بازگشت بسوی خدا سلام بر تو

يا قاتِلَ خَيْبَرَ وَقالِعَ الْبابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ دَعاهُ

ای کشنده خیبر و کننده در سلام بر تو ای آنکه خواند

خبر

خَيْرُ الْأَنَامِ لِلْمَبِيتِ عَلَى فِرَاشِهِ فَأَسْلَمَ نَفْسَهُ لِلْمَبِيتِ وَفَدَى

بهترین مردمان را در برای بیتوته بر بستر خود بسپرد او نفس خود به بیتوت و درود

أَجَابَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ لَهُ طُوبَى وَحُسْنُ مَآبٍ وَرَحْمَةُ اللهِ

واجب شود سلام بر تو باد ای آنکه برای اوست درخت طوبی و نیکوئی بازگشت و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الدِّينِ وَيَا سَيِّدَ السَّادَاتِ

و برکتهای او سلام بر تو ای نگه دارنده دین خدا و ای بزرگ بزرگان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُعْجِزَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو باد ای خداوند معجزهای سلام بر تو باد

يَا مَنْ نَزَلَتْ فِي فَضْلِهِ سُورَةُ الْعَادِيَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای آنکه فرود آمده در فضیلت او سوره عادیات سلام بر تو باد

يَا مَنْ كُتِبَ اسْمُهُ فِي السَّمَاءِ عَلَى السُّرَادِقَاتِ السَّلَامُ

ای آنکه نوشته شده نام او در آسمان بر سراپردها و سلام

عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْعَجَائِبِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

بر تو باد ای ظاهر سازنده عجایب سلام بر تو باد ای پادشاه گروندگان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُخْبِرًا بِمَا غَبَرَ وَبِمَا هُوَ آتٍ السَّلَامُ

سلام بر تو باد ای خبر دهنده بانچه گذشت و بانچه آینده است درود

عَلَيْكَ يَا مُخَاطِبَ ذِئْبِ الْفَلَوَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو باد ای خطاب کننده گرگ بیابانها سلام بر تو باد

يَا خَاتَمَ الْحَصَى وَمُبَيِّنَ الْمُشْكِلَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای تمام کننده عدد سنگریزها و بیان کننده مشکلها سلام بر تو

يَا مَنْ عَجِبَتْ مِنْ حَمَلَاتِهِ فِي الْوَغَا مَلَائِكَةُ السَّمٰوَاتِ اَلسَّلَامُ
اى آنكه شگفت آمدند از حملهاى او در هنگام حرب فرشتگان آسمان ها سلام
عَلَيْكَ يَا نَاجِيَ الرَّسُولِ الْمُقَدِّمَ بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاهُ الصَّدَقَاتِ
بر تو اى از گفتگوى پيغمبر راز پيش داشته در پيش راز گويى خود صدقات
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ الْأَئِمَّةِ الْبَرَرَةِ السَّادَاتِ وَرَحْمَةُ
سلام بر تو اى پدر پيشوايان نيكوكاران بزرگان و رحمت
اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَ الْمَبْعُوثِ اَلسَّلَامُ
خدا و بركتهاى او درود بر تو باد اى جانشين پيغمبر فرستاده شده درود
عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ خَيْرِ مَوْرُوثٍ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ
بر تو باد اى ميراث برنده علم بهترين كسى كه ميراث برده شود و رحمت خدا
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُغِيثَ
سلام بر تو باد اى پيشواى پرهيزكاران سلام بر تو باد اى فريادرس
الْمَكْرُوبِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
اندوهناكان سلام بر تو باد اى حمايت كننده گروندگان سلام بر تو
يَا مُظْهِرَ الْبَرَاهِينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طٰهٰ وَيٰس اَلسَّلَامُ
اى ظاهر سازنده دليلها سلام بر تو باد اى طه و يس سلام
عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللّٰهِ الْمَتِينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَصَدَّقَ
بر تو باد اى رشته استوار محكم خدا سلام بر تو باد اى آنكه صدقه داد
فِي صَلٰوتِهِ بِخَاتَمِهِ عَلَى الْمِسْكِينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَالِعَ
در نماز خود با انگشتر خود بر درويش سلام بر تو اى كننده

الصخرة

الصَّخْرَةِ عَنْ فَمِ الْقَلِيبِ وَمُظْهِرِ الْمَاءِ الْمَعِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

سنگ از دهن چاه و ظاهر کننده آب روان سلام بر تو

يَا عَيْنَ اللهِ النَّاظِرَةَ وَيَدَهُ الْبَاسِطَةَ وَلِسَانَهُ الْمُعَبِّرَ

ای دیده بیننده خدا و دست گشاینده او و زبان بیان کننده از جانب

عَنْهُ فِي بَرِيَّتِهِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ

از جانب او در خلق او همه سلام بر تو ای وارث علم

النَّبِيِّينَ وَمُسْتَوْدَعَ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَصَاحِبَ

همه پیغمبران و نگاهدارنده علم پیشینیان و پسینان و خداوند

لِوَاءِ الْحَمْدِ وَسَاقِيَ أَوْلِيَائِهِ مِنْ حَوْضِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

علم و رایت حمد و آب دهنده دوستان خود از حوض آخر پیغمبران

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا يَعْسُوبَ الدِّينِ وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ

سلام بر تو باد ای بزرگ دین و پیشرو سفیدان دست سفیدان

وَوَالِدَ الْأَئِمَّةِ الْمَرْضِيِّينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

و پدر پیشوایان پسندیدگان و رحمت خدا و برکتهای او

السَّلَامُ عَلَى اسْمِ اللهِ الرَّضِيِّ وَوَجْهِهِ الْمُضِيءِ وَجَنْبِهِ

سلام بر نام خدا پسندیده و روی روشن او و جانب

الْقَوِيِّ وَصِرَاطِهِ السَّوِيِّ السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ التَّقِيِّ

توانای او و راه راست او سلام بر امام پرهیزکار

الْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ السَّلَامُ عَلَى الْكَوْكَبِ الدُّرِّيِّ السَّلَامُ

خالص برگزیده سلام بر ستاره درخشان سلام

السلام على الامام ابي الحسن علي ورحمة الله وبركاته

بر پیشوای خلایق پدر حسن علی و رحمت خدا و برکتهای او درود

على ائمة الهدى ومصابيح الدجى واعلام التقى و

بر پیشوایان هدایت و چراغ تاریکیها و نشانه پرهیزگاری و

منار الهدى وذوي النهى وكهف الورى والعروة

روشنائی هدایت و خداوند عقل و پناه خلایق و دست آویز

الوثقى والحجة على اهل الدنيا ورحمة الله وبركا

و حجت بر اهل دنیا و رحمت خدا و برکتهای

السلام على نور الانوار وحجة الجبار ووالد الائمة

سلام بر روشنائی روشنیها و حجت خداوند و پدر

الاطهار وقسيم الجنة والنار المخبر عن الآثار المد

پاکان و بخش کننده بهشت و دوزخ خبر دهنده از خبرهای

على الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين من عظيم

بر کافران رها کننده پیروان با خلوص از بار گناه بزرگ

الاوزار السلام على المخصوص بالطاهرة التقية

سلام بر که مخصوص است به پاکیزه پرهیزکار

ابنة المختار المولودة في البيت ذي الاستار المزوج

بر زاییده شده در خانه که خداوند پرده است

في السماء بالبرة الطاهرة الرضية المرضية ابنة

الاطهار

الاطهار ورحمة الله وبرکاته السلام علی النبأ العظیم

پاکان ورحمت خدا وبرکتهای او درود بر خبر بزرگ

الذی هم فیه مختلفون وعلیه یعرضون وعنه

که مردمان درباره او خلاف کرده اند وبر او عرض کرده شوند واز او

یسئلون السلام علی نور الله الانوار وضیاء الله الازهر

پرسیده شوند درود بر نور خدا که نورانی تر وروشنائی خدا که پرروشن تر

ورحمة الله وبرکاته السلام علیک یا ولی الله وحجته

ورحمت خدا وبرکتهای او درود بر تو باد ای دوست خدا وحجت او

وخالصة الله وخاصته اشهد یا ولی الله لقد

ودوست خالص خدا وبنده خاص او گواهی میدهم ای دوست خدا هر آینه

جاهدت فی سبیل الله حق جهاده واتبعت منهاج

جهاد کردی در راه خدا جهاد لایق او را وپیروی کردی طریقه پیغمبر

رسول الله صلی الله علیه وآله وحللت حلاله

رسول خدا درود رحمت برو وبر آل او وحلال کردی حلال خدا

وحرمت حرامه وشرعت احکامه واقمت الصلوة

وحرام داشتی حرام او را وجاری ساختی حکمهای شریعت او را وبرپا

وآتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر

داشتی نماز را ودادی زکوة را وامر کردی بنیکی ومنع نمودی از ناشایستی

وجاهدت فی سبیل الله صابرا ناصحا مجتهدا

وکارزار نمودی در راه خدا حال آنکه شکیبا بودی پند دهنده وکوشش کننده

محتسبا عند الله عظيم الاجر حتى اتاك اليقين فلعن
شمارنده نزد خدا مزد بزرگ را تا اگر رسید ترا مرگ پس لعنت کند
الله من دفعك عن حقك وازالك عن مقامك و
خدا آنرا که دور کرد ترا از حق تو و دفع کرد ترا از جایگاه تو
لعن الله من بلغه ذلك فرضي به اشهد الله وملا
لعنت کند خدا آن را که خبر کرد ترا آن خبر پس خوشنود شد بآن گواه میگیرم خدا را
وانبياءه ورسله اني ولي لمن والاك وعدو لمن
و پیغمبران او را و فرستادگان او را که منم دوست کسی را که دوست دارد ترا و دشمن
عاداك السلام عليك ورحمة الله وبركاته
کسی که دشمن داشت ترا درود بر تو و رحمت خدا و برکتهای او
اشهد انك تسمع كلامي وتشهد مقامي
گواهی میدهم که تو میشنوی سخن مرا و حاضری در نزد ایستادن من
اشهد لك يا ولي الله بالبلاغ والاداء يا مولاي
گواهی میدهم برای تو ای دوست خدا برسانیدن و ادا کردن ای آقای من
يا حجة الله يا امين الله يا ولي الله ان بيني وبين الله
ای حجت خدا ای امین خدا ای دوست خدا بدرستیکه میان من و میان خدا
عز وجل ذنوبا قد اثقلت ظهري ومنعتني من الرقاد
عزیز و بزرگ گناهانی است که بتحقیق سنگین کرده است پشت مرا و باز داشته مرا از خواب
ذكرها يقلقل احشائي وقد هربت الى الله عز وجل
یاد آنها میلرزاند اندرون مرا و بتحقیق گریختم بسوی خدای عزیز و بزرگ

واليك

وَاِلَيْكَ وَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلى سِرِّهِ وَاسْتَرْعاكَ اَمْرَ خَلْقِهِ

و بحق آن کسی که امین کرد ترا بر راز خود [illegible]

وَقَرَنَ طاعَتَكَ بِطاعَتِهِ وَمُوالاتَكَ بِمُوالاتِهِ كُنْ

[illegible]

لِي اِلَى اللهِ شَفيعاً وَمِنَ النّارِ مُجيراً وَعَلَى الدَّهْرِ ظَهيراً

[illegible]

پس باز خود را بقبر بچسبان يا وَلِيَّ اللهِ يا حُجَّةَ اللهِ يا بابَ حِطَّةِ اللهِ

وقبر را ببوس و بگو [illegible]

وَلِيُّكَ وَزائِرُكَ وَاللّائِذُ بِقَبْرِكَ وَالنّازِلُ بِفِنائِكَ

[illegible]

وَالْمُنيخُ رَحْلَهُ في جِوارِكَ يَسْئَلُكَ اَنْ تَشْفَعَ لَهُ اِلَى اللهِ

[illegible]

في قَضاءِ حاجَتِهِ وَنُجْحِ طَلِبَتِهِ فِي الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ فَاِنَّ

[illegible]

لَكَ عِنْدَ اللهِ الْجاهَ الْعَظيمَ وَالشَّفاعَةَ فَاجْعَلْني يا مَوْلايَ

[illegible]

مِنْ هَمِّكَ وَاَدْخِلْني في حِزْبِكَ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلى

[illegible]

ضَجيعَيْكَ آدَمَ وَنُوحٍ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلى وَلَدَيْكَ

[illegible]

الحسن والحسین وعلی الائمة الطاهرین من ذریتك

حسن وحسین وبر [illegible] پوزلان پاکلان اوز فرزندان تو

ورحمة الله وبرکاته پس از روی تضرع وخشوع بهر حاجت

که داری از حق تعالی بطلب [illegible] عذر دیرگنهای بو [illegible]

در لو که

که چون از نذور زیارة در بهذا الحرام وبهذا الضریح خود

روضه وضریح حضرة امیر میکند وزیارتها ودعاها را امتثال

میکند نکر میخواند ونزدیك رفتن وبوسیدن بمیسا شد عجبی

بعوض انها در کار منیت که چیزی بعمل آورد وسید ابن طاوس

رضی الله عنه گفته است که مستحب است که در این روز دو رکعت

نماز بکند ودر هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه انا انزلناه وده

مرتبه قل هو الله احد وچون سلام بگوید بجای نماز خود بنشیند

واین دعا را بخواند انت حی لا یموت وخالق لا یغلب

[illegible] ییرتی [illegible] واقمنده [illegible]

خدا المد ۱۱

وبدیء لا ینفد وقریب لا یبعد وقادر لا یضاد وغافر

[illegible]

لا یظلم وصمد لا یطعم وقیوم لا ینام وعالم لا یعلم و

[illegible]

قوی لا یضعف وعظیم لا یوصف ووفی لا یخلف وعدل

[illegible]

لا یحیف

لا یفتقر و حکیم لا یجور و منیع لا یقهر و معروف لا ینکر

و وکیل لا یخفی و غالب لا یغلب و وتر لا یستأنس

و وهاب لا یمل و سریع لا یذهل و جواد لا یبخل و

عزیز لا یذل و حافظ لا یغفل و قائم لا یزول و محتجب

لا یری و دائم لا یفنی و باق لا یبلی و واحد لا یشبه

و مقتدر لا ینازع اللهم انی اسئلک بعلم الغیب

عندک و قدرتک علی الخلق اجمعین ان تحیینی ما

علمت الحیوة خیرا لی و ان توفنی اذا کانت الوفاة خیرا

لی و اسئلک الخشیة فی الغیب و الشهادة و اسئلک

اللهم کلمة الحق فی الغضب و الرضا و اسئلک نعیما

لا ینفد واسئلک الرضا بعد القضاء واسئلک برد

العیش بعد الموت واسئلک لذة النظر الی وجهک الکریم

آمین رب العالمین اللهم انی اسئلک بمنک الکریم

وفضلک العظیم ان تغفر لی وترحمنی یا لطیف الطف بی

فی کل ما احب وترضی اللهم انی اسئلک فعل الخیرات

وترک المنکرات وحب المساکین ومخالطة الصالحین

وان تغفر لی وترحمنی واذا اردت بقوم فتنة فنجنی غیر

مفتون واسئلک حبک وحب من یحبک وحب کل

عمل یقربنی الی حبک اللهم بحق محمد صلی الله علیه واله

حبیبک وبحق ابرهیم خلیلک وصفیک وبحق موسی

کلیمک

كليمك وبحق عيسى روحك واسئلك بصحف ابرهيم خليلك
کلیم تو و بحق عیسی روح تو و سوال میکنم ترا بحرمت صحیفهای ابراهیم دوست تو
وتورية موسى وانجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد صلى
و توریة موسی و انجیل عیسی و زبور داود و فرقان محمد صلی الله
الله عليه واله واسئلك بكل وحي اوحيته وبحق كل
علیه و آله و سوال میکنم ترا بحرمت هر وحی که وحی کردی آن را و بحق هر
قضاء قضيته وبكل سائل اعطيته واسئلك بكل
حکمی که کردی آن را و بحرمت هر سوال کننده که عطا کردی او را و سوال میکنم ترا بحرمت هر
اسم انزلته في كتابك واسئلك باسمائك التي استقر
نامی که فرستادی آن را در کتاب خود و سوال میکنم ترا بحرمت نامهای تو که قرار گرفت بر
عرشك واسئلك باسمائك التي وضعتها على الليل
عرش تو و سوال میکنم ترا بحرمت نامهای تو آن نامهای که گذاشتی آنها را بر شب
فاظلم واسئلك باسمائك التي وضعتها على الارض
پس تاریک شد و سوال میکنم ترا بحرمت نامهای تو آن نامهای که گذاشتی آنها را بر زمین
فاستقرت واسئلك باسمك الاحد الصمد الذي ملا
پس قرار گرفت و سوال میکنم ترا بحرمت نام تو یگانه بی نیاز آن چنان که پر کرد
اركان كل شيء واسئلك باسمك الطهر الطاهر المبارك
اطراف هر چیزی را و سوال میکنم ترا بحرمت نام تو که پاک پاکیزه با برکت
الحي القيوم لا اله الا هو الرحمن الرحيم واسئلك
زنده پاینده است نیست خدایی برای پرستش مگر او بخشنده مهربان و سوال میکنم ترا

بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمَبْلَغِ الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَ

بحرمت جاهای انعقاد عزت از عرش تو و رسیدن رحمتی که ظاهر است از کتاب تو و

بِاَسْمَائِكَ الْعِظَامِ وَجَدِّكَ الْاَعْلٰى وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ

بحرمت نامهای بزرگ مرتبه تو و عظمت بلند پایه تو و کلمهای تو که تمام و کامل اند

اَنْ تَرْزُقَنَا حِفْظَ الْقُرْاٰنِ وَالْعَمَلَ بِهِ وَالطَّاعَةَ لَكَ

اگر روزی کنی ما را حفظ نمودن قرآن و عمل کردن بآن و فرمان برداری برای

وَالْعَمَلَ الصَّالِحَ وَاَنْ تُثْبِتَ ذٰلِكَ فِي اَسْمَاعِنَا وَاَبْصَارِنَا

و عمل و کردار شایسته و اگر ثابت داری آن را در گوشهای ما و دیدهای ما

وَاَنْ تَخْلِطَ ذٰلِكَ بِلَحْمِي وَدَمِي وَمُخِّي وَشَحْمِي وَاَنْ

و اگر برابر سازی آن را بگوشت من و خون من و مغز استخوان من و پیه من و اگر

تَسْتَعْمِلَ بِذٰلِكَ بَدَنِي وَقُوَّتِي فَاِنَّهُ لَا يَقْوٰى عَلٰى ذٰلِكَ

بکار داری بآن بدن مرا و قوت مرا زیرا که تحقیق قدرت ندارد بر آن کار

اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا اَللّٰهُ الْوَاحِدُ

مگر تو که یگانه تو نیست انبازی برای تو ای خداوندی که یگانه پروردگار تو

الرَّبُّ الْقَدِيرُ يَا اَللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ يَا اَللّٰهُ

پروردگار و توانا ای خداوندی آفریننده بوجود آورنده نگارنده ای خداوندی

الْبَاعِثُ الْوَارِثُ يَا اَللّٰهُ الْفَتَّاحُ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ يَا اَللّٰهُ

برانگیزاننده میراث برنده ای خداوندی گشاینده غالب دانا ای خداوندی

الْمَلِكُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ اِغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي اِنَّكَ اَنْتَ

ای پادشاه توانای بقدرت بیامرز مرا و رحم کن بر من بدرستی که تو

اَرْحَمُ

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ اُدْعُونِي

ای بخشنده ترین بخشندگان خداوندا تو گفتی و گفت تو راست است که بخوانید مرا

اَسْتَجِبْ لَكُمْ فَاَسْئَلُكَ يَا اَللّٰهُ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ

تا اجابت کنم شما را پس سؤال میکنم از تو ای خدا بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا

بِهِ اٰدَمُ فَاَوْجَبْتَ لَهُ الْجَنَّةَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

بآن نام آدم پس واجب گردانیدی برای او بهشت را و سؤال میکنم ترا بحرمت نام

دَعَاكَ بِهِ شِيثُ بْنُ اٰدَمَ فَجَعَلْتَهُ وَصِيًّا بَعْدَهُ

خواند ترا بآن شیث پسر آدم پس گردانیدی او را وصی بعد از او

اَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَائَنَا وَاَنْ تَرْزُقَنَا اِنْفَاذَ كُلِّ وَصِيَّةٍ

که مستجاب گردانی دعای ما را و روزی کنی ما را جاری کردن هر وصیتی

لِاَحَدٍ عِنْدَنَا وَاَنْ تُقَدِّمَ وَصِيَّتَنَا اَمَامَنَا وَلِسَائِلِكَ

برای کسی نزد ما و پیش داری وصیت ما را پیش روی ما و سؤال میکنم

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ اِدْرِيسُ فَرَفَعْتَهُ مَكَانًا عَلِيًّا

بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا بآن ادریس پس بالا بردی بجای بلند

اَنْ تَرْفَعَنَا اِلَى اَحِبَّائِنَا لِنَبْلُغَ اِلَيْكَ وَتَمُنَّ عَلَيْنَا بِمَا

که برسانی ما را بدوستان ما تا برسیم بسوی تو و احسان کنی بر ما

وَتُدْخِلَنَا الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ

و در آوری ما را در بهشت برحمت خود و سؤال میکنم از تو بحرمت نام بزرگ تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْغَرَقِ فَاَهْلَكْتَ

آنکه خواند ترا بآن نوح پس رهانیدی او را از غرق و هلاک کردی

الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ اَنْ تُنَجِّيَنَا مِمَّا نَحْنُ فِيهِ مِنَ الْبَلَاۤءِ

گروه ستمکاران را که برهانی ما را از آنچه در اوئیم از بلا

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِى دَعَاكَ بِهِ هُودٌ فَنَجَّيْتَهُ

و مسئلت میکنم از تو بحرمت نام تو که خواند ترا بآن هود پس رهانیدی او را

مِنَ الرِّيحِ الْعَظِيمِ اَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ بَلَاۤءِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ

از باد عظیم که برهانی ما را از بلای این جهان و آخرت

وَعَذَابِهِمَا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِى دَعَاكَ بِهِ

و عذاب هر دو و سؤال میکنم بحرمت نام تو که خواند ترا بآن

صَالِحٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ خِزْىِ يَوْمَئِذٍ اَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ خِزْىِ

صالح پس رهانیدی او را از خواری در روز که برهانی ما را از خواری

الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَعَذَابِهِمَا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

دنیا و آخرت و عذاب هر دو و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو

الَّذِى دَعَاكَ بِهِ لُوطٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْمُؤْتَفِكَةِ وَالْمَطَرِ

که خواند ترا بآن لوط پس رهانیدی او را از شهرهای گشته و باران

السَّوْءِ اَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ مَخَازِى الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَسْئَلُكَ

بد که برهانی ما را از خواریهای دنیا و آخرت و سؤال میکنم

بِاسْمِكَ الَّذِى دَعَاكَ بِهِ شُعَيْبٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ عَذَابِ

بحرمت نام تو که خواند ترا بآن شعیب پس رهانیدی او را از عذاب

يَوْمِ الظُّلَّةِ اَنْ تُنَجِّيَنَا مِنَ الْعَذَابِ اِلَى رَوْحِكَ وَ جَنَّتِكَ

روز ابر که برهانی ما را از عذاب بسوی رحمت تو و بهشت تو

ولك

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِى دَعَاكَ بِهِ اِبْرٰهِيمُ فَجَعَلْتَ

و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو بآنکه خواند ترا بآن ابراهیم پس گردانیدی

النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا اَنْ تُخَلِّصَنَا كَمَا خَلَّصْتَهُ

آتش را برو سرد و سلامت اگر خلاص کنی ما را چنانکه خلاص کردی

وَاَنْ تَجْعَلَ مَا نَحْنُ فِيهِ بَرْدًا وَسَلَامًا كَمَا جَعَلْتَهَا عَلَيْهِ

و اگر گردانی آنچه ما در آنیم سرد و سلامت چنانکه گردانیدی آتش را برو

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِى دَعَاكَ بِهِ اِسْمٰعِيلُ عِنْدَ

و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو که خواند ترا بآن اسمعیل نزد

الْعَطَشِ وَاَخْرَجْتَ مِنْ زَمْزَمَ الْمَاءَ الرَّوِىَّ اَنْ تَجْعَلَ

تشنگی و بیرون آوردی از چاه زمزم آب سیراب کننده اگر گردانی

مَخْرَجَنَا اِلَى خَيْرٍ وَاَنْ تَرْزُقَنَا الْمَالَ لَا لَوْ وَاسِعَ رَحْمَتِكَ

بیرون شدن ما را بنیکی و اگر روزی کنی ما را مال فراخ بر رحمت

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِى دَعَاكَ بِهِ يَعْقُوبُ فَرَدَدْتَ

و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو که خواند ترا بآن یعقوب پس رد کردی

عَلَيْهِ بَصَرَهُ وَوَلَدَهُ وَقُرَّةَ عَيْنِهِ اَنْ تَجْمَعَ بَيْنَنَا

برو بینائی او و فرزندان او و روشنائی دیده او را اگر جمع کنی میان ما

وَبَيْنَ اَوْلَادِنَا وَاَهَالِينَا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِى

و میان فرزندان ما و یاران ما و سؤال میکنم بحرمت نام تو

دَعَاكَ بِهِ يُوسُفُ فَاَخْرَجْتَهُ مِنَ السِّجْنِ اَنْ تُخْرِجَنَا

خواند ترا بآن یوسف پس بیرون آوردی او را از زندان اگر بیرون آوری

مِنَ الْبَحْرِ وَمَلَّكْتَنَا نِعْمَتَكَ الَّتِي اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيْنَا

از رنج ایشان و گردانیدی ما را مالک نعمت خود آن نعمتی که انعام کردی ما را

وَاَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ الْاَسْبَاطُ

و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو آن نامیکه خواند ترا بآن فرزندان یعقوب

فَتُبْتَ عَلَيْهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ اَنْبِيَاءَ اَنْ تَتُوبَ عَلَيْنَا

پس پذیرفتی توبه ایشان و گردانیدی ایشان را پیغمبران اگر بپذیری توبه ما را

وَتَرْزُقَنَا طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ وَالْخَلَاصَ مِمَّا نَحْنُ فِيهِ

و روزی کنی ما را فرمان برداری خود و عبادت خود و خلاصی از آنچه ما در اویم

وَاَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ اَيُّوبُ اِذْ حَلَّ

و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو آنکه خواند ترا بآن ایوب هنگامیکه نازل

بِهِ الْبَلَاءُ فَقَالَ رَبِّ اِنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ

شد بآن بلا پس گفت پروردگار من بدرستیکه رسید بمن رنج و تو رحیم ترین

الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَكَشَفْتَ عَنْهُ ضُرَّهُ وَرَدَدْتَ

رحم کنندگانی پس اجابت نمودی دعای او را و دور ساختی از او رنج او را و باز

عَلَيْهِ اَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ رَحْمَةً مِنْكَ وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ

گردانیدی بر او اهل او را مانند ایشان رحمتی از جانب خود و پندی مر عبادت کنندگان

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَقُولُ كَمَا قَالَ اِنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَاَنْتَ

پروردگارا بدرستیکه من میگویم چنانچه گفت او بدرستیکه رسیده است مرا رنج و تو

اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجِبْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَخَلِّصْنَا وَرُدَّ

رحم کنندگانی پس اجابت کن دعای ما را و رحم کن ما را و باز گردان

عَلَيْنَا

علینا اهلکنا وما لنا ومثلهم معهم رحمة منك و

بر ما اهل و مال ما و مانند ایشان را با ایشان از راه بخشش خود

اجعلنا من العابدین لك واسئلك باسمك

بگردان ما را از پرستندگان تو و سوال میکنم ترا بحرمت نام تو

الذی دعاك به موسی وهرون فقلت عز من

آنچه خواند ترا بآن موسی و هرون پس گفتی تو غالب تو کسیکه

قائل قد اجیبت دعوتکما ان تستجیب دعاءنا و

گوینده بحقیقت اجابت کرده شد دعای شما که اجابت کنی دعای ما

تنجینا کما انجیتهما واسئلك باسمك الذی دعاك

چنانکه رهانیدی ایشان را و سوال میکنم ترا بحرمت نام تو آنکه خواند ترا

به داود فغفرت ذنبه وتبت علیه ان تغفر ذنبی

بآن داود پس آمرزیدی گناه او را و قبول کردی توبه او را اگر بیامرزی گناه مرا

وتتوب علی انك انت التواب الرحیم واسئلك

و قبول کنی توبه مرا بدرستیکه تو توبه پذیرنده مهربانی و سوال میکنم ترا

باسمك الذی دعاك به سلیمان فرددت علیه

بحرمت نام تو آنکه خواند ترا بآن سلیمان پس باز گردانیدی بر او

ملکه وامکنته من عدوه وسخرت له الجن و

ملک او را و دست دادی او را بر دشمن او و رام کردی برای او دیوان

الانس والطیر ان تخلصنا من عدونا وترزقنا

و آدمیان و مرغان را اگر خلاصی بخشی ما را از دشمنان و روزی دهی ما را

بنعمتك وتستخرج لنا من ايديهم حقنا وتخلصنا
نعمت خود را و بیرون آوری برای ما از دستهای ایشان حق ما را و خلاص کنی ما را

منهم انك على كل شئ قدير واسئلك باسمك
از ایشان بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی و سوال میکنم از تو بحرمت نام تو آن

الذي دعاك به الذي عنده علم من الكتاب على
نامیکه خواند ترا بآن آنکه بود نزد او دانشی از کتاب آسمانی بر

ملكة سبا ان يحمل اليه فاذا هو مستقر عنده
سریر پادشاه بلقیس سبا برای آنکه بردارد بسوی او پس ناگاه آن سریر قرار گرفت نزد او

ان تحملنا من عامنا هذا الى بيتك الحرام حجاجا
آنکه بار بری ما را در سال ما این سال بسوی خانه محترم خود حج کنندگان

وزوارا لقبر نبيك عليه واله السلام واسئلك
و زیارت کنندگان قبر پیغمبر تو بر او و آل او درود و سوال میکنم

باسمك الذي دعاك به يونس بن متى في الظلمات
بحرمت نام تو آن نامیکه خواند ترا آن یونس فرزند متی در تاریکیهای

ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين
بسبب آنکه نیست خدائی مگر تو پاکی تو بدرستیکه من هستم از ستمکاران

فاستجب لي ونجني من غم الدنيا والاخرة كما ضمنت
پس مستجاب کن دعای مرا و رها کن مرا از اندوه دنیا و آخرت چنانچه ضامن شدی

ان تنجي المؤمنين واسئلك باسمك الذي دعاك
آنکه رهانی گروندگان را و سوال میکنم بحرمت نام تو آن نامیکه خواند ترا

به داود

بِهِ زَكَرِيَّا فَقَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ

خواند ترا بنام زکریا پس گفت ای پروردگار من وامگذار مرا تنها و تو بهترین وارثانی

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَوَهَبْتَ لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْتَ لَهُ زَوْجَهُ وَ

پس اجابت کردی او را و بخشیدی او را یحیی و اصلاح آوردی برای او زن او را

جَعَلْتَهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَكَ رَغَبًا

و گردانیدی ایشان را که شتاب کنند در نیکیها و بخوانند ترا از راه خواهش

وَرَهَبًا وَكَانُوا لَكَ خَاشِعِينَ فَإِنِّي أَقُولُ لَكَ كَمَا قَالَ

و ترس و بودند برای تو ترسندگان پس بدرستی که من میگویم چنانکه گفت

رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ فَاسْتَجِبْ لِي

پروردگار من وامگذار مرا تنها و تو بهترین وارثانی پس اجابت کن مرا و اصلاح آور

وَأَصْلِحْ شَأْنِي وَجَمِيعَ مَا أَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَخَلِّصْنِي مِمَّا

برای کار مرا و همه آنچه که تو بآن بر منی و خلاص گردان مرا از آنچه

أَنَا فِيهِ وَهَبْ لِي كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَوْلَادًا

من در آنم و ببخش مرا کرامت دنیا و آخرت و فرزندان

صَالِحِينَ بَرِيئِينَ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَدْعُوكَ رَغَبًا

شایستگان نیکوکاران و بگردان ما را از آنانکه میخوانند ترا از راه خواهش

وَرَهَبًا وَمِنَ الْخَاشِعِينَ الْمُطِيعِينَ وَأَسْأَلُكَ يَا

و ترس و از ترسندگان فرمان برندگان و سؤال میکنم ترا

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يَحْيَى فَجَعَلْتَهُ بَرًّا لَقِيمًا لَكَ

نیک خواندن ترا بآن یحیی پس گردانیدی او را نیکوکار

وَلَمْ يَعْمَلْ مَعْصِيَةً وَلَمْ يَهُمَّ بِهَا اَنْ تَعْصِمَنِي مِنْ اقْتِرَافِ الْهَا

بنده ای که از نکرده داری روا ... ورزیده نشود معصیتها ... ملاقات

حَتَّى تَلْقَانَا كَطَاهِرِ بْنِ بِشْرٍ لَكَ قَبْلَنَا مَعْصِيَةً وَاَسْئَلُكَ

تا اکه ملاقات کنیم ترا ... و نباشد برای تو نزد ما گناهی و سؤال میکنم

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَتْكَ بِهِ مَرْيَمُ فَطَوَّقَ وَلَدُهَا بِحُجَّتِهَا

بحرمت نام تو آن نامیکه خواند ترا بآن نام مریم پس گویا شد فرزند او بحجت ...

اَنْ تُوَفِّقَنَا وَتُخَلِّصَنَا بِحُجَّتِنَا عِنْدَكَ وَعِنْدَ كُلِّ مِلَّةٍ

او اکه ... برای اطاعت و خلاصی ... در حجت ما نزد تو و نزد هر ...

حَتَّى تُظْهِرَ حُجَّتَنَا عَلَى ظَالِمِينَا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

... تا اکه ظاهر سازی حجت ما را ... و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَاَحْيَى بِهِ الْمَوْتَى

نامیکه خواند ترا بآن عیسی ... پس زنده کرد ... مردگان

وَاَبْرَئَ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ اَنْ تُخَلِّصَنَا وَتُبَرِّئَنَا

و شفا بخشید کور مادر زاد و پیس را ... خلاصی ما را و شفا بخشی ما را

مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَآفَةٍ وَاَنْ تُحْيِيَنَا حَيَوةً طَيِّبَةً فِي

از هر بدی ... و دردی و زنده داری ما را زندگی پاکیزه در

الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَنْ تَرْزُقَنَا الْعَافِيَةَ فِي اَبْدَانِنَا

... و آخرت ... روزی کنی ما را ... در بدنهای ما

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ الْحَوَارِيُّونَ فَاَكْ...

و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو آن نامیکه خواند ترا بآن ... عیسی ...

حتى

حَتّٰى بَلَغُوا عَنْ عِيسٰى مٰا اَمَرَهُمْ بِهِ وَصَرَفْتَ عَنْهُمْ كَيْدَ

[illegible]

الْجَبّٰارِينَ وَتَوَلَّيْتَهُمْ اَنْ تُخَلِّصَنٰا مِنَ الدُّعٰاءِ اِلٰى طَلْعَة

[illegible]

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِى دَعٰاكَ بِهِ جَرْجِيسُ فَرَفَعْتَ

[illegible]

عَنْهُ اَلَمَ الْعَذٰابِ اَنْ تَرْفَعَ عَنّٰا اَلَمَ الْعَذٰابِ فِى الدُّنْيٰا

[illegible]

وَالْآخِرَةِ وَاَنْ لا تَبْتَلِيَنٰا وَاِنِ ابْتَلَيْتَنٰا فَصَبِّرْنٰا وَ

[illegible]

الْعٰافِيَةُ اَحَبُّ لَنٰا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِى دَعٰاكَ

[illegible]

بِهِ الْخِضْرُ حَتّٰى بَغَيْتَهُ اَنْ تُفَرِّجَ عَنّٰا وَتَنْصُرَنٰا عَلٰى مَنْ

[illegible]

ظَلَمَنٰا وَتَرُدَّنٰا اِلٰى مَأْمَنِكَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

[illegible]

الَّذِى دَعٰاكَ بِهِ حَبِيبُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

[illegible]

فَجَعَلْتَهُ سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ وَاَيَّدْتَهُ بِعَلِىٍّ سَيِّدِ الْاَوْصِيٰاءِ

[illegible]

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمَا وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِمَا الطَّاهِرِينَ وَأَنْ تُقِيلَنِي

از رحمت فرستی بر ایشان و بر فرزندان ایشان که پاکانند و آنکه درگذری

فِي هَذَا الْيَوْمِ عَثْرَتِي وَتَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَ

در این روز از لغزش من و بیامرزی برای من آنچه گذشته از گناهان من

خَطَايَايَ وَلَا تَصْرِفَنِي مِنْ مَقَامِي هَذَا إِلَّا بِسَعْيٍ مَشْكُورٍ

و خطاهای من و باز نگردانی مرا از جایگاه من این مگر با سعی پسندیده

وَذَنْبٍ مَغْفُورٍ وَعَمَلٍ مَقْبُولٍ وَرَحْمَةٍ وَمَغْفِرَةٍ وَنَعِيمٍ مَوْصُولٍ

و گناه آمرزیده شده و کردار پذیرفته و رحمت و آمرزش و نعمت پیوسته

بِنَعِيمِ الْآخِرَةِ بِرَحْمَتِكَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ

بنعمت آخرت برحمت تو ای بسیار مهربان ای بسیار بخشنده ای خداوند بزرگواری

الْإِكْرَامِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

و دارای بخشش بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی و نیست گردیدنی و نه توانائی مگر

بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ باب نهم در اعمال ماه ربیع الثانی

بخدای بلند مرتبه عظیم و جمادی الاولی و جمادی الثانیه

است و در آن سه فصل است فصل اول در اعمال ماه

ربیع الثانی است سید ابن طاوس رضی الله عنه ذکر

کرده است که در روز اول این ماه روا اللَّهُمَّ أَنْتَ إِلَهُ

یت کرده اند که این دعا بخوانند خداوندا توئی معبود

كُلِّ شَيْءٍ وَخَالِقُ كُلِّ حَيٍّ وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ أَسْأَلُكَ يَا

هر چیزی و آفریننده هر زنده و پروردگار هر چیزی سؤال میکنم از تو ای

اعمال ماه ربیع الثانی

الیوم

الوثقى والغاية والمنتهى وبما خالفت بين الانوار

محکم و غایت و منتهای حاجتها و بآنچه مخالفت افکندی میان روشنای

والظلمات والجنة والنار والدنيا والآخرة وبأعظم

و تاریکیها و بهشت و دوزخ و دنیا و آخرت و بحرمت بزرگترین

اسمائك في اللوح المحفوظ واتم اسمائك في التورية

نامهای تو که نبشته شده در لوح محفوظ و تمامترین نامهای در توریة

نبلاً وازهر اسمائك في الزبور عزاً واجل اسمائك في

از روی فضیلت و نیکوترین نامهای تو که مذکور است در زبور از روی عزت و بزرگترین

الانجيل قدراً وارفع اسمائك في القرآن ذكراً واعظم

که یاد شده در انجیل از روی قدر و بحرمت بلندترین نامهای تو که در قرآن از روی ذکر و بزرگترین

اسمائك في الكتب المنزلة وافضلها واستر اسمائك

نامهای که ذکر شده در کتابهای فرو فرستاده شده و بهترین آنها و پنهانترین نامهای تو

في نفسك الذي ليس كمثله شيء واسئلك بعزتك

در علم آن نامیکه نیست مانند او چیزی و سؤال میکنم بعزت

وقدرتك وبالعرش العظيم وما حمل وبالكرسي

و بقدرت تو و بحرمت عرش بزرگ و آنچه برداشت و بحرمت کرسی

الكريم وما وسع ان تصلي على محمد وآل محمد وتنجح

بزرگوار و آنچه در گرفته آنکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد و برآری

لي من عندك فرجك القريب العظيم الاعظم

برای من از نزد خود گشایش خود را که نزدیک بزرگ است بزرگترین است

اللّهمّ اتمم علیّ احسانک القدیم الاقدم وتابع لیّ

خداوندا تمام کن بر من احسان خود را که دیرینه است و پیاپی کن نیکوئی

معروفک الدّائم الادوم وانعشنی بعزّ جلالک

احسان خود را که پیوسته و دائم است و بلند کن قدر مرا بعزت بزرگواری خود

الکریم الاکرم والهکم اله واحد لا اله الّا هو الرّحمن

که بزرگوار است گرامی تر است و معبود شما معبودیست یکی نیست سزاوار پرستش مگر او بخشاینده

الرّحیم الله لا اله الّا هو الحیّ القیّوم لا تأخذه سنة

مهربان است خدا نیست سزاوار پرستش مگر او زنده پاینده فرا نگیرد او را خواب سبک

ولا نوم الم الله لا اله الّا هو الحیّ القیّوم هو الّذی

و نه خواب گران خدا نیست سزاوار پرستش مگر او زنده پاینده است او آنکه

یصوّرکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الّا هو العزیز

صورت میدهد شما را در رحمهای مادران هر روش که خواهد نیست سزاوار پرستش مگر او غالب

الحکیم شهد الله انّه لا اله الّا هو والملائکة واولوا

درستکار گواهی داد خدا که هیچ نیست خدائی مگر او و فرشتگان و دارندگان

العلم قائما بالقسط لا اله الّا هو العزیز الحکیم الله

دانش حال آنکه ایستاده است بعدل نیست خدائی مگر او غالب درستکار خدا

لا اله الّا هو لیجمعنّکم الی یوم القیامة لا ریب فیه ذلکم

نیست خدائی مگر او هر آینه جمع خواهد نمود شما را تا روز رستخیز حال آنکه شک نیست در آن

الله ربّکم لا اله الّا هو خالق کلّ شیء فاعبدوه وهو علی

این است خدا پروردگار شما نیست سزاوار پرستش مگر او آفریننده همه چیز پس پرستید او را و او

کل شیء

كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ اِتَّبِعْ مَا يُوحَى اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا اِلٰهَ

بر چیزی نگهبان است پیروی کن آنچه را که وحی کرده شده بسوی تو از جانب پروردگار تو نیست

اِلَّا هُوَ وَاَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ قُلْ يَا اَيُّهَا النَّاسُ اِنِّي

خدا مگر او و روگردان شو از شریک آورندگان بگو ای گروه مردمان بدرستیکه من

رَسُولُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَ

فرستاده خدایم بسوی شما همه آن خدائی که برای اوست پادشاهی آسمانها و

الْاَرْضِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَاٰمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ

زمین نیست مستحق عبادت مگر او زنده میکند و میمیراند پس بگروید بخدا و برسول او

النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ

پیغمبر منسوب بام القری آن رسولی که ایمان دارد بخدا و بسخنان فرستاده او و پیروی

لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ وَمَا اُمِرُوا اِلَّا لِيَعْبُدُوا اِلٰهًا

کنید او را تا شما راه راست یابید و مامور نشده بودند مگر آنکه بپرستند خدای

وَاحِدًا لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ فَاِنْ

یگانه را نیست معبود بحق مگر او پاک است او از آنچه شرک می آورند پس اگر

تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

روگردان شوند پس بگو بس است مرا خدا نیست سزاوار پرستش مگر او بر او توکل کردم

وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ حَتّٰى اِذَا اَدْرَكَهُ الْغَرَقُ

و او پروردگار عرش بزرگ است تا چون دریافت او را غرق

قَالَ اٰمَنْتُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا الَّذِي اٰمَنَتْ بِهِ

گفت ایمان آوردم که بتحقیق نیست معبودی مگر آن خدائی که گرویده اند باو

بنوا اسرآئيل وانا من المسلمين قل هو ربي لا اله الا

هو عليه توكلت واليه متاب ينزل الملائكة با

لروح من امره على من يشاء من عباده ان انذروا انه

لا اله الا انا فاتقون وان تجهر بالقول فانه يعلم

السر واخفى الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى

وانا اخترتك فاستمع لما يوحى انني انا الله لا اله

الا هو له الاسماء الحسنى وانا اخترتك لما يوحى

انني انا الله لا اله الا انا فاعبدني واقم الصلوة

لذكري انما الهكم الله الذي لا اله الا هو و

سع كل شيء علما وما ارسلنا من قبلك من رسول

الا نوحي اليه انه لا اله الا انا فاعبدون وذا

[illegible]

النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه

[illegible]

فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك

[illegible]

اني كنت من الظالمين فتعالى الله الملك الحق لا

[illegible]

اله الا هو رب العرش الكريم الله لا اله هو رب

[illegible]

العرش العظيم وهو الله لا اله الا هو له الحمد في

[illegible]

الاولى والاخرة وله الحكم واليه ترجعون ولا

[illegible]

تدع مع الله الها اخر لا اله الا هو كل شيء

[illegible]

هالك الا وجهه له الحكم واليه ترجعون يا

[illegible]

ايها الناس اذكروا نعمة الله عليكم هل من خالق

[illegible]

غَيْرُ اللّٰهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاۤءِ وَالْاَرْضِ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا
غیر خدا روزی دهد شما را از آسمان و از زمین نیست سزاوار پرستش
هُوَ فَاَنّٰى تُؤْفَكُونَ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَاۤ اِلٰهَ
جز او پس از کجا دروغ برمی‌گردید این است خدا پروردگار شما او راست پادشاهی نیست
اِلَّا هُوَ فَاَنّٰى تُصْرَفُونَ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ
جز او پس کجا برگردانیده میشوید آمرزنده گناه و پذیرنده توبه سخت
الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ اِلَيْهِ الْمَصِيرُ
عقوبت خداوند انعام نیست سزاوار پرستش مگر او بسوی اوست بازگشت
ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ هُوَ
این است خدا پروردگار شما پس بزرگ است خدا پروردگار جهانیان اوست
الْحَيُّ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ
زنده نیست سزاوار پرستش مگر او پس بخوانید او را خالص کنندگان برای او دین
رَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
پروردگار جهانیان پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست
اِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ
اگر هستید یقین دارندگان نیست سزاوار پرستش مگر او زنده میکند و میمیراند
وَرَبُّ اٰبَاۤئِكُمُ الْاَوَّلِينَ فَاَنّٰى لَهُمْ اِذَا جَاۤءَتْهُمْ
پروردگار پدران پیشین شما پس از کجا پند گرفتن ایشان را چون آید ایشان را
ذِكْرٰيهُمْ فَاعْلَمْ اَنَّهُ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ
پند گرفتن ایشان پس بدان تحقیق نیست سزاوار پرستش مگر خدا و آمرزش طلب

وَلِلْمُؤْمِنِينَ

وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ

و برای مردان گرونده و زنان گرونده او خدای ست که نیست معبودی

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ

داننای نهان و آشکار است بخشاینده مهربان او خدای ست که

الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْ

نیست سزاوار پرستش جز او پادشاه پاک از هر عیب ایمن دارنده

الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

نگهبان هر چیزی غالب بر همه چیز صاحب عظمت بزرگوار پاکست خدا از آنکه شریک

اَللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ اَللّٰهُمَّ

خدای نیست خدایی جز او و بر خدا پس باید اعتماد کنند گروندگان خدایا

إِنِّي أَسْئَلُكَ عَفْوًا لَيْسَ بَعْدَهُ عُقُوبَةٌ وَرِضًا لَيْسَ بَعْدَهُ

بدرستیکه من سؤال میکنم از تو عفوی را که نباشد پس از آن عقوبت و خشنودی که نباشد بعد

سَخَطٌ وَعَافِيَةً لَيْسَ بَعْدَهَا بَلَاءٌ وَسَعَادَةً لَيْسَ بَعْدَهَا

از آن غضبی و عافیتی که نباشد پس از آن بلائی و نیکبختی که نباشد پس از آن

شَقَاءٌ وَهُدًى لَا يَكُونُ بَعْدَهُ ضَلَالَةٌ وَإِيمَانًا

بدبختی و راه یافتنی که نباشد پس از آن گمراهی و ایمانی

لَا يُدَاخِلُهُ كُفْرٌ وَقَلْبًا لَا يُدَاخِلُهُ مِنَّةٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي

که داخل نشود در آن کفر و دلی که داخل نشود در آن منت خدایا بدرستیکه

أَسْئَلُكَ السَّعَةَ فِي الْقَبْرِ وَالْحُجَّةَ الْبَالِغَةَ وَالْقَوْلَ

من سؤال میکنم از تو فراخی را در گور و حجت تمام را و قول

الثابت وان تنزل علي الامان والفرح والسرور

ونضرة النعيم اللهم صل على محمد وآل محمد وعرفني بركة

هذا الشهر ويمنه وارزقني خيره واصرف عني شره

واجعلني فيه من الفائزين برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم

انت وهاب الجزيل هب لي شوقا الى لقائك واشفاقا من

عذابك وخوفا منك وتوقرا واجلالا حتى يوجل

من ذلك قلبي ويقشعر منه جلدي ويتجافا له جنبي

وتدمع منه عيني ولا اخلو من ذكرك في ليلي ونهاري

يا ارحم الراحمين اللهم اني اثني عليك وما عسى ان

يبلغ مدحي وثنائي مع قلة عملي وقصر رايي وانت

الخالق

الْخَالِقُ وَاَنَا الْمَخْلُوقُ وَاَنْتَ الْمَالِكُ وَاَنَا الْمَمْلُوكُ

آفریننده و من آفریده شده و توئی دارنده و من مملوک

وَاَنْتَ الرَّبُّ وَاَنَا الْعَبْدُ وَاَنْتَ الْعَزِيزُ وَاَنَا الذَّلِيلُ وَاَنْتَ الْقَوِيُّ

و توئی پروردگار و من بنده و توئی ارجمند و من خوار و توئی توانا

وَاَنَا الضَّعِيفُ وَاَنْتَ الْغَنِيُّ وَاَنَا الْفَقِيرُ وَاَنْتَ

و من ناتوان و توئی بی نیاز و من نیازمند و توئی

الْمُعْطِي وَاَنَا السَّائِلُ وَاَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَاَنَا

بخشنده و من سؤال کننده و توئی زنده که نمیری و من

خَلْقٌ اَمُوتُ فَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاَعْطِنِي سُؤْلِي فِي الدُّنْيَا

آفریده که بمیرم پس بیامرز مرا و رحم کن مرا و عطا کن مرا سؤال مرا در دنیا

وَالْآخِرَةِ وَتَجَاوَزْ عَنِّي وَعَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و در آخرت و درگذر از من و از همه مؤمنان و زنان گرویده

وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ

و مسلمانان و زنان گردن نهنده زندگان از ایشان و مردگان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ

خداوندا رحمت فرست بر محمد بنده تو و فرستاده تو و پیغمبر تو

وَصَفِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ

و برگزیده تو و بهترین تو از خلق تو خداوندا بلند گردان پایه او را

وَكَرِّمْ مَقَامَهُ وَاَجْزِلْ ثَوَابَهُ وَاَفْلِجْ حُجَّتَهُ وَاَظْهِرْ عُذْرَهُ

و گرامی دار مقام او را و افزون کن ثواب او را و روشن کن حجت او را و ظاهر کن

وَعَظِّمْ نُورَهُ وَأَدِمْ كَرَامَتَهُ وَأَلْحِقْ بِهِ أُمَّتَهُ وَذُرِّيَّتَهُ

وبزرگ کن نور اورا روشن ساز اورا و پیوسته دار نواز کرامتش اورا و برسان با دوستانش امتش و ذریتش

وَأَقِرَّ بِذَلِكَ عَيْنَهُ اللَّهُمَّ عَيْنَهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّداً

وروشن کن بآنچه مذکور شد دیده اورا خداوندا خداوندا بگردان محمد را

أَكْرَمَ النَّبِيِّينَ تَبَعاً وَأَعْظَمَهُمْ مَنْزِلَةً وَأَشْرَفَهُمْ كَرَامَةً

بزرگوارترین پیغمبران بحسب پیروان و بزرگترین ایشان از مرتبت و گرامی ترین ایشان از روی

وَأَعْلَاهُمْ دَرَجَةً وَأَفْسَحَهُمْ فِي الْجَنَّةِ مَنْزِلاً اللَّهُمَّ بَلِّغْ

و بلندترین ایشان از مرتبه و گشاده ترین ایشان در بهشت بحسب جایگاه بار خدایا برسان

مُحَمَّداً الدَّرَجَةَ الْوَسِيلَةَ وَشَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَعَظِّمْ نُورَهُ وَ

محمد را بدرجه که نام آن وسیلت است و بلند گردان اساس دولت او را و بزرگ کن نور او را

بُرْهَانَهُ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ وَتَقَبَّلْ صَلَوٰةَ

و حجت او را و بپذیر شفاعت در خواست او را در باره امتش و قبول کن درود

أُمَّتِهِ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَلَّغَ رِسَالَاتِكَ

امت او را بر او بار خدایا رحمت فرست بر محمد چنانکه رسانید پیغامهای ترا

وَتَلَا آيَاتِكَ وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ

و خواند آیات ترا و پند داد بندگان ترا و کارزار نمود در راه تو

حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ اللَّهُمَّ زِدْ مُحَمَّداً مَعَ كُلِّ شَرَفٍ

تا آنکه آمد مرگ یقین خداوندا زیاده کن برای محمد با هر شرفی

شَرَفاً وَمَعَ كُلِّ فَضْلٍ فَضْلاً وَمَعَ كُلِّ كَرَامَةٍ كَرَامَةً

شرافت و با هر فضیلتی فضیلت و با هر بزرگی بزرگی

وَمَعَ كُلِّ

وَمَعَ كُلِّ سَعَادَةٍ سَعَادَةً حَتَّى تَجْعَلَ مُحَمَّداً فِي الشَّرَفِ

و با هر سعادت سعادتی تا گردانی محمد را در مرتبه

الْأَعْلَى مِنَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بلندتر از مرتبهای بلند خداوندا رحمت بفرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَهِّلْ لِي مَحَبَّتِي وَبَلِّغْنِي أُمْنِيَّتِي وَوَسِّعْ

و آل محمد و آسان کن برای من آنچه که دوست دارم و برسان مرا به آرزوی من

عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَامْضِ عَنِّي دَيْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي غَمِّي وَ

بر من در روزی من و ادا کن از من قرض مرا و دفع کن از من غم و

هَمِّي وَكَرْبِي وَيَسِّرْ لِي إِرَادَتِي وَأَوْصِلْنِي إِلَى بُغْيَتِي سَرِيعاً

حزن را و اندوه را و سهل کن برای من خواسته مرا و برسان مرا به مطلب من

عَاجِلاً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و شیخ مفید رضی الله عنه

زود بجلدی ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان

گفته است که در روز م

ماه ربیع الآخر سال دویست و سی و دو از هجرت نبوی

حضرة امام حسن عسکری ع متولد شده و روز شریف

بسیار مبارکیست و مستحبست که بشکر این نعمت عظمی

روزه بدارند مؤلف گوید زیارة آنحضرة و سایر اعمال

خیر در این روز با برکت مناسبست **فصل دوم** در اعمال

ماه جمادی الاولی است سید ابن طاوس رضی الله از

بعضی کتب معتبره نقل کرده است که در روز اول این ماه

اعمال ماه جمادی الاولی

مستحبست که این اللّهم انت الله وانت الرحمن الرحیم

دعارا بخوانند خداوندا توئی خدا و توئی بخشنده مهربان

وانت الملک القدوس وانت السلام المؤمن وانت

و توئی پادشاه پاک از همه عیبها و توئی سالم از تمام نقصها بخشنده امان

المهیمن وانت العزیز وانت الجبار وانت المتکبر وانت

نگهبان و توئی غالب و توئی کار فرما بجبر و قهر و توئی صاحب بزرگواری و

الخالق وانت البارئ وانت المصور وانت العزیز الحکیم وانت

آفریدگار و توئی پدید آورنده و توئی صورت دهنده و توئی غالب محکم کار و توئی

الاول والآخر والظاهر والباطن لک الاسماء الحسنی

اول و آخر و آشکارا و پنهان مر تراست نامهای نیک

اسألک یا رب بحق هذه الاسماء وبحق اسمائک

سؤال میکنم از تو ای پروردگار بحق این نامها و بحق نامهای تو

کلها ان تصلی علی محمد وآل محمد وآتنا اللّهم فی

همه آنها که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و بده ما را خداوندا در

الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة واختم لنا بالسعادة

دنیا نیکی و در آخرت نیکی و ختم کن برای ما به نیکبختی

والشهادة فی سبیلک وعرفنا برکة شهرنا هذا

و شهید شدن در راه تو و بشناسان ما را برکت ماه ما این را

ویمنه وارزقنا واصرف عنا شره واجعلنا فیه

و میمنت آن را و روزی کن ما را و بگردان از ما بدی آن را و بگردان ما را در آن

من الفائزین

مِنَ الْفَائِزِينَ وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

از رستگاران و نگاه دار ما را برحمت خود از عذاب آتش ای مهربانترین مهربانان

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يس بن يا بن يا نزا الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

بدرستیکه تو بر همه چیزی توانائی بخوانند سپاس مر خدای را پروردگار

الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ

جهانیان است سپاس مر خدای را که آفرید آسمانها و زمین را و

جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

پدید آورد تاریکیها و روشنائی را پس آنانکه کافر شدند بپروردگار خود عدول میکنند

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى

او آنکه بیافرید شما را از گل پس مقرر کرد مدتی و مدت معین نزد اوست پس شما

ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ

شک میکنید و اوست خدا در آسمانها و در زمین میداند

سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ

نهان شما و آشکار شما و میداند آنچه را که کسب میکنید سپاس مر خدای را که فرو فرستاد

عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا قَيِّمًا لِيُنْذِرَ

بر بنده خود قرآن را و نکرد برای او هیچ کجی راست تا بترساند از

بَأْسًا شَدِيدًا مِنْ لَدُنْهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ

تا بیم نماید از عذاب سخت از نزد خود سپاس مر خدای را که برای او

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

و آنچه در زمین است و مر اوراست سپاس در آخرت و اوست درست کردار آگاه

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ جَاعِلِ الْمَلٰئِكَةِ رُسُلًا اُولِيْ

سپاس مر خدای را که آفریننده آسمانها و زمین کننده فرشتگان را رسولان خداوندان

اَجْنِحَةٍ مَثْنٰى وَثُلٰثَ وَرُبٰعَ يَزِيْدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ اِنَّ اللّٰهَ

بالهای دو دو و سه سه و چهار چهار می افزاید در آفرینش آنچه خواهد بدرستیکه خدا

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ مَا يَفْتَحِ اللّٰهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا

بر هر چیزی توانا است آنچه بگشاید خدا برای مردمان از بخشایش پس نیست

مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ

باز دارنده مر آن و آنچه باز دارد آن نیست فرستنده مر آن را از پس او و اوست

الْحَكِيْمُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ هَدٰىنَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ

غالب درست کردار سپاس مر خدای را که راه نمود ما را باینجا و نبودیم ما که راه یابیم

لَوْلَا اَنْ هَدٰىنَا اللّٰهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ

اگر نبود آنکه راه نمود ما را خدا بحقیقت آمدند رسولان پروردگار ما براستی

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ وَهَبَ لِيْ عَلَى الْكِبَرِ اِسْمٰعِيْلَ وَاِسْحٰقَ

سپاس مر خدای را که بخشید مرا در حالت پیری اسمعیل و اسحاق را

اِنَّ رَبِّيْ لَسَمِيْعُ الدُّعَاءِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ

بدرستیکه پروردگار من هر آینه شنوای دعاست سپاس مر خدای را بلکه بیشتر ایشان نمیدانند

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ نَجّٰىنَا مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ

سپاس مر خدای را که رهانید ما را از گروه ستمکاران سپاس مر خدای را

الَّذِيْ فَضَّلَنَا عَلٰى كَثِيْرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِيْنَ

که زیادتی داد ما را بر بسیاری از بندگان گروندگان سپاس مر خدای را

ابانة

اٰیَاتِهٖ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

نشانهای قدرت خود پس شناسید آنها را و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه میکنید سپاس خدای را

الَّذِی اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ

که برد از ما اندوه را بدرستیکه پروردگار ما هر آینه آمرزگار است حق گذار

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَاَوْرَثَنَا الْاَرْضَ

سپاس مر خدای را که راست گوی برآمد وعده خود را و میراث داد ما را زمین را

نَتَبَوَّاُ مِنَ الْجَنَّةِ حَیْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ اَجْرُ الْعَامِلِینَ

بهشت را که جای گیریم از بهشت هر جا خواهیم پس نیک مزد کارکنان

وَتَرَى الْمَلٰئِكَةَ حَافِّینَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

و می بینی فرشتگان را فرو گیرندگان گرداگرد عرش را تسبیح گویند بسپاس پروردگار

وَقُضِیَ بَیْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِیلَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ فَلِلّٰهِ

حکم کرده شود میان ایشان براستی و گفته شود سپاس مر خدای را پروردگار جهانیان پس

الْحَمْدُ رَبِّ السَّمٰوَاتِ وَرَبِّ الْاَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَ

سپاس پروردگار آسمانها و زمین و پروردگار زمین و پروردگار جهانیان و

لَهُ الْكِبْرِیَاءُ فِی السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَكِیمُ

مر او راست بزرگواری در آسمانها و در زمین و اوست غالب راست کار

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَكُنْ لَهُ شَرِیكٌ

سپاس مر خدای را که فرا نگرفت هیچ فرزندی و نیست مر او را هیچ انباز

فِی الْمُلْكِ وَلَمْ یَكُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِیرًا

در پادشاهی و نیست مر او را یاوری از مذلت و بعظمت یاد کن خدا را

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَتَدَارَكْنِي فِيمَا

خداوندا بیامرز برای من آنچه گذشته از گناهان من و دریاب مرا در آنچه

بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَقَوِّ ضَعْفِي لِلَّذِي خَلَقْتَنِي لَهُ وَحَبِّبْ

باقی مانده از عمر من و قوت ده ناتوانی مرا برای آنچه آفریدی مرا برای آن و دوست گردان

اِلَيَّ الْاِيمَانَ وَزَيِّنْهُ فِي قَلْبِي وَقَدْ دَعَوْتُكَ كَمَا اَمَرْتَنِي

بسوی من ایمان را و آرایش ده او را در دل من و بتحقیق خواندم ترا چنانکه فرمودی مرا

فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ اَصْبَحْتُ لَكَ عَبْدًا

پس اجابت کن مرا چنانکه وعده دادی مرا خداوندا صبح کردم در حالیکه بنده ام مر ترا

لَا اَسْتَطِيعُ دَفْعَ مَا اَكْرَهُ وَلَا اَمْلِكُ مَا اَرْجُو وَ

که قدرت ندارم بر دفع آنچه ناخوش دارم و مالک نیستم آنچه را که امید دارم و

اَصْبَحْتُ مُرْتَهِنًا بِعَمَلِي فَلَا فَقِيرَ اَفْقَرُ مِنِّي اِلَيْكَ رَبَّ

صبح کردم گرو شده بعمل خود پس نیست فقیری محتاج تر از من بسوی تو ای پروردگار

الْعَالَمِينَ اَسْئَلُكَ اَنْ تَسْتَعْمِلَنِي عَمَلَ مَنِ اسْتَيْقَنَ

جهانیان سؤال میکنم از تو اینکه بکار داری مرا کار آنکه یقین داشته

حُضُورَ اَجَلِهِ لَا بَلْ عَمَلَ مَنْ قَدَّمَ مَاتَ فَرَاٰى عَمَلَهُ

حاضر شدن اجل خود را نه بلکه کار آنکه [illegible] پس دیده کردار خود

وَنَظَرَ اِلٰى ثَوَابِ عَمَلِهِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ

و نگریسته بسوی پاداش کردار خود بدرستیکه تو بر همه چیزی توانائی خداوندا

هٰذَا مَكَانُ الْعَائِذِ بِكَ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ مَكَانُ

این جا جایگاه کسی است که پناه گرفته برحمت تو از عذاب تو جای

العائذ

العائذ بمعافاتك من غضبك اللهم اجعلني ممن

که پناه گرفته بعفو در گذشتن تو از غضب تو خداوندا بگردان مرا از آنکه

دعاك فأجبته وسألك فأعطيته وآمن بك

خواند ترا پس اجابت کردی او را و خواست از تو پس عطا کردی او را و ایمان آورد بتو پس

فهديته وتوكل عليك فكفيته وتقرب إليك

هدایت کردی او را و توکل کرد بر تو پس کفایت کردی او را و نزدیکی جست بتو

فأدنيته واعتذر إليك فأعذرته واستغفرك

پس نزدیک گردانیدی او را و عذر خواست بسوی تو پس قبول کردی عذرش را و آمرزش طلبید از تو

فغفرت له ورضيت عنه وأرضيته وهديته

پس آمرزیدی او را و خشنود شدی از او و خشنود گردانیدی او را و راه نمودی او را

إلى مرضاتك واستعملته بطاعتك ولذلك

بسوی موجبات رضای تو و بکار داشتی او را بطاعت خود و برای همین فارغ کردی او را

فرغته أبدا ما أحييته فتب علي يا رب وأعطني

همیشه مادام که زنده داشتی او را پس توبه ده بر من ای پروردگار من و عطا کن

سؤلي ولا تحرمني شيئا مما سألتك واكفني شر

سؤال مرا و محروم مگردان مرا از هیچ چیزی از آنچه سؤال کردم از تو و دفع کن از من

ما تعمل الظالمون في الأرض وأستغفر الله الذي

شر آنچه میکنند ستمکاران در زمین و آمرزش میطلبم از خدائی که

لا إله إلا هو الذي لا يغفر الذنوب إلا هو اللهم

نیست خدائی مگر او آنکه نمی‌آمرزد گناهان را مگر او خداوندا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعِنِّي عَلَى الدُّنْيَا وَارْزُقْنِي خَيْرَهَا

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و مدد کن مرا بر دنیا و روزی کن مرا خیر آنرا

وَكَرِّهْ اِلَيَّ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ وَاجْعَلْنِي مِنَ

و ناخوش گردان بسوی من کفر و بدکرداری و نافرمانی را و بگردان مرا از راه

الرَّاشِدِينَ اَللّٰهُمَّ قَوِّنِي لِعِبَادَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي

یافتگان خداوندا قوت ده مرا از برای عبادت و بکار دار مرا

طَاعَتِكَ وَبَلِّغْنِي الَّذِي اَرْجُو مِنْ رَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ

طاعت خود و برسان مرا بآنچه امید دارم از بخشش تو ای بخشاینده‌ترین

الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ الرَّوْحَ يَوْمَ الظُّلْمَةِ وَ

بخشندگان خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو آسایش را در روز تاریکی

النَّجَاةَ يَوْمَ الْفَزَعِ الْاَكْبَرِ وَالْفَوْزَ يَوْمَ الْحِسَابِ وَ

و رستگاری را در روز ترس بزرگتر و فیروزی را در روز حساب و

الْاَمْنَ يَوْمَ الْخَوْفِ وَاَسْئَلُكَ النَّظَرَ اِلَى وَجْهِكَ

و ایمنی در روز ترس و سؤال میکنم از تو نگریستن بسوی ذات

الْكَرِيمِ وَالْخُلُودَ فِي جَنَّتِكَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِكَ

بزرگواری تو و جاوید ماندن در بهشت تو در سرای اقامت از فضل

وَالسُّجُودَ يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَالظِّلَّ يَوْمَ لَا ظِلَّ

و سجده کردن در روزی که باز کرده شود جامه از ساق و سایه

اِلَّا ظِلُّكَ وَمُرَافَقَةَ اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَاَوْلِيَائِكَ

در روزی که نباشد سایه مگر سایه تو و رفاقت پیغمبران و رسولان تو و دوستان

اللّهمّ اغفر لی ما قدّمت من ذنوبی وما اخّرت وما

بیامرز برای من آنچه پیش داشتم از گناهان خود و آنچه باز پس داشتم

اسررت وما اعلنت وما اسرفت علی نفسی وما انت

و آنچه پنهان داشتم و آنچه آشکار کردم و آنچه گزافی کردم بر نفس خود و آنچه تو

اعلم به منّی وارزقنی التّقی والهدی والعفاف

دانا تری بآن از من و روزی کن مرا پرهیزکاری و راه یافتن و عفت

والغنی ووفّقنی للعمل بما تحبّ وترضی اللّهمّ

و بی نیازی و توفیق ده مرا برای عمل کردن بآنچه دوست داری و پسندی خدایا

اصلح لی دینی الّذی هو عصمة امری واصلح

اصلاح آور برای من دین مرا که آن نگاه دارنده کار منست از اختلال و اصلاح آور

دنیای الّتی فیها معاشی واصلح آخرتی الّتی الیها

دنیای مرا که در آنست زندگانی من و اصلاح آور برای من آخرت مرا که بسوی آنست

منقلبی واجعل الحیوة زیادة لی فی کلّ خیر واجعل

بازگشت من و بگردان زندگی مرا زیادتی برای من در همه نیکیها و بگردان

الموت راحة لی من کلّ سوء اللّهمّ انّی اسئلك

مرگ را آسایش برای من از هر بدی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

یا ربّ الارباب ویا سیّد السّادات ویا مالك

ای پروردگار پروردگاران و ای بزرگ بزرگان و ای پادشاه

الملوك ان ترحمنی وتستجیب لی وتصلحنی فانّه لا

پادشاهان که رحم کنی مرا و مستجاب کنی مرا و اصلاح کنی مرا پس بدرستیکه

يُصْلِحُ مَنْ صَلَحَ مِنْ عِبَادِكَ اِلَّا اَنْتَ فَاِنَّكَ اَنْتَ

نیکو نمی گرداند آنرا که نیکو شده از بندگان تو مگر تو زیرا که بتحقیق تو تویی

رَبِّي وَثِقَتِي وَرَجَائِي وَمَوْلَايَ وَمَلْجَائِي وَلَا رَاحِمَ

پروردگار من و اعتماد من و امید من و آقای من و پناه من و نیست بخشنده مرا

لِي غَيْرُكَ وَلَا مُغِيثَ لِي سِوَاكَ وَلَا مَالِكَ سِوَاكَ

غیر تو و نه فریادرسی مرا برای تو و نه خداوندی غیر تو

وَلَا مُجِيبَ اِلَّا اَنْتَ اَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَ

و نه اجابت کننده مگر تو من بنده تو و پسر بنده تو و

ابْنُ اَمَتِكَ الْخَاطِئُ الَّذِي وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ وَاَنْتَ

پسر کنیز تو منم آن بنده خطاکاری که فرا گرفته او را رحمت تو و تو

الْعَالِمُ بِحَالِي وَحَاجَتِي وَكَثْرَةِ ذُنُوبِي وَالْمُطَّلِعُ عَلَى

دانا بحال منی و بحاجت منی و بسیاری گناهان منی و مطلع بر

كُلِّهَا فَاَسْئَلُكَ بِمَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَنْ تَغْفِرَ لِي

همه آنها پس سؤال میکنم از تو ای که نیست خداوندی مگر تو که بیامرزی مرا

مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذُنُوبِي وَمَا تَاَخَّرَ اللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ لِي

آنچه گذشته از گناهان و آنچه باز پس مانده خداوندا مگذار از برای من

ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا حَاجَةً

گناهی مگر آنکه بیامرزی او را و نه اندوهی مگر آنکه زایل کنی آن را و نه حاجتی که

هِيَ لَكَ رِضًا اِلَّا قَضَيْتَهَا وَلَا عَيْبًا اِلَّا اَصْلَحْتَهُ

آن باشد برای تو پسندیده مگر روا کنی آن را و نه عیبی مگر آنکه اصلاح کنی آن را

اللهم

اللهم وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة و

خداوندا بده ما را در این جهان نیکی و در آن جهان نیکی و

قنا عذاب النار اللهم أعني على أهوال الدنيا

نگاه دار ما را از عذاب آتش خداوندا مدد کن ما را بر شدتهای دنیا و

وبوائق الدهور ومصيبات الليالي والأيام اللهم

حوادث روزگار و بلاهای که میرسند در شبها و روزها خداوندا

واحرسني من شر ما يعمل الظالمون فإنه لا حول ولا

نگاه دار مرا از بدی آنچه میکنند ستمکاران در زمین بدرستیکه نیست گردیدنی و

قوة إلا بك اللهم إني أسألك إيمانا ثابتا و

نه توانایی مگر بتو خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا ایمانی ثابت و

عملا متقبلا ودعاء مستجابا ويقينا صادقا وقولا

کرداری پذیرفته و دعای پذیرفته و یقینی راست و گفتاری

طيبا وقلبا شاكرا وبدنا صابرا ولسانا ذاكرا

پاکیزه و دلی سپاس گزار و تنی شکیبا و زبانی ذکر کننده

اللهم انزع حب الدنيا ومعاصيها وذكرها وشهوتها

خداوندا بیرون کن دوستی دنیا را و گناهان آن را و یاد آن را و شهوت آن را

من قلبي اللهم إنك بكرمك تشكر اليسير من عملي

از دل من خداوندا بدرستیکه تو بکرم خود سپاس میداری اندک را از عمل من

فاعف لي الكثير من ذنوبي وكن لي وليا ونصيرا

پس درگذر برای من از بسیار از گناهانم و باش برای من دوست و یاری

وَمَنِيعًا وَحَافِظًا اَللّٰهُمَّ هَبْ لِي قَلْبًا اَشَدَّ رَهْبَةً لَكَ

و باز دارنده حفظ کننده خداوندا ببخش مرا دلی سخت ترسنده تر از ترا

مِنْ قَلْبِي وَلِسَانًا اَدْوَمَ لَكَ ذِكْرًا مِنْ لِسَانِي وَجِسْمًا

از دل من و زبانی پیوسته تر برای تو در ذکر از زبان من و بدنی

اَقْوٰى عَلٰى طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ مِنْ جِسْمِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي

توانا تر بر طاعت و پرستش از بدن من خداوندا بدرستی

اَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ فُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ وَمِنْ

پناه میگیرم بتو از زایل شدن نعمت تو و از ناگاه آمدن عقوبت تو

تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَمِنْ هُبُوبِ غَضَبِكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ

گردیدن عافیت تو و از وزیدن غضب تو و پناه میگیرم بتو از رنج

الْبَلَاءِ وَدَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ شَمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ وَسُوءِ

بلا و دریافت بدبختی و از شماتت دشمنان و بدی

الْقَضَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

قضا در دنیا و آخرت خداوندا میطلبم از تو

بِاسْمِكَ الْكَرِيمِ وَعَرْشِكَ الْعَظِيمِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا

بنام تو بزرگوار و عرش تو بزرگ و پادشاهی تو دیرینه ای

وَهَّابَ الْعَطَايَا وَيَا مُطْلِقَ الْاُسَارٰى وَيَا فَكَّاكَ الرِّقَابِ مِنَ

بخشنده عطاها ای رها کننده اسیران ای گشاینده گردنها از

وَيَا كَاشِفَ الْعَذَابِ اَسْئَلُكَ اَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا

ای زایل کننده عذاب سوال میکنم ترا اگر بیرون بری مرا از دنیا

سالمًا

سالمًا غانمًا وأن تدخلني الجنة برحمتك آمنًا وأن
سالم از گناهها بهره مند به ثوابها و آنکه درآوری مرا در بهشت برحمت خود ایمن
تجعل أول شهري هذا صلاحًا وأوسطه فلاحًا وآخره نجاحًا
و آنکه بگردانی اول ماه مرا این ماه شایستگی و میان آن را فیروزی و آخر آن را
إنك أنت علام الغيوب — که کلینی بسند
که تو تویی دانای نهانها
صحیح از حضرت صادق ع روایت
کرده است که حضرت فاطمه علیها السلام هفتاد و پنج روز
بعد از حضرت رسالت ص زنده بود پس بنا بر مشهور وفات
حضرت رسول ص در بیست و هشتم ماه صفر بود باید وفات
در سیزدهم یا چهاردهم یا پانزدهم ماه جمادی الاولی باشد
پس زیارت آن حضرت در این ایام مناسبست خصوصا در
چهاردهم که ظاهرتر است و شیخ مفید علیه الرحمة
گفته است که در شب پانزدهم این ماه امام زین
العابدین ع متولد شده است و روز شریفیست و سنت
است بدارند و اعمال خیر از عبادات و تصدقات بجا
آورند و شیخ طوسی ره گفته است که فتح بصره برای
امیر المؤمنین ع در این روز میسر شد پس لایق که زیارت
هر دو امام ع در این روز مناسبست و اگر زیارت جامعه
در این هشتم ایام بخوانند چنانچه مذکور خواهد شد

انشاء الله بهتر است فضیلت پنجم در اعمال ماه جمادی
الثانیه است سید ابن طاوس رضی الله عنه روایت
کرده اند که در این ماه در هر روز که خواهد سنت که
چهار رکعت نماز بکند بدو سلام و در هر رکعت اول
بعد از سوره حمد یک مرتبه آیة الکرسی بخواند و بیست
پنج مرتبه انا انزلناه و در رکعت دوم یک مرتبه الهیکم
التکاثر و بیست و پنج مرتبه قل هو الله و در سیم یکمرتبه قل
یا ایها الکافرون و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الناس
و بعد از سلام رکعت چهارم هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و هفتاد مرتبه
اللهم صل علی محمد و آل محمد پس سه مرتبه اللهم اغفر
للمؤمنین والمؤمنات پس سر بسجده بگذارد و سه مرتبه
بگوید یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام یا الله یا رحمن
ای زنده ای پاینده ای خداوند بزرگواری دارای بخشش ای بخشنده
یا رحیم یا ارحم الراحمین پس هر حاجت که دارد از حق
طلب نماید هر که چنین کند
ای مهربان ای بخشاینده ترین بخشندگان
خدا خودش را و مالش را و زنان و فرزندان او را و دین
و دنیای او را حفظ کند و اگر در آن سال بمیرد بر شهادت
بمیرد یعنی ثواب شهیدان داشته باشد و شیخ بزرگوار

محمد بن

محمد بن جریر طبری در کتاب دلایل الامامة بسند معتبر
از حضرت صادق ع روایت کرده است که ولادت با
سعادت حضرة فاطمه در بیستم ماه جمادی الثانیه واقع
شد و شهادت آنحضرة در سیم ماه واقع شد و شیخ طوسی
و سید ابن طاوس و دیگران چنین ذکر کرده اند آنچه
وفات منافی روایتی که سابقا ذکر کردیم اما چون
مشهور است روایت معتبر دارد باید که در روز سیم
بمراسم تعزیه قیام نمایند و زیارت آنحضرة بکنند و لعن
بنیاد بن قاتلان آنحضرت و غاصبان حق او بکنند خصوصا
ابوبکر و عمر و قنفذ غلام عمر و در روز بیستم آنحضرة
را بان زیارة کنند و چنانکه شیخ مفید گفته است اظهار
سرور و خوشحالی بکنند و روزه بدارند و تصدق و سایر
اعمال خیر بکنند و زیارت آنحضرة بدو طریق وارد شده
اول آنکه سید ابن طاوس روایت کرده است که هر که آن
حضرة را زیارة کند باین زیارة که بگوید اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
یا سَیِّدَةَ نِساءِ الْعالَمِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا والِدَةَ
ای خاتون زنان جهانیان سلام بر تو ای مادر
الْحُجَجِ عَلَی النّاسِ اَجْمَعِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ
حجتها بر آدمیان همه سلام بر تو ای ستم رسیده

الممنوعة حقها پس بگوید اللهم صل علی امتك وابنة

منع کرده شده از حق خود خداوندا رحمت فرست بر کنیز خود و دختر

نبيك وزوجة وصي نبيك صلوة تزلفها فوق

پیغمبر خود و زن وصی پیغمبر خود رحمتی که نزدیک گرداند او را بالای

زلفى عبادك المكرمين من اهل السموات واهل

نزدیکی بندگان تو که گرامی داشته شده اند از اهل آسمانها و اهل

الارضين پس طلب آمرزش کند از حق تعالی گناهان

زمین

او را بیامرزد و او را داخل بهشت گرداند

و این زیارت مختصر معتبر نیست و همه وقت میتوان کرد
و دو زیارت مبسوطی است که علما ذکر کرده اند و سند
نظر فقیر نرسیده السلام علیك یا بنت رسول الله
و این زیارت این است

سلام بر تو ای دختر رسول خدا

السلام علیك یا بنت حبیب الله السلام علیك

سلام بر تو ای دختر حبیب خدا سلام بر تو

یا بنت خلیل الله السلام علیك یا بنت صفی الله

ای دختر صدیق خدا سلام بر تو ای دختر برگزیده

السلام علیك یا بنت امین الله السلام علیك

سلام بر تو ای دختر امانت دار خدا سلام بر تو

یا بنت خیر خلق الله السلام علیك یا بنت افضل

ای دختر بهترین خلق خدا سلام بر تو ای دختر فاضلترین

انبیاء

أُمَناءِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ اَلسَّلامُ
معتمدان خدا سلام برتو ای دختر بهترین خلایق سلام
عَلَيْكِ يا سَيِّدَةَ نِساءِ الْعالَمينَ مِنَ الْاَوَّلينَ وَالْآخِرينَ
برتو ای خاتون زنان جهانیان از پیشینیان وپسینیان
اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللهِ وَخَيْرِ خَلْقِهِ بَعْدَ
سلام برتو ای زن دوست خدا وبهترین خلق خدا
رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا اُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
از رسول خدا سلام برتو ای مادر حسن وحسین
سَيِّدَيْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ
دو بزرگ جوانان اهل بهشت سلام برتو
يا اُمَّ الْمُؤْمِنينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الصِّدّيقَةُ
ای مادر مؤمنان سلام برتو ای بانوی راستگوی
اَلشَّهيدَةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ
شهید سلام برتو ای خوشنود از خدا وپسندیده
اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الصّادِقَةُ الرَّشيدَةُ اَلسَّلامُ
سلام برتو ای راستگوی راه یابنده سلام
عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْفاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ
برتو ای صاحب فضل وپاکیزه سلام برتو
اَيَّتُهَا الْحَوْراءُ الْاِنْسِيَّةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا
ای حوری شمایل آدمی نسب سلام برتو ای

التقية السلام عليك ايتها المحدثة العليمة السلام
پرهيزكار سلام بر تو اى سخن گفته شده داناه سلام

عليك ايتها المعصومة المظلومة السلام عليك ايتها
بر تو اى نگاه داشته شده ستم رسيده سلام بر تو اى

الطاهرة المطهرة السلام عليك ايتها المضطهدة
پاك پاك گرديده شده سلام بر تو اى غلبه كرده شده

المغصوبة السلام عليك ايتها الغراء الزهراء
غارت رسيده سلام بر تو اى سفيد روشن درخشنده

السلام عليك يا فاطمة بنت محمد رسول الله ورحمة الله
سلام بر تو اى فاطمه دختر محمد رسول خدا و بخشش خدا

وبركاته صلى الله عليك يا مولاتي وابنة مولاي
و بركتهاى او رحمت فرستد خدا بر تو اى خاتون من و دختر آقاى

وعلى روحك وبدنك اشهد انك مضيت على
و بر جان تو و بدن تو گواهى ميدهم بدرستى كه تو گذشتى بر

بينة من ربك وان من سرك فقد سر رسول الله
حجت روشن از جانب پروردگار تو و آنكه بتحقيق هر كه شاد كند ترا پس بتحقيق

ومن جفاك فقد جفا رسول الله ومن اذى رسول
و آنكه جفا كرد ترا پس بتحقيق جفا كرده رسول خدا را و كسى كه آزار دهد رسول خدا

ومن وصلك فقد وصل رسول الله ومن قطعك
و آنكه پيوست بتو پس بتحقيق پيوسته رسول خدا را و آنكه بريد

هذ

فقد قطع رسول الله لانك بضعة منه وروحه

پس بتحقیق برنجانید از رسول خدا زیرا که بتحقیق که تو جزو بدنی از او و جان او

التي بين جنبيه كما قال عليه افضل السلام واكمل

که در میان پهلوهای اوست چنانکه گفت رسول خدا بر او باد بهترین درودها و تمام

السلام اشهد الله وملائكته اني ولي لمن والاك

درودها گواه میگیرم خدا را و فرشتگان او را که بتحقیق دوستم مر آن را که دوست داشت ترا

وعدو لمن عاداك وحرب لمن حاربك يا مولاتي

و دشمنم مر دشمنی را که دشمن دارد ترا و جنگم مر آن را که جنگ کرد با تو ای خاتون من

بك وبابيك وبعلك والائمة من ولدك موقن

بتو و به پدر تو و شوهر تو و پیشوایان از فرزندان تو یقین دارنده

وبولايتهم مؤمن ولطاعتهم ملتزم اشهد ان الدين دينهم

و بدوستی ایشان گرونده ام و به فرمانبرداری ایشان ملازمم گواهی میدهم که بتحقیق دین دین ایشان است

والحكم حكمهم وهم قد بلغوا عن الله عز وجل ودعوا

و حکم حکم ایشان است و ایشان بتحقیق رسانیده اند از جانب خدای عز

الى سبيل الله بالحكمة والموعظة الحسنة ولا

بسوی راه خدا بدانایی کلام و پند نیکو و در نمیگیرد

تاخذهم في الله لومة لائم وصلوات الله عليك

ایشان را در راه خدا سرزنش سرزنش کننده و رحمتهای خدا بر تو

وعلى ابيك وبعلك وذريتك والائمة الطاهرين

و بر پدر تو و شوهر تو و فرزندان تو و پیشوایان پاکان

اللهم صل على محمد واهل بيته وصل على البتول

بار خدایا رحمت فرست بر محمد و خانواده او و رحمت فرست بر آن دوشیزه

الطاهرة الصديقة المعصومة التقية النقية

پاک راستگوی نگاه داشته شده پرهیزکار پاکیزه

الرضية الزكية الرشيدة المظلومة المقهورة

پسندیده پاک راه یافته ستم رسیده مغلوب شده

المغصوبة حقها الممنوعة ارثها المكسورة ضلعها

به غصب گرفته شده حق او منع کرده شده میراث او شکسته شده پهلوی او

المظلوم بعلها المقتول ولدها فاطمة بنت رسولك

ستم کرده شده شوهر او کشته شده فرزند او یعنی فاطمه دختر پیغمبر تو

وبضعة لحمه وصميم قلبه وفلذة كبده والنخبة

و پاره گوشت او و خالص دل او و قطعه جگر او و برگزیده

منك له والتحفة خصصت بها وصيه وحبيبة

از تو برای او و تحفه که مخصوص گردانیدی بدو وصی پیغمبر را و دوست

المصطفى وقرينة المرتضى وسيدة النساء ومبشرة

برگزیده و همتای پسندیده او را و بزرگ زنان و مژده دهنده

الاولياء وحليفة الورع والزهد وتفاحة الفردوس

دوستان و هم سوگند پرهیزکاری و زهد و سیب بهشت

والخلد التي شرفت مولدها بنساء الجنة وسللت

و بهشت جاوید آن که عزیز گردانیدی جایگاه زادن او را به زنان بهشت و بیرون آوردی

منها

مِنْهَا اَنْوَارَ الْاَئِمَّةِ وَاَرْخَيْتَ دُونَهَا حِجَابَ النُّبُوَّةِ اَللّٰهُمَّ

ازاو نورهای امامان و فرو فرستادی در پیش او پرده نبوت را

صَلِّ عَلَيْهِمَا تَزِيدُ فِي مَحَلِّهِمَا عِنْدَكَ وَشَرَفِهِمَا لَدَيْكَ

رحمت فرست بر او رحمتی که بیفزاید در مرتبه او نزد تو و شرافت او نزد تو

وَتُبَلِّغَهُمَا مِنْ رِضَاكَ وَبَلِّغْهُمَا مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا

و برساند او را از خشنودی تو و برسان او را از ما درود و سلام

وَآتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي حُبِّهِمَا فَضْلًا وَاِحْسَانًا وَرَحْمَةً

و بده ما را از نزد خود در دوستی او بخشش و نیکویی و بخشایش

وَمَغْفِرَةً اِنَّكَ ذُو الْعَفْوِ الْكَرِيمِ وسید ابن طاوس علیه الرحمه

و آمرزش بدرستیکه تو خداوند عفو کریمی گفته است پس نماز زیارت را

بکن و اگر توانی نماز آنحضرت را بجا آور و آن دو رکعت
است در هر دو رکعت بعد از فاتحه شصت مرتبه
سوره قل هو الله احد بخوان و اگر نتوانی دو رکعت بکن
و در رکعت اول بعد از حمد یک مرتبه سوره قل یا ایها
الکافرون بخواند و بعد از نماز تسبیح آنحضرت را بگو و
این دعا را اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ
بخوان

خداوندا بدرستیکه من رو میکنم بسوی تو بوسیله پیغمبر ما محمد و

اَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ وَاَسْئَلُكَ الْعَظِيمِ

بوسیله خانواده او رحمت های تو بر ایشان و سؤال میکنم از تو بحق

عَلَيْهِمْ الَّذِى لَا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ
بر ایشان آن که نمیداند پایان آن را غیر تو و سؤال میکنم بحق آن که
مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ عَظِيمٌ وَبِاَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الَّذِى
حق او نزد تو بزرگ است و بحرمت نامهای نیکوی تو آن
اَمَرْتَنِى اَنْ اَدْعُوكَ بِهَا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ
و امر کردی مرا که بخوانم ترا بآنها و سؤال میکنم ترا بحرمت نام بزرگتر تو
الَّذِى اَمَرْتَ بِهِ اِبْرٰهِيمَ اَنْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيْرَ فَاَجَابَتْهُ
آن نام که امر کردی بآن ابراهیم را که بخواند بآن مرغ را پس اجابت کردند او را
وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِى قُلْتَ لِلنَّارِ كُونِى
و سؤال میکنم ترا بحرمت نام بزرگ تو آن نام که گفتی مر آتش را که باشی
بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى اِبْرٰهِيمَ فَكَانَتْ وَبِاَحَبِّ الْاَسْمَاءِ
سرد و سلامت بر ابراهیم پس گشت چنان و بدوست ترین نامها
اِلَيْكَ وَاَشْرَفِهَا وَاَعْظَمِهَا لَدَيْكَ ثَوَابًا وَاَسْرَعِهَا
بسوی تو و بلند مرتبه ترین آنها و بزرگترین آنها نزد تو بثواب و شتابنده ترین
اِجَابَةً وَاَنْجَحِهَا طَلِبَةً وَبِمَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ
آنها باجابت و روا شده ترین آنها حاجت را و بحرمت آنچه تو سزاوار آنی
وَمُسْتَوْجِبُهُ وَاَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ وَ
و مستحقی آن و سزاواری آن و توسل میجویم بسوی تو و رغبت میکنم بسوی تو
اَتَضَرَّعُ وَاُلِحُّ عَلَيْكَ وَاَسْئَلُكَ بِكُتُبِكَ الَّتِى اَنْزَلْتَهَا
و زاری میکنم و الحاح میکنم بر تو و سؤال میکنم ترا بحرمت کتابهای تو که فرستادی آنها

علی

عَلَى اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ مِنَ التَّوْرٰيةِ

بر پیغمبران خود و فرستادگان خود رحمتهای تو بر ایشان مانند توریة

وَالْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْاٰنِ الْعَظِيمِ فَاِنَّ فِيهَا اِسْمَكَ

و انجیل و زبور و فرقان بزرگ زیرا که بتحقیق هست در آنها

الْاَعْظَمَ وَبِمَا فِيهَا مِنْ اَسْمَائِكَ الْعُظْمٰى اَنْ تُصَلِّيَ

نام بزرگتر تو و بحرمت آنچه در آنهاست از نامهای بزرگ تو اینکه رحمت بفرستی

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُفَرِّجَ عَنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِمْ

بر محمد و آل محمد و اینکه بگشایی غم را از آل محمد و پیروان

وَمُحِبِّيهِمْ وَعَنِّي وَتَفْتَحَ اَبْوَابَ السَّمَاءِ لِدُعَائِي وَتَرْفَعَهُ

و دوستان ایشان و از من و بگشایی درهای آسمان را برای خواندن من و بلند گردانی

فِي عِلِّيِّينَ وَتَاْذَنَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذِهِ السَّاعَةِ

دعای مرا در علیین و دستوری دهی در این روز و در این ساعت

بِفَرَجِي وَاِعْطَائِي اَمَلِي وَسُؤْلِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا مَنْ

بگشایش من و بخشیدن آرزوی من و خواهش من در این جهان و آن جهان ای آنکه

لَا يَعْلَمُ اَحَدٌ كَيْفَ هُوَ وَقُدْرَتَهُ اِلَّا هُوَ يَا مَنْ سَدَّ

نداند هیچکس حقیقت او و قدرت او را مگر او ای آنکه باز داشته

الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَكَبَسَ الْاَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَاخْتَارَ

هوا را بآسمان و برافراشته زمین را بر آب و برگزیده برای

لِنَفْسِهِ اَحْسَنَ الْاَسْمَاءِ يَا مَنْ سَمّٰى نَفْسَهُ بِالْاِسْمِ

ذات خود نیکوترین نامها را ای آنکه نامیده ذات خود را بنام

الذی یقضی به حاجة من یدعوه اسئلک بحق ذلک

که برآورده میشود بآن حاجت هرکه بخواند اورا درخواهم از تو بحق این نام

الاسم فلا شفیع اقوی لی منه ان تصلی علی محمد

پس نیست درخواست کننده تواناتر برای من ازین نام رحمت بفرستی بر محمد

وآل محمد وتقضی لی حوائجی [illegible] بحق محمد وعلی وفاطمة

وآل محمد وروا کنی برای من حاجتهای مرا [illegible] بسوال به محمد وعلی وفاطمه

والحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی و

وحسن وحسین وعلی پسر حسین ومحمد پسر علی و

جعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن

جعفر پسر محمد وموسی پسر جعفر وعلی پسر موسی ومحمد

علی وعلی بن محمد والحسن بن علی والحجة المنتظر لامرک

پسر علی وعلی پسر محمد وحسن پسر علی وآن حجتی که انتظار [illegible]

صلواتک وسلامک ورحمتک وبرکاتک علیهم

رحمت های تو ودرود تو وبخشایش تو وزیادتیهای تو [illegible]

صوتی لیشفعوا الی الیک وتشفعهم فی ولا تردنی

[illegible] که درخواست کننده برای من بسوی تو وبپذیری شفاعت ایشان را [illegible]

خائبا بحق لا اله الا انت پس حاجتهای خود را

ناامید بحق کلمه لا اله الا انت طلب کن که برآورده است

باب دهم در اعمال ماهها [illegible] بدانکه در وقت

دیدن ماه نو [illegible] بعد در شب اول خواه دوم وخواه سیم مستحب
است که دعاهای منقول را بخوانند وبهترین آنها دعای
هلال صحیفه کامله است که دعای چهل وسیم است وهفت
مرتبه سورهٔ حمد خواند برای دفع درد چشم واندک سبزه خوردن
گفته اند مستحب است واز حضرت صادق منقولست که نیکو
لقمه ایست سبزه دهانرا شیرین وخوشبو میکند واشتهای طعام
می آورد وباعث هضم طعام میشود وهر که در اول ماه بخورد
صاحب [illegible] نمی شود واز حضرت صادق منقولست که هر که
در شب اول ماه دو رکعت نماز بکند ودر هر رکعت بعد از
فاتحه سورهٔ انعام بخواند واز حقتعالی سؤال کند که او را
از هر ترسی ودردی ایمن گرداند نه بیند در آن ماه امری
را که مکروه او باشد واز حضرت امام محمد تقی منقولست
که چون ماه تازه در آید در شب اول ماه دو رکعت
نماز بکن ودر رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ
قل هو الله احد بخوان ودر رکعت دوم بعد از حمد سی
مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخوان وبعد از نماز تصدق بکن
چون چنین کنی سلامتی این ماه را از حقتعالی خریده
ودر روایت معتبر دیگر مضمون است که مستحبست که بعد
ازین دو رکعت این دعا را بخوانند بهذا الدعا

بسم الله الرحمن الرحيم وما من دابة في الارض الا على الله

بنام خدای بخشنده مهربان ونیست هیچ جنبنده در زمین مگر که بر خدایست

رزقها ويعلم مستقرها ومستودعها كل في كتاب مبين

روزی آن ومیداند قرارگاه در حیات وآرامگاه آن را بعد از حیات وهمه آنها

بسم الله الرحمن الرحيم وان يمسسك الله بضر فلا كاشف له

بنام خداوند بخشنده مهربان واگر برساند ترا خدا آزاری در زیان پس نیست دفع کننده

الا هو وان يردك بخير فلا راد لفضله يصيب به من

مر آن را بجز او واگر خواهد بتو نعمت ونیست رد کننده فضل ورا میرساند

يشاء من عباده وهو الغفور الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

فضل خود را بهر که خواهد از بندگان خود واوست آمرزنده مهربان بنام خدای بخشنده مهربان

سيجعل الله بعد عسر يسرا ما شاء الله لا قوة الا

زود باشد که بدهد خدا بعد از دشواری آسانی آنچه خواسته خدا بشود نیست توانائی مگر

بالله حسبنا الله ونعم الوكيل وافوض امري الى الله

بخدا بس است مارا خدا وخوب کارگذاریست وباز میگذارم من کار خود سوی خدا

ان الله بصير بالعباد لا اله الا انت سبحانك اني

بدرستی خدا بیناست بر بندگان نیست خدای پرستش مگر تو پاکی تو بدرستی که

كنت من الظالمين رب اني لما انزلت الي من خير

هستم از ستمکاران ای پروردگار من بدرستیکه برای آنچه فرود فرستی بسوی من از نیکوئی

فقير رب لا تذرني فردا وانت خير الوارثين

محتاجم ای پروردگار من وامگذار مرا بی فرزند وتنها وتو بهترین وارثانی

ازجمله

از جملهٔ سنتهای مؤکد که حضرت رسول بر آن مواظبت
نمود تا از دنیا رفت روزهٔ سه روز در هر ماهست و آن
موافق مشهور پنجشنبه اول ماه و پنجشنبه آخر ماه و چهار
شنبه اول از دههٔ میان ماه است و در بعضی از روا
یات عکس این نیز وارد شده است اعنی چهارشنبه
اول ماه و پنجشنبه آخر و پنجشنبه اول از دههٔ میان
و اول اشهر و بهتر است و سنن الحضرت تا آل و الجبال
در فضیلت و تاکید و آن حضرت نماز سنت را در هر شب
و روز دو برابر نماز واجب مقرر فرمود هشت رکعت
نافله پیش از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از نماز
عصر و چهار رکعت بعد از نماز شام و دو رکعت نیز
بعد از نماز خفتن و چون نشسته کرده میشود برابر
یک رکعت است و یازده رکعت نماز شب و دو رکعت
پیش از نماز صبح و اینها متمم فریضه اند و در ثواب
و تاکید مثل آنند و مانند فریضه اگر ترک کند سنت
است که قضا کند و از برای ترک آن کفاره یک مد
از گندم یا جو برای نافلهٔ روز و یک مد از برای نافلهٔ
شب مقرر کرده اند و همچنین روزه سنت دو برابر
روزهٔ واجبست که تمام ماه شعبان است و دو ماه

و در دو ماه دیگر هر ماه سه روز و اگر روزه شود سنت است که
قضا کند و اگر در تابستان دشوار باشد سنت است
که در زمستان قضا کند و اگر دشوار باشد بدل هر روزی
یک درهم بدهند که بحساب زر ده دانگی سه بیستی و سه
تار باشد و بحساب زرهای ناقص این زمان احوط چهار
ده غازبکی است تا یک مد گندم که بحساب وسط صد و دو
بوزن قدیم صفاهان باشد و اگر صد درم شاه بدهند احوط
است و درهم دادن بهتر است و بسند صحیح از حضرت
صادق ع از حضرت منقولست که حضرت رسول ص مدتی
مدتی روزه میداشت بقدری که مردم گمان کردند
که هرگز افطار نخواهد کرد و مدتی افطار کرد که گمان کردند
که دیگر روزه سنت نخواهد گرفت پس مدتی روزه حضرت
داود گرفت که یک روز روزه میداشت و یکروز افطار می
فرمود پس در آخر عمر اکتفا بروزه سه روز هر ماه نمود
که گذشت تا آنکه بر امتان آسان باشد متابعت آنحضرت
و فرمود که این روزه ثوابش برابر است با روزه تمام سال
و وساوس شیطانرا از سینه برطرف میکند راوی گفت که
کدام روزهاست فرمود که پنجشنبه اول و چهارشنبه
اول دهه دوم و پنجشنبه آخر پرسید که چرا این روزها

روزه

روزه میداوند فرمود برای انکه عذاب بر امتهای سابق
در این روزها نازل میشده است پس امر کرد که در این روزها
روزه بدارند برای دفع عذاب و در روایتی فرمود که پنج
شنبه را برای این روزه میدارند که اعمال بندگان را در
این روز بر خدا عرض میکنند و چهارشنبه میان را برای
روزه میدارند که اتش جهنم در روز چهارشنبه خلق
شده است و بروایت دیگر هر عذاب که بر امتهای
گذشته نازل شده است در چهارشنبه میان ماه
نازل شده است و اگر در دهه اول دو پنجشنبه بود
باشد پنجشنبه اول را گرفتن بهتر است و اگر معتبر نشود
پنجشنبه دوم را بگیرند و اگر در دهه اخر دو پنجشنبه
بوده باشد موافق مشهور پنجشنبه دوم افضل است
چنانکه در حدیث صحیح وارد شده است و بروایتی
دیگر وارد شده است که پنج اول بهتر است و بعضی
حمل کرده اند که بر صورتی که محتمل باشد که پنجشنبه
دوم اول ماه دیگر باشد و بسند صحیح از حضرت صادق
منقولست که هرکه در هر ماه این سه روز را روزه دارد
باید که با هیچکس مجادله نکند و سفاهت و تندخوئی و بی
خودی نکند و مبادرت نکند بسوگند خوردن بخدا

واگر کسی با او سفاهت و بی‌خردی کند در گذرد و معارضه
نکند و اگر در این ایام روزه باشد و بخانه برادر مؤمن
وارد شود و او را تکلیف کند افطار کردن بهتر است
از روزه داشتن بهفتاد برابر یا نود برابر چنانچه در حدیث
معتبر از حضرت صادق منقولست و در حدیث دیگر فرمود
که هر که داخل شود بخانه برادر مؤمن و روزه باشد و
اظهار نکند که من روزه ام که بر او منت گذارد حق
ثواب روزه یکساله برای او بنویسد و اگر این سه روز را
در اول ماه یا میان ماه یا لزوما بعمل آورد خوبست و فی
الجمله متابعت سنت کرده است و ثواب روزه سال میابد
چنانچه حقتعالی فرموده مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ اَمْثالِها
یعنی هر که حسنه بدرگاه خدا بیاورد برای او هست ده برابر
آن و این مضمون در احادیث بسیار وارد شده است اما
بهتر آنست که بنحوی باشد که اول مذکور شد و از جمله روزه
های هر ماه ایام البیض است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
ماه و احادیث این سه روز از طریق عامه و خاصه منقول است
در بعضی از روایات وارد شده است که چون حضرت آدم
مرتکب آن امر مکروه شد در بهشت و او را بزمین فرستادند
بدنش سیاه بود یا بعد از قبول توبه بخط سیاهی از سر تا پا

او ماند

او مانده بود چون ملائکه این حالت را در آن دیدند خروش
بر آوردند و گریستند و استغاثه کردند بدرگاه حق تعالی
پس منادی از آسمان ندا کرد که امروز را روزه بدارید
و آن روز سیزدهم ماه بود و چون روزه داشت ثلث آن
سیاهی برطرف شد پس در روز چهاردهم ندا رسید که او
را نیز روزه بدار چون روزه داشت یک ثلث دیگر برطرف
شد پس در روز پانزدهم باز باو ندا رسید چون روزه
داشت تمام سیاهی برطرف شد پس باو ندا رسید از
آسمان که ای آدم روزهٔ این سه روز را برای تو و فرز
ندان تو مقرر کردم که هر که در هر ماه این سه روز را
بدارد چنان باشد که در تمام عمر خود روزه باشد و ابن
بابویه گفته است که روزهٔ دو پنجشنبه و چهارشنبه
بدل ایام البیض مقرر شده و منافات ندارد که هر دو سنت
باشد و دو پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه میان هر ماه
اما اکثر احادیث ایام البیض از طرق عامه است و ابن
طاوس علیه الرحمة از حضرت رسول صلعم روایت کرده است که
جبرئیل بر من نازل شد و گفت بگو بعلی ع که روزه بدارد
از هر ماه سه روز تا نوشته شود برای تو بسبب روز اول
روزه ده هزار سال و بروزهٔ روز دوم سی هزار سال

حضرت امیر گفت یا رسول الله این مخصوص منست یا برای
همه کس است حضرت فرمود که هر که از شیعیان تو این روزها را
روزه بدارد این ثواب برای او خواهد بود گفت کدام روز
هاست از ماه فرمود که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم است
و از جمله روزهاء مرغوب روزه روز چهارشنبه و پنج
شنبه و جمعه است برای کسی که حاجتی داشته باشد
چنانچه در ربیع الاسابیع در ضمن نمازهای حاجت ذکر کرده‌ام
و مشهور میان علما آنست که هر پنجشنبه و هر جمعه را روزه
گرفتن سنتست مگر آنکه موافق یکی از ایام محرمه یا مکروهه
واقع شود و بسند صحیح از حضرت صادق منقولست که کسی که
اراده عمل خیری داشته باشد مانند تصدق کردن و روزه
داشتن و مثل اینها باید که در روز جمعه بعمل آورد زیرا که
ثواب عمل در روز جمعه مضاعف است و ابن جنید رحمه الله
گفته است که مستحب نیست روز جمعه را تنها روزه گرفتن
و اگر ملحق سازد بآن یک روز پیش یا یک روز بعد را جایز است
و گفته است که استحباب روزه در روز دوشنبه و پنجشنبه
منسوخ است و روز شنبه نهی از آن وارد شده است
مؤلف گوید که اکثر آنچه ابن جنید گفته خلاف مشهور میان
علما است و شیخ طوسی علیه الرحمه در مصباح گفته است که

ترغیب

ترغیب در روزهٔ روز جمعه وارد شده است وبهتر انست
که او را تنها روزه ندارد مگر یک روز بیشتر روزه بدارد
و گمان فقیر انست که نهی از تنها گرفتن روزه روز جمعه
محمول بر تقیه است زیرا که سنیان این حدیث را از ابو هریره
نقل کرده اند و بعضی از علما نهی از روزه جمعه را حمل کرده
اند بر انکه کراهت ان در صورتیست که او را ضعیف
کند از فرایض و نوافل و دعاهای روز جمعه و این
حمل نیست و اما روز دوشنبه احادیث بر نهی از روزه
ان واقع شده است و بهتر ترک انست خصوصا هرگاه بقصد
برکت روز دوشنبه باشد مگر انکه با روز متبرکه از روزهای
ماه واقع شود مثل غدیر و مبعث و مولد و امثال اینها
و نهی از روزه دوشنبه بنظر فقیر نرسیده اما فضیلتی هم در
روزه ان بخاطر ندارم مگر انچه شیخ مفید روایت کرده
است که هر که در یکی از ماههای حرام یعنی رجب و ذی
القعده و ذی الحجه و محرم پنج شنبه و دوشنبه را روزه
بدارد حق تعالی برای او ثواب عبادت هفتصد سال بنویسد

باب یازدهم در بیان زیارات حضرت رسول خدا و ائمه
هدی صلوات الله علیهم است بغیر انچه سابقا مذکور شد
بدانکه زیارت حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله

است در همهٔ اوقات از نزدیک و دور مستحب است
واگر بعد از غسل افضل است خصوصاً در شب وروز
جمعه وسایر ایام ولیالی متبرکه ودر کتاب تحفة الزائر
بتفصیل ذکر کرده ام ودراین مقام بذکر چند زیارة بعید
وزیارة جامعه ودعای ندبه وصلواة فرستادن برایشان
اکتفا می نمایم اما زیارة حضرة رسالت ص از حضرة رسول
منقولست که خدارا ملکی چند هست که میکردند بدور منبر
وهرکه از امت من برمن سلام وصلواة میفرستد وبسند
معتبر از امام محمد باقر ع منقولست که ملکی از ملائکه از
خدا سؤال نمود که هرچه بدرگاه خدا گوید او بشنود
وحقتعالی با وعطا کرد پس آن ملک ایستاده است تا
روز قیامت وهرکه از مؤمنان بگوید صلی الله علی محمد
وَآلِهِ وَسَلَّمَ البته آن ملک میگوید وَعَلَیْکَ یعنی
بر تو باد نیز سلم پس آن ملک میگوید یا رسول الله
فلان شخص سلام رسانیده است بر شما پس حضرت
میفرمایند وعلیه السلم یعنی بر او باد سلام وبسند
معتبر از حضرة امیر المؤمنین منقولست که حضرة رسول ص
فرمود که هرکه در هرجای زمین برمن سلم کند بمن میرسد
وهرکه نزد قبر من برمن سلم کند من میشنوم ودر حدیث

حسن

حسن از حضرمی منقولست که حضرت صادق مرا امر
فرمود که در مسجد رسول خدا بسیار نماز کنم تا توانم
و فرمود که همیشه ترا میسر نمیشود که باین مکان
شریف بیائی و فرمود که نزد قبر رسول صلی الله علیه
و آله میروی گفتم بلی فرمود که بدرستی که سلامی از
نزدیک میکنی آنحضرت میشنود و اگر دور باشی سلامت
بآنحضرت میرسد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت
منقولست که بروید بمدینه و سلام کنید بر رسول
خدا هر چند صلوات مومنان در هر جا که بفرستند
بآنحضرت میرسد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست
که صلوات فرستید بر حضرت رسول در پهلوی قبر آنحضرت
هر چند صلوات مومنان هر جا که باشند بآنحضرت
میرسد و این حدیث احتمال این نیز دارد که در
نزدیک و دور نماز کنند و ثوابش را هدیه روح مقدس
آنحضرت کنند و احادیث صلوات و سلام بر آنحضرت
و زیارت آنحضرت در شهرهای دور بسیار است و بسند
صحیح منقولست که ابن ابی نصر بخدمت حضرت
امام رضا عرض کرد که بعد از آنکه نماز چگونه صلوات
و سلام بر حضرت رسول باید فرستاد فرمود که میگوئی

السلام علیک یا رسول الله ورحمة الله وبرکاته

سلام بر تو ای رسول خدا و بخشش خدا و زیادتیهای او

السلام علیک یا محمد بن عبد الله السلام علیک

سلام بر تو ای محمد پسر عبد الله سلام بر تو

یا خیرة الله السلام علیک یا حبیب الله السلام

ای برگزیده خدا سلام بر تو ای دوست خدا سلام

علیک یا صفوة الله السلام علیک یا امین الله اشهد

بر تو ای دوست خالص خدا سلام بر تو ای معتمد خدا گواهی میدهم

انک رسول الله واشهد انک محمد بن عبد الله واشهد

اینکه بتحقیق تو رسول خدا و گواهی میدهم اینکه بتحقیق محمد پسر عبد الله و گواهی میدهم

انک قد نصحت لامتک وجاهدت فی سبیل ربک

اینکه بتحقیق تو پند دادی امت خود و کارزار نمودی در راه پروردگار خود

وعبدته حتی اتاک الیقین فجزاک الله یا رسول الله

و پرستیدی او را تا آنکه آمد ترا مرگ پس پاداش دهد ترا خدای ای رسول خدا

افضل ما جزی نبیا عن امته اللهم صل علی محمد

بهترین آنچه پاداش که داده پیغمبر خود را از امتش خداوندا رحمت بفرست بر محمد

وآل محمد افضل ما صلیت علی ابرهیم وآل ابرهیم

و آل محمد بهترین آنچه فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم

انک حمید مجید و در روایت معتبر دیگر از حضرت

بدرستیکه تو ستوده بزرگی

صادق

صادق منقولست که هر که خواهد زیارت کند قبر حضرت
رسول و قبر حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین را
و قبرهای حجتهای خدا را صلوات الله علیهم اجمعین
و او در شهرهای خود باشد پس غسل کند در روز جمعه
و دو جامهٔ پاکیزه بپوشد و بیرون رود بصحرائی پس چهار
رکعت نماز بگذارد با هر سوره که میسر شود و بایستد رو
بقبله
اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَ
و بگوید
سلام بر تو ای پیغمبر و رحمت خدا و
بَرَکَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ الْمُرْسَلُ وَالْوَصِیُّ
برکتهای او سلام بر تو ای پیغمبر فرستاده شده و ای وصی
الْمُرْتَضَی وَالسَّیِّدَةُ الزَّهْرَاءُ وَالسِّبْطَانِ الْمُنْتَجَبَانِ
پسندیده و ای خاتون درخشنده و ای دو فرزند زاده برگزیده پیغمبر
وَالْاَوْلَادُ الْاَعْلَامُ وَالْاُمَنَاءُ الْمُنْتَجَبُونَ جِئْتُ
و ای فرزندان پیغمبر که نشانهای هدایت و امانت داران برگزیده اند آمدم
اِنْقِطَاعًا اِلَیْکُمْ وَاِلَی اٰبَائِکُمْ وَوَلَدِکُمُ الْخَلَفِ عَلَی
بریده از خلق بسوی شما و بسوی پدران شما و فرزند شما که جانشین شماست بر
بَرَکَةِ الْحَقِّ فَقَلْبِی لَکُمْ مُسَلِّمٌ وَنُصْرَتِی لَکُمْ مُعَدَّةٌ
زیارت راستی پس دل من برای شما منقاد است و یاری من برای شما مهیاست
حَتَّی یَحْکُمَ اللهُ لِدِینِهِ فَمَعَکُمْ لَا مَعَ عَدُوِّکُمْ اِنِّی
تا آنکه حکم کند خدا برای دین خود پس منم با شما نه با دشمن شما بدرستی که

القائلين بفضلكم مقر برجعتكم لا انكر لله قدرة ولا
روزانه که قایلند بفضل شما اقرار دارنده ام به بازگشت شما انکار نمیکنم برای خدا
ازعم الا ما شاء الله سبحان الله ذي الملك والملكوت
و اعتقاد نمیکنم مگر آنچه را که خواسته خدا پاکست خدا خداوند سلطنت و پادشاهی
يسبح الله باسمائه جميع خلقه والسلام على ارواح
تنزیه می کند خدا را بنامهای او همه خلق او و سلام بر جانهای شما
واجسادكم والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته
و بدنهای شما و سلام بر شما و رحمت خدا و برکتهای او

و در روایت دیگر وارد است که این زیارت را در بام
خانه خود بکن و زیارت حضرت فاطمه سابقا مذکور شد
اما زیارت حضرت امام حسین ع بسندهای معتبر از سدیر صیرفی
منقولست که گفت حضرت صادق ع بمن فرمود که چه مانع است
ترا از اینکه زیارت قبر امام حسین را در هر هفته پنج مرتبه
یا در هر روزی یک مرتبه کنی گفتم فدای تو شوم میان من
و آن حضرت فرسخهای بسیار است فرمود که بالا میروی
ببام خانه خود پس ملتفت میشوی بجانب راست و چپ
خود پس سر خود را بجانب آسمان بلند میکنی پس رو بجانب
قبر امام حسین میکردانی و میگوئی السلام عليك
يا ابا عبد الله السلام عليك يا ابن
سلام برتو باد

رسول الله

یا بن رسول الله السلام علیک ورحمة الله وبرکاته

ای پسر رسول خدا سلام بر تو ورحمتهای خدا و برکتهای او

تا نوشته شود برای تو ثواب حجی و عمرهٔ سدیر گفت که
کم بسیار است که من در روزی زیاده از بیست مرتبه
چنین زیارة میکنم و بسند صحیح از آن حضرة منقولست
کسی که ناحیه اش بعید و خانه اش دور باشد از ما پس بالا
رود ببام خانهٔ خود و دو رکعت نماز بگذارد و اشاره کند
بسلام بسوی قبرهای ما که آن سلام بما میرسد و در حدیث
معتبر منقول است از سلیمان بن عیسی که گفت پدرم عرض کرد
بخدمت حضرة صادق که چگونه ترا زیارة کنم هرگاه قادر
بر آمدن بخدمت تو نباشم فرمود که ای عیسی هرگاه قادر بر آمدن
نباشی چون روز جمعه شود غسل کن یا وضو بساز و بالا رو
ببام خانهٔ خود و دو رکعت نماز بکن و متوجه بسوی من بگو
که هر که مرا زیارة کند در حیوة من چنانست که مرا زیارة کرده
بعد از موت من و کسی که مرا زیارة کند بعد از موت من چنانست
که مرا زیارة کرده است بعد از موت من و کسی که مرا زیارت کند
بعد از موت من چنانست که مرا زیارة کرده باشد در حیوة من
مؤلف گوید که این حدیث دلالت می کند بر اینکه در این زمان
حضرت صاحب الامر را در هر موضعی زیارة توان کردن

و اگر رو ببام کند در وقت زیارت بهتر است و بعضی از ز
یارات مخصوصهٔ آن حضرت مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی
و در حدیث معتبر دیگر مرویست که حضرت صادق عم به سدیر
فرمود که بسیار زیارت میکنی قبر حسین بن علی علیه السلم را گفت
از بسیاری شغل میسر نمیشود گفت که میخواهی ترا
چیزی تعلیم نمایم که هرگاه بکنی از برای تو ثواب زیارت
آنحضرت نوشته شود گفت بلی فدای تو شوم فرمود که غسل
بکن در خانهٔ خود بالای بام خانهٔ خود و اشاره کن بجانب
آن حضرت بسلام کردن تا نوشته شود برای تو ثواب آن
و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حنان بن سدیر رفت
بخدمت حضرت صادق عم و نزد آنحضرت جماعتی از اصحاب او
بودند پس فرمود که ای حنان زیارت امام حسین عم میکنی هر ماه
یکمرتبه گفت نه فرمود که هر دو ماه یکمرتبه گفت نه فرمود
که هر سال یک مرتبه گفت نه فرمود که چه بسیار جفا
کارید نسبت با آقای خود گفت یا بن رسول الله مانع من
کمی توشه و دوری مسافت است فرمود که میخواهی که
شما را دلالت کنم بزیارتی که مقبول باشد هر چند کننده
دور باشد گفت چگونه زیارت کنم یا بن رسول الله فرمود
که غسل بکن در روز جمعه یا هر روز که خواهی و بپوش

پاکیزه

پاکیزه ترین جامهای خود را و بالا برو بر بلندترین بنای
خانه خود یا برو بصحرای و رو بجانب قبر کن و بگو اینجا
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَابْنَ مَوْلایَ وَسَیِّدِی وَابْنَ
سلام بر تو ای صاحب اختیار من و فرزند صاحب اختیار من و ای آقای من
سَیِّدِی اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا قَتِیلُ بْنَ الْقَتِیلِ
آقای من سلام بر تو ای آقای من ای مقتول فرزند مقتول
الشَّهِیدَ بْنَ الشَّهِیدِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ
ای شهید پسر شهید سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش
اَنَا زائِرُکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ بِقَلْبِی وَلِسانِی وَجَوارِحِی
من زیارت کننده ام ای فرزند رسول خدا بدل خود و زبان خود و اعضای خود
وَاِنْ لَمْ اَزُرْکَ بِنَفْسِی وَالْمُشاهَدَةِ لِقُبَّتِکَ فَعَلَیْکَ
و اگر چه زیارت نکرده ام ترا با بنفس خود و بمشاهده قبه تو پس بر تو باد
اَلسَّلامُ یا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ وَوارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللهِ
سلام ای وارث آدم برگزیده خدا و ای وارث نوح پیغمبر خدا
وَوارِثَ اِبْرٰهِیمَ خَلِیلِ اللهِ وَوارِثَ مُوسٰی کَلِیمِ اللهِ
و ای وارث ابراهیم دوست خدا و ای وارث موسی سخن گوی خدا
وَوارِثَ عِیسٰی رُوحِ اللهِ وَکَلِمَتِهِ وَوارِثَ مُحَمَّدٍ
و ای وارث عیسی روح خدا و کلمه او و ای وارث محمد
حَبِیبِ اللهِ وَنَبِیِّهِ وَرَسُولِهِ وَوارِثَ عَلِیٍّ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ
حبیب خدا و پیغمبر او و فرستاده او و ای وارث علی پادشاه مؤمنان

ووصي رسول الله وخليفته ووارث حسن بن علي

ووصی رسول خدا وجانشین او ای وارث حسن بن علی

وصي امير المؤمنين لعن الله قاتليك وجدد عليهم

وصی پادشاه گروندگان لعنت کند خدا کشندگان ترا وتازه کند برایشان

العذاب في هذه الساعة وفي كل ساعة انا يا سيد

عذاب را در این ساعت ودر این هر ساعت ای آقای من

متقربا الى الله جل وعز والى جدك رسول الله و

نزدیکی جوینده ام بسوی خدا بزرگوار است وغالب وبسوی جد تو رسول خدا

الى ابيك امير المؤمنين والى اخيك الحسن والبك

بسوی پدر تو پادشاه گروندگان وبسوی برادر تو حسن وبسوی تو

يا مولاي عليك سلام الله ورحمته وبركاته وانا

ای مالک من بر تو باد سلام خدا ورحمت او وزیادتیهای او …

لك بقلبي ولساني وجميع جوارحي فكن يا سيدي

ترا بدل خود وزبان وهمه اعضای خود پس باش ای بزرگ

شفيعي لقبول ذلك مني وانا بالبراءة من اعدائك

درخواست کننده من برای پذیرفتن آن از من …

واللعنة لهم وعليهم انقرب الى الله واليكم

ولعنت … نزدیکی … بسوی خدا وبسوی شما

اجمعين فعليك صلوات الله ورضوانه ورحمته

همه پس بر تو باد … خدا …

پس ایدکه

پس اندکی میگردی بجانب چپ خود و رو میگردانی بسوی
قبر علی بن الحسین که او نزد پای پدر خود مدفون است
و سلام میکنی بر او و مثل این سلام پس دعا میکنی و مطلب
حاجتهای دنیا و آخرة خود را پس چهار رکعت نماز میکنی
که نماز زیارة هشت رکعت است یا چهار رکعت یا دو
رکعت و بهترش هشت رکعت است پس رو میکنی
بجانب قبر امام أَنَا مُوَدِّعُكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ
وَحَبِيبِي و میگوئی
من وداع کننده ام ترا ای صاحب اختیار من و پسر صاحب اختیار من
وَسَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُوَدِّعُكُمْ
و آقای من و پسر آقای من ای علی پسر حسین و وداع کننده ام
يَا سَادَاتِي يَا مَعْشَرَ الشُّهَدَاءِ فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللهِ وَ
ای آقایان من ای گروه شهیدان پس بر شما باد سلام خدا
رَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ وَرِضْوَانُهُ مؤلف گوید که چون
و رحمت او و برکتهای او و خشنودی او
این حدیث تشویش و اضطراب
دارد بهتر آنست که همین زیارة را با وداع چنانچه رو
بقبر شریف میخواند رو بقبله نیز بکند تا آنکه بهمه احتمال
عمل کرده باشد و در زیارة حضرت علی بن الحسین بجای
یا وارث یا ابن وارث بخواند یا از وارث قصد ما مثل
و خلاف نکند زیرا که آنحضرت امام نبوده است و بدانکه

این حدیث دلالت میکند براینکه اگر از دور کسی زیارت کند
نماز زیارت را بعد از زیارت باید بکند و احادیث بسیار
دلالت کرده بر آنکه پیش باید بکند و دور نیست که مخیر
باشند و اگر این زیارت را کنند بهمین نحو که وارد شده است
بکنند و از این احادیث معلوم میشود که غسل از برای
زیارت بعید مستحب است و از بعضی هم مفهوم شد که نیز
غسل میتوان نکرد و از بعضی عموما مفهوم میشود که در
خالی نتوان کرد چنانچه اکثر علما گفته اند و اگر در بام
خانه یا صحرا واقع شود احوط و اولیست و در حدیث
معتبر از حسین ابن ثویر منقولست که بحضرت صادق عرض
کرد که من بسیار حضرت امام حسین را یاد میکنم در آن وقت
چه بگویم فرمود که سه مرتبه بگو صلی الله علیک یا
ابا عبد الله که زیارت میتوان کرد ائمه علیهم السلام را از
اندور چنانچه از نزدیک ایشان زیارت میکنند اما در بجای
که اتیتک زائرا نگوید بلکه بگوید قصدتک بقلبی
زائرا ان عجزت عن حضور مشهدک و وجهت الیک
زیارت کننده زیرا که عاجز بودم از حاضر شدن مشهد ترا در دور دادم بسوی تو
سلامی لعلمی انه یبلغک صلی الله علیک فاشفع
هر روز فرستادن کردم که بعلم داشتن من که آن سلام را برسد بتو رحمت فرستد خدا بر تو

عند

عِنْدَ رَبِّكَ جَلَّ وَعَزَّ ودعا کن اینچه خواهی و بعضی از
نزد پروردگار تو بزرگوار است دعا
اکابر علما روایت کرده است از ابو
الحسن فارسی که من بسیار بزیاره امام حسین ع میرفتم پس
چندی بسبب پیری و کمی مال توفیق زیاره آنحضرت
نیافتم پس شبی حضرة رسول ص و آله را در خواب دیدم که
امام حسن و امام حسین ع در خدمت آنحضرة بودند چون من
بنزدیک ایشان رسیدم امام حسین گفت یا رسول الله این
مرد مرا بسیار زیارت میکرد و اکنون ترک کرده است حضرت
رسول متوجه من کردید و فرمود که یا ترک زیاره مثل چنین
میتوان کرد گفتم یا رسول الله قلت مال و پیری مرا مانع این شده
کردیده است حضرة فرمود که هر شب بر بام خانه خود رو و با
نکشت شهادة بسوی قبر آنحضرة اشاره کن و بگو اَلسَّلَمُ
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَی جَدِّكَ وَاَبِیكَ اَلسَّلَمُ
سلام
بر تو و بر جد تو و پدر تو سلام
عَلَیْكَ وَعَلَی جَدِّكَ وَاَبِیكَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَی اُمِّكَ
بر تو و بر جد تو سلام بر تو باد و بر مادر تو
وَاَخِیكَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَی الْاَئِمَّةِ مِنْ بَنِیكَ اَلسَّلَم
و برادر تو سلام بر تو باد و بر پیشوایان از فرزندان تو سلام
عَلَیْكَ یَا صَاحِبَ الدَّمْعَةِ السَّاکِبَةِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا صَاحِبَ
بر تو باد ای صاحب سرشک روان سلام بر تو باد ای

الدمعة الساكبة السلام علیك یا صاحب المصیبة الراتبة
سرشك روان سلام بر تو باد ای صاحب مصیبت ثابت هر آینه

لقد اصبح كتاب الله فیك مهجوراً و رسول الله فیك
بحقیقت گردید كتاب خدا در حق تو فرو گذاشته شده و رسول خدا در باره تو

موتوراً السلام علیك و رحمة الله و بركاته السلام علی امناء
چون واترو شده سلام بر تو و بخشش خدا و زیادتیهای سلام بر امینان

الله و خلفائه السلام علی امناء الله و احبائه السلام
خدا و خلیفهای او سلام بر امانت داران خدا و دوستان او سلام

علی محال معرفة الله و معادن حكمة الله و حفظة سر الله
بر جاهای شناخت خدا و کانهای حکمت و علم خدا و ضبط کنندگان راز خدا

و حملة كتاب الله و اوصیاء نبی الله و ذریة رسول الله
و بر دارندگان کتاب خدا و وصیهای پیغمبر خدا و فرزندان رسول خدا

و رحمة الله و بركاته پس هر حاجت که خواهی از خدا سؤال کن
و رحمت خدا و برکتهای او پس اگر چنین کنی زیارة تو از دور و نزدیك

هر دو مقبولست و اما زیارة سایر ائمه از نزدیك و دور از هر جهت
لهذا زیارت جامعه است که ابن بابویه و دیگران بسند معتبر روایت
کرده اند که شخصی از حضرت امام علی نقی ع سؤال نمود که ای فرزند
رسول خدا بمن تعلیم نما سخن بلیغ کاملی که از آن بخوانم هرگاه زیارة
کنم یکی از شما را فرمود که چون بدرگاه برسی بایست و بگو

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ وَاَشْهَدُ
گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش بغیر از خدا حال آنکه یگانه است نیست شریکی برای او و گواهی
اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ و باید که با غسل باشی پس چون
اینکه محمد بنده و فرستاده اوست داخل شوی و قبر را به بینی بایست
و سه مرتبه الله اکبر بگو پس راه برو و با آرام دل و آرام تن
و گامها را نزدیک بیکدیگر بگذار پس بایست و سی مرتبه الله
اکبر بگو پس نزدیک قبر برو و چهل مرتبه الله اکبر بگو که صد مرتبه
تکبیر تمام شود اَلسَّلامُ عَلَیْكُمْ یا اَهْلَ بَیْتِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعَ
پس بگو
سلام بر شما ای اهل خانه پیغمبری و جای
الرِّسالَةِ وَمُخْتَلَفَ الْمَلائِكَةِ وَمَهْبِطَ الْوَحْیِ وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ
پیغامهای الهی و محل آمدن و رفتن فرشتگان و جای فرود آمدن وحی خدا
وَخُزّانَ الْعِلْمِ وَمُنْتَهَی الْحِلْمِ وَاُصُولَ الْكَرَمِ وَقادَةَ الْاُمَمِ
و خزینه داران علم الهی و صاحبان نهایت بردباری و ریشه کرمهای خداوند گشته
وَاَوْلِیاءَ النِّعَمِ وَعَناصِرَ الْاَبْرارِ وَدَعائِمَ الْاَخْیارِ
بسوی راه حق و دستیابهای جمیع نعمتهای خداوند و اصل جمیع نیکوکاران و ستونهای
وَساسَةَ الْعِبادِ وَاَرْكانَ الْبِلادِ وَاَبْوابَ الْاِیمانِ
و تدبیر کنندگان جمیع بندگان و موجب بقای همه شهرهای دنیا و درهای ایمان .
وَاُمَناءَ الرَّحْمٰنِ وَسُلالَةَ النَّبِیّینَ وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلینَ
و امینان خداوند مهربان و فرزندان پیغمبر و برگزیده پیغمبران علیهم السلام

وَعِتْرَةَ خِيَرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ

و خویش و فرزندان برگزیده پروردگار عالمیان و بر شما باد رحمت خدا و برکتهای او سلام

عَلَى اَئِمَّةِ الْهُدَى وَمَصَابِيحِ الدُّجَى وَاَعْلَامِ التُّقَى وَ

بر پیشوایان راه هدایت و چراغهای تاریکیهای جهالت و نشانهای راه پرهیزکاری و

ذَوِي النُّهَى وَاُولِي الْحِجَى وَكَهْفِ الْوَرَى وَوَرَثَةِ

صاحبان عقل و ارباب زیرکی و پناه همه خلایق و وارثان جمیع

الْاَنْبِيَاءِ وَالْمَثَلِ الْاَعْلَى وَالدَّعْوَةِ الْحُسْنَى وَحُجَجِ اللهِ

پیغمبران و مثل بلند خدا و دعای نیکو و حجتهای خدا

عَلَى اَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْاُولَى وَرَحْمَةُ اللهِ وَ

بر اهل دنیا و بر آیندگان و بر پیشینیان از نعمتهای گذشته و بر او

بَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ اِلَى اللهِ وَالْاَدِلَّاءِ عَلَى مَرْضَاةِ

و نعمتهای خدا سلام بر خوانندگان خلق بسوی خدا و راه نمایندگان بر خشنودی

اللهِ وَالْمُسْتَقِرِّينَ فِي اَمْرِ اللهِ وَالتَّامِّينَ فِي مَحَبَّةِ اللهِ وَ

خدا و قرارگاه یافتگان در خلافت خدا و کاملان در دوستی خدا و

الْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللهِ وَالْمُظْهِرِينَ لِاَمْرِ اللهِ وَنَهْيِهِ

خالص گردانندگان خود در توحید خدا و ظاهر کنندگان امر خدا و نهی خدا

وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ وَهُمْ بِاَمْرِهِ

و بندگان گرامی خدا آنان که پیشی نمی‌گیرند بر خدا بگفتار و ایشان به امر خدا

يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى الْاَئِمَّةِ الدُّعَاةِ

عمل می‌کنند و بر ایشان باد رحمت خدا و برکتهای خدا سلام بر امامان خوانندگان

وَالْقَادَةِ

وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ وَالذَّادَةِ الْحُمَاةِ

و کشندگان براه حق دهندگان بزرگواران و پادشاهان این و دفع کنندگان

وَاَهْلِ الذِّكْرِ وَاُولِي الْاَمْرِ وَبَقِيَّةِ اللّٰهِ وَخِيَرَتِهِ وَحِزْبِهِ

و اهل علم و شرف و خداوندان امر امامت و بقیه دوستان خدا و برگزیدگان حزب

وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَ

و صندوق علم خدا و حجت خدا و راه راست خدا و نور خدا و رحمتهای خدا

بَرَكَاتُهُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

برکتهای خدا گواهی میدهم که نیست خدایی مگر خداوند یگانه که نیست شریکی برای او

كَمَا شَهِدَ اللّٰهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَاُولُوا

چنانچه گواهی داده است خدا از برای خود و گواهی داده اند از برای او فرشتگان و

الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَاَشْهَدُ اَنَّ

علم داران از خلق او نیست خدایی بجز او که غالب است و درست کار و گواهی

مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى اَرْسَلَهُ بِالْهُدَى

اینکه محمد بنده برگزیده او و فرستاده پسندیده اوست فرستاد او را با هدایت

وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

و دین درست تا غالب گرداند او را بر همه دینها هر چند نخواهند مشرکان

وَاَشْهَدُ اَنَّكُمُ الْاَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمَعْ

و گواهی میدهم که همچنین شما امامان رستگاران براه حق و هدایت یافتگان

الْمُكَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ

از گناه گرامی داشتگان نزدیک شدگان پرهیزکاران راستگویان برگزیدگان

الْمُطِيعُونَ لِلّٰهِ الْقَوَّامُونَ بِاَمْرِهِ الْعَامِلُونَ بِاِرَادَتِهِ

فرمان برداران مر خدای را ورزندگان مر دم براه راست بامر خدا عمل کنندگان

الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ اِصْطَفٰيكُمْ بِعِلْمِهِ وَارْتَضٰيكُمْ لِغَيْبِهِ

فیروز رسیدگان بمراحم لطف خود برگزیده است شما را برای علم خود و پسندیده است شما را

وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَاجْتَبٰيكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَاَعَزَّكُمْ بِهُدَاهُ وَ

و برگزیده شما را برای راز پنهان خود و برگزیده شده شما را بقدرت خود و عزیز کرده

خَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ وَاَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ وَرَضِيَكُمْ

و مخصوص کرد شما را ببرهان خود و برگزیده شما را بنور خود و تأیید کرد شما را بروح خود

خُلَفَاءَ فِي اَرْضِهِ وَحُجَجًا عَلٰى بَرِيَّتِهِ وَاَنْصَارًا لِدِينِهِ

و پسندیده شما را جانشینهای خود در زمین خود و حجتها بر آفریدگان خود و یاران خود برای دین خود

حَفَظَةً لِسِرِّهِ وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَمُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ وَتَرَاجِمَةً

نگاه دارندگان برای راز خود و خزینه داران برای علم خود و امانت داران برای حکمت

لِوَحْيِهِ وَاَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ وَشُهَدَاءَ عَلٰى خَلْقِهِ وَاَعْلَامًا

کنندگان برای وحی خود و روشنی بخشندگان خود و ستونهای برای توحید و گواهان خود بر خلق

لِعِبَادِهِ وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَاَدِلَّاءَ عَلٰى صِرَاطِهِ عَصَمَكُمُ

هدایت برای بندگان خود و روشن کنندگان در شهرهای خود و راه نمایان بر راه دین خود نگاه داشت

اللّٰهُ مِنَ الزَّلَلِ وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَ

خدا از لغزش و ایمن گردانید شما را از فتنهها و پاک کرد شما را از چرک

اَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ

و دور کرد از شما پلیدی را و پاک گردانید شما را پاک کردنی

واكبرتم

وَاَكْبَرْتُمْ شَاْنَهُ وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ وَاَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ وَوَكَّدْتُمْ

و بزرگ شمردید نیکو کاری او را و تعظیم نمودید بزرگواری او را و دائم گردانیدید یاد او را و محکم کردید

مِيثَاقَهُ وَاَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَ

پیمان او را و محکم نمودید قرار بر فرمانبری او را و خیرخواهی نمودید برای او در نهان و

الْعَلَانِيَةِ وَدَعَوْتُمْ اِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

آشکار و خواندید مردم را بسوی راه راست او به حکمت و پند

الْحَسَنَةِ وَبَذَلْتُمْ اَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا

نیکو و دادید جانهای خود در خشنودی او و شکیبائی کردید بر آنچه

اَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ وَاَقَمْتُمُ الصَّلٰوةَ وَاَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ

بشما رسید در راه قرب او و برپا داشتید نماز را و امر کردید به نیکی و

نَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتُمْ فِي اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى

نهی کردید از بدی و جهاد کردید در راه خدا چنانچه سزاوار جهاد او

اَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ وَاَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَ

آشکار کردید دین او را و بیان نمودید واجبات او را و برپا داشتید حدهای او را

نَشَرْتُمْ شَرَائِعَ اَحْكَامِهِ وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ وَصِرْتُمْ فِي

پهن کردید راههای احکام او را و وضع کردید سنتهای او را و گشتید در

ذٰلِكَ مِنْهُ اِلَى الرِّضَا وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ وَصَدَّقْتُمْ

جهاد از خدا بسوی خشنودی و تسلیم کردید برای خدا قضای او را و تصدیق نمودید

مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى فَالرَّاغِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَاللَّازِمُ

از پیغمبران خدا هر که را گذشت پس روی گردان از شما از دین بدر است

لكم لاحق والمقصر في حقكم زاهق والحق معكم وفيكم

و هر که لازم است طریق شما به شما ملحق است و هر که کوتاهی کند در حق شما هلاکت [illegible]

ومنكم واليكم وانتم اهله ومعدنه وميراث النبوة

و از شماست و به سوی شماست و شمایید اهل حق و معدن او و میراث پیغمبری

عندكم واياب الخلق اليكم وحسابهم عليكم وفصل

نزد شماست و بازگشت خلق در قیامت به سوی شماست و حساب ایشان بر شماست و جدا کننده

الخطاب عندكم وآيات الله لديكم وعزائمه فيكم و

حق و باطل نزد شماست و آیتهای خدا نزد شماست و امور لازمه خدا در شماست و

نوره وبرهانه عندكم وامره اليكم من والاكم فقد

نور خدا و برهان خدا نزد شماست و امر خدا به سوی شماست هر که دوست دارد شما را پس بتحقیق

الله ومن عاداكم فقد عادى الله ومن احبكم فقد احب

خدا و هر که دشمنی کند با شما پس بتحقیق که دشمنی کرده با خدا و هر که دوست دارد شما را پس بتحقیق

ومن ابغضكم فقد ابغض الله ومن اعتصم بكم فقد

و هر که دشمن دارد شما را پس بتحقیق دشمن داشته خدا را و هر که چنگ زند به شما پس بتحقیق

بالله انتم السبيل الاعظم والصراط الاقوم و

در متابعت خدا شمایید راه بزرگ خدا و راه راست خدا و گواهان خانه

شهداء دار الفناء وشفعاء دار البقاء والرحمة

و گواهان خانه فانی و شفیعان خانه باقی و رحمت

الموصولة والآية المخزونة والامانة المحفوظة

پیوسته و علامت پنهان خدا و خزینه نهاده و امانت خدا که نگاه داشته

والباب

وَالْبابُ الْمُبْتَلى بِهِ النّاسُ مَنْ اَتاكُمْ فَقَدْ نَجى وَمَنْ لَمْ
و درگاهی که امتحان کرده شدند به آن مردم را هر که بنزد شما آمد پس بتحقیق نجات یافت و هر که نیامد
يَاْتِكُمْ فَقَدْ هَلَكَ اِلَى اللهِ تَدْعُونَ وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ وَبِهِ
به نزد شما پس بتحقیق هلاک شد بسوی خدا میخوانید و بر او دلالت میکنید و به او
تُؤْمِنُونَ وَلَهُ تُسَلِّمُونَ وَبِاَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَاِلى سَبيلِهِ تُرْشِدُونَ
ایمان می‌آورید و از برای او انقیاد می‌نمایید و به امر او عمل میکنید و بسوی راه او ارشاد میکنید
وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ سَعِدَ وَاللهِ مَنْ والاكُمْ وَهَلَكَ مَنْ
و بگفته او حکم میکنید رستگار شد هر که با شما دوستی کرد و هلاک شد هر که با شما
عاداكُمْ وَخابَ مَنْ جَحَدَكُمْ وَضَلَّ مَنْ فارَقَكُمْ وَفازَ
دشمنی کرد و ناامید شد هر که انکار شما کرد و گمراه شد هر که از شما جدا شد و رستگار شد
مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَاَمِنَ مَنْ لَجَاَ اِلَيْكُمْ وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ
هر که چنگ زد بشما و ایمن شد هر که پناه آورد بسوی شما و بسلامت ماند هر که تصدیق شما کرد
وَهُدِيَ مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ مَنِ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَاْواهُ
و هدایت یافت هر که دست زد بشما هر که متابعت شما کرد پس بهشت جای اوست
وَمَنْ خالَفَكُمْ فَالنّارُ مَثْواهُ وَمَنْ جَحَدَكُمْ كافِرٌ وَمَنْ
و هر که مخالفت کرد شما را پس آتش جهنم قرارگاه اوست و هر که انکار کرد شما را کافر است و هر که
حارَبَكُمْ مُشْرِكٌ وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ في اَسْفَلِ دَرْكٍ
با شما جنگ کرد مشرک است و هر که رد کرد بر شما در پایین‌ترین درکه
مِنَ الْجَحيمِ وَاَشْهَدُ اَنَّ هذا سابِقٌ لَكُمْ فيما مَضى وَ
از جهنم است و گواهی میدهم که این فضیلت سابق است از برای شما در گذشته و

جار لكم فيما بقي وان ارواحكم ونوركم وطينتكم

جار بحث برای در آینده و آنکه روحهای شما و نور شما و طینت شما

واحدة طابت وطهرت بعضها من بعض خلقكم الله

و یک است پاکیزه است و پاک است بعضی از آن از بعضی است آفرید شما را خدا

انوارا وجعلكم بعرشه محدقين حتى منّ علينا بكم

نوری چند پس گردانید شما را به عرش خود احاطه کننده تا آنکه منت نهاد بر ما به شما

فجعلكم في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه

پس گردانید شما را در خانه‌ها چند که رخصت داده است خدا که بلند شود آنها و یاد کرده شود در آنها نام او

وجعل صلواتنا عليكم وما خصنا به من ولايتكم

و گردانید درودهای ما را بر شما و آنچه مخصوص گردانید ما را به آن از دوستی شما

طيبا لخلقنا وطهارة لانفسنا وتزكية لنا و

پاکی برای آفرینش ما و پاکی برای نفسهای ما و پاکیزه کنندگی برای ما و

كفارة لذنوبنا فكنا عنده مسلمين بفضلكم ومعروفين

برطرف کننده برای گناهان ما پس بودیم نزد او گردن نهندگان به فضل شما و شناختگان

بتصديقنا اياكم فبلغ الله بكم اشرف محل المكرمين

به باور داشتن ما شما را پس رسانید خدای تعالی شما را به بهترین جایگاه گرامی داشتگان

واعلى منازل المقربين وارفع درجات المرسلين

و بالاترین منزلهای نزدیکان و بلندترین پایه‌های پیغمبران

حيث لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه

در جایی که نرسد به آن رسنده و بالا نرود بر آن زیاد کننده و پیشی نگیرد بر آن

سابق

سابق ولا يطمع في ادراكه طامع حتى لا يبقى ملك مقرب
در پیشی بر بنده و طمع نکند در دریافت آن طمع کننده تا آنکه باقی نماند فرشته مقرب
ولا نبي مرسل ولا صديق ولا شهيد ولا عالم ولا جاهل
و نه پیغمبر فرستاده شده و نه تصدیق کننده و نه شهیدی و نه دانائی و نه نادانی
ولا دني ولا فاضل ولا مؤمن صالح ولا فاجر طالح ولا
و نه پست رتبه و نه صاحب فضیلتی و نه مؤمن و نه شایسته و نه گناه کننده بدکاری و
جبار عنيد ولا شيطان مريد ولا خلق فيما بين ذلك
جبر کننده صاحب عنادی و نه دیو سرکشنده و نه آفریده در میان این حالت
شهيد الا عرفهم جلالة امركم وعظم خطركم و
حاضر باشد مگر که شناسانده باشد مر او را بزرگی کار شما و تمام بودن بلندی شما و
كبر شأنكم وتمام نوركم وصدق مقاعدكم وثبات
بزرگی کار شما و تمام بودن نور شما و درستی جای نشستن شما را و ثابت بودن
مقامكم وشرف محلكم ومنزلتكم عنده وكرامتكم
مقام شما را و بزرگی جای شما و منزلت شما را نزد گرامی بودن شما را نزد او
عليه وخاصتكم لديه وقرب منزلتكم منه بابي انت
بر خدا و خصوص بودن شما نزد خدا و نزدیکی منزلت شما را از خدا فدای شما باد
وامي واهلي ومالي واسرتي اشهد الله واشهدكم
و مادرم و اهل خانه ام و مالم و خویشاوندم گواه میگیرم خدا را و گواه میگیرم شما را
اني مؤمن بكم وبما امنتم به كافر بعدوكم وبما
بر اینکه من ایمان آورده ام بشما و بآنچه ایمان آورده اید بآن و دشمنم دشمن شما را و بآنچه

كفرتم به مستبصر بشأنكم وبضلالة من خالفكم موال
لكم ولأوليائكم مبغض لأعدائكم ومعاد لهم سلم لمن
سالمكم وحرب لمن حاربكم محقق لما حققتم مبطل لما
أبطلتم مطيع لكم عارف بحقكم مقر بفضلكم محتمل لعلمكم
محتجب بذمتكم معترف بكم مؤمن بإيابكم مصدق
برجعتكم منتظر لأمركم مرتقب لدولتكم آخذ بقولكم عامل
بأمركم مستجير بكم زائر لكم عائذ بكم لائذ بقبوركم
مستشفع إلى الله عز وجل بكم ومتقرب بكم إليه ومقدمكم
أمام طلبتي وحوائجي وإرادتي في كل أحوالي وأموري
مؤمن بسركم وعلانيتكم وشاهدكم وغائبكم وأولكم

وآخركم

وَآخِرِكُمْ وَمُفَوِّضٌ فِي ذٰلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ فِيهِ

و آخر شما و گذاشته ام اینها را همه بسوی شما و دل بر نهاده ام در آن

مَعَكُمْ وَقَلْبِي لَكُمْ سِلْمٌ وَرَأْيِي لَكُمْ تَبَعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ

با شما و دل من برای شما تسلیم است و رأی من برای شما تابع است و یاری من برای

مُعَدَّةٌ حَتَّى يُحْيِيَ اللهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ وَيَرُدَّكُمْ فِي

شما مهیاست تا آنکه زنده کند خدای تعالی دین خود را بشما و برگرداند شما را در

أَيَّامِهِ وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ وَيُمَكِّنَكُمْ فِي أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ

روزهای خود و ظاهر گرداند شما را برای عدالت خود و تمکین دهد شما را در زمین خود پس با

مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ آمَنْتُ بِكُمْ وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ

شمایم با شما نه با دشمن شما ایمان آورده ام بشما و بامامت قبول کرده ام آخر شما را

بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ وَبَرِئْتُ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ

چنانکه قبول کرده ام امامت اول شما را و بیزاری جستم بسوی خدای غالب بزرگ از

أَعْدَائِكُمْ وَمِنَ الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَ

دشمنان شما و از هر چه غیر خدا پرستند و دیوان باطل و دلیران گمراه کننده و

حِزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ وَالْجَاحِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَالْمَارِقِينَ

گروه ایشان که ستم کنندگان بحق شما را و انکار کنندگان بحق شما را و بیرون

مِنْ وِلَايَتِكُمْ وَالْغَاصِبِينَ لِإِرْثِكُمْ وَالشَّاكِّينَ فِيكُمْ

از ولایت و امامت شما و غصب کنندگان بمیراث شما را و شک کنندگان در شما و میل کننده

وَالْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ وَمِنْ كُلِّ وَلِيجَةٍ دُونَكُمْ وَكُلِّ مُطَا

دوری بعد از شما و از هر وسیله ای بغیر از شما و هر که اطاعت کرده

سوئكم ومن الائمة الذين يدعون الى النار فثبتني الله

بعزت شما و از آن پیشوایان که مردم را بخوانند بسوی آتش جهنم پس ثابت بدارد مرا خدا

ابدا ما حييت على موالاتكم ومحبتكم ودينكم ووفقني

همیشه تا زنده‌ام بر اعتقاد امامت شما و دوستی شما و در دین شما و توفیق دهد مرا برای

لطاعتكم ورزقني شفاعتكم وجعلني ممن يقتص

طاعت شما و روزی کند مرا شفاعت شما و بگرداند مرا از کسانی که پیروی کنند

آثاركم ويسلك سبيلكم ويهتدي بهديكم ويحشر

که تابع عقب آثار شما و بروند براه شما و هدایت یابند براه نمایی شما و محشور شوند

في زمرتكم ويكر في رجعتكم ويملك في دولتكم

در گروه شما و برگردند در رجعت شما و دولت می‌یابند در دولت شما

ويشرف في عافيتكم ويمكن في ايامكم وتقر عينه

و شرف بیابند در ایام عاقبت شما و تمکن می‌یابند در روزهای پادشاهی شما و روشن شود چشم

غدا برؤيتكم بابي انتم وامي ونفسي واهلي ومالي من

فردا بدیدن شما فدای شما باد پدر و مادرم و جانم و اهلم و مالم هر

اراد الله بدأ بكم ومن وحده قبل عنكم ومن قصده

اراده کرد خدا را اول ابتدا بشما می‌کند و هر که یگانه پرستی خدا کرد از شما قبول کرد و هر

توجه بكم موالي لا احصي ثناءكم ولا ابلغ من

متوجه شد به شفاعت ای آقایان من نمی‌توانم شمرد ثناهای شما را و نمی‌توانم رسید

المدح كنهكم ومن الوصف قدركم وانتم نور

از مدح به کنه شما و از وصف کردن به قدر شما و شمائید نور

الاخيار

الاخيار وهداة الابرار وحجج الجبار بكم فتح الله

برگزیدگان و راه نمای نیکوکاران و حجتهای خدای صاحب جبروت بشما گشود

وبكم يختم وبكم ينزل الغيث وبكم يمسك السماء

و بشما ختم میکند و بشما میفرستد باران را و بشما نگاه میدارد آسمان را

ان تقع على الارض الا باذنه وبكم ينفس الهم وبكم

از اینکه بیفتد بر زمین مگر رخصت او و بشما برطرف میکند غمها را و بشما

يكشف الضر وعندكم ما نزلت به رسله وهبطت

زایل میکند حال بد را و نزد شما است آنچه فرود آورده اند پیغمبران او و فرود

به ملائكته والى جدكم بعث الروح الامين و

آورده اند فرشتگان او بسوی جد شما برانگیخته شد جبرئیل امین

اگر زیارة امیرالمؤمنین باشد بجای والی جدکم بگو والی اخیک بعث

والی جدکم بعث الروح الامین بگو و بسوی برادرت نازل

الروح الامين آتاكم الله ما لم يؤت احدا من

بگو

شد جبرئیل امین داد بشما خدا آنچه نداد باحدی از

العالمين طأطأ كل شريف لشرفكم وبخع كل متكبر

عالمیان فرود آورد سر صاحب شرفی نزد شرف شما و اقرار کرد هر صاحب تکبر

لطاعتكم وخضع كل جبار لفضلكم وذل كل شيء

بفرمانبرداری شما و فروتن شد هر متجبری برای فضیلت شما و ذلیل شد هر چیزی

لكم واشرقت الارض بنوركم وفاز الفائزون

برای شما و درخشان گردید زمین به نور شما و رستگار شدند رستگاران

وبولايتكم يسلك الى الرضوان وعلى من جحد

باعتقاد دوستی شما پس بشما میتوان رفت بسوی خشنودی خدا و بر آنکه انکار

ولايتكم غضب الرحمن بابي انتم وامي ونفسي و

دوستی شما کند خشم پروردگار است پدرم و مادرم فدای شما باد و جانم

اهلي ومالي ذكركم في الذاكرين واسماؤكم في

و اهل خانه‌ام و مالم اگرچه یاد شما در میان یادکنندگان و نامهای شما در میان

الاسماء واجسادكم في الاجساد وارواحكم في

نامها و بدنهای شما در میان بدنها و روحهای شما

الارواح وانفسكم في النفوس وآثاركم في الآثار

در میان روحها و جانهای شما در میان جانها و اثرهای شما در میان اثرها

وقبوركم في القبور فما احلى اسمائكم واكرم انفسكم

و قبرهای شما در میان قبرها است ولیکن چه شیرین است نامهای شما و چه گرامیست

واعظم شانكم واجل خطركم واوفى عهدكم واصدق

و چه بزرگست شان شما و چه جلیل است قدر شما و چه وفا کننده است پیمان شما و چه

وعدكم كلامكم نور وامركم رشد ووصيتكم التقوى

وعده شما سخن شما روشنی است و فرمودهٔ شما رستگاری است و سفارش شما

وفعلكم الخير وعادتكم الاحسان وسجيتكم الكرم

و کار شما نیکی و عادت شما احسان است و طبیعت شما کرم

وشانكم الحق والصدق والرفق وقولكم حكم وحتم

و شان شما حق و راستی و مدارا است و گفتار شما حکم است

ورايكم

عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ اِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ اَوَّلَهُ وَاَصْلَهُ وَ
دانائی و بردباری و دوراندیشی است اگر یاد کرده شود نیکی هستید اول آن و بیخ آن و

فَرْعَهُ وَمَعْدِنَهُ وَمَاْوٰيهُ وَمُنْتَهٰاهُ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي وَ
شاخ آن و معدن آن و جایگاه آن و منتهای آن پدرم و مادرم فدای تو باد و

نَفْسِي كَيْفَ اَصِفُ حُسْنَ ثَنٰائِكُمْ وَاُحْصِي جَمِيلَ بَلٰا
جانم چگونه وصف کنم نیکوئی ستایش شما را و بشمارم نعمت نیکوی شما را

بِكُمْ اَخْرَجَنَا اللّٰهُ مِنَ الذُّلِّ وَفَرَّجَ عَنّٰا غَمَرٰاتِ الْكُرُوبِ
بسبب شما بیرون آورد ما را خدا از خواری و برطرف کرد از ما سختیهای غمها را

وَاَنْقَذَنٰا بِكُمْ مِنْ شَفٰا جُرُفِ الْهَلَكٰاتِ وَمِنَ النّٰارِ
و رهانید ما را بشما از کنار گودال هلاکتها و از آتش جهنم

بِاَبِي اَنْتُمْ وَاُمِّي وَنَفْسِي بِمُوٰالاٰتِكُمْ عَلَّمَنَا اللّٰهُ مَعٰالِمَ
پدرم و مادرم فدای شما باد و جانم بدوستی شما یاد داد ما را خدا نشانه‌های

دِينِنٰا وَاَصْلَحَ مٰا كٰانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيٰانٰا وَبِمُوٰالاٰتِكُمْ
دین ما را و اصلاح کرد آنچه بود فاسد از دنیای ما و بدوستی شما تمام گشت

تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ
کلمه دین ما و بزرگ شده است نعمت و الفت یافت پراکندگی

وَبِمُوٰالاٰتِكُمْ تُقْبَلُ الطّٰاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَلَكُمُ الْمَوَدَّةُ
و بدوستی شما قبول میشود طاعت واجب شده و برای شما است دوستی

الْوٰاجِبَةُ وَالدَّرَجٰاتُ الرَّفِيعَةُ وَالْمَقٰامُ الْمَحْمُودُ
واجب شده و درجه‌های بلند و مقام ستوده

الْمَكَانَ الْمَعْلُومَ عِنْدَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْجَاهَ الْعَظِيمَ وَ
و جایگاه معلوم نزد خدای غالب بزرگ و درجه بزرگ و
الشَّأْنَ الْكَبِيرَ وَالشَّفَاعَةَ الْمَقْبُولَةَ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا
عالی بزرگ و شفاعت قبول کرده شده پروردگارا ایمان آوردیم
أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ
به آنچه فرستادی تو و پیروی کردیم پیغمبر را پس بنویس ما را با شهادت دهندگان
رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ
پروردگارا میل مده به باطل دلهای ما را بعد از آنکه هدایت کردی ما را و ببخش
لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ
نزد خود رحمتی بزرگ بدرستی که تو تویی بسیار بخشنده پاکی یاد میکنیم پروردگار
كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا يَا أَوْلِيَاءَ اللّٰهِ إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللّٰهِ
بود پروردگار ما البته شدنی ای دوستان خدا بدرستیکه میان من و میان
عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ فَبِحَقِّ مَنْ
که عزیز و صاحب است گناه است که برطرف نمیکند آنها را مگر خشنودی شما پس به حق
سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ
برازحق ... که از شما رعایت امر خلق را و مقرون گردانیده اطاعت شما را با طاعت
لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ شُفَعَائِي فَإِنِّي لَكُمْ
که البته طلب بخشش گناهان مرا و باشید شفیعان من پس بدرستیکه من مر شما را
مُطِيعٌ مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللّٰهَ وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ
فرمانبردارم هر که فرمانبرداری شما را کرد پس فرمانبرداری کرد خدا را و هر که نافرمانی شما کرد

عطاء الله

عَصَى اللهَ وَمَنْ اَحَبَّكُمْ فَقَدْ اَحَبَّ اللهَ وَمَنْ اَبْغَضَكُمْ

نافرمانی کرده است خدا را و هر که دوست دارد شما را بتحقیق که دوست داشته است خدا را و هر که دشمن دارد شما را

فَقَدْ اَبْغَضَ اللهَ اَللّٰهُمَّ اِنّی لَوْ وَجَدْتُ شُفَعاءَ اَقْرَبَ

بتحقیق که دشمن داشته است خدا را خداوندا بدرستی که من اگر یابم شفیعانی نزدیکتر بسوی تو

اِلَیْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ الْاَخْیارِ الْاَئِمَّةِ الْاَبْرارِ

بسوی تو از محمد و خانواده او که برگزیدگان پیشوایان نیکوکارانند

لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعائی فَبِحَقِّهِمُ الَّذی اَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَیْكَ

هر آینه که گردانیده ای ایشان را شفاعت کنندگان من پس بحق ایشان حقی که واجب کرده

اَسْئَلُكَ اَنْ تُدْخِلَنی فی جُمْلَةِ الْعارِفینَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ

سؤال میکنم از تو اگر درآوری مرا در جمله شناسندگان بایشان و بحق ایشان

وَفی زُمْرَةِ الْمَرْحومینَ بِشَفاعَتِهِمْ اِنَّكَ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ

و در گروه بخشیده شدگان بشفاعت ایشان بدرستیکه تو بخشاینده ترین بخشایندگانی

صَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرینَ وَسَلَّمَ تَسْلیماً

رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او که پاکانند و درود فرستد درود

کَثیراً وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَکیلُ مؤلف گوید که این زیارت

بسیار و بس است ما را خدا و خوب کارگذاریست که این زیارة کاملترین

زیاراتست برای نزدیک و دور و چون منظور در این رساله
زیارات بعیده است زیارت وداع را ذکر نکردیم و چون این زیارت
مشتمل است بر مجمل از همه احادیث که در مناقب ایشان علیهم السلام

وارد شده است اکر نه همه بلکه هر روز این زیارت را
بخوانند و تدبر و تفکر در معانی آن بکنند موافق آنچه فقیر
مجملا ترجمه کرده و والد مرحوم علیه الرحمه مفصلا شرح نموده
برای کمال معرفت ایشان بسیار نافع است و عمده ارکان
ایمان معرفت ایشان است علیهم السلام و زیارت حضرت
صاحب الامر صلوات الله علیه بطرق بسیار منقول شده و در
کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام و در این مقام زیارت مختصری را
با تجدید عهد امامت و ولایت آنحضرت ایراد مینمایم که امام خود را
پیوسته یاد نمایند و از برکات هدایات آنحضرت بهره مند گردند
سید ابن طاوس علیه الرحمه ذکر کرده است که مستحب است که هر روز
بعد از نماز صبح حضرت صاحب الامر را اللهم بلغ مولای صاحب
چنین زیارت کنند اینست — خداوندا برسان بصاحب
الزمان صلوات الله علیه عن جمیع المؤمنین والمؤمنات
روزها رحمتهای خداوند و باد از همه گروهنده مردان و زنان گروهنده
فی مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها وسهلها و
که باشند جاهای طلوع آفتاب و زمین و جاهای غروب آفتاب و خشک آن و دریا
جبلها حیهم ومیتهم وعن والدی وولدی وعنی من
و کوههای آن زنده ایشان و مرده ایشان و از جانب پدر و مادر من و فرزندان من و از جانب من از
الصلوات والتحیات زنة عرش الله ومداد کلماته و
از رحمتها و درودها هم سنگ عرش خدا و سیاهی کلمهای او و

زیارت حضرت صاحب الامر هر روز بعد از نماز صبح

منتهی

وَمُنْتَهىٰ رِضٰاهُ وَعَدَدَ مٰا اَحْصٰاهُ كِتٰابُهُ وَاَحٰاطَ بِهِ عِلْمُهُ

و نهایت خشنودی او و شماره آنچه شمرده آن را کتاب او و فرا گرفته آن را دانش

اَللّٰهُمَّ اُجَدِّدُ لَهُ فِى هٰذَا الْيَوْمِ وَفِى كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَعَقْدًا

خداوندا تازه میکنم برای او در این روز و در هر روز عهد و پیمان

وَبَيْعَةً لَهُ فِى رَقَبَتِى اَللّٰهُمَّ كَمٰا شَرَّفْتَنِى بِهٰذَا التَّشْرِيفِ

و بیعتی برای او در گردن خود خداوندا چنانچه گرامی داشتی مرا باین گرامی داشت

وَفَضَّلْتَنِى بِهٰذِهِ الْفَضِيلَةِ وَخَصَصْتَنِى بِهٰذِهِ النِّعْمَةِ

و زیادتی دادی مرا باین برتری و مخصوص گردانیدی مرا باین نعمت

فَصَلِّ عَلىٰ مَوْلاٰىَ وَسَيِّدِى صٰاحِبِ الزَّمٰانِ وَاجْعَلْنِى

پس رحمت بر صاحب اختیار من و آقای من خداوند روزگار و بگردان مرا

مِنْ اَنْصٰارِهِ وَاَشْيٰاعِهِ وَالذّٰابِّينَ عَنْهُ وَاجْعَلْنِى مِنَ

از یاران او و پیروان و دفع کنندگان از او و بگردان مرا از

الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ طٰائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ فِى الصَّفِّ الَّذِى

حاضر کاشته شوند در پیش او فرمان بردار نه مجبور در صفی که وصف نمودی

نَعَتَّ اَهْلَهُ فِى كِتٰابِكَ فَقُلْتَ صَفًّا كَاَنَّهُمْ بُنْيٰانٌ

اهل آن را در کتاب خود پس گفتی حال آنکه باهم صف بنیانی

مَرْصُوصٌ عَلىٰ طٰاعَتِكَ وَطٰاعَةِ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ

استوار شده بر طاعت تو و طاعت رسول تو و آل او درود بر ایشان

اَلسَّلاٰمُ اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِى عُنُقِى اِلىٰ يَوْمِ الْقِيٰامَةِ

خداوندا این بیعتی است برای او در گردن من تا روز رستخیز

وبسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که چهل صباح
این عهد نامه را بخواند از یاوران قایم ما باشد و اگر پیش از
ظهور آنحضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت
آنحضرت باشد و حق تعالی بهر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید
و هزار گناه از او محو کند و این است اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِیمِ وَرَبَّ الْکُرْسِیِّ
خداوندا ای پروردگار روشنائی بزرگ و پروردگار کرسی
الرَّفِیعِ وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَمُنْزِلَ التَّوْرٰیةِ وَالْاِنْجِیلِ وَ
بلند و پروردگار دریای مملو از آب و ای فرو فرستنده توریة و انجیل و
الزَّبُورِ وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ وَمُنْزِلَ الْقُرْاٰنِ الْعَظِیمِ وَرَبَّ
زبور و ای پروردگار سایه و باد گرم و ای فرو فرستنده قرآن بزرگ و پروردگار
الْمَلٰئِکَةِ الْمُقَرَّبِینَ وَالْاَنْبِیَاءِ الْمُرْسَلِینَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ
فرشتگان نزدیکان و پیغمبران فرستادگان خداوندا بدرستیکه
بِوَجْهِکَ الْکَرِیمِ وَبِنُورِ وَجْهِکَ الْمُنِیرِ وَمُلْکِکَ الْقَدِیمِ یَا حَیُّ
بحرمت ذات تو و بحرمت روشنائی ذات روشنی بخش تو و بپادشاهی دیرینه تو
یَا قَیُّومُ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی اَشْرَقَتْ بِهِ السَّمٰوَاتُ وَ
ای پاینده سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو آنکه روشن گشته بحرمت آن آسمانها
الْاَرَضُونَ وَبِاسْمِکَ الَّذِی یَصْلَحُ بِهِ الْاَوَّلُونَ وَ
زمینها و بحرمت نام تو آنکه بصلاح می آید بسبب آن حال پیشینیان
الْاٰخِرُونَ یَا حَیًّا قَبْلَ کُلِّ حَیٍّ وَیَا حَیًّا بَعْدَ کُلِّ حَیٍّ یَا حَیُّ
پسینیان ای زنده پیش از هر زنده و ای زنده پس از هر زنده ای زنده

ح
حین ۸

حين لا حيّ يا محيي الموتى ومميت الاحياء يا حيّ لا اله الّا

هنگامی که نباشد زنده ای زنده کننده مردگان و میراننده زندگان ای زنده نیست خدایی

انت اللّهمّ بلّغ مولانا الامام الهادي المهدي القائم بامرك صلوات

بجز تو خداوندا برسان از جانب ما بسوی پیشوای ما امام راهنمای راه یافته قائم به امر تو

الله عليه وعلى آبائه الطّاهرين عن جميع المؤمنين و

خدا بر او و بر پدران پاکان او از جانب همه مومنان و

المؤمنات في مشارق الارض ومغاربها وسهلها

زنان مومنه که باشند در مشرقهای زمین و مغربهای آن هموار زمین

وجبلها وبرّها وبحرها وعنّي وعن والديّ من الصّلوات

و کوه آن و صحرای آن و دریای آن و از جانب من و از جانب پدر و مادرم از صلوات

زنة عرش الله وعدد كلماته وما احصاه علمه واحاط

هم وزن عرش خدا و باندازه کلمات او و آنچه شمرده است آن را دانش او و احاطه کرده

به كتابه اللّهمّ انّي اجدّد له في صبيحة يومي هذا وما

بآن کتاب او خداوندا تازه میکنم برای او در بامداد روز خود این و آنچه

عشت من ايّامي عهدا وعقدا وبيعة له في عنقي لا

زندگی کنم از روزهای خود عهد و پیمان و بیعتی برای او در گردن خود

احول عنها ولا ازول ابدا اللّهمّ اجعلني من انصاره و

بر نگردم از آن و زایل نمی شوم هرگز خداوندا بگردان مرا از یاوران او و

اعوانه والذّابّين عنه والمسارعين اليه في قضاء

مددکاران او و دفع کنندگان از او و شتابندگان بسوی او در روا

حوائجه والممتثلين لاوامره والمحامين عنه والسابقين

حاجتهای او و اطاعت کنندگان برای فرمانهای او و حمایت کنندگان از او و پیشی گیرندگان

الى ارادته والمستشهدين بين يديه اللهم ان حال

بسوی خواهش او و شهادت خواسته شدگان در پیش او خداوندا اگر حایل شود

بيني وبينه الموت الذي جعلته على عبادك حتما مقضيا

میان من و میان او مرگی که گردانیده تو آن را بر بندگان خود لازم پس بیرون آور

من قبري مؤتزرا كفني شاهرا سيفي مجردا قناتي ملبيا

از قبر من ازار گیرنده کفن خود را از غلاف کشیده تیغ خود را برهنه سازنده نیزه خود

دعوة الداعي في الحاضر والبادي اللهم ارني الطلعة

اجابت کننده دعوت دعوت کننده در میان شهری و بادیه نشین خداوندا بنما بمن

الرشيدة والغرة الحميدة واكحل ناظري بنظرة مني اليه

رشیده و آن روی شناخته پسندیده را و سرمه کش دیده مرا بنگریستن از من بسوی

وعجل فرجه وسهل مخرجه واوسع منهجه واسلك بي

و شتاب کن گشایش او را و آسان کن خروج او را و گشاده کن طریق او را و در آر مرا

محجته وانفذ امره واشدد ازره واعمر اللهم به

براه راست او و روان کن فرمان او را و قوی کن پشت او را و آباد کن خداوندا بسبب او

بلادك واحي به عبادك فانك قلت وقولك الحق

شهرهای خود را و زنده کن بسبب او بندگان خود را زیرا که بتحقیق تو گفته و گفتار تو راست

ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت ايدي الناس

ظاهر شد فساد در بیابان و دریا بسبب آنچه کسب کردند دستهای آدمیان

اللهم

اللّهمّ لنا وليّك وابن بنت نبيّك المسمّى باسم رسولك
خداوندا برای ما دوست خود را پسر دختر پیغمبر تو را که نامیده شده است بنام پیغمبر تو
حتّى لا يظفر بشيءٍ من الباطل الّا مزّقه ويحقّ الحقّ و
تا آنکه نرسد بچیزی از باطل مگر آنکه پاره پاره کند و ثابت گرداند حق را
يحقّقه واجعله اللّهمّ مفزعاً لمظلوم عبادك وناصراً
و محکم نماید آن را و بگردان او را خداوندا پناه برای ستم رسیده بندگان تو و یاری
لمن لا يجد له ناصراً غيرك ومجدّداً لما عطّل من احكام
برای آنکه نیابد برای خود یاوری غیر تو را و تازه کننده برای آنچه را که واگذاشته شده از حکمهای
كتابك ومشيّداً لما ورد من اعلام دينك وسنن
کتاب تو و بلند کننده برای آنچه را که وارد شده از نشانهای دین تو و طریقهای
نبيّك صلّى الله عليه وآله واجعله اللّهمّ ممّن
پیغمبر تو رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او و بگردان او را خداوندا از آنکه
حصّنته من بأس المعتدين اللّهمّ وسرّ نبيّك
حفظ نمودی او را از سختی ستمکاران خداوندا و شاد کن پیغمبر خود
محمّداً صلّى الله عليه وآله برؤيته ومن تبعه على
محمد را رحمت فرستد خدا بر او و آل او بدیدن او و آنکه پیروی کند او را
دعوته وارحم استكانتنا بعده اللّهمّ اكشف هذه
بر دعوت او و رحم کن فروتنی ما را بعد از او خداوندا زایل کن این
الغمّة عن الامّة بحضوره وعجّل لنا ظهوره انّهم
اندوه را از امت به حاضر شدن او و شتاب کن برای ما ظهور او را به درستی که

یرونه بعیدا ونریه قریبا برحمتک یا ارحم الراحمین

می بینند آن را دور و می بینیم آن را نزدیک برحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان

پس سه مرتبه دست بر ران راست خود میزنی و سه

مرتبه میگوئی العجل یا مولای یا صاحب الزمان دعای ندبه

که مشتملست بر عقاید و تاسف بر غیبت حضرة قائم است و معتبر

از حضرة امام جعفر صادق منقولست که سنتست که این دعا

را در چهار عید بخوانید یعنی در روز جمعه الحمد لله الذی

و روز عید فطر و روز عید قربان و روز عید غدیر یعنی ستایش مر خدایراست

لا یخفی اله الا هو له الحمد رب العالمین وصلی الله

سزاوار پرستش جز او ... مر او راست ستایش پروردگار جهانیان و رحمت و درود فرستد خدا

علی محمد نبیه واله وسلم تسلیما اللهم لک الحمد

بر محمد پیغمبر خود و آل او و درود فرستد درود فرستادن خداوندا ترا ستایش

علی ما جری به قضاؤک فی اولیائک الذین

بر آنچه روان شده با آن حکم تو در باره دوستان تو آنانکه خالص کردی

لنفسک ودینک اذا اخترت لهم جزیل ما عندک

برای ذات خود و دین خود چون برگزیدی برای ایشان بسیار از آنچه نزد تست

من النعیم المقیم الذی لا زوال له ولا اضمحلال

از ناز و نعمت دائمی ثابت که نیست زوالی آن و نه فنا و نیستی پس

بعد ان شرطت علیهم الزهد فی درجات هذه

از آنکه شرط کردی بر ایشان بی رغبتی را در منتهای این دنیا

دعای ندبه

الدنیا

الدُّنيا الدَّنيَّةِ وَزُخرُفِها وَزِبرِجِها فَشَرَطُوا لَكَ ذٰلِكَ
دنیا ... زینت آن ... و آرایش آن پس شرط کردند برای تو آن را

وَعَلِمتَ مِنهُمُ الوَفاءَ بِهِ فَقَبِلتَهُم وَقَرَّبتَهُم وَقَدَّمتَ
و دانستی از ایشان وفا کردن را پس قبول کردی ایشان را و نزدیک گردانیدی ایشان را و مقدم داشتی

لَهُمُ الذِّكرَ العَلِيَّ وَالثَّناءَ الجَلِيَّ وَاَهبَطتَ عَلَيهِم مَلائِكَتَكَ
برای ایشان ذکر بلند و ستایش آشکار و فرو فرستادی بر ایشان فرشتگان خود را

وَاَكرَمتَهُم بِوَحيِكَ وَرَفَدتَهُم بِعِلمِكَ وَجَعَلتَهُمُ الذَّ
و گرامی داشتی ایشان را بوحی خود و بخشش کردی ایشان را بدانش خود و گردانیدی ایشان را

اِلَيكَ وَالوَسيلَةَ اِلى رِضوانِكَ فَبَعضٌ اَسكَنتَهُ
وسیله بسوی خود و وسیله بخوشنودی خود پس بعضی ... ساکن گردانیدی او را در

جَنَّتَكَ اِلى اَن اَخرَجتَهُ مِنها وَبَعضٌ حَمَلتَهُ في فُلكِكَ
بهشت خود تا آنکه بیرون کردی او را از آن و بعضی بار کردی او را در کشتی

وَنَجَّيتَهُ وَمَن آمَنَ مَعَهُ مِنَ الهَلَكَةِ بِرَحمَتِكَ وَبَعضٌ
و رهانیدی او را و آنکه ایمان آورد با او از هلاکت برحمت خود و بعضی

اتَّخَذتَهُ لِنَفسِكَ خَليلاً وَسَاَلَكَ لِسانَ صِدقٍ
فرا گرفتی او را برای ذات خود خلیل و سؤال کرد از تو زبان جمیل نیکو

فِي الآخِرينَ فَاَجَبتَهُ وَجَعَلتَ ذٰلِكَ عَلِيّاً وَبَعضٌ
در پسینیان پس اجابت نمودی او را و گردانیدی آن را بلند و بعضی

كَلَّمتَهُ مِن شَجَرَةٍ تَكليماً وَجَعَلتَ لَهُ مِن اَخيهِ رِدءاً وَوَزيراً
سخن گفتی با او از درخت سخن گفتنی و گردانیدی برای او از برادرش یاری و وزیری

وبعض اولدته من غير اب وآتيته البينات وايدته

و بعضی از ایشان را متولد کردی بیدی او را بدون پدری و دادی او را معجزهای روشن و قوی

بروح القدس وكل شرعت له شريعة ونهجت له

بروح القدس و برای هر یک ظاهر ساختی شریعت و دینی و آشکار نمودی برای

منهاجا وتخيرت له اوصياء مستحفظا بعد مستحفظ

طریقه و برگزیدی برای او وصیهای محافظت کننده پس از محافظت کننده

من مدة الى مدة اقامة لدينك وحجة على عبادك

از زمانی تا زمانی بجهت بر پا داشتن دین خود و حجت کردن بر بندگان خود

ولئلا يزول الحق عن مقره ويغلب الباطل على اهله

آنکه زایل نشود حق از قرارگاه خود و غالب نگردد باطل بر اهل آن

ولا يقول احد لولا ارسلت الينا رسولا منذرا

و نگوید کسی که چرا نفرستادی بسوی ما پیغمبری بیم دهنده

لنا علما هاديا فنتبع اياتك من قبل ان نذل ونخزى

در بر پا نکردی برای ما نشانه راه نماینده پیروی کنیم معجزهای ترا پیش از آنکه ذلیل و رسوا شویم

الى ان انتهيت بالامر الى حبيبك ونجيبك محمد

تا آنکه رسانیدی کار را بسوی دوست خود و برگزیده خود محمد

صلى الله عليه وآله فكان كما انتجبته سيد من خلقته

رحمت فرستد خدا بر او و آل او پس بود چنانچه برگزیدی تو او را بزرگ آنچه آفریدی

وصفوة من اصطفيته وافضل من اجتبيته واكرم من اعتمدته

و برگزیده هر که برگزیدی او را و بهتر از هر که اختیار نمودی او را و بزرگوارتر

مِنْ عَمَدْتَهُ قَدَّمْتَهُ عَلَى اَنْبِيَائِكَ وَبَعَثْتَهُ اِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ

اعتماد کردی برایش داشتی اورا بر پیغمبران خود و فرستادی اورا بسوی انس و جن از

عِبَادِكَ وَاَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ وَسَخَّرْتَ لَهُ

بندگان خود و بزیر قدم آوردی اورا در مشرقهای خود و مغربهای خود و رام کردی برای

الْبُرَاقَ وَعَرَجْتَ بِرُوحِهِ اِلَى سَمَائِكَ وَاَوْدَعْتَهُ عِلْمَ

براق را و بالا بردی نفس اورا بسوی آسمان خود و سپردی اورا دانش آنچه

مَا كَانَ وَيَكُونُ اِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ

بوده و آنچه خواهد شد تا منقضی شدن خلق تو پس یاری کردی اورا بترس

وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَالْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

و فرو گرفتی اورا بجبرئیل و میکائیل و علامت دارندگان از فرشتگان

وَوَعَدْتَهُ اَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

و وعده دادی اورا که غالب کنی دین اورا بر ادیان همه آنها و اگر چه ناخوش دارند مشرکان

وَذٰلِكَ بَعْدَ اَنْ بَوَّأْتَهُ مُبَوَّأَ صِدْقٍ مِنْ اَهْلِهِ وَجَعَلْتَ

و این بعد از آنکه جای دادی اورا جایگاه پسندیده از خاندان او و قرار دادی

لَهُ وَلَهُمْ اَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى

برای او و برای ایشان اول خانه که نهاده شد برای آدمیان آنخانه که در مکه است با برکت و راهنما

لِلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ اِبْرٰهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ

در راه نمای مر جهانیان را در روست معجزهای روشن از جمله آنها است جایگاه ابراهیم و کسی که

كَانَ اٰمِنًا وَقُلْتَ اِنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ

باشد ایمن و گفتی که جز این نیست میخواهد خدا که ببرد از شما گناهان را

اَهلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهيراً صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ
ای خانوادهٔ رسالت و پاک نماید شما را پاک کردنی رحمتهای تو بر او باد و
اٰلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فی كِتابِكَ فَقُلْتَ لا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْراً
آل او دوستی ایشان را در کتاب خود پس گفتی نمی‌خواهم از شما بر آن مزدی
اِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی وَقُلْتَ ما سَئَلْتُكُمْ مِنْ اَجْرٍ فَهُوَ
مگر دوستی شما را در بارهٔ خویشان من و گفتی آنچه خواستم از شما از مزد پس آن برای
لَكُمْ وَقُلْتَ ما اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِلاَّ مَنْ شاءَ
شماست و گفتی نمی‌خواهم از شما بر رسانیدن رسالت هیچ مزدی مگر کسی را که خواهد
اَنْ يَتَّخِذَ اِلی رَبِّهِ سَبيلاً فَكانُوا هُمُ السَّبيلَ اِلَيْكَ وَ
که فرا گیرد بسوی پروردگار خود راهی پس هستند ایشان راه بسوی تو و
الْمَسْلَكَ اِلی رِضْوانِكَ فَلَمَّا انْقَضَتْ اَيّامُهُ اَقامَ وَلِيَّهُ
سلوک بسوی خشنودی تو پس چون به پایان رسید روزگار زندگی او
عَلِیَّ بْنَ اَبی طالِبٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِما وَ اٰلِهِما هادِياً
علی پسر ابی طالب که رحمتهای تو بر او و بر ایشان و آل ایشان راهنما
اِذْ كانَ هُوَ الْمُنْذِرَ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ فَقالَ وَالْمَلَأُ اَمامَهُ
زیرا که او است ترساننده و برای هر گروهی هست راه نمای پس گفت در حالیکه بزرگان
مَنْ كُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ اَللّهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَعادِ
هر که هستم من صاحب اختیار او پس علی صاحب اختیار اوست خداوندا دوست دار آن
مَنْ عاداهُ وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَقالَ
آن را که دشمن دارد او را و یاری کن آن را که یاری نمود او را و خوار کن آن را که

انا وعلی

انا وعلي من شجرة واحدة وسائر الناس من شجر شتى

من و علی از یک درخت و باقی مردمان از درختهای مختلف و فرود آورد

واحله محل هرون من موسى فقال انت مني بمنزلة

او را بجای هرون نسبت بموسی پس گفت برادر را که تو نسبت بمن بمنزله

هرون من موسى الا انه لا نبي بعدي وزوجه ابنته

هرونی نسبت بموسی مگر آنکه بتحقیق نیست پیغمبری پس از من و زن داد باو دختر خود

سيدة نساء العالمين واحل له من مسجده ما حل

خاتون زنان جهانیان و حلال گردانید برای او از مسجد خود آنچه حلال بود

له وسد الابواب الا بابه ثم اودعه علمه وحكمته

برای او و بست درهای خانه را مگر در خانه او پس سپرد باو علم خود و حکمت خود را

فقال انا مدينة العلم وعلي بابها فمن اراد الحكمة

پس گفت من شهر علمم و علی دروازه آنست پس هر که خواهد علم و دانش

فلياتها من بابها ثم قال انت اخي ووصيي ووارثي

پس باید بیاید از دروازه آن پس گفت برادر را تو برادر منی و وصی منی و وارث منی

لحمك من لحمي ودمك من دمي وسلمك من حربي

گوشت تو از گوشت من است و خون تو از خون من است و صلح تو صلح من است

الايمان مخالط لحمك ودمك كما خالط لحمي ودمي

و ایمان آمیخته است گوشت ترا و خون ترا چنانکه آمیخته گوشت مرا و خون مرا

وانت غدا على الحوض خليفتي وانت تقضي ديني

و تو فردا بر سر حوض کوثر جانشین منی و تو ادا میکنی قرض مرا

وَتُنجِزُ عِدَاتِي وَشِيعَتُكَ عَلَى مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ مُبْيَضَّةً

وُجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيرَانِي وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ

لَمْ يُعْرَفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَنُورٌ

مِنَ الْعَمَى وَحَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَصِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمُ لَا

يُسْبَقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ وَلَا يُلْحَقُ فِي

مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ وَلَا تَأْخُذُهُ فِي

اللَّهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ وَقَتَلَ

أَبْطَالَهُمْ وَنَاوَشَ ذُؤْبَانَهُمْ فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا

بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحُنَيْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ فَأَضَبَّتْ عَلَى

عداوته

عَداوَتِهِ وَاَكَبَّتْ عَلى مُنابَذَتِهِ حَتّى قَتَلَ النّاكِثينَ وَ
دشمنی او وهجوم کردند بر منابذه او تا آنکه کشت پیمان شکنان را و

اَلْقاسِطينَ وَالْمارِقينَ وَلَمّا قَضى نَحْبَهُ وَقَتَلَهُ اَشْقَى
ستمکاران و خوارج را و چون بپایان رسانید عمر خود را و کشت او را

اَلْاَشْقِياءِ مِنَ الْاَوَّلينَ وَالْاخِرينَ لَمْ يُمْتَثَلْ اَمْرُ رَسُولِ
بدبختان از پیشینیان و پسینیان بجا آورده نشد فرمان رسول

فِى الْهادينَ بَعْدَ الْهادينَ وَالْاُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلى مَقْتِهِ
درباره راهنمایان بعد از راهنمایان و امت پیغمبر اصرار کردند بر دشمنی او

مُجْتَمِعَةٌ عَلى قَطيعَةِ رَحِمِهِ وَاِقْصاءِ وُلْدِهِ اِلَّا الْقَليلَ
و با هم متفق شدند بر بریدن خویشی او و دور کردن فرزندان او مگر کمی

مِمَّنْ وَفى لِرِعايَةِ الْحَقِّ فيهِمْ فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ وَسُبِيَ مَنْ سُبِيَ
که وفا کردند در رعایت حق او در باره ایشان پس کشته شد آنکه کشته شد و اسیر شد آنکه اسیر شد

وَاُقْصِيَ مَنْ اُقْصِيَ وَجَرَى الْقَضاءُ لَهُمْ بِما يُرْجى لَهُ حُسْنُ
و دور کرده شد آنکه دور کرده شد و جاری شد قضای خدا برای ایشان بآنچه امید داشته میشود

الْمَثُوبَةِ اِذْ كانَتِ الْاَرْضُ لِلّهِ يُورِثُها مَنْ يَشاءُ مِنْ
ثواب زیرا که باشد زمین برای خدا و میراث دهد آنرا بهر که خواهد از

عِبادِهِ وَالْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقينَ وَسُبْحانَ رَبِّنا اِنْ كانَ
بندگان خود و انجام نیک برای پرهیزکاران است و منزه است پروردگار ما بتحقیق

وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولًا وَلَنْ يُخْلِفَ اللّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزيزُ
وعده پروردگار ما البته کرده شده و هرگز خلف نمی کند خدا وعده خود را و اوست غالب

الحکیم و علی الاطائب من اهل بیت محمد و علی صلی الله

راست کردار و بر پاکان از خاندان محمد و علی درود فرستد خدا

علیهما و آلهما فلیبک الباکون و ایاهم فلیندب

بر ایشان و بر آل ایشان پس باید بگریند گریه کنندگان و بر ایشان پس باید نوحه کنند

النادبون و لمثلهم فلتذرف الدموع و لیصرخ

نوحه کنندگان و برای مثل ایشان پس باید روان گردد اشکها و باید شیون کنند

الصارخون و یضج الضاجون و یعج العاجون این

شیون کنندگان و بنالند نالندگان و صدا بلند کنند صدا بلند کنندگان

الحسن و این الحسین و این ابناء الحسین صالح بعد

کجاست حسن و کجاست حسین و کجایند فرزندان حسین شایسته کاری از

صالح و صادق بعد صادق و این السبیل بعد السبیل

شایسته و راستگوئی و کجاست راه از پی راه راستی

و این الخیرة بعد الخیرة و این الشموس الطالعة و این

کجاست برگزیده از پی برگزیده و کجایند آفتابهای طلوع کننده و کجایند

الاقمار المنیرة این الانجم الزاهرة این اعلام الدین

ماههای درخشنده کجایند ستارهای درخشنده کجایند نشانهای دین

و قواعد العلم این بقیة الله التی لا تخلو من العترة

و پایه‌های علم و معرفت کجاست باقی گذاشته خدا که خالی نباشد از عترت

الطاهرة این المعد لقطع دابر الظلمة این المنتظر

طاهره کجاست آماده شده برای برانداختن ستمکاران

لاقامة

لِاِقامَةِ الْاَمْتِ وَالْعِوَجِ اَیْنَ الْمُرْتَجی لِاِزالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوانِ
برای راست کردن بلندی و پستی کجاست آن امیدوار شده برای نیست کردن ستم و ظلم

اَیْنَ الْمُدَّخَرُ لِتَجْدیدِ الْفَرائِضِ وَالسُّنَنِ اَیْنَ الْمُتَخَیَّرُ لِاِعادَةِ
کجاست آن ذخیره کرده شده برای تازه کردن واجبات و مستحبات کجاست آن برگزیده شده برای

الْمِلَّةِ وَالشَّریعَةِ اَیْنَ الْمُؤَمَّلُ لِاِحْیاءِ الْکِتابِ وَحُدُودِهِ
کیش و طریقه پیغمبر کجاست آن آرزو داشته شده برای زنده کردن کتاب و حدود احکام

اَیْنَ مُحْیی مَعالِمِ الدّینِ وَاَهْلِهِ اَیْنَ قاصِمُ شَوْکَةِ الْمُعْتَدینَ
کجاست زنده سازنده نشانهای دین و اهل آن کجاست برهم شکننده شوکت و قوه

اَیْنَ هادِمُ اَبْنِیَةِ الشِّرْکِ وَالنِّفاقِ اَیْنَ مُبیدُ اَهْلِ
کجاست خراب کننده بناهای شرک و دوروئی کجاست هلاک سازنده اهل

الْفُسُوقِ وَالْعِصْیانِ اَیْنَ حاصِدُ فُرُوعِ الْغَیِّ وَالشِّقاقِ
[illegible] کاران و نافرمان بران کجاست قطع کننده شاخهای گمراهی و [illegible]

اَیْنَ طامِسُ آثارِ الزَّیْغِ وَالْاَهْواءِ اَیْنَ قاطِعُ حَبائِلِ
کجاست محو سازنده نشانهای میل و خواهشهای نفسانی کجاست برنده ریسمانهای

الْکِذْبِ وَالْاِفْتِراءِ اَیْنَ مُبیدُ الْعُتاةِ وَالْمَرَدَةِ اَیْنَ
دروغ و افترا کجاست هلاک سازنده از حد گذرندگان و دلیرشوندگان

مُسْتَاْصِلُ اَهْلِ الْعِنادِ وَالتَّضْلیلِ وَالْاِلْحادِ اَیْنَ
از ریشه کننده ستیزه گران و گمراه نمایندگان و بی دینان

مُعِزُّ الْاَوْلِیاءِ وَمُذِلُّ الْاَعْداءِ اَیْنَ جامِعُ الْکَلِمِ عَلی
کجاست عزیز کننده دوستان خدا و خوار کننده دشمنان کجاست فراهم آورنده

التقوى اين باب الله الذي منه يؤتى اين وجه الله الذي يتوجه

پرهیزکاری اسلام کجاست در توبه شناسا آن دری که از آن ایشان ده شود خدا کجاست روی

الاولياء اين السبب المتصل بين اهل الارض و

دوستان خدا کجاست دست آویز پیوسته میان اهل زمین و

السماء اين صاحب يوم الفتح وناشر راية الهدى اين

آسمان کجاست خداوند روز فتح و نصرت و درازنده علم هدایت کجا

مؤلف شمل الصلاح والرضا اين الطالب بذحول

الفت دهنده پراکندگی شایسته و خشنودی خدا کجاست طلب کننده خونهای

الانبياء وابناء الانبياء اين الطالب بدم المقتول

پیغمبران و فرزندان پیغمبران کجاست طلب کننده خون کشته

بكربلاء اين المنصور على من اعتدى وافترى اين المضطر

کربلا کجاست آن یاری کرده شده بر آنکه خواهد که زیاد کند بر او دروغ

الذي يجاب اذا دعى اين صدر الخلائق ذو البر و

که اجابت کرده شود چون بخواند خدای را کجاست مهتر آفریدگان خداوند نیکو

التقوى اين ابن النبي المصطفى وابن علي المرتضى

پرهیزکاری کجاست فرزند پیغمبر برگزیده و فرزند علی پسندیده

وابن خديجة الغراء وابن فاطمة الزهراء الكبرى

و فرزند خدیجه سفید پیشانی و فرزند فاطمه درخشنده رای بزرگوار

بابي انت وامي ونفسي لك الوقاء والحمى يا ابن السادة

فدای تو باد پدرم و مادرم و جانم مر را نگاه دارنده و حمایت کننده

المقربين

الْمُقَرَّبِينَ يَا ابْنَ النُّجَبَاءِ الْأَكْرَمِينَ يَا ابْنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ
نزدیکان ای فرزند برگزیدگان بزرگواران ای فرزند راهنمایان راه یافتگان

يَا ابْنَ الْخِيَرَةِ الْمُهَذَّبِينَ يَا ابْنَ الْغَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ يَا ابْنَ الْخَضَا
ای فرزند هشیار گوشه گان پاک کرده گان ای فرزند بزرگان بخشندگان ای فرزند بخشندگان

الْمُنْتَجَبِينَ يَا ابْنَ الْقَمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ يَا ابْنَ الْأَطَائِبِ
برگزیدگان ای فرزند مهتران بزرگواران ای فرزند پاکیزگان

الْمُعَظَّمِينَ الْمُطَهَّرِينَ يَا ابْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ يَا ابْنَ السُّرُجِ
بزرگان پاکان ای فرزند ماههای تمام نوربخش ای فرزند چراغهای

الْمُضِيئَةِ يَا ابْنَ الشُّهُبِ الثَّاقِبَةِ يَا ابْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ
روشن ای فرزند کوکبهای درخشان ای فرزند ستارهای درخشان

يَا ابْنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ يَا ابْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ يَا ابْنَ
ای فرزند راههای ظاهر ای فرزند نشانهای هویدا ای فرزند

الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ يَا ابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ يَا ابْنَ الْمَعَالِمِ
علوم کامل ای فرزند شرایع و طریقهای مشهور ای فرزند نشانهای

الْمَأْثُورَةِ يَا ابْنَ الْمُعْجِزَاتِ الْمَوْجُودَةِ يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ
منقول ای فرزند معجزهای ثابت ای فرزند دلیلهای نیکوی دیده شده

يَا ابْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ يَا ابْنَ النَّبَإِ الْعَظِيمِ يَا ابْنَ مَنْ
ای فرزند راه راست ای فرزند خبر بزرگ ای فرزند کسی

هُوَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللّٰهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ يَا ابْنَ الْآيَاتِ
که او در لوح محفوظ نزد خدا بلند مرتبه است و استوار کردار است ای فرزند آیتها

وَالْبَيِّنَاتِ يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ يَا ابْنَ الْبَرَاهِينِ
و معجزهای روشن ای فرزند دلیلهای روشن ای فرزند برهانهای
الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ يَا ابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ يَا ابْنَ النِّعَمِ
روشن آشکار ای فرزند حجتهای رسای کامل ای فرزند نعمتهای
السَّابِغَاتِ يَا ابْنَ طٰهٰ وَالْمُحْكَمَاتِ (يَا ابْنَ يٰسٓ وَالذَّارِيَاتِ) يَا ابْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ
تمام کامل ای فرزند طه و آیات محکمه متقنه ای فرزند یس و الذاریات ای فرزند
يَا ابْنَ مَنْ دَنَىٰ فَتَدَلَّىٰ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ
ای فرزند آنکه نزدیک شد پس نزدیک شد پس بود قرب او اندازه دو کمان یا نزدیکتر
دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَىٰ لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ
نزدیکی و نزدیکی جستن بخداوند بلند برتر کاش من دانستمی که کدام جهة
اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَىٰ بَلْ أَيُّ أَرْضٍ تُقِلُّكَ أَوْ ثَرَىٰ
قرار گرفت ترا قصد بلکه کدام زمین برمیدارد ترا یا کدام خاک
أَبِرَضْوَىٰ أَمْ غَيْرِهَا أَمْ ذِي طُوَىٰ عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَىٰ
مناکت آیا برضوا یا غیر آن یا در ذی طوی سخت دشوار است بر من اینکه ببینم
الْخَلْقَ وَلَا تُرَىٰ وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيسًا وَلَا نَجْوَىٰ
خلق را و دیده نشوی تو و نشنوم ترا آوازی و نه رازی
عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ لَا تُحِيطَ بِي دُونَكَ الْبَلْوَىٰ وَلَا يَنَالَكَ
بر من اینکه فرا نگیرد مرا بی حضور تو زحمت و نرسد ترا از من
مِنِّي ضَجِيجٌ وَلَا شَكْوَىٰ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ
فریادی و نه شکایتی فدای تو گردم پنهان نگردیده که غائب

مِنَّا

مِنّا بِنَفسِي اَنتَ مِن نازِحٍ نَزَحَ عَنّا بِنَفسِي اَنتَ اُمنِيَّةُ

بنفسم از ما فدای تو بکنم دوری که دوری نکند از ما فدای تو بکنم ای آرزوی

شائِقٍ يَتَمَنّى مِن مُؤمِنٍ وَمُؤمِنَةٍ ذَكَرا فَحَنّا بِنَفسِي اَنتَ

آرزومندی که خواهش کند از مرد گرونده و زن گرونده که یاد کنند مشتاق شوند فدای تو

مِن عَقِيدِ عِزٍّ لا يُجازى بِنَفسِي اَنتَ مِن تِلادِ نِعَمٍ لا

بستهٔ عزتی که همسری کرده نشود فدای تو بکنم از دیرینه نعمتهایی که شباهت داشته نشود

تُضاهى بِنَفسِي اَنتَ مِن نَصِيفِ شَرَفٍ لا يُساوى اِلى

فدای تو شوم ای مستای شرفی که برابری کرده نشود تا کی حیران باشم در تو ای مولای من

مَتى وَاَيَّ خِطابٍ اَصِفُ فِيكَ وَاَيَّ نَجوى عَزِيزٌ عَلَيَّ

تا کی و کدام خطاب بستایم ترا و کدام راز گران است بر من

اَن اُجابَ دُونَكَ وَاُناغى عَزِيزٌ عَلَيَّ اَن اَبكِيَكَ وَيَخذُلَكَ

آنکه سخن کرده شود بی تو و دلگفتگو کرده شوم گران است بر من آنکه بگریم بر تو و واگذارند ترا

الوَرى عَزِيزٌ عَلَيَّ اَن يَجرِيَ عَلَيكَ ما جَرى هَل مِن مُعِينٍ

خلایق گران است بر من آنکه جاری شود آنچه بر تو جاری شد آیا هست یاری دهنده

فَاُطِيلَ مَعَهُ العَوِيلَ وَالبُكاءَ هَل مِن جَزُوعٍ فَاُساعِدَ

پس دراز کنم با او فغان و زاری را آیا هست بسیار جزع کننده که یاری کنم

جَزَعَهُ اِذا خَلا هَل قَذِيَت عَينٌ فَتُسعِدَها عَينِي عَلَى

جزع او را چون تنها شود آیا بسیار خورده شده است دیده پس یاری کند

القَذى هَل اِلَيكَ يَا بنَ اَحمَدَ سَبِيلٌ فَتُلقى هَل يَتَّصِلُ

هم خورده کی آیا هست بسوی تو ای فرزند احمد راهی پس دریافته شود

يومنا منك بعده فنحظى متى نرد مناهلك الروية

روز جاری ما از خدمت تو بغزوای قربت آن پس بهره ور شویم که دارد ترحیم

فنروى متى ننتفع من عذب مائك فقد طال الصدى

پس سیراب شویم اما منتفع شویم از آب پاکیزه شیرین پس بحقیقت بطول کشید

متى نغاديك ونراوحك فتقر عيوننا متى ترانا

اما کی باشد که بامداد ایم برادر شبانگاه پس روشنی شود دیده های ما کی بیسی تو

ونراك وقد نشرت لواء النصر ترى اترانا نحف

و بحقیقت برانگیخته باشی علم نصرت را حالت اکر ما را بینی

بك وانت تأم الملاء وقد ملأت الارض عدلا واذقت

و تو پیشوای بزرگان خلق را و بحقیقت پرکرده باشی زمین را از عدل

اعداءك هوانا وعقابا وابرت العتاة وجحدة

دشمنان خود خواری و عقوبت و هلاک کرده باشی از حد گذرندگان و منکران

الحق وقطعت دابر المتكبرين واجتثثت اصول

حق را و قطع کرده باشی بنیاد گردنکشان را و برکنده باشی ریشهای

الظالمين ونحن نقول الحمد لله رب العالمين اللهم

ستمکاران و ما گوییم که سپاس مر خدای را پروردگار جهانیان خداوندا

انت كشاف الكرب والبلوى واليك استعدي فعندك

تو دور کننده اندوه و محنت و بلوی تو یاری میجویم پس نزد تو

العدوى انت رب الاخرة والاولى فاغث

یاری و تو پروردگار آنجهان و دنیا پس فریاد رس

المستغيث

الْمُسْتَغِيثِينَ عَبْدَكَ الْمُبْتَلَى وَأَرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ
فریادرسی طلب کنندگان بنده خود را افتاده شده در بلا و بنما باو آقای او را ای سخت

الْقُوَى وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ
توانائیهای سخت و زایل کن از او ببرکت آنجناب حزن و اندوه را و سردی ده

يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى وَمَنْ إِلَيْهِ الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى
ای آنکه او بر عرش مستولی است و ای آنکه بسوی او است بازگشت و منتهی شدن

اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَى وَلِيِّكَ الْمُذَكِّرِ بِكَ
خداوندا و ما بندگان تو ایم مشتاقان بسوی ولی تو که یاد آورنده

وَبِنَبِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا
پیغمبر تو آفریدی او را برای ما نگاه دارنده و پناه و برپا داشتی او را برای ما پایه

وَمَعَاذًا وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً
و پناه و گردانیدی او را برای گروندگان از ما پیشوا پس برسان او را از ما

وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا
و افزون کن ما را بسبب آن ای پروردگار از روی نوازش و بگردان قرارگاه او را برای

وَمُقَامًا وَأَتْمِمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا حَتَّى
و ایستادگاه و تمام کن نعمت خود را بپیش داشتن تو او را پیش ما تا آنکه

تُورِدَنَا جِنَانَكَ وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ
فرود آوری ما را در بهشتهای خود و در رفاقت شهیدان از خالصان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ وَصَلِّ عَلَى جَدِّهِ
خداوندا رحمت بفرست بر حجت خود و دوست دارنده امر خود و رحمت بفرست بر جد او

محمد رسولك السيد الاكبر وصل على ابنه السيد المعو

محمد رسول تو مهتر بزرگتر و رحمت بفرست بر پسر او و وزیر

وحامل اللواء في المحشر وساقي اوليائه من نهر الكوثر

برداشته علم حمد در روز حشر و آب دهنده دوستان از نهر کوثر

والامير على سائر البشر الذي من آمن به فقد ظفر ومن لم

و پادشاه بر تمام آدمیان آنکه هرکه گروید بدین بتحقیق فیروزی یافت

يؤمن فقد خطر وكفر صلى الله عليه وعلى اخيه وعلى

و هرکه نگروید بدو بتحقیق بهلاکت راه زد و کافر شد رحمت فرستد خدا بر او و بر برادر او و بر

نجلهما الميامين الغرر ما طلعت شمس وما اضاء

فرزندان او آنان که برکت داده شده‌اند نیک بخت چندانکه دائم که برآید آفتاب

قمر وعلى جدته الصديقة الكبرى فاطمة الزهراء

و روشن گردد ماه و بر جده او آن راستگوی بزرگ است فاطمه زهرا

بنت محمد المصطفى وعلى من اصطفيت من آبائه البررة

دختر محمد برگزیده و بر آنکه برگزیدی از پدران نیکوکار او

وعليه افضل واكمل وادوم واكثر واوفر ما صليت

بر او بهتر و کاملتر و با دوام‌تر و بسیارتر و فراوان‌تر از آنچه رحمت

على احد من اصفيائك وخيرتك من خلقك وصل

فرستادی بر یکی از برگزیدگان خود و اختیار کرده شده‌ها از آفریدگان خود و رحمت

عليه صلوة لا غاية لعددها ولا نهاية لمددها ولا

بر او رحمتی که نباشد پایانی مر شمار آن را و نه انتها برای زمان آن و نه

نَفَادَ لِأَمَدِهَا اَللّٰهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ وَادْحَضْ بِهِ الْبَاطِلَ وَ

شدنی برای مدت آن خداوندا و بپا دار بوی حق را و ناچیز کن بسبب او باطل را

أَدِلْ بِهِ أَوْلِيَائَكَ وَأَذِلَّ بِهِ أَعْدَائَكَ وَصِلِ اللّٰهُمَّ بَيْنَنَا

غالب کن بوی دوستان خود را و خوار کن بسبب او دشمنان خود را و پیوسته دار خداوندا میان ما

وُصْلَةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ

پیوستگی که برساند بسوی رفاقت پدران او و بگردان ما را از آنانکه فرا گیرند

بِحُجْزَتِهِمْ وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ وَ

دامان ایشان را و فرو گیرند در سایهٔ ایشان و مدد کن ما را بر رسانیدن حقوق او

الْاِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَالْاِجْتِنَابِ عَنْ مَعْصِيَتِهِ

کوشش نمودن در فرمان برداری او و دوری نمودن از نافرمانی او

وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَائَهُ

و منت گذار بر ما بخشنودی او و ببخش ما را مهربانی و بخشش او و دعای او

وَخَيْرَهُ مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزًا عِنْدَكَ وَاجْعَلْ

و خیر او آنچه برسیم بسبب آن بفراخی از رحمت تو و فیروزی نزد تو و بگردان

صَلَوَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً وَدُعَائَنَا بِهِ مُسْتَجَابًا

نمازهای ما بسبب او پذیرفته و گناهان ما را بسبب او آمرزیده و دعاهای ما را بسبب او مستجاب

وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً وَهُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَّةً وَحَوَائِجَنَا

و بگردان روزیهای ما را بسبب او پهن کرده شده و غمهای ما را بسبب او رفع کرده شده

بِهِ مَقْضِيَّةً وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنَا

بسبب او بر آورده شده و رو کن بسوی ما بروی رحمت بزرگوار خود و بپذیر نزدیکی جستن

إليك وانظر إلينا نظرة رحيمة نستكمل بها الكرامة
بسوى تو و بنگر بسوى ما نگرستنى با رحمت كه كامل كنيم به آن نوازش را

عندك ثم لا تصرفها عنا بجودك واسقنا من حوض جدك
نزد تو پس مگردان نظر خود را از ما به بخشش خود وآب ده ما را از حوض جد

بكأسه وبيده ريا رويا هنيئا سائغا لا ظمأ بعده يا
بجام او و بدست او سيراب كامل گوارا خوش هضم شونده كه نباشد تشنگى بعد از آن اى

أرحم الراحمين واما طريق صلوات فرستادن بر ايشان
رحم كننده ترين رحم كنندگان پس شيخ طوسى رحمه الله بسند معتبر روايت
كرده است كه عبد الله ابن محمد گفت كه من سؤال كردم از
امام حسن عسكرى كه املا نمايد بر من كيفيت صلوات فرستادن
بر حضرت رسول و اوصياء آنحضرت صلوات الله عليهم و با
خود حاضر كرده بودم كاغذ بزرگى را پس بر من املا فرمود بى نگاه كردن
از كتابى املا كند با اين نحو اللهم صل على محمد وآل محمد كما
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانچه

حمل وحيك وبلغ رسالاتك وصل على محمد كما أحل حلالك
برداشت وحى را و رسانيد پيغام ترا و رحمت فرست بر محمد چنانچه حلال كرد حلال ترا

وحرم حرامك وعلم كتابك وصل على محمد كما أقام الصلوة و
حرام ترا و آموزانيد كتاب ترا و رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانچه بر پا داشت نماز را

آتى الزكوة ودعا إلى دينك وصل على محمد كما صدق
داد زكوة را و خواند بسوى دين تو و رحمت فرست بر محمد چنانچه تصديق كرد

بوعد

بِوَعْدِكَ وَأَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ وَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ كَمَا غَفَرْتَ بِهِ

وعده او را و ترسید از وعده تو را و ترسید از وعید تو و رحمت بفرست بر محمد چنانچه

الذُّنُوبَ وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ وَفَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ وَ

گناهان را و پوشانیدی بحرمت او عیبها را و زایل کردی باو اندوهها را و

صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ كَمَا رَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ وَكَشَفْتَ بِهِ الْغَمَّاءَ

رحمت بفرست بر محمد چنانچه رفع نمودی برکت او بدبختی را و زایل کردی باو اندوه را

وَأَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَأَهْلَكْتَ

و زنده گردانیدی بوسیله او از بلاد را و درهم شکستی و گردنکشان را و هلاک گردانیدی

بِهِ الْفَرَاعِنَةَ وَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ كَمَا أَضْعَفْتَ بِهِ الْأَمْوَالَ وَ

باو از گردنکشان را و رحمت بفرست بر محمد چنانچه زبون کردی برکت او مالها را و

حَذَّرْتَ بِهِ مِنَ الْأَهْوَالِ وَكَسَرْتَ بِهِ الْأَصْنَامَ وَرَحِمْتَ

ترسانیدی بواسطه او از شدائد و شکستی باو بتها را و بخشیدی

بِهِ الْأَنَامَ وَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْأَدْيَانِ وَتَبَّرْتَ

باو آدمیان را و رحمت بفرست بر محمد چنانچه فرستادی او را از بهترین ملت

بِهِ الْأَوْثَانَ وَعَظَّمْتَ بِهِ الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَصَلِّ عَلَىٰ

و غالب کردانیدی باو ایمان را و بزرگ گردانیدی خانه محترم را رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ وَسَلِّمْ تَسْلِيماً

محمد و خاندان او که پاکان و برگزیدگانند و درود فرست درود

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَخِي

خداوندا رحمت بفرست بر محمد ع پادشاه گروندگان علی بن ابوطالب برادر

نبيك ووليه ووصيه ووزيره ومستودع علمه
پیغمبر تو دوست او و وصی او و بردارنده گرانیهای او و قرارگاه علم او
وموضع سره وباب حكمته والناطق بحجته والداعي
و جای نهان راز او و در حکمت او و گوینده به حجت او و خواننده
الى شريعته وخليفته في امته ومفرج الكرب
بسوی شریعت او و جانشین او در امت او و زداینده اندوهها از
عن وجهه قاصم الكفرة ومرغم الفجرة والذي جعلته
پیش روی او بر هم شکننده کافران و بخاک مالنده بدکاران و آنکه گردانیدی او را
من نبيك بمنزلة هرون من موسى اللهم وال من والاه
نسبت به پیغمبر خود بمنزله هارون نسبت بموسی خداوندا دوست دار آنکه دوست دارد او را
وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله
و دشمن دار آنکه دشمن دارد او را و یاری کن آنکه یاری کند او را و خوار گردان آنکه خوار کند او را
والعن من نصب له من الاولين والاخرين وصل
و لعنت کن آنرا که دشمنی کند او را از پیشینیان و پسینیان و رحمت بفرست
عليه افضل ما صليت على احد من اوصياء انبيائك
بر او بهتر از آنکه رحمت فرستادی بر یکی از وصیهای پیغمبران تو
يا رب العالمين اللهم صل على الصديقة فاطمة الزكية
ای پروردگار جهانیان خداوندا رحمت فرست بر راستگوی پاکیزه فاطمه پاک
حبيبة حبيبك ونبيك وام احبائك واصفيائك
دوست داشته دوست تو و پیغمبر تو و مادر دوستان تو و برگزیدگان تو

الزكية

الَّتِي انْتَجَبْتَهَا وَفَضَّلْتَهَا وَاخْتَرْتَهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ

آنکه برگزیدی او را و زیادتی دادی او را و اختیار کردی او را بر زنان جهانیان خداوندا

كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا وَكُنِ الثَّائِرَ

باش طلب کننده برای او از آنکه ستم کرد او را و سبک شمرد حق او را و باش طلب کننده

اَللّٰهُمَّ بِدَمِ اَوْلَادِهَا اَللّٰهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهَا اُمَّ اَئِمَّةِ الْهُدَىٰ

خداوندا خون فرزندان او را خداوندا و چنانچه تو کردی او را مادر پیشوایان راه راست

وَحَلِيلَةَ صَاحِبِ اللِّوَاءِ وَالْكَرِيمَةَ عِنْدَ الْمَلَاِ الْاَعْلَىٰ فَصَلِّ

و زن صاحب رایت و علم و بزرگوار نزد بزرگان عالم بالا پس رحمت فرست

عَلَيْهَا وَعَلَىٰ اُمِّهَا صَلٰوةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ اَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

بر او و بر مادر او رحمتی که گرامی داری بآن روی پدر او محمد

وَتُقِرُّ بِهَا اَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا وَاَبْلِغْهُمْ عَنِّي فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ

و روشن نمائی بآن دیدهای فرزندان او را و برسان بایشان از من در این ساعت

اَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَ

بهترین درود و سلام خداوندا رحمت بفرست بر حسن و

الْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ وَوَلِيَّيْكَ وَابْنَيْ رَسُولِكَ وَسِبْطَيِ

حسین دو بنده تو و دو دوست تو و دو پسر پیغمبر تو و دو فرزندزاده

الرَّحْمَةِ وَسَيِّدَيْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَفْضَلَ مَا

رحمت تو و دو بزرگ جوانان اهل بهشت بهتر از آنچه

صَلَّيْتَ عَلَىٰ اَحَدٍ مِنْ اَوْلَادِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ

رحمت فرستادی بر یکی از فرزندان پیغمبران و فرستادگان خداوندا

صلّ على الحسن بن علي سيّد النبيين ووصي امير المؤمنين

رحمت فرست بر حسن پسر علی بزرگ پیغمبران و وصی پادشاه گروندگان

السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن

درود بر تو ای پسر رسول خدا درود بر تو ای فرزند

سيّد الوصيين اشهد انك يا ابن امير المؤمنين وامينه

بزرگ اوصیا گواهی میدهم بدرستیکه تو ای فرزند پادشاه گروندگان و امین او

وابن امينه عشت مظلوما ومضيت شهيدا واشهد

و فرزند امانت دار او زندگانی کردی ستم رسیده و گذشتی شهید و گواهی میدهم

انك الامام الزكي الهادي المهدي اللهم صلّ

بدرستیکه تویی پیشوای پاک راهنمای راه یافته خداوندا رحمت فرست

عليه وبلغ روحه وجسده عني في هذه الساعة

برو و برسان بروح او و بجسد او از من درین ساعت

افضل التحية والسلام اللهم صلّ على الحسين بن

بهترین درود را و سلام خداوندا رحمت فرست بر حسین پسر

علي المظلوم الشهيد قتيل الكفرة وطريح الفجرة و

علی ستم رسیده شهید کشته ناگروندگان و افتاده تبهکاران و

السلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا ابن

درود بر تو ای اباعبدالله درود بر تو ای پسر

رسول الله السلام عليك يا ابن امير المؤمنين اشهد

رسول خدا درود بر تو ای فرزند پادشاه گروندگان گواهی میدهم

موما

مُوقِنًا اَنَّكَ اَمِينُ اللّٰهِ وَابْنُ اَمِينِهِ قُتِلْتَ مَظْلُومًا وَ

بیقین دارنده که بتحقیق تو معتمد خدا و فرزند معتمد اوئی کشته شدی ستم دیده

مَضَيْتَ شَهِيدًا وَاَشْهَدُ اَنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى الطَّالِبُ

و گذشتی شهادت یافته و گواهی میدهم اینکه بتحقیق خدا که برتر است او طالب

بِثَارِكَ وَمُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَالتَّاْيِيدِ فِي

خون تو و وفا کننده است آنچه را که وعده کرد بتو از یاری نمودن و دولت دادن در

هَلَاكِ عَدُوِّكَ وَاِظْهَارِ دَعْوَتِكَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ وَفَيْتَ

هلاک نمودن دشمن تو و ظاهر ساختن دعوت تو و گواهی میدهم اینکه بتحقیق تو وفا کردی

بِعَهْدِ اللّٰهِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَبَدْتَ اللّٰهَ

بپیمان خدا و کارزار نمودی در راه خدا و پرستیدی خدا را

مُخْلِصًا حَتّٰى اَتٰيكَ الْيَقِينُ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ

حالت آنکه خالص کننده بندگی پرستش نمودی تا آمد ترا مرگ لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا

وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً خَذَلَتْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اَلَّبَتْ

و لعنت کند خدا گروهی را که وا گذاشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که جمع شدند

عَلَيْكَ وَاَبْرَءُ اِلَى اللّٰهِ تَعَالٰى مِمَّنْ اَكْذَبَكَ وَاسْتَخَفَّ

بر مقابله تو و بیزاری میجویم بسوی خدا که برتر است از آنکه دروغ نسبت داد ترا و سبک کرد

بِحَقِّكَ وَاسْتَحَلَّ دَمَكَ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ

حق ترا و حلال دانست خون ترا فدای تو باد پدر و مادرم ای ابا عبد الله

لَعَنَ اللّٰهُ قَاتِلَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ خَاذِلَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ

لعنت کند خدا کشنده ترا و لعنت کند خدا وا گذارنده ترا و لعنت کند خدا آنرا

سَمِعَ داعِيَتَكَ فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ يَنْصُرْكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ

سَبا نِساءَكَ اَنَا اِلَى اللهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَمِمَّنْ والاهُمْ

وَمالَأَهُمْ وَاَعانَهُمْ عَلَيْهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ وَالْاَئِمَّةَ

مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوى وَبابُ الْهُدى وَ

الْعُرْوَةُ الْوُثْقى وَالْحُجَّةُ عَلى اَهْلِ الدُّنْيا وَاَشْهَدُ

اِنّى بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِمَنْزِلَتِكُمْ مُوقِنٌ وَلَكُمْ تابِعٌ بِذاتِ

نَفْسى وَشَرايِعِ دينى وَخَواتيمِ عَمَلى وَمُنْقَلَبى فى دُنْيا

ىَ وَآخِرَتى اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى عَلِىِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعابِدينَ

الَّذِى اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَجَعَلْتَ مِنْهُ اَئِمَّةَ

الْهُدَى الَّذينَ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ

وطهرته

وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ وَاصْطَفَيْتَهُ وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا
و پاک گردانیدی او را از گناه و برگزیدی او را و گردانیدی او را راهنمای
مَهْدِيًّا اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ
راه یافته خداوندا پس رحمت فرست بر او بهترین چیزی رحمت بفرستی
عَلٰى اَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّةِ اَنْبِيَائِكَ حَتّٰى يَبْلُغَ بِهِ مَا تُقِرُّ
بر یکی از فرزندزادگان پیغمبران خود تا آنکه و او را برسانی بآنچه روشن شود
بِهِ عَيْنُهُ فِى الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ اَللّٰهُمَّ
بآن دیده او در این جهان و در آن جهان بدرستیکه تو غالب راست کرداری خداوندا
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِىٍّ بَاقِرِ الْعِلْمِ وَاِمَامِ الْهُدٰى
رحمت بفرست بر محمد پسر علی شکافنده علم و پیشوای راه راست
وَقَائِدِ اَهْلِ التَّقْوٰى وَالْمُنْتَجَبِ مِنْ عِبَادِكَ اَللّٰهُمَّ
و پیشرو پرهیزکاران و برگزیده شده از بندگان تو خداوندا
وَكَمَا جَعَلْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ وَمَنَارًا لِبِلَادِكَ وَ
و چنانچه گردانیدی او را نشانه هدایت برای بندگان خود و روشنی شهرها
مُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِكَ وَمُتَرْجِمًا لِوَحْيِكَ وَاَمَرْتَ
و امانتگاه حکمت خود و بیان کننده وحی خود و امر کردی بفرمان
بِطَاعَتِهِ وَحَذَّرْتَ مِنْ مَعْصِيَتِهِ فَصَلِّ عَلَيْهِ
برداری او و ترسانیدی از نافرمانی او پس رحمت بفرست بر او
يَا رَبِّ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّةِ
ای پروردگار من بهترین رحمتی که فرستادی بر یکی از فرزندزادگان

أَنْبِيَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأُمَنَائِكَ يَا رَبَّ
پیغمبران تو و برگزیدگان تو و رسولان تو و امانت داران تو ای پروردگار

الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ
جهانیان خداوندا رحمت بفرست بر جعفر فرزند محمد راستگوی

وَخَازِنِ الْعِلْمِ الدَّاعِي إِلَيْكَ بِالْحَقِّ النُّورِ الْمُبِينِ
و خزینه دار علم خواننده بسوی تو براستی روشنی آشکار

اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ كَلَامِكَ وَوَحْيِكَ
خداوندا و چنانچه گردانیدی او را قرارگاه کلام تو و وحی تو

وَخَازِنَ عِلْمِكَ وَلِسَانَ تَوْحِيدِكَ وَوَلِيَّ أَمْرِكَ
و خزانه دار علم تو و زبان توحید تو و دوست امر تو

وَمُسْتَحْفِظَ دِينِكَ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ
و نگاه دارنده دین تو پس رحمت فرست بر او بهتر از آنچه رحمت فرستادی

عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَحُجَجِكَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ
بر یکی از برگزیدگان تو و حجتهای تو بدرستی تو ستوده بزرگواری

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
خداوندا رحمت فرست بر امین امانت دار شده موسی پسر جعفر

الْبَرِّ الْوَفِيِّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ النُّورِ الْمُبِينِ الْمُجْتَهِدِ
نیکوکار وفادار پاک پاکیزه روشنی روشن کوشنده

الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ عَلَى الْأَذَى فِيكَ اللَّهُمَّ وَكَمَا
با اخلاص شکیبا کننده بر آزار در راه تو ای خداوندا و چنانکه

بلغ

بلّغ عن آبائه ما استودع من أمرك ونهيك وحمل

و چنانچه رساننده از پدران خود آنچه سپرده شده بود از امر تو و نهی تو و برداشت

على المحجّة وكابد أهل العزّة والشدّة فيما كان يلقى

بر راه راست و تعب کشید از اهل عزت و شدت در آنچه بود که می‌دید از

من جهّال قومه ربّ فصلّ على محمّد أفضل وأكمل ما

جاهلان قوم خود ای پروردگار من پس رحمت بفرست بر محمد بهتر و کامل‌تر از آنچه

صلّيت على أحد ممّن أطاعك ونصح لعبادك

رحمت فرستادی بر یکی از آنکه فرمانبرداری نمود ترا و پند داد مر بندگان ترا

إنّك غفور رحيم اللّهمّ صلّ على عليّ بن موسى

بدرستیکه تو آمرزنده مهربانی خداوندا رحمت فرست بر علی پسر موسی

الّذي ارتضيته ورضيت به من شئت من خلقك

آنکه پسندیدی او را و خشنود گشتی بسبب او آن را که خواستی از خلق خود

اللّهمّ وكما جعلته حجّة على خلقك وقائماً

خداوندا و چنانچه گردانیدی او را حجت بر خلق خود و بپا ایستاده

بأمرك وناصراً لدينك وشاهداً على عبادك

بامر خود و یاری کننده دین خود و گواه بر بندگان خود

وكما نصح لهم في السرّ والعلانية ودعا إلى

و چنانچه پند داد ایشان را در نهان و آشکار و خواند بسوی

سبيلك بالحكمة والموعظة الحسنة فصلّ

راه تو بدلیل محکم و پند نیکو پس رحمت بفرست

عَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ وَ

بر او بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از دوستان خود و

خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

برگزیدگان خود از خلق خود بدرستیکه تو بخشنده بزرگواری خداوندا رحمت فرست بر

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَمِ التُّقٰى وَنُورِ الْهُدٰى وَمَعْدِنِ الْوَفَاءِ

محمد پسر علی نشانه پرهیزکاری و روشنی راه راست و معدن وفا و

وَفَرْعِ الْاَزْكِيَاءِ وَخَلِيفَةِ الْاَوْصِيَاءِ وَاَمِينِكَ

شاخ پاکان و جانشین اوصیا و معتمد تو

عَلٰى وَحْيِكَ اَللّٰهُمَّ وَكَمَا هَدَيْتَ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ

بر وحی تو خداوندا و چنانکه راه نمائی کردی بوی از گمراهی

وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ الْحَيْرَةِ وَاَرْشَدْتَ بِهِ مَنِ اهْتَدٰى

و رهانیدی بوسیله او از حیرت و ارشاد کردی براه او هر که راه یافت

وَزَكَّيْتَ بِهِ مَنْ تَزَكّٰى فَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ

و پاک گردانیدی برکت او آنرا که پاک شد پس رحمت فرست بر او بهتر از آنچه رحمت

عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ وَبَقِيَّةِ اَوْصِيَائِكَ اِنَّكَ

بر یکی از پیغمبران خود و باقی مانده اوصیای خود بدرستیکه تو

عَزِيزٌ حَكِيمٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصِيِّ الْاَوْصِيَاءِ

غالب درستکاری خداوندا رحمت فرست بر علی پسر محمد وصی اوصیا

وَاِمَامِ الْاَتْقِيَاءِ وَخَلَفِ اَئِمَّةِ الدِّينِ وَالْحُجَّةِ عَلٰى

و پیشوای پرهیزکاران و جانشین پیشوایان دین و حجت بر

الخلائق

الخلائق اجمعين اللّهمّ كما جعلته نوراً يستضيء به

خلایق همه خداوندا چنانچه گردانیدی او را روشنائی که روشنی جویند به او

المؤمنون فبشّر بالجزيل من ثوابك وانذر بالاليم

گروندگان پس مژده داد بسیار از ثواب تو و ترسانید به دردناک

من عقابك وحذّر بأسك وذكّر بآياتك واحلّ

از عقوبت تو و بیم فرمود از سختی گرفتن تو و یادآوری نمود به نشانهای تو و حلال

حلالك وحرّم حرامك وبيّن شرائعك وفرائضك

حلال تو را و حرام گردانید حرام تو را و بیان فرمود راههای شریعت تو را و واجبات تو را

وحضّ على عبادتك وامر بطاعتك ونهى عن

و برانگیخت بر پرستش تو و امر کرد به فرمانبرداری تو و منع کرد از

معصيتك فصلّ عليه افضل ما صلّيت على احد من

نافرمانی تو پس رحمت فرست بر او بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از

اوليائك وذريّة انبيائك يا اله العالمين اللّهمّ

دوستان خود و فرزندان پیغمبران خود ای خدای عالمیان خداوندا

صلّ على الحسن بن علىّ البرّ التّقىّ الصّادق الوفىّ

رحمت فرست بر حسن پسر علی نیکوکار پرهیزکار راستگوی وفادار

النّور المضىء خازن علمك والمذكّر بتوحيدك

روشنی روشن خازن علم تو و یادآوری کننده یگانگی تو و

ولىّ امرك وخلف ائمّة الدّين الهداة الرّاشدين

متولی امر تو و جانشین پیشوایان دین راهنمایان راه یافتگان

والحجة على اهل الدنيا فصل عليه يا رب افضل

رحمت بر اهل دنيا پس رحمت بفرست بر او اى پروردگار بهتر

ما صليت على احد من اصفيائك وحججك واولاد

از آنچه رحمت فرستادى بر يكى از برگزيدگان حق و حجتهاى حق و فرزندان

رسلك يا اله العالمين اللهم صل على وليك

پيغمبران حق اى خداى جهانيان خداوندا رحمت بفرست بر دوست حق

وابن اوليائك الذين فرضت طاعتهم واوجبت

و فرزند دوستان حق آنكه لازم كردى اطاعت ايشان را و ثابت كردى

حقهم واذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم

حق ايشان را و بردى از ايشان گناه را و پاك كردى ايشان را پاك كردنى

اللهم انصره وانتصر به لدينك وانصر به اولياءك

خداوندا يارى كن او را و انتقام بكش به او براى دين حق و يارى كن به او دوستان حق

واولياءه وشيعته وانصاره واجعلنا منهم اللهم

و دوستان او را و پيروان او را و ياران او را و بگردان ما را از ايشان خداوندا

اعذه ومن شر كل باغ وطاغ ومن شر جميع خلقك

پناه ده او را از شر هر ستمكارى و گردنكشى و از شر همه خلق حق

واحفظه من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه

و نگاه دار او را از پيش روى او و از عقب او و از طرف راست او

وعن شماله واحرسه وامنعه من ان يوصل اليه

و از طرف چپ او و حراست كن او را و بازدار او را از آنكه رسانيده شود بسوى او بدى

واحفظ

وَاحفظ فيه رسولك وآل رسولك واظهر به العدل

در عايت كن از حق او حرمت پيغمبر خود وآل پيغمبر خود را وظاهر كن بسبب او داد

وايده بالنصر وانصر ناصريه واخذل خاذليه

وقوى كن اورا بيارى نمودن ويارى كن يارى كنندگان اورا وخوار كن خوار كنندگان

به جبابرة الكفرة واقتل به الكفار والمنافقين

باو ستمكاران كافران را وبكش بدست او كافران را ودورويان را

وجميع الملحدين حيث كانوا في مشارق الارض و

وهمه بى دينان را انجا كه بوده باشند از جاهاى بيرون آمدن آفتاب و

مغاربها وبرها وبحرها واملأ به الارض عدلا و

جاهاى فرو رفتن آن وخشكى آن ودرياى آن وپركن بسبب او زمين را از داد

اظهر به دين نبيك عليه وآله السلام واجعلني

ظاهر كن بسبب او دين پيغمبر خود را بر او وآل او درود وبگردان مرا

اللهم من انصاره واعوانه واتباعه وشيعته

خداوندا از ياری کنندگان او ومددکاران او وپیروان او وگروه او

وارني في آل محمد ما يأملون وفي عدوهم ما يحذرون

وبنما مرا در حق آل محمد آنچه آرزو كنند ودر باره دشمنان ايشان آنچه ايشان بترسند

اله الحق آمين. باب دوازدهم در بيان نمازهاى واجب

اى خداى حق بپذير

كه مخصوص روزى وماهى نيست ونما

زهاى سنت كه اختصاص بوقتى ندارند واعمالى كه

باب دوازدهم

بغیر ماههای عربی تعلق دارند و در آن هشت فصل است
فصل اول در بیان نماز آیات است بدانکه این نماز واجبست (فصل اول)
نزد کسوف آفتاب و خسوف ماه خواه کل بگیرند و خواه
بعض و در زلزله که زمین بلرزد و مشهور این است که
هر آیتی که از جانب آسمان نازل شود که موجب خوف غالب
خلق گردد این نماز واجب میشود مانند بادهای سیاه
شدید که بر خلاف عادة باشد خواه رنگین باشد و خواه
نباشد و صاعقههای عظیم و رعدهای بسیار شدید و تاریک
شدن هوا و امثال اینها و این قول اقوی است و کیفیت این
نماز آنست که قصد کند که نماز آفتاب گرفتن یا ماه گرفتن یا
زلزله یا آیات میکنم ادا از جهت آنکه واجبست برای رضا
خدا قربة الی الله پس تکبیر احرام بگوید و حمد و یک سوره بخواند
پس رکوع کند پس سر بردارد و دو سنت است که در وقت سر برداشتن
الله اکبر بگوید پس حمد و سوره بخواند پس رکوع کند تا آنکه پنج
رکوع بعمل آورد و از رکوع پنجم سر بردارد و سمع الله لمن حمده
بگوید و بعد از آن بسجود رود و دو سجده بجا آورد پس برخیزد و
یک رکعت بجا آورد بدستور رکعت اول بعد از حمد بعضی از سوره
را بخواند و برکوع رود و بعد از سر برداشتن باقی سوره را بخواند
اعاده حمد که در رکوع اول خواند اکتفا میکند و همچنین نمی کند

و اگر سوره

واگر سوره که پنج آیه باشد تفریق کند بر رکوعها بیک حمد که
در رکوع اول خوانده اکتفا میکند و همچنین در رکعت دوم
بیک حمد و سوره چنین که تفریق کند اکتفا میتوان کرد و بهتر است
که بطریق اول بکند و بعد حمد و ده سوره بجا آورد اگر وقت
تنگ نباشد و اول وقت نماز کسوف و خسوف ابتدای گرفتن است
و آخر وقت بقول مشهور ابتدای منجلی شدن است و اظهر نزد
فقیر و جمعی از محققین آنست که تا تمام منجلی نشود وقتش باقیست
و نماز زلزله و آیاتی که وقتش وفا بنماز نکند موافق مشهور
در تمام عمر اداست و اگر کسی ترک کند نماز مذکور را با حدوث
یکی از اسباب مذکوره مشهور میان علما آنست که قضا کند
آن نماز را مطلقا و جمعی گفته اند که بر ناسی که فراموش کرده باشد
قضا نیست مادام که تمام قرص نگرفته باشد و عمل بمشهور
احوط است و اگر مطلع نشود تا وقت بدر رود و مشهور میان
اصحاب آنست که قضای کسوفین واجب نیست مگر آنکه
تمام قرص گرفته باشد و جمعی گفته اند واجبست مطلقا
و قول اول اقوی و ثانی احوط است و مستحبست که این نماز
را بجماعت بجا آورند و طول بدهند بقدر زمان کسوف و
خسوف و هرگاه از نماز فارغ شود و انجلا نشده باشد تمام
و اقوی آنست که اعاده نماز مستحبست و بعضی واجب دانسته اند

خواندن سورهای طولانی با وسعت وقت وبرابر ساختن رکوع
وسجود با قراءت ومستحب است قنوت خواندن پیش از رکوع دوم تا
وچهارم وششم وهشتم ودهم واگر در ایام زلزله إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ
مکرر این آیه را بخواند بسیار مناسبت بدرستیکه خدا نگاه میدارد
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا
آسمانها را وزمین را بجهت آنکه نخواهد که زایل شوند از مکان خود واگر زایل شوند
مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا واز حضرت امام
نگاه دارنده آنها را از زوال هیچ کس از بعد او بدرستیکه او هست بردبار آمرزنده رضا منقولست که
هر که در وقت خواب این آیه را بخواند بر سرش خواب نشود فصل
دوم در نماز استسقا است یعنی نماز طلب باران در
وقتی که باران کم آید وآب چاهها وچشمها کم شود وکیفیت
این نماز مثل نماز عید است که سابقا مذکور شد بجماعت
باید کرد ودر قنوتهایش طلب رحمت واستغفار از گناهان ودر
طلب باران باید کرد وبهترین دعاها دعای نوزدهم صحیفه کاملست
واکثر گفته اند که وقتش میان طلوع آفتابست تا زوال وباید
امام امر کند مردم را که سه روز روزه بدارند ودر روز سیم
ایشان را بیرون برد وبهتر آنست که روز سیم جمعه باشد یا دوشنبه
وبصحرا بیرون پای برهنه با سکینه ووقار ومؤذنان
عصا بدست گرفته پیش روی امام بروند وچون امام

از نماز فارغ شود بر منبر بالا رود و ردا را بگرداند بانکه جانب راست را بجانب چپ ورد و جانب چپ را بجانب راست بگرداند و صد مرتبه سبحان الله بگوید پس بجانب چپ بگردد و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید رو بر مردم کند و صد مرتبه الحمد لله بگوید و گفته اند که مردم در ذکرها موافقت کنند با او در گشتن ردا پس دو خطبه بخواند و مبالغه کند در استغفار و دعا و طلب رحمت و خطبهای منقوله بهتر است و دور نیست که اگر این ذکرها را بعد از خطبه بخواند با زخوب باشد

فصل ستم در بیان نماز حضرت رسول صلی الله علیه و اله

سید ابن طاوس قدس الله روحه بسند معتبر از حضرت امام رضا روایت کرده است که از آن حضرت سوال کردند از نماز جعفر طیار حضرت فرمود که چرا غافلی از نماز حضرت رسول شاید حضرت رسول نماز جعفر را نکرده باشد و شاید جعفر نماز آنحضرت را کرده باشد راوی گفت پس آن نماز را تعلیم کن بمن حضرت فرمود که دو رکعت نماز میکنی و در هر رکعت یک مرتبه فاتحه و پانزده مرتبه سوره انا انزلناه میخوانی پس در رکوع و بعد از سر برداشتن و در سجده اول و در میان دو سجده نشستن و در سجده دوم و در سر برداشتن هر یک پانزده مرتبه سوره قدر را میخوانی پس میخوانی پس تشهد میخوانی و سلام

میکویی وچون فارغ شوی میان تو وخدا گناهی نمانده مگر
آنکه آمرزیده شده است وهر حاجت که بطلبی رواست وبعد
از آن این لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ
دعا میخوانی نیست سزاوار پرستش بجز خدا پروردگار ما و پروردگار پدران ما پیشینیان
لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ إِلٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا إِلٰهَ
نیست سزاوار پرستش بجز خدا خدای یگانه و ما برای او گردن نهنده گانیم نیست سزاوار
إِلَّا اللّٰهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ
پرستش بجز خدا نمی پرستیم جز او را حال آنکه خالص کننده گانیم برای او عبادت را اگرچه
الْكَافِرُونَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ
ناخوش دارند کافران نیست سزاوار پرستش بجز خدا حال آنکه یگانه است یگانه وفا کرد وعده خود را و یاری
وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ
وعده خود را و یاری کرد بنده خود را و درهم شکست طوایف کفار را تنها پس او راست
الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ أَنْتَ
پادشاهی و مر او راست ستایش و او بر هر چیز توانا است بار خدایا توئی
نُورُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ
روشنی بخش آسمانها و زمین آنکه در آنهاست مر تراست سپاس و توئی به
قِيَامُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ
پا دارنده آسمانها و زمین و آنکه در آنهاست پس مر تراست سپاس
أَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الْحَقُّ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَإِنْجَازُكَ
و تو ای خداوند حقی و وعده تو راست و گفتار تو راست و روا کردن تو

حق

حَقٌّ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ اَللّٰهُمَّ لَكَ اَسْلَمْتُ وَ

حق و بهشت حق و دوزخ حق است خداوندا مر ترا است گردن نهادم و

بِكَ اٰمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَبِكَ خَاصَمْتُ وَاِلَيْكَ

بتو گرویده ام و در تو اعتماد نموده ام و بتو ستیزه میکنم من زمره اعدا را و بسوی تو می آورم

حَاكَمْتُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا

حکم خود را ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من بیامرز برای من آنچه پیش داشته ام و آنچه

اَخَّرْتُ وَاَسْرَرْتُ وَاَعْلَنْتُ اَنْتَ يَا اِلٰهِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

باز پس داشته ام و پنهان داشته ام و آشکارا نموده ام تو معبود منی نیست معبودی بحق جز تو

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز مرا و رحم کن مرا و بپذیر توبه مرا بدرستیکه

اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ مؤلف گوید که این نماز از نمازها

تو توبه پذیرنده تو به مهربان

مشهور است و عامه و خاصه در

مؤلف گوید

کتب خود روایت کرده اند و بعضی این را از نمازهای روز
جمعه شمرده اند و از روایت اختصاص معلوم نمی شود و ظاهر
در سایر ایام توان کرد فصل چهارم در بیان نماز حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام است ابن بابویه و عیاشی و کلینی و شیخ
و دیگران رضی الله عنهم بسندهای صحیح و حسن و معتبر
بسیار از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که چهار رکعت
نماز بگذارد یعنی بدو سلام و در هر رکعت بعد از

فصل چهارم

سورهٔ فاتحه پنجاه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد را بخواند
چون فارغ گردد میان او و حق تعالی گناهی نماند مگر آنکه
امر زیده شده باشد و شیخ از حضرت صادق روایت کرده
که هر که چهار رکعت نماز امیر المؤمنین بجا آورد از گناهان بیرون
آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و حاجتهای
او بر آورده شود در هر رکعت سورهٔ حمد و پنجاه مرتبه سورهٔ
توحید بخواند و چون فارغ شود این سُبْحانَ مَنْ لا تَبِيدُ
دعا را بخواند که تسبیح آنحضرت است پاکست آنکه پایان نپذیرد
مَعالِمُهُ سُبْحانَ مَنْ لا تَنْقُصُ خَزائِنُهُ سُبْحانَ مَنْ لا اضْمِحْلالَ
نشانهای او پاکست آنکه کم نمیگردد خزانهای او پاکست آنکه نیست زوالی
لِفَخْرِهِ سُبْحانَ مَنْ لا يَنْفَدُ ما عِنْدَهُ سُبْحانَ مَنْ لا انْقِطاعَ
برای بزرگی او پاکست آنکه پایان نپذیرد آنچه نزد اوست پاکست آنکه نیست بریدن
لِمُدَّتِهِ سُبْحانَ مَنْ لا يُشارِكُ أَحَداً فِي أَمْرِهِ سُبْحانَ مَنْ
برای مدت پاکست آنکه شریک نگردانید کسی را در کار خود پاکست آنکه نیست
لا إِلهَ غَيْرُهُ پس این يا مَنْ عَفى عَنِ السَّيِّئاتِ وَلَمْ
خدای پرستش غیر او دعا بخواند ای آنکه درگذشته از بدیها و پاداش
يُجازِ بِها إِرْحَمْ عَبْدَكَ يا اللهُ يا اللهُ نَفْسِي نَفْسِي أَنَا عَبْدُكَ
نداده بآنها رحم کن بر بنده خود را ای خدا ای خدا دریاب نفس مرا نفس مرا
يا سَيِّداهُ أَنَا عُبَيْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ يا رَبّاهُ بِكَ يا إِلهِي
ای بزرگ من بنده تو در پیش توام ای پروردگار من بتو ای خدای من

بكبونك

بِكَيْنُونِيَّتِكَ يا اَمَلاهُ يا رَحْماناهُ يا غِياثاهُ عَبْدُكَ

بکینونت تو ای امیدگاه ای بخشنده ای فریادرس بنده خود را

عَبْدُكَ لا حيلَةَ لَهُ يا مُنْتَهى رَغْبَتاهُ يا مُجْرِيَ الدَّمِ فى

بنده خود را نیست چاره اورا ای منتهای خواهشها ای روان سازنده خون در

عُرُوقِ عَبْدِكَ يا سَيِّداهُ يا مالِكاهُ اَيا هُوَ اَيا هُوَ يا

رگهای من بنده توام ای بزرگ ای خداوند ای خدا ای معبود ای یگانه ای

رَبّاهُ عَبْدُكَ لا حيلَةَ لى وَلا غِنى بى عَنْ نَفْسى وَلا اَسْتَطيعُ

پروردگار بنده توام نیست چاره مرا و نیست بی نیازی از جانب خودم و نمی توانم

لَها ضَرّاً وَلا نَفْعاً وَلا اَجِدُ مَنْ اُصانِعُهُ تَقَطَّعَتْ اَسْبابُ

برای نفس خود زیانی و نه سودی و نمی یابم کسی را که رشوه دهم اورا بریده شده وسیلهای

الْخَدائِعِ عَنّى وَاضْمَحَلَّ كُلُّ مَظْنُونٍ عَنّى اَفْرَدَنِى الدَّهْرُ اِلَيْكَ

فریبها از من و درهم شد هر گمان برده شده از من بیکس گذاشته مرا روزگار بسوی تو

فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ هذَا الْمَقامَ يا اِلهى بِعِلْمِكَ هذا

پس ایستاده ام در پیش تو در این جایگاه ای خدای من بدانش تو همه آنچه

كانَ كُلُّهُ فَكَيْفَ اَنْتَ صانِعٌ بى وَلَيْتَ شِعْرى كَيْفَ

مذکور شد هست همه آن چگونه تو معامله با من و کاش دانستمی که چگونه جواب میگوئی

تَقُولُ لِدُعائى اَتَقُولُ نَعَمْ اَمْ تَقُولُ لا فَاِنْ قُلْتَ

دعای مرا آیا میگوئی بلی یا میگوئی نه پس اگر گفتی

لا فَيا وَيْلى يا وَيْلى يا عَوْلى يا عَوْلى يا شِقْوَتى

پس ای وای بر من ای وای بر من ای فغان بر من ای فغان ای افسوس بر من ای

يا شقوتي يا شقوتي يا ذلي يا ذلي الى

ای بدبختی من ای بدبختی من ای خواری من ای خواری من ای

من وممن او عند من او كيف او ماذا او الى اي شيء

و از که یا نزد که ای یا چگونه یا چه امر یا بسوی کدام چیز

ألجأ ومن ارجوا ومن يجود علي بفضله حين ترفضني يا

پناه برم و که را امید دارم و بخشش کند بر من به بخشش خود هنگامی که واگذاری ای

واسع المغفرة وان قلت نعم كما هو الظن بك والرجا

فراخ کرده آمرزش و اگر گوئی بلی چنانچه است گمان بتو و امید برای است

لك فطوبى لي انا السعيد وانا المسعود فطوبى لي وانا

پس خوشا مرا خواهد بود می خواهم بود نیکبخت و من خواهم بود ... خوشی

المرحوم يا مترحم يا مترئف يا متعطف يا متجبر يا متملك

خواهد بود بخشوده شده ای بخشاینده ای مهربان ای مهربان ای بزرگوار

يا مقسط لا عمل لي مع نجاح حاجتي اسئلك باسمك

ای عدالت کننده کو خواهد بود عمل مرا با روا شدن مطلب من سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو

الذي جعلته في مكنون غيبك واستقر عندك

که گردانیدی آن را در پوشیده علم نهانی خود و قرار گرفته نزد تو پس

فلا يخرج منك الى شيء سواك اللهم به وبك وبه

پس بیرون نرود از نزد تو بسوی چیزی غیر تو خداوندا بحرمت آن نام و بحرمت تو

وبه فانه اجل واشرف اسمائك لا شيء لي غير هذا

و بحرمت آن زیرا که بزرگوارترین ... غیر این

ولا احد

وَلَا أَعُودُ عَلَى مِنْكَ يَا كَيْنُونُ يَا مُكَوِّنُ يَا مَنْ عَرَّفَنِي نَفْسَهُ

و نزد کسی جز با تو بر من از تو ای بوجود ای جای کننده ای آنکه شناسا بنده

يَا مَنْ أَمَرَنِي بِطَاعَتِهِ يَا مَنْ نَهَانِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ وَيَا مَدْعُوُّ

ای آنکه امر کرد مرا بفرمان برداری خود ای آنکه منع کرد مرا از نافرمانی خود و ای خوانده شده

وَيَا مَسْؤُولُ يَا مَطْلُوبًا إِلَيْهِ رَفَضْتُ وَصِيَّتَكَ الَّتِي

و ای سؤال کرده شده ای رغبت داشته شده بسوی او وا گذاشتم وصیت ترا وصیتی که

أَوْصَيْتَنِي بِهَا وَلَمْ أُطِعْكَ وَلَوْ أَطَعْتُكَ فِيمَا أَمَرْتَنِي

وصیت کردی مرا آن و فرمان برداری نکردم ترا و اگر فرمان برداری کردمی ترا در آنچه فرمودی

لَكَفَيْتَنِي مَا قُمْتُ إِلَيْكَ فِيهِ وَأَنَا مَعَ مَعْصِيَتِي لَكَ

کفایت کردی مرا آنچه را که ایستادم بسوی تو در آن و من با نافرمانی ترا

رَاجٍ فَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَا رَجَوْتُ يَا مُتَرَحِّمًا لِي أَعِذْنِي

امید دارم پس حایل مشو میان من و میان آنچه امید دارم ای آنکه رحمت کننده مرا پناه ده

مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي وَمِنْ

از آنچه پیش روی من و از پس من و از بالای من و از زیر من و از

كُلِّ جِهَاتِ الْإِحَاطَةِ بِي اللَّهُمَّ بِمُحَمَّدٍ سَيِّدِي وَبِعَلِيٍّ وَلِيِّي

همه طرفهائی که فرو گرفته مرا خدایا بحرمت محمد بزرگ من و بحق علی ولی من

وَبِالْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اجْعَلْ عَلَيْنَا

و بحرمت پیشوایان راه یافتگان که بر ایشان باد درود بگردان بر

صَلَوَاتِكَ وَرَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ وَأَوْسِعْ عَلَيْنَا مِنْ

رحمتهای خود و مهربانی خود و رحمت خود و گشایش ده بر ما از

رِزْقِكَ وَاقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَجَمِيعَ حَوَائِجِنَا يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ
روزی خود وادا کن از ما قرض را و همه حاجتهای ما را ای خدا ای خدا

يَا اَللّٰهُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس حضرت فرمود که هر که
ای خدا بدرستی تو بر هر چیزی توانائی این نماز را بکند و این دعا را
بخواند هیچ گناهی میان او و خدا باقی نماند مگر آنکه آمرزند

فصل پنجم در بیان فضیلت و کیفیت نماز حضرت فاطمه

صلوات الله علیها است سید ابن طاوس قدس سره بسند معتبر
از حضرت صادق روایت کرده است که فرمود که مادرم فاطمه
علیها السلام دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل تعلیم او کرده بود
و در رکعت اول بعد از سوره حمد صد مرتبه سوره قدر و
در رکعت دوم صد مرتبه سوره توحید میخواند و چون سلام
می گفت این دعا را می خواند

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ
پاکست خداوند عزت با رفعت بلند پایه پاکست خداوند بزرگوار
الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ
بلند قدر بزرگ پاکست خداوند پادشاهی بزرگ دیرینه
سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى
پاکست پوشنده نیکوئی و نیکوئی را پاکست آنکه پوشیده ردای
بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى اَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا
روشنائی و بردباری را پاکست آنکه می بیند نشان مورچه را در سنگ

سبحان

سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ
پاکست آنکه می‌بیند فرود آمدن مرغ را در هوا پاکست آنکه او چنین است
هٰكَذَا وَلَا هٰكَذَا غَيْرُهُ و سید گفته است که در روایت
دیگر وارد شده است که بعد از
و نیست چنین غیر او
تسبیح مشهور حضرت فاطمه را که بعد از هر نماز خوانده می
شود بخواند و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد
بفرستد و شیخ رحمه الله در مصباح این نماز را مرسل
روایت کرده است و گفته است که چون سلام بگوئی تسبیح
فاطمه را بخوان و این دعا را بخوان یعنی دعائی که پیش
مذکور شد پس گفته است که سزاوار است برای کسی
که این نماز را بکند و این دعا فارغ شود تا بوها ی و
ذراعهای خود را برهنه کند و بسجده رود و در همه
مساجد سبعه را برساند که جامه در میان مانع نباشد
و دعا کند و دعا کند و حاجات خود را از خدا طلب نماید
و در سجده این یا مَنْ لَيْسَ غَيْرُهُ رَبٌّ يُدْعَى يَا مَنْ لَيْسَ
دعا بخواند
ای آنکه نیست غیر او پروردگاری که خوانده شود ای آنکه نیست
فَوْقَهُ اِلٰهٌ يُخْشَى يَا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ مَلِكٌ يُتَّقَى يَا مَنْ
فوق او خدائی که ترسیده شود ای آنکه نیست غیر او پادشاهی که پرهیز کرده شود ای
لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُرْشَى يَا
نیست برای او وزیری که آیان کرده شود ای آنکه نیست برای او دربانی که رشوه داده

يا من ليس له بوّاب يغشى يا من لا يزداد على كثرة السؤال

ای آنکه نیست برای او دربانی که ایستاده کرده شود ای آنکه زیاد نکند بر بسیاری سؤال

الّا كرماً وجوداً وعلى كثرة الذنوب الّا عفواً وصفحاً

مگر نوازش و بخشش او بر بسیاری گناهان مگر عفو و درگذشتن

صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ وافعل بي كذا وكذا حاجتها

رحمت بفرست بر محمّد و آل محمّد و بکن نسبت بمن چنین و چنان

خود را یاد کند **فصل ششم** در بیان فضیلت و کیفیت و احکام نماز جعفر طیار است بدانکه این نماز از جمله متواترات خاصه و عامه است بسندهای بسیار روایت کرده‌اند و مخالفان نیز این نماز را مستحب میدانند مگر نادری از ایشان اما اکثر ایشان که عداوت باطنی که با امیر المؤمنین و اقارب آنحضرت دارند این نماز را بعباس عم پیغمبر نسبت میدهند و بعد از نوافل شبانروزی نمازی بحسب صحت سند و کثرت ثواب باین نماز نمیرسد و بسند معتبر از حضرت امام زین العابدین منقولست که چون جعفر طیار برادر حضرت امیر المؤمنین از هجرت حبشه مراجعت نموده در روزی آمد که فتح خیبر بدست امیر المؤمنین شده بود حضرت رسول بقدر یک تیر پرتاب باستقبال او شتافت چون جعفر نظرش بر جمال عدیم المثال آنحضرت افتاد مشتاقانه بجانب آنحضرت دوید حضرت

فصل ششم

اورا در بر کشید

او را در بر گرفت و دست در گردن او در آورد و ساعتی با او
سخن گفت پس بر ناقهٔ غضبا سوار شد و جعفر را ردیف خود
ساخت و چون ناقه براه افتاد حضرت فرمود که ای جعفر ای
برادر میخواهی بخششی بزرگی کنم ببخشم بتو میخواهی ترا
برگزینم مردم گمان کردند که مال جزیلی از غنایم خیبر باو
عطا خواهد فرمود جعفر گفت بلی پدر و مادرم فدای تو
باد پس حضرت تسبیح را باو تعلیم نمود و حضرت صادق فرمود
که صفتش اینست که آن چهار رکعتست بدو تشهد و بدو
سلام و در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ اذا زلزلت میخواند
و در رکعت دویم سورهٔ والعادیات و در رکعت سیوم سورهٔ
اذا جاء نصر الله و در رکعت چهارم سورهٔ قل هو الله احد
در هر رکعت بعد از فراغ از قراءت پانزده مرتبه میگوید
سُبْحَانَ اللهِ وَالحَمْدُ لِلهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ و
در رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه میگوید و چون سر از
رکوع برمیدارد و ده مرتبه میگوید و در سجدهٔ اول
ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجدهٔ دوم
ده مرتبه و بعد از سر برداشتن پیش از آنکه برخیزد ده مرتبه
و در هر چهار رکعت چنین میکند که مجموع سیصد مرتبه
شود و هزار و دویست تسبیح بوده باشد و بروایت معتبر دیگر حضرت

حضرت رسول فرمود که هر روز اگر بکنی بهتر است از برای
تو از دنیا و هر چه در اوست و اگر هر روز یکبار بکنی گنا
که در میان این دو نماز کرده آمرزیده شود و اگر در هر جمعه
بکنی یا در ماهی یا در سالی یک مرتبه بکنی هر گناهی که در
میان دو نماز کرده آمرزیده شود و بروایت معتبره دیگر
اگر بقدر کف دریاها و بعدد ریگ بیابان گناه بر تو باشد
خدا بیامرزد و اگر از جنگ گریخته باشی که بدترین گنا
هاست خدا ترا بیامرزد و بروایت دیگر اگر توانی هر روز
بکن و اگر نتوانی هفته یکبار و اگر نتوانی سالی یکبار و اگر
نتوانی در عمر خود یکبار بکن تا خدا گناهان کبیره و صغیره
و تازه و کهنه و عمد و خطای ترا بیامرزد و اما دعاها که در
این نماز مستحبست کلینی بسند معتبر از حضرت صادق
روایت کرده است که در سجده آخر سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَ
نماز جعفر فارغ شوی پس بگو پاکست آنکه پوشیده جامه عزت
الْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَ تَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ
و وقار را منزه میدانم آن را که تفضل کرده بزرگواری را و نوازش نموده ببزرگواری
مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ
که سزاوار نیست تنزیه کردن مگر او را منزه میدانم آن را که شمرده هر چیزی را
شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَ النِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ
در گنجایش علم او منزه میدانم خداوند نعمتها و نعمتها را منزه میدانم خداوند

والکرم

وَالْاَمْرِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ
و فرمان را خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا بجاهای بستن عزت از عرش تو
وَمُنْتَهَی الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَاسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ
و نهایت رحمت از کتاب تو و بحرمت نام بزرگتر تو و کلمات تو
التَّامَّةِ الَّتِی تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ
کامل تو که تمام شد براستی و درستی رحمت فرست بر محمد و خانواده
بَیْتِهِ پس حاجت خود را ذکر کند و شیخ در مصباح این
دعا را روایت کرده است سُبْحَانَ ذِی الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ
با این زیادتی
پاک است خداوند توانائی و بزرگواری
سُبْحَانَ ذِی الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ ذِی الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ
پاک است خداوند عزت و فضل پاک است خداوند توانائی و انعام
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ تا آخر دعا و ایضا شیخ و سید از
خداوندا بدرستی که سؤال میکنم
مفضل بن عمر روایت کرده اند که
گفت دیدم روزی حضرت امام جعفر صادق نماز جعفر را
بجا آوردند پس این دعا را خواندند یا رَبِّ یا رَبِّ بقدری
که یک نفس وفا کند یا رَبَّاهُ یا رَبَّاهُ بقدر یکنفس رَبِّ
رَبِّ بقدر یک نفس یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ بقدر یکنفس یا رَحِیمُ
یا رَحِیمُ بقدر یکنفس یا رَحْمٰنُ یا رَحْمٰنُ هفت مرتبه یا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِینَ هفت مرتبه پس این دعا خواندند اَللّٰهُمَّ اِنّی
خداوندا بدرستی

اَفْتَتِحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ وَاَنْطِقُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَاُمَجِّدُكَ

میکنم گفتار خود را بستایش تو و سخن میگویم بستایش تو و بزرگ میشمارم ترا

وَلاَ غَايَةَ لِمَدْحِكَ وَاُثْنِي عَلَيْكَ وَمَنْ يَبْلُغُ غَايَةَ

و نیست نهایتی مر مدحت ترا و ستایش میکنم ترا که تواند رسید بنهایت ثنای ترا

ثَنَائِكَ وَاَمَدِ مَجْدِكَ وَاَنّٰى لِخَلِيقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ

و بپایان بزرگواری ترا و کجاست آفریدگان ترا حقیقت شناسائی بزرگی ترا

وَاَيُّ زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحاً بِفَضْلِكَ مَوْصُوفاً بِمَجْدِكَ

و کدام زمان نبودی تو ستوده شده بفضل خود وصف کرده شده ببزرگواری خود

عَوَّاداً عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِحِلْمِكَ تَخَلَّفَ سُكَّانُ اَرْضِكَ

بازگشت نفع رساننده بر گناهکاران ببردباری خود پس باز ماندند ساکنان زمین تو

عَنْ طَاعَتِكَ فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفاً بِجُودِكَ جَوَاداً

از فرمانبرداری تو پس بودی تو بر ایشان مهربان ببخشش خود بخشنده

بِفَضْلِكَ عَوَّاداً بِكَرَمِكَ يَا لاَ اِلٰهَ اِلاَّ اَنْتَ

ببخشش خود نفع رساننده ببزرگواری خود ای آنکه نیست خدائی بجز تو

اَلْمَنَّانُ ذُوالْجَلاَلِ وَالْاِكْرَامِ پس حضرت فرمود که

انعام کننده خداوند بزرگواری و نوازش

بمفضل هرگاه ترا

حاجتی ضروری بوده باشد نماز جعفر را بکن و این دعا

را بکن و حوائج خود را از خدا طلب کن که برآورده می

شود انشاء الله تعالی دعای بعد از این نماز بروایت

شیخ و سید

شیخ و سیّد رحمهما الله سُبحانَ مَن لَبِسَ العِزَّ وَتَرَدّی بِهِ

پاک است کسیکه پوشیده لباس عزت و در بر کرد آن

سُبحانَ مَن تَعَطَّفَ بِالمَجدِ وَتَکَرَّمَ بِهِ سُبحانَ مَن لا یَنبَغِی

پاک است کسیکه فرو گرفت ردای بزرگواری را و پاک است کسیکه سزاوار است

التَّسبِیحُ اِلّا لَهُ جَلَّ جَلالُهُ سُبحانَ مَن اَحصی کُلَّ

تسبیح مگر برای او بزرگ است بزرگواری او پاک است کسیکه فرا گرفته است هر

شَیءٍ بِعِلمِهِ وَخَلَقَهُ بِقُدرَتِهِ سُبحانَ ذِی المَنِّ وَ

چیزی به علم خود و آفرید او را به قدرت خود پاک است صاحب نعمت و

النِّعَمِ سُبحانَ ذِی القُدرَةِ وَالکَرَمِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ

نعمت پاک است صاحب توانائی و بزرگواری خدایا بدرستیکه سؤال میکنم

بِمَعاقِدِ العِزِّ مِن عَرشِکَ وَمُنتَهَی الرَّحمَةِ مِن کِتابِکَ

بمحل بستن عزت از عرش تو و منتهای رحمت از کتاب تو

وَبِاسمِکَ الاَعظَمِ وَکَلِماتِکَ التّامّاتِ الَّتی تَمَّت

و بنام تو که بزرگ است و کلمات تو که تمام است که تمام است

صِدقاً وَعَدلاً اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّیِّبِینَ

و عدل است درست است ای خدا رحمت کنی بر محمد و آل محمد که پاکان

الطّاهِرِینَ وَاَن تَجمَعَ لی خَیرَ الدُّنیا وَالآخِرَةِ بَعدَ

پاکیزه گانند و اینکه فراهم آوری برای من خیر دنیا و آخرت پس

عُمرٍ طَوِیلٍ اَللّٰهُمَّ اَنتَ الحَیُّ القَیُّومُ العَلِیُّ العَظِیمُ

از عمر دراز ای خدا توئی زنده پاینده بلند مرتبه بزرگ

الخالق الرازق المحيي المميت البدئ البديع لك

آفریننده روزی دهنده زنده کننده میراننده پدید آورنده نو پدید آورنده مر تراست

الكرم ولك الحمد ولك المن ولك الجود ولك الا

بزرگواری و مر تراست ستایش و مر تراست منت و مر تراست بخشش و مر تراست از

وحدك لا شريك لك يا واحد يا احد يا صمد يا من

یگانه تو نیست شریک مر ترا ای یکتا ای یگانه ای بی نیاز ای آنکه

لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا اهل التقوى

نزاد و زاده نشد و نبود مر او را همتا هیچ کس ای اهل پرهیزکاری

ويا اهل المغفرة يا ارحم الراحمين يا عفو يا غفور

و ای اهل آمرزش ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای عفو کننده ای آمرزنده

يا ودود يا شكور انت ابرء من ابي وامي وارحم

ای دوست ای شکر کننده تو دوست تری از پدر و مادر و رحیم تری

بي من نفسي ومن الناس اجمعين يا جواد اللهم

بمن از نفس من و از مردمان همه ای بخشنده خداوندا

اني صليت هذه الصلوة ابتغاء مرضاتك

بدرستی که نماز گزاردم این نماز را جهت جستن رضای تو

وطلب نائلك ومعروفك ورجاء رفدك وجا. ئزتك

و طلب عطای تو و احسان تو و امید عطای تو و جایزه تو

وعظيم عفوك وقديم غفرانك اللهم صل على

و بزرگی عفو تو و قدیمی آمرزش تو خدایا رحمت کن بر

محمد وآل محمد

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْفَعْهَا فِي عِلِّيِّينَ وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي

محمد و آل محمد و بلند کن آن را در مرتبه بلند و قبول کن از او از من

وَاجْعَلْ نَائِلَكَ وَمَعْرُوفَكَ وَرَجَاءَ مَا أَرْجُو مِنْكَ

و بگردان عطای خود و احسان خود و امید آنچه که امید دارم از تو

فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَمَا جَمَعَ

آزادی گردن من از آتش و رستگاری به بهشت و آنچه جمع آورده

مِنْ أَنْوَاعِ النَّعِيمِ وَمِنْ حُسْنِ الْحُورِ الْعِينِ وَاجْعَلْ

از انواع نعمتها و نیکو حور عین و بگردان تو

جَائِزَتِي مِنْكَ الْعِتْقَ مِنَ النَّارِ وَغُفْرَانَ ذُنُوبِي

بخشش مرا از تو آزادی از آتش و آمرزیدن گناهان من

وَذُنُوبَ وَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَجَمِيعِ إِخْوَانِي وَ

و گناهان پدر و مادر من و آنکه زائیده و همه برادران من و

أَخَوَاتِيَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَ

خواهران من مؤمنین از مردان و زنان از مؤمنین و مردان مسلمان و

الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَأَنْ

زنان مسلمه زنده از ایشان و مرده و آنکه

تَسْتَجِيبَ دُعَائِي وَتَرْحَمَ صَرْخَتِي وَنِدَائِي وَلَا تَرُدَّنِي

مستجاب کنی دعای مرا و رحم کنی ناله مرا و آواز مرا و برنگردانی مرا

خَائِباً خَاسِراً وَاقْلِبْنِي مُنْجِحاً مُفْلِحاً مَرْحُوماً

محروم زیانکار و برگردان مرا به حاجت رسیده رستگار رحم کرده شده

مستجابا دعائی مغفورا لی یا ارحم الراحمین یا

مستجاب کرده دعای مرا و آمرزیده برای من ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان ای

عظیم یا عظیم یا عظیم قد عظم الذنب من عبدک

بزرگ ای بزرگ ای بزرگ همچنین بزرگ است گناه بنده تو

فلیحسن العفو منک یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة

پس باید نیکو باشد درگذشتن از تو ای نیکو درگذرنده از گناه ای وسیع آمرزش

یا باسط الیدین بالرحمة یا نفاحا بالخیرات یا معطی

ای گشاینده دستها را برحمت ای بخشنده نیکوئیها ای بخشنده

المسؤلات یا فکاک الرقاب من النار صل علی محمد

سؤالها ای آزاد کننده گردنها از آتش رحمت کن بر محمد

وال محمد وفک رقبتی من النار واعطنی سؤلی واستجب دعائی

وآل محمد و آزاد کن گردن مرا از آتش و عطا کن سؤال مرا و مستجاب کن دعای

وارحم صرختی وتضرعی وندائی واقض لی حوائجی

و رحم کن ناله مرا و زاری مرا و ندای مرا و برآور حاجت مرا

کلها لدنیای واخرتی ودینی وما ذکرت منها

همه آن از دنیای من و آخرت من و دین من و آنچه ذکر کردم از آن

وما لم اذکر واجعل لی فی ذلک الخیر ولا تردنی خائبا

و آنچه ذکر نکردم و بگردان از برای من در آن نیکوئی را و برمگردان مرا ناامید و

خاسرا واقلبنی مفلحا منجحا مستجابا لی دعائی مغفورا

زیان کار و بازگردان مرا رستگار کامیاب مستجاب کرده شده دعای مرا و آمرزیده

موجوبا

مرحوما یا ارحم الراحمین یا محمد یا ابا القاسم یا رسول

رحمت کرده شده ای رحمت کننده ترین رحم کنندگان ای محمد ای ابا القاسم ای رسول

الله یا امیر المؤمنین انا عبدکما و مولاکما غیر مستنکف

خدا ای امیر مؤمنان منم بنده شما و آزاد کرده شما حال آنکه عار ندارم

ولا مستکبر بل خاضع ذلیل عبد فقیر متمسک بحبلکما

و نه گردن کشی کننده بلکه فروتنی کننده خوار بنده افتاده فقیر چنگ زننده بریسمان

معتصم من ذنوبی بولایتکما اتقرب الی الله تعالی

چنگ زننده از گناهان خود بدوستی شما نزدیکی میجویم بسوی خدا بلند مرتبه

بکما و اتوسل الی الله بکما و اقدمکما بین یدی

بشما و توسل میجویم بسوی خدا بشما و پیش می دارم شما را در پیش روی

حوائجی الی الله عز و جل فاشفعا لی فی فکاک رقبتی

حوائج خود را بسوی خدا غالب و بزرگ پس شفاعت کنید از برای من در آزادی گردن من

من النار و غفران ذنوبی و اجابة دعائی اللهم

از آتش و آمرزیدن گناهان من و مستجاب شدن دعای من ای خدا

فصل علی محمد و آله و تقبل دعائی یا ارحم الراحمین

پس رحمت کن بر محمد و آل او و قبول کن دعای مرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

دوم احکام این نماز در چند مقصد است مقصد اول

بدانکه مشهور میان علما و اقوی آنست که نماز جعفر را
بجای نوافل شبانه روزی میتوان کرد که بهر دو حساب شود

و هم چنین بنیت قضای نافله میتوان کرد که بهر دو حساب شود
و هم چنین و احادیث باین مضامین وارد شده است و بعضی
تجویز کرده اند که نماز فریضه را ادا و قضا به کیفیت نماز
جعفر بکنند و خالی از قوتی نیست و لیکن احوط ترک
دویم روایت شده و اکثر علما گفته اند که کسی که ضرورتی دوم
و تعجیلی داشته باشد میتوان کرد نماز جعفر را بدون تسبیحات
را در راه بخواند سیم حدیث صحیح وارد شده است که سیم
کسی که دو رکعت از نماز جعفر را بکند و او را امر ضروری رو
دهد میتواند پی آن کار برود و بعد دو رکعت دیگر را بجا آورد
در وقت دیگر بکند و اگر بدون عذر چنین نکند و همه را با
هم بکند بهتر است چهارم روایت معتبری از حضرت قائم وارد چهارم
شده است که کسی که تسبیحات نماز جعفر را در موضعی فراموش
کند هر وقت که بخاطرش آید بخواند و از علما کسی متعرض این
حکم نشده است و اگر باین روایت عمل کند ظاهرا بد نباشد
پنجم خلافست در تعیین سورها که مستحب است که در این پنجم
نماز خوانده شود و مشهور آنست که در رکعت اول اذا زلزلت
و در دوم و العادیات و در سیم اذا جاء نصر الله و در چهارم قل
هو الله احد بخواند و ابن بابویه و پدرش در رکعت اول
و العادیات و در رکعت دوم اذا زلزلت گفته اند و در بعضی روا

در اول

در اول اذا زلزلت و در دوم اذا جاء و در سیم انا انزلنا
و در چهارم توحید وارد شده است و در روایت صحیحی وارد
شده است که در هر رکعت قل یا ایها الکافرون و قل هو الله
هر دو را بخواند و در روایتی وارد شده است که هر سوره
که خواهد بخواند و ابن بابویه گفته است که همه را بسوره
توحید اکتفا میتوان کرد و ظاهرا همه خوبست اگرچه اول
و سیم افضل است **اول** بدانکه مشهور آنست که تسبیحات
بعد از سجده دوم رکعت اول و سیم را نشسته میخواند
و بعضی گفته اند بعد از برخواستن برکعت دیگر پیش از
قراءت میخواند و عمل بمشهور اولی است **هفتم** بعضی هفتم
گفته اند که چهار رکعت را بیک سلام میکند و مشهور و
اقوی دو سلام است چنانچه گذشت **هشتم** مشهور هشتم
میان علما آنست که تسبیحات این نماز که پیش از رکوع
خوانند بعد از قراءت میباید خواند و ابن بابویه موافق
بعضی از روایات قائل شده اند که مخیر است میان آنکه
پیش از قراءت یا بعد از قراءت و عمل بمشهور اقوی و
اولی است **فصل اول** در بیان فضیلت و اعمال روز فصل اول
نوروز است بدانکه میان علما در تعیین روز نوروز
اختلاف بسیار هست بعضی گفته اند نهم ایار است

ازمنا ههای رومی وبعضی گفته اند نهم شباط
است ومشهور انست که اول انتقال شمس است
ببرج حمل چنانچه در این ازمنه معمولست واین
مطلب را در کتاب بحار الانوار بسط عظیمی داده ام
واین رساله گنجایش ذکر آنها ندارد وبگمان حقیر
همین نوروز که در این ازمنه مشهور است اقرب
است بصواب واضبط است نزد حساب لکن
بنای اعمال را براین بگذارند ظاهرا بد نیست و
اما فضایل واعمال این روز باسانید معتبره از معلی
بن خنیس که از خواص اصحاب حضرت صادق ع
بوده است منقولست که گفت روزی نوروز
درخدمت حضرت صادق رفتم فرمود آیا میشناسی
این روز را گفتم فدای تو شوم این روزیست که عجم
آنرا تعظیم میکنند ودر این روز تحفها وهدیها برای
یکدیگر میفرستند حضرت فرمود بحق خانه کعبه
که در مکه معظم است که این تعظیم کردن نیست مگر
برای امر قدیمی که تفسیر میکنم آنرا از برای تو تا
بفهمی آنرا گفتم ای سید وآقای من دانستن اینرا
ببرکت شما محبوبتر است نزد من از آنکه مردگان

زنده شوند

زنده شوند و دشمنان من بمیرند حضرت فرمود که ای
معلی بدرستی که روز نوروز روزیست که حقتعالی در این
روز پیمان بندگان را گرفت از ارواح ایشان بر
روز الستست که او را بیگانگی بپرستند و بجای او شریکی
قرار ندهند و عهد بندند کی و بپرستیدن هیچ چیز را شریک
او نگردانند و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان
و حجتهای او بر خلق و امامان و پیشوایان دین
و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و اول
روزیست که در ان افتاب طلوع کنده و
بادهای ابستن کننده درختان وزنده است و گلها
و شکوفهای زمین افریده شده است و در این روز
کشتی حضرت نوح بعد از طوفان بر کوه جودی قرار
گرفت و این روزیست که حقتعالی حیوة بخشید چندین
هزار کس را که از مرگ گریختند یعنی از طاعون و
بیگدفعه خداوند قهار همه را میرانید پس بعد از مدتها
که استخوان شده بودند پیغمبری از پیغمبران خدا برین
استخوانها گذشت و از پروردگار خود سؤال کرد
که با و بنماید که چگونه این استخوانهای پوسیده را
زنده میگرداند پس حقتعالی وحی فرستاد بسوی او

که آب بریزند بر این استخوانهای ایشان در همانجای خود که
هستند پس همه بقدرة الهی زنده شدند و این اول سال
فرس و عجم است و باین سبب سنت شد که آب بر یکدیگر
بریزند یا آب بر خود بریزند و غسل کنند و حق تعالی در
قرآن مجید اشاره فرموده باین قصه در آنجا که امر فرموده
اَلَمْ تَرَ اِلَی الَّذِیْنَ خَرَجُوا مِنْ دِیَارِهِمْ وَهُمْ اُلُوفٌ حَذَرَ
آیا نظر نمی‌کنی بسوی آنانکه بیرون رفتند از شهرهای خود و حال آنکه ایشان هزاران بودند از ترس
الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللهُ مُوتُوا ثُمَّ اَحْیَاهُمْ و مفسران گفته‌اند که پیغمبر حضرت
مرگ پس گفت مر ایشان را خدا بمیرید پس زنده کرد ایشان را
بود حضرة فرمود که ایشان سی هزار کس بودند و فرمود که
در این روز جبرئیل بر حضرت رسول ص بوحی نازل شده است
یعنی نوروز موافق روز مبعث بوده که بیست و هفتم ماه
مبارک رجبست و فرمود که امروزیست که امروزیست
که حضرة رسالت پناه بتهای کفار قریش را در مکه
شکست و حضرة ابرهیم نیز در امروز بتهای کافران را
شکست و اول اشاره است بر آنکه سنی و شیعه روایت
کرده اند بطرق بسیار که شبی حضرة رسالت ص حضرة امیر المؤمنین
را با خود بمسجد الحرام آورد و حضرة امیر را امر کرد که بر دوش
آنحضرة بالا رفت و بتهای کافران را بر آورد و شکست

پس

پس مراد اینست که در شب این روز بود و فرمود که در این روز
حضرت رسول امر کرد اصحاب خود را که بیعت کنند با امیر
المؤمنین و اقرار کنند که او پادشاه مؤمنانست یعنی روز
غدیر این روز بوده با آن روز که سرکردهای صحابه را گفتم
بروید و بر علی سلام کنید و بگوئید السلام علیک یا امیر المؤمنین
این روز بوده و فرمود که در این روز حضرت رسول خدا حضرت
امیر را فرستاد بوادی جنیان که از ایشان بیعت از برای
او بگیرد و فرمود که در این روز حق خلافت امیر المؤمنین ص بر
گشت و بار دیگر بعد از کشته شدن عثمان با آن حضرت
بیعت کردند و در این روز حضرت امیر با خارجیان نهروان
جنگ کرد و بر ایشان ظفر یافت و سرکرده ایشان که ذو
الثدیه میگفتند کشت و در این روز قائم ما ظفر خواهد یافت
بر دجال و در کتابیست که بجمله اینست از علامات او و او را بر دار
خواهند کشید و در هیچ روز نوروزی نیست مگر آنکه ما
انتظار فرج میکشیم زیرا که آن از روزهای ما و روزهای شیعیان
ماست آن روز را عجمان حفظ کردند و حرمت آنرا رعایت کردند
و شما عربان آن را ضایع کردید پس حضرت فرمود بمعلی که چون
روز نوروز شود غسل بکن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش
و بهترین بوهای خوش خود را خوشبو کن و در آن روز روزه

بدار پس چون از نماز پیشین و پسین و نافلهای انها فارغ
شوی چهار رکعت نماز بگذار یعنی هر دو رکعت بیک سلام
و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره انا انزلناه بخوان
و در رکعت دوم بخوان ده مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون
و در رکعت سیم بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله احد و در رکعت
چهارم بعد از حمد ده مرتبه سوره قل اعوذ برب الفلق و قل
اعوذ برب الناس و بعد از نماز اللهم صل علی محمد و آل
بسجده شکر برو و این دعا را بخوان — خدایا رحمت قل محمد و آل
وَآلِ مُحَمَّدٍ الأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَعَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ وَ
وآل محمد که اوصیاسی [illegible] و بر بر پیغمبران تو و
رُسُلِكَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ
فرستادهان تو به بهتر رحمت تو و برکت ده ایشان به [illegible]
وَصَلِّ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ
و رحمت قل بر روحلری اوزرینه و جسدلری اوزرینه خدایا برکت ده بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ
وآل محمد و برکت ده [illegible] بو روز [illegible]
وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَعَظَّمْتَ خَطَرَهُ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي
[illegible] خدایا برکت ده [illegible]
فِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَشْكُرَ أَحَدًا غَيْرَكَ وَوَسِّعْ
[illegible]

علی

عَلَيَّ فِي رِزْقِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ مَا غَابَ

بر من در روزی من ای صاحب جلال و بزرگواری خدایا آنچه پنهان شد

عَنِّي فَلَا يَغِيبَنَّ عَنِّي عَوْنُكَ وَحِفْظُكَ وَمَا فَقَدْتُ

از من پس پنهان نشود از من یاری تو و نگاهبانی تو و آنچه ناپدید کرده ام

عَلَيَّ مِنْ شَيْءٍ فَلَا تُفْقِدْنِي عَوْنَكَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا

بر من از چیزی پس ناپدید مکن از من یاری خود را بر او تا آنکه

أَتَكَلَّفَ مَا لَا أَحْتَاجُ إِلَيْهِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

سختی نکشم آنچه محتاج نیستم بسوی او ای صاحب جلال و بزرگواری

چون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده شود و بسیار بگو یا ذا الجلال والاکرام و در غیر کتب مشهوره روایت کرده اند که در وقت تحویل این دعا را بسیار بخوانند و بعضی سیصد و شصت مرتبه گفته اند یا محول الحول والاحوال حول لنا الی احسن الحال

ای گرداننده سال و احوال بگردان حال ما را بسوی بهترین حالها

در روایت یا مقلب القلوب والابصار یا مدبر

دیگر ای تغییر دهنده دلها و دیدها ای تدبیر کننده

اللیل والنهار یا محول الحول والاحوال حول

شب و روز ای گرداننده سال و حالها بگردان

حالنا الی احسن الحال و ایضا بعضی دعا میکرده اند

حال ما را بسوی بهترین حالها

که این دعا را نیز در روز اللّهمّ هذه سنة جدیدة و
نوروز بعد از آن تا تمام سال بخوانند خدایا این سالیست نو و تو
انت ملک قدیم اسئلک خیرها و خیر ما فیها و اعوذ
پادشاهی قدیمی سؤال می‌کنم ترا خیر آنرا و خیر آنکه در آن است و پناه می‌برم
بک من شرها و شر ما فیها و استکفیک و شغلها
بتو از شر آن و شر آنکه در آن است و طلب می‌کنم ترا رفع کردن آن و شغل آن
یا ذا الجلال و الاکرام اگرچه در دعا نیست اما آن
دعای اول را خواندن بهتر چند ای صاحب جلال و بزرگواری
نمازش کرده نشود چون سندش معتبر است فصل ششم
در اعمال ماههای رومی است سید جلیل علی بن طاوس
رضی الله عنه روایت کرده است که روزی جمعی از صحابه
نشسته بودند حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله داخل شد
و بر ایشان سلام کرد و ایشان جواب سلام گفتند پس
حضرت فرمود که میخواهید تعلیم نمایم شما را دوائی که
جبرئیل مرا تعلیم کرده است که محتاج بدوای اطبا نبوده
باشد پس حضرت امیرالمؤمنین و سلمان فارسی و دیگران
سؤال نمودند که آن دوا چیست حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب نمود و فرمود که در ماه نیسان رومی
آب باران میگیری و سوره فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و

قل هو الله

قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و
قل یا ایها الکافرون هر یکرا هفتاد مرتبه میخوانی و
بروایت دیگر سورهٔ انا انزلناه بخواند نیز هفتاد مرتبه و
هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه لا اله الا الله می
گوئی و هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد میفرستی و هفتاد
مرتبه بامداد و پسین از آن می‌آشامی بحق آن خداوندی
که مرا براستی بر خلق مبعوث گردانیده است سوگند یاد می
کنم که جبرئیل گفت که حقتعالی بر دارد از کسی این را بیاشامد
هر دردی را که در بدنش باشد و عافیت بخشد او را و
بیرون کند دردها را از بدن او و استخوانها و اگر در او ورم
دردی برای او مقدر گردیده باشد محو نماید و بحق پروردگار
که مرا بحق و راستی فرستاده است اگر فرزند نداشته باشد
و فرزند خواهد و آب نیسان را باین نیت بیاشامد او را
فرزندی روزی گردد و اگر زن عقیم باشد و فرزند نیاورد
و از این آب باین نیت بیاشامد فرزند از او بوجود آید و
اگر مرد و زن پسر خواهند یا دختر و از این آب بیاشامند مقصود
ایشان بعمل آید چنانچه حقتعالی میفرماید یهب لمن یشاء
اناثا و یهب لمن یشاء الذکور او یزوجهم ذکرانا و اناثا
و یجعل من یشاء عقیما یعنی حقتعالی می‌بخشد هر کرا

خواهد دختران و هرکرا خواهد پسران یا جفت میکرداند
برای ایشان پسران و دختران را یعنی هر دو با ایشان عطا
میفرماید و هر کرا خواهد عقیم و سترون میکرداند پس
حضرت فرمود که اگر کسی درد سر داشته باشد و ازین آب
بیاشامد صداع او ساکن گردد بقدرت الهی و اگر درد
چشم داشته باشد و در چشمهای خود قطرهٔ ازین
آب بچکاند و بیاشامد و چشمهای خود را باین آب بشوید
باذن خدا شفا یابد و اشامیدن این آب بن دندانها
را محکم کرداند و دهانرا خوشبو کرداند و لعاب بن د
ندانها را کم کند و بلغم را کم کند و تخمه و امتلا بسبب
خوردن و اشامیدن آب بهم نرساند و از بادهای
قولنج و غیر آن متاذی نکردد و درد پشت و درد شکم
بهم نرساند و درد معده و کرم معده را برطرف کند
و محتاج بحجامت نکردد و از مرض بواسیر و خوارش بدن
و ابله و دیوانکی و خوره و پیسی و رعاف و قی نجات یابد
و کور و لال و کر و زمین کیر نشود و اب سیاه بر دیده اش
نزول نکند و دردی که موجب افطار روزه و نقصان
نماز او باشد او را عارض نکردد و از وسوسهای جنیان
و شیاطین متاذی نکردد پس حضرت رسالت پناه فرمود

که جبرئیل

که جبرئیل گفت که هر که از این آب بیاشامد و همهٔ دردهائی
که در مردم میباشد مبتلا باشد موجب شفا از همه آنها
گردد پس جبرئیل گفت بحق خداوندی که ترا براستی فرستاد
که هر که این آیات را بر این آب بخواند حق تعالی دلش را مملو
گرداند از نور و روشنی خود را بر دل او وارد سازد و حکمت
را بر زبان او جاری گرداند و پر کند دل او را از فهم و بینائی
و باو عطا کند از کرامتها آنچه باحدی از عالمیان عطا
نکرده باشد و هزار مغفرت و هزار رحمت بر او بفرستند
و غش و خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص
و غضب را از دل او بردارد و از عداوت و دشمنی مردم
و بدگویان ایشان نجات یابد و موجب شفای امراض او
گردد مؤلف گوید که این روایت مشهور بعبدالله ابن عمر
منتهی میشود و باین سبب سندش ضعیف است و
فقیر بخط شیخ شهید دیدم که این روایت از حضرت صادق
روایت کرده بود با همین خواص و سورها اما آیات و اذ
کار را باین روش روایت کرده است میخوانی بر آب بیست
فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و
سبح اسم ربک الاعلی و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس و قل هو الله احد هر یک را هفتاد مرتبه و می

کونی هفتاد مرتبه لا اله الا الله وهفتاد مرتبه الله
اکبر وهفتاد مرتبه اللهم صل علی محمد وال محمد وهفتاد
مرتبه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر
ودر خواص ان مذکور است که اگر در زندان باشد
واز ان بیاشامد از حبس نجات یابد وسردی بر طبع او
غالب نگردد واکثر ان خواص که مذکور در اینجا است نیز
مذکور است واب باران مطلقا مبارک است ومنفعت
دارد خواه در نیسان ببارد وخواه در غیر ان چنانچه بسند معتبر
از حضرت امیر المومنین منقولست که بیاشامید اب
اسمان را که پاک کننده بدن شما است ودرد ها را دفع
میکند چنانچه حقتعالی فرموده ونزل علیکم من السماء ماء
لیطهرکم به ویذهب عنکم رجز الشیطان ولیربط علی قلوبکم و
یثبت به الاقدام یعنی میفرستد حق تعالی بر شما از
اسمان ابی برای انکه پاک کرداند شما را باین وببرد از شما
وسوسه شیطان را ودلهای شما را محکم کرداند وثابت
کرداند بان قدمهای شما را ودر عمل نیسان بهتر انست که
اگر جمعی خوانند هر یک مجموع ان سورها واذکار را هفتاد
مرتبه بخوانند واز برای انها که میخوانند فایده اش اعظم
وثوابش بیشتر است ودر این سالها بعد از بیست وسه روز
که از نوروز

که از نوروز روز بگذرد تقریباً داخل نیسان ماه رومی میشوند
و ماه نیسان سی روز است و از حضرت صادق منقولست که
در هفتم حزیران البته حجامت بکن و اگر میسر نشود در چهاردهم
بکن و اول حزیران تقریباً هشتاد و چهارم نوروز است
و آن سی روز است و حزیران ماه نحسی است چنانچه در حدیث
منقولست که در خدمت حضرت صادق ماه حزیران مذکور شد
حضرت فرمود که این ماهیست که حضرت موسی دعا نمود نفرین
کرد بر بنی اسرائیل و در یکشب و یکروز سیصد هزار کس
ایشان مردند و باز نسبت بهمین از آن حضرت منقولست که
حقتعالی ماه اجلها را نزدیک میگرداند یعنی موت در آن
بسیار میباشد و بدانکه ماههای رومی بنابر مشهور
آفتابیست و عدد آنها دوازده است باین ترتیب تشرین
الاول تشرین الاخر کانون الاول کانون الاخر شباط
اذار نیسان ایار حزیران تموز آب و ایلول و چهار ماه
را سی میگیرند که اینها تشرین الاخر و نیسان و حزیران و
ایلول اند و هفت دیگر غیر شباط را سی و یک میگیرند
و شباط را در سه سال متوالی بیست و هشت میگیرند
و در سال چهارم که سال کبیسه ایشانست بیست و نه
میگیرند و سال ایشان سیصد و شصت و پنج روز و ربع

است وتشرین الاول که اول سال ایشان در اینجا ظاهرا
موافق نوزده درجهٔ میزانست وتفصیلش در کتاب بحار الا
نوار مذکور است وچون این ماهها در احادیث مذکور
شده است مجملی در اینجا ایراد نمودیم باب سیزدهم در بیان
احکام اموات ودران پنج فصل است فصل اول در بیان
اداب واحکام حال احتضار وبرداشتن میت است باید
که چون در بیمار اثر موت ظاهر شود متوجه احوال خود
گردد واز گناهان خود توبه کند وبر گذشتها نادم وپشیمان
گردد وعازم گردد که اگر زنده بماند مرتکب معصیت الهی
نگردد پس وصیت کند وحقوق خدا وخلق اگر بر ذمت
او باشد ادا کند وبدیگران نگذارد پس بقدر ثلث مال
خود وصیت کند که بخویشان پریشان وفقرا ومساکین
وسایر وجوه بر صرف نمایند پس ابراء ذمت از برادران
مؤمن بطلبد وهر که را غیبت کرده باشد یا اذیتی رسانیده
باشد اگر حاضر باشد از ایشان التماس نماید که از
او عفو نمایند واگر غایب باشند از حاضران التماس
نماید که اورا از او راضی گردانند واز برای ایشان
استغفار نماید پس امور اطفال وعیال خود را بعد از
توکل بر جناب مقدس الهی بامینی بگذارد و وصیتی

باب سیزدهم

فصل اول

برای اولاد صغیر خود تعیین نماید پس کفن خود را حاضر نماید
و شهادتین و اقرار بائمه علیهم السلام و ادعیه که وارد شده
است که سنت است که بر کفن نوشته شود بفرماید که بتربت
حضرت امام حسین بر آن بنویسند اگر کفن را بتربت مهیّا کرده
باشد امّا مؤمن را سنت است که کفن نوشته با او باشد
چنانچه از حضرت صادق منقولست که هر که کفنش با او باشد
در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هر که نظرش بر آن
کفن افتد برای او حسنه نوشته شود و باید که در آن وقت
امیدوار رحمت حقتعالی و شفاعت رسول خدا و ائمه هدی
بوده باشد و بسند معتبر از حضرت رسالت منقولست که
در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت کمی عقل و نقص مروت
و مردی اوست گفتند یا رسول الله چگونه وصیت کند
فرمود که چون نزدیک وفاة او اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ
شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید ای خدا آفریننده آسمانها و
اَلْاَرْضِ عَالِمَ الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحِیْمَ اِنِّیْ اَعْهَدُ
زمین دانای پنهان و آشکارا بخشنده مهربان بدرستیکه عهد می کنم
اِلَیْکَ اِنِّیْ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیْکَ
بسوی تو اینکه گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر تو تنهائی نیست شریکی
لَکَ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهٖ عَبْدُکَ وَ رَسُوْلُکَ
از برای تو و اینکه محمد رحمت خدا بر او و آل او بنده تو و فرستاده تو است

وَاَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَاَنَّكَ تَبْعَثُ مَنْ فِي

وانکه قیامت آینده است نیست شکی در آن وانکه تو برمی انگیزانی کسیکه در

الْقُبُورِ وَاَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ وَاَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَمَا وَعَدَ اللّٰهُ

قبرهاست وانکه حساب حق است وانکه بهشت حق است وانکه آنچه وعده داده خدا

فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ مِنَ الْمَاْكَلِ وَالْمَشْرَبِ وَالنِّكَاحِ حَقٌّ

در آن است از نعمتها از خوردنیها و آشامیدنیها و نکاح حق است

وَاَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَاَنَّ الْاِيمَانَ حَقٌّ وَاَنَّ الدِّينَ كَمَا

وانکه دوزخ حق است وانکه ایمان حق است و دین چنانست که

وَصَفْتَ وَاَنَّ الْاِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ وَاَنَّ الْقَوْلَ كَمَا

وصف کردی وانکه اسلام چنانست که قرار دادی و انکه گفتار چنانست که

قُلْتَ وَاَنَّ الْقُرْاٰنَ كَمَا اَنْزَلْتَ وَاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْحَقُّ

گفتی وانکه قرآن چنانست که فرستادی وانکه تو توئی خدای حق

الْمُبِينُ وَاِنِّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا اَنِّي

هویدا و بدرستیکه عهد میکنم بسوی تو در دار دنیا بدرستیکه من

رَضِيتُ بِكَ رَبًّا وَبِالْاِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

راضی گشتم از پروردگاری تو و باسلام که دین من است و بمحمد رحمت خدا

عَلَيْهِ وَاٰلِهِ نَبِيًّا وَبِعَلِيٍّ اِمَامًا وَبِالْقُرْاٰنِ كِتَابًا

بر او و آل او که پیغمبر من است و بعلی پیشوای من و بقرآن کتاب من

وَاَنَّ اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

وانکه اهل بیت پیغمبر تو بر او و بر ایشان سلام

اُمّی اللّهمّ اَنتَ ثِقَتی عِندَ شِدّتی وَرَجائی عِندَ
پیشوای من خدایا تو با محل اعتماد من نزد شدت من وامید من نزد
کُربَتی وَعُدّتی عِندَ الاُمورِ الّتی تَنزِلُ بی وَاَنتَ
اندوه من وذخیره من نزد امور که فرود آید بمن وتو
وَلِیّی فی نِعمَتی وَاِلهی وَاِلهُ آبائی صَلِّ عَلی مُحَمّدٍ وَآلِه
یاور منی در نعمت من وخدای من وخدای پدران من رحمت کن بر محمد وآل او
وَلا تَکِلنی اِلی نَفسی طَرفَةَ عَینٍ اَبَداً وَآنِس فی قَبری
وامگذار مرا بسوی خودم چشم برهم زدنی هرگز وانس ده در قبرم
وَحشَتی وَاجعَل لی عِندَکَ عَهداً یَومَ اَلقاکَ مَنشوراً
تنهائی مرا وقرار ده از برای من نزد خود عهدی روزی که ملاقات کنم ترا واکرده شده

پس حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که این عهد
و پیمان میت است با خدا در روزی که میخواهد وصیت
کند و وصیت لازم و واجبست بر هر مسلمانی و صحیفه
اعتقادات را چنانچه در کتاب حلیة المتقین ذکر کرده
درست کند و بمهر گواهان برساند تا در میان کفن
او بگذارند و چون آثار احتضار اَللّهمّ اغفِر لیَ
ظاهر شود این دعا مکرر بخواند بیامرز خدایا بیامرز برای من
اَلکَثیرَ مِن مَعصِیَتِکَ وَاقبَل مِنّی الیَسیرَ مِن طاعَتِکَ
بسیار را از نافرمانی تو وقبول کن از من کم را از طاعت تو

تا جان کندن بر او آسان گردد و باید که اولاد و خویشان
و برادران مؤمن در این حالت او را تنها نگذارند و نزد
او قرآن و دعا بخوانند و سورهٔ یس و والصافات نزد
او بخوانند و اعتقاد به وحدانیت خدا و صفات کمالیه
الهی و رسالت حضرت رسول و امامت ائمهٔ هدی
صلوات الله علیهم بتفصیل و اعتقاد به معاد و بهشت
و دوزخ و سؤال قبر و سایر اعتقادات حق را مکرر تلقین
او کنند که بگوید و بیاد او آورند و اگر نتواند خود نزد
او بخوانند و دعای عدیله را بر او بخوانند و اگر عربی
نداند مضامینش را بر او القا کنند که در این وقت شیطان
بر او دست نیابد که او را از دین برگرداند و باید که کلمهٔ
طیبه لا اله الا الله بسیار بگوید و مکرر تلقین او کنند
زیرا که در حدیث معتبر وارد است که هر که آخر سخن او
لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در حدیث
معتبر از حضرت امام محمد باقر مرویست که تلقین کنید
مردگان خود را لا اله الا الله بدرستی که گناهان
در هم میشکند و مونس مؤمن است در حال الحیوة و نزد
مردن و نزد مبعوث گردیدن و هر که در هنگام مردن این
کلمهٔ طیبه را بگوید داخل بهشت گردد و احوط آنست

که در ابر

که در این حال پاهای او را بجانب قبله بکشانند تا ملاقی (بکف)
پاهای او رو بقبله باشد و در اینوقت حایض و جنب نزد او نباشند
که ملائکه از ایشان نفرت میکنند و اگر بغیر ایشان کسی
نباشد جایز است که برای ضرورت پرستاری او بمانند
و چون نزدیک شود که جانش بیرون رود بیرون روند و در
احادیث معتبره وارد شده است که اگر جان کندن بر او
دشوار باشد او را ببرند بجائی که همیشه نماز میکرده است
یا بجا بخوابانند بر روی جای نماز که بر آن نماز میکرده است
زیرا که اگر امید شفا هست شفا می یابد و الا جانش
باسانی بالا می آید و از حضرت امام رضا منقولست
که در حال احتضار دست بر او مگذارید و اگر دست و پا
حرکت دهد مانع مشوید چنانچه جاهلان میکنند و نزد
جاهلان میکنند و نزد او قرآن بخوانند و یاد خدا بکنند
و صلوات بر رسول و آل او بفرستند و در حدیث دیگر
منقولست که فرزندی از حضرت صادق در وقت احتضار
بود و حضرت امام محمد باقر در کنار خانه نشسته بود هر که
نزدیک او میرفت منع میکرد و میفرمود که دست بر او
مگذارید که او در اینحال در نهایت ناتوانیست و هر که
دست بر او میگذارد چنانست که او را کشته و در حدیث

صحیح از حضرت باقر منقولست که هرگاه کسی را در وقت
جان کندن بیابید کلمات فرج را تلقین او کنید
لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی
نیست خدا مگر خدای بردبار بزرگوار نیست خدا مگر خدای بلند مرتبه
العظیم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضین
بزرگ پاکست پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای
السبع وما فیهن وما بینهن وما تحتهن ورب العرش
هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و آنچه زیر آنهاست و پروردگار عرش
العظیم والحمد لله رب العالمین و در حدیث دیگر
بزرگ و سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیانست منقولست که چون
اینکلمات تلقین کسی میکردند حضرت امیر المؤمنین میفر
مودند که برو که دیگر بر تو باکی نیست و حضرت رسول
اینکلمات تلقین شخصی کرد و چون او خواند حضرت
فرمود که الحمد لله که اورا از آتش جهنم نجات داد و از حضرت
صادق منقولست که هیچکس نیست مگر آنکه شیطان
در وقت مردن جمعی از شیاطین را موکل میکند که
اورا بشک اندازند در دین خود تا جانش مفارقت کند
و اگر مؤمن کامل باشد بر او دست نیابند پس در آنحال
تلقین ایشان بکنید کلمات فرج و شهادتین بوحدانیت

خداوند

خدا و اقرار بحضرت رسالت و ائمه طاهرین بلک بلن را بجو
تا از سخن گفتن باز ماند و ایضا سنتست که برای اسانی جان
این دعا را تلقین او کند یا مَنْ یَقْبَلُ الْیَسیرَ وَ یَعْفُو عَنِ الْکَثیرِ
ای آنکه قبول می کند کم را و درمی گذرد از بسیار
اِقْبَلْ مِنّی الْیَسیرَ وَ اعْفُ عَنّی الْکَثیرَ اِنَّکَ اَنْتَ الْعَفُوُّ الْغَفُورُ
قبول کن از من کم را و درگذر از من بسیار را بدرستی که تو توئی آمرزنده بخشاینده
و بروایت دیگر اِنَّکَ اَنْتَ الْعَفُوُّ الْغَفُورُ و چون روح
او مفارقت کند سنتست که دهانش را برهم گذارند و
چانه اش را به بندند و چشمهایش را برهم آورند و دستهایش
را بر پهلوهایش بکشند و او را بجای درستی با جامه بپوشانند
و قرآن نزد او بخوانند و زودش بردارند مگر بعد جمع شدن
مومنان اگر اشتباهی در موت او نباشد و اگر شبهه باشد
تا یقین نشود هرگز بر ندارند و از حضرت صادق منقولست
که سزاوار انست که برادران مومن را خبر کنند بمردن او
تا بجنازه او حاضر گردند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار
کنند و میت و ایشان همه بهره برند و در حدیث حسن از حضرت
صادق منقولست که چون مومن را بقبر میگذارند ندا از
میکنند که اول عطائی که ترا ادهیم بهشتست و اول
عطائی ترا دهیم اینست که با جنازه تو آمده اند آمرزش گناهان

و در حدیث دیگر فرمود که اول تحفه که بمؤمن میدهند در
قبر آنست که می‌آمرزند هر کس را که همراه جنازهٔ او بوده است
و در حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی جنازهٔ مؤمنی بکند تا
او را دفن کنند حق تعالی در قیامت هفتاد ملک بر او بر
گمارد که همراهی نمایند و استغفار برای او کنند از قبر تا موقف
حساب و فرمود که هر که یک طرف جنازه را بگیرد از گناهان
بیرون آید و باید که جنازه را چهار کس بردارند و بهتر آنست
که برای کسی که تشییع جنازه کند که اول دست راست
میت را که جانب چپ جنازه است بدوش راست خود
بردارد پس پای راست میت را بار بدوش راست بردارد
پس از پشت جنازه برود و پای چپ میت را بدوش چپ
چپ خود بردارد پس دست چپ میت را که در جانب
راست جنازه است بدوش چپ بردارد و چون خواهد
که بار دیگر تربیع کند از پیش جنازه نرود بلکه از جانب
پشت جنازه برگردد و باز بهمان روش تربیع بجا آورد و
اکثر علما بر عکس گفته اند که اول ابتدا بدست راست
جنازه میکند پس بپای راست پس بپای چپ پس بدست
و اول موافق احادیث معتبره اولی است و اگر هر دو را بعمل
آورند بهتر است و افضل آنست که عقب جنازه یا پهلوها

تا رود و پیش جنازه نرود و ظاهر اکثر احادیث آنست که اگر
جنازهٔ مومن باشد پیش پا رفتن خوبست و در جنازهٔ مخالف
مذهب خوب نیست زیرا که ملائکه او را استقبال بعذاب
میکنند و با جنازه سواره رفتن مکروهست و از حضرت
رسول صلی الله علیه وآله منقولست اَللهُ اَکبَرُ هٰذا
که جنازه و این دعا را بخوانند — خدا بزرگتر است این است
ما وَعَدَنَا اللهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ
آنکه وعده داده ما را خدا و رسول او و راست گفت خدا و رسول او خدایا
زِدْنا اِیماناً وَتَسْلِیماً اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی تَعَزَّزَ بِا
زیاده کن ما را ایمان و انقیاد و ما را ستایش مر خدا را که عزیز گردانید به
لْقُدْرَةِ وَقَهَرَ الْعِبادَ بِالْمَوْتِ هیچ ملکی در آسمان
نماند مگر آنکه گریه — قدرت و غلبه کرد بندگان را بمرگ
کند از برای ترحم بر او و از حضرت صادق بِسْمِ اللهِ وَ
منقولست که در حال برداشتن جنازه — بنام خدا و
بِاللهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِلْمُؤمِنِینَ
بخدا خدا رحمت کن بر محمد وآل محمد و بیامرز مردان گرویده
وَالْمُؤمِناتِ و منقولست که حضرت امام زین العابدین
و زنان گرویده
هرگاه جنازه را میدید میگفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَجْعَلْنِی
مِنَ السَّوادِ الْمُخْتَرَمِ و زنان را تشییع جنازه سنت است و

بعضی گفته که جنازه را بسیار تند بردن مکروهست و مجیء
بالجنازه بردن کراهت دارد و در روز چراغ بردن خوب
نیست و اسرافست و در شب خوبست و مکروهست کسی را
که بجنازه حاضر شود خندیدن و حرف باطل گفتن
در غسل دادن میت است بدانکه احکام میت از غسل
دادن و کفن کردن و نماز کردن و دفن کردن و احکام
پیش همه واجب کفائیست یعنی بر همه واجبست و چون
یکی بکند از همه ساقط میشود و اگر همه ترک کنند همه
معاقب میشوند و مشهور میان علما آنست که در
اینمعنی تعلق دارد بوارث میت و برخصت او دیگری
متوجه اینها میتواند شد و مردان ورثه اولی اند از زنان
و شوهر اولیست از دیگران و احوط آنست که بغیر ضرورت
خود غسل ندهد و غسل و نماز و سایر احکام میت
واجبست برای میت شیعه اثنا عشری و در سنی و
سایر فرق مخالفان خلافست و ظاهر او واجب نباشد
مگر در حال تقیه و شهیدی که در جهاد با امام زمان
کشته شده باشد و در معرکه مرده باشد اورا غسل نمی
دهند و اورا کفن نمی کنند بلکه نماز میکنند و با جامها
که پوشیده دفن میکنند و بعضی گفته اند که در هر جهاد

جهاد

حتی که کشته شود چنین است و خالی از قوتی نیست
و مشهور میان اصحاب است که هرگاه از میت عضوی
یافت شود که در آن استخوان باشد میشویند و کفن می
کنند و بعضی سه کفن را در اینجا واجب دانسته اند و
اگر نصفی باشد که دل در آن باشد نماز هم میباید کرد
و احوط آنست که اگر سینه را تنها بیابند باز چنین کنند
و همچنین اگر همه استخوانهای میت را بیابند و عضوی
که بی استخوان باشد مشهور آنست که در لته می پیچند
و دفن می کنند و بعضی لته پیچیدن را واجب ندانسته
اند و بچه که در شکم ساقط شود هرگاه چهار ماه زیاده
داشته باشد غسل میدهند و کفن و دفن میکنند و بر او
نماز نیست و بعضی گفته اند به جامه کفن میکنند
و حنوط میکنند و هرگاه چهار ماه نداشته باشد مشهور
آنست که در لته می پیچند و دفن می کنند و در روایت
لته پیچیدن مذکور نیست و بعضی تمام شدن خلقت
طفل را اعتبار کرده اند در غسل و کفن نه چهار ماه و
این احوط است و اگر عضو استخوان داری از زنده بریده
باشد احوط آنست که غسل و کفن و دفن بکنند و اگر چه
اظهر عدم وجوب است و اگر طفل در شکم مادر مرده

باشد و مادر زنده باشد اگر توانند درست بیرون آورند
والّا پاره پاره کنند و بیرون آورند و اگر مادر بمیرد و طفل
زنده باشد شکم مادر را میشکافند و از جانب چپ
طفل را بیرون می آورند و بهتر آنست که شکمش را بدو
زند و واجبست که مرد را مرد غسل دهد و زن را زن
الّا در چند موضع اوّل زن و شوهر که بقول اشهر و اقوی
هر یک دیگری را غسل میتوانند داد و احوط آنست که
از زیر جامه بدهند و نظر بعورت نکنند و احوط آنست که بدون
ضرورة غسل ندهند خصوصا مرد زن را دوم جایزست
که آقا کنیز خود را غسل دهد هرگاه زن کسی و در عدّه
کسی نبوده باشد و بنده غسل دادن کنیز آقا را خلافست سیم
جایز است که غسل دهد مرد اجنبی دختر سه ساله
برهنه و زن پسر سه ساله را برهنه و بعضی در پنج سالها
نیز تجویز کرده اند چهارم هرگاه مردی فوت شود و مردی
نباشد که او را غسل دهد زن محرم او را غسل میتواند
داد از زیر جامه و همچنین است هرگاه زن فوت شده باشد
و ظاهرا در حال اختیار نیز محارم یکدیگر را غسل میتواند
داد امّا احوط آنست که تا ممکن باشد نیز زن را زن و مرد را
مرد غسل دهد و امّا کیفیت غسل بهتر آنست که پیش از

غسل

غسل کفن را مهیا کند و اول خرقه را و بعد از آن سرتا
سری و بعد از آن پیراهن را کند و نصف بالای پیراهن را
بر گرداند و لنگ را و بعد از آن زان پیچ را بجای خود پهن
کند پس متوجه غسل شود و اگر میسر باشد که میت را در
وقت غسل بر روی تختی یا تخته بخوابانند بهتر است
و مستحب است که وقت غسل پای میت بسوی قبله باشد
بطریق حال احتضار و بعضی واجب دانسته اند و در
سایر احوال باید که چنین باشد مگر در حال نماز و باید
که رختهای بیش را بکنند و اگر خواهد با پیراهن غسل دهد
و اگر خواهد لنگ بر بندد و پیراهن را بکند و بر هر تقدیر
واجبست که در وقت غسل دادن عورتین میت را
بپوشانند و مشهور آنست که واجبست که اول ازاله
نجاست از بدن میت بکنند و سنت است که برای حرمت
میت پیراهن را از طرف پا بیرون کنند و اگر تنگ باشد
باذن ورثه بشکافند و سنت است که در زیر سقفی یا خیمه
غسل دهد که برابر آسمان نباشد و سنت است که دو نفر با
غسل دهند یکی آب ریزد و دیگری گرداند میت را و
مستحب است که انگشتان میت را بمدارا نرم کنند و اگر
دشوار باشد و خوف شکستن باشد دست بردارد و وا

که میت را سه غسل بدهد اول باب سدر و بعد از آن باب
کافور و بعد از آن باب خالص و سنت است که اول دستهای
میت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشوید بنا بر بعضی از روایات
پس عورة میت را بشوید و احوط آنست که چون خواهد
عورة را بشوید لته بردارد بدست به بندد که دستش
بعورة نرسد و اگر بدست چپ بشوید بهتر است و سنت
است که اول عورة میت را بکف سدر و اشنان سه مرتبه
بشوید و آب بسیار بریزد تا خوب پاک شود پس دست بر با
لای شکمش بگذارد و بنرمی و همواری پایین کشد که اگر
فضله باشد بیرون آید و اگر بیرون آید باز مخرج را بشوید
و اگر زن حامله باشد و خوف افتادن فرزند باشد دست
بر شکمش نکشد و علما گفته اند که سنت است که سر و ریش
را پیش از غسل بکف سدر بشوید پس سنت است که دستهای
خود را تا مرفق بشوید یعنی آنکسی که دست بر میت میکند
پس وضو دهد میت را بروش وضوی زنده کافی باب خالص
و بعضی واجب دانسته اند و نیت کند که وضو میدهم این میت
را قربة الی الله پس رو و دستهایش را بشوید و سر و پایش را
مسح کند پس ابتدا کند بغسل و احوط آنست که آب بریزند
و گرم نکنند اگر دو کس باشند هر دو نیت بکنند و بهتر است

که نیت

که نیت هر سه را در اول بکنند و از برای غسل کافور و قراح
نیز نیت بکنند پس اول نیت میکنند که این میت را غسل
میدهم با آب کافور و قراح از جهة آنکه واجبست از برای
رضای خدا قربة الی الله پس سر میت را با آب سدر میشوید
و احوط آنست که اول بجانب راست سر آب بریزد و بعد
از آن بجانب چپ و سنت است که سر را و هر دو جانب را
سه مرتبه بشوید پس میت را بر پهلوی چپ بخواباند و
جانب راست را بشوید و سنت است که سه مرتبه
بشوید و هر سه عضو را که میشوید قطع نکند تا بپایان رساند و اگر
آنکه میت را میگردانند در هنگام آب ریختن دست بر پشت
و شکم بمالد بهمواری که آب خوب برسد بهتر است و
دست میت را آنقدر جدا کند تا آب بزیر آن برسد و چنان
کند که آب بزیر لنگ و عوره و ران و سایر اعضا خوب جاری
شود پس میت را بگردانند و بر پهلوی راست بخوابانند و
پهلوی چپ را بهمان طریق که مذکور شد سه مرتبه
بشوید و در آب سدر مسمی کافیست و مشهور آنست
که حدی ندارد و بعضی گفته اند که باید هفت برگ سدر
باشد و بعضی یک رطل و بعضی یک رطل و نیم گفته اند که نزدیک
به بیست و پنج درم و زیاده بوده باشد و گویا این زیا

دستها برای شستن فرج و سایر اعضا پیش از غسل بوده باشد
واحوط آنست که در آب غسل آنقدر داخل نکند که مضاف شود
و آبش نگویند و در بعضی روایات در شستن هر جانب شستن
نصف سر نیز وارد شده است و شاید بد نباشد اگرچه
خلاف مشهور است پس میت را بر پشت بخواباند و
ظرفی را میشوید که از سدر از آنها برطرف شود و اندک
کافور را ریزه میکند و داخل آب میکند و غسل دهنده دستها
خود را تا مرفق بشوید و فرجش را سه مرتبه نیز بشوید و بهتر
آنکه لته یا دستمالی بر دست بپیچد و دست بر شکم
میت بکشد بهمواری و بهتر آنست که در وقتی که
دست بر شکم میکشد سر میت را بلند کند که فضلات
از آن طرف بیرون رود پس احتیاطا آب بریزند و گرداشند
هر دو نیت کنند که این میت را غسل میدهم باب کافور
از برای آنکه واجبست از برای رضای خدا پس سر را
بشوید و سنت که سه مرتبه بشوید و در همان هر مرتبه
ابتدا بجانب راست سر بکند و گرداشند بهمواری
دستی بمالد پس جانب راست را سه مرتبه و جانب
چپ را سه مرتبه بنحوی که در غسل سدر مذکور شد
بشوید پس میت را بر پشت بخواباند و باز دست خود را

نام دهند

تا مرفقین بشویند وظرفها را خوب بشویند که اثری از
سدر وکافور در آنها نماند واگر سبوی دیگر باشد برای
آب قراح بهتر است واحوط انست که آب غسل قراح
را از حوضی که آب سدر وکافور ریخته شده است برند
رند واز آبی بردارند که اینها مطلقا در آن داخل نشده
باشد پس دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه
باب خالص بشویند اسبا باو فرج میت را نیز باب خالص
سه مرتبه بشویند واگر در اینوقت نیز بارد مگر میت
را وضو دهند شاید بهتر باشد پس احتیاط نیت کند
که غسل میدهم این میت را باب قراح از جهة آنکه واجب
است قربة الی الله پس سر را سه مرتبه وجانب راست سه مرتبه
وجانب چپ را سه مرتبه بشوید که یکمرتبه واجبست ودو
مرتبه سنت وبهتر انست که گردانند نمیدارا در وقت
این غسل دستی بکشد بر بدن میت وپیش از این غسل ودر
اثنای این غسل دست بر شکم میت نکشد وچون از این
هر سه غسل فارغ شود اگر خوف خروج نجاستی بوده باشد
مدری از پنبه در دبرش داخل کند وهمچنین در دهان
وبینی وقدری از پنبه داخل کند اگر خوف بیرون آمدن
خون یا نجاستی بوده باشد پس سنت است که بدنش

را بجامهٔ خشک کند وبعد ازان اورا بر روی جامهای کفن
بکذارند وسنت است که هر مرتبه که میت را بجانب
کردانند این دعا اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ
را بخوانند
خدایا بدرستی که این بدن بندهٔ تو که مومن است
وَقَدْ اَخْرَجْتَ رُوحَهُ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ بَيْنَهُمَا فَعَفْوَكَ
وبتحقیق بیرون شد روح او از او وجدائی انداختی میان این دو پس بخشش
عَفْوَكَ واکر زن باشد اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ اَمَتِكَ
بخشش بکویند
خدایا بدرستی که این بدن کنیز تو است
الْمُؤْمِنَةِ واکر روحها بکویند بهتر است ودر سایر المو
که مومنه است
غسل مکرر بکوید رَبِّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ تا خدا
بیامرزد اورا وسنتست که هرچه از عیوب میت براو
ظاهر شود بکسی نقل نکند تا حقتعالی کناهان اورا بیامرزد
چنانچه از مادر متولد شده ومستحبست که غسل دهنده
ازجانب راست باشد وکودالی دربرابر قبله
بکنند وتخته سرازیر باشد که آب غسل درآن کودال
رود ومکروهست که آب غسل را بجائی که درآن بول و
غایط کنند بریزند واکر چاله باشد که کثافات خانه
را درآن ریزند ضرور ندارد ومکروهست میت را با
کرم غسل دادن مکر در حال الضرورة ومکروهست که
میت را

میت را باب گرم غسل دادن مگر در حال ضرورت و مکروهست
که میت را در میان پاهای خود بگیرد و ایضا مکروهست که
ناخن میت را بگیرد یا شانه کند و اگر بگیرد ناخن و مو را یا
موئی در اثناء غسل جدا شود باید که در میان کفن گذارد
و با میت دفن کند حتی منقولست که دندانی از حضرة باقر
کنده شد بحضرة صادق داد و فرمود که با من دفن کن در قبر و
و اگر سدر و کافور بهم نرسد یکمرتبه با آب قراح غسل بدهند و
احوط آنست که سه مرتبه غسل دهند و اگر پیش از دفن
بهم رسد احوط آنست که مرتبه دیگر او را غسل دهند و
اگر آب بهم نرسد یا میت را نتوان غسل داد که خوف آن باشد
که بدن میت از هم بپاشد تیمم دهند او را و ظاهر آنست
تیمم کافیست و سه تیمم احوط است و بهتر آنست که
نیت تیمم را چنین کند که تیمم میدهم این میت را بدل
از غسلهای سدر و کافور و قراح از جهت آنکه واجبست
از برای رضای خدا و تیمم دیگر را قصد کند که تیمم میدهم
این میت را بدل از غسل کافور احتیاطا قربة الی الله و
همچنین قراح را و چون نیت کند دست خود را بر خاک زند
و بر پیشانی میت کشد و دیگر بر پشت دست راست میت
کشد و دیگر بر پشت دست چپ و اگر به دو ضرب تیمم دهد

یکی برای رو و یکی برای دستها لخو نیست و اگر میت محرم باشد
او را غسل کافور ندهند و حنوط نکنند فصل سیم در کفن کردن
میت است واجبست که میت را سه کفن کنند و اکثر علما
گفته اند که اول ازانها لنگ است که از ناف تا بعضی از ساق را
بپوشاند و بعضی گفته اند که سنت است که سینه را بپوشاند و
تا پاها را برسد و دوم پیراهن است و سیم سرتاسری که جمیع
بدن را بپوشاند و بعضی از علما گفته اند که پیراهن است و
دو سرتاسری و جایز است که بجای پیراهن یک سرتاسری
دیگر بکنند که مجموع سه سرتاسری باشد و این قول اظهر است
و احادیث معتبره بر این دلالت دارد و احوط آنست که با
اینها نیز لنگ بکنند و با ضرورة یک سرتاسری کافیست و
باید کفن حریر محض نبوده باشد و احوط آنست که کفن زنان
نیز حریر محض نبوده باشد و احوط آنست که کفن از پوست نبوده
باشد و بهتر آنست که از پشم و موی نباشد و مستحبست که از
پنبه سفید بوده باشد و سنت است که سرتاسری بالا از
جمله دو سرتاسری حبره بوده باشد و آن جامه بوده از یمن
می آوردند و الحال معلوم نیست و دور نیست که اگر بجای
آن قطنی سفید بکنند بد نباشد و علما گفته اند که سنت است
که اول راست چپ لفافه را بر جانب راست میت اندازند

فصل سیم

و بعد از آن

و بعد از آن جانب راست لفافه را بر جانب چپ میت
و بهتر است که چنین کنند اگرچه مستندش بنظر نرسیده
و سنت است که خرقهٔ طویلی که عرضش یک شبر و نیم و طولش
اقلا سه ذرع و نیم باشد بدل از دستار زیاده کنند برای
ران پیچ و آنکه سر آن را شکافند و بر کمر میت ببندند و پنبهٔ
بسیار در دبر و فرج میت بگذارند و اگر زن باشد پنبه
بیشتر بگذارند و اگر بر پنبه قدری کافور بپاشند شاید
بد نباشد و سر دیگر خرقه را از میان پاها بدر آورند و از
زیر آنچه بر کمرش بسته اند بیرون و محکم کشند که فرج را
و پنبه گذاشته اند فرا گیرد و پاها را بهم آورند و رانها
با یکدیگر با آن خرقه سخت ببندند و بپیچند تا زانوها و بجائی
که منتهی شود سرش را در آنچه پیچیده اند فرو برند و سنت
که عمامه از برای مرد زیاده کنند که بر دور سرش بگردانند
و موافق مشهور بر تحت الحنک بگردانند و سرهای عمامه را
از هر دو طرف بدر آورند و بر سینهٔ میت بیندازند چپ را
بر جانب راست و راست را بر جانب چپ و بدل از عمامهٔ
مرد از برای زن مقنعه زیاده کنند و پارچه بر سینهٔ
زن ببندند که پستانهایش را بگیرد و بر پشتش گره زنند
و مکروه است که کفن از کتان باشد یا پیراهنی که تمام
کنند آستین داشته باشد اما اگر میت را در پیراهن

خودش کفن کنند در کار نیست بریدن آستین و با آستین
پاکی نیست اما تکمها و بندهایش را ببرند و سنتست که
میت را کفن کنند در پیراهنی که در آن نماز میکرده است
و اگر در پیراهن بعضی از علما و صلحا کفن کنند شاید بهتر باشد
و مستحبست که در آن احرام بسته است در حج یا عمره کفن
کنند و مستحبست که کفن خوشقماش و صاحب قیمت باشد
چنانچه در حدیث وارد شده است که نیکو کنید کفنهای
مردگان را که زینت ایشانست و با آن کفنها در قیامت
مبعوث میشوند و سنتست موافق مشهور که در قیمت
کفن مضایقه و مقصری نکنند و کفن از مال حلال بی
شبهه باشد و سنتست موافق مشهور که بر کفن شهادتین نیز
و اقرار بائمه علیهم السلام بنویسند و دعای جوشن و غیر آن در
بعضی از روایات وارد شده است و سنتست که با تربت
حضرت امام حسین بنویسند و علما گفته اند که سنتست
که کفن را از آن ریسمانی که از آن بیرون آورده اند بدوزند
و آب دهان تر نکنند و سنتست که در وقتی که غسل دهند
خواهد که میت را کفن کنند دستهایش را تا دوش یا تا
مرفق بشوید و بعد از آن شروع کند در کفن کردن و واجب
حنوط کردن میت یعنی آنکه بر هفت موضع او یعنی پیشانی
و کف دستها و زانوها و انگشت مهین پاها کافور

بمالند

نما لند اگرچه اندکی باشد و بهتر آنست که سر بینی وا نیز نما لند
و بر سینه اش ریزند و اگر کودال پایین کردن و بندهای پا
و بندهای دست و مرفقها و زیر بغلها و بیخ ران و بند
انگشتان و سایر بندها نما لند احوط نیست و بهتر آنست
که کافور حنوط کافور خام جودانه باشد و مقدارش یکدر
یک اشرفی باشد که چهار دانگ و نیم مثقال است و بهتر
آنست که سه مثقال باشد و بهتر از این آنست که سیزده
درهم و ثلثی بوده باشد موافق حنوط حضرت رسول صلی الله
علیه و آله که تقریبا هفت مثقال صیرفی بوده باشد
و بهتر آنست که کافور غسل از این مقدارها باشد و سنت
موکد است که دو جریده تازه با میت بگذارند و داخبار
بسیار وارد شده است که تا این چوب تازه است میت را
عذاب نمی کنند و بهتر آنست که چوب درخت خرما بوده
باشد و اگر یافت نشود چوب سدر کنند و اگر یافت
نشود چوب درخت خرما و اگر یافت نشود چوب درخت
بید و اگر یافت نشود چوب درخت انار و اگر یافت نشود
هر چوب تری خوبست و باید تر باشد و تازه از درخت
بریده باشند و چوب خشک هرچند از درخت خرما
اماکن شریفه بریده شده باشد فایده نمی کند و باید هر یک

بقدر یک شبر بوده یا یک ذرع دست و بعضی گفته اند
که نقبه را استخوان دراع است که از یک شبر بیشتر است و
ظاهر آنهم خوب نیست و بعضی گفته اند که پنبه بر آنها
بپیچند تا رطوبتشان بیشتر بماند و یکی را از جانب راست
بگذارند و سر پیش را بجنبر کردن گذارند و مشقوق سدن
سازند و دیگری را از جانب چپ و میان پیراهن و سر
تا سری بگذارند و سر از آن بجنبر کردن گذارند و بعضی
گفته اند که سنت است که بر جریدتین شهادتین بنویسند
بتربت شریف و اگر نقبه باشد و جرید نتوان در کفن
گذاشت در میان قبر بگذارند و اگر بعد از پر کردن قبر
بخاطرشان آید در میان قبر فرو برند و بدانکه کفن واجب میت
از اصل مال اوست مقدم بر دین و وصیت و میراث
و اگر چیزی نداشته باشد رختهای او را تطهیر کنند
و با آنها کفن کنند و اگر آنهم نباشد برهنه دفن کنند
و بعضی گفته اند که از زکوة واجب کفن میت میتوان
کرد و خالی از قوتی نیست و سنت مؤکد است که
مسلمانان او را کفن کنند چنانچه در حدیث معتبر از
حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که کفن کند مؤمنی
را چنانست که ضامن جامه او شده باشد تا روز قیامت

و هر که

وهر که بکند از برای مؤمنی قبری چنانست که او را در
خانهٔ موافق بنگوئی جا داده باشد تا روز قیامت و
کفن زن بر شوهر واجبست هرچند زن مالدار باشد
و همچنین کفن بنده بر صاحبش واجبست و اگر از میت
نجاستی بیرون آید بدن او را بشویند و اگر کفن آلوده
شده باشد تا قبر نگذاشته اند آنرا میشویند و اگر بقبر
برده باشند مشهور آنست که آن موضع را مقراض می
کنند و کفن را اندک بکر میکذرانند تا بدن میت پوشیده
شود و بعضی گفته اند که اگر ممکن بوده باشد شستن
در اندرون قبر بآنکه طشت و آفتابه ببرند و بشویند
بهتر است خصوصا هرگاه بدن میت نجس شده باشد
و ظاهر آنست لازم است کفن را نیز بآن عنوان بشویند
و این خوط شست و جمعی گفته اند مکروهست کفن را
با آهن بریدن و گفته اند که از مشایخ چنین شنیده
ایم و در حال کفن نیز سنتست که پاهایش بقبله باشد
و کسی که در غیر جهاد با امام کشته شده باشد جراحتهای
بدنش را تا له میکنند و غسل میدهند و اگر سر جدا
باشد در هر غسلی اول سر را میشویند بعد میشویند و اخر
بدن را و بعضی گفته اند که اگر خون بند نشود کل

می ریزند تا بند شود و از حضرت صادق منقولست که
حکم چنین کسی که اول خون را میشویند و آب بر او می
ریزند در غسل و دست بر بدنش نمی مالند و بر جراحتها
یش پنبه و کافور میگذارند و محکم می بندند و همچنین
اگر گردنش بریده باشد کافور میپاشند بر موضع جراحت
و پنبه بر آن میگذارند و بخرقه‌ای می بندند که خون بیرون
نیاید و اگر سر از بدن جدا شده باشد در غسل اول سر را
میشویند و بعد از آن بدن او را و پنبه بر بالای گردن
میگذارند و در میان کفن می پیچند و در هنگام دفن سر را
با بدن میگیرند و در لحد میگذارند و رویش را بجانب قبله
میگردانند **فصل چهارم** در نماز میت است و این نماز فصل ۴
واجبست بر همه مسلمانان که علم بفوت شخصی بهم رسانند
و اگر یکی از ایشان بجا آورد از دیگران ساقط میشود
و واجبست نماز بر هر شیعه اثنا عشری که بالغ باشد
بی خلاف و اشهر و اقوی آنست که بر طفلی که شش سال
تمام شده باشد واجب است و ظاهرا قصد قربت الکفا
توان کرد و کمتر از شش ساله را بعضی سنت دانسته
اند و بعضی بدعت و احوط نکردن است و جایز نیست
نماز کردن بر کفار و خوارج و ناصبیان که عداوت

اهل

اهل بیت علیهم السلام داشته باشد و غالیان که
ائمه علیهم السلام را خدا دانند و گویند که خدا در ایشان
حلول کرده است و بر مرتد و اینها که خدا را جسم میدانند
و بر غیر ایشان از مخالفان خلافست و ظاهر احوط
باشد میان آنکه نماز نکند یا بکند و چهار تکبیر بگوید
و در تکبیر چهارم نفرین و لعنت کند بر او و در موضع
تقیه ترک نباید کرد و سزاوارترین مردم بنماز میت
وارث اوست بنابر مشهور و بعضی گفته اند که بی
رخصت ایشان نماز جماعت نمیتوان کرد و بانفراد
توان کرد و احوط آنست که تا توان از ایشان رخصت
گرفتن بی رخصت نکند و شوهر از همه خویشان اولیست
نسبت بزن و مردان اولی اند از زنان و وارث اگر
خود قابلیت پیش نمازی نداشته باشد هر که خواهد
و اعتقاد داشته باشد و بهتر داند مقدم دارد
و جایز است که زن پیش نمازی زنان بکند و با ماموم
در یک صف بایستد و مرد باید که پیش بایستد اگر
چه ماموم یکنفر باشد و اگر زنان جمع شوند زنان در
عقب مردان بایستند و اگر حایضی باشد سنت است
که در صف جدا بایستد و واجبست که نماز گذارنده

رو بقبله باشند و سر جنازه بجانب راست او باشد اگر
امام باشد و در ماموم در کار نیست و احوط در منفرد
آنست که از برابر جنازه بیرون نباشد و واجبست که
میت را بر پشت بخوابانند و در این نماز طهارة از حدث
شرط نیست و جنب و حایض و بی وضو این نماز را می
توانند کرد و احوط آنست که بنا بر شروط نماز یومیه
را در این نماز رعایت کنند از پوشانیدن عورة و نجس
نبودن جامه و بدن و حریر نبودن جامه و غیر اینها اگر
چه اظهر آنست که هیچیک در کار نیست مگر چیزی
چند حرام باشد و انا له انها منافی افعال نماز نبا
شند مانند طلا و حریر برای مردان و جامه غصبی و سنت
است که با وضو باشد و اگر آب بهم نرسد یا مانعی
داشته باشد یا وقت تنگ باشد سنت است که
تیمم کند و ظاهر بعضی از روایات آنست که بدون عذر
مستحبست و می باید که از جنازه بسیار دور نباشد
مگر آنکه در نماز جماعت باشد و صف نهاده در میان باشد
و نماز میت نمیتوان کرد تا او را غسل و کفن نکند
اگر ممکن باشد و اگر کفن نداشته باشد او را بقبر
گذارند و عورتش را بپوشانند و نماز کنند و سنت

کریبش

که پیش نماز برابر میان مرد بایستد و سینه زن بنا بر مشهور
و سنتست که کفش را بکنند و اگر موزه در پا داشته باشد
در کار نیست کندن و اگر پا برهنه باشد بهتر است و واجب
است که نیت کند و بهتر آنست که چنین نیت کند که
نماز بر این میت حاضر میکنم از برای آنکه واجبست
قربة الی الله و پنج تکبیر بگوید و سنتست که در هر تکبیر
دستها را بر دارد تا محاذی گوشها و بعضی در غیر تکبیر
اول سنت نمیدانند دست برداشتن را و اولی
اولی است و در وجوب دعا در میان تکبیرها خلاف
است و احوط وجوبست و ظاهر اهر دعائی مجزی باشد
و مشهور آنست که أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا الله وَأَشْهَدُ
بعد از تکبیر اول بگوید [illegible]
أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ الله و بعد از آن اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ
[illegible] دوم بگوید
وَآلِ مُحَمَّدٍ و بعد از اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
سیم خداوندا بیامرز از برای مؤمن مردان و زنان و آل محمد
و بعد از اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذَا الْمَیِّتِ و تکبیر پنجم را
چهارم خداوندا بیامرز از برای این مرده بگوید و فارغ
شود مجزیست و موافق مشهور بهتر آنست که چنین

بعد از تکبیر الله اکبر اشهد ان لا اله الا الله وحده

بگوید خدا بزرگ تر است گواهی می دهم اینکه نیست خدائی مگر خدای تعالی یگانه

لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله

نیست شریک او را و گواهی می دهم اینکه محمد بنده اوست و رسول او فرستاده او را

بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة پس الله

براستی مژده دهنده و بیم دهنده پیش از روز قیامت پس بگوید خدا

اکبر اللهم صل علی محمد وال محمد وبارک علی

بزرگتر است خدایا رحمت کن بر محمد و آل محمد و برکت ده بر

محمد وال محمد وارحم محمدا وال محمد کافضل ما

محمد و آل محمد و رحم کن محمد را و آل محمد را مانند بهترین

صلیت وبارکت وترحمت علی ابرهیم وال

صلوات و برکت و رحمت که کردی بر ابراهیم و آل

ابرهیم انک حمید مجید وصل علی جمیع الانبیاء

ابراهیم بدرستی که تو ستوده بزرگواری و رحمت کن بر همه پیغمبران

والمرسلین پس الله اکبر اللهم اغفر للمؤمنین

و فرستادگان پس بگوید خدا بزرگ تر است خدایا بیامرز گروندگان

والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء

و زنان مؤمنه و مردان مسلمان و زنان مسلمه زنده

منهم والاموات تابع بیننا وبینهم بالخیرات

انک

إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس بگوید

بدرستی که تو اجابت کننده دعاها بدرستی که تو بر همه چیز توانا

اَللهُ أَكْبَرُ اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَ

خدا بزرگترست خداوندا بدرستی که این بنده تست و پسر بنده تست و

ابْنُ أَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ اَللّٰهُمَّ

پسر کنیز تست فرود آمد بتو و تو بهترین فرود آمده شده خداوندا

لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا اَللّٰهُمَّ

نمی دانیم ازو مگر نیکی و تو داناتری باو از ما خداوندا

إِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَإِنْ كَانَ مُسِيئًا

اگر بوده باشد نیکوکار پس بیفزا در نیکوئیهای او و اگر هست بدکردار

فَتَجَاوَزْ عَنْهُ وَاغْفِرْ لَهُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَكَ

پس درگذر ازو و بیامرز برای او خداوندا بگردان او را نزد خود

فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ عَلَى أَهْلِهِ فِي الْغَابِرِينَ

در بلند ترین مکانها و خلیفه گردان بر اهل او در گذشتگان

وَارْحَمْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس الله

و رحم کن او را برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان اکبر بگوید

اگر وی فارغ میشود و اگر زن باشد می گوید

اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذِهِ أَمَتُكَ وَابْنَةُ عَبْدِكَ

خداوندا بدرستی که این کنیز تست و دختر بنده تست

وَابْنَةُ اَمَتِكَ نَزَلَتْ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ

و دختر کنیز تست فرود آمد بتو و تو بهترین فرود آمده شده

بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا اِلَّا خَيْرًا وَاَنْتَ

باو خدایا بدرستیکه ما نمی دانیم از او مگر نیکی و تو

اَعْلَمُ بِهَا مِنَّا اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ

داناتری باو از ما خدایا اگر بوده باشد نیکوکار پس بیفزا

فِي اِحْسَانِهَا وَاِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْهَا

در نیکوئی او و اگر بوده باشد بدکار پس درگذر از بدی او

وَاغْفِرْ لَهَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا فِي اَعْلٰى عِلِّيِّينَ

و بیامرز او را خداوندا بگردان او را در بلندترین درجها

وَاخْلُفْ عَلٰى اَهْلِهَا فِي الْغَابِرِينَ وَارْحَمْهَا

و خلیفه باش بر اهل او در گذشتگان و رحم بکن او را

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ واگر بعد از چهار

برحمت خود ای رحیمترین رحم کنندگان

تکبیر این دعا

بخواند اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا

خوبست گواهی میدهم اینکه نیست خدا مگر خدا یگانه است او نیست

شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

شریک مر او را و گواهی میدهم اینکه محمد بنده او و فرستاده او

اللهم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ

خداوندا درود فرست بر محمد وآل محمد وبیامرز مر مؤمنان را

وَالْمُؤْمِنَاتِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا الْمُسَجّٰى قُدَّامَنَا

وزنان مؤمنه را خداوندا بدرستیکه این کفن پوشیده پیش روی ما

عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَقَدْ قُبِضَ رُوحُهُ

بنده تو وپسر بنده تو است وبتحقیق که گرفته شده روح او

اِلَيْكَ وَقَدِ احْتَاجَ اِلٰى رَحْمَتِكَ وَاَنْتَ غَنِيٌّ

بسوی تو وتحقیق که محتاج شده بسوی رحمت تو وتو بی نیازی

عَنْ عَذَابِهِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي اِحْسَا

از عذاب او خداوندا اگر هست نیکوکار پس بیفزا در احسان او

وَاِنْ كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِهِ واگر زن

واگر هست بدکردار پس درگذر از بدیهای او

باشد

بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ الْمُسَجَّاةَ قُدَّامَنَا اَمَتُكَ

خداوندا بدرستیکه این کفن پوشیده پیش روی ما کنیز تو است

وَابْنَةُ عَبْدِكَ وَقَدْ قُبِضَتْ رُوحُهَا وَقَدِ

ودختر بنده تو است وبتحقیق که گرفته شده روح او وبتحقیق

احْتَاجَتْ اِلٰى رَحْمَتِكَ وَاَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِهَا

محتاج است بسوی رحمت تو وتو بی نیازی از عذاب او

اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْ ظَاهِرِهِ اِلَّا خَيْرًا وَاَنْتَ

خداوندا ما نمی دانیم از او مگر خیر وتو

وانت اعلم بسریرته اللهم ان كان محسنا

او دانا تری براز نهان او خداوندا اگر بود باشد نیکوکار

فزد فی احسانه وان كان مسيئا فتجاوز عن

پس بیفزا در نیکوئی او واگر بود باشد بدکردار پس درگذر از

سيئاته واگر زن باشد بگوید اللهم ان هذه المسجّا

بدیهای او خداوندا بدرستیکه این بنده کوشیده

قدامنا امتك وابنة عبدك وقد قبضت

در پیش روی ما کنیز تو و دختر بندهٔ تست و بحقیقت گرفتی

روحها وقد احتاجت الی رحمتك وانت غنی

روح اورا و بحقیقت محتاج است بسوی رحمت خود توئی بیزاری از

عن عذابها اللهم انا لا نعلم من ظاهرها

از عذاب او خداوندا بدرستیکه ما نمیدانیم از ظاهر او

الا خیرا وانت اعلم بسرها اللهم ان كانت

مگر نیکی و تو داناتری بنهان او خداوندا اگر باشد

محسنة فزد فی احسانها وان كانت مسيئة

نیکوکار پس بیفزا در نیکوئی او واگر باشد بدکردار

فتجاوز عن سیئاتها بلكه موافق جمیع بین الاحادیث

پس درگذر از بدیهای او بهتر است و تکرار بعد از

هر تکبیر این دعا را نیز بخواند خوبست اشهد ان

لا اله

لا اله

اَشهَدُ اَن لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحدَهُ لا شَرِيكَ

گواهی می‌دهم اینکه نیست خدایی مگر خدا یگانه است نیست شریک

لَهُ وَ اَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ وَ رَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ

مر او را و گواهی می‌دهم اینکه محمد بنده او و فرستاده اوست خداوندا

صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَی الاَئِمَّةِ الهُداةِ

رحمت کن بر محمد و آل محمد و بر پیشوایان راهنما

وَ اغفِر لَنا وَ لِاِخوانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونا بِالاِ

و بیامرز ما را و برادران ما آنان که سبقت گرفتند ما را به

يمانِ وَ لا تَجعَل فِي قُلُوبِنا غِلّاً لِلَّذِينَ آمَنُوا

ایمان و قرار مده در دلهای ما کینه آنان که ایمان آوردند

رَبَّنا اِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ اَللّٰهُمَّ اغفِر لِاَحيائِنا

ای پروردگار ما به درستی که تو آمرزنده مهربانی خداوندا بیامرز برای زندگان

وَ اَمواتِنا مِنَ المُؤمِنِينَ وَ المُؤمِناتِ وَ اَلِّف

و مردگان ما از گروه مؤمنین و زنان مؤمنه و الفت ده

قُلُوبَنا عَلیٰ قُلُوبِ اَخيارِنا وَ اهدِنا لِمَا

دلهای ما بر دلهای خوبان ما و راه نما ما را به آنچه

اختُلِفَ فِيهِ مِنَ الحَقِّ بِاِذنِكَ اِنَّكَ تَهدِي

اختلاف شده در آن از حق به فرمان تو به درستی که تو راه می‌نمایی

مَن تَشاءُ اِلیٰ صِراطٍ مُستَقِيمٍ اَللّٰهُمَّ عَبدُكَ

هر که را می‌خواهی به سوی راه راست خدایا بنده تو

ابن عبدك ابن امتك انت اعلم به افتقر الى
پسر بنده تست پسر کنیز تست تو دانا تری باو محتاج است بسوی
رحمتك واستغنيت عنه اللهم فتجاوز
رحمت تو و بی نیازی تو ازاو خدایا درگذر
عن سيئاته وزد في احسانه واغفر له وارحمه
از بدیهای او و بیفزا در نیکوئی او و بیامرز او را و رحم کن او را
ونور له في قبره ولقنه حجته والحقه بنبيه
و نورانی گردان برای او در قبر او و بیاموز او را حجت او و ملحق کن او را به پیغمبرش
صلى الله عليه وآله ولا تحرمنا اجره ولا
رحمت خدا بر او و بر آل او و محروم مکن ما را از اجر او و
تفتنا بعده واگر زن باشد اول دعا بخواند تا اینجا که الی صراط مستقيم
فتنه زده مکن ما را پس از او
اللهم امتك ابنة امتك انت اعلم بها
خداوندا کنیز تو و دختر کنیز تو است تو داناتری باو
افتقرت الى رحمتك واستغنيت عنها اللهم
محتاج شده بسوی رحمت تو و بی نیازی تو ازاو خداوندا
فتجاوز عن سيئاتها وزد في حسناتها واغفر لها
پس درگذر از بدیهای او و بیفزا در نیکوئی او و بیامرز او را
وارحمها ونور لها في قبرها ولقنها حجتها
و رحم کن او را و نورانی گردان برای او در قبر او و بیاموز او را حجت او را

والحقها

وَالْحِقْهَا بِنَبِيِّهَا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا تَحْرِمْنَا
و ملحق کن او را به پیغمبر او رحمت خدا بر او و آل او و محروم مکن ما را
اَجْرَهَا وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهَا و در روایتی وارد شده
اجر او و در فتنه میفکن ما را بعد از او است که بعد از فارغ
شدن از رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
نماز بگوید ای پروردگار ما بده ما را در دنیا نیکوئی و در آخرت
حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ و اگر بر میتی مخالف
نیکوئی و نگاه دار ما را از عذاب آتش مذهب نماز کند
بضرورة بعد از تکبیر سیم بر او لعنت کند اَللّٰهُمَّ اخْزِ
و نفرین و بهتر این است که چنین بگوید
خدایا خوار کن
عَبْدَكَ فِي عِبَادِكَ وَبِلَادِكَ اَللّٰهُمَّ اَصْلِهِ
بنده خود را در بندگان خود و در شهرهای خود خداوندا برسان او را
حَرَّ نَارِكَ اَللّٰهُمَّ اَذِقْهُ اَشَدَّ عَذَابِكَ فَاِنَّهُ كَانَ
گرمی آتش خود خداوندا بچشان او را سخت ترین عذاب خود پس بدرستی که او بود
يُوَالِي اَعْدَاءَكَ وَيُعَادِي اَوْلِيَاءَكَ وَيُبْغِضُ
دوست میداشت دشمنان تو را و دشمنی میداشت دوستان تو را و دشمن میداشت
اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و
اهل بیت خانه پیغمبر تو را رحمت خدا بر او و آل او
اگر میت مستضعف باشد که ضعیف العقل

باشد و تمیز میان مذاهب نکند و باین سبب سنی
باشد یا مخالف حق باشد و عناد با شیعیان نداشته
باشد یا اعتقاد باهل بیت علیهم السلام داشته
باشد و با دشمنان ایشان بد نباشد در نماز براو
بگو اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذِیْنَ تَابُوْا وَاتَّبَعُوْا سَبِیْلَکَ
ید — خدایا بیامرز مر آنها را توبه کردند و پیروی کردند راه تو را
وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِیْمِ و اگر میت معلوم اَللّٰهُمَّ
نباشد بگوید — و نگاه دار ایشان را از عذاب جهنم — خداوندا
اِنَّ هٰذِهِ النَّفْسَ اَنْتَ اَحْیَیْتَهَا وَاَنْتَ اَمَتَّهَا اَللّٰهُمَّ
بدرستیکه این نفس را تو زنده کردی و تو میرانیدی خدایا
وَلِّهَا مَا تَوَلَّتْ وَاحْشُرْهَا مَعَ مَنْ اَحَبَّتْ و اگر
دوست گردان او را آنکه دوست داشت و حشر گردان او را با آنکه دوست داشت
طفل نابالغ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِاَبَوَیْهِ وَلَنَا سَلَفًا
باشد بگوید — خداوندا بگردان او را برای پدر و مادرش و برای ما
وَفَرَطًا وَاَجْرًا و مشهور در همه آنست که دعا
های سه تکبیر اول را میخواند
بنحوی که گذشت و این دعاها را بعد از تکبیر
چهارم میخواند و بر سنی اگر نماز کند تکبیر پنجم را
نمیگوید و سنت است که بر جای خود باشند تا جنازه

را بردا

را بردارند خصوصاً پیشنماز و نماز جنازه را در
مسجد میتوان کرد و مشهور اینست که اگر در مسجد
نکنند بهتر است و بر یک جنازه دو نماز کردن خلاف
است در جواز آن و دور نیست که اگر کسی که نماز
نکرده باشد تواند کرد و کسی که در اثنای نماز برسد
بقصد وجوب ملحق میشود و دعاهائی که خودش را باید
خواند میخواند و چون پیشنماز فارغ شود بقیه را دعا
های مختصر میخواند که اگر جنازه را بردارند و اگر دور
شود بایکروز تکبیرها را بی دعا را پیاپی بگوید و اگر میت
را بی نماز دفن کرده باشد احوط آنست که بر قبر او
نماز کند هر چند مدتی گذشته باشد و همه وقت نماز
جنازه میتوان کرد مگر آنکه وقت حاضره تنگ شود
که حاضره را مقدم میدارد و بهتر آنست که با وسعت
وقت نیز اول حاضره را مقدم دارد مگر آنکه خوف فوت
نماز جنازه بوده باشد یا خوف ضایع شدن میت
فصل پنجم در آداب دفن میت است و آداب بعد
از آن سنت که تا میت را در قبر نگذارند ننشیند
و واجبست کفایه دفن کردن میت و قدر واجب آنست
که میت را در گوی پنهان کنند به حیثیتی که بوی او

از مردم مستور گردد جسد او و از درندگان ایمن باشد
و خوابانیدن او بر جانب راست رو بقبله واجبست
بقول مشهور و بعضی مستحبست دانسته اند و مستحب
است کندن قبر بقدر قامتی یا تا چنبر گردن و سنت
کندن لحد از طرف قبله و مستحب است که انقدر فراخ
باشد که کسی در آن تواند نشست و اگر زمین سست
باشد و لحد نتوان کندن بعضی گفته اند که مانند
لحد بسازند و اگر نتوان قبر را شق کنند بانکه از میان
قبر بقدر جسد میت فرو برند انقدر که توان نشست و
دو طرف داشته باشد که خشت بر روی آن توان
گذاشت که خاک بر میت ریخته نشود و احوط آنست
که در میان سرداب و تابوت و صندوق نگذارند
و شخصی که در دریا بمیرد و اگر ممکن باشد بخشکی
برسانند و الا در میان خمی گذارند و سرش را به
بندند و در دریا اندازند اگر ممکن باشد و الا او را
سنگین کنند و رو بقبله باب اندازند و چون
جنازه نزدیک قبر رسد سنتست که او را در نزد
پای قبر بگذارند اگر مرد باشد و اگر زن باشد برابر
قبله بگذارند و مشهور آنست که زمانی میگذارند

وسه مرتبه

وسه مرتبه اورا نقل میکنند ومرتبه چهارم اورا
بقبر میبرند واینچ در روایت معتبره وارد شده است
که چون میت را نزدیک قبر رسانند اورا بناگاه بر
قبر مبر وکارا اورا وسنگین مکن وپایین تر از قبر
بدو ذراع یا سه ذراع بگذار دو ساعتی صبر کن تا
میت خود را بگیرد برای سؤال قبر که قبر را هولهای
عظیم هست ودعا کن که خدا اورا پناه دهد از اهوال
قبر وسنت است که سر میت را پیش کند واز پیش پای قبر
سرا شیب بقبر برند وجمعی از علما گفته اند که زن
را از پیش قبله میگیرند وبعرض بقبر میبرند وسرا شیب
نمی کنند چنانچه در بعضی از روایات وارد شده است
وسنت است که شخصی که بقبر میرود که میت را
بقبر گذارد بندهای قبا را بگشاید وبالاپوش و
ردا را بیندازد وسر وپایش برهنه باشد وجایز است
که یک کس برود یا زیاده خواه طاق باشد وخواه
جفت واکثر علما گفته اند که مکروه است که اگر
میت مرد باشد خویش او را بقبر برد واینچ از احادیث
ظاهر میشود اینست که پدر را مکروه است که در
قبر فرزند داخل شود وسایر اقارب باکی نیست واگر

میت زن باشد احوط آنست که محرم او را بقبر برد و
اگر محرم نبوده باشد زن صالحه برد و اگر زن نبوده باشد
مرد صالح برد و در رفتن و بیرون آمدن سنتست که
از پیش پای قبر باشد و سنتست که از پیش پای
قبر باشد و سنتست که چون میت را نزدیک قبر بگذارد
بگوید اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ نَزَلَ
خداوندا بنده تو پسر بنده تو است و پسر کنیز تو است فرود آمد
بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ و چون میت را بردارد که
بتو و تو بهترین فرود آمده شده‌ای بقبر برد و بگوید
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
بنام خدا و بخدا و بر ملت رسول خدا رحمت خدا بر او
وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اِلٰى رَحْمَتِكَ لَا اِلٰى عَذَابِكَ اَللّٰهُمَّ
و آل او خداوندا بسوی رحمت تو نه بسوی عذاب تو خداوندا
اِفْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَثَبِّتْهُ بِالْقَوْلِ
فراخ گردان برای او در قبر او و بیاموز او را حجت او و ثابت کن او را بگفتار
الثَّابِتِ وَقِنَا وَاِيَّاهُ عَذَابَ الْقَبْرِ و چون در قبر
ثابت و نگاه دار ما را و او را از عذاب قبر بگذارند سنت
است که بندهای کفن را بگشایند و روی میت را
بلند کند و طرف راست روی او را بر زمین برساند

واکردین

واگر زیر سر او از خاک بلندتر کند بد نیست وخشتی
بر پشتش بگذارد که بر پشت نغلتد وسنت است که
مهری از تربت حضرت امام حسین ع در برابر روی او
بگذارد واگر تربت آن حضرت در کفن نیز بگذارد بهتر
است وبگوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم پس
سورهٔ فاتحه وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب
الناس وقل هو الله احد وآیة الکرسی بخواند واگر
حاضران هم بخوانند بسم الله وبالله وفی سبیل الله
بهتر است پس بگوید — بنام خدا و بخدا ودر راه خدا و
وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه وآله اللهم
و بر ملت رسول خدا رحمت خدا بر او وآل او خداوندا
صل علی محمد وآل محمد اللهم افسح له فی قبره و
رحمت کن بر محمد وآل محمد خداوندا گشاده گردان از برای او در قبر او و
الحقه بنبیه اللهم ان کان محسنا فزد فی
ملحق کن او را به پیغمبر او خداوندا اگر است نیکوکار پس بیفزا در
احسانه وان کان مسیئا فاغفر له وارحمه و
احسان او واگر است بدکار پس بیامرز او را و رحم کن او را و
تجاوز عنه پس اللهم جاف الارض عن جنبیه
درگذر از او [illegible] بگوید خداوندا دور گردان زمین را از دو پهلوی او

وَصاعِدْ عَمَلَهُ وَلَقِّهِ مِنْكَ رِضْواناً پس اَللّهُمَّ

و بلند کن عملش را و برسان او را از جانب خود خوشنودی بگويد خدايا

عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَ

بنده تو و پسر بنده تو است و پسر کنيز تو فرود آمده بتو

اَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّهُمَّ افْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ

تو بهترين فرود آمده شده باو خدايا جا فراخ کن از برای او در قبر او و بياموز

حُجَّتَهُ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ وَقِهِ شَرَّ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ و نصا

حجت او و ملحق کن او را به پيغمبر او و نگاه دار او را از بدی منکر و نکير

بگويد بِسْمِ اللهِ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَعَلى مِلَّةِ رَسُولِ

بنام خدا و در راه خدا و بر ملت رسول

اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّهُمَّ عَبْدُكَ ابْنُ

خدا رحمت خدا بر او و آل او خدايا بنده تو پسر

عَبْدِكَ نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّهُمَّ افسح

بنده تو است فرود آمده بتو و توئی بهترين فرود آمده شده باو خدايا جا فراخ کن

لَهُ فِي قَبْرِهِ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ اَللّهُمَّ اِنّا لا نَعْلَمُ

برای او در قبر او و ملحق کن او را به پيغمبر او خدايا ما نمی دانيم

مِنْهُ اِلّا خَيْراً وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ و بروايت معتبر دگر بگويد اَللّهُمَّ

از او مگر نيکی و تو داناتری باو

يا رَبِّ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ نَزَلَ بِكَ خداوندا

ای پروردگار من بنده تو پسر بنده تو است فرود آمده بتو

وانت

وانت خیر منزول به اللهم ان کان محسنا فزد فی

و تو بهترین فرود آمده شده باد خدایا اگر بود نیکوکار پس بیفزا در

احسانه وان کان مسیئا فتجاوز عنه والحقه بنبیه

نیکی او و اگر هست بدکردار پس درگذر از او و ملحق کن او را به پیغمبر او

وصالح شیعته واهدنا وایاه الی صراط مستقیم

و شایسته پیروان او و راه نما ما را و او را بسوی راه راست

اللهم عفوک عفوک وبروایت معتبر دیگر که
استدعا را بخوانند

خدایا بخشش بخشش

اللهم هذا عبدک فلان وبجای فلان نام او را بگویند وابن عبدک

خدایا این بنده تو است و پسر بنده تو

قد نزل بک وانت خیر منزول به فقد احتاج الی

بتحقیق فرود آمد بتو و تو بهترین آمده شده او بتحقیق محتاج است بسوی

رحمتک اللهم ولا نعلم منه الا خیرا وانت

رحمت تو خدایا و نمی دانیم از او مگر نیکی و تو

اعلم بسریرته ونحن الشهداء بعلانیته اللهم

داناتری به پنهان او و ما گواهی می دهیم باشکار او خدایا

فجاف الارض عن جنبیه ولقنه حجته واجعل

پس وسعت ده زمین را از دو پهلوی او و بیاموز او را حجت او و بگردان

هذا الیوم خیر یوم اتی علیه واجعل هذا القبر

این روز را بهترین روزی که آمده بر او و بگردان این قبر

خَيْرَ بَيْتٍ نَزَلَ فِيهِ وَصَيِّرْهُ إِلَىٰ خَيْرٍ مِمَّا كَانَ فِيهِ وَوَسِّعْ
بهتر خانه که فرود آمده در او و بگردان او را بسوی به از آنکه بود در او و فراخ کن
لَهُ فِي مُدْخَلِهِ وَآنِسْ وَحْشَتَهُ وَاغْفِرْ ذَنْبَهُ وَلَا تَحْرِمْنَا
از برای او در جایگاه او و همراهی کن وحشت او و بیامرز گناه او را و محروم مکن ما را
أَجْرَهُ وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَهُ وسنت است که در اینحال
اجر او را و گمراه مکن ما را پس از آن
عقاید حق را تلقین او کند
خصوصاً ولایت ائمه معصومین علیهم السلم و بهتر است
که بدست راست دوش راست میت را بگیرد و
بدست چپ او را حرکت دهد و تلقین کند و اگر بزبان
عربی بگوید جامع تر است اِسْمَعْ اِفْهَمْ اِسْمَعْ اِفْهَمْ یا فلان
ابن فلان و نام او و پدرش را بگوید هَلْ اَنْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذِي
آیا تو بر عهدی که
فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ
جدا شدی از ما بر آن از گواهی آنکه نیست خدایی مگر خدا تنها
لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ
نیست شریکی مر او را و اینکه محمد رحمت خدا بر او و آل او بنده او
وَرَسُولُهُ وَسَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَأَنَّ
و فرستاده او است و آقای فرستادگان و ختم پیغمبران و اینکه
عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَإِمَامٌ
علی امیر مؤمنان و آقای اوصیا و امامی

افترض الله طاعته على العالمين وان الحسن و
که واجب کرده خدا فرمان بری او را بر جهانیان و اینکه حسن و

الحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن
حسین و علی پسر حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر

محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي و
محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد فرزند علی و

علي بن محمد والحسن بن علي والقائم الحجة المهدي
علی فرزند محمد و حسن فرزند علی و آن پاینده و حجت راه یافته

صلوات الله عليهم ائمة المؤمنين وحجج الله على
درود خدا بر ایشان باد پیشوایان مؤمنان و حجت های خدا بر

الخلق اجمعين وائمتك ائمة هدى ابرار يا فلان
خلق همه و پیشوایان تو پیشوایان راه یافته نیکوکار ابن فلان

اذا اتاك الملكان المقربان رسولين من عند الله
وقتی که بیاید ترا فرشتگان نزدیکان که فرستاده شده اند از نزد خدا

تبارك وتعالى وسألاك عن ربك وعن نبيك
آن خدای بزرگ بلند مرتبه و بپرسند ترا از پروردگار تو و از پیغمبر تو

وعن دينك وعن كتابك وعن قبلتك وعن
و از دین تو و از کتاب تو و از قبله تو و از

ائمتك فلا تخف وقل في جوابهما الله جل جلاله
پیشوایان تو پس مترس و بگو در جواب ایشان خدا بزرگ است جلال او

ربي ومحمد صلى الله عليه وآله نبيي والاسلام ديني

پروردگار من است و محمد درود خدا براو وآل او پیغمبر من است واسلام دین من است

والقرآن كتابي والكعبة قبلتي وامير المؤمنين

وقرآن کتاب من است وکعبه قبله من است وپادشاه مومنان

علي بن ابي طالب امامي والحسن بن علي المجتبى

علی ابن ابیطالب امام من است وحسن فرزند علی برگزیده شده

امامي والحسين بن علي الشهيد بكربلا امامي وعلي

امام من است وحسین پسر علی شهید شده در کربلا امام من است وعلی

زين العابدين امامي ومحمد باقر علم النبيين

زینت عبادت کنندگان امام من است ومحمد شکافنده علوم پیغمبران

امامي وجعفر الصادق امامي وموسى الكاظم

امام من است وجعفر راستگو امام من است وموسی فرو خورنده خشم

امامي وعلي الرضا امامي ومحمد الجواد امامي

امام من است وعلی رضا امام من است ومحمد بخشنده امام من است

وعلي الهادي امامي والحسن العسكري امامي

وعلی راهنمای امام من است وحسن عسکری امام من است

والحجة المنتظر امامي هؤلاء صلوات الله عليهم

وحجت انتظار کشیده شده امام من است اینها درود خدا براینها

اجمعين ائمتي وسادتي وقادتي وشفعائي بهم

همه پیشوایان من اند وبزرگان من وکشندگان من

اتولی ومن اعدائهم ابرء فی الدنیا والآخرة

دوستی میگیرم واز دشمنان ایشان بیزاری میجویم در دنیا و در آخرت

ثم اعلم یا فلان بن فلان ان الله تبارک وتعالی

پس بدان ای فلان پسر فلان بدرستیکه خدا بزرگوار و بلند مرتبه است

نعم الرب وان محمدا نعم الرسول وان امیر المؤمنین

خوب پروردگاریست واینکه محمد خوب رسولیست واینکه امیر مومنان

علی ابن ابی طالب واولاده الائمة الاحد عشر

علی بن ابی طالب واولاد او پیشوایان که یازده نفرند

نعم الائمة وان ما جاء به محمد صلی الله علیه وآله

خوب پیشوایانند واینکه آنچه آورد محمد درود خدا بر او و آل او

حق وان الموت حق وسؤال منکر ونکیر فی

حق است واینکه مرگ حق است وسوال منکر ونکیر در

القبر حق والجنة حق والنار حق وان الساعة

قبر حق است وبهشت حق است ودوزخ حق است واینکه قیامت

آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی

آینده است نیست شکی در آن واینکه خدا برمی انگیزاند کسانی را که در

القبور پس بگوید افهمت یا فلان در حدیث

قبرهایند

است که میت در جواب میگوید فهمت

پس بگوید ثبتک الله بالقول الثابت هداک

ثابت بدارد ترا خدا بگفتار ثابت راه نماید ترا

اللهم إلى صراط مستقيم عرّف الله بينك وبين

خدا بسوی راه راست شناسا کند خدا میان تو ومیان

أوليائك في مستقر من رحمتك پس بگوید اللهم

دوستان تو در قرارگاهی از رحمت خود خدایا

جاف الأرض عن جنبيه وأصعد بروحه إليك

دور کن زمین را از پهلوهای او وبلند کن روح او را بسوی خود

ولقّه منك برهاناً اللهم عفوك عفوك

وبیاموز او را از جانب خود حجت خدایا بخشش بخشش

پس خشت بر لحد بگذارد واگر بچینه نیز خوبست
وخشت خام بهتر است اگر خشت بزرگ باشد
راست بگذارد وبعد رخنه خشتها خشت دیگر بگذارد
یا بگل رخنه را بگیرد واگر خشتهای کوچک باشد
هره کند وبهر تقدیر رخنها را محکم کند که خاک بر
میت نریزد ودر وقت چیدن خشت این دعا بخواند اللهم صل وحدته

خدایا به پیوند تنهایی او را

وآنس وحشته وآمن روعته وأسكن إليه من

وانس ده رمیدگی او را وایمن گردان ترس او را وساکن کن بسوی خود از

رحمتك رحمة تغنيه بها عن رحمة من سواك

رحمت خود رحمتی که بی نیاز کند او را از رحمت غیر تو

وَاحْشُرْهُ فَإِنَّمَا رَحْمَتُكَ لِلظَّالِمِينَ وبروايت دیگر رَحْمَةً
و محشور کن او را این بیست رحمت تو او را مستحق آن
تَسْتَغْنِي لَهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَاحْشُرْهُ مَعَ مَنْ
که بی‌نیاز شوی از رحمت غیر تو و محشور کن او را با کسی
كَانَ يَتَوَلَّاهُ ومکروه است قبر مجوف و تخته کردن
یا مبت یا تابوت گذاشتن مگر آنکه زمین
که مجبور درست می‌کرد
آب براورده باشد یا نم بسیار داشته باشد إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا
و چون از پیش پای قبر بیرون آید بگوید
ما برای خدایم و ما
إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ
بسوی او بازگشت‌کننده‌ایم و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است خدایا
ارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ عَلَى عَقِبِهِ
بلند کن درجه او را در بلندترین درجه‌ها و جانشین باش بر عقب او
فِي الْغَابِرِينَ وَعِنْدَكَ نَحْتَسِبُهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ پس
در بازماندگان و نزد تو حساب می‌کنیم او را ای پروردگار عالمیان
سنت است که حاضران به پشت کف دست خاک
در قبر بریزند و اگر بشکم دست خاک را پر کند و بریزند
خوبست و سنت است که سه مرتبه بریزند و در وقت
ریختن اَللّٰهُمَّ إِيمَانًا بِكَ وَتَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ هٰذَا
بگویند
خدایا ایمان داریم بتو و باور کردیم کتاب تو را این است

مَا وَعَدَنَا اللهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَنَا
آنکه وعده داده ما را خدا و رسول او و راست گفت خدا و رسول او و زیاد نکرد ما را
إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا و در حدیث است که هر که چنین
مگر ایمان و انقیاد
کند و این دعا بخواند حق تعالی بعدد
هر ذرّهٔ از خاک حسنهٔ از برای او بنویسد و مکروه است که
خویشان میّت خاک بر قبر بریزند که مورث قساوت
قلب است و دوری از رحمت الهی و باید که از غیر خاک
قبر بر میّت نریزند که بار است بر میّت و سنّت است که
قبر را بقدر چهار انگشت گشاده بلند کنند و بعضی بهم
آورده گفته اند و ظاهر آن هر دو خوبست و دور نیست که
بکشبر نیز مجوز باشد و مستحب است که قبر را چهار گوشه
کنند و روی آن پهن کنند و خرپشته نکنند بنحوی که
سنیان میکنند و بعد از آن آب بر قبر بریزند و در
خبر است که تا تری در قبر هست میّت را عذاب
نمی کنند و سنّت است که آب ریزنده رو بقبله باشد و ابتدا
از پیش سر و بعد از آن بر میان قبر بریزد و سنّت است که
آب را قطع نکند و متصل بریزد تا تمام شود و مستحب است که
بعد از آب ریختن دست بر قبر گذارند در حالتی که
انگشتان ایشان گشاده باشد و قوت کنند تا اثر

انگشتان

انگشتان در کل بماند و رو بقبله باشند و از بعضی
روایات مفهوم میشود که نزد ملک سر او بنشینند
و این دعا را اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَیْهِ وَ
بخوانند خداوندا دور گردان زمین را از دو پهلوی او و
اَصْعِدْ اِلَیْکَ رُوحَهُ وَلَقِّهِ مِنْکَ رِضْوَاناً وَاَسْکِنْ
بالا کن بسوی خود روح او و بیاموز او را از خود خوشنودی را و ساکن
قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِکَ مَا تُغْنِیهِ بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاکَ
قبر او را از رحمت خود اگر بی نیاز کنی او را از رحمت غیر خود
و هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و اگر میت زن
باشد در جمیع دعاها که گذشت ضمیر مونث بیاورند
چنانچه بعضی نوشته شده است و سنت است که
ولی میت یعنی اقرب ایشان بعد از آنکه مردم برگردند
نزد سر میت بنشیند و با واز بلند تلقین کند بنحوی
که گذشت بار دیگر و اگر دیگری را نایب کند بهتر
خواهست و در اخبار وارد شده که چون این تلقین
را بکند منکر بنکیر میگوید که بیا برویم تلقین حجتش
کردند احتیاج بپرسیدن نیست پس بر میگردند و سوال
نمی کنند و مکروه است عمارة بر سر قبر کردن و بر سر
قبر بسیار ماندن و کج مالیدن بر قبور مکرر قبور

ائمه و انبیا صلوات الله علیهم و بعضی گفته‌اند که قبور
علما و صلحا نیز این حکم دارد و مکروهست تازه کردن
قبر بعد از مندرس شدن و در خبر است که حق تعالی
دوست میدارد دلهای شکسته و قبرهای مندرس شده
را و مکروهست در حال اختیار دو میت را در یک قبر
گذاشتن و میت را از بلدی که در آنجا مرده است
که بشهرهای دیگر بردن مگر بمشاهد مشرفه ائمه معصومین
و بعضی استثنا کرده‌اند نقل بمقبره صلحا و علما و شهدا
نیز و مکروهست بر روی قبر نشستن و راه رفتن مگر برای
زیارت قبور که ضرور شود و مشهور آنست که جایز نیست
شکافتن قبور مگر در چند صورت یکی آنکه در قبر مال
صاحب قیمتی افتاده باشد دیگر آنکه در زمین غصبی
دفن کرده باشند یا در کفن غصبی کفن کرده باشند
دیگر آنکه او را بی غسل و کفن در خاک کرده باشند
و از هم پاشیده باشد و مشهور آنست که جایز نیست
نقل مردگان بعد از دفن و بعضی استثنا کرده‌اند نقل
بمشاهد مشرفه حضرة ائمه معصومین را و مشهور
آنست که جایز نیست گریبان چاک کردن و جامه
دریدن برای غیر برادر و پدر و بر ایشان نیز جایز است

بلکه

بلکه از بعضی اخبار ظاهر میشود که سنت باشد خصوصاً
بریدن رو و بعضی تجویز کرده اند زنان را مطلقا و احوط
ترک است و جایز نیست خراشیدن رو و کندن و بریدن
مو و احوط آنست که طپانچه بر رو و زانو و غیر آن
نزنند و بعضی از علما موافق روایتی قایل شده اند
که زنی که موی سر خود را در مصیبتی ببرد واجبست
کفاره بدهد چنانچه در خاتمه مذکور خواهد شد
انشاء الله تعالی و بعضی گفته اند گناه دارد و بر او
کفاره نیست و دور نیست که سنت باشد و احوط
دادن کفاره است و بعضی تراشیدن موی را
نیز الحاق ببریدن در وجوب کفاره و همچنین اکثر
علما قایل شده اند که واجب است کفاره قسم بر
زنی که موی سر را بکند در مصیبت یا روی خود را
بخراشد که خون برآید و بر مردی که در مرگ فرزند
خود یا زن خود جامه چاک کند و کفاره یمین انشاء
الله مذکور خواهد شد و بعضی واجب نمیدانند
و احوط عمل بمشهور است و لازم است اصحاب مصیبت
را که صبر کنند بقضای الهی راضی باشند و بدانند
که حقتعالی صابران را اجر بیحساب کرامت میفرماید

و باید صاحب مصیبت بسیار بگوید إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
تا گناهان او آمرزیده شود هرگاه آن مصیبت بخاطرش
آید این کلمه را بگوید تا گناهان ما بین این دو کلمه آمرزیده
شود و بسند معتبر منقولست که بخاطرش آورد اگر
چه بعد از مدتی إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
ما از خدائیم و بسوی او باز می گردیم و ستایش مر خدای را
باشد و بگوید
رَبِّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ اْجُرْنِي عَلَى مُصِيبَتِي وَاخْلُفْ
که پروردگار عالمیان است خدایا پاداش ده مرا بر مصیبت من و جانشینی کن
عَلَيَّ أَفْضَلَ مِنْهَا ثواب همان مصیبت بار دیگر باو داده
شود و سنتست که دیگران تعزیه ایشان
برای من بهتر از آن
بکنند و ایشانرا بصبر و شکیبائی امر کنند پیش از دفن و بعد
از دفن مبالغه بیشتر است و اقل تعزیه آنست که
بروند تا صاحب ایشانرا به بینند و منقولست از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هر که صبر فرماید
اهتمام کند در صحرای محشر که همه کس برهنه اند خدا
او را حله نیکوئی از حلهای بهشت بپوشاند که
موجب سرور گردد و هر که مصیبت زده را صبر فرماید
حقتعالی او را ثواب آن صاحب مصیبت کرامت
فرماید بی آنکه از اجر او چیزی کم شود و فرمود که تو

وصبر

وصبر فرمودن بهشتست ومستحبست که صاحب مصیبت
تغییر وضع بکند تا اورا بشناسند وجایز است گریه
وندبه کردن که نیکیهای میت را بشمارند ونوحه کردن
بحق جایز است که دروغ نگویند وچیزهای بد از برای
میت اظهار نکنند وبهتر آنست که نوحه گر نیاورند
ومستحب است که سه روز دیگران خصوصا همسایگان
برای صاحبان مصیبت طعام بفرستند وزیاده از
سه روز ماتم نگیرند مگر زن که چهار ماه وده روز
از برای شوهر ماتم میگیرد با آنکه جامهای رنگین نمی پوشد
وزینت نمی کند وسنت است زیارت قبر مومنان
خصوصا خویشان وچون داخل قبرستان شوند بگویند
اَلسَّلامُ عَلیٰ اَهْلِ الدِّیارِ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُسْلِمِینَ
سلام بر اهل خانهای قبر از گروندگان و مسلمانان
اَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ وَنَحْنُ اِنْ شاءَ اللهُ بِکُمْ لاحِقُونَ وَ
شما مارا پیش روندید وما اگر خواهد خدا بشما رسیده ایم و
بروایت اَلسَّلامُ عَلیٰ اَهْلِ الدِّیارِ مِنَ الْمُسْلِمِینَ
دیگر سلام بر اهل خانهای قبر از مسلمانان و
وَالْمُؤْمِنِینَ رَحِمَ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِینَ مِنّا وَالْمُسْتَأْخِرِینَ
وگروندگان رحمت کند خدا پیشینیان ما را و پسینیان

وَاِنَّا اِنْ شَاءَ اللّٰهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ وبروايت دیگر اَلسَّلَامُ
و ما اگر خواهد خدا بشما رسنده ایم سلام
عَلَيْكُمْ اَهْلَ الدِّيَارِ مِنْ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَ
بر شما ای صاحبان خانهای قبرها از گروه مؤمنان و رحمت خدا و
بَرَكَاتُهُ اَنْتُمْ لَنَا سَلَفٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ رَحِمَ اللّٰهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ
برکتهای او بر شما شما پیش گذشته و ما شما را تابعیم رحمت کناد خدا پیش رفتگان
مِنْكُمْ وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَاِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ و در احادیث
از شما و پس ماندگان را و ما از خدائیم و بسوی او بازگشتنیم بسیار وارد
شده است که هرکه نزد قبر برادر مؤمن خود هفت مرتبه
سوره انا انزلناه بخواند از ترس بزرگ روز قیامت ایمن
گردد و بروایت دیگر خدا او را و صاحب قبر را ایمن گرداند و
سنت است اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ وَ
که این دعا بخواند خدایا دور گردان زمین را از پهلوهای ایشان و
صَاعِدْ اِلَيْكَ اَرْوَاحَهُمْ وَلَقِّهِمْ مِنْكَ رِضْوَانًا وَ
بلند کن بسوی خود روحهای ایشان و بایشان رسان از نزد خود خوشنودی و
اَسْكِنْ اِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُمْ وَ
ساکن کن بسوی ایشان از رحمت خود آنچه بپیوندد بتنهائی ایشان را و
تُؤْنِسُ بِهِ وَحْشَتَهُمْ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و بروا
انس دهد بآن وحشت ایشان را بدرستی که تو بر همه چیز توانائی

معتبر این اَللّهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَصِلْ وَحْدَتَهُ
دعا بخواند خدایا رحم کن غریبی او را و پیوند کن تنهایی او را
وَاٰنِسْ وَحْشَتَهُ وَاٰمِنْ رَوْعَتَهُ وَاَسْکِنْ اِلَیْهِ
و انس ده وحشت او را و ایمن کن ترس او را و ساکن کن بسوی او
مِنْ رَحْمَتِکَ مَا تَسْتَغْنِی بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاکَ
از رحمت خود آنچه بی نیاز گردانی او را از رحمت غیر تو را
وَاَلْحِقْهُ بِمَنْ کَانَ یَتَوَلَّاهُ و بروایت دیگر منقولست
و ملحق کن او را با کسی که دوست می‌داشت او را که نزد قبر سورهٔ حمد و
قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس و آیة الکرسی را هر یك سه مرتبه بخواند
و سورهٔ انا انزلناه را هفت مرتبه و از حضرة رسول
و آله منقولست که هر که در قبرستان بگذرد و سورهٔ
قل هو الله را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را بمردگان
قبرستان ببخشد بعدد امردگان اجر و ثواب یابد
و بروایت دیگر هر که آیة الکرسی را بخواند و ثوابش
را هدیه اهل قبور کند حق تعالی بعدد هر حرفی ملکی
خلق کند که تسبیح گویند برای او تا روز قیامت و در
عصر روز جمعه زیارت قبور سنت است و در احادیث
معتبره وارد شده است که بر هر که مصیبتی وارد شود

حضرت رسالت را بیاد آورد که صعب ترین مصیبتهاست
و در اخبار بسیار وارد شده است که هر که در وقت
مصیبت دست بر ران خود زند ثوابش حبط میشود و
نباید شیون و فریاد کند و وابلاه و واثکلاه بگوید و در
حدیث معتبر منقولست که هر که یک فرزند از او برود
و صبر کند بهتر است از برای او از آنکه هفتاد فرزند از
او بماند که همه سوار شوند و در راه خدا جهاد کنند و منقول است
که ثواب مومن از مردن بهشت است خواه صبر کند و خواه
نکند و بسند معتبر منقولست که حضرت صادق در وقت
مصیبت این دعا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَجْعَلْ مُصِیبَتِی فِی
می خوانند سپاس مر خدا را که نگردانیده مصیبت مرا در
دِینِی وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَوْ شَاءَ جَعَلَ مُصِیبَتِی اَعْظَمَ
دین من و سپاس مر خدا را که اگر خواست گردانیده مصیبت مرا بزرگتر
مِمَّا کَانَتْ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَی الْاَمْرِ الَّذِی شَاءَ اَنْ یَکُونَ
از آنچه بود و سپاس مر خدا را بر امری که خواست آنچه باشد
فَکَانَ و باید که مردگان را فراموش نکنند زیرا که
دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و از جانب فرز
ندان و خویشان و برادران مومن امیدوارند که احسان
ایشان را چشم براهند خصوصا دعا کردن در نماز شب و

بعد از نماز

بعد از نمازهای فریضه و در مشاهد مشرفه پدر و
مادر را زیاده از دیگران باید دعا کرد و اعمال خیرات برای ایشان
بعمل آورد که در خبر است که بسا فرزندی که در حال حیوة
پدر و مادر عاق ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار
گردد بسبب اعمال خیر که از برای ایشان بعمل آورد و بسا فرز
ندی که در حال حیوة پدر و مادر نیکوکار باشد و بعد از
فوت ایشان عاق گردد بسبب آنکه اعمال خیر از برای ایشان
کم بعمل آورد و اعظم خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان
آنست که قرض ایشانرا ادا کنند و ایشانرا از حقوق خدا و
خلق بری گردانند و حج و سایر عبادات که از ایشان فوت
شده باشد سعی کنند تا بتبرع بعمل آورند و در حدیث صحیح
منقولست که حضرت صادق در هر شب برای فرزند خود
و در هر روزی برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز
میکردند و در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم
انا اعطیناک میخواندند و بسند صحیح منقولست از حضرت
صادق ع که بسا باشد که میت در تنگی و شدتی بوده
باشد و حقتعالی بر او وسعت دهد و تنگی را از او بر
دارد پس باو گویند که این فرج که ترا رو داده بسبب
نماز نیست که فلان برادر مومن برای تو کرد و

پرسید کرد و میت را در دو رکعت نماز شریک میتوانم کرد
فرمود بلی و فرمود که میت شاد می شود و فرح میابد بدعا
و استغفاری که برای او کنند چنانچه زنده شاد میشود بهدیه
که برای او آورند و فرمود که بر میت داخل میشود در قبرش
نماز و روزه و حج و تصدق و سایر عملهای خیر و دعا و ثواب
آن اعمال برای کسی که کرده و برای مرده هر دو نوشته می شود
و در حدیث دیگر فرمود که هر که از مسلمانان برای میتی
عمل صالحی بکند خدا ثواب او را مضاعف گرداند و میت
بآن عمل منتفع میگردد و در روایتی وارد شده است که
هرگاه شخصی بنیت میتی تصدق بکند حقتعالی جبرئیل
را امر مینماید که با هفتاد هزار ملک بنزد قبر او میروند
و هر یکی طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی و هر یک باو
میگویند السلام علیک یا دوست خدا این هدیه فلان
مومن است برای تو پس قبر او روشن میشود و حقتعالی
هزار شهر در بهشت باو عطا و کرامت میفرماید و هزار
حوری باو تزویج مینماید و هزار حله باو میپوشاند و هزار
حاجت او را روا میگرداند و در حدیث معتبر منقولست
که شش چیز بمومن میرسد بعد از وفات او اول فرزند
که از جهت او استغفار کند دوم مصحفی یا کتابی از کتب علمی

که از او بماند

که از او بماند و مردم بعد از او بخوانند ستم درختی که بکارد
و مردم از او نفع یابند چهارم آبی که جاری سازد پنجم چاهی
که حفر نماید که خلق خدا منتفع گردند ششم سنتی است
که مردم با آن عمل نمایند از ارشاد و هدایت خلق یا
تصنیف کتب و مانند آن. در مجلی از
احکام زکوة و خمس و اعتکاف و در آن سه فصل است
در زکوة و آیات و احادیث در وجوب و عقاب
ترک کنند آن بسیار است از آن جمله حق تعالی میفرماید
وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا
فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ
جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا
مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ یعنی
آنکسانی که جمع میکنند طلا و نقره را و حقوق الهی نمی
دهند و در راه خدا صرف نمی نمایند پس بشارت ده ایشان را
بعذابی دردناک در آن روزی که سرخ کنند این طلا و نقره
را در آتش جهنم و داغ کنند با آنها پیشانیها و پهلوها
و پشتهای ایشان را و با ایشان گویند اینست مالهائی که از
برای خود جمع کرده بودید الحال بچشید عذاب آنها را و
از حضرت صادق منقولست که هر که ندهد قیراطی از

زکوة را که بیست یک دینار است او نه مومن است و نه
مسلمان و در وقت مردن استغاثه میکند که مرا برگردانید
بدنیا تا زکوة بدهم چنانچه حقتعالی فرموده است حتی
اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلی اعمل
صالحا فیما ترکت یعنی تا وقتی که بیاید احدی را از ایشان
مرگ گوید پروردگارا برگردانید مرا بدنیا تا شایسته
بکنم در آن مالی که بعد از خود گذاشته ام و از حضرت
سید المرسلین و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم بطرق صحیحه
منقولست که کسی که طلا و نقره داشته باشد و زکوة
آنرا ندهد حقتعالی او را در روز قیامت محشر خواهد نمود
در زمین لغزنده که پابند شود در آن و مسلط سازد بر او
ماری بیشه را که زهرش از مارهای دیگر عظیم تر است و در
عقب او رود و از وی گریزد تا چون باو برسد و داند که
از آن خلاصی ندارد دست خود را بدهان او دهد پس
بدندان بگیرد او را مانند شتر نری که بر چیزی دندان
فرو برد پس طوقی گردد در گردن او و این است معنی قول
حقتعالی سیطوقون ما بخلوا به یوم القیامة یعنی
بزودی طوق گردانند در گردن ایشان چیزی را که بخل
ورزیدند در دنیا بآن و در راه خدا ندادند در روز

قیامت

قیامت و هر کس شتر یا گاو یا گوسفند داشته باشد و زکوة
او را ندهد حقتعالی حبس کند او را در صحرای لغزنده و پا
مال کند او را هر حیوان شکافته سمی بسم خود و گزند او را
بدندان و نیش هر صاحب زهری بنیش خود و هر که زراعت
داشته باشد یا باغ خرما و انگور داشته باشد و زکوة
آنها را نداده باشد قطعهای زمین را تا طبقه هفتم
طوق کرده در گردن او اندازند و آن همراهش گردد تا روز
قیامت و بروایت معتبر دیگر هر که زکوة مالش را ندهد
حقتعالی آن مال را اژدهائی گرداند در گردن او که دماغ
را خورد و گوشتش را بدندان کند تا از حساب خلایق فارغ
شوند و در حدیث دیگر حضرت صادق فرمود که هیچ مالی
در صحرا و دریا تلف نمیشود مگر به ندادن زکوة و حقتعالی
میفرماید الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ
أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ
لِمَنْ يَشَاءُ یعنی مثل جماعتی که صرف مینمایند مالهای خود را
در راه خدا از زکوة و خمس و جهاد و حج و غیر اینها مانند دانه است
که برویانند از آن هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه بوده
باشد که مجموع هفتصد برابر میشود و حقتعالی مضاعف میکند آنرا
باضعاف این از برای هر که خواهد و آیات و اخبار در این

باب بسیار است وانچه مذکور شد برای کسی که ایمان بـ
خدا و رسول داشته باشد کامنیست واما اجناسی که در
انها زکوة واجب میشود پس نه جنس است اول طلا هرگاه نقد
بیست اشرفی باشد وسکه داشته باشد ویکسال بماند که
بدل نکند وتغییر ندهند مقدار چهل یک از ان زکوة میباید
داد بعد ازان هر چهار اشرفی که زیاد شود بعد از سال چهل
یک میباید داد دوم نقره است بدویست درهم برسد
که تخمینا دوازده هزار وشش صد دینار عجمی بوده باشد موافق
زر ده دانکی وسکه داشته باشد ویکسال بحال خود بماند
بعد از سال چهل ویک میباید داد هر چند چهل درهم زیاد
شود که دو هزار و پانصد و بیست دینار باشد چهل یک
از ان میباید داد سیم شتر است ونصاب ان دوازده است اول
پنج شتر است ودر ان یک گوسفند است دویم ده شتر است
ودر ان دو گوسفند است سیم سه گوسفند پانزده شتر است
ودر ان سه گوسفند است چهارم بیست شتر است ودر ان
چهار گوسفند است پنجم بیست وپنج شتر است ودر ان پنج
گوسفند و گوسفندی که دهند بهتر انست که هفت ماهه
یا درهشت باشد و کمتر نباشد اگر گوسفند دهند واگر نه
دهند یکساله یا در دو باشد ششم بیست وشش شتر است

وباید

و باید شتر ماده یکساله یا در دو بدهند و اگر نداشته
باشد شتر نر دو ساله یا در سه بدهند هفتم سی و شش
است و باید شتر ماده دو ساله یا در سه بدهند هشتم
چهل و شش است و باید شتر سه ساله یا در چهار
بدهند نهم شصت و یک است و باید که شتر ماده
چهار ساله یا در پنج بدهد دهم هفتاد و شش است
و باید دو شتر ماده دو ساله یا در سه بدهد یازدهم
نود و یکست و باید دو شتر ماده سه ساله یا در چهار
بدهد دوازدهم صد و بیست و یک است و هرچه زیاد
شود در هر پنجاه شتر ماده سه ساله میدهد و در
هر چهل شتر یک شتر ماده دو ساله میدهد چهارم گاو
و در هر سی گاو یک گوساله ماده یا نر یکساله یا در
دو میدهد و در چهل گاو یک گاو ماده دو ساله یا در
سه میدهد پنجم گوسفند است و در چهل گوسفند یک
گوسفند واجبست و در صد و بیست و یک گوسفند
دو گوسفند و در دویست و یک گوسفند سه گوسفند
واجب است و در سیصد و یک گوسفند احوط آنست
که چهار گوسفند بدهد و چون بچهار صد برسد هرچه
زیاده شود از هر صد گوسفند یک گوسفند میدهد

و در زکوة هر یک از شتر و گاو و گوسفند شرط است
که در علف مباح چریده باشند در تمام سال پس اگر
علف مملوک خورده باشد واحوط آنست که اگر چریده
نیز بیشتر باشد زکوة بدهد و بچهها را تا شیر خورند حساب
نمیباید کرد بنابر مشهور و احتیاط در آنست که از روزی
که متولد میشوند حساب کنند و در طلا و نقره و حیوانات
هم شرطست که سال بر ایشان بگردد و سال زکوة یازده
ماهست چون ماه دوازدهم داخل شد زکوة واجب
میشود و در گاو و شتر شرط است که کارکن نباشد
پس اگر بار کشند یا خویش کنند زکوة واجب نیست و
گوسفند و بز را بر سر هم حساب میکنند و گاو و گاومیش را
بر سر هم حساب میکنند و شتر نر و ماده و لوک را بر سر هم
حساب میکنند ششم و هفتم و هشتم و نهم گندم و جو
و خرما و مویز است و شرطست که هر یک بنصاب
رسیده باشد و نصاب سیصد و هفت من پنجاه درم
است بسنگ تبریز و انگور هرگاه نهصد و بیست و یک
باشد احوط آنست که زکوة بدهند و شرط است که
این غلات در ملک او بحد نصاب رسیده باشد پس اگر
گندم و جو را بعد از درو کردن بخرد زکوة بر فروشند

واجب است

واجبست واگر زمین را باجاره گرفته باشد زکوة بر مستاجر
واجبست واگر بمزارعه بگیرد بنصف یا ثلث یا ربع
یا ده چهار مثلا زکوة حصه مالک بر مالک واجبست
وزکوة حصه عامل بر عامل اگر حصه هر یک تنها بقدر
نصاب رسیدن باشد پس اگر زراعت و باغ اب باران و
یا روان یا اب افتاب یا اب ریشه خورده باشد ده یک بدهند
واگر اب دست یا گاو یا چرخ خورده باشد بیست یک
بدهند واگر از هر دو خورده باشد بیشتر اعتبار دارد واگر
هر دو مساوی باشد پانزده یک بدهند واحوط واولی
انست که بغیر از خراج پادشاه چیزی از خرج زراعت را
بدر نکنند در دادن زکوة وچون اکثر علما برانند که تعلق
زکوة بانگور در وقت غوره شدن است پس احوط انست که
ارباب خبرت را بیاورند که تخمین کنند میوه باغ را که چه
مقدار است و یا خود مقرر سازد که بان نسبت زکوة خواهم
داد تا انچه خورد از غوره وانگور حلال باشد یا انکه انچه
بر دارد بکشد وحساب نگهدارد یا انچه بر دارد عشر غوره را
بدهد وهمچنین گندم وجو وقتی که دانه ببندد وبعضی
از علما گفته اند که زکوة واجبست در حبوب مانند
برنج وماش ونخود وعدس وامثال اینها هر گاه بنصاب

جو و گندم برسند بهمان شرایط و مقداری که گذشت
و مشهور آنست که زکوة اینها سنتست و در مادیان که در علف
مباح چرا کند و سال بر او بگذرد زکوة سنتست پس اگر مادیان
و مادیان عربی باشند دو اشرفی در سالی اشرفی چهار دانگ
و نیم می باید داد و اگر یابو باشد که یکی از پدر و مادرش عربی
نباشد یک اشرفی می باید داد و در زکوة تجارت جمعی بوجوب
قایل شده اند و مشهور آنست که سنتست و آن مالیست
که مالک شود او را بعنوان معاوضه و در وقت مالک
شدن قصد اکتساب و تجارت بآن داشته باشد و می باید
که قیمت آن بیکی از نصاب طلا و نقره برسد و در تمام سال
نصاب باقی باشد و در تمام سال از مایه کم نشود که
با مایه یا بیشتر بخرند اگر چند سال بگذرد که مایه دکی
باشد سنتست که زکوة یکسال را بدهند و اگر بر مایه
باقی باشد هر سال چهل یک را میدهند و اگر معاوضه
کند در اثناء سال بقصد تجارت خلافست و احوط آنست
که باز بدهند و سنتست که در وقت درو کردن اگر
فقرا حاضر باشند هر فقیری را دسته گندم بدهند هر قدر
بر دستش نمی آید و در وقت چیدن خرما و انگور یک مشت
بدهند و بزکوة حساب نکنند اما مستحق زکوة پس هشت

طایفه اند اول و دوم فقرا و مساکین و ایشان کسانی اند که
قوت سالیانه خود و عیال خود نداشته باشند و قادر بر کسبی
نباشند که معاش خود و عیال خود را بآن توانند کرد و باید
و احوط آنست که صالح باشند و سایل بکف نباشند سیم
کسیست که امام ع نصب میکند برای گرفتن زکوة و حصه
باو میدهد و در این زمان او نمیباشد غالبا و همچنین چهارم
که مؤلفة قلوبهم اند در این زمان نمیباشند غالبا پنجم صرف
کردن در آزاد کردن بندگانست مثل آنکه غلام خود را
مکاتب کرده است که مالی بدهد و آزاد شود و او عاجز باشد
بر دادن آن بر آقا زکوة واجب شده باشد باید که قدری
از زکوة را بمال کتابت او حساب کند و الا دیگران از
زکوة حصه باو بدهند و آزاد شود یا غلامی که از دست
آقا در تعب و شدت باشد از مال زکوة بخرند و آزاد کنند
ششم قرض داران اند که قرض کرده باشند و در معصیت
صرف نکرده باشند در اداء قرض ایشان میتوان داد هفتم
فی سبیل الله است یعنی صرف راههای خدا مانند جهاد
فی سبیل الله و یاری حاجیان و زوار ائمه معصومین و
بنای مساجد و پلها و امثال اینها و بعضی گفته اند که
مخصوص جهاد است در زمانی که جهاد باشد و این احوط

هشتم ابن السبیل است وآن کسی است که بغربت افتاده باشد
وخرج برگشتن خانهٔ خود نداشته باشد بآن مقدار باو میدهند
غیر مؤلفه شیعهٔ اثنی عشری باشد واحوط آنست که اجتناب
از گناهان کبیره کند خصوصا شراب خوردن دیگر شرط
که واجب النفقهٔ مالک نباشد مثل پدر و مادر و جد و
جده هرچند بالا روند و فرزندان و فرزندزادگان هرچند
پائین روند و زن و بنده و بهتر آنست که زکوة را بخویشان
پریشان بدهند غیر اینها که مذکور شد اگر شرایط دارا
باشند و غیر سید زکوة بسید نمیتواند داد اما سید زکوة خود را
بسید و غیر سید میتواند داد و غیر سید احوط آنست که بسید
هم ندهند و بهتر آنست که زکوة را بنزد مجتهد یا عالمی که
مصارف زکوة را داند ببرند که او بمصرف برساند
در خمس است بدانکه در هفت چیز است که واجب
شود اول غنیمتی که از کافران بجنگ بگیرند خواه در جنگگاه باشد
وخواه در بیرون دوم معادن است مانند طلا و نقره و مس
وسرب و یاقوت و زبرجد و سرمه و عنبر و قیر و نفط و
کبریت بعد از آنکه خرج بیرون آوردن بدر رود پنج یک
اورا باید داد و مشهور آنست که نصاب ندارد و بعضی
گفته اند نصابش یک دینار است تا بیک دینار نرسد

خمس

خمس واجب نمی شود و بعضی ببیست دینار گفته اند یعنی
بیست اشرفی که نصاب اول طلا است و اکثر متاخرین
باین قایل شده اند و خالی از قوتی نیست و اگر چند
کس شریک باشند باید حصه هر یک جدا بنصاب
برسد ستم گنج است یعنی مالی که در زمین پنهان کرده
باشند پس اگر گنج را در بلاد کفار بیابند که در انجا
مسلمانی نباشد هر چند سکه اسلام داشته باشد یا
در دار الاسلام بیابند و سکه اسلام نداشته باشد
و بیست دینار یعنی اشرفی برسد و اگر طلا باشد خمس او را
میدهند و باقی از او ست و اگر نقره باشد بدویست
درهم برسد که موافق زر ده دانگی دوازده هزار و ششصد
دینار است و اگر غیر طلا و نقره باشد قیمت ان بیکی از
مقدار برسد و اگر سکه اسلام داشته باشد یا علامتی
که دلالت کند بر انکه از مسلمانی بوده است مشهور
میان علما انست که حکم لقطه دارد میباید یکسال
تعریف کند اگر صاحبش پیدا شود بصاحب بدهد
الا مخیر است میان مالک شدن و تصدق کردن و
بامانت نگاه داشتن و اگر در صورت اول صاحبش
پیدا شود و راضی نباشد عوض بدهد و ظاهر اخبار انست

که اگر از روی زمین یافته است لقطه است و اگر در زیر
زمین بوده است گنج است خواه اثر اسلام داشته باشد
و خواه نداشته باشد و جمعی باین قایل شده اند و خالی
از قوتی نیست و اگر گنج را در زمین خود بیابد که از پدران
باو رسیده باشد از او ست و اگر خمس او را بدهد احوط
است و اگر زمین را خریده باشد تعریف میکند بایع نزدیک
و دور و اگر نشانی بدهند که ظن صدق دارد بایشان حاصل
شود بایشان میدهند علی المشهور و الا از او ست و
احوط آنست که خمس ان بدهد و همچنین اگر حیوانی
چون شتر و گاو در شکم آن چیزی بیابد تعریف می کند
بایع و اگر نشان ندهند از او ست و احوط اخراج
خمس است و اگر در شکم ماهی بیابد خمس میدهد احتیاطا
و باقی از او ست و بان ملحق کرده اند حیوانات شکاری
را مانند آهو و اگر محتمل باشد که در خانه مالک سابق
خورده باشد احوط آنست که تعریف باو بکند چهارم
چیزیست که بغوص از دریا بیرون می آورند مانند مروارید
و مرجان و نصاب در آن معتبر است و مشهور آنست که
نصابش یک دینار است یعنی یک اشرفی تمام وزن و بعضی
مثبت دینار گفته اند و اگر چه چند مرتبه در آورد همه را

تمامی هم

تما با هم حساب می کند هر چند در ما بین ترک عوض کرده باشد
علی الاحوط و اگر چند کس شریک باشند حصه هر یک
میباید بنصاب برسد و اگر عنبر را از دریا بغوص در آورند
حکم مروارید دارد و احوط آنست که بهر حال خمس آنرا
بدهد و رعایت نصاب در آن نکنند پنجم فاضل مؤنت
سالیانه است از ارباح تجارتها و زراعتها و همه کسبها
و مشهور آنست که در میراث و بخشش و هدیه خمس نمیباشد
و خرج سالیانه را که بیرون میکنند قدر وسط مناسب
حال آن شخص را اعتبار کرده اند پس اگر اسراف کرده باشد
خمس آنکه اسراف کرده است بیرون می کند و اگر بر خود تنگ
گرفته باشد تمام بیرون میکند علی المشهور و احوط آنست
که از هر چه زیاده آمده باشد بدهد بلکه نهایت احتیاط
آنست که هر چه حاصل شود و خرج بکند در زیادتی را در
روز خمس بدهد و اگر در اثنای سال اخراجات ضروریه
واقع شود مثل خرج کدخدائی و حج بیت الله و زیارات
رسول و ائمه و امثال اینها همه را بقدر وسط بیرون
میکند و همچنین تعدیات و زیادتیها که ظلم کنند
جمیع را بیرون میکند و خمس بقیه را میدهد و ابو الصلاح
قایل شده است که در میراث و هبه و هدیه نیز خمس واجب

است و در حدیث صحیح وارد شده است که اگر از شخصی
جایزهٔ عطائی باو برسد یا میراثی از جائی که گمان نداشته
باشد باو برسد یا مالی از دشمنان دین باو برسد خمس میباید
داد خمس میباید داد و عمل باین روایت احوط است ششم ز
مینی است که یهودیان و نصرانیان و مجوسیان از مسلمانان
بخرند خمس آن زمین را یا خمس قیمت آنرا با رضای ذمی میگیرند
و اگر خانه یا باغ را بخرند مشهور میان علما آنست که خمس
زمین آنها را میگیرند و اکثر قدمای علما متعرض این نوع
خمس نشده اند هفتم مال حلالیست که مخلوط شده باشد
صاحبش را نداند و مقدار حرام را نداند خمس آنرا میدهد بفقرا
سادات و غیر ایشان و بعضی از مخصوص سادات میدانند
و بعضی گفته اند بسادات نمیتوان داد و ظاهر هر دو توان داد
و اگر بشریف بدهند بهتر است و اگر مقدار حرام را داند
و صاحبش را نداند آن مقدار را واجبست که بصاحبش
بدهد و اگر صاحب را داند و مقدار را نداند با صاحب می
باید صلح کند و بعضی گفته اند که در این صورت خمس را بصاحب
میدهند که آن مقدار را که علم دارد بصاحب میدهد
و ما بقی را با صاحب صلح میکند احتیاطا و این احوط است و
اگر مقدار را داند و صاحب را نداند سعی میکند تا صاحب

بهم رسانند

بهم رساند واگر بهم نرسد از برای او تصدق می کند و از
صورهٔ اوّل مسمّی است برد مظالم واگر خمس را بدهد و
تصدق کل را یا بعض را و بعد از ان صاحب پیدا شود
خلاف است که ایا باید باز بصاحب بدهد و احوط
انست که بدهد امّا مستحق خمس مشهور میان علما
انست که شش حصّه میشود چنانچه ظاهر ایهٔ است
و حصّه خدا و رسول و ذوی القربی که نصف خمس است
بعد از حضرهٔ رسول از امام زمان است و نصف دیگر
سه میشود که یتیمان سادات و مسکینان سادات و ابنا
سبیل سادات میدهند و مراد از سیّد موافق مشهور
کسی است که منسوب باشد از جانب پدر بعبد المطلب
و تفسیر مسکین و ابن سبیل در زکوة گذشت و در یتیم
احوط انست که پدر نداشته باشد و ابن سبیل را بقدر
میدهند که بشهر خود رود و از احادیث معتبره ظاهر می
شود که در زمان حضور امام همه خمس را بخدمت آنحضرت
نصف را خود بر میداشته اند و نصف را بان سه
فرقه سادات میداده اند که مذکور شد و بهریك بقدر
کفاف ایشان در یکسال میداده اند و انچه زیاد می آمد
خود بر میداشته اند و اگر وفا نمیکرده از حصّهٔ خود

یتیم را میداده اند و ایشان بمنزلهٔ عیال امام بوده اند
و در زمان غیبت احوط که حصّه سادات را بعلمای عادل
اثنی عشری بدهند که بسادات برسانند بقدر احتیاج
ایشان و امّا نصف دیگر خمس که حصّه آن حضرتست
در زمان غیبت خلافست و مشهور آنست که بعلما
باید داد که بر سبیل تتمه بنیابت آنحضرت بسادات بدهند
و اگر چیزی زیاد آید حفظ کند و بعد از خود بعالم دیگر بدهد
اگر سیّد پریشانی باید بدهند و الا از برای آنحضرت ضبط
کنند و این فرض در این زمانها بسیار نادر است زیرا که سادات
پریشان بسیارند و خمس دهندگان کم اند و جمعی گفته اند
که در زمان غیبت ائمه این حصّه را بر شیعیان حلال کرده
اند و این سخن بی وجه است زیرا که از حضرت صاحب الامر
روایت صریحی نرسیده که بر شیعیان حلال کرده باشد بلکه
خلافش ظاهر است زیرا که در زمان غیبت صغری که
هفتاد سال و کسری بوده نایبان آنحضرت اعنی عثمان بن سعید
و پسر او محمّد و حسین ابن روح و علی ابن محمّد سمری حصّه آن
حضرت را بلکه جمیع خمس را از شیعیان میگرفتند
و بفرموده حضرت بمردم میدادند و ظاهر آنست که در ز
مان نیابت عام آنحضرت که علمای ربانی و محدثان

وحاملان

وحاملان علوم ایشانند باید بگیرند و دنیاداران که اغنیا
انحصر شد برسانند والا باید سادات که سادات اشرف
خلقند یا از گرسنگی بمیرند یا سایل بکف شوند و از
همه کس ذلیل تر باشند زیرا که زکوة و صدقات واجبه
بر ایشان حرامست و خمس را بعوض آن بایشان داده‌اند
و بسبب اختلافی که در میان علمای عصر اغنیا را الجراة
داده‌اند بر منع خمس باعث این شده که اکثر سادات بفقر و فاقه
میگذرانند و حقوق ایشان و اجداد بر ذمت اغنیا میماند
و بر تقدیری که ائمه بر ایشان رحم کرده باشند در زمانهای تقیه
و خوف و شدت که از خلفای جور بر ایشان واقع میشد و حلال
کرده باشند ایشان چگونه بر خود هموار میکنند که عیال و
خویشان و اقارب امام خود را در فقر و اضطراب ببینند
و بر ایشان رحم نکنند و باز در قیامت امید شفاعت از
ایشان داشته باشند و حال آنکه فرموده‌اند که بدترین احوال
مردم در روز قیامت وقتی خواهد بود که صاحبان خمس
برخیزند و بگویند پروردگارا خمس خود را میخواهیم و حضرت
صادق ع فرمود که من یک درهم خمس را از شما میگیرم و حال
آنکه مال من از همه اهل مدینه بیشتر است و میگیرم مگر
از برای آنکه شما پاک شوید از گناه و از حقوق ما حضرت

رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که احسانی با احدی
از اهل بیت من بکند مکافات میدهم او را در قیامت
و اکثر علما بر آنند که اگر صاحب مال حصه امام علیه
السلام را بسادات بدهد بری الذمه نمیشود مگر
آنکه مستحق بعلم مجتهد عادل برسد و بکمان فقیر هم
خمس این حکم دارد   در بیان فضیلت و کیفیت
اعتکاف مکث است در مسجد جامع بجهت عبادت و از سنت
مؤکده است بمقتضای آیات و اخبار بسیار خصوصا
در دهه آخر ماه رمضان چنانچه حضرت سید المرسلین در
دهه آخر ماه رمضان اعتکاف مینمود مگر یک سال که در آن
جنگ بدر واقع شد و در سال بعد از آن بیست روز
اعتکاف داشتند ده روز قضاء سال گذشته و ده
روز اداء و از آن حضرت منقولست که اعتکاف دهه
آخر ماه رمضان برابر است با دو حج و دو عمره و اعتکاف
بنذر و شبه آن مانند عهد و قسم و اجاره دادن خود
بغیر واجب میشود و اگر بنذر واجب شده باشد و نکرده
باشد احوط آنست که [illegible] قضا کند و بعضی گفته
اند بعد از نیت و شروع کردن واجب میشود و هم چنین روز
ششم و نهم و دوازدهم و پانزدهم و هرچه بالا رود

است

نیست و بعضی گفته اند مطلقا واجب نمیشود تا آن اسباب
وجوب بعمل نیاید و این قول قوی نیست و احوط آنست که آن
شبهای تجدید نیت نکنند بقصد قربت و مستحب است
که معتکف شرط کند بر پروردگار خود که اگر او را مانعی
عارض شود بیرون تواند رفت از اعتکاف و ظاهر جمعی
آنست که جایز است اشتراط رجوع باختیار بی تقیید بعارض و
و بعضی در اینجا نفی کرده اند و ظاهرا عارض و مانع اعم از عذر
ضروری نیست و محل این شرط در اعتکاف سنت نزد نیت
اعتکاف و دخول در آن و جماعتی از اصحاب ذکر کرده اند
که محل آن در اعتکاف واجب شدن نزد گفتن صیغه نذر
است و خالی از اشکالی نیست و فایدهٔ شرط آنست که
نزد عارض یا مطلقا اگر خواهد رجوع تواند کرد اگرچه در
روز سیم باشد و فایدهٔ دیگر آنکه اگر با شرط رجوع کند
قضا بر او واجب نیست و اما مکان اعتکاف جمعی از اصحاب
گفته اند که در غیر مسجد مکه و مسجد مدینه و مسجد کوفه و
مسجد بصره اعتکاف نمیباشد و بعضی بجای مسجد مداین را
گفته اند و بعضی هر دو را گفته اند و خلاف در این باب
بسیار است و مسجد مداین گویا در این زمانها معلوم
نیست و مسجد بصره در این اوقات در بیابان واقع است

و اعتکاف دران مشکل است وگفته است که مراد بمسجد
مکه و مدینه ان قدر است که در زمان حضرت رسول صلی الله
علیه و آله بوده نه انچه بعد الحاق کرده اند و ظاهر اینست که در مسجد
جامعی اعتکاف توان کرد و مراد بمسجد جامع مسجد بزرگ است در بلد
که انجا نماز جماعت کنند و مخصوص محله نباشد و اکثر محلات
شهر باینجا برای اقامت جمعه یا جماعت حاضر شوند گو معطل
باشد مثل مسجد جامع عباسی و مسجد جامع قدیم در اصفهان
و مسجد اقا نور و مسجد عباس اباد محل تامل است و احوط انست
که اگر در مکه و مدینه و کوفه باشند در غیر مساجد مخصوصه
واقع نسازند و در بلاد دیگر احوط انست که در مسجد کبیر
بلد که مشهور بمسجد جامع باشد بجا اورند و اگر مسجد بزرگ
تر شهر باشد احوط است و غایت احتیاط انست که
قصد کند که اعتکاف میکنم در این مسجد اگر مطلوب
شارع باشد بعنوان اعتکاف مقرر فیهما و الا در مسجد
عبادة میکنم از برای رضای خدا یا قربة الی الله و شرط
است در اعتکاف لبث سه روز یا بیشتر و مشهور انست
که دو شب در میان داخل اند و بعضی گفته اند اول
نیز داخل است و احوط انست که نزدیک بغروب افتاب
نیت اعتکاف بکند تا شام روز سیم و اگر تا صبح روز چهارم

قصد کند

قصد کند بنابر احتیاط است و شرطست در اعتکاف
که معتکف روزه باشد خواه روزه واجب و خواه روزه
سنت و باید برخصت کسانی باشد که رخصت ایشان در
در روزهٔ سنت شرطست مانند شوهر زن را و مالك
بنده را و احوط آنست که فرزند بی رخصت پدر و مادر
اعتکاف سنت نکند و مهمان بی رخصت مهمان
دار و بر عکس واقع نسازند و نیست در اعتکاف شرط
و ظاهر آنست قصد قربت کافیست و واجبست که بیرون
نرود از مسجدی که بدان اعتکاف میکند بدون ضرورت
مانند نماز جمعه اگر در غیر آن مسجد کنند یا عیادهٔ بیمار
مؤمنی یا حاضر شدن در جنازهٔ مؤمن یا قضای حاجت
مؤمن یا برای حاجت ضروری خود مانند بیت الخلا
رفتن و غسل جنابت اگر محتلم شده باشد و در غسل
جمعه بنابر قول استحباب و سایر اغسال مستحبه اگر در
مسجد نتوان کرد اشکالی هست و مشهور آنست که نمی
توان کرد و همچنین جایز است بیرون رفتن از برای تحصیل
آب و نان و سایر ضروریات اگر کسی نداشته باشد
که برای او تحصیل نماید و همچنین جایز است بیرون رفتن
از جهت گواهی دادن و گواه شدن اگر دیگری نباشد

ونتوان در مسجد بجا آوردن و چون بدر رود در جائی
ننشیند تا برگردد بمسجد و ظاهر انست که در زیر سقف راه
نرود و اگر ممکن باشد توقف بسیار زیاده از ضرورت
واقع نسازد و چون وقت نماز شود نماز را در جای دیگر
غیر از مسجد که محل اعتکاف است ادای او نکند مگر در
مکه معظمه که در همه جا میتواند کرد و اگر سهوا از مسجد بدر
رود اعتکاف باطل نمی شود مگر انکه زمان بسیار بگذرد
که او را معتکف نگویند و همچنین اگر جبرا او را از مسجد
بیرون برند و احوط انست که جزو بدن را نیز از مسجد
بدر نکند و بعضی منع کرده اند از رفتن ببام مسجد و ظاهرا
اگر داخل مسجد باشد ضرور ندارد و بدانکه حرامست
بر معتکف جماع کردن با زنان در روز و شب و هم
چنین حرام است بوسیدن بشهوة و دست بر بدن او
مالیدن بشهوة و احوط اجتناب است از هر دو اگرچه
بشهوة نباشد و حرام است طلب منی کردن اگرچه بکسی که
باشد هرگاه عادتش نباشد که انزال منی اید بسبب ان و
احوط انست که بعبث دست بر ذکر نمالد و حرام است
بوی خوش کردن و گل بوئیدن هر گل که باشد علی
المشهور و باید جدال و نزاع با کسی نکند و احوط انست

که مباحثه

که مباحثه علمی نیز نکند مگر بقصد اظهار حق و خرید و
فروش نکند مگر برای ضرورت نفقه خود و عیال و احوط
انست که وکیلی از برای خود قرار دهد که اینها را بکند
و احوط انست که مطلق معاملات خود را واقع نسازد
حتی عقد نکاح را و همه اینها که در اعتکاف حرام است
در روزها و شبها حرام است مگر خوردن و آشامیدن
که در شب جایز است نه در روز و هرچه روزه را باطل
میسازد اعتکاف را نیز باطل میکند اگر در روز بفعل
آورد و در شب افطار میتواند کرد و مفطرات غیر جماع
و استمناء را واقع میتواند ساخت و اولی از غیر اکل و
شرب و اگر جماع کند اعتکاف باطل میشود و کفاره
میدهد اگر اعتکاف واجب باشد و در روز اول
و دوم اعتکاف سنت خلاف است و احوط کفاره است
اگرچه جماع در شب اول واقع شود و احوط انست که
هرچه روزه را باطل میکند اگر آنرا در روز واقع
سازد کفاره بدهد احتیاطا و کفاره بنده آزاد کردن
است اگر تواند و الا دو ماه پی در پی روزه گرفتن و
الا شصت مسکین را طعام دادن و بعضی گفته اند
مخیر است میان اینها و احوط اولست بلکه اظهر است

اگر جماع در شب واقع شود کفاره میدهد و اگر در روز ماه
رمضان واقع شود دو کفاره میدهد یکی مرتبه و دیگری مخیره
و بعضی گفته اند اگر در روز غیر ماه رمضان واقع شود باز
دو کفاره میدهد و این بی وجه است و بیع و شری و سایر
محرمات غیر از جماع سبب بطلان اعتکاف میشود و کفاره
با اینها واجب نمیشود و در بطلان باستمنا و کفاره بسبب
ان خلافست و احوط اتمامست و کفاره اگر در شب واقع
شود استمنا باطل میکند اعتکاف را البته و کفاره میدهد
احتیاطا و احکام اعتکاف بسیار است و انچه ضرور بود
اکتفا کردیم در بیان کفارات بدانکه کفاره بر دو
نوع است اول کفارات احرام حج و عمره و انها را در رساله
حج بیان کرده ام دوم سایر کفارات و انها بسیارات
بعضی متفق علیه و بعضی مختلف فیه و بعضی واجب
بعضی سنت و بعضی مرتب و بعضی مخیر و همه را بیان
نمیکنیم بر سبیل اجمال برای طالبان ادراک سعادات
ابدی و محصلان نجات عقوبات اخروی بیان مینماید
اول کفاره افطار روزه ماه رمضان و ان واجبست
بخوردن و اشامیدن چیزی که خوردن یا اشامیدن
ان متعارف و معتاد باشد اتفاقا و در غیر معتاد

خلافست واشهر واقوی وجوبست ودر جماع کردن در
قبل زن اتفاقا ودر دبر زن علی الاقوی وبباقی ماندن
بر جنابت عمدا تا طلوع صبح علی الاقوی وبخوابیدن
با جنابت بی نیت غسل تا صبح علی الاحوط وبرسانیدن
غبار غلیظ بحلق بنا بر قول جمعی وطلب منی کردن ودست
بازی کردن یا مکرر نظر کردن تا منی بیاید علی الاحوط
وبه قی کردن عمدا بنا بر قول بعضی وبحقنه کردن وبشیاف
عمل کردن بنا بر قول بعضی وبدروغ بستن بر خدا ورسول
وائمه هدی بنا بر قول بعضی وبسر فرو بردن عمدا در آب
بنا بر قول بعضی هرگاه یکی از این امور را بعمل آورد عمدا و
مسئله داند کفاره بایدداد اجماعا ودر بعضی احتیاطا
واگر از روی سهو باشد کفاره ندارد واگر مسئله نمیداند
خلافست واحوط کفاره است واگر افطار بحلال باشد
کفاره یک بنده آزاد کردن یا دو ماه پیاپی روزه گرفتن
یا شصت مسکین طعام دادن است وبعضی بترتیب
قایل شده اند یعنی اگر قادر باشد بر بنده آزاد کردن
مقدم است والا دو ماه روزه واگر از این نیز عاجز باشد
شصت مسکین را طعام بدهد وقول اول وثانی احوط
است واگر افطار بحرام کرده باشد مانند شراب ولحم

خمر و مال مغصوب داشته و زنا و لواطه بعضی از
علما قایل شده اند که هر سه کفاره بر و واجب می شود
و بعضی مانند افطار بحلال میدانند و اول احوط است دوم
هرگاه در قضای روزه ماه رمضان بعد از زوال افطار
کند مشهور انست که کفاره واجبست و بعضی سنت
میدانند و اشهر و اقوی انست که کفاره طعام دادن
ده مسکین است و اگر عاجز شود سه روز روزه میگیرد
و بعضی مخیر میان این دو میدانند و بعضی کفاره قسم
و بعضی کفاره افطار ماه رمضان لازم میدانند سیم
کفاره ظهار است که کسی با زن خود بگوید انت علی
کظهر امی یعنی تو بر من مانند پشت مادر منی یا خواهر
یا سایر محارم علی الاشهر اگر این را بگوید در وقتی که زن
حایض نباشد و در ان طهر با او جماع نکرده باشد و در
حضور دو عادل بگوید پس اگر خواهد جماع کند باید
که کفاره بدهد و اگر بدون کفاره جماع کند دو کفاره بر او
واجب میشود بنابر مشهور و کفاره ملک بنده ازاد کردن
است و اگر عاجز شود دو ماه پی در پی روزه داشتن و با
عجز شصت مسکین طعام کردن چهارم کفاره ایلا است
یعنی قسم بخورد که زوجه خود را چهار ماه یا زیاده

وطی

وطی نکند و زن او را نزد حاکم شرع برد و حاکم حکم کند که
او را طلاق بگوید یا وطی کند و اختیار وطی نماید باید که
کفاره بدهد و کفاره اش کفارهٔ قسم است که بعد از این
مذکور میشود ان شاء الله پنجم کفارهٔ مخالفت قسم است یا
آنکه قسم خورد باسمای مقدسه خدا بر کردن فعلی که ترکش
که ترکش رجحان نداشته باشد یا نکردن فعلی که فعلش رجحان
نداشته باشد و مخالفت آن قسم نماید و کفاره اش آنست
که یک بنده آزاد کند یا ده مسکین را جامه بپوشاند یا ده
مسکین اطعام کند و اگر از هر سه عاجز شود سه روز پیاپی روزه
بدارد و اگر از هر سه عاجز شود ششم کفاره مخالفت نذر است
بانکه نذر کند فعل امری را که راجح باشد یا ترک امری
را که مرجوح باشد و مخالفت نماید کفاره اش بعضی گفته
اند مانند کفارهٔ قسم است و بعضی گفته اند مانند کفارهٔ
افطار ماه رمضانست یک بنده آزاد کردن یا دو ماه ر
وزه گرفتن یا شصت مسکین را طعام دادن و بعضی گفته
اند که اگر نذر تعلق بروزه داشته باشد کفاره افطار
ماه رمضانست و اگر تعلق بغیر روزه داشته باشد کفاره
اش کفارهٔ قسم است و این قول خالی از قوتی نیست و
احوط کفارهٔ ماه رمضان است مطلقا هفتم کفاره

عهدیست که خدا عهد کرده باشد که امر راجحی یا غیر مرجوحی
را بعمل آورد یا ترک کند امر راجحی یا مرجوحی را و مخالفت
از عهد نماید و در کفاره اش مانند کفارهٔ نذر خلا
فست و احوط آنست که در نذر مذکور شد هشتم قسم
خوردن بعنوان بیزاری از خدا و رسول و ائمهٔ هدی
در حرام بودن چنین قسمی خلافی نیست و لیکن در و
جوب کفارهٔ بچنین قسم یاد کردن خلافست بعضی گفته
اند کفاره اش کفارهٔ ظهار است اول بنده آزاد کردن
و با عجز آن دو ماه روزه داشتن و با عجز آن شصت مسکین
را طعام دادن و اگر عاجز شود ده مسکین را طعام یا
کسوه بدهد و اگر عاجز شود سه روز متوالی روزه بدارد
و بعضی گفته اند کفاره اش کفارهٔ نذر است و ابن با
بویه گفته است سه روز روزه بدارد و ده مسکین را
طعام بدهد و بعضی گفته اند گناه کرده است و کفاره
ندارد و در حدیث صحیح وارد شده است که صفار
بحضرت امام حسن عسکری نوشت که مردی سوگند
یاد کرد به بیزاری از خدا و رسول و مخالفت کرد توبه و
کفارهٔ او چیست حضرت فرمودند که ده مسکین را طعام
میدهد هر مسکینی را یک مد و طلب آمرزش میکند

از خدا

از خدا و بعضی از علما باین مضمون قایل شده و خالی از قوتی
نیست و ایضا خلاف کرده اند که این کفاره برای اصل
سوگند خوردنست یا برای مخالفت سوگند کردن و باید
که چنین سوگندی یاد نکند و اگر بکند بمحض عمل بقول
اول بکند اگرچه ظاهر آنست که عمل بروایت مجزی است
نهم بعضی از علما قایل شده اند که زنی که در مصیبت موی
سر خود را ببرد کفارهٔ افطار ماه رمضان میدهد بر ترتیب
بر قول بعضی و بعضی اند گناه دارد و کفاره ندارد و در
روایتی وارد شده است که کفارهٔ افطار ماه رمضان
لازم است و احوط عمل بروایت است و بعضی تراشیدن
موی را نیز الحاق کرده اند ببریدن در وجوب کفاره دهم
گاه زن در مصیبت موی سر خود را یا روی خود را بخراشد
یا مردی جامهٔ خود را در مرگ فرزند خود یا زوجهٔ خود چاک
کند کفارهٔ قسم لازم میشود بنابر قول بعضی و روایتی بر
این مضمون وارد شده است و احوط است هرچند
وجوب ثابت نیست یازدهم مردی که زن یا متعه یا
متعه یا کنیز خود را در ایام حیض جماع کند در قبل بعضی
کفاره را واجب دانسته اند و بعضی سنت و مشهور
میان علما آنست که اگر در اول حیض باشد یک اشرفی

تصدق میکند و در وسط حیض نیم اشرفی و در اخر حیض
ثلث اشرفی و احوط عدم ترک کفاره است دوازدهم
کسی بخواب رود نماز خفتن نکرده باشد تا نصف شب
بکذرد بعضی کفته اند که [illegible] بسبب ان روز را روزه
بدارد و اشهر استحباب است و بعضی عامد و ناسی را
ملحق کرده اند و مشهور انست که بر تقدیر وجوب
اکر روزه ندارد کناه کرده است و کفاره ندارد و بعضی
لازم دانسته اند کفاره ماه رمضان و این قول ضعیف
است و احوط انست که یک روز قضا بکیرد سیزدهم کفاره
قتل عمد است که دانسته کسی را بکشد یا کاری که غا
لبا کشنده باشد نسبت بکسی واقع سازد و او کشته
شود و قصد کشتن نداشتن باشد کفاره اش انست
که یک بنده ازاد کند و دو ماه متوالی روزه بدارد
و شصت مسکین را طعام بدهد چهاردهم کفاره قتل
خطا است که کسی را بنادانی بکشد قصد قتل نداشته
باشد و کاری کند که غالبا کشنده نباشد و او کشته
شود مانند طفلی را برای تادیب بزند و بمیرد یا تیری
بسوی اهو بیندازد و بشخص خورد و کشته شود یا دیوار
بر کسی بخورد و او بیفتد و بمیرد و اکر خود مباشر قتل نباشد

وکاری

وکاری کند که از سبب قتل شود مثل آنکه چاهی در
راهی بکند و کسی در آن چاه بیفتد و بمیرد یا سنگی بر سر
راهی بگذارد و باعث قتل کسی شود مشهور آنست که
کفاره لازم نمیشود هرچند دیت لازم شود و کفاره بنده
آزاد کردنست و بعد از عاجز شدن از آن دو ماه متوالی
روزه داشتن و بعد از عجز از آن شصت مسکین طعام
دادن پانزدهم اگر کسی زنی در عدت دیگری تزویج کند
میباید از آن زن مفارقت کند و بقول بعضی از علما
پنج صاع آرد تصدق میکند و احوط آنست که اگر زن دیگر را
عقد کند نیز این کفاره را بدهد یا پنج درهم تصدق کند
شانزدهم کسی که مملوک خود را زیاده از حد شرعی بزند
بعضی علما گفته اند و موافق بعضی از روایات واجبست
که آن مملوک را بکفاره آن عمل آزاد کند و این احوط
است و اگر او را بکشد بعمل کفاره جمع میدهد و اگر
بخطا بکشد کفاره قتل خطا میدهد و واجب نیست که
قیمت غلام را تصدق کند بنابر مشهور هفدهم کسی که
روزه ماه مبارک رمضان را افطار کند بسبب بیماری اگر
تا ماه رمضان دیگر بیمار باشد اشهر و اقوی آنست که
قضا ساقط میشود و برای هر روز یک مد یا دو مد طعام

میشود علی الخلاف و بعضی گفته اند قضا میکند و ابن
جنید رحمه الله گفته است احتیاطا هر دو را میکند و اگر
ما بین دو رمضان از ازرش برطرف شود و قادر بر روزه باشد
و بدون عذری تاخیر کند تا آنکه ماه رمضان دیگر بیاید
اشهر و اقوی آنست که بعد از ماه رمضان قضا میکند و
هم از برای هر روزی یک مد طعام میدهد و بعضی کفاره را
واجب ندانسته اند و بعضی گفته اند کفاره در صورتیست
که عزم بر قضا نداشته باشد و اگر عازم بر قضا باشد
و بعد از تنگ شدن وقت بیماری یا عذری دیگر عارض
شود قضا باید کرد و کفاره نیست و قول اول اقوی است
هیجدهم نوادر کفارات است از حضرت صادق منقول است
که کفاره عمل سلطان قضاء حوائج مؤمنان است و کفاره
غیبت آنست که برای شخصی که او را غیبت کرده است
استغفار کند و کفاره مجلس آنست که چون از مجلس بر
خیزد بگوید سبحان ربک رب العزة عما یصفون و
سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین و
کفاره خنده آنست که بگوید اللهم لا تمقتنی یعنی
خدایا مرا دشمن مدار و بر من غضب مکن و در حدیث
معتبر از امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که هر کس

بد بکری بگوید لَا اَبَ لَکَ وَلَا اُمَّ لَکَ یعنی تو را پدر
مباد یا مادر مباد باید که چیزی تصدق کند کند
و کسیکه بگوید نه بحق پدرم یا بجان پدرم کفاره اش
آنست که بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰه و خلافست در این نوع
از قسم مثل بجان خود یا بجان تو یا بحق پدرم بعضی حرام
دانسته اند و اشهر کراهیت است و احوط ترکست و
امّا احکام کفارات مذکوره در چند فصل بیان می
شود اوّل هر گاه بنده باید آزاد کرده و کفارهٔ قتل میبا
آن بندهٔ مؤمن باشد و در باقی کفارات خلاف است
و احوط رعایت ایمانست و در کفارهٔ قتل احوط آنست
که بالغ باشد و در غیر آن مرد و زن و بالغ مجزیست و باید که
بنده کور و صاحب خوره و زمین گیر نباشد و مولی جراحت
باو نرسانیده باشد که موجب عتق او باشد و بعضی گفته
که باید خصی و لال و کر هم نباشد و ولد الزنا نباشد و
مشهور اجزاست و احوط ترکست و غلام گریخته را مشهور
آنست که آزاد میتوان کرد تا علم بمرگش بهم نرسد و بعضی
شرط کرده اند که چیزی باو برسد و شرط کرده اند که ظن
حیوة او باشد دوم در کفاره مرتبه تا از بنده آزاد کردن
عاجز نشود بروزه منتقل نمیشود و هر جا که روزهٔ دوما

باشد باید متوالی بگیرد و توالی یک ماه و یک روز که متصل
بگیرد بعمل می‌آید باین معنی که اگر بعد از آن بدون عذر افطار
کند بنا باید از سر بگیرد و اما تفریق جایز است سعیدی با
حرام مستحق اول اظهر است و ثانی احوط است و اگر
پیش از یک ماه و یک روز بعذر افطار کند از سر میگیرد و اگر بعذر
باشد مانند حیض و نفاس و بیهوشی و دیوانگی و بیماری
و سفر ضروری بعد از زوال عذر بنا میگذارد و تمام می
کند و همچنین اگر مجبور شود بر افطار روزی بنا بر او
هرجا که کفاره دو ماه متوالی باشد اگر کفاره دهنده
بنده باشد یکماه پی در پی میگیرد علی الاقوی پنجم هرجا
که اطعام لازم میشود مشهور آنست که به هر یک انقدر
طعام بخوراند که سیر شود و بهتر آنست که نان خورشی
با آن ضم کند مانند خرما یا گوشت یا سرکه و بعضی گفته
اند میباید چاشت و شام هر دو هر مسکین بخوراند انقدر
که سیر شود و احوط اینست اگرچه اظهر آنست که بیک وقت
اکتفا میتوان کرد و اگر خواهد طعام را بمسکین میتواند
داد و در مقدار آن خلافست بعضی یک مد گفته اند
دو مد را احوط دو مد است و بهتر آنست که با آن نان
خورشی نیز بدهد چنانچه بعضی واجب دانسته اند و

در طعام

در طعام دادن بزرگ و کوچک تفاوت نمی کند و احوط
آنست که حصه اطفال را بولی شرعی ایشان بدهند و اگر
طعام خورند ظاهرا صغیر و کبیر با هم ضم تواند کرد و اگر
دو طفل را بجای یک مرد حساب کند احوط است و در
یک کفاره دو حصه را به یک مسکین نمیتوان داد مگر
آنکه مستحق یافت نشود و احوط آنست که تا ممکن باشد
بغیر مؤمن ندهد و به پریشان تر بیشتر پریشان بدهد که
مسکین بر او صادق باشد و مد چهار یک صاع است
و صاعی یکمن تبریز است و چهارده مثقال و ربعی بنابر
مشهور و چون در احادیث اختلاف در تحدید صاع و مد هست
احوط آنست که بجای دو مد یکمن شاه تقریبا به یک جامه
مانند پیراهن اکتفا کرده اند و بعضی دو جامه لازم
میدانند و بهتر آنست که پیراهن و قبا بدهد یا قبا و پا
پوش و بهتر آنست که نو باشند و طفل را بهتر آنست که
برخصت ولی بر او بپوشانند پنجم هر گاه از عتق رقبه عاجز
باشد و شروع کند در روزه و بعد از آن قادر شود بر بنده
آزاد کردن روزه او را مجزی است و ظاهر آنست که ترک
کند روزه را و بنده آزاد کند خصوصا هر گاه کمتر از یک
ماه و یک روز روزه داشته باشد جمعی از اصحاب

قایل شده اند که هرگاه بر کسی دو ماه متوالی روزه واجب
شود عاجز باشد از گرفتن آن هجده روز روزه میدارد
و اگر نتواند برای هر روز مدی از طعام میدهد و اگر
نتواند استغفار میکند و اشهر و اقوی آنست که از هر
کفاره که عاجز شود استغفار بدل آن میشود مگر کفاره
ظهار که بعضی گفته اند که تا کفاره ندهد وطی زن
با او حلال نمیشود هرچند عاجز باشد و اگر بعد از عجز
و استغفار بر کفاره قدرت بهم رساند احوط آنست که
باز کفاره را بعمل بیاورد و چون اکثر مردم جاهلند به
کفارات و احکام آنها و بر ایشان لازم میشود و نمیدانند
و مشغول الذمه بحق الهی میباشند قدری احکام آنها را
در این رساله کثیر الفایده ایراد نمودم ملتمس از برادران
ایمانی آنست که هرکه از این رساله منتفع گردد در حال
حیوة یا بعد از وفات این شکسته را بدعای رحمت و
مغفرت این مستحق دعا را یاد کنند و ختم بفضل الله و
سبحانه و تاییده فی شهر المعظم شهر رمضان در سنه سبع
و مائه و الف من الهجرة المقدسه علی ید مؤلفه الراجی رحمة
الکریم المنان فی محروسه اصفهان ابن حلبلغاد المعاجی
ما البنا رفیع و منیع بنا زمهمد الحاج و المعتمر طایف بیت الله
الحرام

الحرام و زائر روضات حضرات ائمه انام بتوفیق آثار حضرت
رب الانام حاجی عبدالله شیروانی سمت الاتمام یافت بتحریر
محمد حسن ابن محمد اسمعیل یزدی در شهر شوال سنه ۱۲۳۴

زیارت ششم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَسُولَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا صَفْوَةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ
یَا اَمِینَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلیٰ مَنِ اصْطَفَاهُ وَاخْتَصَّهُ وَاخْتَارَهُ مِنْ بَرِیَّتِهِ اَلسَّلَامُ
عَلَیْکَ یَا خَلِیلَ اللّٰهِ مَا دَجَی اللَّیْلُ وَغَسَقَ وَاَضَاءَ النَّهَارُ وَاَشْرَقَ اَلسَّلَامُ
عَلَیْکَ مَا صَمَتَ صَامِتٌ وَنَطَقَ نَاطِقٌ وَذَرَّ شَارِقٌ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ
اَلسَّلَامُ عَلیٰ مَوْلَانَا اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ اَبِی طَالِبٍ صَاحِبِ السَّوَابِقِ وَ
الْمَنَاقِبِ وَالنَّجْدَةِ وَمُبِیدِ الْکَتَائِبِ الشَّدِیدِ الْبَاسِ الْعَظِیمِ الْمِرَاسِ الْمَکِینِ
الْاَسَاسِ سَاقِی الْمُؤْمِنِینَ بِالْکَاْسِ مِنْ حَوْضِ الرَّسُولِ الْمَکِینِ الْاَمِینِ
اَلسَّلَامُ عَلیٰ صَاحِبِ النُّهیٰ وَالْفَضْلِ وَالطَّوَائِلِ وَالْمَکْرُمَاتِ وَالنَّوَائِلِ
اَلسَّلَامُ عَلیٰ فَارِسِ الْمُؤْمِنِینَ وَلَیْثِ الْمُوَحِّدِینَ وَقَاتِلِ الْمُشْرِکِینَ وَوَصِیِّ
رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلیٰ مَنْ اَیَّدَهُ
بِجَبْرَئِیلَ وَاَعَانَهُ بِمِیکَائِیلَ وَاَزْلَفَهُ فِی الدَّارَیْنِ وَحَبَاهُ بِکُلِّ مَا تَقَرُّ
بِهِ الْعَیْنُ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَعَلیٰ آلِهِ الطَّاهِرِینَ وَعَلیٰ اَوْلَادِهِ الْمُنْتَجَبِینَ
وَعَلَی الْاَئِمَّةِ الرَّاشِدِینَ الَّذِینَ اَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ
وَفَرَضُوا عَلَیْنَا الصَّلٰوةَ وَاَمَرُوا بِاِیتَاءِ الزَّکٰوةِ وَعَرَّفُونَا صِیَامَ شَهْرِ
رَمَضَانَ وَقِرَاءَةَ الْقُرْآنِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَیَعْسُوبَ
الدِّینِ وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بَابَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ
یَا عَیْنَ اللّٰهِ النَّاظِرَةَ وَیَدَهُ الْبَاسِطَةَ وَاُذُنَهُ الْوَاعِیَةَ وَحِکْمَتَهُ الْبَالِغَةَ
وَنِعْمَتَهُ السَّابِغَةَ اَلسَّلَامُ عَلیٰ قَسِیمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ اَلسَّلَامُ

علی نعمة

عَلیٰ نِعْمَۃُ اللّٰہِ عَلَی الْاَبْرٰارِ وَ نِقْمَتُہٗ عَلَی الْفُجّٰارِ اَلسَّلٰمُ عَلیٰ سَیِّدِ الْمُتَّقِیْنَ
الْاَخْیٰارِ اَلسَّلٰامُ عَلیٰ اَخِیْ رَسُوْلِ اللّٰہِ وَ ابْنِ عَمِّہٖ وَ زَوْجِ ابْنَتِہٖ وَ
الْمَخْلُوْقِ مِنْ طِیْنَتِہٖ اَلسَّلٰامُ عَلَی الْاَصْلِ الْقَدِیْمِ وَ الْفَرْعِ الْکَرِیْمِ
اَلسَّلٰامُ عَلَی الثَّمَرِ الْجَنِیِّ اَلسَّلٰامُ عَلیٰ اَبِی الْحَسَنِ عَلِیٍّ اَلسَّلٰامُ عَلیٰ
شَجَرَۃِ طُوْبیٰ وَ سِدْرَۃِ الْمُنْتَھٰی اَلسَّلٰامُ عَلیٰ اٰدَمَ صِفْوَۃِ اللّٰہِ وَ نُوْحٍ
نَجِیِّ اللّٰہِ وَ اِبْرٰھِیْمَ خَلِیْلِ اللّٰہِ وَ مُوْسیٰ کَلِیْمِ اللّٰہِ وَ عِیْسیٰ رُوْحِ اللّٰہِ وَ
مُحَمَّدٍ حَبِیْبِ اللّٰہِ وَ مَنْ بَیْنَھُمْ مِنَ النَّبِیِّیْنَ وَ الصِّدِّیْقِیْنَ وَ الشُّھَدٰاۤءِ وَ
الصّٰالِحِیْنَ وَ حَسُنَ اُولٰۤئِکَ رَفِیْقًا اَلسَّلٰامُ عَلیٰ نُوْرِ الْاَنْوٰارِ وَ سَلِیْلِ
الْاَطْھٰارِ وَ عَنٰاصِرِ الْاَخْیٰارِ اَلسَّلٰامُ عَلیٰ وٰالِدِ الْاَئِمَّۃِ الْاَبْرٰارِ اَلسَّلٰمُ
عَلیٰ حَبْلِ اللّٰہِ الْمَتِیْنِ وَ جَنْبِہِ الْمَکِیْنِ وَ رَحْمَۃُ اللّٰہِ وَ بَرَکٰاتُہٗ اَلسَّلٰمُ
عَلیٰ اَمِیْنِ اللّٰہِ فِیْ اَرْضِہٖ وَ خَلِیْفَتِہٖ وَ الْحٰاکِمِ بِاَمْرِہٖ وَ الْقَیِّمِ بِدِیْنِہٖ
وَ النّٰاطِقِ بِحِکْمَتِہٖ وَ الْعٰامِلِ بِکِتٰابِہٖ اَخِ الرَّسُوْلِ وَ زَوْجِ الْبَتُوْلِ
وَ سَیْفِ اللّٰہِ الْمَسْلُوْلِ اَلسَّلٰامُ عَلیٰ صٰاحِبِ الدَّلٰالٰاتِ وَ الْاٰیٰاتِ
الْبٰاھِرٰاتِ وَ الْمُعْجِزٰاتِ الْقٰاھِرٰاتِ وَ الْمُنْجِیْ مِنَ الْھَلَکٰاتِ الَّذِیْ ذَکَرَہُ
اللّٰہُ فِیْ مُحْکَمِ الْاٰیٰاتِ فَقٰالَ تَعٰالیٰ وَ اِنَّہٗ فِیْ اُمِّ الْکِتٰابِ لَدَیْنٰا لَعَلِیٌّ
حَکِیْمٌ اَلسَّلٰامُ عَلَی اسْمِ اللّٰہِ الرَّضِیِّ وَ وَجْھِہِ الْمُضِیْۤءِ وَ جَنْبِہِ الْعَلِیِّ
وَ رَحْمَۃُ اللّٰہِ وَ بَرَکٰاتُہٗ اَلسَّلٰامُ عَلیٰ حُجَجِ اللّٰہِ وَ اَوْصِیٰاۤئِہٖ وَ خٰاصَّۃِ
اللّٰہِ وَ اَصْفِیٰاۤئِہٖ وَ خٰالِصَتِہٖ وَ اُمَنٰاۤئِہٖ وَ رَحْمَۃُ اللّٰہِ وَ بَرَکٰاتُہٗ
تَوَجَّھْتُ اِلَیْکَ قَصَدْتُکَ یٰا مَوْلٰایَ یٰا اَمِیْنَ اللّٰہِ وَ حُجَّتَہٗ زٰاۤئِرًا عٰارِفًا

بحقك مواليا لاوليائك معاديا لاعدائك متقربا الى الله بزيارتك
فاشفع لي عند الله ربي وربك في خلاص رقبتي من النار وقضاء
حوائجي حوائج الدنيا والآخرة پس خود را بقبر بچسبان ببوس
وبگو سلام الله وسلام ملائكته المقربين والمسلمين لك
بقلوبهم يا امير المؤمنين والناطقين بفضلك والشاهدين على
انك صادق امين صديق عليك ورحمة الله وبركاته اشهد
انك طهر طاهر مطهر من طهر طاهر مطهر اشهد لك يا ولي الله
وولي رسوله بالبلاغ والاداء واشهد انك جنب الله وبابه
وانك حبيب الله ووجهه الذي يؤتى منه وانك سبيل الله
وانك عبد الله واخو رسوله صلى الله عليه وآله اتيتك زائرا
متقربا الى الله عز وجل بزيارتك راغبا اليك والشفاعة ابتغي
بشفاعتك خلاص رقبتي من النار متعوذا بك من النار هاربا
من ذنوبي التي احتطبتها على ظهري فزعا اليك رجاء رحمة ربي
اتيتك استشفع بك يا مولاي واتقرب بك الى الله ليقضي بك حوائجي
فاشفع لي يا امير المؤمنين الى الله فاني عبد الله ومولاك وزائرك
ولك عند الله المقام المحمود والجاه العظيم والشان الكبير و
الشفاعة المقبولة اللهم صل على محمد وآل محمد وصل على
امير المؤمنين عبدك المرتضى وامينك الاوفى وعروتك الوثقى
ويدك العليا وجنبك الاعلى وكلمتك الحسنى وحجتك

عَلَى الْوَرىٰ وَ صِدّيقِكَ الْاَكْبَرُ وَسَيِّدِ الْاَوْصِياءِ وَرُكْنِ الْاَوْلِياءِ وَعِمادِ
الْاَصْفِياءِ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَيَعْسُوبِ الدّينِ وَقُدْوَةِ الصّالِحينَ وَاِمامِ
الْمُخْلِصينَ وَالْمَعْصُومِ مِنَ الْخَلَلِ الْمُهَذَّبِ مِنَ الزَّلَلِ الْمُطَهَّرِ مِنَ
الْعَيْبِ الْمُنَزَّهِ مِنَ الرَّيْبِ اَخي نَبِيِّكَ وَوَصِيِّ رَسُولِكَ الْبائِتِ عَلىٰ
فِراشِهِ وَالْمُواسي لَهُ بِنَفْسِهِ وَكاشِفِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ الَّذي
جَعَلْتَهُ سَيْفاً لِنُبُوَّتِهِ وَآيَةً لِرِسالَتِهِ وَشاهِداً عَلىٰ اُمَّتِهِ وَدَلالَةً
عَلىٰ حُجَّتِهِ وَحامِلاً لِرايَتِهِ وَوِقايَةً لِمُهْجَتِهِ وَهادِياً بِالْاُمَّتِهِ وَيَداً
لِبَاْسِهِ وَتاجاً لِرَاْسِهِ وَباباً لِسِرِّهِ وَمِفْتاحاً لِظَفَرِهِ حَتّىٰ هَزَمَ جُيُوشَ
الشِّرْكِ بِاِذْنِكَ وَاَبادَ عَساكِرَ الْكُفْرِ بِاَمْرِكَ وَبَذَلَ نَفْسَهُ فى مَرْضاتِ
رَسُولِكَ وَجَعَلَها وَقْفاً عَلىٰ طاعَتِهِ فَصَلِّ اللّٰهُمَّ عَلَيْهِ صَلوٰةً دائِمَةً
باقِيَةً پس بگو اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّٰهِ وَالشِّهابُ الثّاقِبُ وَالنُّورُ
الْعاقِبُ يا سَليلَ الْاَطائِبِ يا سِرَّ اللّٰهِ اِنَّ بَيْني وَبَيْنَ اللّٰهِ تَعالىٰ ذُنُوباً
قَدْ اَثْقَلَتْ ظَهْري وَلا يَاْتي عَلَيْها اِلَّا رِضاهُ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلىٰ
سِرِّهِ وَاسْتَرْعاكَ اَمْرَ خَلْقِهِ كُنْ لي اِلَى اللّٰهِ شَفيعاً وَمِنَ النّارِ مُجيراً
وَعَلَى الدَّهْرِ ظَهيراً فَاِنّي عَبْدُ اللّٰهِ وَوَلِيُّكَ وَزائِرُكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ

و شش رکعت نماز زیارت بکن

کتابخانه مجلس جمهوری اسلامی ایران
۱۳۱۶
شماره ثبت

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
تأسیس ۱۳۱۶
گنجینه کتب خطی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
تأسیس ۱۳۱۶
گنجینه کتب خطی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران